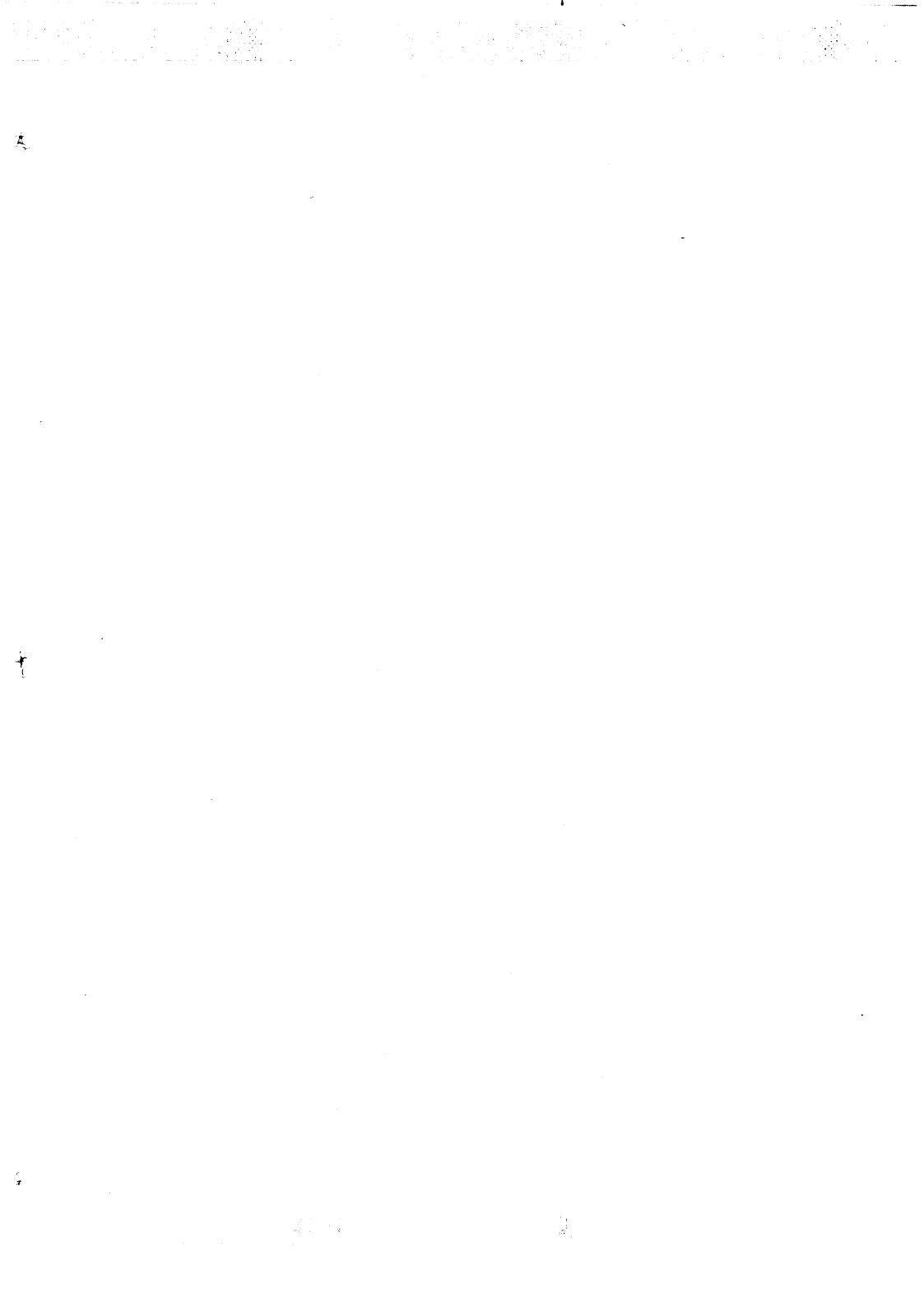


# مجموعه مکاتیب حضرت عبدالنبا،

۵۴

این مجموعه با اجازة محفل مفکین روحانی ملی ایران  
شیرالله ارگانه بقلم او محفول و بنظیر حقیق تکمیل  
شد و استواری از انتشارات مصححه اموی نهبیا غرند  
شهر آلاما ۱۳۳۳ بمطبع



ایم محبوبہ کی تیب مبارک حضرت مولانا ابوالکلام آزاد  
از نسخہ خطی تحفہ بجزا ابوالقاسم اسم افغان کشمیر  
گھڑیہ است

کتاب اتساع الواح مبارک مرکز میاق حضرت عجب البهائم ارواح من فی التوحید  
 رسمه الاطهر فدا که با و امر مطاعه ولی امر الله حضرت شوقی ربانی ارواح المجهین له  
 الفدا از روی اصل نسخه موجوده در شیراز که بنظر اعضا محفل مقدس روحانی رسیده و  
 تدقیق کامل نموده اند نوشته شده بتاریخ اول شهر الملکات یوم البهائم ۱۲۸۲ هجری  
 و سوم رجب ۱۳۴۴ هجری بم دلو ۱۳۰۴ هجری

هو الله

شیراز بواسطه جناب حاجی محمد کریم جناب قاضی میرزا آقاسی طبیب علیه بیست و سه

هو الله

الهدیه الذی دل لسان الوجود بحامده والنعت والطق السن الکائنات بالثناء علیه  
 فی حیر الملکوت و تجلی شئون اللاموت فی عالم اناسوت فاقبقت افده العارفين انوار  
 العرفان من مطلع النور المبین و ذلت الاعناق و خضعت الرقاب و عنمت الوجوه  
 و شععت الاصوات بجمال الجمله بنور جمال فخرت الابصار عن مشهده ذکک الوجه المنیر  
 و ابدع تحیه و شفاء و کثیر و بهاء تندی الی کونکب الاسرار و الفیه البانغ فی انق الا نوار

نکات و مبرکات

منسب ح

مصباح الملاء الاصلی والكلمة العليا والحقیفة الساطعة فی الایمن العتقة الاولى والصدق  
 النفسی والسجد الاقصى وحلی الذین اتبعوا باثباته المستمرة فی الایات بظهور الاسم الاعظم له بكل  
 الکبریم وشمس القدم عن مطلع العالم ساطعة علی افاق القبائل والامم الی ابد الابد ینان  
 الله حکمه ولبسیان در این عصر و او ان که حضرت یزدان بصفت رحمانیت تجلی بر  
 کیهان نموده و قلوب الغیض عرفان مهتابان فرموده آثار فضل وجود العالم وجود احاطه نموده  
 پس اهل سجود باید قدر این فضل مشهور ابدانند و بشکرانه الطاف رب و دود چنان شور و  
 ولی در عالم وجود اندازند که شرق و غرب بجدب و طرب آید و جنوب و شمال نور جمال  
 منور گردد زیر اموبت عظمی و حقیقت وفا و عبودیت آستان کبریا مانند اکلیل عدیل در  
 اوج سما موجود و مهیتا چه سری لایق این افسر گردد و چه قاسمی سزاوار این خلعت شود و  
 چه زیاجی موقد این سراج شود و چه افتی مطلع این کوکب و ما ج کرد پس  
 ای یار روحانی سبحان کبوش تا پرتو نور مبین بر رخ افتد و بمینت این فیض قدیم فرخ  
 شود قوه جاذبه این موهبت القطع و انجذابت و روح و ریحان خضوع و خشوع است  
 و محویت و فنا تبلیغ امر الله است و نشر نجات الله و اعداء کلمه الله  
 و علیک التجهة و الشنا ع ع

شیراز جناب میرزا آقای طبیب علیه بیا، الله

هو الله

یا طیبی بچسپی قد فرزت لخرنگ لثید و خفت عینک تخم الطیر العریب الی الالف  
السعیه واجبت ان اغرنک فی هذا البلاء الجدید وان ینظرب اجسیم والماتم لعظیم  
وقد اضطرت نار الحرات واحاطت الکرات ونزلت البرات من وقعه الالیم  
فما تبتئس ان رکت قد هدی ذکاک الطیر الی سریر الجلیل وکره الرفع فی فرد ولسه البیدع  
والف طیور القدس الصادقه فی حدیقه الانس علی کمن الجلیب فاستمع له اهل الجنان و  
ارفع منهم ارجح بالتهلیل وکتیر علی الرب الجلیل وعلیک التحیه والشناوع ع

خط کاتب و میرزا...

هو الله

شیراز

بواسطه جناب حاج میرزا حسن و جناب حاج محمد کریم جناب آقا طبیب منا جناب طلب معرفت  
بجعت من فاز بملکوت الابن ابی انامیرزا جلال علیه بیا، الله

هو الله

رب یا ذا المنقرت العظمی والموتبه الکبری تغفر لمن تشاء، و تعفو عن تشاء، و تبدل  
السیئات

الیسات باسخت من تآء، الی الی اثبث باحداب ردا، کبریا نمک  
 والوزیبات رحمتک وعلماک و امرغ جنینی علی التراب تذلل الی غیرتک و جلالتک  
 وانا بیک ان تقفر لعبدک الذی غلبت علیه امرارک و همکت له الاستار و کثفت  
 عنده الحجاب و رهنفت له النقب و رزقته لقا، و جهاک عند الایاب الی دار الضوا  
 رب انه طیر خافض الجناح طیره الی اوج الفداح و جعله کمنور تصبغ بلوح من  
 افق النجارج فی ملکوت الارواح حیث اقتذت من ظلام الاشباح و قدرت له  
 کل خیر خصصت به الانبیاء، فی الملاء الاعلی و ملکوتک الایمی انک انت  
 المذکر العاقر العنق للطفیف الکریم الخوان المتعال ع ع  
 جناب قامبرزاقای حکیم و جناب قامیرزاحلا، الدین علیما بآله الایمی

والله

ای دو فرقدان فی محبت آله حمد خدا را که آن دو برادر مانند دو پیکر رضی جوزا  
 از افق هدی لامعند و در انجمن اجناد و سراج ساطع اخوت روحانی و  
 جسمانی مرد و موجود و لهفت صوری و عنوی برد و شهود و این از اعظم الطیف  
 حضرت مفسود کنون باید که آینه استعداد را مجلی نمود تا آنا فانا انوار شمس حقیقت

خط کاتب در سبک است

خط کاتب در سبک است

پشتر بتابد و حکیمک البهآ، الابهی ع ر

شیر از جناب قامیرزا آقای طیب علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای یار روحانی نامه شمارید از عدم فرصت بنهایت اختصار جواب مرقوم کرد  
نامه نامه مشک بود معطر و مغنبر بود راحه محو و فنا در سبیل جمال ابهی از ان نشه  
بود بقول شاعر پرده چه باشد میان عاشق و معشوق سد سکنده ز مانع آشت  
نه حاصل قوه محبت الله قلب را چون آینه صاف و برآق و از هر زکی ممتاز و آزاد نماید  
لذا جمال و کمال ایران ارد و طرف در آن انطباع یابد و اما العلامین بلوغ العالم  
حال بیانش باید مبهم باشد حکمت چنین اقتضا میکند از روح و ریحان اجای آن سامان  
و تشکیل محافل انس بسیار سر و حصول گشت بجناب اخوی میرزا علاء الله پهن تحت ابیع  
ابهی برسان طلب غفران و عفو گنا مان از برای والدین آن یر مهربان گردید بوالده فرزند  
امه الله لهین بقیتوم و اقا میرزا اصلی و اقا میرزا مصطفی و میرزا بهابا نهایت اشتیاق تحت

خدا کاتب و انشاء مبارک است

ابدر ابهی برسان و حکیمک البهآ، الابهی ۲۸ ج ۱ ۱۳۴۸ عبدالهبا، عباس  
این لوح از روی اصل نسخه که مبر مبارک حضرت عبدالهبا، ارواح العالمین فدا ترین ابو  
نوشته و کاتب

هو الله



هوائه

ایمنه به با در خبر است که در یوم رستخیز زمین بیکد یکگز نزدیک کردد  
 ندانتند که صنایع بدیعه شوق و غربر اهدم نماید و اکتشافات جدیده  
 و شمارا امر از کند گمان نمودند که بواسطه عصر و عصر اراضی نزدیک یکدیگر گردند و حال  
 اگر ازان چه اثر بلکه اثر در اینست که اقبالیم شوق و غر ب در نفسی از یکدیگر  
 گیرند و در یک محفل نشینند و مشورت و مصاحبت نمایند سال این قربیت  
 محصور در اقبالیم ارضیه نه بلکه امکان نزدیک لامکان شده و مرکز ادنی قریب  
 الا اعلی گشته اتصالات بین عالم خاک و جهان پاک حاصل شده یکسر سیم  
 مرکز صدور مرکز و سردیگر در ملکوت رب غفور و برق الهام و اسطه کلام و قوه جاذبه  
 محبت الله کاشف اسرار جدی فرما که صدور مرکز الهام گردد و قلوب جو لا نگاه

قوة جاذبة آسمان و عین التیجه و التیجاء ع

۱۳۲۸ ج ۷ بواسطه جناب بشیر آبی جناب قاسم محمد ضای بواناتی علیه با الله

هوائه

رب و رجائی و غایه اعلی و منالی قدس الفرض عبدک انخاضع الی جبروت

ظلمات و مومنا کتبت

تجلیات  
 ظلمات و مومنا کتبت

۷  
 اجلال النجذب الى ملكوت اجمال المتوقفا بنا بمجسبات المشرح الصدر  
 بيات معرفتك رب اكشف الغمه واسبع النعمه واكمل الرحمه وتم المنحه  
 وانقذه من المحنه رب لا كاشف لها الا انت ولا مجير لعبدك الا انت ولا  
 عذيره الا انت ولا سميره الا انت يا ملجئ المضطرين ويا ملاذ اليستلين قدر  
 له كل خير في ملكوت الاسرار وحشره مع الابرار واخفظه من طوارق الليل  
 وجوارح النهار لا اله الا انت العزيز الجبار وعليك الباء الابهى ع  
 بواسطه جناب بشير الكه

بشير جناب ميرزا اجلال زرقاني و آقا محمد صادق خايز عليها بهاء الله الاله

۲۰ والله

اى دو سنده آستان جمال مبارك مکتوب مختصه شام بغايت مفصل بود اين اعجاز  
 اعجاز بود و اين اختصار مفيد ترازا غائب و اسباب زيرا مضمون دليل جليل بر  
 استقامت بر امر الله بود و اليوم استقامت عين كرامتت بلكه اعظم معجزه در  
 عالم بشريت در خصوص حضور بقیة نور مرقوم نموده بوديد اين ايام خذورت  
 متعدده وجود لند امر جون بوقت ديگر نمايد و اگر چنانچه بشر نور مبین پردازيد عين  
 تشرف

خطا كاتب و ميرزا مبارك است

تشرف باستان مقدس است و اجراطائین در حق شما مقرر جمیع ایران الی  
را فرداً فرداً کمال اشتیاق عبدالبهاء ابلغ نمایند و علیکم التجه و التهنئة مع  
ع

هو

رب وفق هؤلاء المنفقین علی کل خیر فی الملک و المملکوت بما انفقوا السوالیم فی تبس  
اولی مشرق الاذکار فی قلب الدیار و بدلوا ما عظیمتم فی بناء بیتک المعهود سعی سگور  
ولم الجزاء المنفور یا مؤید کل عبد سگور رب وعدت جنادک فی کل حسنة عشرة  
امثالها فقدة لولاء اضعاف امثالها العشرة و جعل البرکة تحیط بهم من کل الجهات یا رب  
الایات انک انت المعطی الفیروز الیاب انک انت الکریم الرحیم و قد سبقت  
مک الکلمات فی حق کل من قام علی نصره امرک من اهل الارض و السموات یا  
رب الخیرات و قابل الحسنات و المبتدات

هو الله

ای خباز پر نیاز حضرت روح بجوایمین میفرماید انا خیر الذی نزل من السماء من  
اکل من ذ الخبز لن یموت ابد میفرماید حقیقت عیسویة مایه سماویة است  
و ار آن مایه سماویة هر نفسی بهره گیرد بحیات باقیه فائز شود و همچنین شیون رحمانیة

خطا کاتب است

خطا کاتب است

که از آن مظهر فویضات ربانیه ظاهر شد ان شون نیز مانده سمانیه حضرت چون است  
پس تو بخازالی باش و سبب حصول و وصول و نزول این مانده سمانیه گردید

هو الله

ای ایران رحمانی این زندانی جناب اقا محمد صادق علیه بهاء الله الاهی باز عرض  
وارد و آستان مقدس ساجد گردید فی الحقیقه شمعی بارق و منور محبت الله زرخشی شایق  
دارند در اوقات انس و الفت روحانی ذکر اجابای رحمانی نمودند که الحمد لله ایران  
فارس فارس میدان عرفانند و حارس حسن حصین رحمان توجه بملکوت ابهی  
کنند و تضرع باستان حضرت کبریا نمایند منجز بند و ناطق مشتعلند و بارق  
و مونسند و موافق مفضل توحید باریانند و شمع تجرید پرافروزند و آیات تقدیس  
تزیین نمایند و بند کربدیع مشغول شوند هر یکی گاشن الهی اکل معطر و بوستان رحمانی را  
شکوفه دل معنیه و حدائق قدسه ابللی گویا و سفریو خارا تعبیر رویا شب  
وروز بهدایت خلق کوشند و بیان حج و براهین آئی نسایند و بگفتار فیتار  
سبب تهنه خلق کردند آیات توحید و رایات تجرید از این اوصاف و لغوت نهایت  
فشرح و سرور حاصل گردید ما را نیز امید چنین است و آرزو اعظم از این و یقین است

که موطن

خط کاتبه: مهر مبارک است

که موطن آن نور مبین بهمت دوستان الهی غریب تر زمین یابد و غبطه بهشت برین  
 گردد یاران الهی هر یک بقوه روحانی نوید و پرتو شمس حقیقت فایز و آینه چون  
 صفایه اشعه ساطعه جلوه نماید لهذا از لطاف دلبه آفاق منتظریم که آن خطه و  
 دیار را مشکبار فرماید و آن تسلیم را روضه نعیم نماید شیراز پرآوار گردد و ندای الهی  
 بلند شود و یاران الهی باز و آوازی دس ز شوند که جمیع اصوات خاشع گردند  
 و هر فضائی ساکت و صامت شود تا مصداق شعر ادیب شیراز شود *ولوله*  
*در شهر نیت جز شکن زلف یار* فتنه در آفاق نیت جز خرم ابروی دوست باری  
 عبد الباء باید یاران در نهایت روح و ریحان و بدل و جان جوای روی دوستان  
 دمی خندد گر آنکه تفسیر ع و زاری نمایم و خجسته و پشیمانی کنم و بجمال تبسّل طلب تا میقات  
 نمایم هسته یاران نیز باین زندانی در عجز و زاری همدم و قرینند و جانفشانی  
 در عیال نور مبین *و علیکم الباء الابهی یا الهی و محبوبی و مقسودی و مطلوبی ترانی حیاً*  
 فی الایام و الیالی و متضرعاً الیک قلبی و لسانی و بتهدای الی ملکوتک بروح منجذب  
 الی ملکوت الرانی ان تؤید الدین سمعوا النداء و لبوا للدعاء و انجدوا الی ملکوتک  
 الاعلی و اشتعدوا بالنار الموقدة فی سدره سینا و وجوا و جوههم الیک بین

الوری ورتلو آیات الہدیٰ من علاء الانشا، و لفظوا بالثناء، و رفعوا رایت لہو  
 و سرعوا الی مشهد النفا، بقلوب خافضة باحبت و الولاء، و قاموا بالکج و البرمان بین  
 خلقک علی اثبات امرک بقوت ارتعدت بہ فرائض اولی السنی رب اجل هو لاء  
 مصابح الہجی و منافع ابواب السماء، و آیات الکلمۃ العلیا و آیات الکتاب المبین  
 فی زبر الاولین و صحف الاخرین حتی تم کلوا علیک و یرعوا الیک و یتیموا الشہادۃ  
 ین یدیک انما انت الکریم انما انت العظیم و انت انت الرحمن الرحیم ع ع  
 بواسطہ جناب قاسم محمد صادق زائر شیراز حاجی الی صمیم بہاء اللہ الابی

جناب غدلیب جناب قاسم محمد حسین جناب حاجی میرزا بزرگ جناب حاجی میرزا حبیب اللہ  
 جناب جمیزہ آسیا اللہ جناب میرزا لطف اللہ ستونی جناب سلطان محمد خان جناب آقا میرزا حبیب اللہ  
 خیاط جناب محمد تقی خان جناب قاسم محمد رضا جناب میرزا سیف اللہ جناب میرزا محمد حسن  
 جناب قاسم ابوالقاسم ساعتدار جناب قاسم علی قاسم ہانہ دار جناب قاسم محمد باقر قاش جناب  
 آقا میرزا حبیب کاک جناب میرزا عبدالحسین ثابت جناب آقا میرزا محمد جناب میرزا محمد رضا  
 جناب آقا میرزا محمد عطار جناب قاسم میرزا علیخان جناب میرزا بہاکی جناب شاہزادہ محمد علی میرزا  
 جناب شاہزادہ غلام حسین میرزا جناب حاجی محمد رضا جناب آقا میرزا شکر اللہ جناب میرزا اسماعیل

جناب میرزا عبدالستخان جناب ناظم دفتر جناب میرزا علی رضا خان جناب میرزا امام  
 جناب عیسیٰ بیگ جناب حاجی اسد اللہ پک جناب آقا میرزا ابوالحسن جناب میرزا بابا  
 جناب قاسم اسماعیل جناب میرزا سیاح اللہ جناب آقا شیخ آقا جناب قاسم حسن جناب  
 آقا محمد رضا جناب محمد حسن جناب قاسم علی قاسم جناب میرزا یحییٰ خان جناب قاسم میرزا علی محمد خان  
 علیکم بقاء اللہ الالبی

هو اللہ ش جناب میرزا محمد صادق علیہ بقاء اللہ الالبی ملاحظہ فرمائید

هو اللہ

۱۲

ای مقبول نواز ہدی در این قرن عظیم خداوند کریم متک بعد قدیم جو و تشبہ ذیل  
 رب رحیم کن و در امرانہ خدمتی و در نشہ آثار اللہ ہمتی بنا این ایام پر حسنہ ان بیایان رہ  
 و این نفاس معدودہ منتفی گردد بجان جوہای حیات باقیہ ابدیہ باش و بدل مید بظیف  
 حضرت مجید داشتہ باش لطف و عظیم است و فضل او عظیم عنایت او پنہایت ہست  
 و موہبت او اساس ہدایت باستعداد و استحقاق خویش نظر نما بلکہ لطف و فضل رب

و دود بگر بر عمد و پیمان بت و متین و وزین و زمین باش ع ع ع  
 بواسطہ بنای آقا میرزا محمود زر فانی

شیراز

جناب آقا میرزا محمد حسن

بشیر از جناب قاضی ابوالقاسم عیسی‌ساز جناب قاضی میرزا ابوالفتح نقاش جناب قاضی  
میرزا عبدالحسین و جناب قاضی میرزا محمد صادق عظیم‌ها، الله الاسبی

هو الله

ای یاران عبد البهائم الان در محفل احب و انجمن صنفیا حضرت حیدر قبل علی ضمه  
و ذکر شاگرد شت از قرار معلوم از متولی باشی شاه چراغ نهایت اذیت و جنایده  
و محنت پیمتها کشیده اید سبحان الله شاه چراغ روشن است ولی متولی بسیار تاریک  
و مظلم این نادان با وجودیکه پاپی چه عنایت عظیم است که در چنین ظلمتی خاک مالک عیب  
نارد و بهیوار چه چنین است که خادمان محلات محترمه معاندان بودند از جمله در ضریح حضرت رسول  
علیه الصلوٰه و السلام الان نفوس می خادمنده که شریرترین مخلوقند در چند سال قبل حجاج ایرانیان  
ریخته جمعیرازند و بستند و غارت نمودند حتی شش نفر را کشتند و این ظلم و عدوان سبب  
این بود که طبعی در آل انبیا چاکان داشتند مقصود این است که شما دگر نگه نشوید اینها متولی نمینند  
مستفی هستند از اهل توتلی نیستند از اهل تعنت و بعضا هستند علی الخصوص که معبود  
بر شد موجود نیز موعوم است باری اگر آن ستمکار جنفا آشکار نمود شما وفا نماید و اگر  
اولتدی کرد شما توتلی جوید آتش آنخسورت را با آن محبت خاموش نمانید

نظرات کاتب دهر بارگشت

۱۳۰



وان تیغ تیز اصبر و تحمل سپر کنید تا توانید فربانی کنید و رحمانی طلبید و مهابت  
 رعایت و عنایت بجزای دارید و حکیم تفتیحه و ایشنا، ع ع ع ع ع  
 شیراز بواسطه امه الله و رقه رحمانیه والده فامیرزادای حرم خبابه محمد صادق خباز علیه التحیه و التشنه

۱۰۶۷ الله

۱۴ یا امه الله نهایت ستایش از ایمان ایقان و و له و انجذاب تو نمودند لازم  
 گشت بلکه واجب شد که بتوانم نویسم و توفیق برترزید مغناطین نمایم امر و ریب  
 سرور قلب و تسلی خاطر مرده انجذاب و اشغال نفسی که بگوش انتظار رسد  
 زیر اشب و روز در نهایت انتظارم که از کجا اینک خوشی برآید و نفحه معطر می نمود  
 باری ای امه الله نظر ضعیف و توانی نما بلکه در این میدان بقوه محبت انب جولا  
 نما و سبب شور و شوق در شیراز آنخلو که راز گرد تا اما، رحماننا بسجد و و له آری و  
 محافل در آن مجمع رجال کنی این موهبت اسم اعظم روحی لاجانه الفد ارا  
 از برای هر یک از اما در جهان آرزو می نمایم والله یخص بر حمته من شاکر الله  
 ذو فضل عظیم و حکیم التیحه و ایشنا، ع ع ع ع ع

خطبات و موعظه گویی

ش جناب شاعرنا ظم اقا عبدالرحمن عليه بآه الابهی ملاحظه نماید

هو الابهی

ای اطلق بتای مجی عالم ای خوشا قریحہ طبعی که زلال محاد حق وصال ریش  
و شنای حق از ان چون چشمه حیوان نبعان نماید اینجو شازبانیکه بجد و سکر جمال قدم نبعات  
منظوم و نشور و برش خار احدیت بسراید ای فرخنده گوش که ان اسخانرا بمنیران جهان  
واهنک فرامیرال داود استماع نماید قصیده بدیهه که در بلاغت و فصاحت چون دراز  
ولنالی کمونہ مخزونہ بود به کمال روح و رجحان قرئت شد و بوفور سرور ملاوت گردید  
از غنایات مخصوصه ملکوت ابی امیدوارم که آثار تحسین این تسلیث از اراق اعلی شایده  
نمائی و بعد پیمان ثابت و محکم مانی ع ع

خط کاتب وضا مبارک است

هواته

ورثه طیبه امه آه زهرابی را از قبیل این طیره بجران کچرا برع ابهی ابلاغ نماید  
هو الابهی

خط کاتب

ش جناب عبدالرحمن عليه بآه الابهی ملاحظه نماید

هو الابهی

ای ناظر بنظر کبر درین ساعت که جمعی در این محضر از پیکانه و محرم حاضر و این بعد در محاوره  
و مکالمه مشغول و ناطق خامه برداشته که بنامه نگاشتن آن عاشق جمال ذو لهنن پرانا  
چون تسلیم گرفتیم در یای محبت و الفت چنان موجی بر ساحل دل زد که ریشاش موجی  
از مداد شد و بر این صغیر نجوم چون نوجی بر آورد ملاحظه فرما که این اثر مداد اصلش روحی  
جذاب است که از فر و لوح اسدس محبت الله دیده و عاقبت در جمیع مراتب جلوه نوره  
بسیئت حروفات در این ورقه جلوه گر گشته و لهما عکیک و علی کل ثابت  
علی عهد الله و میثاقه فی ذالک کور العظیم ع ع تبارک  
شیراز ضلع جناب آقا میرزا محمد صادق زائر و صبیئه محترمه شان

خط کاتب در اینجا برآورد است

ای ورقه جلیده پر تو شمس حقیقت شامل است و فیوضات جمال مبارک متصل  
لند انبیهات الطینان تضرع بملکوت الهی کن و طلب شمولان فیوضات نما و عکیک لهما الاهی  
ع ع تبارک

خط کاتب در اینجا برآورد است

۱۷  
 اسی خادم در گاه محبوب آفاق چندی بود که پاسبان آستان الهی بودی و در درگاه  
 احدیت بخدمت بکمال همت کوشیدی و باین موهبت عظمی که منتی آمل صفتیاست  
 فخرگشتی حال نیز باذن و اجازه بنده حق بسوی ایران عازم شو خدا شاهد و گواه است  
 و بعد واقف و آگاه که بفرایض عبودیت قیام نمودی و در خدمت غیر عزائم که همت  
 بستی سگر کن خدار که در ایام الهی مبعوث شدی و بچنین فیض نامتناهی رسیدی اولیای  
 اینت مرا غبطه نمایند و صفتها امال و آرزو جوینند ع ع

ظن ببارک است

هو الاسب

ای منظر سان صدق علیا علیک فیوضات بهار الله فی مبدک و مشواک در  
 جمیع احوال توجه بمنظر اعلی مشرق ابهی کن و در هر امری استمداد و استنصار از مدد غیبی  
 ان عالم الهی کن اگر جنود قوت و قدرت الهیه نمایند جمیع فرق و دول و ملل عالم  
 چند ما بنالک منور من الاغراب واضح و مشهود گردد والا وان یخند لکم من  
 ذالذی یصیرکم من بعده ظاهر و لایح شود پس جهد نما که مؤید گردی و متوق شوی و اسباب  
 علیک ع ع متعجب

ظن ببارک است

الهی الی الی عجب آمنت بک و بایاتک و اقبلت الی وجه جلالک الی الی خصیت  
و جوی لملکوتک الابهی و تشبثت بالعمرة الوثقی و مسکت بذیل رداء الکبریا و  
استتمت علی شریعتک النوراء و ثبتت علی میثاقک العظیم الذی اخذته فی ظل شجرة  
الانبیاء یرتب امر سنی بعین رعایتک الوافیة الاحیاء و انظر الی بلطجات  
رعایتک الی الی احاطت الاشیاء و اخطی من کل البلاء و قوی اثر لزل و انظر الی

خطات و است

یارتب الارباب انک انت الکریم الرحیم الغیر الوهاب ع ع متابعه  
امه الله الموقفه ضعیج جناب زائر اقا محمد صادق و امه الله المطلنه صبیة جناب زائر علیا مبارک الله

۲۱

هو الله

ای کنیز با تمیز رب عزیز جناب زائر از من رجای تحریر نامه نمود من با وجود عدم مجال  
بنگارش این ورقه پرداختم و از فضل و موهبت الهیه رجای نمایم که شمارا در کف جفط و حیث  
خویش محفوظ و مصون فرماید و بنجات قدس مؤانسان نماید و بر عهد و میثاق ثابت دارم ع

خطات و است

متابعه

هو الله

امه الله ضلع اقا سهراب علیها مبارک الله الابهی

ای در قبه بنامه سهراب در ایندت بچک افرایاب فاده و بچک نفس در تب  
وتاب بود و بعد اوقات فلک حقیقت غالب و بر هوای خویش فائق و قاهر  
گشت حال در نهایت مبتل و تضرع و غایت توکل و توجه عازم ان دیاگر دید تا  
بموجب او امر الیه عمل نماید در این چند وقت که در اینجا بود بختهای خدمت مشغول بود  
و در پرستش و عبادت حضرت یزدان نهایت کوشش را مجری داشت پس حکم کن  
نذارا که چنین موبستی موفق و مؤید گردیدی که منتسب بچنین شخصی شدی که در درگاه  
حق مقبول است ع ع سبینه

خط مبارک است

شیراز بواسطه بشیر الهی عصا محمدنه مقدمه حادین محفل بیان عظیم به آ الله الاهی

ای نفوس مبارکه نامه شمار سید نامه نبود نافه مشک غزالان بر وحدت بود زیرا  
رائحه طیبه محبت الله از نعمانی و حقائق ان استشمام میشد حمد خدا را که در آن  
موطن صبح هدی و مسقط الرأس جمال علی روحی له لهنه از چنین نفوس مبارکی چنین  
محفل نورانی تشکیل شد که کل خادمان صادق محفل طور و اقباب حقیقی جمال

خط مبارک است

ای روحی لاجبانه خداستند این انجمن گلشن حسنیّت گردد و گل و ریاحین حقایق و معانی  
 و سبیل و شمیران الکاف رحمانی در نهایت تزیین در آن جلوه نماید رب آن هولاً عبادک  
 النبیا و صنیانک بین الوری و امراء نبلاء فی ملک البقیة البیضاء و عظام الخلق و کبراء بریکت  
 یسئلون بذکرک و یسئلون بثنائک و ینادون باسمک و یخضعون لکلمتک و یسبثنون بالظلم  
 رب اعلم اوراق سدره رحمانیت و از مار حدیقه ربانیت و سرچ اقی حجتک و  
 نجوم سما موبتک انک انت الکریم و انک انت الرحیم و انک انت البرّ الرؤوف

العظیم عبد الباء عباس متعبد

شیراز بواسطه آقا حسن بروجردی جناب آقا محمد رضای بواناتی علیه بهاء الله

هواته

۲۴

ای نفس مطمئنه احوال نامہ معانی بدیده داشت و نفحه معطره جنت ای ازان استشام گشت  
 امید شد است که بهتہ تا نید و توفیق خواهد رسید و عنایات اسم اعظم از جهان قدم  
 شام و کامل گردد از قدم فرصت مختصر مرقوم گردید معذور دارید و حلیک الباء الا بی

حیفاً ۶ رمضان ۱۳۲۸ عبد الباء متعبد

عباس

حکایت و انصاف در کتب

ش ائمه الله والده بناب آقا سهراب علیه بهار الله الایه

ای ائمه الله جناب قاسم سهراب مدتی بود که در نگاه احدیت بندت مشغول بود و از غیر حق غفلت  
 رخت و تعب بسیار کشید و مشقت پشمار تحمل کرد از خدا مبطلم که اجر جزیل مقدر فرماید و  
 نعم بی بدیل مبذول کند حال اشتیاق شمار دارد لهذا عازم آنست گردید و در اینست  
 در ایجاد انما بیاید و ذکر شایب بود و بالتیاب از شاطواف مرقد منور نمود و بر خاک فقاد و در خواست  
 فیض و فوز عظیم نمود ان رکت هو الفضل العظیم و البهار علیک ع ع مآینه

خط مبارک است

بواسطه آقا میرزای فغان شیراز بواسطه آقا محمد حسن پور فروش علیه بهار الله  
 جناب فتح الله حجار و اخوان زرقانی علیه بهار الله الایه

ای بنده الهی چه عنوان شریفی مرقوم نمودی و چه خطاب پر حلاوتی نگاشتی در مذاق این  
 آواره خطاب یا عبد البهار بنایت حلاوت دارد و مادون آن ننگام گرداند احدی که آیام فرست  
 منتی شد و صبح منابره و تبادل انجذابات قلبیه و حواطف وجدانیه بدید و باین موافقت  
 موافق و بریدیم اخبار خوش از فارس میرسد که باران بنایت روح و روحانند این خبر جان

خط کاتب و بهار مبارک است



پرورد بود امید چنانست که اینترده پیاپی برسد الهی لطیف قلبا جنابک بصیبت باطل  
من فیوضاتک و انعم عیشتم بر شحات بحاب رحمتک و اجلدم آیات الهدی بین الوری انکنت  
انت رب الآخرة والا ولی ای بایر حقیقی چون طریق معشوش و سهولت سفر ممکن نه لذ اصبر

۱۳۳۷  
۱۲ روال

ت بهر

نمانید و نیت زبیر را بوقت دیگر مرمون نمانید و علیک البهار الابهی عبدالبار عباس  
بواسطه جناب میرزا احمد زرقانی جناب قاسم کاظم بنا علیه بیار الله

۳۱

ای بنای بنا که اساسش در ارض خبزا و شرفش در اوج سما و کسره اش متواصل بر پیش  
اعلی از بر جدید و پولاد شدید مصوص و شید و مخصوص و مؤید اگر چنین بنای بنای مهندسی و معمار  
و بنای در نهایت اقتدار و الاینیان بشر قاعا صفا کرده و لالی صدف امکان خرف شوند

جناب میرزا محمد عابد

۲۷

ت بهر

مگر پر تو شمس حقیقت تابد و لطافت و لمعان تجتد و علیک البهار الابهی ع ع  
شیراز رزقان عینای محفل روحانی و جابای الهی حسین بهار الله الایه  
جناب استاد عبدالحمد جناب ملا عباس نبار جناب مشهدی احمد جناب تاج فتح الله جناب  
سیف الله جناب آغا علی مشهدی سیمع جناب استاد محمد کاظم بنا جناب آقا یه الله جناب  
استاد محمد علی جداد جناب تاج فتح الله ابن شده ی حسین جناب قاسم جناب استاد عباس

۲۳

جناب استاد حمید جناب استاد رضائی جناب استاد فتح الله جناب قاضی الله جناب خضر  
 جناب استاد حاجی علی جناب شمس‌الدین عبدالمعز خادم جناب استاد حبیب الله جناب تاج‌الدین  
 ابن شمس‌الدین سمیع جناب جاگدای قاضی علیم بهاء الله الالبی

محوالہ

۲۸

ای باران عبد البہاء نامہ شمار سید معانی احساس روحانی بود و مضمون مستحسن بسیار در صحت  
 زیرا دلیل عقلی بر توحید بلکہ اہم بود و قبل از انجیل احمدیہ زرقان روح و ریحان یافتہ جمعی از  
 باران در نہایت ثبوت و اہتمام مطلق توحید و بران گشتند انجمن مبارکی تشکیل یافتہ  
 و جمیع بموجب و صایا و نصایح الہی تمامی عبودیت استان مقدس نمایند و بخدمت پردازند لسان  
 تبلیغ گشاید و یریلغ طبع الطاف نامتناہی جویند تا ہر یک اتق ایمان و یقین از ستارہ درخشندہ  
 شوند و حدائق حقائق و معانی اکل صد برگ خندان گردند من بدگاہ اسم عظیم روحی لغت بہ تربتہ  
 الفداء بحال غمخوار نماز تفریح و اہتمام کنم و شما را ہر یک عزت ابدیہ و حیات سرمدیہ و لوفیقا  
 ناقصا و موہبت با تہیہ طلبم و علیکم البہاء الالبی اعانہ شوق الاکار شہادۃ بیکار ارسال بگردد غ

تاجیکہ

شیراز بواسطہ جناب بشیر

جناب رشید و جناب شامویر و جناب رشید علیم بہاء الله الالبی

محوالہ

خط کتاب در بارگاہ

خط کتاب و دربار کرامت

ای ایران پارسى سن دوستان قدیمید و هو وطنان غیرز در این قرن نازنین قهاب  
 علیسین از سپهر برین نور مبین بخشید تا بر تو ایرد می دلهاى آن یاران دیرین رنگ بهشت  
 برین گشت پس هزاران شکوانه پرورد کار یگانه را که این مرغان پراکنده را بر این چشمه روح  
 بخشنده جمع فرمود وان آوارگان را سر و سامان بخشید پارسایان آرزو رسانید ایرنهایان  
 سر فرار کرد نام نیاکان را تجدید فرمود پیام پیمبران آشکار نمود راز و خور انرا هویدا کرد پس  
 باید که قدر این نعمت بدانیم و ایرزد اندر ابستائیم و از شدت محبت او بگردد نیم و براریم  
 و بملکوت ربانی بنالیم و با لطف رحمانی بایم هزار آسین ای ایران دشمنین که پی  
 باین پیام بر دید و صبحی نورانی پس از آتشیم که شام یافتید خوشحال شما  
 جانان خوش با دواعی متعبدیم

دستخط مبارک

بسمه تعالی  
 این همه جویان خوش خود درخشنده رو مشکبورا بجان جویانم و پیام میفرستم  
 بواسطه حضرت بشیر ا لى جناب اردشیر شاه موید  
 جناب رستم مولود علیما بها آتة الای

خط کاتب و دربار است

۳۰ ابد نفس نفیس افتاب جهان تقدیس چنان اشراق بر افاق نمود که هر شخص  
خیس ز موهبت کبری نفیس گردید و پیکانه آشنانش آن بیدان باید زبان بشکر آنگیند  
که دوباره کواکب سعادت کبری از مطلع ایران در نهایت شعله و ضیاء درخشد نام مرده زنده  
گشت و جسم بر فرد تر و تازه گردید ایمل ایرانی بعد از پیری دور جوانی گرفت و پس از آن  
موبت آسمانی یافت عقرب خواهد دید و شنید که خطه ایران و اقسیم پارسیان  
چگونه بنوراه و خورشید درخشده و تابان گردند و علیکالیه آلا سب ع ع  
بواطه حضرت بشیر آلهی شیراز خراب رد شیر شاه پور یزدی علیه بهار الله الایه

هو الله

ای سودا و در آسمانی نامه منقطع ملاحظه گردید معانی بدیع و شت و ضمایین دشین خضد  
که از سراب و نام میدی و ابر چشمه راز و نیاز سیدی از اب حیات نوشیدی و جال حقیقت  
پرستیدی بدرگاه داور جهان دعا و نیاز نمودم و ترا سکون و قرار و استقامت و تمانت و  
ثبوت و روح تعلیم و تائید بر این است دیگران جان نمودم و سپید خان آنکه این حاجت روا کرد و این  
دعا تجاب شود معتز شید این نواز شاید بگفت از پر و نماند و عدم و آن بود و یکایک است ع ع

بسیه

جناب حسن همدانی علیه بیا، الله الابهی ملاحظه نمایند

ظنن کریمت

اینا البتک بالعروة الوثقی چه نگارم که قلب در نهایت جوش و فروزش است  
و جان زنده بنفحه الهی چه که شوق و شغف جانبازان راه آنه در این صبحگاه  
ارکان وجود را چنان احاطه نموده است که جان با امید وصل جانان جیات یافته  
و دل با آرزوی مشاهده روی دلبر حقیقی بوجد و طرب آمده و سرور و وجود حسته  
طیر صدیقه نوزاد حضرت روح الله ملاحظه نما که بچه انجذاب در حب رب الارباب  
جانباخت و از حیرت امکان بلا مکان شتافت ع ع ع  
جناب طیر مطلق اقا محمد صادق و جناب شمع انجمن ابوالحسن تکبیر ابدع است

ابلاغ نمایند ع ع ع

بواسطه جناب منشادی جناب آقا محمد حسن بلور فروش علیه بهاء الله

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامدلی که بجناب منشادی مرقوم نموده بودی ملاحظه گردید سبب

بجست و نبط شد زیرا مزاح نموده بودی و مداعبه فرموده بودی و از برای اولاً

خوش نامده مخصوص خواسته بودی من نیز فرمایش شمارا بجا آوردم و بنگارش نامه

پرداختم بقول ملا غیر تسلیم و رضا کو چاره ای زیرا ابداً فرصت ندارم مهلت نیابم

راحت بنجویم استرحت نخواهم سکون و قرار ندارم رحمت جان ندانم با وجود

این نامه نخواستیم و علیک البهائیه الابی جناب آقا محمد صادق سلیل

مرحوم آقا محمد خاساب سحیت مشتاقانه من برسان همیشه در یاد و خاطر هست ابداً

فراموش نشود مورد فضل الهیبت و مشمول الطاف و عنایت رحمانی و علیه البهائیه

الابی ع ع متدیده

شیراز جناب آقا محمد حسن بلور فروش علیه بهاء الله

هو الله ای

عظمت و دربار است

ای ثابت بر بیان نامه شمارید از مضمون چنان معلوم گردید که آرزوی دل و جان  
شما نیست که سلیل جمیل در سبیل رب جلیل جانفشانی نماید و بر فاقت  
حضرت طراز و علی اکبر سیر و سفر در بلاد نماید لسان فصیح بکشد و بنای رب جمیل  
پردازد لفظی گردد و لوضوح نظر یابد و فتوح تشنگان را بعمین هدایت  
دلالت نماید و از عین یقین بنوشاند و بحق یقین برساند این نیت بسیار  
مبارکست و این مقصد بی نهایت از حمد امیدوارم که مؤید و موفق گردد

مخاطبات مبارکست

۳۴

امه الله المنجذبه حرم محترمه راز قبل من تحت ابدع ابی ابلغه دارید ع ع

هو الله

جناب زائر مطاف روحانیان آقا محمد حسن علیه بهاء الله الابی مخاطب  
نیزند

مخاطبات مبارکست

۳۵

هو الله

ای طائف حول مطاف ملا اعلی دودست شکر را بدرگاه احدیت بنده نما

و بگوای تنها آرزوی عاشقان <sup>۲۹</sup> ای دلیل مگشتنجان این بنده ضعیف را با لطاف  
 بی پایان بنواختی و این پچاره ذلیل را بدرگاه احدیت رساندی این تشنه سوخته  
 را از عین غمایت نوشاندی و این بجان اسوده را بنیم رحمت تروتازه  
 نمودی شکر ترا که از فضل اکبر نصیب او فرغایت فرمودی و بروضه مبارکه  
 مشرف کردی از فیض ملکوت ابهت بهره بی پایان میطلبم موق فرما  
 غمایت کن ع خ متب به

جناب اقا محمد حسن بلور فروش علیه سبأ آله

هوالتہ

۳۶

ای ثابت بر پیمان نامه شمارید شکرانه بدرگاه الهی گردید که احمد قدیران  
 فارس فوارس میدان عهد و پیمانند و حارس حصن حصین امرآه شیراز احمد  
 قد آوازش بلند شد حرکتی نموده و برکتی یافته امرآه را انتشاری واجا  
 را انتصاری عبدالبهاء از خودت و عبودت و وطن حضرت اعلی روحی له نشد

محرور

خط کاتب و دربارک است



مخزون و دلخون بود حال محمد ته سرور و خوشدست نهایت آرزو چنین بود  
 و امیدم و طیداست که روز بروز خوشتر و دلکشر و بهتر و شیرین تر شود حدیث  
 محبت الله نه اقبال شیرین کند و کافرا را شکرین نماید و عیالک البهائیه ابی  
 یک دستگاه <sup>۴</sup> چرخ هدیه جناب ارباب رستم بیت مبارک مقبول درگاه  
 پرورگار گشت و علیه البهائیه <sup>۵</sup> ع ع <sup>۶</sup> تسابده

شیراز جناب آقا محمد حسن بلور فروش علیه بآء الله <sup>۷</sup> ابی  
 ای بهائی معروف و مشهور <sup>۸</sup> ان دل بلور محمد ته مشکوه نور گردیده و چون <sup>۹</sup> ع  
 و محبت هر دو جمع شده نور علی نور آشکار و پدید گشته جا بلان در پی حور و قصه  
 ولی عارفان مشتاق و دیدار رب غفور آمان عبده بطونند و امیر شهوات گونا  
 گون ولی عارفان آزادگانند و سالکان و اشفتگان یعنی شیشه آرزوی  
 تابانند و اشفته از لطف پریشان دیدار یار بهشت برین است و مشاهده انوار شنی  
 چشم ابرار و سرور ال احرار سگر کن نندار که دیده حقیقی یافتی و در ملکوت دیرین

خطایب و در بیان است

مشاهده جمال اندر نازنین نمودی و صلیک<sup>۳۱</sup> اتحیه و ایشنا ع ع

هو الاهی

جناب آقا محمد حسن من اهل ناعیه بهاء الله الی سبے ملاحظه نمایند

هو الاهی

ای ناظر بملکوت الهی<sup>۳۸</sup> آنچه مرقوم نموده بودید مخصوص مطالعه رفت و ملاحظه

خط مبارک است

سبب ذکر خیر در این محفل رحمانی شد لطافت عین رحمانیت متوجه شما و رشحات غمام

رحمت نازل بر شما الطاف التیة از جمیع جهات محیط است و دریای موهبت

رحمانیة پر موج و فیض نگیرد پس بجان مسرور و متبشر باش و بدل مشروح

و فیسط که باین عین غنایت منظوری و باین لطف و احسان مخصوص در نهایت

استعجال مرقوم شد و صلیک<sup>۳۱</sup> بهاء الله ع ع

هو الله

ط جناب آقا محمد حسین آمدانی علیه بهاء الله الی سبے

بر الاهی

یا من آمن بالله وصدق بکلمات الله علم یشاق در قطب جهان بند است

و پرچمش از اریاح تا ناید ملکوت پر موج و پر عسده و حرکت ام آفاق در خلش داخل و

جنود طاعلی در نصرتش متابع پس ای ایران جانی کمر خدمت بر بندید و بسند در این

میدان برانید تا مانند هوشمندان سبیل حق موفق بنشر نجات شوید ع ع ع

شیراز بواسطه غلامحسین میرزا جناب آقا محمد حسن بلور فروش علیه سبأ الله بی

هوالا

ایمنده آئی جناب شهزاده غلامحسین بی شین و مین بنده ربانی در نامه خود

ستایش از تو نموده و بتبریف و توصیف زبان گشوده که امر المیرا خادم صادق است

واجبای رحمانی را غمخوار موافق و بجهت پست کرم دوشریاوشش رنجابه در نهایت

لطف تقدیم نموده این هدیه بسیار مقبول افتاد و سبب حصول مقصود گردد

عبدالبهاء ترا محبت صادق آواز در گاه سجانی از برای تو تا ناید رحمانی

جوید و عیالک التیحه و لثأ ع ع ع

خطاب است

مستانه

خطاب است و مبارک است

هو الایسے

جناب آقا محمد حسن ہمدانی علیہ بہار اللہ الایسے ملاحظہ نمایند

هو الایسے

۴۱

الہی وغفار ذنوبی انی اتوسل الیک والتضرع بین یدیک وتثبت بنیل  
 عفرائک وابتل الی ملکوت عفوک واحسانک ان تشمل جسدک الذی صعدا  
 ووفد علیک بمحطات امین رحمتیک وتخوض بیہ فی سجاہ مغفرتک بسطان  
 فرادیتک وتجددہ مکملًا بالکلیل تصفح بموہبتہ ربانیتک ومنور الوجہ بعفوک وغفرک  
 فی رفیقک الاعلی یارب الایسے ای رب ہذا ضیفک عامہ برحمتک الکریمی  
 وادخلہ فی جوار الطائفک یا ارحم من فی الارض واسماء انک انت لعفو  
 العفور الرحمن الرحیم والہاء علیہ من حصرة قیومیک یارب الکریم وافر الذنب العظیم ع

هو اللہ

ط امة اللہ والدہ جناب آقا محمد حسن علیہ بہار اللہ الایسے

هو الایسے

نظر مبارک

مت بدہ

۴۲  
ای امه الله باده است و هر کس بخالی بفتون و دلش د و من بقلم و مداد پرداخته  
که شاید روح و فتواد انا و عباد الرحمن متزوسر و گردد و بروح و ریجان اید  
و ازیات محبت جمال قدم روحی جدید اید ای امه الله شعله میثاق است که بجزارت  
عبودیت جمال بی که افاق تاثیر نموده ع ع

ظان کبریت

بواسطه جناب آقا محمد حسن بلوری سلیل جلیل آقا عبدالحسین علیه ببار الله الاسبی

هوانه

۴۳  
ای انعام من پدر مهربان با سماح تمام و اصرار و ابرام بلکه بقوتت باز و از بر آ  
توانم خواسته من انهم جز تسلیم و تکلیف و اطاعت و اجراء چه چاره توانم پدر  
را خاطر عزیز هست و در ملکوت الهی مقرب رب عزیز پس تو قدر این پدر  
بدان و پسر مهربان باش با طاعت او بکوش و اسباب سرور او باش  
تا اظاف جمال مباح احاطه نماید و برای ششینی از دریا می فصل با یکباش

ظان کبریت

۳۵  
دل و جان رسد و علیک الباء، الابی ع ع قه برسد

هو الاسب

۴۴  
ایمده الله ضحیح آقا محمد حسن زائر مطاف ملا روحانین علیها بآئمه الاسب

ملاحظه نمایند

ایمده الله جناب آقا محمد حسن احمدته محفوظاً مصوناً ببلجاً اعظم رسیدند و در

پناه جلاله قدمی متفرگزیدند و از رحمت مخموم نوبشیدند و از حلاوت عنایت

حضرت معلوم چشیدند و در جمیع مواقع یادی از شما نمودند و در روضه مبارکه که

درخواست خیر فرمودند پس خدا را شکر کن که چنین ضحیحی داری و چنین بونی

انیس که در چنین آسانی یاد تو نمود و در چنین انجمنی ذکر تو کرد ع ع قه برسد

بواسطه جناب آقا محمد حسن بلوی نخل سعید آقا عبد الله علیه بآئمه الاسب

هو الله

۴۵  
ای نهال باغ آبی امیدوارم که همواره از رشحات ابر عنایت ترو تازده باشی و طراوت

و لطافت

ظلمت مبارکت

ظلمت مبارکت

ولطافت مفتتایابی برگ و شگونه نمالی و فواکه مطلوبه بیباراری پدر اهل خط کن که چه  
 قدر هر پرور است که بقوه بازوی اتماس و گرز جابین نامه را از عالم قوه بجز  
 وجود آورد دیگر از این مهربانتر خواهی ممنون لطف او باش و مسکرت عنایت او از  
 خدا خواهم که پسرین پرورش و با اثر و ثمر گردی و علیک البهائ الاهی ع ع ت به

هوائه

۴۶

جناب آقا میرزا عبد الحسین اگر بطرف هندوستان بجهت ترویج تجارت  
 شما سفر نماید بهتر است و اگر ممکن نیست با امریکا اذن زیارت بقعه مبارکه را  
 دارد تا از قبل عبد البهائ سربران استان هند و طلب غفران خطایا از برای او  
 در آن عتبه مقدمه نماید و عون و صون طلبد زیرا عبد البهائ عازم امریک است ع ع  
 ش جناب آقا محمد جواد علیه بها، الله الاهی ملاحظه نمایند

خطاب است

هو الاهی

۴۷

ایشله نار محبت الله علیک بها، الله وجوده و عنایت فی کل اشون اگر

خطاب است

بتوانی بقوت الهی دست از آستین برار و در این عرصه وجود و عالم شهودید  
 پفسائی از محبت الله بنا آنچه بینی و خوانی و دانی همه وهم و خیال است و جهل و غفلت  
 جز آنچه من اتحق ظاهر و الی اتحق راجع کل مافی الکلون وهم او خیال او عکس فی الیه  
 او ظلال و البهار علیک یا ایها المقبل الی الله ع ع

۹

شیراز آقا محمد حسن بلور فروش عمده علیہ مبارک الله

محو الله

۴۸

ای ثابت بر پیمان نامه اخیر رسید ولی نامه نامی پیش نرسید حال نامه تا از یاد  
 با وفا مانند باران میرسد لهند اجواب مختصر مرقوم میشود معذور دارید اجبای اباد و سر او را هر  
 جزیل و موهبت رب جلیند احمد ته تم احمد ته جفا ممنوع نشند و روحا فاکر گشتند  
 و ان عید مبارک در شیراز بنغمه و شهنواز گذرانند جناب قابل را تحت مشافانه برسان احمد  
 بب هدایت نفوس طلبه گردیدند و آبنگ ترتیل آیات از میرزا انصرا ته بسامع

لاهو تیان

حفظ کاتبه و خط مبارک است



لاهوتیان در ارض اقدس رسید <sup>۳۸</sup> امده الله المنجیة المشعلة بنا محبت الله صبیته فرج  
 طرح ضعیف حاجی علیخان فی الحقیقه ایت هدی است امیدم چنان است که سلطان عبد  
 الحسین نظیر عم بزرگوار بخدمت امرالله قیام نماید امده الله طوک و امده الله لقا و امده الله درج  
 انگیزه تحت ابع اهی برسان و امده الله طیبه را تحت عبد البهاء روح و روح و روح بخشش و  
 جناب عبد الحسین و عبد الله و بهاء الدین و جلال الدین و امده الله حور جان و الله یگانا  
 را نهایت مهربانی از قبل عبد البهاء ابله غدار بشارت اتم از شیراز بنیم بهار روح و ترقیب محافل  
 وید خلون فی دین الله افواج بسیار سبب سرت گردید جناب سلطان جیب الله را  
 از قبل من بنواز و بگوئی الحقیقه تو سلیل یک رحمانی هستی زیرا منسوب بان قاصد اینی از  
 عفو و غفران الهی امیدوارم که متصاعدین الی الله ننگ ترا شما بمقصد صدق و خند یک معتقد  
 فائز و در جوار رحمت کبری بمشا هدی کبریا و اصل و علیک البهاء الی هی ۱۲ شوال ۳۷ حیفه عبد البهاء

عباس

(بواسطه بناب محمد باقر خان)

شیراز مغازه مدبر تسطنه جناب قاسم محمد حسن بلور فروش همدانی علیه نبأ الله الابی

هو الله

۴۹

ای ثابت بر عمد نامه اخیر که ارسال نموده بودید وصول یافت مضامین دلیل بر آن بود  
 که الحمد لله اجای الکی در نهایت متانت و ثبات بخدمت عتبه مقدسه الهیه موفق قلوب بر آنوقت  
 و مشامار اعظم و محافلرا مغفیر بنمایند این خبر سرور پرور بود که الحمد لله جمال قدیم بندگانی تقسیم  
 آستان دارد و پیدار و پاسبان که در نشر تعالیم الهیه بکمال همت ساعی و در تربیت نفوس  
 بکمال قوت جانفشان این آیام که ابواب سرور مفتوح شد و صدور مشایقان منشعب بآیات  
 سرور و جوهر گشت باید بقوتی آسمانی و قدرتی ربانی و تائیدی صمدانی و توفیقی سبحانی شب و روز  
 کوشید و جوئید و خروئید تا این ظلمات و هما؛ بنور انیت کبری مبدل گردد و این بزاع  
 و جدال در بین ملل عالم بقوه اسم عظیم زائل شود گوکب وحدت عالم انسانی طلوع نماید و سلم  
 صلح عمومی بر کل آفتابیم سایه افکند ترتیل آیات توحید شود و تجلیل نفوس حبیبی گردد این گلشن

نظرات کاتب و صاحب کتب کوشش کرد چون قصه که بخوبی است

فانی

فانی گلشن باقی شود و روی زمین بهشت برین گردد باری از برای نفوس که مرقوم نموده  
بودید که بملا علی شستا نقتند و بملکوت ابی پرواز نمودند بنهایت ذل و انکسار و عجز و نیاز  
طلب عفو و غفران از حضرت بی نیاز شد و تجدید محفل روحانی بهمت جناب محمد باقر خان  
و میرزا محمد علیخان بسیار بوقوع طوبی لهم و حسن باب انجناب بخدمت قائم و  
جناب میرزا حبیب الله خان مظفر تائید بی پایان و تبریح تعالیم الهی موقوف و بهدایت  
نفوس میوید از الطاف الهی سائل و آئیم که این نفوس مبارکه در جمیع مشون موقوف بنامید  
حضرت همچون کردند از ملکوت غفران طلب عفو و حسان بجهت متعارج اقی تقدیس مرحوم  
اقا حسین آقا گردید و از قبل عبد البهائ، نهایت مبرانی و محبت بی پایان با سلا، اجلا،  
برسانید و همچنین میرزا سید عبد الله نهایت اشتیاق از طرف عبد البهائ، ابلاغ دارید  
اسل الله ان یحکم ایات الدی بین الوری و مؤیدین بحمود من الملائه الاعلی و علیک و

درج

عظیم البهائ، الی به عبد البهائ، عباس

۲۴ جمادی اشانه ۱۳۲۷

شیراز جناب قاسم محمد حسن بوز فروش عید بہا، اللہ سے

ہو اللہ

۵.

ای ثابت بر بیان امیدم چنانست کہ بطنانت اخلاق و رقت قلب و روحانیت کبر  
وقوہ انجذاب لاس فروش کردی و لمیس ذک علی آسہ بغیر از انچه ارسال نمود  
بودید از حقوق وصول یافت انجہ کہ در صدف قلب جو اہری موجود کیہ ہج ساری  
دست ندارد از صعوبت حضرت عندلیب حزن و اندوہ نصیب عبد البہا شد از این نام  
بسیار محزون گردیدم زیرا حضرت عندلیب بدرگاہ رب غفور خدمت موفور  
فرمودند و در محامد و لغوت حضرت مقصود لسان فصیح گشوند و قصائدی غرا، از فریختہ  
جاری فرمودند این شخص حیل دزد حقی مقرب و تقامی بلند داشت کہ حال معلوم نیست  
مجبورت بعد مشہود مشہور خواهد گشت بستگان ایشان از قبل عبد البہا تحت  
ابع ابی برسان و همچنین سایر ان دیگر کہ ثابت بر بیان و راسخ در عہد و میثاقند  
و علیک البہا، الہی عبد البہا، عباس ۲۰ جمادی ثانی ۱۳۲۸ حیف

خط کاتب دیندار بہار

شیراز جناب آقا محمد حسن بنور فروش عمیده بهاء الدین

هوایه

ال

ای ثابت بر پیمان نامه شمار رسید معانی دلیل بر آن جناب روحانی بود و جناب  
تائید سجانی جواب آقا میرزا محمد رضا در جواب است اکھدتمه فتاویٰ خان بعد از صعود  
جناب غدیب الکی قیام نمودند و بزماندگان آن بزرگوار را رعایت و معاونت  
میفرمایند جناب آقا محمد باقر مشیرانی تحقیقه در نهایت تقنی و نضرع و انکسار است  
طلب عفو و عفران بجهت متصاعد الی الله پدر و برادر ایشان گردید پروردگارا آخر کارا  
محمد مشیر موافق بود و از نارحمیت افروخته و بیصبر و قرار مرکز خاک بگذاشت و بعالم  
پاک شتافت و بدرگاه پناه برد اما ان بده عفران مبذول فرما و در اوج عزت ابدی  
در شنیده و زبان فرما از عدم فرصت فخرم رقوم گردید و علیک البها عفران

۱۳۳۸ عبد الباقی، عباس

مجلس

خط کتابت جناب آقا محمد حسن

شیراز جناب آقا محمد حسن بلور فروش عیبه بهار آینه

هو الابی

۵۳

ای ثابت بر بیان نامه شمارید منطوق تضرع و اقبال و انجذاب و اشتغال بود  
احمدیه که موطن حضرت اعلی روحی له الفداء کلشن عرفان گردیده و راجحه ایمان و  
ایقان از آن ناحیه مقدسه مشامرا معطره بنیاید همواره رجای عبدالبهادر این بود که ان فیسلم  
جلیل نفعات قدس غبطه جنت نعیم گردد و پرتوشمس حقیقت چنان بتابد که ابراهیم  
تاریک بجلی متلاشی شود صبح هدی ان صنفحات را روشن کند حال محمدیه فجر آن خطه  
مبارکه ساطع گشت و روز بروز روشنتر میگردد و این از علو همت و سمو خدمت نمودن  
مبارکه ایست که در آن مدینه مؤید و مؤتقدند لهذا یقین حتمی است که یوما فیوما نار موقده  
الهی شعله پشته زند و برودت غفلت و رطوبت ضلالت رو با صحنه حال گذارد حضرت  
مبلغین فی الحقیقه قیام بر خدمت نور مبین دارند و ایسته نماید یا بند بانفاس طیبه روح  
حیات دمند و بر این قاطعه زبان بکشایند و نفوس محموده را تر و تازه نمایند و حالت

خط کاتب انصاری مبارک است

جامہ را برکت آرنہ طوبی لہم و حسن آب حضرت افغان سدرہ مبارکہ حاجی  
 میرزا محمد ہمتی فرمودند و ارشاد خواہش آئینہ بخت پت مبارک پتیر از خواستہ انانانہ  
 عنقریب اطاق عرشہ بالالی پت مبارک باین آئینہ تا ترنمین میشود مدرسہ بنات کہ  
 جناب سلطان حبیب اللہ خان تائیس نموند عملی مرغوب و مقبول و بہرورد و مکافات  
 این خدمت از جمال مبارک موعود آن نضندہ مشکور و جزائہ موفور و ورقہ مسطکتہ قرینہ بصیغہ  
 ایشان اسجدتہ مدیرہ این مدرسہ است و تا نید شامل و توفیق کامل و اما جارائی  
 ہوائی کہ سفارش پذیریں نمودہ اید از برای پت مبارک بغداد بسیار مقبول بعد از  
 بفرستید و از الطاف الہی خواہم کہ راحت و شفا حاصل گردد و بجناب میرزا محمد  
 یزدی نامہ مخصوص فرخوم گردید تا سید اورا از رب مجید میطلبم و ہمچنین سیر حقا  
 و علیک لبہا، الابی لیلہ ۱۷ شوال ۱۳۳۹ حیفاجد لبہا، عباس

ہو الابی

بواسطہ تاسید اسد اللہ جناب تاسید محمد علیہ مبارک اللہ الابی ملاحظہ نمایند

۵۳۱ ای ناظر باقی حقیقت چشم را بشهده انوار فیض احدیت روشن و نیر کن و گوشترا

با سماع انجان طیور قدس محفوظ و سماع دل را بیث رات خیب و فیوضات یارب

خلد برین نما و هو شرا بالهام سروش یکایک امین عالم علیتین البوم ان کل

اشیاء از صقع ادنی تا ملا، اعلی جمع بجماد و لغوت و قصائد و مدائح و تسبیح و تقدیس

جماله قدم و اسم عظیم مشغول تو ساکت و صامت نشین و محمود و منجمه باش بلکه منجذب

و مضعق محسوس تو مالوح منشور و کتاب مسطور رب خفقور گردی

ع ع  
جناب آقا محمد حسن علیه بهاء الله الابی اذن لطواف ملا اعلی را دارند ع ع

هو الابی

جناب آقا سید اسد الله علیه بهاء الله الابی ملا خطه نمایند

هو الابی

۵۳۲

السی و جمعی و مقصودی قد سعی عبیدک هذا من بلادہ اشاعه و اشخاها الواسعه و قطع آب

انفاوز



والمفاوز والقفار وترعى السبل واللال والديار وتمثل بياضه قدس لبقية أنوار

واخطه المباركة البيضاء مطاف الماء الاعلى روح الوجود لتلك العقبة آسية فدا

ومرغ وجهه بترتمة الطاهر وعشر جبينه بعنبر الزكية اسكية الفاخرة وقام لدى الباب

خاضعا خائفا متضرعا ويطلب فيوضات رحمتك وخيوط مغفرتك لانيه الذي

آمن بآياتك الكبرى وصدق بكلمات صحتك الاولى وزبرك الاخرى وانجذب

بنفحات جمالك الابهي واشتغل بنار محبتك في قيصك الاعلى وصعد الى ملكوتك الاسمي

واستظل في ظلال سدرك المنتهى في جنتك العيا وصادقت الغيا ايرب شرقه باللقاء

وخلص على سير رموبك العظمى في الرفيق الاعلى وثبت اقدام الهمم واولادهم ومن

تخلق من احادهم واباطهم على عمدك ويشاكت الذي ماسبقه حمد ووثاق في ملكوت

الانشاء ع

ط جناب آية محمد صادق عليه بهاء الله الابهي ملاحظه نمايند

عظمت مبارک

یا من صدق بحکلمات الله جو هر صدق راستی شونیت منبعث از حقیقت اشیا  
مطابق واقع چه از منقووظ چه از منظور چه از مسموع چه از معلوم و در این لطیفه بانه فکر  
دقیق باید تا مفهوم گردد پس عظیم کل تصدیق کلمات الله است چنانچه از عظیم <sup>تسبیح</sup> سید  
و مصدق بکلمه منه اسجد است پس ای صادق انشاء الله در جمع مرتب <sup>ق</sup> صدق  
باشی الهی آن هذا هو الفضل العظیم و الحمد لله رب العالمین ع ع

هو الاهی

بهمت آباد

جناب میرزا ابوالحسن نیریزی معلم اطفال نخل محترمان جناب میرزا محمد رضا ورقد موقته  
صلوات الله علیهم سیده ورقد نورانیه صبیبه شان مریم و دیکری ورقد مومنه رضیه علیه وعلیهم سبانه  
الاهی و عموم اجای آباءه و ذریه و بهمت آباد رجاءاً و سائاً علیهم وعلیهم سبانه الاهی

هو الاهی

ای اجای الاهی کواکب امراته در جمیع آفاق بشعاعی ساطع لامع و مدار یا بهاء الاهی از خیر کیهان بزرگان  
مرتفع نعمه سبحان ربی الاهی از خفیف ادنی بسع لا اعلی میرسد و بانک و آهنگ سبحان  
ربی الاهی

ربی الاهی

عظمت مبارک

ربّی الاهی بهوات علی متواصل با وجود این کران محجب و ناقضان چون کرم همین در  
زیر زمین محبتس و این الکلمه و علوما و این التشریفة السمحة البیضاء و سموها بر زبان میراند ع

هواته

همت آباد جناب میرزا ابی احسن نیریزی مکتب اربعه بیباک

هواته

ای ادیب دبستان جمیع اهل زمین طفلان همانند و فرزندان نادان سبق جوان پس از مصطفی  
معرفت بشین و ادیب عشق شو و درس میثاق بده و حقیقت اشتیاق بنما و از فیض و انوار  
بیر آفاق بیان کن و از جوهر و ستم فراق ناله و فریاد آغاز کن که آنروی چون متبلمان در  
پس پرده غیب ملکوت پنهان شد و در جهان پنهان اشراق کرد ولی شکر حضرت احدی  
را که فیض غنایت مستمراست و سیر سلطنت مستقر اول تجلی از عالم ملک یعنی در حیز  
امکان داشت حال اشراق از ذروه لامکان که احمد و انفسل و ابجد علی کل موجود و له سلم  
من فی السموات و الارض طوعاً او کرها و البنا علی اهل البنا و جمیع دوستان از ذرأ

عظیم

۴۹  
 تکبیر ابرع ابهی ابلغ نماید و بگوید از دلایل وفا باستان مقدس جمال ابهی اینست که بحجج شریف  
 یعنی گفتار و رفتار و کردار و تقدیس و تنزیه و تجرید و تفهید و اتحاد و اتفاق و خشیت الله و تقوی نصرت  
 امر الله نماید و بخدمت پردازد تا آیات باهره سلطان احدیت گردید و البها علیک ع ع  
 چون حضرت سلطان بعد از این وان حکمران است باید در جمیع محافل و مجامع عالی نماید بر سلطنت نماید ع ع

هوالت

جناب ابو الحسن نیز می امته الله بی سیده ضلعشان جناب میرزا محمد رضا ولدشان امته الله مریم صدیقیه  
 امته الله رضیه امته الله فاطمه علیها و علیهما و علیهن ببار الله ابهی

هوالات

۵۸

ای دو بنده آئنی و ای اما آستان ربانی عبد البهارا چنان آرزو که بیک ز اجای آئنی  
 و اما رحمانی فرد آفران نامی مرقوم نماید ولی جمال مبارک شاهد حالست که ابد افضت نیست  
 و این قضیه در این ایام متعجب و محال لند اجمعا کتوبی مرقوم میشود و مقصد ظهور الغیافات و جدنیما  
 و روابط روحانیه و ایزاجمعا و تفریق بنحارش بیان مکن لند ای یک نامه کتفا میرود و شانیز باید

فاغت

خط کاتب در مبارک

قناعت ننماید باری در این ایام باید عبادت الهمس و آثار یزدان بروش و سلوکی چمن خلق مشغور شوند که آیت  
 الهی گردند و بشارت ملا علی شیب و روز بکشند تا از این جهان و جهانیان بجای منتقطع گردند در سما  
 تقدیس پرواز کنند و با آواز و آهنگ جدید مقامات توحید بخوانند و بپرازند احمدیه منظور نظر غایت  
 جمال ابهائید و محفوظ عین الطاف حضرت اعلی هر موبتی از برای شما مقدر است و هر فضلی ممکن و میر  
 بی بیجان و دل بشاید و روح و روان را نشان آن دلبر مهربان کنید تا خونهای خویش را از ان

محبوب دشمن در اصلی علیستین بیاید و حلیم و علیکن الباء ع ع  
 مهامه

همت آباد و حوالی بواسطه جناب ابی الحسن معلم هو الله

جناب کربلای حسنان جناب عجمان دوستان جناب حاجی علیخان جناب عبدالکریمخان جناب  
 آقا میرزا عطاء الله جناب ابی جناب مشهدی حسین جناب قاسمین و جناب فتح الله جناب

میرزا محمد رضا ابن میرزا ابی الحسن علیهم السلام

هو الله

ای ایران عبد البها و ثابان بر پیمان جمال ابی جناب ابی الحسن علیهم السلام در نامه خویش باقیان

خط مبارک

سده مبارک ذکر آن دوستان حقیقی نموده که احدی است اجابتی حال من در نهایت استقامت و اطمینان در  
 عبودیت آستان یزدان قائمند و هیچ فکر و ذکر می بر خدمت عقبه مبارک ندارند کسی از در عشق جالقدم  
 چون ابرهمن گریانند و گاهی از شب رات حضرت احدیت چون من خندان گوی در میدان عرفان جولان  
 نمایند و گاهی در تبلیغ امراتنه در محافل چون عندهایب خوشن جان باری اینخبر مورث روح و روحان گشت  
 و این اثر محرک حاسمیت وجدان باری ای یاران روحانی در پناه حضرت رحمانی از هر نقسه و آفتی محفوظ  
 باشید و همیشه مورد رعایت ملکوت غیب جالقدم گردید و قبط فیض اسم عظیم خود را در آستان جالقدیم

ع ع ع  
س ع ع

و بندگی درگاه نقطه تقدیس روحی لا جانما القدا شریک و سهیم عبد البهاء گردید

علیه بهاء الله الاهی

جناب آقا میرزا ابوالحسن نیریزی

هو الله

ای یادشور انگیز احمدته از باده محبت الله جام لبریزی و شام منجات جنت ابری مشکبیز نامت

خط کاتب و هم مبارک

دالات بیسرور و جهور و قنوح قلوب یاران سر و ستان مینور بلده طلیته و رب خفخور بحیچ یاران تحت  
 ابیح ابری الباعدار و فرط اشتیاق عبد البهار ابرسان اگر بدانند که نه قلب چگونز بیاد و ذکر یاران ا  
 در جوش

در جوش

در چش و خروش هست ایسته نهایت سرور حاصل نمایند و عیبه البهء الابهی عبد البهء عبا س  
سلامه

شیراز جناب آقا میرزا ابوالحسن نیریزی علیه بهاء الله الابهی

خطاب و تبریک

الهی الی ان عبدک التجایاب احدیتک مستقیماً الی ملکوت رحمتک مستقیماً من شمس و حدیث  
مستجیراً بعقبه قدس فردیتک رب قدر لکل خیر فی ملکوت و وفقه مادام حیاً علی تحریر ایاتک و تمسک  
واحفظ فی ضنون حمایتک و احرس بعین رحمتک و کلماتک انک انت القوی الفیر المقتدر المتعالی

الرؤف الرحیم ع ع معامه

بواسطه جناب آقا محمد حسن بلور فروش شیراز جناب آقا میرزا ابوالحسن نیریزی

علیه بهاء الله الابهی

خطاب و تبریک

ای برقی نور سیدگان الهی نامدات رسید قلب سرور شد که موثق بر امر بروردی طفل بیمال کور

بیرا تقدیم فرمائی و نالہای ترو تارہ حدیثہ یزدانرا بر شحات ابر معارف میرورانی اخذت منقبت

عظیم است و فوز مبین جاذب فیض رب کریم است و جالب الطاف خداوند رحیم است

بکار و این مشقہ از خدمت شمار زری امورث قریمت در گاہ است و نتیجہ مہویت عظمی محفل

روحانی شیراز امیدم چنان است کہ بر جمیع محافل تفوق یابد زریا این محفل در نسبت شجرہ مبارکہ تائیس

شدہ حضرت اعلیٰ روحی لہ لہند آتاید میفرماید و جالقدیم روحی لاجبائہ الفدا توفیق میبخشد بجناب

کریمانی اکبر از اہل مسجد برد مہربانی برسان ۲۹ ع ثانی ۳۸ حیفہ (عبد البہاء جاسس) ۵  
سالہ

علیہ سہاء اللہ الالب

بواسطہ جناب امیرزا محسن افغان

علیہ سہاء اللہ الالب

جناب آقا میرزا ابوالحسن نیریزی

نیریزی

ہو اللہ

یا من آید اللہ علی الامیان و وجہ الی ملکوت الرحمن و اغرق فی بحر الفضل و الان و جلد

آیہ جتہ و اطفا بکرہ و مرتلا آیاتہ و اختارہ للذینان بین نوع الانسان شکرت اللہ علی ذہ اللطاف

خطبات حضرت امیرزا



۵۴  
والاعراف من ائمة الغرزة المقتدر الوهاب وعلیک البهاء الابهی ۷ تموز ۱۹۱۹ عهده البهائم

جہانس  
منا بھیر

۹

شیراز جناب میرزا ابوالحسن نیریزی علیہ بہاء اللہ الابی

ہو اللہ ۶۴

میرزا ابوالحسن  
جناب

ای ثابت برپیمان نامہ شمارنید ولی فرصت مشقود با وجود این بکرت مشغول مرزہ ثبوت با

و ترتیب محافل علیا چون شاہد رخساری پردہ جلوہ نمود امروز ملا اعلیٰ از مرزہ ثبوت در سوخ

اجہا مخلوط گردد جواب نامہ بوالدہ آقا میرزا حبیب اللہ در جوف است امیدم چنانست کہ سکو

مستجاب گردد و آرزوی دل و جان حاصل شود وعلیک البہاء الابہی ۲۵ ع اول

۱۳۳۸ (عہد البہاء عباس) منا بھیر

ہو اللہ

بواسطہ جناب سرتیب پوشہ جناب آقا میرزا مصطفی شیرازی علیہ بہاء اللہ البہائم

۶۵

ظلمت مبارک

باین آتش بالعمود الوثقی لعن الله ان سرب الوراق، فی ایکه آستان، و حدیقه آستان، قد  
 رفعت اصواتنا بالتلیل و التکبیر و التمجید للرب الجلیل و السلطان امین و تغذ علی افروع  
 باصول الامحان و ابداع الانعام و اطرب ترتیل و آذ تقطیع و جعل تفسیر و طیب تأویل سبحان رب  
 الاهی سبحان ربی الاعلی سبحان قدوس ربنا سبحان و اعظام المحمود و تظل المدود و الرفض الافرود  
 و الورد المورود و انک انت فاسمع لغفائنا و لغفائنا و ابقاعنا و اعرف معانی کلماتنا و تشبیر  
 بما فرزت بالطف ربکنا الکریم الرحمن الرحیم تا آند سخن ان الوجود سبحان لالطاف ربکنا فی هذا

الیوم المشهود (رع ع) تذکره

هو الله

۶۶

ظلمت مبارک غایب معلوم نیست

ای هزار بوستان الاهی الحمد لله که عالم ارواح و قلوب سپر تو انوار تیر عظیم روشن و عرصه کور الکن فیض  
 سحاب جود و موهبت غیر تنهاهی کلزار و گلشن بجز عنایت در موج است و شمس رحمت مشرق اراو  
 نسام کوی دوست مشکبوسیت و رواج صبا ای احدیت خوشبوی و دلجوی پس تا طاقت و توان

موجود

موجود بایکوشید و جوشید و فروشید که نفسی از این ریاض الکی برد و بهره از این هویت رحمانی

و الباء علیک راع <sup>تسبیح</sup>  
هوائه

دعای جناب آقا ضامن بوانا ته از اهل سرایان علیه بباءاته

هوائه

۶۷

ایمده اسم اعظم هر چند مشغله مانند باران زمین است با وجود این سرور یاران منظور است و محبت

دوستان موفور چه خوش میست که یاد منجذبان روی جمال ابی اهدم و چه مبارک نفسی که <sup>نفسه</sup>

مشکبار گلشن ملکوت ابی در شام هر ثابت قدم باری در آن حد و شاکن حضرت یزدان

پنش ترا که بچنین فیض و فوزی موقی گشته و الباء علیک

(ع) <sup>متعجب</sup>

بواسطه جناب تو انگر جناب میرزا محمود خان علیه بباءاته الایه

هوائه

۶۸

ای محمود محمود در درگاه احدیت مدوح و محمودی و در استان حضرت رحمانیت محبوب و مقبول

امیده ارم که مستفیض از مقام محمود کردی و بجز شهود در <sup>سطل</sup> و بسر وجود وقف شوی و باصلی

خطایه در سبک

زوه صعود فائز گردی و بس زنگ حل آتد بغیر نز و این مقام بانقطاع و انجذاب و محو فنا و محبت  
و مهربانی و صلح و صفا بعوم نوع انسانی حاصل گردد امیدوارم که آن موفق و مؤید گردی (ع) تصانیف

هو الله

یا من اخلص وجهه الله این شخص که فی الحقیقه مبتهل است چند صباحی یعنی بقدر یک ماه در آسکنده  
موقوف خواهد بود ایچند روز در اینجا و در دکان خیاطی بگذارد تا بخیاطی مشغول گردد بعد باید که او را

نقطه مبارک فانی طیب معلوم نیست

روانه ایران یعنی شیراز نمایم و الباء علیک و علی جمیع اجبار الله (ع) تصانیف

هو الاهی

اینده بنفحات رحمن در این عصر مجید و عهد کریم جدی کن و بهستی نما که نشأ خدمتی شوی و بعبودت

فائز گردی در این عالم فانی اثر جاودانی گذاری و در این خیات فانی زندگی باقی بیابی در اینجا کدان برآ

از جان الهی خبر گیری در انجمن عاشقان شوری نسکنی و در جهان مشتاقان قننه و آشوبی اندازی در بیان

عشق بیارائی و اطفال ملکوتی سابق یا امروز سست عنضرا از امر میدان کنی و کالانرا چاچک

و چالاک نمائی بیاراز در مان شوی و مجروحانرا مرهم دل و جان کردی تشککارانرا منهل عدب

وزات

نقطه مبارک فانی طیب معلوم نیست

وزات شوی و کشتگان را دلیل نجات گردی پیر ساخزوده را جوان و برانمانی و عاجز ناتوانان را  
مقتدر و توانا کنی این مقام از فیوضات ملکوت ابی میسر گردد و الباء و الروح حلیک و صل

اجاء الرحمن (ع غ) مسبته

هوانه

جناب زائر اقا حلی اقا علیه ببار آتد الاهی مطا خطه نماید

هو الاهی

۷۱

بهدارک

ای زائر مطاف ملاء اعلی شکر کن حضرت قیوم که چنین بخشش موقوف و مؤید شدی که این سانه

پیاپی از این میبودی و باصل محیط الطاف رسیدی و در محفل رحال آمال جوار مقتدره از رحال وضع

رحال کردی و در انجمن روحانیان حاضر شدی و با مشتاقان و مسجونان الفت نمودی قسم بان

جبین خود بنور مبین اگر بدانی که چه فضل وجودی موفقی کشتی هسته از فرج و سرور بربری

و از کثرت شادمانی چون ابر بگری و چون بر حق بخندی بشه یک من نه المفضل العظیم

بری چون بیدار کنی روز نمائی بکبر ابدع اینقدر را برسان و گو مطلبی لکم یا اجار آتد من نهاد

الفضل العظيم بشهى لكم بارقا آتته من هذا الجود المبين لعلمكم ان حساب موهبة الله تمطر عليكم

غيثاً مائلاً مدرأاً غداً طابقاً والبهاء على كل من ثبت على العهد واليثار ان تصراط المستقيم ع

قائمه

هو الله

ش حساب آقا علی آقا خوی جناب آقا محمد حسن خیاط علیه بهاء الله

هو الاهی

ایبنده الھی ایغیده با کمال خجلیت بتقریر این نامه پرداخت ریز اجواب شما تاخیر قناد این تصور بر

خط مبارک

گردن اهل فتور است ریز از هجوم و شرور مهلت نمیدهند که عبد البهائے بجواب نامه اجزاء برسد

ولی اینقدر بدان که دل و جان مشغول و مونس یاد و خاطر دوستانت آنی فراموش

نشده اید (ع ع) بیت بده

هو الله

بو شد حساب آقا مصطفی علیه بهاء الله

ال الله

هو الله

۷۳  
جانب  
ایبندہ جاہل ابی شکر خدی قدیر کہ در ملکوت غزیرش مذکور و در انجمن دوستان  
شیر و جی از نور عنان منور داری و مشامی از راسخه ایقان معطر و این موبیت مخصوص خود  
اہل بصیرت بشر قدر این عنایت را بدان و لہجاء علیک (ع ع) مت بدہ

بوشر جناب مصطفیٰ علیہ بقاء اللہ الہی

۷۴  
جانب  
یا من استنش رائحة الوفاء اسمع نداء من یناجیک بروح وریحان و قل  
وجبت وجهی لمن دعانی الی ملکوتہ الابی و ذکرنی بآیۃ البکری و نطقنی بثناہ بین  
العالمین و ایدنی من ملکوت غیبہ و رزقنی مادۃ اثبوت علی المیشاق (ع ع) مت بدہ

الہی اے خداوند و ابن عبدک و ابن عبدک تکاب بذیل عطاک و تثبت بحیل و لاک و قام

۶۱  
علی خدمت اجابگ ایرت و فقه علی کل خیرنی ملک و کل خدمتہ فی جت و کل شہال  
بذکرک انک انت الکریم (ع ع) متا بہد

هو الابی

اینبہ حقیقی جمالقدم خلقت انسانی و خلقت رحمانی جناب شیخ نہایت رضا  
منذیر ارشاد دارند کہ در خدمات امر و اجبای الہی نہایت ہمت دارند الیوم سرور عالم نفس  
بود کہ بخدمت یاران الہی پردازد و در عبودیت استان مقدس قیام نماید و عبودیت حق

ارشد ایک صفحہ

عبودیت عبادش (ع ع) متا بہد

هو اللہ

جناب اقا علی اقا من اہل شین رفیق جناب شیخ سلمان علیہ بقاء اللہ اب  
ملاحظہ نمایند

هو اللہ

۷۵

یامن تشرف تبرین و جہہ تراب القبتہ السامیہ در استان حضرت یزدان حاضر

خط مبارک

کشتی



گشت و روی و نور ابان خاک پاک معطر نمودی و توجّه بملکوت کردی و بتسلحبت  
 قدس شدی و در ظل سدره مبارکه درآمدی پس بفرمی ثابت و نیتی خالص و توجّه تام و نظر  
 و تعلق و تعشقی توجّه ببار الهی نما و بتبلی بدرگاه حضرت غیرتناهی تاموفق بر خدمت امرت  
 و عبودیت اجبانه گزیدی اینست فضل عظیم وجود مبین و صراط مستقیم و نغیم مقیم  
 و موهبت رب العالمین رب ایدنذا العبد علی لهیثاق و تشبّات فی عهدک یا  
 مالک یوم الطلاق (ع ع) متابسه

۹

بواسطه جناب بشیر الهی و آقای میرزا جلال ابن عبد الله زرقانی اجای الهی جناب مشدی <sup>الکرام</sup>  
 جناب حاجی محمد رضا خیاط مرحوم حاجی حسین خیاط جناب میرزا علی آقا جناب میرزا محمد <sup>حسین</sup>  
 ابن المرحوم آقا محمد حسن خیاط مرحوم آقا محمد حسن خیاط ضلع مرحوم حاجی حسین صاحب  
 سلطان ضلع مرحوم آقا عبد الوهاب صفتیه سلطان ضلع حاجی محمد رضای خیاط خانم  
 ضلع مرحوم حاجی حسین کینه بی بی ضلع آقا علی آقا ابن مشدی ابوان سم خانم <sup>نصر</sup>

صحبته مشهده ابوالقاسم خانم طلعت ضلع آقا محمد حسین خانم جمال دو صباای مرحوم آقا محمد حسن

خانم حیات خانم طوبی علیهم وعلیهم البهات الابی

هوانته

۷۶

ایشان بر بیان جناب جلال نامهای مبارک شمارا نگاشته و نامدلی نام شما

در آن مذکور و ستاده چون تلاوت نمودم نهایت سرت یافتم زیرا دلیل بر آنجذاب قلوب

بود و انشراح صدور امجد نه رویها بنور محبت الله شمع انجمن و خونیا از شدت لطافت

مانند گل گلشن این دلیل بر شمول فیض ابدیت و مواهب سردی شایان شکر الهی و

لا یق صد هزار حمد و ثنا لله المنة انخذلان و دودمان عموماً از صهار است سر مستند و در خجانه

محبت الله پاید بدست و می پرست ای پروردگار این نفوس از ابرازند و سر مست جام شام

اشفته روی تو اوند و اواره کوی تو و پویان سوی تو فضل و عنایت روادار و از قید دوزخ خود

بر مان بر عهد و پیمان ثابت مدار و در امرت مستقیم کن و با این حیدر خودیت استان سیر

و سپهرنا و حلیم البهات الابی ای پروردگار برخی از این نفوس کبوی تو شتا قلند و سوی تو توجیه

مخونه

خط کتابت میرزا مبارک

۶۴  
نموده و ضعیف و گسسته آنچه نژاد و نبرد گواری و آمرنگاری درگاه است را بجان کن و حلیم

البراء الابن (ع ع) سید بر سر

هو الله

جناب حاجی ابوالقاسم جناب قاسم حسن جناب حاجی محمد رضا جناب حاجی حسین جناب

آقا محمد کریم جناب ربیع بنی جناب آقا محمد جواد جناب آقا علی اکبر جناب آقا میرزا محمود جناب منوچهر

جناب حاجی عبدالله جناب حاجی میرزا فضل آسده جناب آقا میرزا عبدالحسین جناب میرزا علی رضا

جناب حاجی میرزا محمد قشربن جناب قاسم آسده جناب آقا میرزا جمال جناب قاسم حسین جناب

آقا غلامرضا جناب آقا میرزا اسد الله جناب محمد حسین حلیم سب آسده الابن ملاحظه نمایند

جناب آقا داراب بیگ جناب آقا فخر

هو الله

۷۷

ای یاران روحانی در این عهد جلیل و قرن عظیم که آفتاب میثاق چون تیر عظیم آفاق از آسرا  
ملکوت وجود را منور نموده و محیط اکبر امواج فیوضاتش از ملکوت ابی بساحل قلوب موصول

و نسیم خنبرین و نسیم مشکین از ریاض الکی منتشر و اریاح فلاح از سمت غنایت متمیج  
 و بشارت البیة اراق اعلیٰ تتابع باید ایداران ربانی و دوستان الکی بقوتی ملکوتی و قدرتی  
 جبروتی و عولی الکی و صونی ربانی و لسانی ناطق و علوی شایق و لفظاعی فائق و فصیح عظیم  
 و نوری حسین و جذبی شدید و ولی مسیح علیه مزید معجوت گردند چه کاین انتاب بدرگاه الهی  
 این شئون رحمانی لازم و این کتاب جمودیت آستان جمال با قیرا اجتناب انظار غیبت  
 ناقصی واجب هر سبزه که از فیض نیسان رحمت نصیب برد بسته بنزد محترم گردد و هر شجره که از  
 عین الطاف بهره گرفت بسته تر و تازه شود و هر شاخه که از انوار جمال رحمانی اقتباس کرد بسته  
 منور و مستغن گردد و این شئون باه الامتیار بین الابرار و الاشرار در جمیع قرون بوده فریق فی الحقیقه  
 و فریق فی السعیر پس حال باید با دست بدانان حضرت یزدان زینم و بر عهد و پیمان محکم شویم  
 و بر مصراط رحمن ثابت و مستقیم گردیم و بعون و عنایت جمال قدیم کبوشیم و بچوشیم تا مراکز سنجحات حقیقه  
 شویم و مطالع انوار توفیقات ربانیة بعروة وثقی متک و تثبت نموده جمیع اتمرا حصر در نشر  
 بران الله بنماییم و جمیع اوقات را وقف سطوع رانگه ریاض کبریا تا مشرق و مغرب مطلع آیات

توحید گردد و جنب و شمال مہبط اسرار تقدیر و جہہ بفضلہ الرحمن برین شود و صد و ہجوز  
ایقان و آثار ظہور در کل مراتب وجود ظاہر و باہر شود و عالم ملکی اینہ ملکوت گردد انوقت  
جہان جہنت ابی شود (ع ع) ت بندہ

۱۰۱ الہی

ظاہر و باہر عالم ملکوت

قدرت اہل العزوس با سبحان القدس ملک القصیدۃ الفریۃ الفراء العفصی التي خزیرۃ قیمۃ بقیۃ  
نوراً، نہ درناظہما و منشہا و ناطقہما و ثاقب کلمات المنثرۃ المکتومۃ و الدرر المنفودۃ المحرورۃ و  
لمثلہ مغنی ان تنفس بنفس الرحمن اذا عمعن لیل الہجران و احاطت جج انظام و  
عشق الحرمان من فی الامکان تاتہ بحق ان الہاء الاعلیٰ یتباہی الیوم بنفس تقوم علی ذکرہ  
و شائہ و اعلا کلمۃ اللہ و برمانہ و العار قدرۃ اللہ و سلطانہ و نشر نجات قدسہ التي اذا  
تقطرت منها الافاق و عادت الارواح الی حب الالموات فیا بشری للمخلصین و یا  
طوبی للجبین و یتباہا للقاتین و یاجد اللاتشرین و اناسرات نشرا فالنارات و فنا  
فالملقیات ذکرنا و انی لا یسل لضرعہا و تبدل الی حضرة رحمانیۃ ان تقرعنی بمشادہ و جہہ

نظرة ناظرة الى ربنا يستغيب بانوارها ملكوت الوجود من الغيب والشهود بما توجهت الى  
شمس الهدى في الملكوت الابهى واشتعلت بنار الله الموقدة في الشجرة المباركة وحفظت  
الانوار من اثير الاكبر الذي غيب من افاق الامم وهو مشرق من فقه الاعلى وملكوت الاله

على اهل الباء و السلام على اتية الهدى ع ع متا بيد

بواسطة جناب آقا علي محمد

شيراز جناب آقا علي الكبر خادم عليه بقاء الله الابهى

هو الله

اي او آره حق اگر از خاندان دور و از خاندان مجور و بيمر و سامان شدي ولي زنده  
حق اليني و در ملكوت ابى منزل و مامنى اين بيوت او هن از بيت عنكبوتت هر مورى  
مطور گردد و پناه حق شرف قصور احمد الله ان ميور و غير معصور و عليك التحية و ثناء ع ع

بواسطة حضرت فنان سده مبارکه جناب قاسم زابزرک عليه بقاء الله

شيراز جناب آقا حلى کبر خياط عليه بقاء الله

هو الله

خطا کاتب مبارک

خطبات و مزارک

۸۰ اینده آئی احمدہ آگاہی گو اہی کہ عبدالبارا مشاغل و غوائل غیر تنہای موجود باوجود  
 این ملاحظہ نما کہ جان دل چکونہ بھجت یاران در امتزازہست کہ جمع کار مارا گذارشتہ  
 بیاد تو پر دہم و این نیتہ را وسیلہ ساختم تا روح و روحان بایی و بفضل و احسان حضرت  
 یزدان بر سرور و فرح بیفزائی ذلک من فضل اللہ یوتیہ من یشاء و اللہ ذو فضل

عظیم و عیك التیة و آتھا ع ع ست بندہ

شیراز ہوائہ بواسطہ افغان سدرہ مبارکہ

جناب میرزا بزرگ جناب مشہدی علی کبر خیاط علیہ مبارکاتہ الاسب

ہوائہ

خطبات و مزارک

۸۱

ایچادم صادق جانفشان ہر چہ در خدمت یاران پشتر کوشی کأس غایت پشتر نوشی  
 و آنچہ بصورت شان پشتر پردازی بالاتر پردازی زیرا این مجاز قظرہ ان حقیقت ہست و ان  
 عجز و نیاز را بطل قریبت ان بینار خدماتت مقبول و زحماتت ممدوح و نیکیت

مشهور در نگاه رب دود و عیال تخته و آینه ع ع ع  
۶۹

هوانه

ش شاهزاده محب علی میرزا علیه بآ آله الاهی

هوانه

۸۳ ای بنده الهی یکی از اجاب ذکر ترا در این سخن نمود و بتائیش تب گشود که محبت  
دلبر حقیقی گریبانی چاک دارد و بتجلی عرفان سینه چون آینه افلاک این سرگشته کوی الهی نیز  
خامه برداشته و نامه نگاشته بلکه نسیمی از ریاض قلوب بوزد و مشام مشام قانرا معطر  
نماید پس ای طالب روی حق مشام مستعد نما تا آن بوی جانپور در دریاغ آید و روح

خط  
بزرگ

حیات تازه یابد و البهاء علیک ع ع ع  
سایه

هو الاهی

ش جناب شاهزاده محب علیه بآ آله الاهی

ملاحظه نمایند

برادر



ای محبت مطلع انوار محبت را مراتب رابعه مذکور و مشهور اول محبت من الله الی العباد  
 ایده یحییهم شاهد این مطلب ثانی محبت من العبد الی الرب است و سببونه دلیل این مقام  
 ثالث من العبد الی العبد است آید رحما یمینم محبت این مقام رابعاً من الحق الی الحق است  
 فاجبت ان اعرف ثبوت این مآل محبت منظر نفس آتیه و مطلع الهام هر چند من العبد  
 الی العبد است ولی تحقیقت من الخلق الی الحق است چه که من اجبه فقد احب الله پس چون  
 ناست دلالت بر محبت من ستمی یعنی فی ملکوت الاسماء دارد امید که با آنچه از لوازم این اسم  
 مبارک و خصائص این رسم محبت است قیام نمائی و موفق گردی و آن همت بر نشتر تجا  
 و غیرت در ثبوت و رسوخ بر ایشان است و البها علیک و علی کل ثابت علی العبد

القَدِیْمُ ع ع

هو الله

ش خاب محبت علی میر علیه ساء الله الاهی

ای محبت بها، نور حقیقت چون درزجا به احدیت اشراق نمود عاشق و معشوق دست  
 در آغوش گشتند و احدیت حکمش چنان نافذ و قاطع که گوی معشوق بود نه عاشق یا عاشق بود  
 نه معشوق و اسما و صفات و تشخصات و تعینات و نسب و اضافات شون دست  
 بودند بخواشرف بکمال بساطت و وحدت و چون آن نور هویت درزجا به واحدیت  
 جلوه فرمود اسما و صفات پدیدار گشت و صور علمیه الهی اعیان ممکنات نمودار گردید  
 پس بکوش و جانفشانی کن و جهدنا و پریشانی تا حقیقت ناطقت و عین ثابت از  
 مقام واحدیت بصحرا می دلگشای احدیت توجه نماید چه که سالک در آن مقام از کثرت تجلی  
 و قوت فنا از شون حضرت همچون گردد و کلمه انا لله وانا الیه راجعون گوید وجودش نمود  
 اوست و عبودیت مقام محمود او و انعدام محض غایت مقصود او پس تا توانی پایدارند  
 استوار کن تا بزرگی بگامی پی برسی و از بیگامی بزرگ شوی و شب و روز که خدمت بر بند  
 و بیان آیات بیات برداری و کار جهانی باری و با همگ ملکوت نغمه پرداز

شش شش او جناب م ح ب علیه ببار الله الاهی ملاحظه نمایند

## هو الایه

۸۵

خطاب

ای محبت جا مقدّم و اّم عظم هیکل عالم چون بحقیقت نگری بشاید شخص انسانیت یعنی  
 قالبی جهانی و امر مبارک و آثار ظنورا عظم مشابه روح حیات در این جسم عظیم و متفانی کریم  
 اگر جهان و کیهان باین جهان که شئون و کمالات جانان و حضرت رحمن است زنده نبود و باین نت  
 الهیه تر و تازه نگشته بود حکم جسم سمیت داشت و سمت جیفه و جد غیر متحرک لطف رو  
 که هیکل عالم منظر قوت و قوت جانست که این جسم در طیرانست ولی چون نشود  
 کالبه از فیض جان بدریجبت تا تدرج در مرتب خلقت از لطفه و علقه و مضعه و ک  
 لحم و انشا خلق آخر و قیامک الله احسن انما یقین نماید لئذا هیکل عالم نیز از این روح  
 منقّم در بایت درجات خلقت است عقده یب آثار بهره فیض روح القدس المیرا  
 در این هیکل نورانی بقسمی شده نمائید که عقول حیران و البصار خیره نگران گردد پس بجان

دول بکوش که تو بمنزله گوش هوش گردی و بشاید نظر و بصیر این عالم اکبر شوی تو ای اعظم حیات  
باشی و شفای نجات از بهنگام و عوارض از غمات در یاقی اعظم صبت جمال قدم در دروی اکبر  
ثبوت و استقامت بر امیرم برم و معجون قوت و صحت ثبوت و رسوخ بر عهد و پیمان حضرت

رحمن هست و البهائ علیک عبد البهائ ع سائده

جناب محب علی میرزا

هو الابی

یا من حی فواده بنجات محبت الله قد انشرح تصدور بزرگ فی هذا الخلل المشکور و انعام  
البرور و المنصر المشهور و البیت المغمور فی هذا الیوم استنور و بسطت کف تضاعه تبتهلاً  
تبتهلاً الی الله ان یغنی علی صدق کینونات اجبار الرحمن غمام فضله المدرار و سبحان

کتاب

جوده والطفه فی هذا الاوان

ع ع سائده

جناب میرزا هدایت الله خان

یا من اشتعل بآثار الموقدة فی السدرة الترابیة  
مخرج کلمة یا ایها الناطق بانشاء  
وآنا نشر شرع الوفاء انشأ رب من ریح الولاة  
انناظر الی ملکوت الاسبی ملک الیغنی  
الیوم اطلاق العنان فی میدان العرفان  
واجولان فی مضار السببان حتی تجعل الوجه  
متموجه الی الحق التیوم فی بحیرت الاله  
والبهاء حیک ع ع ع  
جانب ملا امیرخان

هو الاسبی

ای امیر کشور عرفان آن یار مهربان  
اگر بیداراده پرده از رخ یاران حقیقی  
خوش بر انداز  
و کشف عطاء و ناید  
آن خیل دلبران نبی که گفته آفاقد  
و آشوب و دلوله دو جهان  
مطلع عالم از انوار جاشان روشن است  
و مشارق و مغارب مکان از فیض جاشان  
کلزار و گلشن اگر باین بوبت الهیه  
که در انجمن وجود رخ گشوده  
کجای حقما اهل عالم و آفتاب  
گردند خیل عاشقان نبی کف زبان  
پاکوبان بقربا بجاه بشتابند  
ع ع ع

خط کاتب و مهر مبارک

۸۹ اینده الهی تا توانی در هدایت خلق کوش و سعادت بوستان حق نمای خنایت  
در مرز عه آفاق تخی پاک افشاده و لبسته این کشت دشمنان حقیقت جهانرا بهشت نماید  
و این تخم پاک از ضرار زینت افلاک بخشد و اجای الهی در این جو یار آید و اب فیض  
حضرت پروردگار پس تا توانی ایاری کن تا فیض حضرت باری کامکاری بخشد و نور اینه  
بر چشمه و یگانگی علم افرازد و بنیان بیگانگی بر اندازد محبت عمومی رخ کنشاید و جهان  
آینه فیض یار مهربان شود و عییک آئینه و آتشنا ع ع

شیراز بو ابطه حضرت فهان سدره مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ جناب حیدر الله  
میرزا ابن محب علی میرزا حلیه به آ الله <sup>p</sup> تا به

اینال باغ محبت الله نامه در نهایت روح و ریحان قرائت گردید و از مضمون  
مفهوم شد که خود را میجو رد آن و مردم شهری و مخزون مانی و مفهوم استی زهار چنین گمان  
زیرا

خط کاتب و مهر مبارک

ریز ابر تو شمس حقیقت مشمول وبالطاف و عنایت معنون غریق دریای الطاف و ابر  
روی اندک بربیع الأوصاف فیض هدایت یافتی و فوز رحمت جنتی و در ظل حضرت  
احدیت در آمدی جام سرشار محبت الله نوشیدی و دیده از ماسوی الله پوشیدی  
و جلالت شد محبت الله چشیدی و آنچه فتمت آرزوی صغیا بود رسیدی حال اینده راه  
جلای پشتر دای پر تو شمس حقیقت پشتر آمد و فزون تر جلوه نماید من در حق تو بدرگاه الهی عجز  
و زاری نمایم و الطاف پنهانیت جویم . جمع یاران البیرا تحت ابدع ابی البلا خداریه  
تا توانی بهدایت نفوس پرداز و در تحصیل علوم و فنون الهی کجوش و حلیک البهائم

ع ع م س ب ه

شیراز بواسطه حضرت افان اقا سید حسین امه الله الموقنه سکنه  
والده باقر حلیه با الله الابه

هو الله

خطات و کلمات

با امه الله قد اتقن الورقة الناطقة بوجهک لی الله نکلونی مطمئنه بفضله راضیه بکجه خیرة

لديه صابرة على البلاء، ناطقة بالثناء، واني بلاء الله وراذلك عندنا ناجي ربي لغفور  
 واطلب لوالدك التي رجبت الى الله ان يكرم مشوا، ويدخنها في نزل كريم ويخدها  
 في جنة النعيم ويشرح صدرها بمشاهدة انوار اللقار في مشايد الكبرياء، وبلغني تحيتي الوافقه  
 الى امه الله الباهره فاطمه بي بي ثم التي كلمه التحية من قبل على امه الله الرضية رقية سلطان  
 وكذا امه الله المنجذبه بهية ثم ضياء الله المترقي في حجر محبة الله ثم بلغني تحيتي وثاني و  
 اشتياقي الى رفيع الرفع المترجم في رياض المعالي بلجن بدع زاده الله عرفانا وشغفه  
 جا وحيك التحية والثناء، ع ع س ب ه

هو الله

شيراز ورقه موقفه امه الله سكينه بيگم عليها ببار الله الاسب

هو الابي

٩٣

اي امه الله محرونة درايخاكدان فاني بقا بجهة نفس تمنع ومحال ومجال شبهه وانكار  
 نه اين كاس نصيب هرفنس واين صعود محتوم بر هر وجود كوكب ساطع روح الهية ارا

بشکل

کرار



امکان افول نماید و اینسراج و نایج البتہ از زجاج اکوان صعود نماید امر است محتم  
 و حکمت معلوم در اینصورت دیری و نزدیکی را حکمی نه و جوانی و پیری آمد خلی نیست  
 علی الخصوص آن سراج بزجاج عالم الاثافت و آن نخج باقی بقاشافت و آن غنچه  
 در گشش ابدی شکفت و آن آواره بوطن اصلی رفت چرامحزون و پریشانی و آشفته  
 و نالان توجہ بملکوت اہی کن و تو تسلی بجزروت علی علی تسلی تام حاصل میشود و ترا  
 قلب میتر گردد و ہش آتہ اسباب راحت جان و آسودہ گی میتر میگردد

(ع ع) سابعہ

والدہ خیال جہی

ہو الابی

۹۳

خطہ ہیکل

ربی و رجائی ہذہ امۃ آمنت بک و بآیاتک و ہلت بمصاب السفنی سبیک و  
 اشافت جوار رحمانیتک و تاقت الی حال وحدانیتک ایرت استمار حقیق لک

بفضک و حکمتک انک ہت الکریم الرحیم

ع ع سابعہ

الهی ذہ ورقہ خضره فی ریاض العرفان افضل علیہا من بحاب حرمک غیث افضل  
والاحسان لکن ریاتہ بیاہ الوجود بین اہل تہجد یا ذا الجود والانتان و تصیح متحرکہ بنام  
الروح والرحمان فی جتہ الرضوان (ع ع) تہجد

ظہ مبارک

اللهم یا الہی ہذا عبد نسبتہ الی عبدک الذی طرد ونفی فی سبیلک الی ارض السودان  
ونخل جسمہ من شدائدہم کالتیران حتی نجیته بفضلک اربہ ہذا ابنہ جعلت  
احسانک ورایت اتناک وسراج جتک ونور مجتک وورد ریاض عرفانک  
پن بریتک وریحان حدیقہ الامیان کب وبایک بین خلعتک انک انت اکبریم

ظہ مبارک این سولح در یک صومرا

ع ع تہجد

شیراز بواسطہ حضرت بشیر الہی جناب آقا میرزا ضیاء الدین

خادم مشرق الادکار علیہ بہاء اللہ الابهی

۹۶  
اینده حق نامه شمار سید مختصر جواب تحریر میگردد بدرگاه احدیت تصریح و زاری شد که  
آنچه نهایت آرزوی تست حصول یابد میسر گردد و قوه حافظه ترقی نماید حضرت اعلیٰ را

له الفدا گاهی کند و نبات میل میفرمودند شانیز متابعت نمایند و عیالک لبها، الاهی ع  
شیراز بواسطه جناب آقا محمد نبی قصاب جناب آقا میرزا ضیاء الدین خادم مشرق

الادکار علیہ بیا، الله الاهی

۹۷

اینده بهانامه شمار سید احمد لته خبر هدایت میرزا فرخ خان داشت که آن مشاق  
دلبر آفاق راه طلب پیمود تا بمرکز حقیقت پی برد و از نورانیت امر مبارک دیده روشن

نمود و از فیض ابدی ساحت خاطر رارسک گلزار و چمن کرد نامدئی مخصوص بایشان  
مرقوم شد در جوشت برسانید و بتایش شمس حقیقت پردازید که بنور هدایت آفاق قلوب را

روشن نموده و باران دلیل بن سبیلند و نادای به نظریق بوالده مهربان الله الله خدیجه و برادر

خط کاتب و مریدان  
۱۰۳۰

خط کاتب و مریدان

مهر پرورد میرزا بهاء الدین از قبل من تحت ابدع ابی برسان و علیک لبها، الایع ع  
شیراز جناب میرزا فرخ خان علیه بهاء الله الایه  
سابقه

هو الله

ای فرخ آبی احمد نه زخرا فرخ نمودی و بنور هدایت روشن فرمودی سعادت کبری  
یافتی و میمنت عظمی جستی دیده مشاهده آیات کبری نمود و گوش استماع ندای ملا علی  
کرد دل بدلداری پوست جان بجان رسید شایان هزار شکرانه است و سزاوار نعمه و ترانه  
پروردگار آمرزگار ابوبین فرخ از این جهان ناسوت بخلوت لاهوت شاکند و از این جهان  
نیستی بعبث نامی عالم هستی ابدی پرواز نمودند زاد و تو شئی ندارند صرفه و پیشه ئی ندارند  
توکل بر تو نمودند و بعبثه عالیه توجه کردند ای پروردگار بر خجل مؤمنان ایشان منت گذار از  
خطای آنان بگذر گناه بیا مرز پناه بده بیار گاه در آرزو در دریای عفو و غفران مستغرق فرما

خط کاتب میرزا کرب

توئی عفو و توئی و دود و توئی رؤف و توئی بخنده

ذنوب و قصور ع ع  
سابقه

بواسطه جناب زاردر ویش روشن جناب ملا فقیه

هو الله

۹۹

یابنده حق جناب روشن در این انجمن بنور محبت الله مانند شمع روشن شد حال مرجهت بطن  
نماید از من خواست که نامه‌ای تحریر بنمایم و محبت قلبی روحانی تعریف کنم این بسی واضح که قوه  
جاذبه ملکوت وجود این مفقود و جمیع یاران را در محفل تجلی جمع نمود از یکا شراق منوریم و از  
یک نغمه معطر از یک بحر سیرانیم و از یک حرارت پرتب و تاب در این صورت بیان لازم  
عیانست و واضح و نمایان بود آنی که در این سلب الان چه عیانست و اگر مطلع نیستی از خدا  
خواهم که واقف گردی و عینک التحیه و هشتم، ع ع

سینه

شیراز

هو الله

بواسطه حضرت افغان سده مبارکه جناب میرزا بزرگ علی بهار آقا جناب میرزا الدین حلیه بهار الله بال

هو الله

۱۰۰

یا من انجذب بنجاته قد تموت آت سکر که نه علی با پاک و بنجاک و اجابت عالم اعلم

خطاتیب و دربارک

ان ربك ارحيم سيحل لحظات عين حمايته كل من اتى الله يقرب سليم ويجعل آية الله  
ورايه اتقى وشهاباً قابلي اوج العلى ونجماً بازعاً في الافق الاعلى ولملك يلمس ان يدا  
القلوب والارواح ويشفي النفوس عن مرض الجهل والعمى ويجعل سبباً لهذه العظيمة الكبرى والمنحة  
العظيمة معاجزة الاجسام مستمد من فيض الرحمن وتأييد من العزيز العلام وتحقق لك ذلك  
اذا انجذبت الى الله انجذباً تبذل الروح للارواح واحيات للقلوب في عالم الاشباح  
وان كنت تحب التأييد العظيم والموقية في هذا الامر بحسب تخلق بعبء الاخلاق وهو الا  
والانجذاب والاشغال والرافة والثبوت والاستقامة والقيام بعبء الفداء اللهم  
ايده الملك المتدلل بعقبه قدسك لاساميه على حياة الارواح وشفاء الاجسام ونشر  
آثارك بين الورى وعلما كلمة التقوى بقوة الهدى انك انت الكريم العزيز المهيمن  
المقدر المحبوب اگر چنانچه در آن صفحات امر معيشت صعب وبقدر  
فناخت كفايت نمايد مجرود به نيت نشر نجات الله ببلاد ديكر غر نيت نيز جائز  
ايديك الله وشييك وعليك التحيه والتشناه اع اع

۸۲  
شیراز جناب ضحیاء الدین خادم سابق مشرفی لاکو در علیہ بہاء اللہ

ہوائے

۱۰۱

خلافت و حضراتی مبارک

ایشان بر پیمان نامہ ملا خطہ گردید عبارت پر حلاوت بود و دلالت بر استقامت مینمود  
بامد آتہ خانم طلعت تحت برسان و بشارت بموہبت الہی دہ تاسر و مو فور یابد و کثیر  
صبور و شکور بانی شود از عنایات حضرت خفی الا لاطاف خواہش از مرزش از برای میرزا  
بہاء الدین و میرزا قاقا و امہ آتہ خدیجہ مینامیم ایجا و بذیمانند بہاء الدین را صدر نشین بہشت برین  
فرما و میرزا قاقا را در ملکوت ابہی بموہبت کبری سرفراز کن و مرقد امہ آتہ خدیجہ را در پیرچہ ملکوت  
الہی کبشا ای شرزگار این پچارگان را در جوار رحمت کبری لہجا و پناہ دہ و این ملتجین را بفرودس برین  
در آغوش و مغفرت مبدول دار و فضل و عنایت از ان کن تویی بخشندہ و آمرزندہ و مہربان و صلک

بہاء الابہی ۲۲ رمضان ۱۳۳۷ عبد البہاء عجاس

ہوالا بہی

جناب راز حاجی سید علیہ بہاء آتہ الابہی ملا خطہ نمایند

خط مبارک

١٠٢  
 يا من احرم ليطوف بمطاف ملائكة القدس من الفلك الاعلى فاشكر الله ربك على هذه الوصية  
 التي هي اعظم فريضة وابهى جوهر تتكلم في امامتك عليها حيث تشرف بالمشول بمقام هو مختلف الملائكة  
 من الملائكة الاعلى وعفرت وغبرت خذوك بعبار هو كل الابدان وشفاعة الابرار وبرد لوعته  
 الاصرار فيا طوبى لك من هذا الفيض الدرار ويا بشرى لك من هذا الشرف الذي تقهر به بين  
 اهل الانوار ايرب هذا عبدو وجهه الى ملكوت رحمتك وتثبت بحبل ربانيتك وتشرف بعقدته  
 المباركة ايرب جعله مشمولاً بمحطات عين رحمتك انك انت الکریم الرحيم (ع ع)  
 ست بريد

9

امه الله خانم طلعت عليها بهاء الله

هو الله

١٠٣

خط مبارک

الهي التي ان عبدتك هذه تسر فيك بكل عجز وذل وانكار مبتله اليك في حقبات فؤادها  
 رب وثقها على ما تسمى وارض عنها وايد ما على الاستانة على نكاح انك انت الکریم الرحيم (ع ع)



ورقه مؤمنه ضلع عبد الوهاب حلیبا بآء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الله

۱۰۴

ای ته الله هیچ دانی که کنیزی جمال مبارک را چه مقام است و چه درجه احترام قسم بروی <sup>س</sup> *خط مبارک* و خوی دوست که نایج و نایج حکمهای آفتاب و سراج زجاج قلوب بانوهای اعظم اینقدر و قیمت در ملکوت ابی مشهور گردد و این علویت در فوق اعلی واضح شود و لبها علیک (ع ع) <sub>س</sub> *خط مبارک*

هو الله

شیراز مناجات طلب مغفرت بجهت راجع الی ملکوت الوجود حاجی رجوعی خفا ط

هو الله

۱۰۵

رب ورجائی الی مع فرط عصبانیه و ذنوب خطیاتی و کثرت ذنوبی انصرع الی رحمة رحمانیک و *خط مبارک* انصرع الی فناء عقبه فرزند نیات و اتفق بعدک الذی آمن بک و بایمانک و دخل فی ظل رایانک و ادبک نیات و بیانک رب اغفر له خطیاتی صدرت منه و احف عنه آئینات و بدلتها

باعتات واللبه حلل العطاء، وارزقه القاد، وكشف عنه العطاء، وارزقه في مشهد اجمال يار

المتعال اكنات الرحمن (ع ع) سید

بواسطه حضرت خدایب علیه بآ الله الابهی

هو الله

جناب حاجی رجبعلی خیاط علیه بآ الله الابهی

هو الابهی

۱۰۶

ایمده منحصرتی از فضل جلال ہی کثر ملکوت بجهت اجابتمیا لهذا اتفاق سبب حصول برکت

ازیر اتفاق پس ما توانی معاونت یاران نما واعانت دوتان لن سالوا الیه حتی تنفقوا ما

تحتون معاوتی که در حق جناب میرزا عبد الغفار مجری داشتید بسیار محبوب و اگر ممکن باشد

که از تبرات بشمارید و در صورت عدم امکان احوال الی میره بسیار مقبول و البتہ

علیک

(ع ع) سید

اخت صرم حاجی رجبعلی علیما بآرانه الابی ملاحظه نمایند

هو ائنه

۱۰۷

ای ائنه آتک بعروه و تقی جو و تثبت بجل متین حضرت کبریا، آن عروه محکم و جل  
و تقی میثاق الیست و بیان حضرت رحمانی بسبب جان و وجدان تک و تثبت نمانا بقام  
انجذاب همی بارگاه قدس حضرت ب الارباب راه یابی و البهائ علیک (ع ع) ظننا بک

هو الابی

۱۰۸

ای سرمست جام الست هنگام غروب است ولیکن انوار صبح هدی از مطلع افق ابی ظاهر  
نظر بعالم بالا و ملکوت علی کن طلوعی مشاهده کنی که غروب زپی ندارد و نهاری ملاحظه نمائی که  
بیس در عقب نیاید جمیع طلوع و اشراق است و ظهور و انوار چه که شمس حقیقت  
مقدس از طلوع و غروب است این طلوع و غروب نظر بعالم خلقت نه  
حق و البهائ علیک (ع ع) ظننا بک

حرم حاجی حسینعلی علیها بقاء الله الابی ملاحظه نماید

هو الله

۱۰۹

ایورقه طیبه اینجهان بسی عرصه تنگ و تاریک و آن جهان بغایت روشن و وسیع  
و نزدیک در طرفه العینی از این تسلیم جهانی بجهان آسمی توان شافت و از این خیرنگ  
بان عالم پرنگ بنامت پس تا توانی در نظر اینجهان باش نه این جهان و از آن جامت  
باش نه این ساعه کدر آشام و البها، علیک ع ع ع

ظلمت

هو الله

داراب جناب قائمشهدی محمدبراهیم شیرازی جناب قائمشهدی ولد ایشان علیها بقاء الله الابی

هو الابی

ای دونه حق در بندم بدرگاه احدیت اسم عظم مناجات ینمایم که ای پروردگارا این دو نفس نغز را  
موانس و نپس دگرگت نما و این دو مشتاق را بگلستان حیات و معانی دلالت فرما این دو با

را بجز

را بجز غضب فرات هدایت نما و این دو عزال بروند ترا بچمن موبت برسان تویی توانا

تویی مقتدر و بین رع رع سائده

هو الله

امده الله ضلع حاجی حسنعلی حلیها بهاء الله الاهی ملاحظه نمایند

هو الله

ایورقه بهتله شمع روشن است و شد مکرر و نشا بدروحا بر بطنی در دست دارد و بانگ نشا

ملکوت امی در فقه و آواز است چنگش توه ملکوتی مضراش بشارت الطاف جمال غیبی لاهوتی

آهنگش مردگانند در این ناخمن اندر ره دوست ایسحای زمان مان نفسی گرم برار رع رع سائده

بواسطه جناب طیبی قاف میرزا الطف الله هو الله

جناب قاف میرزا محمد باقر علیه بهاء الله

هو الله

ایمن توجه الی ملکوت السیاس اتی انما طلبک من هذه الناحیه المقدسه المبارکه وانت لی تک

الدوة المقصودى واول طلق عنان اللسان بالثناء على ربك الرحمن وانشاء الله على هذا الفضل  
العظيم بماهداك الى التصراط المستقيم والمنهج القويم واستر فيك لآل حنين من فضل مولاك القديم  
وامحمد لله رب العالمين (ع ع) مبتهد

هو الابهى

ش جناب آقا محمد كريم عليه بآء الابهى ملاظه نيده

هو الابهى

اين نظر بملکوت ابهى حضرت فنان در مکتوب خوش ذکر انجناب نموده وخواهش تحرير اين  
صحيحه کرده که ذکر انجناب در اين انجمن گردد وبياد آن مشتعل بناي محبت الله مشغول گرديم بتهنئه  
بدان که در جمیع احيان مذکور بوده هستی ودر آستان مبارک مستدعی نزول الطاف و عنایت در حق  
آن بنجذب نجات رياض احدیت بوده استيم وار فضل عظيم وكرم جليل مستدعی استيم که چنان  
سرست صهبای محبت الله گردید که آتش بقلوب اهل مکان <sup>ر</sup> شعله در حقیقت اکوان <sup>فکنه</sup>  
و ولوله در اين ارض و سما آواز و بحر عالم بوج آری و اوج ملکوت اعلی گری و چون ملکوت

ابی شتابی رخ برافروزی و چشم روشن بازگشایی و منظر الطاف بی پایان گردی و همبسط طبقات  
 انوار شوی و این مقام ثبوت بر عهد و پیمان آگهی میگردد و بتسک برده و تقای رحمانی حاصل  
 شود ع ع ع تا بعد

ش جناب حاجی رجبعلی علیه بآء الله الاهی ملاحظه نمایند

هوالا بی

۱۱۴

ای آشفته روی دوست در پنجهان با عاشقان رخ رنگین و موی مشکین و لعل نمکین که پر لوت  
 از فیض جمال مبین است پدیدار و رسوای کوچه و بازار شدند جان فشانیر ارحم جان یا نقد و میر  
 و سامانیر امیرت و جردان دل ترا غرت کبری دانند و مصیبت و مشقت را موهبت عظمی تو  
 که خریدار جمال یوسف آئی هستی و سودا و شیدائی معشوق حقیقی ایامد چگونیه پاکباز و جان فشان  
 و چباک و قربان و حیران و پسر و سامان و رسوا و شیدا و اسیر و حیرت در سبیل جانان باشی  
 ولی کار بسیار مشکل و پامادر کل هست مگر آنکه ملکوت ابی مدد فرماید و البتہ  
 ع ع ع ترجمه شد

مخبر کار

ہمشیرہ جناب قاعلی ضلع حاجی محمد رضا ایما اللہ طلعت اللہ اللہ ضلع انوشیان اللہ اللہ ضلع  
رجعلی اللہ اللہ ضلع حاجی حسینعلی اللہ اللہ ضلع آقا عبدالوہاب اللہ اللہ ضلع حاجی علاء حسین علی

بہا، اللہ الابی ملاحظہ نمایند

ای ما، رحمن در ہر کوی از طالع مقدسہ چند نسا، منجذبہ از مرقعہ عالم طبیعت مبعوث شدند و در  
مخشر روحانیت عظیمہ محشور جام سرشار صہبا ہدایہ از اید ساقی غایت نوشیدند و تائیدات  
الہیہ را از مظہر آثار قدرت ربانیہ گرفتند پس بانطق فصیح و بیانی ملیح و شوروی یزدانی و شوقی رحمانی  
در قطب عالم منتشر گردیدند پس ملاحظہ فرمائید کہ در عہد مظاہر شمس حقیقت چون چنین نسائی مبعوث  
شدند حال کہ احمدیہ این کوہ کوہ شمس حقیقت است و این عہد عہد سلطان احدیت کہ در آن  
موجودات در شور و شوقند و سرور و ذوق پس و رفات سدرہ باید بشمولی و انار و اطوار  
و انجذابی و شتعالی و بیانی و تمیانی و روحی و فتوحی و متن و شوروی مبعوث گردند کہ قوت و تقو و  
انار



وانوار ایشان برورقات سار و در با فائق آید و این مقام عالی و عزت قدیمه سهولت تیسر گردد  
 شعله ناری که سبب اشتعال شود انوار ساطعه شاید که عالم روشن کند فیض بر و باران لازم چمن  
 و دمن سر سبز و خرم گردد ای آما، الرحمن بکوشید تا چون مردان در این میدان چوکانی زنید و  
 گویی بر بایید قسم بجمله تم که جنود ملکوتی بی چنان نمایند نماید که در مضمار عرفان صفدر و  
 صنف شکن گردید و قوت نمایند شمار ابر جمال عالم غالب گرداند و این فیض بیست  
 و رسوخ بر عهد و پیمان حاصل گردد ع ع کتاب مبین

شیراز جناب میرزا محمد باقر همیشه بار علیه بها، الله

هوانه

۱۱۶

ای جیب روحانی نامه مشکین ملاحظه گردید برید و آن بخند و انار مجله الله بالبهتان العظیم قزاق  
 التبا و اوتجا و اشتعلا در قران میفرماید کلا اوقد و انار اللرب طفاها الله باری شما  
 مطئن بفضل و موهبت حق باشد آن ربک یؤید المخلصین باعمال یتشر بها نفحات الله  
 و لیکن التاسعین فی خسران مبین (عبد البها، عباس) کتاب مبین

شیراز جناب میرزا محمد باقر اشیار علیه بآء آله الاسبی

هوائه

۱۱۷

ایوش ریدار سر و ش یار بود که بهوش آمدی و مذاکبوش رسید سمع اصم البسته ندای الهی نشنود  
 و لفظی کیم بتباربانی نپردازد احدی توه سامعه شدید بود که اذن صاغیه کلمه الهی سماع نمود حمد خدا را  
 از سرگردانی نجات یافتی و بگریدی ای تجانموی بهیست پی در پی کشف سرا کردی و واقف بتاشوی و  
 اسرارمانی و غلبه ترا آشکار شود محو الموهوم گردد و جمال معلوم جلوه نماید امیدم چنانست  
 که یونانیو ما ترقی نمائی تا بچوهر مقصودرسی و غنای حقیقی یابی و گنج روان پی بری و حجج و برهان  
 بنائی و دلیل جلیل قائم کنی سوال ز لوح زبر جدی لوح محفوظ نموده بودی این لوح زبر جدی  
 کتاب خداست و لوح محفوظ است که محفوظ بود و کمون بود ظاهر و آشکار گردید و در لواط کتاب عبد لوح  
 زبر جدی مندرج و مندرج است و علیک الباء الابهی ۲۰ جمادی الاول ۱۳۳۸ هجری

abdul Bha abbas

بجای

ظن کاتب و انصافی است با کمال

ش جناب ایشخ بهائی علیه‌سآله و آله

هو الابی

۱۱۸

ایسراج و نایچ ایدم بوی جانتخ سدائق ملکوت قدم شام روحانیا ز اچان مشکین و خیرین  
 کدلی ختیار قلم برداشته و بیاد آن یار مهربان پرداخته که شاید از الفت قلب و روح و خاصه و نامه  
 نغزات انس قدیم با حذل و جان یاران محفل رب کریم رسد و حقیقت فواید ارقیود اجبران و حیران  
 برده و حجاب مرتفع گردد و پرده برافند و گرفتار فراق خویش ار و شاق بید و بتلای اجبران خوراد جنت  
 رضوان مشاهده نماید این مراتب فضل و وصل و بعد و قرب عنصری ابد حکمی گذشته  
 بلکه وصلت حقیقت روح چون میسر گردد حکمش چون روح در عروق و شریان  
 سریان کند و حجاب بکلی زایل گردد و جمال وصال مشهود و آشکار شود و بهائآ  
 عیک و علی کل ثابت علی المیثاق *سأبدنه*

ش جناب بيا، الدين ونور المخلصين المنتدب الي من اشترى في اوج العليين

الله ابي

١١٩

يا من توبه بكلمته الي ملكوت الابي تالله احمي ان عليا من الملا، الا ياديك ويحاط بك بصوت  
جهوري ويقول بشراي وصحي وسب سرور ومورث جهوري باخطت حقوقي واسمعت لوصيتي  
وثبت على الميثاق وتمورت باية الاشراق وانتبت من اهل اشراق البعدودة في الافاق  
ولو جئت الي انور المجدود وتغللت في اهل المهدود وثبتت ونبتت وحطوت وصبوت الي

اجمال المجمل نجاب العياب ع ع معاوية

هو الابي

ش ورقة عليية موقنة بقية من عرج الرقيق الا على امه الله صبية اشخ عليها بيا، الله الابي

الله ابي

١٢٠

اي امه البها، عليك لبها، عليك اشنا، يا بقية تلك لنفس القدية المتصاعدة الي الله امه

بواهب

بمواهب ربك افرحى بفضل مولاك القديم توجى الى ملكوت ربك لاسى وناجى مولاك وتو  
 كل حمد يا نور السموات والارضين بما خلقتنى من سلب من شرت صدره بانوار التوحيد وعليت  
 درجه فى العليين وجعلتنى بنبعة منه تذكرا لمنه بين العالمين ونورت وجهى من انامك يا مقصود  
 العارفين الذى ايدنى وضحى على خدمه امرك والتبتل اليك والتضرع الى باب احديتك وتقتضى  
 على التصحيح فى محافل نامك بعتك ونامك ونشر فحاشاك انك انت الكريم الرحمن الرحيم

صفحه  
 محمد

ع ع

الى الله البقاء تمسك بذيل كبرياءه وتثبت بعروضة وثقى وتوكل برحمانك وشب وروز در ترويج  
 امر الله باش چه كه تايم بسرايد وحيات دنيا نپايد واعتماد نشايد عتقريب فاني گردد وچون سراب  
 بيق شود پس در آنچه علو و سمو در ملكوت اهديت بكوش تا بنجم بارخ كردى وكوكب شارق است  
 باهره شوى ورايت شاهره پرتو نور مبین كردى وجلوه آثار عليين واهل بيته است

ثابت مستقيم ع محمد

يقى تنبى الى الله الذى هو من قبلة اسراء الله هناك وكذا لك لامة الاخرى التى تتبلى بنسب

۹۹  
احمد علی شیرازی و البهّا علیهما ع

سئل انه ان تبيأ اسباب تشرفك بالعبقة السامية انه لعل كل شيء قدير و البهّا عليك ع  
شیراز امه الله المنجذب نسلع بها الدين صبيته شخص حليل حضرت شيخ علي ميرزا عليها باء الله الابي  
معه

هو الله

۱۲۱

الورقة طيبة و امه الله المهيم القويم پدر بزرگوار تر از این جهان یادگار گذاشت همواره در خاطر  
و در این منظر حاضر مطمئن بفضل و مودت جمال بی باش و معتد بر حرمت و رعایت عبد البهّا از درگاه احد  
طلب مغفرت بجهت متساعدين الی الله گشت و از آستان جمال مبارک استدعا می نمود که با آنچه نهایت  
آرزوست بنویسد و حسن خاتمه محقق و مقدر شود و انجال منظر رضای حضرت پروردگار گردد و

جناب بهّا الیوم مقبول درگاه علیین گردد و عليك البهّا الابی ع

هو الابی

۱۲۳

ش الورقة الطيبة الزكية ابنة من صدق الی الرفیق الابی عالیة خاتم ضلع الشيخ بهائی علیها و علیها باء الله الابی

البهّا عليك ايها الورقة المتهمة من نسيم رياض الابی المستبشرة من نصيب

غياض

خطا کاتب و تبریک

خطا کاتب و تبریک

غیاض الاق اعلى انخانته فی حیاض بنجه الماوی لقد ثبت ونظر ظهور الشمس فی رابعه النهار  
 بانجذابک فی ملکوت الاسرار واشتاکک بالنار الموقده فی سدره الغیرا تجار اکتب بصعده ذکب لظلم  
 الرشید و فله کبد ذکب السری المجد ومن عن ضرر وجه الشید و ذریته التي تباهی بها فی ملکوت الاله  
 و یشرح بها صدر انی لاهوت البقاء و یخاطبک من الملكوت الابهی بوجه متدللاً لکوکب التضحی  
 و یادی باعلی الذاء احنت احنت یا ضعی و قطعته کبیدی و نور بصری بما و فیت بالیقاق  
 و قبست الانوار المشرقة علی الافاق و ثبتت قدماک علی القساط و شربت کاساً دماقی فی مغل  
 الاستراق و الهماء علیک و علی کل ثابت و ثابتة علی مرآته و متشبهة بالهرة الوثقی رع  
 شراز امة المقبره صید من رکب القاء و بنی فی صدق عبد لیک مقدر شیخ علی میرابیح شیخ بها الذین علیها بها الله الاله  
 عابدین

۱۲۳

هو الله

ای یا کائناتین حلیل پدر بزگوار معدن اسرار بود و محیط انوار در ساحل قدس مقرب بود و در ایمان ایقان  
 و محرب نظر خنایت حق از هجرت شامل بود و موهبت کامل تو با و کار آن بزگوار ای و اصنحت  
 که بنده مقرب از صعود میرزا نصرالله نیایت خزان موجود ولی تسلیم خاطر باینست که از نظیر چون باوج

اعلی پرواز نمود باز شهب گشت و عقاب عظم گردید و نظره چون از خیر امکان بگذشت بفضای  
لامکان شافت بحری بیابان شد مطمئن باش که عزیز بحر غفرانت و در حق تو از رگه آبی تا یدر تابی

طلبیم تا در جمیع شؤون مظرفیونات نامتناهیه گردی و علیک بهاء الابهی ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۳۸

من بر سر

عبد البهاء عباس

شیراز جناب حمد ابن بهاء الدین صبیحه زاده من جعد الی الله شیخ علی میرزا علیه بهاء الله الاسبی

هوا لله

ای یاد کار آن شخص حلیل و ورق مسطور مخطوط و منظور گردید اجمده چه را غمی در آنجا کدان روشن گشت  
و از سلاطه آن نفس مبارک موق بهدایت پیدا شد جد بزرگوار قلبی پر از انوار هدایت و مشامی مشکبنا

خط کاتب و امضا مبارک

و جانی مستبشره بعبیض حضرت پروردگار در ساحت اقدس مذکور بود و در آستان مبارک مقبول رفم

مظفر کبرآت و مرات ذکر آنجان پاک استماع شد حال تو باغ آمال در انبال تازه و برگرد و گلشن ارزو

اورا گل لطیف و طری باید بجان بکوشی تا آن گلشن را روشن کنی و علیک بهاء الابهی

من بر سر

عبد البهاء عباس



ش ورقه سدره مبارکه امه الله والده اقامیرزانی علیها بآته الاسبی

هو الابی

۱۲۵

ایورقه مقدسه مبارکه صد هزار ملکه های آفاق آرزوی جبار و کشی آستان اولیاد اشنگد و نشند و توانو اوراق سدره مبارکه محسوب و معدودی ملاحظه کن که بچه فضل فائز شدی پس

خط مبارک

بشکرانه الطاف حق در تقدیس و تنزیه و عرفان و ایقان آما، الرحمن بکوش رع

مقدسه

هو الابی

ش و رفات مطلقات آما، الرحمن علیهین بآته الابی ملاحظه نمایند

هو الابی

۱۲۶

ای آما، الرحمن و و رفات طیبه موقفه سطنه بفضل بزدان هزاران هزار و تحران پیر و بنات سروران و بزرگان ترک پرند و پریشان نموده و از آسایش و راحت جان و کام دل و آرایش گذشته و از پدر و مادر چشم پوشیده و از هر شادمانی و خوشی و کامرانی

خط مبارک

منقطع گشته و لباس رهبانیت در بر کرده راهب گردید و شب و روز را بعبادت و ریاضت و خلوت و صراحت گذرانده که شاید مشاهده پر توی از نور حقیقت نماید و در حضرت این موهبت جان بباد و طبعه از انوار شعله طور فائز گشت حال شما بسگرانه قیام نمائید که الحمد لله بخوم این نور بین را طالع از افق جبین دارید و ظهور این آثار با بهره راد حقیقت زاهره دارید و اکلیل این نعمت بر فرق مطالع محبت الله هستید و مشارق موهبت الله و انشاء الله ناسرات هدایت الله و شکر این فضلی نعمتها ثبوت و رسوخست بر مشاق الله تسمیکه باید چون جبال رایات ثابتات باشید و مقاومت طوفان اعظم نمائید و چنان مشعل و موقد و منجذب گردید که جمیع نثار منقلب نماید در آستان مقدس حضرت دوست اما الرحمن بگر شما مشغول و مابعدا تأیید مالوف و البها علیکین یا اما الله ع ع ع

شیراز اما الرحمن علیه السلام یا اما الله الاهی (بواسطه ورقه مبارکه امه الله والده آقا میرزا افغان بواسطه آقا میرزا نادری)

این چند خط خطی است

شیراز اما الرحمن امه الله والده مرحوم اسکندر خان ضلع جناب فغان مرحوم آقا میرزا  
 باصتیہ شان طوبی خانم امه الله ضلع جناب شیخ بہائی صبیہ شان نیرہ خانم عیال فا  
 میرزا بزرگ باصتیہ شان روح گنہ خانم عیال جناب میرزا محمد صادق خباز باصتیہ  
 میرزا پگم سہ ہمشیرہ زادہ ہای مرحوم حاجی ملا کاظم نصر آبادی خانم بہتری خانم شریعت خان  
 خانم عیال جناب غنڈلیب باصتیہ شان نور ا خانم و عیال برادرش بہتہ خانم صبا  
 جناب میرزا نصر الہ علیہ و عالیہ خالہ جناب ملا احمد علی والده رحمت ہمیشہ زادہ والد  
 رحمت عیال حاجی حسینعلی صبیہ حاجی محمد رضا خیاط جہالیہ خانم فاطمہ خانم مریم سلطان  
 سلطنت طلعت عیال حاجی حسینعلی میرزا پگم نیرہ عیال جناب عبدالوہاب صبیہ فا  
 محمد حسن خیاط جیا صبیہ آقا محمد جواد علیا صبیہ مشدی ابوالقاسم طلعت خانم حاجی سلیم خان  
 مادر رحمت ورقہ مبارکہ امه الله والده آقا میرزا نادای فغان

ہوالہ

۱۲۷

کتاب و خطبات

آیا الرحمن از قرار مسموع محضی راستید و بخدمت آستان مقدس برخواستید مطوع

ثم طوبی که در عصر بت بدگر حق پر داختید و در این میدان بجان و دل شافتید تا بمثل مقصود  
 رسیدید و بتر وجود پی بردید و جمال موعود یافتید و حقیقت شهود ادراک نمودید بر توالی  
 شمس حقیقت فائض و الطاف جمال مبارک شامل حال مؤمنات و موفقات در هر دی  
 موبتی جلوه نماید اما در ضمن باید فرصت این ایام را عنایت شمرند و هر یک جدی نمایند  
 بدگاه رب اله تقریب جوید و استفاضه فیض از مبدء وجود کند حالتی پیدا کند و تقوی  
 مؤید گردد که هر شخص ذلیرا بجزد القاء کلمه نفس غیر نکند و محروم را محرم لا هوت نماید  
 و با یوسر امیدوار نماید و بی نصیب از موهبت کبری بهره و نصیب دهد و جاهل با پنا را دان  
 و پنا کند و خافل کاهرا پدار و هو شایر نماید اینست صفت اما در ضمن اینست  
 شیم کنیزان در گاه کبریا ایورقات موفقات در صفت او رپا و امر یکا اما در ضمن گو  
 سبقت و پیشی را از میدان رجال ر بوده اند و در تبلیغ و نشر نفحات الهید چنان  
 نموده اند مختصرب مانند طهور ملا علی در اطراف و انکاف دنیا پر و از آیند و هر  
 نفسی را هدایت کنند و محرم راز گردانند شما که و رقات مبارکه شرفید باید پیش از

انان شعله زیند و بشه نجات الله پردازید و تریل آیات الله کنید پس تا تو آید  
بضیاح و وصایای جمال مبارک قیام نمایند تا جمیع آرزوهای میر گردد و ان جو پارچه

گشش احدیت شود و عظیم و عظیم البه ابی ع ع ع  
هوالله  
شماره  
۱۴۸

ایه و ستان جمال بی اگر بدانید که این خطاب چه قدر عظمت و مخاطبها چه قدر عزیز است

الکمال سرور و جو بر ماند طیور پر گشاید و در این اوج موهبت کبری پرواز نماید زیرا

این خطاب عنوان ملا اعلی است و این عنوان موهبت ملکوت ابی چه قدر باید اجابا

از این خطاب سرور و مشعوف و پرا نجاد گردند و غریب بر تو ای حقیقت بر جهان

باید و روشانی کونین گردد فوف تری المخلصین فی فرح عظیم حیف صد حیف که

بیوشان از بشارت این سرورش بچیزند و موفایان از این موهبت بی نصیب و ثمر این

تاج و باجرا بجوی فرو خندد و این اکلیل جلیله انا غفلت سوختند یا حسره عظیم

باید تو انعمه الله علی نفسهم و کالوا قوم سوء اخرین و عظیم التیحه و اثناء ع ع ع

شماره

خط حضرت ولی امر الله و در این کتاب (شوقی) مخاطب معلوم نیست

بواسطه شوقی افندی شیراز ورقه مبارکه سدره رحمانیه زلیور سلطان علیها

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هوآنه

ایورقه سدره منتهی مدتی بود که راه مستطوع بود و ابواب مسدود لند انکار شئی نشد  
 ولی قلب و روح بذكر شما مشغول و از الطاف بی پایان حضرت مقصود در جا میگشت  
 که در صحن حضرت احدیت مصون و در سایه الطاف محفوظ باشید امته الله ضیاء  
 این آیام زفاف بحضرت محمود شد الحمد لله تمام سرور اقران و سور حصول یافت  
 بسیار بموقع واقع شد و این از حسن نیت انورقه مبارکه گشت از الطاف الهی  
 امیدوارم که در نهایت استلاف با یکدیگر زندگی نمانید بحضرت فرع سدره منتهی

خط حضرت ولی مراد و امضا مبارک

جناب آقا سید حسین از قبل من تحت محرمانه

برسانید و همچنین سایر باران و آء

رحمن را و علیک لبها، الاهی (عجب لبها عجا) سادند

شیراز

شیراز ائمه الله زیور سلطان ۱۰۸  
علیک بیا، الله الایه

هو الله

یا ائمه الله من الدعوة المبارکه اگر چه سالهای چند است یک و پیمای از بقعه مبارکه  
بان تسلیم رحمانی نرسیده و لکن همیشه تبتل و تضرع بعتبه مقدسه می نمودیم و تا اید و یقین  
می طلبیدیم تا اجاء الله و اما در ضمن در صون حمایت حق از سهام شبهات محفوظ و  
مصون نماند و ثابت و مستقیم بر دین الله احدی نه فضل شامل شد و قوه ملکوت  
ابهی میخیزد که بری نمود که جمیع طوائف و اعم در زائر ه صرب سوخته و بنیانهای عظیم بر افتاد  
و لکن اینخیزب مظلوم در جمیع آفاق در صون حمایت رب المیشاق در نهایت روح  
و ریحان باقی و برقرار جمیع اما، در ضمن را تحت ابداع ابهی ابلاغ دارید حضرت  
افان سدره مبارکه جناب آقا شید حسین را احترامات

فائده ابلاغ نماید و علیک الباء الایه

عبدالبا، عباس ۳ اذار ۱۹۱۹  
مرتب کرده

شیراز بواسطه جناب تیرانداز جناب آقا محمد صادق جهرمی علیه بهاء الله الابهی

هوائه

۱۳۱

خطاب تیرانداز  
مبارک

ای بنده صادق حق جناب تیرانداز نامه شمارا پرواز داد تا بدست این عبد پر عجز و نیاز  
رسید مضمون مشحون بیان ایمان و ایتقان بود و برهان ثبوت و استقامت برام

حضرت رحمن طوبی لک ثم طوبی و یا فوز آک من هدیه الهیة الیکبری طلبت

از برای پدرم بران گردید یقین بدان که از فضل جمال مبارک مرحوم مغفور خواهد بود

رینرا پور غمخور در نهایت تضرع و ابتهال است و بیجا با ستاد رضا تحت ابرع

ابهی برسان و جناب درویش ابن شهید ابلاغ دار یوم بعثت

حضرت اعلی و یوم هفتادم نوروز و روز میت و هشتم شعبان و یوم اول محرم

و یوم ثانی محرم و یوم نوروز و سه روز رضوان اشغال

بامور حسام است و علیک لباء الاله

ع ع

بواسطه



بواسطه جناب قابل جناب رضا قلیخان علیه بهاء الله الابه

هو الله

۱۳۲

ای مندی بنور بهی هر چند مرا مجال مفقود با وجود این بدگر تو مشغول شدم تا وجد  
و سنوروی یابی و بشکرانه الطاف حضرت چون پردازی که بدرقه غایت رسید  
و نور هدایت درخشید و در شبستان دل و جان سراج موهبت رحمن روشن گردید  
از الطاف حضرت احدیت امیدم چنین است که روز بروز ان نماند تازه نشان چیده  
دی بر شحات ابر الطاف نشو و نما نماید و بشکوفه و ثمر رسد و علیک بهاء الله الابه

خطاب و موعظه

ع

ع

هو الابه ط ابن من صعد الی الله جناب تاج محمد علیه بهاء الله الابه خطبه یا

هو الابه

۱۳۳

ای مشغول بنار موقده و سدره ربانیه جناب بوی چند سال بود که در جو ارجال خدم  
پناه یافته و در ظل سدره منتفی آرمیده و از کاس قرب سمرست و محمود شده و بفضیلت

خطاب

اعظم مخصوص گشته مدتی مدیده در اکثر اوقات از مواد قریبه التیة مخطوط بود و از سران  
وصل مخمور و جسن اخلاق و الطوار و احوال و اعمال درین اجباء الرحمن محشور و مشهور  
جوهر کون بود و ساذج محبت جمال قیوم از نفحه قدس عرفان دماغی عطرناک  
داشت و ارغش جمال ذو الجلال کریانی چاک در شب و روز بذكر حق مشغول بود  
و بنا هم روح مانوس و شعوف چشمی روشن داشت و جانی چون گلزار و چمن  
تا آنکه مصیبت کبری و رزیه عظمی رخداد جمع کما شکست و عظمها رمیم شد دیده  
نابینا شد و لسانا گنگ و لال گردید جگر باخونشد و دلها پاره پاره و مخزون آن  
مذکر بگذرانید چنان از حرمان و بهرمان بر شفت که در اکثر اوقات حیران و سرگردان بود  
عاقبت حرقت فراق چنان شعله بر افروخت که تب دائمی و حمای مطبقة مستبری  
عارض شد در مدت بیماری در جمیع اوقات بذكر الهی مشغول بود و در شدت حرقت و  
حرارت تب بیاد حق سیراب و پرسترت بود در نهایت زیادتی مرض و علت در سبتر  
صحت و راحت آرمیده بود و هر نفسی بعبادت میرفت آثار فهای سرت در بره  
و طلعتش

وعلقتش مشامه میمورد تا آنکه خندان و مرده خوان با کمال بباشت و بشارت باقی اعلی و ملکوت ابی شاست  
طوبی له و حسن اب بشری له و نعم الثواب غزا و شرفا و فخر او سرور له من هذا الایاب و البهائم علیک  
یا تذکار ذلک انجانب عبدالسالم ع

بواسطه ابی بشر الی

۱۳۴

جناب آقای حسنعلی سبکی مرحوم آقا محمد جواد صاحبزاده صفهانی و ائمه اندام محترم علیها بیاد الله الالبی

هو الله

ای سنی محبوب آفاق و ائمه ائمه القریه نامه شما مضمون بدیع درشت و سبب سرور جدید گشت که انجانب  
در امر الهی ثابت و مستقیم و در عبودیت آستان جمال ابی سیدیم و در ظل خفایت مستتر ع از خدمت حضرت محترم  
محرر میگردد سبیل ثانی خویش را نام جدید نگوار بنمید و صبیحه را خدمت بنامست مبارک و علیکم البیاد الله

ع ع  
سماطه

بواسطه جناب آقای میرزا طراز و آقای میرزا علی اکبر

جناب محمد حسن خان علیه بیاد الله الالبی

خطاب و تبریک

خطا کتاب اور مبارک

ای ثابت برہمان احمد تہ لفظی فصیح دارک و بیان بیغ قلبی طیب و طاہر خواہی و جانی مستبشر  
بلکوت باہر توجہ بحال ہی جوئی و تثبت بذیل کبریا طلبی یقین بدان کہ چنین نفوس موقی و مؤیدہ باری  
توجہ بلکوت ابی کن و نصرت و فتوح از نصرت کبریا طلب تا ابواب گشودہ یابی و در کف حفظ و حمایت الہی  
آسودہ گردی حضرت منصور را امر و رکن و بشارت فضل موفورہ کہ رب غفور مؤیدہ حضرت منصور است

و علیک البہار الابن ع ع

بواسطہ حضرت قان مدہ مبارکہ جناب سید میرزا علیہ بہار تہ

جناب محمد حسن خان علیہ بہار تہ الہی

خطا کتاب اور مبارک

ای یار حقیقی عبدالبار اصمونی نامہ سرور نمود ریز ادالالت بر شعلہ نور ہدایت می نمود کہ در فراج دل و جان فروختہ  
و نفعہ ریاض معانی بشام رسید احمد تہ آن قلب مشکاہ محبت التبت پس از نجوم پگانہ و خویش میدیش  
بلکہ صبر و تحمل پیش گیر العاقبہ للتقین خویشان بیکانہ عقرب آشا شوند و پشیمان گردند و ایمان و ایتقان آن  
سرست

سرست صباى محبت آند افتخار کنند و مباحی شوند تفکر در حال پیشینان تا حقیقت جلوه نماید و جابت  
اشکار گردد اولاد و احفاد از آباء و اجداد گنه کار پزار شدند و از نسبت آنان ننگ و عار داشتند عقرب نمید

مشاهده نمود که عت ابدیه در دنیا و آخرت بعبودیت آستان مقدس است و حلیک التجه و ایشاء ع ع  
بواسطه آقا میرزا عزیزانته خان زائر

جناب مضمور اسطنه و جناب محمد حسن خان و امه آند المنجبه و الله ایان علیها و علیها البتاء الابهی

بوالله

۱۳۰۷

اشکار است و مباحی

ای سفا هر تاید آهی امروز قرن عظیم حال معین است و روز نماید و تو فیض حضرت رب العالمین مقربین گز  
الگو همواره آرزو چنین روز می نمودند و نفوس مقدسه در ایام قدیم تمنای ساعتی از این عصر رحمان و رحیم میفرمودند حال  
محمد که آن دو سال را آزادگان در این ایام باطاف حضرت یزدان مؤید پس بید از مشرق عرفان چون نه تابان  
بدخشند و سبب تربیت نفوس و بزرگواری نوع انسان گردند جهان از نادانان مانند شب تاریک است  
باید مژمیدان چنان پرتوی برافروزند که این ظلمت ضلالت مبدل بنور هدایت گردد و نفوسیکه مانند بهائند تربیت  
آهی چنان پرورش یابند که راه افتخار و مباحات قبل عالم گردند اخلاقی بچونیکه جهان از فحشش معطر گردد و آزار

گویند که جان و دل زنده شود و راهی بپویند که بسزمنزل مقصود رساند و علیکم البهاء الایه بی ع ع ع

مجاہد

هو الله

ش ورقه مبارکه والده جناب افان حضرت حاجی میرزا علی علیهما بآه الله الایه فاطمیه

۱۳۸

هو الله

ظہ مبارک

ایورقه مبارکه اگر چه آن کو کب نور آن اذراق امکان افول نمود ولی از مطلع لامکان طلوع فرمود آن بلبل

گلشن الهی در حدائق رحمانی آغاز نغمه نمود آشاخ مبارک بسدره البیہ مقتبل گشت و آن جوی دلجو بدریک

حقیقت طغی شد آن ماهی لب تشنه بدریای وصال پی برد و آن طوطی شکر شکن بشده و قد کتر رسید

آن عاشق دل سوخته بمعشوق رخ افروخته و همل شد و آن حبیب نجیب ببحبیب دلفریب نصیب نقیاً

پس سخنون مباش و مغموم مباش و فسرده و پشمرده مگرد از خدا آنچه که تاسی با خدای او نمائی و در عهد و میثاق

مجاہد

ع ع

چون او ثابت گردی

حضرت افان شجره مبارکه جناب حاجی میرزا علی را کتبه ابداع اہلی بلاغ فرماید از غنایات خاصه

جمال مبارک ساکنیم کہ در حبیب شعون موفق باشند

هو الله

۱۱۶  
هو الله

ش ورقه مبارکه والده جناب آقا میرزا علی خان علیه بها، الله الاسبی

هو الاهی

۱۳۹

خط مبارک

ای ورقه طیبیه روحانیه تا توانی بکمال قوت بسدره العیة تمسک جو تا نسبت قدمیه و تعلق ابدی و تحقق

سرمه حاصل گردد دست بدان پیشانی زن و از زین اشراق طلبت یی دنیا تا از لرزل و خطر محفوظی را رع

سرمه  
بسته

بواسطه جناب آیتامدی امه الله خوشنده علیها بها، الله ال

هو الله

۱۴۰

خط مبارک و اینها مبارک

ای خوشنده نور محبت الله تابنده باش و در گلشن معرفت الله سازنده و خواننده شود تا حلقه اما از حسن را

زینده گردی و حیات ابدیه پاینده شوی و علیک البها، الاهی عبدالبها، جاس

سرمه

بو هبطه جناب محمد لیب علیه بها، الله ال

۱۴۱

هو الله ش جناب امیر آقا خان علیه بها، الله الاسبی

خط مبارک

هو الاهی ای امیر تقییم شیر زینا بندگان استان حضرت یزدان امروند هر یک جهانگیرند

و امیر فلک اثر فخر نیند و نور بیط و بحر محیط سلطنت جهان جان آرد و کام دل زند سریر

عرش برین و گلستان پرتو تاید ملکوت رب جلیل سرچشان و آج و تاجشان درخشان چون تباان پس آ

ایر جبالگرو یعنی بقوه جنود قهاتق معانی اجموم بر سپاه جبل نما و قلار و حصون قلوب را مستخر نما و سلطنت

ملکوتی تاسیس کن که حکمش نافذ است و فیض دائم و غماش فالض و عرش نابض و سفش شاهر و

کوکبش باهر و حکومتش قاهر فیاضی لک من هذا الفضل العظیم ع ع <sup>تبارک</sup>

شیراز بواسطه محمد رضا میرزا رئیس پست جناب قافان علیه بباء الله الایحه

هو الله

ایبده درگاه الهی نامه سابق و لائق هر دو رسید ولی کثرت غوائل نفع از رحمت جواب شد و قیفا دارم

از کثرت قرائت کتابت جسم و چشم بینایت نرخت میکند لذا معذور دارید حال مختصراً جواب مرقوم میشود

که مطمئن باش که نهایت حب و تعلق شما دارم و از الطاف الهی طلب تایید و توفیق ینیم بعد صعود

جناب عندیاب مناجاتی مرقوم گردید و ارسال شد البسته رسیده در فکر آنم که مبتغی بان صفحاتت ارسال

دارم مطمئن باش مطمئن باش و صیحا البیابان ۴ رجب ۱۳۳۸ حینا عبد البیابان حیا س <sup>تبارک</sup>

ظن کا کتابت و احوال دارم



شیره از بواسطه شاهزاده محمد رضا میرزا علیه بها، آتیه الی بی

جناب منصور آقا خان علیه بها، آتیه الی بی

هوانده

۱۳۳۰

خطاب تیب و صاحب دار

ای بنده حق نامہ شمارید و ملا خطہ گردید احمد تہ در فکر و ذکر حقیقتہ آتہ اعلیٰ کلمتہ آتہ و انتشار نفیحات آتہ نیماید میہم

چنان است کہ بتام قوی مؤید گردید الیوم اجاب الی بی باید گفتا بر صلا و وقار در نہایت تیز و تقدیس و وقت بہت

کبری پردازند لسان بیغ بکشایند و روش بیغ نمایند بیغ باعمال عظم از بیغ بہ قوال است زیرا این سبب است

و آن سبب بجناب آتہ انجذاب فوق اتبہ است اعمال و وقار و اطوار حقیقت است و گفتا مجاز اگر این مجاز

مطابق حقیقت باشد با رحمت آتہ شعدند و آن نفس مؤید گردد و مانند نجم اراق حقیقت درخشندہ شود امید وارم

کہ جمیع یاران باین مومبت مؤید گردند در این شہ حضور بر این کشور نوزانی صعب و پر زحمت و مشقت و از

مسافرن کہ مہمت نیماید مطلع خواہید شد بعد از رف این صعوبات جائز از الطاف رحمانی ہندھا

بینیم کہ حسن خاتمہ غایت شود و عیال لباء الی بی ۱۳ صفر ۱۳۳۸ حیفاً مر نمائید

آتہ آتہ و رقہ عقبہ ہمیشہ و آتہ آتہ و رقہ منجذ بہ فرینہ از قبل عبدالبا نہایت مر بانى ابلا ہزار احمد تہ

موند و موقن و مستعد و منجذب و در محافل با طه قد و مبتل و علیها بیا، الله ابی عبد البهاء عباس  
طهران جناب میرزا حاجی آقا علیه بیا، الله ابی

هو الله

۱۴۴

ای بنده الهی نامه شمارسید و از قرائش اطلاع بر مضمون حاصل گردید محافل بسیار مقبول  
ولی باید جمیع مجالس محافل تبلیغ باشد این تأیید دارد این سبب اعلا کلمه الله است و این  
سبب عزت امر الله محفل که توار استی چون محفل ذکر الکیست و تلاوت آیات و مناجات  
و امید است که نفوس تبلیغ گردد لهذا این محفل سرور و جوهر است بجناب آقا میرزا حاجی  
و جناب آقا میرزا علی خان تحت ابداع الهی برسان نامه ایشان نرسید ولی من جواب مختصر در همین  
نامه میکارم زیرا عیلم ابد اذ نامان تجویز تحریر کلمه نماید زیرا این سفری پایان بنیان بدر امر نزل  
نموده الا آن بقوه تأیید ملکوت الهی تحریر میشود نه بقوه عالم امکان بامه الله حدیقه خانم تحت ابداع الهی  
برسان و علیک البهاء الایبی عبد البهاء عباس

خط کاتب و امضا مبارک

هو الله

حضرت میرزا نبی خان و جناب آقا میرزا علی خان ای دو یار مهربان جمیع بنده آن درگاهیم لهذا  
پیوسته ایم دل بسته ایم لهذا ارتباط از جمیع جهات محکم گوش با بنگ دل و جان دیدم سرور گردید  
و تو گردید موهبت مو فور یا بید عبد البهاء عباس

این دستخط حضرت مبارک

۲۷ ربیع ابواسطه جناب آقا میرزا علی اکبر تیلانی جناب قایمیرزا علیخان علیه بآء الله الاهی

هو الله

۱۴۵

حاجی آقا میرزا

ایدوست حقیقی عبدالبهاء بهمت و خدمت و حسن سلوک و استقامت و حسن بیست  
 ثابت و محقق و فرمودی که دوست حقیقی عبدالبهائی و در عبودیت آستان مقدس سیم و شریک  
 و در نهایت ثبوت و رسوخ جاه و منصب را محض خدمت باستان احدیت خواهی و غرت و ریا  
 را بجست قیام عبودیت و حفظ و صیانت خلقی جوئی شخص خیر خواه بهائی باید چنین باشد و متبلان  
 در گاه ربانی را روش و سلوک موافقت بنور مبین لازمست احمد لده تو بان مؤید و مؤمنی لهذا  
 امید چنانست که در ملکوت ابی روشن نمائی و در جنت ابی کل گلشن شوی و شاهد انجمن گردی  
 و سبب راحت و آسایش دولت و ملت شوی و حلیک البهائء الاهی ع ر ع  
 طهره ان جناب میرزا حاجی آقا علیه بآء الله الاهی

هو الله

۱۴۶

حاجی آقا میرزا

ای یار قدیم نامه که بحباب آقا سید اسد الله مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید تفصیل معلوم بوده است  
 امید چنانست که از شخص محترم معاونت در حق میرزا احمد علیخان مظلوم حاصل گردد جمیع این فسادها  
 از صدر البلد باده اوریشنه فساد و فتنه بود که شب و روز آرام نداشت و میکوشید تا بهر ارباب یوز

ناید و هر مانوس را با یوس کند باری شما مید و ار باشد ابام سختی ایشان البته منسی گردد و عليك البهاء

الابهي عبد البهاء عباس <sup>مدا بره</sup>

بواسطه حضرت حیدر قبل علی مناجات طلب مغفرت بجهت و رقه متصاعده حرم جناب میرزا

حاجی قاعلیه و علیها البهاء الابهی

هوانه

۱۴۷

عبد البهاء

رب لاک محمد با شرف نیر الا حسان من اتق العفو والغفران و اضاء و ازال ظلام الذنوب  
و العصیان و تنوع بحور غنائک علی العباد و الاماء و ما ج نسیم الطفاک علی اهل البهاء رب ان اتیک  
الصادقه قدرکت الثیاب الریث و تمصت بقیمین الصعود الی ملکوتک العظیم رب اخلع غمنا کون  
اخطا و البس ارداد الفضل و العطاء و اجعل لهما مقعد صدق علیا رب انما آمنت بک  
و یا ایتک و منکنت من دلائک و یناک و سلکت فی سبیل هدایاک و وفدت علی باب عینک  
فاغترت فی بحور عفوک و غفرانک و نطل علیک شجرة رحمانیک و جرعنا من اقداح منونک  
و نور وجهها بنور فضلك حتی یتهلل و جهها فی سجوده الجنان و یتهلل لنا  
بالثناء علیک فی جنة الرضوان انک انت الکریم انک انت الرحمن الرحیم

عبد البهاء عباس <sup>مدا بره</sup>

ظهران

لهان بواسطه جناب میرزا حاجی اقا علیه بآء الله الابی امه الله صرم میرزا بنی خان امه الله صرم  
حاجی سلیمان کلیمی مرحوم امه الله عطیة خانم امه الله صرم احمد علیخان امه الله روحیه خانم امه الله  
قدسیه خانم علیبن ببا و الله الالب

هو الله

۱۴۸

هکات جناب میرزا

ایورقات نجذبات جناب میرزا حاجی اقا خواش نگارش نامه نمود که این ورقات مؤتمنا  
انجمن آما رحمن رازینتند و شمعیای افزوخته بار محبت لهند اسرا و ارخطابند و شایسته صدور کتا  
باری کن چون اسمای آن آما رحمن را متابع خواندم نکست خوردم فوراً تخریر این نامه پردازتم تهتو  
دل و جان آنان حصول یابد و سبب سرور گردد ولی از صعود امه الله سلطنت مخروزم و طلب  
عفو و غفران مینمایم که ای مهربان پروردگار این ورقه منجذبه را در ملکوت خویش بزرگوار نما  
و در دریای غفران غرق فرما و در زمره کثیران نامدار محشور کن و از سلطنت ابدیه نصیب بخش زیرا  
در ایام حیات بخدمات نالوف بود و بر خضات مشغول فی الحقیقه حق خدمت عظیمه دارد پس  
مورد عنایت جلیله فرما توئی بخشیده و آمرزنده و مسد بان و علیکن الببا

الالب عبده عبد الببا  
عباس

۱۲۶۰

بواسطه جناب پیش

شیراز جناب استاد غلامرضای ارسنجانی علیه بباء، الله الای

هو الله

۱۴۹

ای مؤمن محسن احمد که آهنگ ملا، اعلیٰ بکوش هوش رسید بیدار شدی شواگردی پنا  
شدی از این مصائب و بلاها که در سبیل جمال ہی بان گرفتار شدی دلیل بر تقرب درگاه کبریت  
چنانچه شاعر گفته است هر که در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش میداند  
شکر کن خدا که زهر اماند شد نوشتی طوبی لک من هذا الفضل العظیم هر وقت ممکن شد که براف  
وراحت غرم کعبه منقصه و نمائی مازونی و علیک البهاء الای عبد البهاء عبا س  
کد بر کرم

خط کاتب ابراهیم

جو الای

جناب آقا غلامرضای ارسنجانی علیه بباء، الله الای

هو الله

۱۵۰

یا رب السموات العلی ان عبدک المبتلی فی سبیلک غلامرضای یطلب الرضا فی الصباح و لیساً  
ولا یفر فی ذکره الا حیا، عشیاً و اشراقاً رب ثبت قدمه علی امرک و استقمه علی حجتک و اجعل له  
متعد صدق علیاً و نلیه البهاء الای عبد البهاء عبا س

خط کاتب ابراهیم

کد بر کرم

بوطنه

بواسطه جناب زائر علامه رضای ارسنجانی جناب افان حضرت عندلیب آقا میرزا فضل خان  
 میرزا مصطفی خان فضلعلی خان شمس آبادی محسن خان شهباز و فادار جناب بیس اقا  
 محمد حسن بلور فروش آقا سید محمد صادق آقا اسمعیلی آقا میرزا محمد رضا آقا محمد جناب  
 میرزا ابوالقاسم ساعت ساز جناب میرزا ابوالحسن نیریزی جناب نورالله سعدی جناب  
 آقا میرزا رحیم جناب میرزا محمود عطار استاد علی کلاه مال جناب محمد رضا خان بواناتی جناب  
 میرزا تجاس بواناتی اجبای فاروق و شمس آباد و مرودشت و سروستان و شیراز علیهم  
 بسا، الله الاسبی

خطات جناب آقا میرزا

یاران نربانا جناب آقا علامه رضا وارد و برعلو منزلت و سمو منقبت دوستان شاد  
 و اسدعی نگارش این نسیقه مینماید گفتم که از قلم میثاق خطاب به آن اهل وفاق مکرر صادر ولی غیر  
 قانع که من در سیل الهی چوب زیاده میل فرموده ام و مورد تو این و تحقیر گشته ام و بلای شدید  
 دیده ام لهذا این نامه در مان دردمن است و شیر و شند من است و شغف و سرور من است  
 و مرهم صریح نمونفور من من نیز بجمال فرح و شادمانی جتیر این نامه بهرانی پرداختم که الحمد لله  
 اجبای نارس نارس میباید و پر روح و روح در امر جمال قدیم ثابت و مستقیمه در وجود

و طرب مقیم و مستقیم اعلاء کلمه تفرید خواهند نشر آیات توحید جویند لهذا احساس ابراز  
 جدید از شیراز میشود و امید آنست که از آن کشور مبارک شناز کلمه آند بافاق رسد زیرا بت  
 شجره مبارکه است ای یاران مهربان جمیع باطلهای وسیع عنقریب منطوی گردد و با  
 شیء با تم و انزه و تبیل شود مگر بساط الهی و انبساط رحمانی لهذا هر چیز موقت ابد اهمیت ندارد  
 و لودر نهایت جمال جلوه نماید بلکه فیض ابدی و فوز سرمدی اهمیت دارد پس کوشید تا آفرینش را  
 آرایش گردید و جهان را بسبب آسایش اینست موهبت کبری اینست رحمت عظمی اینست  
 الطاف بیمنتها ربان هو لاء الاجام من اخص الاصغیا واجت التقباء النجا قد اقبلوا الی الافق  
 الاهی و قاموا علی محمد و آتسنا بقوة تحیرت من اولی النبی باسطین الکف الفراضة و الالبتهال <sup>تلبین</sup>  
 و منکسرین الی العتبة العلیاء و متوقدین ببارجبتک بین الوری رب اجعلکم آیاتک الکبری و آیات  
 الشجرة فی الذروة العلیاء و جنوداً مجتده للصحن المیثاق و جیشاً عمر مالمعقل العمد و الوفاء یزبون  
 اهل النفاق بسهام الاستقامه الکبری الکبری و یردون اهل الشقاق بسباط

الثبوت و الرسوخ علی اللدائ انک انت المقدر

المؤید الموفق الغیر الکریم ۱۰ ربیع الاول ۱۳۲۱

حیفا عید الباء، عباس  
 مبدی



ص جناب ما ششم نجانی صهر مرحوم متصاعد بکلیت ابی افانج سلمان علیه بواء الله الاسب

۱۵۲

هو الله

جناب

ای شاعر فصیح و بلیغ تشبیه ملاحظه گردید فی تحقیقه اگر خواهی مذاق عبد البهاء شیرین کرد و درود فرج خلد برین باید قصیده اشاننا و منظومه بنظم آور که سراپا عبودیت و محویت و ذل و کسالت و نابودی و نیستی و خاکساری و فقای عبد البهاء باستان بها باشد و الا قسم بخیال قدم روی لمراب اقدام اجبانه الفدا هیچ مدح و ثنائی در کام شیرین نیست و مخالف عقاید دینی این عبد است بلکه محزون می شوم باری برودی غزلی باین مضمون اشاننا و بفرست تا جانم سادانا  
گرد و در و رحم با هزار آید ع ع ع  
مصلحه شد

هو الابی

علیه بواء الله الابی ملاحظه نمایند

جناب میرزا ششم

۱۵۳

هو الابی

جناب

ای متوجه بمنظر اکبر آنچه مرقوم نموده بودی قرائت شد در انجمن ایران الی ذکر آن مذکور و احوال و اشعارت مشهود گشت از لطف عظیم محبوب کریم منتظریم که با شراق انوار

شمس خنایت رویت روشن گردد و دل و جانت چون گلزار و چین شود در ظل کلمه جامعه خود  
 که از آثار قدرت ربانیه است بمرادی و اصل شوی و در تمسک بشریة الله القاهره به مقصد  
 نائل کردی عون الکی مؤید اجبای رحمانیت و فیض غیر تنهایی ناصر باران حقیقی و البهائم  
 علیک ع ع مسابه شد

هو الله

جناب میرزا امام شمس نجانی علیه بهاء الله الی

هو الاهی

۱۵۴

ای بنده الکی جناب شیخ رحمانی با کمال ناتوانی مسافت بعیده را قطع نموده و گز  
 و مشقات سفر را تحمل کرده تا آنکه بشاطی ساحل ارض مقدسه وارد گشت و تبرک آستان  
 روضه مقدسه بقعه مبارکه مشامرا معطر نمود و چون این عجب بر عبودیت درگاه احدیت  
 قیام کرد حال متوکل علی الله مراجعت ینماید قدر این پیر مرد را بدانید و چون پروانه دور  
 او بگردید فی الحقیقه رحمت کشیده است قصیده مرسله ملا خطه گردید بلیغ و فصیح بود  
 ولی اگر کام مرایشین خواهی و مذاقم را سکرین قصیده در عبودیت این عجب و فقر و فنا  
 بخت این رفیق باستان مقدس انشا کن تا روح منتز گردد و جانم روح و رحمان  
 یاد

پدیده روشن گردد و همچون خاطر گلشن نسیم جانفش بوزد و فتنه روح پرودتشر شود  
 قسم آن روی و خوی جمال قدم که هیچ و صنی جز عبد البهاء نخواهم و هیچ لغتی جز زقیق البهاء نجویم  
 خاک آستانم و ادنی پاسبان باین منتخرو تنها هم و مشترو تنهای پس ایدوست  
 زبان و بعبودیت محض این عبد در نگاه جمال بی یک قصیده ساز و باهنگ چنک  
 و دف ملکوت ابی بنواز ع ر ع ~~مطابقت~~

بواسطه جناب آقا میرزا غایت الله علیه بهاء الله الاهی اصفهان جناب میرزا امام

صهریک رحمانی آقا شیخ سلمان علیه بهاء الله الاهی

۱۵۵

هو الله

ای بنده حق نامه شمارسید و از صعود حضرت اخوان صفانیت تا اثر حاصل گردید  
 زیرا آن روح مجرد ایام خویشرا و وقت نشر نفحات الله نمود می آرام نگرفت نفسی حجت  
 نیافت خدمات فائده از او صدور یافت لهذا اگر می مفصل از ایشان شد و زیارتی  
 مکمل از برای سلطان الشهداء و محبوب الشهداء و جناب وزیر و حضرت اخوان صفاء قوم  
 گردید و ارسال نزد خوانین شد ترجمه حال ایشان که بقلم خود در روزنامه خودشان نگاشته اند  
 ارسال دارید از الطاف الکی امیدوارم که والد ماجد و والده محترمه شمارا بجز عفو و غفران

مخبرتی

خطاب و تهنیت جناب

فرماید جناب حاجی عبدالغفار تحت برسانید و بگوئید عبدالبهاء فرصت تحریر یک سطر ندارد  
 باوجود این چگونه تفسیر آیات پردازد مختصر نیست که مدلول آیه مبارکه اینست که نارحیم  
 بشره را یعنی روی را در گون مینماید تر و تازگی نیکدارد سوخته و بدرنگ مینماید یعنی نیران اعراض  
 و انکار روی انسان را میسوزاند و تعرف المجرمون بسیار هم میگردد لطافت و بشارت و  
 نظارت و نور ایمان نیکدارد چنانچه در آیه دیگر میفرماید ووجه علیها غیره برقصا قره میفرماید  
 در یوم قیامت بر بعضی ووجه خبار می نشیند و موکلین این نار که نفوس مستحقه را  
 در آتش اندازند در یوم قیامت کبری ۱۹ نفرند و این ۱۹ نفر ملائکه عذابند و عده این نوزده  
 ملائکه عذاب نظیر عده ملائکه رحمتند و خازن جنت رضوان که حرف عینند جناب حاجی  
 میرزا حسین و ملا رمضان نهایت محبت و مهربانی از قبل من البلاغ دار و اما تاریخ حضرت  
 پیک رحمانی حالات او را در اصفهان و در شیراز تحقیق بنا که چه روشی و سلوکی داشت و از  
 کجا بود و در چه زمان مؤمن و مومن گشت و در چه سال پیک رحمانی شد و مدت حیات چگونه قصد  
 امین بود این تفصیل را تحقیق بنا بعد بنویس اما خیلی دقت کن که حشو و زوائد نداشته باشد  
 از الطاف الهی میجویم که بازماندگان حضرت شیخ را مورد الطاف بی پایان نماید و اما اعضای  
 محفل روحانی باید با انتخاب تعیین شود اجناسی را که موافق می بینند انتخاب نمایند خواه

پیرخواه جوان خواه تو انگر خواه بیره و سامان و آسلاام و علیکم الباء الابهی عبدالبهاء

عباس ۲ آب ۱۹۱۹

این کلمه در کتاب  
تفسیر

ای صهر حضرت پیک ابد افرست یک کلمه تحریریه از ام باوجود این نامه مفصل مرثیه و فاء عبدالبهاء عباس  
بواسطه محفل روحانی اصفهان و جناب میرزا ماشوم علیه بقاء الله

قریه چادگان فریدن جناب سینقلی خان سرسنگ جناب بهاقلینان با اولاد اجماد الله  
قلینان و محمدقلینان جناب ارباب بهمن فارسی قریه پوده سمیرم جناب میرعلی محمدخان  
قریه طالنجوچه جناب میرزا عبدالکریم جناب احمد آقای معلم جناب میرزا ابراهیم خان قریه  
سازگان فریدن جناب لهراسب خان قریه خوش رجناب مظفرخان قریه چال  
چهارمحل جناب حیدرقلی خان کلپایگان جناب مصطفی خان قریه قمشه دالی غلامرضا  
آقا پنده آقا حسین محمدعلی استاد ابراهیم درویش خداداد قریه سرفران کر بلائی ماشوم  
درویش عوض قریه هوسنجان غلامحسن امته الله فاطمه جناب طاهر امته الله  
روحانیه قریه قشقائی جناب سروعلی جناب نوروزعلی قریه قنبر سمیرم جناب نایب  
رضاقلی جناب میرزا اسحق جناب عباسقلی سلطان قریه شریف آباد لجان سید نورالدین  
سید جمال سید علی کر بلائی مرتضی سید مصطفی سید عبدالحمید کر بلائی خلیل سید ابوالقاسم

قریه ده نوسمیرم سلطان باقر کر بلای حسین حاجی آقا نایب عبدالله قریه ریز درویش  
 درویش نوران محمد جواد محمد رحیم قریه سده لنجان آقا سید غفور آقا سید مصطفی  
 سید جواد استاد عباس علی کر بلای کریم مهدی نقلی جناب آقا سید عبدالغنی برات علی کر بلای  
 عبدالوهاب آقا سید عبدالباقی قریه چال جناب حیدر قلینجان قریه چم گردان جناب  
 اسدالله کد خدا جناب نعمت الله جناب حاجی اسمعیل جناب مهدی علی محمد جناب حیدر علی  
 جناب جلیل آقا قریه کله سفلی مشهدی ناشم قریه باغ باران سید محبتی قریه بن جناب  
 میرزا باقر حکیم قریه سعید آباد لنجان جناب حاجی منیر محمود جناب میرزا رضا جناب آقا محمد  
 جناب میرزا مرتضی جناب ملا حسنعلی کر چکانی قریه سامان جناب نسیان جناب اسکندر  
 قریه چادگان جناب سید مادی جناب میرزا محمد علی منشی جناب محمد امین اجودان جناب  
 محمد قلینجان غلامرضا مشهدی محمد جناب الله قلینجان جناب قلینجان محمد باقر دم کمری میرزا  
 ابوالفتح منشی جناب لهراسب نادکانی جناب میرزا محمود صدر جناب جلال خان جناب  
 استاد باقر شاه غلامرضا فروشانی خانه میرزای بختیاری جناب اسکندر خان ضعیف الدوله  
 جناب میرزا جعفر منشی جناب مهدی نقلی اردلی مشهدی آبا علوی حاجی عباس سیدمان جناب آبا  
 علی ولد حسن میرزا نصرالله استاد عبدالخالق غایه الله وسایر اجا قریه قلعه سفید جناب  
 میرزا امرا الله

میرزا امیرآندہ جناب شیخ جوادی ریزی جناب آقا محمد ریزی قرینہ بروجن چار محل جناب میرزا  
 مدیحان میرزا محمود خان جناب حاجی میرزا میرزا خلیل نقی خدا کرم میرزا علی اکبر میرزا محمود  
 جناب محمد حسین جناب آقا محمد حسین ارباب شیر لہ نی و جناب انصاریار علیہم بہا، آندہ

الابے

ہو اللہ

۱۵۶

خط کتاب و خط مبارک

الہی الہی کک احمد بارفت رایتہ فردایتک واریت الککل آیتہ رحمانیک و ہدیت  
 اولاء النفوس الی الماء المعین و عین لتسبیم فی ریاض ربانیک رب کک الشکر بانور  
 الابصار و الہمت الاسرار و اسمعت الاذان و القیت کلمہ الہدی علی قلوب الابرار  
 فاقبلوا الیک بصد ر مشروح و قلب مجذوب و روح مستغرق فی بحار رحمتک و نفوس  
 مستبشرة بآیات و حدایتک رب ثبت اقدامم علی هذا الصراط و قو قلوبم باسراء کلماتک  
 و ایدہم بنجود لم یروا فی نشر النجات و اصرہم من الامتحان و احنظہم من الککرات و اهل  
 لہم سبیلاً قویماً ممدوداً الی ملکوت السموات انک انت الکریم انک انت العظیم  
 انک انت الرحمن الرحیم ای یاران مہربان عبد البہا، چندی بود چون بادیدہ پیا بودم و اول  
 کونہ بسترادہ دنیا تیج صبحی آرام نیافتم و ہیج شی سر و سامان ثبتم محرم ہر محضی شدم و در ہر

مجموعی در آدم و در هر انجمنی فریاد نمودم و بملکوت ابی بشارت دادم تا گوران میاگرزند و کنگر  
 شنوا شوند دلیلان عزیز گردند گمراهان بی بدلیل بریزد بینوایان بانوا شوند محرومان محرم راز  
 گردند غریبان شرفیان شوند نومیدان امیدوار گردند سه سالست که دقتی آرام ندادم احمد  
 قد بفضل و عنایت جمال مبارک افواج تا ناید مانند امواج بی در پی رسید و جنود ملامت نصرت  
 نمود صیت امر آنستد بجمع مسامح رسید و ذکر الهی در جمیع مجامع آثار یافت بد غیبی قوه  
 معنوی تخمی پاک در آن کشت زار افشانند و سبحان رحمت الهی امطار نیسانی بمذول داشت  
 و شمس حقیقت ضیا و حرارت بخشید حال عبد البهاء در نهایت خاکساری جبین بر زمین  
 نضرع و زاری بنماید که آن کشت الهی بعون و عنایت دهقان آسمانی بسرعت انبات گردد  
 و آثار بهره اش آفاقر احاطه کند سبحان آنستد اهل باختر با وجود دوری بیدار گشتند و نیسان  
 ایران هنوز بخواب غفلت گرفتار آنان فریاد بجهت آلاهی زدن ایرانیان و بزرگان  
 ایشان این الملاذ و این المناس بر آوردند شمس حقیقت از افق ایران طلوع شد ولی ایرانیان  
 در جستجوی چراغی هستند ابرنیسان بر ایران فیضان نمود ولی ایرانیان در پی قطره دوان  
 این چه بلاست است این چه بلا دست امانی غرب چون نام شرق برسد سجده نمایند ولی  
 شرقیان را نهایت آمال که قدمی در راه غریبان نهند و پیروی آنان کنند تا ترقی نمایند کشور  
 مملوک



معلوم گردد ملت مندرسه تازه‌گی و وجود یابد هیات هیات این درخان کهن پوشیده  
 دیگر نثری نبخشد بلکه این نملان بی‌مال تر و تازه ایران عنقریب در جویا حقیقت نشو و نمایاند  
 و گل و شکوفه فرمایند و برگ و بار دهند و بر آنچه طبیعت الهیه جهان را معطر نمایند و شام  
 اهل غیر را معین کنند زیر اسطغان گل درگشش ایران رخ بر افروخت و رسم تا جگندگی  
 در نظر اراپرسی اجری فرمود اول بیلان ایران آشفته آن گل شکفته کنند و آنگاه طلا  
 بلند نموند و جانفشانی کردند و قبر با نگاه عشق الهی ستانند از فیض عظیم رب جلیل  
 امید چنانست که آن نفوس مبارکه در ارض صاد و حوالی آن چنان حرکتی مردانه و جنبشی فرزانه  
 بجال حکمت در خدمت امرات نمایند که جمیع آفاق آن کشور منور گردد بیازماندگان پیک  
 رحمانی حضرت سلمان معاونت و نگهداری لازم و حکیم البهائم الالبی عبد البهائم عباس  
 ت بدهند

هوانه

بواسطه مریم سلطان حبیبیه پیک رحمانی شیخ سلمان امته الله فاطمه سلطان امته  
 حبیبیه سلطان امته الله فاطمه امته الله نور جان بکم امته الله عمه امته الله که هر سلطان  
 امته الله خدیجه سلطان امته الله بهیمه سلطان امته الله مریم بکم امته الله ربابه سلطان  
 امته الله ام لیلی امته الله عطیه خانم علییه بیاه الله الالبی

۱۵۷

ای نامہ رحمن شکرکنید خدا را که در چنین عصر مہممت حسری بعرصہ وجود قدم نہادید و درود  
وجود پرورش یافتید کہ آفتاب نور قرون و اعصار است الطاف بیابان انوار  
فیض عیان نور احدیت نمایان پس ما توانید در محافل ذکر بتبیح و تقدیس حضرت یزدان  
زبان و لسان بیارائید و علیکن التَّحِیَّةَ و لَشَاءَ ع ع میدہ  
اسکندرونہ بواسطہ جناب آقا محمد مدی اصفہان جناب آقا ششم علیہ بنا و اللہ الا بہی

خط کتابت مرصفا مبارک

هوالتہ

۱۵۸

ای ثابت بر پیمان نامہ شمار رسید و از مضمون فوت مرحوم ضیاء معلوم گردید سبب  
واضرا ن گشت ولی حرم مرحوم شیخ و امہ آندہ مریم سلطانہ از قبل من تحت محترمانہ  
برسان و بگودر این ایام اگر نفسی ثابت و راسخ بر پیمان از اینجہان بجان دیگر شتابد اعظم  
مہوبت الہیہ است زیرا امتحان و فستمان بسیار حسن خاتمہ فاتحہ اللطاف است  
لذا شما محزون مباشید بلکہ دل بالطف الہی بر بندید و از فیوضات نامتناہی غصو و غم  
نخواہید من نیز نہایت تضرع و شوع طلب آمرزش از برای ضیاء نمایم مطمئن بعنایت  
الہی باشید جزع و فرغ کنسید انما یوفی الصابرون اجرہم بغير حساب و جناب  
آن مجید جواد

خط کتابت مرصفا و مرصفا مبارک

آقا محمد جواد و آقا محمد رحیم را از قبل این مشتاق تحسنت ابرع ابی البلاغ دارید از ضد ماتیکه  
در سبیل الهی کشیده اند بسیار مقارنتم ولی ایشانرا اگر دو مرتبه اخرج کردند ما را چهار مرتبه سرگون  
کردند تا تسمی بحال مبارک نموده اید این مورد شکرانه است که بچندین فیض رحمانی و بجز  
آسمانی موفقی شده اید و علیک البهاء الابهی ع ع - مفت بدو

هو الله

اصفهان بواسطه آقا ماثم نجابی جناب محمد جواد جناب فتح الله جناب صادق جناب  
جناب سید ماثم جناب محمد علی ن جناب عطا جناب سید اسد الله جناب  
سید زین العابدین جناب علی نقی خان جناب جعفر جناب علی خان جناب سید تقی جناب یعقوب  
بعداوی جناب علی اکبر خان ف جناب داراب جناب عبد الله ایضا جناب عبد الله خان  
جناب مشهدی جعفر جناب محمد جواد جناب ابوالقاسم جناب سید محمد جناب سیف  
جناب عبد الحسین جناب تحویدار جناب محمد چا پار جناب  
یوسف جناب مصطفی جناب سید محمد جناب  
حاجی حیدر جناب حاجی کلیدان جناب سید الله  
جناب استاد صدی علیهم بقاء الله الالبی

خط کاتب مصفا و هم مبارک

۱۵۹ ای یاران آئی هر چند نامه های متعدده در این مدت میده با جایی قدیمه و جدیده نگاشته شد  
ولی نامه تازه وارد و اسما آن سروران کشور محبت الله در آن مملوکوار قرائت آن اسما  
حالتی دست داد که زمام از دست رفت بی اختیار بگذر ابرار مشغول شدم تا شوق و شغف  
این قلب پرتوی بر جهان دل و جان آزادگان زند و شرق و غرب روشن گردد اگر بدانید  
که چه شور و شغفی الان با ملای این نامه پرداختم البته از وجد و طرب در قمیص جسد ننگین  
ارواح پروار آید جانها همدم را زگردد و دلها بسرو ابدی دمنار شود این نیست  
مگر از فضل و احسان حضرت یزدان و علیکم التحیه و التهنیه آئی آئی اید همولاء العباد  
علی رفیع رایة المیشاق و اعداء کفتمک فی الآفاق و اغفر یاری احمیل لعبدک عبا  
الذی شرب کأس البأساء و الضراء فی سبیلک و ابتلی باضطهاد المبعضین من اعداک  
و تبرعوه کأس العذاب و زجره و اشد العقاب حتی عرج الیک و وفد بیاک  
بیتلایک ساجداً بین یدیک رب انزله نزلًا مبارکاً و قدر که کل خیر فی ملکوتک  
الا علی التانت الکریم المقدر الوهاب

من این استخوان

ع ع  
مصدق

بواسطه جناب آقا میرزا جلال و بناب میرزا ماشم صهر یک رحمانی جناب حاجی میرزا اصداق  
 جناب میرزا محمد علی جناب میرزا عبدالحسین محمدر جناب میرزا عبدالحسین اردستانی جناب  
 سیف الداکرین جناب میرزا فتح آند خان جناب میرزا عبد الله خان جناب غلامحسین میرزا  
 جناب آقا سید برکات جناب میرزا عطا جناب میرزا عبد الله خان مشرف جناب میرزا  
 محمد خان یائینی جناب استاد ابوالقاسم جناب میرزا جعفر جناب میرزا باقر خان جناب  
 سید اسد الله جناب سید ماشم جناب آقا سید مادی جناب میرزا عبدالحسین جناب  
 محمد جواد بناب آقا سید محمد جناب آقا سید اسمعیل خیاط جناب امین الله جناب ضیاء الله  
 جناب میرزا اسد الله جناب آقا محمد مهدی علیم بهاء الله الاهی

ایها المقربون ایها المنجذبون ایها المستعملون بار محبة الله فین هذا الیوم المشهود الحمد لله  
 و صون و عنایت حضرت احدیت ارض صادقات قدس آباد شد بعد از سکون حرکت آمد  
 و بعد از نمودن شعله برافروخت بهشت برین گشت و جلوه گاه صور عالیین اجناب هر یک حیاتی  
 تازه یافتند و اسفیاب ان در شتافتند اینک تقدیس مرتفع شد و الوار تو بیدار مع گشت

عکاسی از حضرت میرزا محمد تقی

مطرب الهی با چنگ و دف و نی نعمه‌ای وای چنان بنواخت که بسا کل روحانی را بوجد و طرب  
 انداخت نسیم ارض ساد مشکبار است و راحه محبت آنه از آن گلشن نشتر در این دیار سگد  
 کفیه خدا را که در چنین عصری چنین نصری موقی و توفیق گردیدید حاکم ایران و فائید و سزاوار خدا  
 غنیمت چنان و لوله‌ای در آفاق افند که نور اشراق از قلوب عشاق بدد و ناقوس آفاق فریاد  
 یابا، الاهی بر آرد و کوس شرق و غرب نعمه یار بی الی گوید جهان جهان دیگر گردد و کیهان  
 کیهان دیگر شود روی زمین بهشت برین گردد و توده غیر اجنت ابی شود بهر بل امین از  
 ملکوت جلیل جلوه نماید و طاوس عتین شهر تقدیس گشاید امر الله مرتفع شود و رایت یابا  
 الاهی بلند گردد از جمیع آفاق نعمه یابشری بجان آسمان رسد و از شرق و غرب بانگ یاطوبی خیزد  
 و بناک یفرح المؤمنون و یخزن انما سرور و یبتس و وجه و تتود و وجه ان نداحت معلوم  
 و وعد غیر کذب و علیکم التحیه و التهنیه ع ع

اصفهان جناب میرزا ماشم صهر حضرت شیخ بزرگوار علیه بیا، الله الاهی

هو الله

۱۶۱

ای ثابت بر پیمان نامه شما وصول یافت و خرع و فرخ از فراق معلوم گردید این نامه  
 و فان از جمیع آفاق بلند است ولی عبد البهائ باقلیم یوسف کفغان سفر نموده انشاء الله بعد  
 از رجوع

نظر کارگاه

از جموع این آرزو حصول خواهد یافت از خبر کتاب ما رحمت الله در انصافات نهایت  
روح و روحان حاصل گردید امیدوارم که همواره بتائیدات التیبه بشر نفعات رحمانیه و  
اعلاء کلمه ربانیه مشغول و مألوف باشد و علیک البهاء الابهی ع ع  
بخف آباد بواسطه آقا میرزا نائتم محمد جعفر صباغ قبر علی حاجی اخوند شهید  
حاجی عبد الکریم آقا علی حسن حسن محمد آقا علی مشهدی رضا آقا میرزا اوله مشهدی جعفر  
آقا میرزا آقا بکم خانم واعظه عیال مرحوم کر بلائی محمد علی ریزی گوهر بکم منور خانم مریم  
سلطان ربابه سلطان خانم کوچک عیال مرحوم آقا محمد حسن شهید

هو الله

۱۹۲

ای یاران روحانی و اما، رحمان این خاکدان فانی جندان نادانرا سزاوار و این گلشن  
ظلمانی طیور تر ابر الایق بلبل معاینه آشیان گلشن الهی هست و مرغان اوج عزت رالاه  
و مکان ملکوت رحمانی بیخردان چون نظر بالایش این عالم فانی نمایند گمان آسایش کنند  
و در آرایش افتد منجذب ظل و سایه گردند و از ذی ظل غافل مانند ریزان جهان ناسوت  
نقل زائل ملکوتست و عالم ارضی اثری از عالم آسمانی سبحان الله شیفته قلعه گردند  
و از دریای محیطی بیره شوند و مشتاق اذنه گردند و از شمس حقیقت بی نصیب مانند دل

بحیاه دنیوی بنده و از رنگانی سردی بگذرند بآب و گل پردازند و از جهان جان و دل غافل  
مانند و صیای و تعالیم الهیه انانرا از شئون فانیه بیزار کنند و از جهان تاریک و تنگ فرا  
دهد و بعالم انوار رساند ملاحظه در جمیع طوائف و ملل و قبائل و دول نمایند که کل مانند  
موران در تحت اطاق تراب لانه و آشیانه نمایند و آذوقه فی اذوقه کنند بقتله بارانی  
ایه و سیلی بر خیزد و خانه و لانه و آشیانه و آذوقه جمیع از میدان برد و صحو و نابود کند نیست  
مثل اهل دنیا چنانکه واضح و آشکار مشاهده مینمایند ملاحظه در ایران و مجلسیان نمایند که در  
قلیله چه طوفانی و چه انقلابی ظاهر و عیان شد با وجود این باز خافلان و جاهلان و بیخردان  
دل باین دنیا بندند و بفرگم و پیش افتند از اقبال بوجه و طرب آیند و از ادبار محزون و در  
شوند الا انهم فی خسران مبین پس عاشقان جمال رحمن و شائقان انوار طلعت یزدان با  
لایق و سراوار چنانست که در جمیع شئون از این خلق ممتاز باشند و محرم راز و نیاز گردند  
جمیع کائنات را بظن خویش آرند در جهان دیگر پرواز کنند و در عالمی

دیگر سیر و تماشا نمایند آیات الهی گردند و روایات ملا علی

شوند مرغان چنانست حقیقت گردند و در گلستان حدیث و آیه

بایع اسحان تسبیح و تقدیس می توانا پردازند و علیکم البساء الابی ع ع



بواسطه جناب آقا میرزا ماشم اصفمان جناب میرزا مسیح خ جناب <sup>بن</sup> <sup>حالی</sup> <sup>رو</sup>  
 جناب علی اکبر جناب عباسقلی جناب میرزا عبدالحسین جناب میرزا علی جناب  
 میرزا عطاء الله علیه السلام بآئمه الابهی

هو الله

۱۶۳

ای یاران من ار خداوند ذوالمنن چنین آرزو نمایم و غمخواری کنم و ناله و بیهوشی  
 نایم که آن نفوس مبارکه را موقوف بر ضای مبارک نماید و آنچه سبب سرور معنوی فر  
 البیت فائز فرماید هر یک را در اقی هستی ستاره روشنی کند و هر که امر از این <sup>جنت</sup>  
 ابری رخت باروری نماید و سگوفه و ثمری بخشد رشحات سبحان عنایت احمد ته ریضا  
 قلوب را شبنم است و فیض ابدی حضرت احدیت مانند طعام ویم چون چنین است  
 عاقبت موابت نور مبین است در آغاز هر چند نعمت و مشقت و آزار است و سها  
 کین آن نفوس بی دین در پرواز آما انجام ایام سرور وجود است بلکه نور علی نور است اگر  
 چنانچه ملاحظه نماید در این اوقات اقی وجود بجمالی تاریک پنهان و مستور است یقین  
 بداند که عنقریب مشرق نورانی از این ابرهای کثیف ظلمانی پاک گردد و چنان صفا و لطافت  
 و روشنائی نماید که آفاق نورانی گردد پس اخزان و کدورت را بکنار نیند و بترت و بشارت

خط کتاب استحضار و مبارک

مونس وهدم شوید وعلیکم التحیه وثناء ع ع سائده

اصفهان بواسطه جناب خان و میرزا امام شوم حضرت سلمان قیسه میرزا محمد خان  
میرزا رحمت الله خان میرزا محموده کرده شریف آباد جناب سید ابوالقاسم  
جناب سید خلیل جناب سید احمد جناب سید محمود جناب سید علی جناب سید مصطفی  
جناب سید ابراهیم جناب سید جواد جناب سید عبدالوهاب جناب سید اسد الله  
جناب سید میرزا جناب سید نورالدین جناب کربلای مرتضی جناب کربلای عبدالرحمن  
جناب کربلای عبدالخلیل جناب مشهدی صادق جناب مشهدی عباس حکیم جناب استاد حسین  
جناب آقا علی جناب میرزا احمد

سده جناب سید عبدالغنی جناب کربلای عبدالوهاب جناب میرزا ابراهیم جناب  
جلال آقا جناب امین الله جناب حیدر علی جناب اسماعیل جناب صلاح حسین  
آباء رحمن شیرین جان فاطمه کیم کوکب کیم خاتون جان ام لیلی فاطمه خانم فاطمه سلطان  
سکینه سلطان کیم خانم

هنوا الله

بجانک اللهم یا ایها انک لتعلم ذلی واقفاری وتری خطرامی و اضطراری و تسمع خنی و ابی  
و یجیبی

۱۶۴  
 حجاب و حجاب  
 حجاب

وخیجی و نیاجی انی ایتل الی عقبک العالیه و ساعه قدسک الالمیه و آندل نجل نزل  
 و انک رالی ملکوت الاسرار و ادعو لأبرار لیتوفقوا علی انحدتہ بین الاصرار و یأووا الی کف  
 حجابک من الاسرار رب انتم اسراء فی ایادی الایخیار لیتوبون الیهم سهام الضرب کل استکبار  
 و یشرعون علیهم الاستسند و یطلقون علیهم الالعنه و لایخشون بأسک و لایخافون نغمک ہولاً  
 الاوغاد الاذخال رب ارحم اجدک و احتفظ صفوک فی حین حیاتک و معاقب خطاک و کلامک  
 واقف علی وجوہہم ابواب رحمتک و اشرح صدورہم آیات موبتک و انزل علیہم برکتہ من  
 عندک انک انت الکریم انک انت العظیم و انک انت الرحمن الرحیم ع ع  
 ۱۶۴

هو الله

خونجان نجبان جناب آقا سید مرتضی جناب عباسقلی جناب مشدی حیدر جناب  
 آقا سید علی جناب میرزا محمد علی جناب آقا سید ابراہیم جناب آقا سید میرزا جناب میرزا محمد  
 جناب عبدالمطلب جناب آقا سید محمدی جناب آقا سید نادری علیہم بقاء اللہ الابی  
 سدہ لونجان جناب آقا سید عبدالغنی جناب آقا سید برکات جناب  
 کردانی عبد الوہاب جناب میرزا جناب براقلی جناب محمد باقر جناب مشدی سمیع جناب  
 عبدالرزاق علیہم بقاء اللہ الابی بکم کردان نجبان جناب قاسم محمدی جناب قاسمقلی

جناب آقا مشدی حسن جناب حاجی نوروز جناب حاجی محمد علیم بہاء اللہ الاسبی  
 ریزلنجان جناب جواد جناب محمد رحیم جناب درویش عبد اللہ جناب درویش حسین علی  
 جناب میرزا محمد جناب کر بلائی فتح اللہ علیم بہاء اللہ الاسبی جناب سلطان باقرہ نوے  
 جناب میرزا عبد المظفر تاجنوخہ جناب آقا حسین علی کر چکانی علیم بہاء اللہ الاسبی  
 ص جناب ضیاء اللہ جناب میرزا اہدایت اللہ جناب اوانس عکاسی جناب اوانس  
 من اہل جلفا جناب آقا سید اسمعیل خیاط جناب میرزا آقا جناب عبد الحسین جناب میرزا  
 عبد الجواد معلم علیم بہاء اللہ الاسبی

ہو الاسبی

ای اجنبی الی و یاران عبد البہاء جناب ہاشم تحریری با فصاحت تقریر و ابداع تعبیر ارسال نمودند  
 و چون گوشودم کتاب ابرار بود اسماء احرار و اخبار در آن مذکور از فرات آن نہایت روح  
 و ریحان حاصل گشت زیر نقشہ بود کہ از کتاب علیین حکایت میکرد چہ کہ اسماء مقبرین در آن  
 مسطور و در تمام نامہ خواہش نگارش مکاتیب بہتہ آن یاران الی نمودہ بود مشاغل ذہنیہ و  
 شواغل غلیبہ و امور متفرقہ و ورود اوراق غیر متناہیہ از شرق و غرب مانع و حاصل کہ بہر  
 یک از یاران منفرد امر قوم گردد نہ انجہور اجتماع قوم میشود ای یاران روحانی عبد

ظہار کتابت انصافاً مبارک

احمد سه کل در ملکوت ابدی و ساحت کبریا، مذکورید و در انجمن عالم بالا معروف و مشهور و در  
 این مستغرق بحر فقر و فاقا موجود هر یک از ملکوت غیب منوری از فیض در قلب و طغرائی از  
 موهبت کبری در صدر پر نوعی است بر سر دارید و ضلعت هدایت در بر مورد الطاف بی پایا  
 و مضط ملائکه رحمت بیکران نظر عنایت شامل است و فیض حضرت احدیت کامل است  
 این نعم جلیله و الطاف خفیه همواره بترتیل آیات توحید پردازید و بابدع احسان ترانه عاشقانه  
 بنوازید و فریادی شتافته بر آید از بلاء و محن ملول نگردید و از شامت اغیار انگبار نشوید  
 زیرا در سبیل محبت جمال ابدی بلاء رحمت کبری است و جام موهبت غظمی تالان و تاراج  
 تاج و خراج است و زندان و زنجیر ایوان و سیر بر فلک آئیر سهم و سنان هر دم دل و جان  
 و تتم قاتل در بایق و در مان عاشق مجازی گفته هیچ صبح خفته یا خندان نیافت هیچ شامم با سرو  
 سامان نیافت گردد آتش رفت باید چون خلیل و رچه بچی میکنی خونم سبیل و رچه یوسف چاه  
 زندانم کنی و زرقم عیسی مریم کنی سرگردانم نگر دم از تو من بهر فرمان تو دارم جان و سر  
 این صفت عاشقان و سمت مشتاقان است باری امید از فیض الهی و موهبت ربانیه است  
 که از شه اندر بلیا و اعظم رزایا و نارحبه الله در قلوب افروخته تر گردد و انوار حقیقت روشن تر  
 شود جان جلوه گاه و فای و جانان شود و هر یک جان و دل بگفت گیریم و نثار راه یازد بران



۱۴۸

بواسطه آقا میرزا ماشوم حسین خان حسن خان هدیحان میرزا امین الله آفا کمال نعمت الله  
جیب الله عطاخان میرزا ابوالفضل اطفال جناب ماشوم علیم بهاء الله الابهی

هو الله

۱۶۷

ای تلامیذ دبستان محمد زار که در امتحان حسن استعداد و قابلیت ظاهر و عیان نمودید  
اطفال بهائی باید در تحصیل علوم و فنون از سایر اطفال ممتاز باشند زیرا اشمول نظر نمایند آنچه  
اطفال دیگر در مدت یکسال تحصیل نمایند تازه نهالان جنت عرفان کو در کان بهائی باید در مدت یکماه  
تحصیل کنند آرزوی دل و جان عبدالبهای مبران این است که نور سیدگان بهائی هر یک  
در علم و عرفان شهیر آفاق گردند و البته نهایت همت و سعی و غیرت در تحصیل علوم و فنون نمایند

نمود و علیکم البهاء الابهی ع ع سند بدنه

اصفهان جناب آقا میرزا ماشوم علیم بهاء الله الابهی

هو الله

۱۶۸

ای یادگار پیک الهی نزد من بسیار مقربتی آنی فراموش نشوی و همچنین جمع بستگان  
حضرت سلمان در حق شما داد عا نمایم و غایت طلبیم و امیدم چنانست که اندک و نعتی حاصل  
گردد البته بیچوجه تصور نشود و علیک البهاء الابهی عبدالبهاء عبا س  
سند بدنه

حکایت اصفهان در بارگاه

حکایت اصفهان در بارگاه

اصفهان جناب میرزا هاشم داماد حضرت پیکر علیها السلام

هوانه

۱۶۹

ای ثابت بریناق افضل و محبوب پروردگار امیدم که همواره موفق بخدمت دربار  
آمرزگار باشی دمی نیاسائی و نفسی براحت کنشی بلکه مدت حیات در سبیل نجات بکوشی  
و هر طالبی را کاس هدایت بنوشانی امه الله المقربه مریم سلطان را تحت عبد البهائم بران  
و همچنین آفاضلیا و امه الله طوبی و امه الله قدسیه و امین الله را کلا از قبل این مسجون برون

عظمت حضرت امیر مبارک

نما و جناب کربلای حسین را تحت مشتاقانه بخدمت البهائم ابلاغ نما حال کت

اقتضای حضور نمی نماید پیش از این فرصت نگارش نه و علیکم التحیه و التهنئه

ع ع

اصفهان جناب خان جناب آقا سید محمد جواد جناب میرزا احمد شیخ جناب میرزا محمد <sup>المحققین</sup> جناب میرزا محمد <sup>۳</sup> جناب میرزا محمد <sup>۳</sup>

جناب آقا سید زین العابدین جناب آقا سید عبدالغنی جناب میرزا عبدالحمید جناب میرزا

فرج الله جناب میرزا عبد الله خان جناب سید هاشم جناب میرزا ضیاء الله

جناب میرزا هاشم صهر جناب شیخ سلمان جناب آقا سید هادی

جناب آقا سید مهدی علیهم بقاء الله الابی

هوانه



ای یا نصرمان عبدالبهاء چندی بود که خاطر این آواره از بلایای وارده بر اولیای حق آزردۀ  
 و هردم بملکوت قدم ناله و زاری مینمود و ره عجز و پستیاری می نمود که ای پروردگار جمعیت برابر پیر  
 گشت و محافل انس از میان بر افتاده شود که فضل جدیدی بنائی و تأیید بدلی بفرمائی تا یاران این  
 کردند و محفل انس را سراج ذکر ت روشن نمایند ای خداوند این پرانگده کی سپسند و ای  
 نهر بان این حزب پریشانرا جمع فرما تا آنکه برید جدید رسید و مرده الفت آن انجمن سبب  
 خفت خزن شدید شد از ب فرید آرزوی این قلب جریح آنت که یاران محترم هردم در  
 حکمت در محفل قدس همدم کردند و بذکر جاهدتم حیات تازه بایند و سبب شوق و ذوق و طر  
 یگدگی کردند تا بشارت جهان انسانیت را خلعت جدید بخشند و همیگل عالم را ردای بدیع پوشند  
 ای یاران این عبدالبهاء همواره از مصائب و بلاهای شدید محزون و غمگوست ولی این موبت  
 نصیب هر محروم نگردد زیرا این بلا بره اهل وفاست و این محن و آلام مخصوص کرام است  
 هر چه هست بگذرد ولی عاقبت موبت بر عاشقان جمال کبریا و مشتاقان روی جمال الهی رو  
 لا جانه الفدا ای هاشم منتسبین یک را نیز از عبدالبهاء بنایت محبت و مهربانی ابلاغ نما  
 و بگو هر چند آبی چند تنگی گذرد عقرب کشایش رخ دهد و راحت و آسایش خواهید یافت

خطا کتابت است و در سبب

وعلیکم التحية والثناء ع

اصفهان جناب حاجی یادتہ سہ دہی علیہ بآو اتہ الابہی

ہو اتہ

ای ثابت بر پیمان نامہ شمار سید مضامین دلیل جلیل بر ثبوت بر امر نور مبین بود آنچه در حدیث  
موقفی کہ جولانگاہ یخزدان بود نفوسی مبعوث گشته کہ بعون و عنایت حق در نہایت ثبوت و ایمان  
آن قرینہ در ایام حضرت مقصود مورد الطاف بود حال نیز امید میداد است کہ بہمت و روحیات  
یاران با وفا معمور و منظر الطاف موفور گردد تا تو انید کوشید کہ سہ دہ صدہ گردد و نفوس در  
نہایت انقطاع و مقدر و توانا و منجذب ملکوت ابہی و مروج دین اتہ مبعوث شوند اما  
مسئلہ اقران صبیہ انا میرزا نا شتم میرزا فضل اتہ سلیل سید برکات بسیار مبارکت و ہر چه  
در پیش شما از حقوق موجود بہما صرف این عروسی نماید حضرت شیخ سلمان ثانی اشنین سلمان  
فارسی بود بلکہ در خدمت بیشتر متوقی آنچه در حق خاندان او مجری گردد خدمت بدرگاہ احد است  
و بشما در این سالک احرب ستمکاران دست تطاول گشوند و آنچه توانستند قصور نمودند و عجباً  
مناظر از این وقایع جانکداز ولی ہر چه واقع در سبیل دلبر آفاق بوده لہذا باید شمار در سبیل تسلیم  
و رضا سلوک نماید در این سالہای جدال و قتال جمیع اہل عالم در اشد وبال علی انحصول بریا

کہ مورد

خطبات مصباح مبارک

که مورد جمع آیات شدند ولی مشقات آنان در سبیل نفس وهوی و آثار ضلالت اجناد عبودیت  
درگاه کبریا، آن رزایا محسوب بشون دنیا و این محن و آلام معدود از جانفشاری در راه حضرت  
بهاء آند. بین تفاوت ره از کجاست تا کجا و بجمع اجناد فرداً فرداً از قبل من نهایت استقامت  
ابلاغ دارید و علیک البهاء الابهی ۲۴ صفر ۳۳۹ عید البهاء عباس

اصفهان بواسطه جناب میرزا ماشوم فریدن اجنای الهی علیم بهاء آند الاسبی  
جناب میرزا احمدخان جناب لراسب جناب سینخان جناب شیخ حسین جناب  
محمد علی جناب درویش علی جناب آقارضا جناب محراب بیک جناب آقا باقر جناب  
ملاحین جناب محمد رضا جناب ملا محمد علی جناب میرزا محمود صدر جناب میرزا علی اکبر  
جناب علی کبرخان علیم بهاء آند الاسبی

هو آند

ای یاران الهی شکر کنید خدا را که مورد نظر غایت شدید و مظهر الطاف حضرت احدیت  
از پر توهدی روشن گشتید و بر شحات سبحان غایت پر طراوت و لطافت اندر این گلشن  
فیض عظیم را ملاحظه نمایند که مانند نسیم بهشت برین این گشت زار را سبز و خرم نمود و هر یک  
آن نفوس را از اشجار جنت فرمود هر چند این موهبت هنوز چنانکه باید و شاید در معرض شهود

جلوه گرفته و قدرش معلوم نیست اما عقرب فرار و شب عالم از این نور مبین  
 بهره و نصیب گیرند انوقت معلوم و مشهود شود که سر وجود چه موهبتی در عرصه شود ظاهر فرمود  
 و هر یک از یاران مانند من تا بان در اقی غرت جاودان رخشده و درخنده و ظاهر و عیان گند  
 قسم بان روی روشن و جبین ساطع بنور مبین تا بجائی برسند نمانده اید که گوهر و لئالی آن عصار  
 و قرونزار روشن و منور نماید سگر گنید خدارا و علیکم التحیه و التهنیه ع <sup>متن بند ۵</sup>

اصفهان داماد پیک رحمانی هو الله اقا محمد ناسم علیه بآء الله الالبه

هو الله

ای بنده الهی از کثرت مشاغل ابداً فرصت ندارم چند روز پیش نامه خطاباً بفرستم  
 رحمانی ارسال شد در خصوص بنای مرقد آن قاصد امین کمال نموده بودید چون بشیراز برسید  
 بادوستان محترم الهی مشورت نماید هر نوع که اجای الهی مصلحت بداند بنای نماید و مصروف  
 بنار این عبت ارسال میدارد ع <sup>متن بند ۵</sup>

خطبات عصار و مودت  
 این یک خط از خطایست

از قرار مکتوب سابقاً بشیراز مرقد طاهر آن قاصد الهی را تعمیر نموده اند ع <sup>متن بند ۵</sup>  
 بواسطه جناب آقا محمد ناسم صهر جناب سلمان جناب مهدی حیدر جناب آقا سید مرتضی  
 جناب آقا محمد جواد جناب آقا محمد رحیم جناب آقا عبدالوهاب جناب آقا سید عبدالغنی جناب آقا محمد مدی  
 جناب

جناب آقا سید حسن جناب میرزا عبد الجواد جناب میرزا آقا جناب عبد الحسین علمیم بهاء الله ابائے

۱۷۴

هوا الله

ای یاران عبد البها حمد خدا که از کاس غنایت سرمت شدید و در بزم الست محرمان گشت  
گشتید از جام غنایت نشه یا قید و از صبهای موهبت حیات تازه جتید ثابت عمدید  
و راسخ میثاق و مشتاق مشاهده انوار تیر آفاق هر چند سر حلقه عشاق پر احترام قید و بند  
باز فراق ولی احمد تند بعد از صعود از این عالم فانی وصال دائمی مقدر و خلود در جنت کائنات  
ابدی محموم و مقرر از حوادث اینجهان ظلمانی مخزون نگردید و از مناصب این حیات فانی دلخون  
نشوید با لطف رحمانیه مسرور گردید و بموهبت ربانیه خوشنود شوید احمد تند در طلب لیلید  
و در پناه رب جلیل اینست رحمت عظمی اینست موهبت کبری و علیکم التحیه و التهنیه

خط استیجابها و در بزم الست

ع ع مین پیوسته

اصفهان جناب آقا میرزا نائتم داماد آقا شیخ سلمان علیه بهاء الله

۱۷۵

هوا الله

ای بنده بها مکتوب و صل گشت و مضمون معلوم گردید بایران البیرا تحبیت عبد البها برسان  
که انما یت بجران بکر بایران مشغولست چند رست که از ارض صاد لاملله بشارت و غنله

خط استیجابها و در بزم الست

مناجات بسمع مشتاق نرسید هر چند ستمکاران نه چنان جهالتی روداداشتند که تحمل نتوان نمود بالطبع آن جمع آزرده اند و دلگشته و مظلومند و بال و پر بسته ما وجود این امید چنین است که این سختی سبب سستی نگردد و این تطاول و عدوان سبب سکون و آسایش شود زیرا همیشه عادت چنین بود و قرار بر این که اب سبب شعله آتش عشق گردد و جفا علت ازدیاد و فاشود حال نیز چنین است این مظلوم در هر دمی حرف هزار سهم مسموم با وجود این سینه آینه گردد و انوار محبت الله پشتر حلوه نماید از عسرت خاندان پیک امین ضرن <sup>طهران</sup> حاصل شد و در آنچه باید و شاید قصور نخواهد گشت و علیک التجه و التثنا ع ع <sup>مناجیه</sup>

اصفهان جناب میرزا اناسم داماد پیک روحانی علیه با آ الله الاهی

هو الله

ای صر حضرت سلمان نامه شمارید هیچ میدانی که عبد البهّا بچند درجه غریق در باری مشاغل و مشاغل و شواغل است با وجود این از کثرت محبت مجبور بر جواب و اجزای خواهش شماست حضرت محترم مقرب درگاه اسم اعظم جناب وزیر فی الحقیقه آیت هدی و موفق بخدمت و عبودیت جمال ابی و شریک و سیم عبد البهّا است من از او بسیار را ضمیمه احمد نه اصفهان بنفوران آمده آن برودت و عنودت زائل و شعله و حرارت حاصل شده از غیایات حضرت خفی <sup>الکافی</sup>

خطاب حضرت میرزا اناسم

خفی الاطاف امید چنانست که روز بروز این شعله روشن تر گردد و این حرارت محبت نه  
 شدید تر شود بر این آینه و قدسیه خانم و طوبی خانم و منیره خانم از قبل عبد البهاء نیت  
 هربانی ابلاغ دارند و بگویند حال بر نظام و قواعد موجوده مرتبه در مدارس تحصیل نمایند انشاء الله  
 هر وقت فرصتی شد در این خصوص چیزی مرقوم میگردد حال ابا املت نیست فی تحقیق در  
 تأسیس مدرسه ای بجهت اطفال ببالای فرض و واجب است اگر ایاران الهی در این خصوص اهتدی  
 مینمودند سبب وصول برضای حضرت رحمانی است اطفال چون در مدارس دیگر تحصیل

علم و هنر پردازند هم مشرب و هم خوی بی ادبان گردند و علیک البهاء الایبی غ ع تذکره

اصفهان جناب مرتضی قلی جناب شیخ حسین جناب جلال جناب اجودان  
 جناب میرزا خلیل جناب میرزا مهدی جناب سفیدار جناب حاجی میرزا جناب اسد الله  
 جناب حاجی احمد جناب حاج عبد الغفار جناب الیاهو جناب فرج الله جناب عبدالحق  
 جناب عذرا جناب موسی جناب هرمز جناب آقا محمد جناب عبد الرسول خان جناب تادعلی  
 جناب سید حسین جناب میرزا امام شمس پیک رحمانی علیهم بآء الله الالب

هو الله

ای ایاران الهی صدف را نور هم از افق ارض صادر نهایت تکامل پیدا کرده در قلوب شرقی

ظلمت کا تہ خوار و برباد

و شوری جدید افتاده و در نفوس اہتر از تازہ فی آشکار گشته مدتی بود در نہایت سکون بود  
 حال بجزکت منتی شد یاران آغاز آوازی نمودند و در این گلشن تقدیس شننازی زدند  
 انسان اگر بجای مفقود گردد بہتر از آنست کہ محمود شود مردہ البستہ بہتر از افسردہ و پشیمردہ است  
 زیرا مردہ معذور است حول و قوتی ندارد ولی افسردگی و پشیمردگی از سنیات سابقہ و  
 لاحقہ حاصل گردد حال حد خدا کہ این تیرگی مبدل بر و شنائی شد و این افسردگی  
 با فروختگی منتی گشت ایام جمیع نام در نہایت ظلام میگردد در ظلمات ثلاث کہ در قرآن  
 مذکور است مستغرقند لا یعلمون المبداء ولا المنتی ولا یطیعون بحقائق الاشیاء  
 و العاقبہ یرجعون الی الخفۃ الظلماء و الدركات اسفل قد حصر و الاحیوة الدنیاء  
 و حرموا من انشئۃ الاخری فیما اسفالم من ہذہ الغفلۃ العمیاء اسئل اللہ بان یدیم  
 الی سبیل ارشاد و ینور البصار ہم بالنور الساطع من الافق الاعلی باری ای یاران  
 این او ان وقت ہمتت سعی و اجہاد تا بجہد ملیح آن قلمبر ابا ہتر آرند و بفتح  
 قدس زندہ نمایند ترویج وحدت عالم انسانی کنند و تأسیس یکاگی بشری نمایند  
 یار و اعیار بنوازند و کار ہر مرد مند سازند و در این گلشن جنت ابنی بادیع اسحان نعمہ و اوا  
 بنوازند کہ گوشہا محرم راز گردد و جمیع بشر ہمدم و ہم آواز شود تا سیدات غیبیہ پای پی رسید  
 و توفیقات



وتوفیقات صدائیه متابعت اگر نفسی کلال آرد و یا آرام جوید خود را محروم نماید

و علیکم البلاء الابهی ع ع بیتا میرزا

اصفهان جناب میرزا نایب میرزا حضرت پیک رحمانی جناب شیخ سلمان هند یانی

علیه بلاء الله الابهی

هوالتد

۱۷۲

ای بنده آستان الهی نامه شمار سید و تالان و تاراج معلوم گردید این سنین  
گذشته ایام انقلاب بود در ایام انقلاب سراب آب شمرده میشد لهذا سخنی و پریشانی  
از لوازم ایام نا امانیت هر چه بود گذشت بمتعلقین حضرت شیخ نهایت مهربانی  
از قبیل من ابلغ دارید شما باید نایب کتبی در اصفهان یا در دماوند بفرمایید و تبرئیت  
اطفال مشغول گردید این امر هم را از همام امور شمردید و چون راهها باز شود و مخایره متابع  
گردد سفارش در حق بار خاندگان حضرت شیخ خواهد شد ۹ جمادی الثانی ۱۳۳۷ عجل البلاء سن

بواسطه جناب حسن خان

جناب رضاقلی میرزای شیرازی علیه بلاء الله الابهی

سوات ای سدی بنور جدی فافرح بکر مولاک بنایک و دراک و انقدک

خداکتاب و صحیفه مبارک

ص ۵

و بجاگ و اسمعک و اچاک و انعم علیک و اعطاک و اکرم مشواک ان ربک ید من  
 یشاء الی صراط مستقیم طوبی لک من هذه الهدایة الکبری بشری لک من هذه الموهبة العظمی  
 و طوما لک من هذه المنحة الی یبقیها اولی النبی و فرحاک من هذه العطیة الی هی کنز لاسقفی  
 و سروراک من هذا الاشراق الذی انار الافاق فاشکر ربک العظیم علی هذا الفضل الجمیل  
 و الفوز المبین و الفیض القیم ان فضلک علیک کالغیث الماطل المدرار من سحاب رحمة

خط کاتب هر دو خطا دارد

ربک الرحمن الرحیم و علیک البهاء الابهی ع ع مستقیم

ش

بناب میرزا علی خادم حرم

هو الابی

ای خادم درگاه حق ابن خادمی تو از شنشاهی عالم برتر است و این بندگان تو از سلطنت  
 جهان بهتر زیر این شهبازی جهان سراب بقیع است بلکه ستم نقیع و لکن خادمی تو سلطنت  
 باقیه است و حکومت سماوات عالیه فتم ما قال عبید و لکن الملوک عبید هم  
 و عبید هم اضحی له الکلون خادما باری این جامه عبودیت ردا غزت قدیمه است و این خاک  
 بندگان تاج و افرشنشاهی جهان باقی اینست که اکلیل جلیل این عبد دلیل در درگاه جمال  
 مقام عبودیت است و اعظم مبالغات قیام بر بندگی این عقبه علی است اللهم و تقنی علی

خط مبارک

ذک



الكبرى ان تؤيد عبدك هذا على التمسك بربوك الوثقى وموئتك استجاباً، وتحمك العلياء  
ثم قدر له كل خير قدرته لخيرة خلقك وتهيئة لبررة عبادك واعطيته لسفرة كرام الحكماء  
واجعله ثابته مستقيماً على امرك وجبت انك انت الكريم ذو العطاء، والرحيم بالارقاء، تفضل  
ماتساءً وتحكم ما تريد وانك انت الغفور العظيم ع ع سة سة

هو الابی

۱۸۳۵

ای حسنه حدائق معانی تجلی الله عليك باسراق انوار جمال بلاء الابی اگر چه بظاہر در  
فرقت و بجزائی و مبتلای حرفت و حرمان لکن فی الحقیقه در محفل یاران الهی و دوستان  
معنوی یادت ذکر و فکر انجمن است و روی دلجویی مجتبی حقیقی حاضر چون شمع روشن  
پس ای یاران بجان مستبشر باشید و بقلب خوش و امیدوار که فضل ملکوت الابی عظیم  
عظیم و روابطین اجاء الله از فیوضات رب قدیمت و شدید و البهائے علیک یا من استقل  
باز حجة الله ع ع سة سة

ظلم مبارک

هو الله

۱۸۴

ای بنده آستان الهی از فضل حضرت یحیی در دو آستان پاسبانی و هر دو مقبول در نگاه حضرت  
ولی در یکی پاسبان حقیقی و دیگری مجازی از حق میطلبیم که مجازات را نیز حقیقت نماید و پس  
ع ع فضل

ظلم مبارک

علی فضل ربک بعزیز از خدا بخواه که توفیق بر عهد و میثاق عنایت فرماید  
ع ع  
مقامت

حواله

ش جناب میرزا علی خادم شاه علیه بآء الله الاهی ملاحظه نمایند

هو الله

ای خادم قبر مستور آن جدش مقدس و رس مبارک را محافظه نما و ملاحظه دار چه که  
صد هزار چراغ آن مصباح را طائف و صد هزار شاه بنده آن درگاه مرتفع اگر چنانچه  
حال نور آن مصباح از انظار مستور است و از اثر ارجمند اما عنقریب آن نور جهان  
افروز شود و آن شعاع حرارتش عالم سوز قدر این فضل وجود را بدان و بشکرانه قیام نما  
و الباء علیک و علی کل ثابت علی میثاق الله ع ع مقامت

هو الله

شیراز جناب میرزا شکری علیه بآء الله الاهی

هو الاهی

ای بنده شکور رب غفور عنایتش غیر عنای و الطافش بی پایان عواطفش محیط است و  
منبسط در بساطت نورش ساطعت و نیزش لامع از جمله الطافش ایانست ایانست

مقامت

عرفانت پس چگونه بگزارنه این عنایت بی نهایت قیام تو ان نمود مگر بقدر وسع بشر

و مقدار طاق ربان و بیان چون در و کبر پس بقدر مقدور بگزارنه پرداز  
ع ع  
مستانه

هو الله

شیراز جناب میرزا علی علیه بھاء آتھ الابی

هو الابی

۱۸۷ ای بندۃ الہی علو و سمو جهانی امر تصوری و اعتباریت بلکه نسبی و اضافی علو حقیقی در  
عالم جااست و سمو واقعی در جهان وجدان پس توجہ بملکوت الہی کن تا بلندی حقیقی  
ع

ظہ مبارک

منائی و ارتفاع دروۃ اعلیٰ مشاہدہ کنی ان ربک بلا لافی الاعلیٰ والہباء علیک ع ع  
مستانه

هو الابی

جناب آقا میرزا علی خادم علیہ بھاء آتھ الابی ملاحظہ نمایند

هو الابی

۱۸۸ یامین اشتعل بالنار الموقدۃ فی بریۃ آسینا ہر چند در کمال استعجال رقوم میشود چہ کہ

ظہ مبارک

بہر چہ مجال نیست ولی انجذابات قلبیہ بحبب احباء رحمن نچنان در شدت فورانست  
کہ امواج بحر اعظم مشغولیات از ذکر احباء رحمن مانع و حاصل گردد رب آید عبدک ہذا

علی الابی

على الابتغال الى باب احديتك والضرعة الى سماء الويتك والاستغفال بذكرك  
 والانجذاب بنفحاتك والتمسك بعروتك والثبوت على عمدك وميثاقتك والاستغناء  
 على صراطك والاستغناء من انوارك والتسليم لامرك والنشر لطيب ذكرك  
 وشانك انك انت الكريم الرحيم الوهاب وعبادك رؤوف رحمن ع ع خ مقابلة  
 ش جناب ميرزا على خادم حرم رباني عليه بقاء الله الابهى ملاحظه نمايند

ايجاد حرم مطلع انوار اسم عظيم در پيش چيزي مرقوم شد و حال نيز اين نامگاشته ميشود شکر  
 کن حضرت احدیت را که باین موهبت مفتخر گشته و باین عنایت مشتر خادم در گاهي که  
 مزار نفوس مقدسه است و مطاف ارواح مجرده نفحات انقطاع از ترابش استقام  
 ميگردد و نام روح بخش حیات از عبادش استنشاق ميشود مطلع انوار حبت البیت و شوق  
 الطاف غیر تنهای طوبی النفس زار ذلک المقام المقدس طوبی لسان تعطر من نفحات المعترف  
 المنتشرة من ذلک الموقع الاقدس و بشارة النفس قدمدن حول قلب خاضع و کل  
 خاشع و قلب محترق و حشا مهتبه و دموع منجم و کبد مضطرم علی تک المظلومة المعترفة  
 التي احترقت بما رجته ربنا و ذابت من شدة حرقة الفراق عبد البهائم

آنچه نشنا آمل مقربین و خابت مقصود ملائکه علیین است جناب شیخ ابوالکاله مجری نمودار  
 قبل شاد در روضه مبارکه بالنسیابه شمع روشن کرد و همچنین ماکل در یوم مخصوص بالنسیابه از جناب  
 رفیع رفیع و شام و جمیع دوستان و یاران ارض شین در روضه منوره زیارت مخصوص نمودیم  
 فاستبشر و ابده البشارة العظی و هذه المنحة السخیة و هذه العطیة النوراء و البهائم علیک  
 و علی اجاء الله عبد البهائم ع  
 مه لمة

هو الابی

جناب میرزا محمد علی بهاء الله الابی ملاحظه نماید

هو الابی

۱۹۰

الهی و ربی و رب جانی و غایة امانی اسئلك بفضلک و رحمتک الی خصصت بها خیرة خلقک  
 و نزلتها علی اعزة عبادک و بموہبات الکبری الی استصفا بها و جوه اجناس و بنورک القدیم  
 و جمالک الی تجل نعمتک عن ابصار الناظرین و یلوح و یضئ فی ملکوت الاعلی رفیقہ  
 الابی جبروت الغیب لاهوتہ الاسمی بان تنزل علی عبدک هذا کل رحمتک و جودک  
 و احسانک و تؤیدہ علی الاستقامتہ علی امرک و الثبوت علی کلماتک و تؤتیہ حسنہ الدنیا  
 و الاخرہ و تبارک لہ فی کل شئونه و تجلہ محفوظا مصونا فی صون مہایتک و مشمولاً لانتظام  
 عین

ظہر مبارک



عین رحمتک اکت انت الفضل احواد الکریم الرحیم رب ثبت قدمی و اشد  
ازری علی خدمتہ امرک و اجعلنی من عبادک الراغبین عبد البهاء ع  
و بلغ تحتی و تکبیری الی حضرت رفیع الر فیح و اهل ربی ان یوقفه علی اعلا کلمتہ <sup>الغیب</sup> بلین

عبد البهاء ع مناشه

هو الله

شیراز جناب کربلای حاجی علیه بآء الله الاسبی

الله ابی

۱۹۱

خط مبارک

ای مادی سبیل هدایت یک عنایت است و عظم موبت و ثمره شجره رحمت  
چو بیا نفوس که در طلب هدایت گریزند ولی چون خلوص نبود محروم مانند و بسا نفوس  
که بجز دستماع در شاهراهی دویند و از کور عطانوشیدند و از نهد صفا چشیدند چون تو از آن

نفوسی شکر خدا کن ع ع مشر  
مصاحبه

هو الله

۱۹۲

خط مبارک

بواسطه آقا میرزا علی خادم حرم مبارک جناب خواجہ محمد اسمعیل علیه بآء الله

هو الله ای بنده ی بنور هدی و دست سکرانه بدرگاه خداوند یگانه بلندناویش

ناکبیره آفرینش فائز گشته و دیده بپوش گشودی و روش ایران الهی پذیرفتی و درین  
 عیانت پرورش یافتی حال سزاوار اینست که درمی نیاسائی و نفسی رحمت بخوئی شب  
 مشهور روزمانند شمع بوزی و نور هدایت بجمع مبدول داری بجان و دل در فکر نشر نجات الهی  
 باش ع ع ع  
 صدقه لطف

هو الاهی

جناب عبدالکریم نجفان علیه بپا، الله الاهی ملاحظه نمایند

هو الله

ای بنده درگاه الهی چشم گشایا مشاهده آیات کبری نمائی و گوش گشایا استماع نعمت  
 و رقا، کنی فخر وجود بسیار روشن و نیر است و کواکب عزت امر الله در شدت سطوع  
 چون نیر فلک اشیر بحر الطافت که مواجعت و ناسم یزدانت که متحرک از متب اینست  
 این ایام اغنیمت شمار و این فرصت را از دست مده عفریب طیور وحدت باشیان بر

احدیت پرواز نماید و البها، علیک ع ع

از فضل ملکوت الهی امیدواریم که آنجناب چون شمع روشن در انجمن عالم سوره ساطع و لامع  
 گردد و بنجات قدس مجلس انس یار اید فی الحقیقه امتاب غضب جباری و غضر روحانی داشته باشد  
 لذا

لذا باید بعون و غایت جلالتم چنان بشود و جوش و ولوله و شوق آلی که هر نفسی را ملالت

فرمائی روح بخش و جان عطانمائی و بروح و ریحان آری و الباء علیک ع ع  
متنه

شیراز جناب آقا میرزا ضیاء الدین خادم مشرق الاذکار علیه بآه الله الا بهی

۱۹۴

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه ای که در نهایت عجز و انکسار مرقوم نموده بودی و اصل این دیار شد

معانی صرف تبشیل و تصرع بود و مقصد و آمل موفقیت بر خدمت امرز و ابجلال و این

اعظم موهبت عالم انسان استحه نه نور هدایت کبری را ابا عن جد میراث داری و منبج

قوم و صراط مستقیم ساکنی از کاس تسنیم سرمستی و از ناه معین میراب و نیت

مشرق الاذکار مشغولی و از نادون حق یزار جناب آقا میرزا آقا عم کامکار را با لطف رب

مخار امیدوار کن و همچنین کثیر غزیر الهی والده محترمه خدیجه را بسفحات قدس بیدار کن و آ

میرزا بآه الله ربنا اللطاف دلبرانین مرزوده و امید از رب کریم چنانست که جد بگوا

میرزا محمد در جهان ابد سرمد غرق بحر اللطاف رب واحد احد گردد و همچنین پدر مرپرور میرزا

در انوار ملکوت عنون مغفرت مستغرق شود باری تو و برادر صبران باید هر دو چنان بجهت

قیام نمایند که روح مقدس آن دو جان پاک در عالم تابناک سرور و فرخاک شود و علی

البهائم الاسبی ع ع

ش جناب میرزا ابو قاس ساعت از علیه بهاء الله الا ملا خطبه

هو الابی

۱۹۶۵

انی شغل با محبت الله ساعت که جسم منجم و فلز مسطرقت بسبب نظم و ترتیبی ما هر آنه حرکت نظماً دارد با وجود آنکه جسم ثقیل است اوقات اتصالات کوکب جیل را معین نماید و بشیر و تب طلوع نیز فلک اثر گردد و چون حرکتی خفیف و ضعیف در جسم ثقیلی حاصل شود چنین تحلیل حصول یابد پس اگر حرکت شوقی روحانی در جسم انسانی که بشا به روح این عالم عنصیر است ظاهر شود چه آثار باهره و کلمات لامعه متحقق یابد پس از خدا نخواه که بر ترقی الی و قوه الی سبب حرکت و جبهه های کل انسانی کردی و در حد حرکات کوکب ملا علی و نجوم ملکوت الی

عبارت

و چون روح پر قوچ علت حرکت و تراز

جسم عالم امکان باشی و البهائم علیک

و علی کل من ثبت علی عهد الله

مسئله

و میثاقه عهد الی

هو الابی

هو الا بھی

۱۹۶

ایعاش جان سوخته جمال رحمانی ایڈک ربک علی ابتغاء مرضاتہ واعداء ذکرہ درجیل حق  
خط مبارک

جان و مال و عزت و منال اگر از دست رود اعظم توفیقات الیہ است و اکبر تابدیت

ربانیہ چہ کہ این مقام رتبہ فدا، کلی است کہ اعظم آل اولیا، الہیت اینست کہ حضرت

اعلی روح العالمین فداه در احسن القصص قیوم اسماء خطباً لجمال اللہ اللہ سبحہ میفرماید پندنا

الاکبر قد فدیبت بکلی کک و ماتتیت الالاقفل فی سبیلک والسب فی مجتک وان الکا

با حق و الروح و البہاء علیک ع ع تہا شہ

ش جناب میرزا ابوالقاسم ساعت ساز علیہ بہاء اللہ الہی ملاحظہ نمایند

۱۹۷

هو الا بھی

ای بندہ حق ہر چند بظاہر تو در شینی مادر سین یعنی ولایت سورہ آمانی اخصیہ در  
خط مبارک

یک شجریم و متنعم یک ثمر در محفل استیم و از جام عمد سر مست در جنت ابی دایم

و در کوشن الطاف وارد پس حمد کنیم خدا را بر این ہمدی و البہاء علیک ع ع

سالت شہ

هو اللہ

جناب میرزا ابوالقاسم ساعت ساز علیہ بہاء اللہ الہی

الخیانت تعلم حالی و تری تبت شلی و تفرق جمعی و تلفت فسیبی فی ہجراتی من قریب  
 و وصاک و بعدی عن ملکوتک و حسراتی و سکرانی فی بداء الاحرامان من قرب جوارک  
 ایرت ابدنی علی ذکرک و ثناک و نطقنی بجا مدک و لغوتک بین خفک و اخلص و جہی لو  
 الکریم یار تبارک العظیم اکت انت الرحمن الرحیم ایرت ہذا عبد توجہ بملکوتک الاسب  
 و نطق بالثناء و اعرض عن الموی و سرع الی شاطی بجر البدی و شرب کأس الوفاء  
 اور کہ بفضلک و جودک یار تبارک الاعلیٰ ع ع

از تشریح تکلیس لرزا رئیس سوال نموده بودید این عبارات از جمله عبارات شیخ مرحومست  
 کہ در جواب سوال از قائم مرقوم فرموده اند جمیع فقرات در آن درجہ جوایتہ جناب شیخ مفصل  
 شرح و تفصیل و تفسیر شدہ است و موجود است و مقصود اینست کہ رؤسای شیخہ  
 کل اقرار نمایند کہ این بیانات شیخ را نمیفہمند الوقت آن شرح و تفسیر نشر شود یا آنکہ  
 شرحی رؤسای شیخہ مرقوم کنند در ہر دو صورت جہان ثابت گردد حال ثیمانہ این رؤسا  
 مثل پیر حاجی محمد کریم خان و غیرہ متصل و متتابع مراجعت نمایند کہ شرحی در این بیانات  
 جناب شیخ مرقوم نمایند یا آنکہ اعتراف بر عدم فہم کنند چہ کہ مشہور شد کہ از حاجی محمد کریم خان  
 سوال

سوال نموده بودند گفته بود که من نہیںم و ہر کس بقدم من خاضع می شوم ولی لانا گفته بود

بید خطا بنویسند ع ع متبادلہ

ہو اتہ

جناب زائر آقا میرزا ابو القاسم علیہ بہاء اللہ الاسبی

۱۹۹

ہو الابی

ای زائر مطاف ملا علی شکر کن جمال قدیم رب کریم را کہ مسافت بعیدہ را طی نمودی تا بظن ممدود و مقام محمود آستان حضرت معبود وارد شدی و بصبر ایستادہ آیات کبری در آن عتبہ مقدسہ روشن فرمودی پس حال از معانی از تفحات قدس پرینضہ مقدسہ بردار و ببلاد اللہ توجہ نما و ہر یکرا از پیام الہی کہ در صحائف عمد و میثاق برآنی مندرج و مندرج است بہرہ مندکن یعنی کل را بیثبوت بر میثاق دلالت فرماتا جیوش تا مید آ از ملکوت الہی بجوش آید ع ع متبادلہ

ہو اتہ جناب آقا میرزا ابو القاسم علیہ بہاء اللہ الاسبی

۲۰۰

ہو الابی

الہی الہی انی عبد آمنت بک. بآیت و اقبلت الی وجہ جلالک الاعلی و خلعت بوجہ

لکونک الابهی و تشبثت بالعروة الوثقی و تمسکت بذیل رداء الکبریاء و استقیمت علی  
 شریعت النوراء و ثبتت علی میثاقک العظیم الذی اخذتہ فی ظل الشجرة الانبیاء ارب  
 احسنی بعین رعایتک الواقیة للاحتباء و انظر الی بطنات رحمانیک الی احاطت الی  
 واحفظنی من کل البلاء و قتی الترنزل و الاضطراب یارب الارباب اکبت انک لکرم  
 تابد

الرحیم العزیز الوهاب ع ع

هو الابی

شیراز جناب میرزا ابوالقاسم . علیہ بہاء اللہ الابی

هو الابی

۲۰۱

ای جناب ابوالقاسم در ارض مقدس بودی و مشاغل عظیمه دمیدم مرادیک با وجود این هنوز  
 بمنزل نرسیده است دعای مکاتبه نموده اید ولی چه چاره باید بقدر امکان سبب سرور وجود  
 قلب یاران و حکمتان را مجری داشت و این قوت و قدرت و سطوت و سلطنت را

بفیوضات محبت جمال قدم باقیه اند

نعم الاقدار هذا الاقدار تابد

ع ع

هو اللہ جناب



جانب حسین سلین جانب آقا میرزا ابوالقاسم علیه‌بهاء الله الاهی

هو الاهی

۲۰۳

ای حسین جاننا فدای اسم تو این نام محترم در کور فرقان علم بر مظلوم کرم بود و در  
این کور رکن اول از اسم اعظم ملاحظه کن که چقدر مبارک است هر چند بظاہر تصغیر است  
ولی در حقیقت شمس اتقی کبریا، و عظمت جمیع اسماء طائف حول این اسم و کل صفات مشتق  
از لفظ این اسم تفکر لعرف اسرار الله المقدر المبین القیوم ع ع  
تبارک  
هو الله

الله ضلع جانب آقا میرزا ابوالقاسم علیها‌بهاء الله الاهی

۲۰۳

هو الاهی

ای امه الله و رقه موفقه با جانب آقا میرزا ابوالقاسم در کمال روح و ریحان وارد بقعه  
نوراء ارض بیضاء گشت و چون خاک در نهایت خضوع و خشوع در آستان مقدس  
حول روضه مبارکه نشست و بفایت تضرع و تبسّل طلب الطاف بیخه اجاب  
و استجای مغفرت بیخه تصاعید نمود و در جمیع احوال بیاد متعلقان بود و بالتیاب نیز

زیارت نمود از درگاه احدیت بنتهای غمخیزان استغاثی قبول زیارت اورینمایم  
ولایه وزاری کنسیم انہ یقبل الشفاعة ویستوب علی عباده المخلصین و الحمد لله رب

العالمین ع ع تسبیح

هو الله

ورقه شماره صبیحة جناب آقای میرزا ابوالقاسم امه الله لقاءتہ علیہا بآله الای

هو الای

۳۰۴ ای ورقه شماره شکر کن حضرت رب عزت را که چنین پدیری تو عنایت فرموده که از عشق

عظیماک

الهی گریه‌ی چاک دارد و هستی بند تراز کو اکب افلاک با وجود این در خضوع و خشوع چون مرکز خاک  
این نیست الا فیض الطاف مخصوصه رب قدیم اولاً سبب وجود تو بود ثانیاً علت هدایت بنود

شود و توجه بمقام محمود و در حول مرکز دائره غیر متناهیہ باید تو مشغول بود دیگر بهتر از آن

پر تصور توان نمود لا والله والیاء علیک ع ع تسبیح

هو الله

جناب محترم رضا ابن مرحوم اختر علیہ بآله الله الای

الله ابی یا من تعلق با دراب ردا، الکبریا، سبح و قدس و همل باسم ربک اخی

عظیماک

القدیم

التقديم وقل سبحان من انشأ النشأة العظي وقدر الآخرة والاول سبحان من اقام لهيأته  
 الكبرى سبحان من خلق فتوى سبحان من مد الاصرار ورفع السموات العلى سبحان  
 من وضع الميزان وحشر من في الوجود في انشاء الاخرى وادخل الذين آمنوا في رحمته  
 والنافلين في محجم وعذاب وبنس عقي الذي كذب وافتري ع ع  
 هو الله

ش جناب اقا محمد رضا عليه بقاء الله الالبه

هو الالبه ۲۰۶

کتابخانه

ای بنده راضی بعضاً، حقیقت رضا، اعظم موبت جمال ابدیت ولی تحقق این صفت که  
 اعظم منقبت عالم انست مشکل است چه که بیا صعب و سخت است حین امتحان معلوم و واضح  
 گردد اسئل الله ان یوفقک علی هذا الفضل العظیم و اعهدتہ رب العالمین والہباء علیک ع ع  
 هو الالبه

ش جناب اقا محمود ابن اختر عليه بقاء الله الالبه

هو الالبه ۲۰۷

کتابخانه

ان نمود نمود بنباش نمود باش ثلج در یخچال و برف در قس جبال فراوان و بیا باره



جایگاه الله رب انه مترو من الخلق منجذب الی الحق متوجه الی ملکوت اجمال شائق  
 تائق الی محفل الوصال رب ایه فی جمیع اشئون والاحوال ویسر له الامال و اجشرو مع  
 الابرار و انطقه بتناکب بین الاحرار انک انت العزیز المختار و انک انت الرحمن الرحیم  
 و علیه بقاء الالبی ع ع ع تسبیح

هو الله

بواسطه آقا میرزا مادی

شیراز

و توسط امته الله زینور سلطان حرم جناب میرزا ابوالقاسم ساعت سار علیها بآئینه

هو الله

۲۰۹

ای امته الله محزون مباش مغموم مگرد روی مغزاش و سرشک از دیده پاش آه و این  
 مکن و فغان و حین نما آزرده مگرد افسرده مشو پر مرده مباش زیر آفرزند و بندت با غموش پدر  
 آسمانی شافت و در ملکوت رحمانی رخ یافت و حضرت رب قیوم اورا بحال نوازش برآ  
 نول جبار ابعثی نه اصل نجاست احمده به نتیجه زندگانی در ملکوت رحمانی فائز گشت  
 به که قصد از حیات جهانی حیات ره عالی و زندگی جاودانی در عالم برزخ انیت آنو بهشت متر

شد و منتقبت مقرر گشت اینست اعظم شادمانی و اتم کامرانی در جهان ربانی و حلیک و حلیمة و

ع ع  
ع لعلی

هو الابی

ش جناب محمد اشیر باقا بزرگ علیه بقاء الله الابی ملا

هو الابی

۲۱۰

یا من احرق من نار الفراق قد لوت الورقة الناطقة بحجة محبوب الآفاق و بوتک علی العتدو

ظن

و تجرک من کأس لوفاق و تجشک من بل التفاق و اشیاک للعروج الی المدا الاعلی

و الصعود الی ملکوت الابی و بتک و تشرک الی احضرة الرحمانیه ان یطیرک فی هوا

و ضاء الانس و یحیرک فی جوار رحمة الکبری و ینزلک فی نزل الوفا فی جبروت الابی

طوبی ک من هذه المنتیة اخصصة والتمه العلیة الکبری و لکن یا حبیب شد و طرک

و قوازرک و شمر ذلک لاعلاء کلمة الله و نشر نجات الله و سطوع النوار الله و حاطة

کلمة الله و بعد ما یؤیدک الله علی هذه المنتیة العظمی و یوقک علی هذه المومبته الکبری نشر

الاعلام و نشر فی الناقور و اقصد ملکوت ربک بجمود اخذته فی امر الله و ادخل الرقیب الی

و اخذ یقته الثلبا و الروضة العناء بوجه نوراً و قلب رحمانی و روح رباً و البقاء علیک

و علی

و علی کل من تثبت بعداته و میثاقه العلیف ع ع س بده

هو الله

ش

جناب محمد اشیر باق بزرگ علیه بحاء آه

خط مبارک

هو الله

۲۱۱

ای کمتر از امتراز او تار محبت الله آنچه مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید و حقیقت مقصود  
 میشود بود اجبای الکی استعد در جمیع اقطار خدمت آستان مقدس قائم و در نشر رسالت  
 قیص یوسف رحمن جان نشانی میناید و تأیید از کل جهات متواصل متابع یوید مشایخ  
 بچوود الهامه و جیوش فیضه و الفامه انه هو القوی القدیر ملاحظه نمایند که عبارت بان سر کج  
 فرموده و ماعنی را معین کرده باز این محجان و حجات غفلت محجب در هم فی خوضهم لبعیون و هم  
 فی غمراهم بخوضون ع ع س بده

تفصیلاً در مورد اجاب و بصورتی که

امه الله صجیع محترمه را تحت برسان و همچنین دو نال بوستان محبت

ع ع ر

جناب قامیرزا خلیل حبیب عبد الباست و خلیل اهل ملاء اعلی تحت ابی برید  
 و غایت صفت کبریا و مطمئن باشند و البها علیما ع ع س بده

ش جناب حاجی میرزا اسدالله علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

ای ضرخام اجنه ملکوت جمال قدم و اسم اعظم روحی لاجانه فدا در جمیع اوقات ذکر اقلیم غار نس  
 و شهر شیراز را میفرمودند که انالی یعنی اجبالی فدیتم بروحی وداتی و کیسنوتی مظهر رحمتد و ملحوظ الجاظ  
 عین غایت و منیل مبارک همیشه در این بود که آن نفوس مبارکه مظهر آیت توحید باشند و مطالع آیت  
 تجرید در اعلاء کلمه الله رایات منوره باشند و در نشر نام محبت الله آیات معروفه حال باید  
 اجبالی الهی بر نصرت امر الله یعنی هدایت نفوس چنان قیام نمایند که ندای تحسین و آفرین از ملکوت الهی متبادع  
 برسد که طوبی لکم یا نصرآء الرحمن طوبی لکم یا جنود اللہ الاعلی طوبی لکم یا هدات الوری طوبی لکم یا  
 کما ت میدان اتقی ع ع م ب نده

خط مبارک

۳ و کمال غایت و نهایت رحمت را در این مضمون

هو الابهی

ش جناب حاجی میرزا اسدالله علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

ای ناطق ثنای آسمی لسان را ذکر می و عقول را فکری لازم لکن ادکار و افکار مختلف و متفاوت تو  
 باکر

خط مبارک



بذکر حقائق و هووسه و انعکاسات شبحیه مشغول کردند چون آن اوامام زائل و آن انعکاسات  
 خلقیه آفل گردد خائب و خاسر شوند و جمعی آن اوامام از بدایت زائل و آفل بینند و تحقیقت  
 شایسته و ذاتیت قائمه و کینونت باقیه طلبند و بکوشند و بچینند و بشتابند تا برسند  
 مقابله

و البهائیک علیک ع

بواسطه و رفته مبارکه والده اقا میرزا مادی افغان علیها بآء الله الابهی  
 شیراز امه الله صبیئه اقا میرزا اسد الله شیرازی علیها بآء الله الابهی

۲۱۴

هو الله

ایکسیر غریزالی نامه تورسید بسیار خوش مضمون بود زیرا دلیل بر اشتراق نوردهی و تأیید  
 ملکوت ابهی و انجذاب بفتحات الله و خلوص نیت و پاکی فطرت بود لهذا در گاه احدیت تفرغ  
 نمودم و ترا موبتی آسمانی خواستم و نعمتی جاودانه طلبیدم تا مشمول الطاف و عنایت  
 و منظور نظر حضرت احدیت گردی از عدم فرصت مختصرم رقم شد و علیک البهائیک الابهی ع  
 سید بنیر

هو الابهی

۲۱۵

ای مهوش جام خلقت الهی علیک بآء الله و فضل و وجوده المتوالی آفتاب دم غروب  
 و افول است و هو انار یک و چشم از صدمات منسبت کبری تجلی منفعت بر آن مستولی

خطایک سید بنیر

خطایک

گفته با وجود این محبت اجبای الهی چنان محیط و تسلیمیت که بجزکت دست این نامه  
مرقوم میشود چه بدگرشما قلب را روح و برجانست دیگر ملاحظه کن که چند مرغزید و چه مقدار

مکرم و محترم و الباء علیک ع ع ساریه

هو الله

شیراز جناب آقا محمد اشهر با میرزا بزرگ علیه بآء الله الا بهی

هو الله

۳۱۶

ای ثابت بر پیمان نامه آن روحانی ملحوظ این بنده فانی شد از صعود آن فائز بقصد  
صدق در جوار رحمت کبری یعنی چراغ بهامخزون باشد زیرا آنرا ج در رجحان مغفرت غلطی <sup>خست</sup> <sup>افزود</sup>  
و در انجمن بالا روشن گشت مناجاتی در طلب مغفرت تلاوت شد بخیل مجید ایشان برسانند  
اما از جهت فتور در ارسال رسائل ایغدر البسته معذور خواهید داشت زیرا ندانید که چه  
طوفانی و چه موج و هجانبست البسته منشیان و مملیان چند و کتبه و سفره کرام برره از  
عمده قرائت اوراق وارده بر نیاید تا چه رسد بجزیر جواب یا خطاب من دون سوال  
ولی جمال قدیم آگاه این قلب سلیم است که لحظه از یاد یاران فرغت نه و دمی از <sup>نفس</sup> <sup>ارهد</sup>  
ذکر دوستان غفلتی نه اصل نیست و چنین است لهذا خود را محروم شمارد و مرا معذو

دارد

ظن کارین و در بکار

دارید نامه من سلسل ورود والوصول بان یار مهربانست در وقت فراغت در حق  
 توجیه بقیه مبارکه دقت فکری چگونه نامه های روحانی و کتاب مبین بواسطه پیک امین میرسد  
 و هذا حق لا ریب فیہ اسئل الله بان یجعل التوفیق رفیقک و التائید محیطک حتی تنال  
 فی الآخرة والاو وبلغ تخلی الوافره واثوابی المتکاثره الی سبیلک تسعید و التی کلمه التکمیه  
 من قبلی علی ضحیک المحترمه المذكوره عند ربک الحمید وعلیک التحية ولبثنا  
 ع ع  
 سید بن

هو الله

مناجات طلب مغفرت بجهت چراغ بها علیه بها، الله الی

۲۱۷

هو الله

ربی ربی و ملاذی و موالی و معتمدی انی اضرع الیک بروحی و قلبی و فؤادی ان تدرک عبدک  
 چراغ البنا برحمک الکبری و تحفظه فی زجاج عفوک من ارباب العذاب و قوصف العقاب  
 رب رب انما خطاة وانت الغفور الرحیم و نحن عصاة وانت العفو الکریم فلا تقامنا بما استحققت  
 و عاين بعفوک و صفحک و فضلك یار حمین و یار رحیم رب رب ان عبدک الوافد علیک المقصد  
 باب حلتک لم یزال عاش منقطع الخاس لتفکک مشتاقا لمشاهدة جمالک متنزه عن  
 متبعا استماع اخبارک را بیا الله الی ان یساک رب رب قد لا العوز العظیم و اطلع

خط کتابت حضرت

کأسه بالآء المعین وارزقه مشأهة النور المبین وادخله فی فردوسک العظیم  
وآنه بلطفک الجلیل واجعله مستغرقاً فی سحار حرمک یارؤف یا کریم یا غفور یا رحیم

ع ع م و س

۲۱۸

هو الابی

ای شارب سلسیل غایت الی توراته جیدک بنضرة التعمیم بین وجوه العالمین قدر  
رتبک بساحة قدس محبوبک و محبوب العارفین انه یحاطبک من ملکوت الابی و جبروت  
الاعلی و یقول و نرکیم من افق الابی و منصر من قام علی نضرة امری یخود من المدا الی  
و قبیل من الملائکة المقربین الیوم یوم استقامت کبری و ثبوت و رسوخ بر امر الله  
و حفظ و صیانت حسن امراست از فقیق نا عقیق و متمک تام بعد و میثاق الی فطوبی لمن  
لا تاخذہ فی الله لومته لائم و الیجب علیک ع ع ساعده

۲۱۹

نیریز سر وستان محله تبرنگ جانب قمار تضای زائر علیه بها الله الابی

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه که چند سال پیش فرستاده بودی مسال رسید از منضمون نمودم که اجبای سر  
و آن صفحات جمیع خاضع و خاضع بکوت آیات و مجلد لهاراد عبودیت تان مقدس شریک و بهیم سید  
شعبه

ظما رک حضرت شوقی لندی و امی خضرت  
عبد البهاء

شده است که آن نفوس نغیبه و اوراق شجره طیبه بشند و همواره محفوظ از رواج خبیثه و رانج و مستقیم  
 درین برتیه ضلع محترمه و صبیحا مکرمه و عبد الکریم کریم و عبدالمخالق فائق راجحیت و مهربانی بر  
 ارضه خواهم که همواره مؤید و موفق باشی و از درگاه احدیت مغفرت خطایا از برای والدین شما  
 طالب و آلم و همچنین نهایت محبت و اشتیاق را ببنده تیرا فائق جناب آقا محمد علی مکتب دار برسانید  
 و علیک التحیة و ائینا ۲۴ ک ۱۹۱۹ عب البهتاء عبا بس  
 بواسطه جناب آقا مرتضی زائر سردستان

اخوی ایشان جناب آقا محمدنوی و اخوی ایشان جناب حاجی بابا و اخوی زاده ایشان جناب آقا اسمعیل  
 و اخوی زادگان ایشان و امهاتمه والده خیرآقا، و امهاتمه اخت صغری و امهاتمه  
 ضلع شاه بی بی و امهاتمه بنت کلثاد و امهاتمه بی بی لقا علیم و حلین  
 بآء الله الاهی

۲۲۰

هو الله

ای منتسبین جناب زائر - آقا مرتضی برضا الی فائز و بفضل و مویبت ربانی حائز ارضه محموم  
 که مانند آقا مرتضای شهید روحی له الفداء جانفشان گردد و بقبر بانگاه عشق شتابد تا در جهان  
 دیگر عالم افزارد و مویبت دیگر بیند و از جام دیگر نوشد و در عالم بالا ملکوت ابدی بیاساید

خطا کتاب حضرت آقا مرتضی زائر

اینجا بعت به مقدسه التجی نمود و از برای هر یک از شما مویبتی جدید رجا و آرزو نمود من ان فصل عظم  
 روحی لا تجانه لهذا نیز امید و طیده دارم که هر یک از شما آیت کبری گردد و نشانه فی از ملا، اعلی شود  
 بار خ منور و قلبی مطهر و روحی مبشر با خلق معاشرت نماید و با ارباب آئینش کند تا جمیع مشامهای بارز آن  
 جنت اسی است تمام نمایند و کل ناظرین آثار ملا، اعلی مشاهده کنند اللهم یا الهی و محبوبی و معانی قدس  
 ذکر و ذاع امرک فی اقلیم نسب الی منظر رحمانیک و توطن فیہ مطمع فردنیک و اهد  
 فیہ نفوس طیبته طاهرة فان جذبت بانوار اجمال و اشتعلت بنار الوصال و خضعت لآیات  
 اجمال و نطقت لبثنا، و نادت باعلی الذاء و ترنحت من صبا، الوفاء، رب جلم مبین  
 فی سجالها، و خاضین فی غار الموبته الکبری لیخرجوا الی الحقائق و المغانی من اصداد هذا البحر الذاهب  
 الموج علی الشواطی ان انت المقدر الغیر المتعال لا اله الا انت تسبح القدوس الغیر الکرم  
 ای جناب زائر علیک بپا، الله و شانه صبیبه راعطیه نام نه رع ع سبانه

نیز از و سرستان بواسطه جناب آقا محمد علی زائر اجای الی علیهم بپا، الله الاسبه

جناب آقا میرزا عبد الوهاب جناب آقا میرزا کوچک جناب حاجی محمد ابراهیم  
 جناب آقا عبد الفتاح جناب آقا میرزا محمود جناب آقا میرزا احمد علی  
 جناب آقا منوچهر فارسی جناب آقا رستم پولاد جناب محمد باقر

آقا میرزا

اقا علی نقی	اقا میرزا علی محمد	اقا حیدر علی	اقا میرزا فتحعلی خان
اقا مصطفیٰ	اقا خدا معلی	اقا میرزا حسنعلی	اقا محمد حسن خان
اقا عباسعلی	اقا محمد حسین	اقا مشہدی اردتہ	اقا علی نقی
اقا علی	اقا سلیمان	اقا فیروز	اقا محمد حسن
حاجی محمد	اقا میرزا باقر	اقا مصطفیٰ	اقا محمد باقر
اقا محمد حسن	اقا بقا	اقا محمد رضا	حاجی خان
اقا ملا محمد علی	اقا سبز علی	کر بلائی شکر تہ	استاد حسین
اقا علی حسین	حاجی محمد شفیع	اقا علی	اقا قربانعلی
اقا عزیزانہ	اقا صادق علی	اقا علی محمد	اقا میرزا حسین
عبداللہ بھائی	اقا محمد باقر	اقا مشہدی صفر	اقا مشہدی خسرو
اقا علی محمد	اقا استاد حسن	اقا قباد خان	اقا عوض
اقا میر کریم	اقا میرزا اسمعیل	اقا میر تاج الدین	اقا محمد علی
ملا اقا اصطہبان	خواجہ زین العابدین	میر رسول	اقا میر غفار
اقا عباسعلی	اقا حسن	عبد الرشید	بہاگیر جہمی

آقا حاجی آقا عطاء الله آقا مسیح آقا غایت الله والدۀ قباد خان  
والدۀ مسیح والدۀ میرزا محمد علی صبیۀ حاج محمد ابراهیم صبیۀ مرحوم حاجی عبدالباقی هم شیراز

هو الله

۳۳۱

خطا کتابت و اخطا مبارک

ای یاران آئی خطه شیراز منوب بجزرت بنیاز و موطن کاشف سرار بر اهل راز  
از آنکشور ماه منور طلوع نمود و از آن اقلیم صبح غیر سطوع یافت بشر جمال مبارک ندای الهیرا  
از آن ارض بلند فرمود و مژده موعود بیاراد احسن القصص بابرع تبیان گوشه شرق و غرب  
کرد اول مذا در آن خطه و دیار اوج گرفت و نفوس مبارکه نعره ربنا آتا سمعنا منادینا  
للایمان ان آمنوا بریکم فامنا برآوردند حال احمد ته آن کشور بنور عرفان منور است  
و آن خاک پیر تو غایت حق تابناک نفوس در آن ولایت مبعوث شده اند که منعت محلیتند  
و مغبوط جمیع روی زمین حال نهایت آمال عبد البهآ چنان که در جمیع شئون مظاهر  
موهبت حضرت یحیی چون کردند علی برافرازند که موج بر آفاق زند پری باز کنند که باو  
اعلی رساند لفظی بگشایند که بعظام رمیمه جان بخش روحی بد مذ که نفوس بینه را  
بیات جاودان مبذول دارد شجره غرس نمایند که سایه بر امکان افکند خیالی بلند  
نمایند که آقا قرار ظل آرد موجی برزند که در کمنون ولولوه مخزون تار کند گلشنی بیارند  
که بنا ف



که بنافه اسرار شام شتاق از مشکبار کند شمع برافروزند که روشنی ابدی بخشد عیسی برکت  
 که در این قلوب فتح نماید عیسی میا سازند که فرح و سرور ابدی مبذول دارد پس باید  
 که هر یک از اجای الهی خود و رودی در دست گیرد و با آنک بدیع در این گلشن الهی نغمه و  
 سرودی رند و وله و شورای بگیرد ناطق باشد و مناد ناظر باشد در کمال فرح و شادی  
 ترتیل آیات الهی کند و تفسیر کلمات منزله از سما تبیین و تکبیر بملکوت الهی رساند و تسبیح  
 و تقدیس بعالم بالا بلاغ دارد و علیکم البهاء الاهی الهی الهی ان اجانک لاصفیاء  
 و اولیایک الاقتیاء مشتتین التمل فی البلاد و مفرقین اجمع بین العباد یضطهدهم ال  
 اجنء و یفرط فیهم ال الضغینه و البغضاء لم یزل یا الهی کیمون لهم بالمرصاد ویرمونهم بسهام  
 حداد ویرشقون علیهم التبال و یسلون علیهم السیوف بجل عناد رب احفظهم بملائکة  
 کلانک و احرسهم تحت رعایة عین غایتک و اشلمهم لمخاطات طرف رحمانیک و ایدهم  
 علی هدایة خلقک و وقفهم علی خدمتہ عتبه قدسک و انصرهم بجنود الغیب و انهم

شور و اهل ال ریب و طیبهم بصیب سحاب

غایتک انکانت الکریم انکانت الکریم

و انکانت الاله ذو الفضل الکریم ع ع متبذ

شیراز امه الله جلالیه صبیته من ادک لقا، ربه مرحوم حاجی میرزا عبدالحمید علیها سآله

هو الله

۳۳۳  
ای ورقه موقنه نظم و نثر که از کلک و قریحه آن سرگشته و سوداگر دلبر آفاق جاری  
شده بود ملاحظه گردید فی تحقیقه در نهایت ملاحظت بود بنای جمال بهی پرداز که ترا موق  
بر نغمه سرائی در گلشن عشق آئی نمود و هدامین فضل من الرب الودود فیهذا الیوم المشهود

فیظن المقام المحمود امه الله المنجذبه والده را تحت ابداع اهی برسان و همچنین سائر

اماء رحمن را و بگو الیوم روز فیروز اشغال و انجذاب و خرق حجاب استزع

شیراز جناب حاجی محمد علی زائر علیه بهاء الله الاسبی

هو الله

۳۳۳  
ای بنده آستان حق نامه شمارشید ولی از عدم فرصت مجبور بر اختصار

جوابم و معذورم ایثابت بر پیمان نامه جناب رستم فولاد و جناب بهرام رسیدن

جو رشا و سرور ایشان چند سطر جواب مرقوم میگردد بجناب میرزا علی آقا تحت ابداع

ابهی البلاغ دارید هر چند عبدالبهائیت اشتیاق بملاقات ایشان دارد ولی چون بهیتم

تابت است

تاب ناست و گرای ایضفحات شدید لہذا بوقت دیگر مہون دارند بجانب قاعلیٰ صفر  
 و جانب اقا شکرانہ و جانب اقا عبدالغفار و جانب اقا محمد ابراہیم زائر و جانب اقا محمود عصار  
 و جانب عبدالحسین خاٹ از قبل من نہایت اشتیاق ابلاغ دارید و تحیت ابع ابھی برسائید  
 و کویڈ ای یاران ایام ایام امتحانست و ثبات و استقامت مانند آب حیوان سلب  
 زندگی سردیست و حیات ابدی احمقانہ شمار بادہ ثبوت سرستید و در بر زم استقامت  
 ساغر عمد و پیمان در دست لہذا بدرگاہ احدیت شکرانہ نمائید کہ پچنین موہبتی موفقیڈ  
 و پچنین عنایتی فائز ای بجانب زائر یکسفری بسر و ستان بنمائید و یاران از صہبائے میثاق نشہ  
 بدیعی بخشید و تخریص و تشویق استقامت بر امر نور مبین بنمائید و تخریص بر تبلیغ و نشر  
 نجات اللہ بفرمائید بلکہ انشاء اللہ سروستان جنت سروٹای بیہال باغ الہی گردد و آن  
 کشور برفحات قدس معطر و بہ نور ہدی منور شود و علیک لبہاء الابی ع یغ  
 سروستان بواسطہ حضرت فغان سدرہ مبارکہ جانب قاسم حسین علیہ بہاء اللہ  
 جانب حاجی محمد علی زائر حلیہ بہاء اللہ الابی  
 ہوا اللہ  
 ۲۳۴  
 ان ثابت بر پیمان نامہ شمار رسید منہون چون اللات بر عبودیت حضرت

خط کتاب مراد پشاور

چون مینمود سبب فرح و سرور گردید از اطفال حضرت خدی قیوم امید دارم که روز بروز  
 بر استقامت و ثبوت بیفزائی اما حضرت مشایخ از اینجهان فانی آزادی یافت و بجهان  
 شافت از شدت احتراق و کثرت اشتیاق سراج در جاج امکان کنجایش نیست  
 لهذا بجهان بی پایان عروج نمود یا لیت کنت معه فافوز فوزاً عظیماً باری فرشتهای حاضر  
 مقام اعلی را ارسال دارید و یک قالی بزرگ که منقوش باینکلمه باشد مقام اعلی باقیه بعد  
 ارسال دارید اما الوان قرمز و زرد در آن نباشد و طرح هر نوع که مصلحت میدانید و جاس  
 میرتاج الدین صباغ باد و وسیل ا اجازه آن دارند که یکقطعه فرش بجهت مقام اعلی ارسال  
 دارند و جناب محمود را تحت ابداع ابی البلاغ دارید و جناب میر کریم مازون حضورند  
 و علیک البهاء الابهی ع ع سائره

هو الله

ش جناب سید الغفار علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

۲۲۵ ای بنده حق بعبودیت آستان جمال ابی چون عبد البهاء قد بفرز و بر بندگیش قیام کن تا  
 پیام الهی بگوش جان بشنوی و چپیک سروش را متابع الورد بینی قسم با هم اعظم روحی با  
 الفداء

خطایک  
 سید ابی  
 سید ابی

الذآء عبد البهآء آرزوى عبوديت آستانش مينمايد ولى افسوس كه چنانچه بايد و شايد تا حال متوق نگشته بلكه بدعاى دوستان و قضاى اران متوق براين موهبت عظمى گردد استحقاق حضور زيارت تربت پاك نموده بودى الان قدرى موانع حاصل على العجايب بشفاعت مشغول

شويد تا زمانش آيد و عليك التقيه و الثناء ع ع مآدبر

بواسطه حضرت افان سدره مباركه جناب آقا ميرزا آقا عليه بهاء الله الابهى جانب

آقا عبد الفقار شيرازى عليه بهاء الله الابهى

۲۲۶

هوا الله

خطاتيب مرصفا و ميرزا

اى بنده جمال ابهى مکتوبت واصل شد و فریاد و فغانت مسموع گشت جميع مراتب شکر نما  
فداى حضرت پيچون کن و از جمع قيود و ارسته باش و بتايد جوذحق دل بسته ايام ميگذرد  
و هر حالى منقضى شود و هر عزت و راجتى منقضى گردد جان و جان و وجدان و روح و ريحان و فضل  
حضرت يزدان باقى و برقرار جناب آقا محمد على عمورا کبير ابراهيم ابهى پيران و عليك التقيه و الثناء ع ع مآدبر

هوا الله

بواسطه

آقا ميرزا نادى

شيراز

جناب آقا عبد الفقار

عليه بهاء الله الابهى

هوا الله

ايضا الهى آنچه قوم نموده بودى نموده گرديد الحمد لله مومن بخت

۲۲۷

خطاتيب مرصفا و ميرزا

پروردگاری و موقن بنداوندیها ثابتی و مستقیم و مستقری و مستقیم و دلگیر شو اسیر گردد  
 زیرارت خیرتر است گمراهی شود و اجر جزیل غایت فرماید تا توانی رضای پدر بطلب و از عدم  
 النفات ملال جو زیرا حقوق باین مقدس است و لوجنار و دارند و نظر بقدر دانی منها بلکه  
 اعتماد بر وعد پروردگار کن او خیر است و علم آن ربات لعلی صراط مستقیم از حق میطلبیم که آنچه  
 خیر است از برای تو مقدر فرماید و بالطف خدا ویش بنوازد و اجر خدمت هیتا سازد ولی تو باید  
 چنان آتشی از محبت آتد در دل برافروزی که در هیچ حالتی ملال نیار چه که عالم کون سانش تبدیل  
 و انقلاب است و بسبب کون و فساد از حالی بجالی انتقال نماید و استمرار تمنع و محال کن نار آموخته  
 نورانیته تخرق کل حجاب و ملتذیب فی ارکان العالم هذا هو الفوز الاعظم و علیک التحیة و ثناء

ع ع س س

شیراز بواسطه جناب بشیر الاهی

جناب عبد الغفار شیرازی علیه بهاء الله الاهی

الوا الله

۳۳۸

ای ثابت بر پیمان نامه شمار رسید و نهایت سرور حاصل گردید احمد ته یاران الاهی  
 در وجود و طربند و بخدمت مشغول و میگویند تا قبالة خانه حضرت حجت علیه بهاء الله را زور شه  
 به

خط کاتب هر دو خطاً مبارک

بروسید است اتباع نمایند و ارسال کنند قضیه خانة حضرت حجت بسیار مهم است و ما  
ماچین است که مشرق الاذکار گردد لذا اہتہ امت فرمایند در خصوص مکاتیب مرقوم  
نموده بودید این بعد تا بحال بجان عزیزت فرصت نیافتہ انشاء اللہ عند الفرصہ قصور نخواہد

مطمئن باش ع ع ع

ہو اللہ

شیراز سروستان جناب حاجی محمد علی علیہ بہاء اللہ الابی

۲۴۹

ہو اللہ

مکاتیب مرقوم

ای ثابت بر بیان نامہ مسطور ملحوظ شد مرثیہ ترقی و انتشار امر اللہ در سروستان اداہ  
بودی کہ بہشت برین شدہ و باغ علیین گشتہ و اجای الہی جمعہ و ترتیل آیات میگردد و  
ستمعین در نہایت ولہ و انجذابند امید است کہ سروستان بوستان سرور و ان گردد و  
گلستان حقایق و معانی شود و حدیقتہ انیقہ اسرار گردد ہموارہ فقر در ساحت کبریا عزیز  
و محترم بودہ و مستند زیر امور دہلا و معرض انواع ابتلا ہستند با وجود این در یوم ظهور صاحب  
و شکور و در نہایت سرور و جہورند امہ اللہ الموقمہ والہ را تحت ابعابی البلا غناید و ہمچنین  
سنتع مقررہ را ذکر سید ابرار شعلہ انوار حضرت اقامتشی نمودہ بودید آن نام مبارک چون

قرانت کردید چنان حالتی دست داد که بی اختیار بتحریر جواب پردانتم و الا ابد افرضت  
 مذاتم این از برکت نام مبارک آتشید بسبیل جمال ابی است علیه التجه و علیه البرکة و  
 علیه السلام و علیه الثناء و علیه البهاء فی الملاء الاعلیٰ مناجاتی در ذیل این نامه بخط خود مکتوب  
 و هذه من برکت ذلک الشہید التراج الوماج المتسلط فی الرجح الابد علی القرون و الا  
 وعلیک الباء الابجی ع ع تبارک

هو الای

یار رب العدم و البیشاق تری عبدک امیر الاشواق ملتعب الاحشاء ببار الفراق فی اشد حزین  
 قریب الحاق قلیل الخلاق خلیج العذار بجک فی الآفاق حلیف ابجی عظیم الاسی سمیل  
 الاشراق رب ثبت قدمی علی صراط الوفاق و اخصنی من النفاق و اجعل لی مخرجاً و اورد  
 و بستمک من جرمک و احسنی فی کف جمایتک و هل لنا غیرک من واق رب اجعل المعو  
 میورا و البیت المظور معورا و الید المغلوله مبسوطه و القلب المکسور معیورا و الراج

مناجاتہ خط مبارک است

المخسود هو قوداً انک

انت المقدر العزیز

الکریم ع ع تبارک



جناب حاجی محمد علی زائر علیه‌بها، آله الاهی

هو الله

۲۳۰

خطا کتابت مراد اشتباه است

ای بار مهربان نامه مسطور وصول یافت و مضامین دلنشین سبب فرح و سرور  
 قلوب مشتاقین گشت زیرا دلایل بر خلوص نیت و سمو مقصد و ارتباط قلبی و انجذاب  
 وجدانی بود یقین است که مورث شادمانیت قالیهای که بجهت مقام اعلی ارسال نموده  
 بودید رسید و متمش آله نیز میرسد جمیع یاران را تحت ابع ابی فردا فردا برسان  
 اشتیاق کن تصرف ملکوت ابی شد و از برای جناب ملا محمد رفیع رجبا عفو و مغفرت گشت  
 و همچنین بجهت آله زکیه طلب بخشش و آمرزش گردید و علیک البها، الابه

ع ع تادیه

شیراز بواسطه جناب بشیر آلکی

جناب حاجی محمد ابراهیم زائر شیرازی علیه‌بها، آله الاهی

هو الله

۲۳۱

خطا کتابت مراد اشتباه است

ایران مشکین نفس نامه شمار رسید بشارت بهبودی از علیلی بواسطه سبب سرور  
 قلبی گردید در پناه حفظ و حمایت حق همواره محفوظ و مضمون باشد بیچ قدوری انداز

وفتوری نمودی مظهر الطاف موفوری و مضمون نظر عنایت رب غفور عدم ارسال  
 مطلوب از کثرت مشاغل و عوامل است بجان عزیزت قسم که ابداً فرصت ندارم و این  
 نامه ای که الان مرقوم میشود از کثرت محبت است و الا مجال معدوم جمیع یاران الیبر  
 تحت ابداع ابی برسان و علیک البهائم الابی ع ع ع  
 سروستان جناب میرزا آقا بابا علیه بهاء الله الابی

هو الله

۲۳۶

نامه شمارسید و چون قرائت گردید بدرگاه احدیت تضرع و زاری شد و طلب نماید  
 ناقصای گردید مطمئن بفضل باش و معتقد بر الطاف حضرت رحمان آقا سهراب جان  
 نیارت بقیه مبارکه دارد ولی در زمان آینده و علیک البهائم الابی ع ع  
 سروستان جناب میرزا حسینعلی علیه بهاء الله الابی

۱ ج ۱۵  
۱۳۲۸

هو الله

۲۳۳

ای یار حقیقی لوح مسطور منظور گردید و قلب مشتاق فرح و انبساط یافت اجماع  
 آن نفس نفس منجذب ملکوت انوار شد و مطلع بر اسرار گردید پر شمس حقیقت مشاهده  
 نمود و ماده آسمانی آماده یافت از چشمه حیات ابدیه نوشید و از الطاف ملک وجود بهر  
 نصیب

نظرات ابی و مضمون مبارکه

نظرات ابی و مضمون مبارکه

و نصیب برد دیده یانگشود و مشاهده آیات کبری کرد و آنچه فتی آمال اولیا و اصفیا بود فائز  
 گردید طوبی لک من هذا بفضل العظیم بشری لک من هذا الفوز المبین و علیک البهاء الالهی

ع ع کما ینزه

ایرورد کار پدر این بنده جدید را در ملکوت عزیز نما و مادر این محرم را زار در اوج اسرار پر  
 ده غریق دریای غفران نما و رفیق اهل میان کن پر تو عنایت بخش و فیض عفو و احسان را  
 فرما تو ای آمرزنده و غفور و رؤف و مهربان لا اله الا انت الرحمن الرحیم  
 جناب میرزا محمد علی خان از خوان نعمت آسمانی برخوردار کن و تحت مشافهت عبد البهاء برسان و جناب میرزا نظام  
 بالطف عزیز علام نوید بخش و بعنایت مخصوصه امید ده امیدم چنانست که جناب آقا محمد صادق تخلی بجا  
 گردد و نوری بارق شود و بنجی بازغ گردد و جناب جهانگیر خان را اطلاع کوکب میراست و حی قید بر مجر و دستگیر  
 و جناب آقا سلیمان ثابت بر عنقه و پیمان و مظهر الطاف رب جهان و جناب خلیل در این بساط جلیل است  
 و مشمول الطاف حضرت جهان و رحیم میرزا اعلی قاصور الطاف یفتی و مشمول عنایت جلال بهی ع ع

شیراز سر و استان بواسطه جناب بشیر الهی

جناب حاجی محمد علی زائر شیرازی علیه بقاء الله الاهی

هواته

ای ثابت بر پیمان نامه رسول رسیده دل بر مرتت دل و جان و فرج

فصلنامه سوره و احکام و تفسیر

و شادمانی و جودان داشت بدرگاه احدیت بگرانه پرداختم اما شما شکایت فرموده بودید که مد  
 چهار ماه است بنامه‌ی موفق نگردیدم ای یار عزیز این تصور از من نیست از کثرت اشغال جمهور است  
 اگر بدانی که عبدالبنیاء در چه دریا مستغرق البته معذوره داری اگر جمیع اوقات خوش حصر و قریب نامنه‌ی ما  
 البته از غمده بر نیامیم دیگر مدخله‌ی ما که مشاغل و مشاغل و مشاغل سائره چنبره‌ی است اجازه حضور ابراهیم  
 جناب غلامرضا و جناب آقا حسین و اولاد اجماع خواسته بودید حال وقت مناسب نه انشاء الله  
 در سنه آتیه اجازه داده خواهد شد جناب قاسم الله و جناب قاسم زانجو و عصا و جناب قاسم زانجو  
 و جناب قاسم زانجو و جناب حاجی محمد ابراهیم و جناب قاسم زانجو و جناب قاسم زانجو و جناب قاسم زانجو  
 میرزا ابوطالب عصا و جناب قاسم زانجو علی جمیع از قبل من بانهایت اشتیاق تحیت ابد

ابهی البلاغ دارید ع ع تمیز

بواسطه حضرت افغان سدره مبارکه جناب اقا سید حسین

سروستان جناب حاجی محمد علی زانجو شیرازی علیه بیا، الله الاسبی

هو الله

۳۳۵

ای ثابت بر پیمان نامه شماره رسید احمد سده دلیل جلیل بر استقامت در سبیل آبی بود و برهان  
 شوق و اشتیاق جانفشانی در سبیل تیر آفاق سوالی نموده بودید در قرآن میفرماید خذوا صدکم  
 اگر

خط کاتب مراد میرزا مبارک

اگر قافلہ فی کوه و صحرائی پر خطری طمی خواهد البتہ باید محافظہ خویشرا ملاحظہ نماید و آنچه سبب حفظ آن  
 منظور دارد اجبائی لمی باید با جمیع مل و طوائف عالم بنہایت محبت و مہربانی جانفشانی کند  
 و با کمال صبر و تحمل حذر از تعرض ناگمانی نمایند خلق بغایت بی انصاف و ظلمتشان محبول  
 ظلم و احتساف اجبای سروستان فی الحقیقہ از راستانند و حاکمان آستان عبدالبہاء بہت  
 رضا از آنان دارد کہ بکمال حب و خلوص بخدمت او ارگان نیز بر پرداختند فی الحقیقہ جان  
 فدا نمودند و در جمیع موارد از بیچ طالی خوف و پرہیز نمودند اینست صفت ثابتان اینست  
 سمت راسخان بر محمد و پیمان جناب قاسم محمد باقر و جناب میرزا جعلی و جناب میرزا علی آقا  
 و جناب میرزا اسمعیل را از قبل من نہایت اشتیاق ابلاغ دارید روزی با تلبیہ از ایشان بزیارت  
 روم و سربستان نهم و طلب عون و غایت کنم کہ تأییدی جدید رسد و توفیقی بدیع حاصل  
 گردد و همچنین جناب حیدر علی سروستان را از قبل اینغانی محبت و مہربانی مجری دارید و عذر نامہ  
 مخصوص منفرداً نخواہید بجان عزیز او کہ لہذا فرصت ندارم والا مکتوب مفصل مرقوم مینمودم

و علیہم و علیک البہاء، الابہی ع ع کہ بید

بواسطہ بشیر

سروستان جناب حاجی محمد علی زائر شیرازی ساکن سروستان علیہ بہاء، اللہ البہ

ایزاز مشکین نفس نامه شمارید و مضمون مفهوم گردید معلومست سروار یاران  
 عبودیت آستان است و خدمت بعقبه مقدسه بشهر جمال رحمان چهار پارچه فرش کعبت  
 مقام اعلی فرستاده اید میرسد و انشاء الله بیاقتن خامس موفق میشوی مرقوم نموده بودی که  
 سرستان گلستان بهائی شده اینخبر روح و ریحان آورد امید و طیدا است که روز بروز  
 این موهبت مزدا گردد جناب قامیرزا اسمعیل راز قبل من نهایت اشتیاق ابلاغ دارید  
 و امته الله بهیه خام را تحت ابع ابی برسانید و امته الله و الله بهیه خام را اثرات  
 لازمه جبری دارید و جناب کربلای آقا شکر الله و جناب علی آقا و جناب عطا و جناب فیروز  
 و جناب آقا میر فتحعلینجان و جناب آقا میرزا رجبعلی و جناب قامیرزا آقا و جناب قاسم  
 راز قبل من نهایت محبت و مهربانی و غایت اشتیاق و جدا ابلاغ دارید و انما بذكرکم  
 مشغولم و از الطاف خفی الاطاف امید غایت دارم این آیات حکمت اقتضای حضور  
 نماید انشاء الله در وقتش اذن داده میشود ایثابت بر پیمان نامه شمار خصوص  
 اعانه بازماندگان شهدا قرائت گردید بموجب دستور العمل جناب افغان آقا میرزا آقاخان  
 بر نیریز بروید و آتمبلغ اعانت را باطلاع جناب حاج محمد رحیم و اعضای محفل روحانی

تقسیم

تقسیم بین فقرا بازماندگان شده انما ید و هر چه زودتر تقسیم و توزیع گردد بهتر است و اما حرکت بعضی از دوستان یزدان باین سمت حال موافق حکمت نیست و نفرد در موسم بهار بیایند تا پیش از تابستان مراجعت کنند ای پروردگار علی ما کام هدف رصاص گردان او را بدخول در ملکوت خویش بزرگوار کن بیا مرز و بخش و در جهان خویش سرفراز کن آنکس انت الکریم الغزیر الوهاب ای ثابت بر پیمان سوال نموده بودی که اگر نفسی چیزی نذر عبدالبهاء نماید نتایج و مداخل آن باید ارسال شود یا بفقرا توزیع گردد صرف آن باید در صورت باذن و اجازه باشد و همچنین صرف حاصلات اوقاف حال باید باذن و اجازه عبدالبهاء باشد بجناب والد و والده تحیت ابدع ابی الجماغ دار و علیک

البهاء الا بهی ع ع معبره

ایرانی مشکی نفس نصف شب است اندک فرصتی حاصل چند کلمه تحریر میگرد  
انورقه مظلومه متسوله در پناه حضرت مقصود مرحومه و مغفوره است اما انقلاب  
اعراب عاقبت نماید و اضطراب زائل گردد ولی بعد از مشقات زیاد ع ع  
تدبر

ش جناب حاج محمد ابراهیم علیہ بہاء اللہ الابی ملاحظہ فرمائیں

ہو الابی

۲۳۸  
 الی تری آن سرا، سبیک عطاشا ظما، بسبب غماتک فقراء، باب احدیتک  
 جیاعاً لنوال نعماء، الی نزلت من سما، رحمتک ایرت بایہ عبدک ہذا علی ماتحت وترخی  
 والاقطاع عما سواک بچوک و قوتک و نور وجہہ بین ملا، الی بنورک الی شخص بزرگ  
 من تشا، واجلہ آیت توحیدک و رایت تفریدک و منشا انوار جگہ بین خلقک انکانت  
 عزیز المقدر المحبوب والبهاء، علیک ع ع من مدک

ظہ مبارک

ہو الابی

بواسطہ حضرت غدلیب جناب عبدالغفار شیرازی و اجای سروستان  
 جناب استاد نجف جناب قاعلی جناب آقا محمد باقر جناب آقا محمد صفحان جناب  
 مشدی نظر علی جناب مشدی خسرو جناب قاعدا محسن جناب مشدی  
 صفر علی جناب حاجی محمد ابراهیم علیہم بہاء اللہ الابی

ظہ مبارک

ہو الابی

ایشان ایرانخان فیض یثاق آقا قرار زده کرد و اہل اشراق را بسوق و

آورد



آورد ولی اهل شقاقت را بلاء عظیم و عذاب الیم بود چون بوم مشومم باگ شوم بلند  
 نمودند و در زوایای خرابه ما یعنی قلوب اهل نفاق اتقای شبهات نمودند پس شما ما  
 که بارهای سپید اوج اعظمید و عقابهای کساریتاقی جالقدم نگذارید که این  
 جعدان پیمان میدان گیرند و صوت مشوم را در آن مرز و بوم بلند نمایند اگر چه خود ملکوت  
 جمال مصبود و حاجم بر این قوم عمود است و عقرب لا تسع لهم صوتاً و رکزاً و لاهماً  
 و ترونهم فی خمران مبین ع ع بیت

شیراز بواسطه بشیر آل  
 جناب آقا میرزا ابوالحسن زیری جناب قاعطاء الله جناب آقا امان الله جناب قاعظیر  
 علیهم بقاء الله الاهی

مناجات طلب مغفرت بجهت ابوی این نفوس مبارکه

الهی الهی ذاعبدک الذی اشعل نار جهنمک و انجذب بنفحات قدسک و لبی لذاتک و  
 خدم عقبته رحمتک و ترک سلاله طیبته متضرعه الی ملکوتک فصعد الیک راجیاً  
 منک و عندک متمتياً قرب جوارک مستغراً للآثم معتداً علی عفوک باغزیر و یا صلاتاً

در اینجا در حدیث آمده است که هر که در روز قیامت با کسی که در دنیا با او دشمنی کرده بود دعا کند که یا ارحم الراحمین خداوند او را بخشد و او را با او دوستی دهد

خطایب انصاء مبارک

رب اغفره فی بحر الفزان وطره من وضر العصیان واحفظه من التیران وادخله فی بحبوحة  
 ابجان واخذة فی جنة الرضوان وارزقه لقاگک یا عزیز ویا منان وانزل البرکة علی سلا  
 الطیبة واجلهم خیر خلف لخیر سلف واحفظهم من سهام الشببات واشرح صدورهم  
 بالآیات البينات واطفم بالنساء علیک والتوجه الیک والتفرغ بین یدیک  
 انک انت الکریم انک انت الرحمن الرحیم عبد البهاء عباس <sup>تیبیک</sup>  
 بواسطه بشیر الہی جناب حاجی محمد علی علیہ التحية والثناء

هو الله

۲۴۰

نامه شمارید ذکر مطلوب خویشرا نموده بود که هزار و پانصد تومان سند در دست دار  
 اگر چنین است یقین است که آنشخص در حق شما بنهایت تکلیف خوشرفقاری مینماید و بحال  
 خوشی دین شمار امید بد زینرا حسن رفتار دارد و البته شما بحسن رفتار موقوفه در صورت میان  
 شما و او خلائی نخواهد ماند من ایشانرا شمارش مینمایم که بیچوجه کوتاهی ننمایند و علیک التحية والثناء  
<sup>شماره</sup>

عبد البهاء عباس

۲۴۲

بواسطه جناب بشیر الہی جناب حاجی محمد علی زائر علیہ بہاء الله الابهی  
 اینبذہ جمال مبارک نامه شما در پاریس رسید در وقتیکہ نهایت اشتغال  
 هو الله

مربود

خط کاتب اصفی مبارک

خط کاتب اصفی مبارک

موجود با وجود این مختصر جواب مرقوم میگردد شش پارچه قالی امبارک حضرت علی  
 رالفستید بایک پارچه یک ذرع و نیم ولی بواسطه شخصی که بهراه خود نقل نماید اگر تسلیم  
 گشتی شود دو سال طول میکشد تا برسد و شاید نیز کم شود بجناب میرزا محمود عصار و جناب تهم  
 جو احمد و جناب فریدون رستم و جناب حاجی محمد ابراهیم و جناب شهریار فارسی جمعاً  
 تحت بانایت اشیاق البلاعدار و حلک البهائ، الابهی عبد البهائ، عباس <sup>تسلی</sup>  
 شیراز بواسطه جناب اقا سید حسین افان علیه بهاء الله جناب حاجی عبدالغفار علیه بهاء الله  
 مناجات طلب مغفرت بجهت مرقوم حاجی محمد ابراهیم و حاجی محمد علی و ائمه الله عشرت بیگم علیه بهاء الله

الابھی

۱۳۱۲

هواله

۲۴۳

الهی آئی ان هولاء قبلوا الی ملکوتک الابهی و تضرعوا الی جبروتک الاعلی و تمنوا الفناء و سألوا  
 للقاء و ترکوا الخفیف الادی نوقا الی الالوج الاعلی رب انهم ضعفاء قوتهم بقدرتک و فقرا  
 اغنمهم بموہبتک و اذلاء غرزهم بسطنتک لیس لهم لجاجا انت و لا ملاذ الا انت  
 انت کفهم المنسج و بلجهم الرفع الی ارجوک الرحمة و المغفران لانس ترکوا الالوانا  
 و نظرو امن العتیبان و تبرؤ امن اهل الطغیان و تنزهوا تاملای یعنی فی ایام ظهورک بین

خط کاتب حضرت امبارک

الانام رب اكرم لهم المشوى ووسع لهم المأوى واقض لهم المأرب وهيا لهم الرغائب  
 ولا تحرمهم من الاطاف ولا تجلبهم محرومين من ابدع الاوصاف جلتكم يا الهى وكملمم واوف  
 بعهدك وتمم وعدك وخص بهم في سجار الغفران واخرقهم في العمق الاكبر بالفضل والاحسان  
 حتى يرتلوا آيات عفوكم فيلكوت الاسرار وينشر حوايا فيض المردار في عالم الانوار انك  
 انت العزيز الغفار عبد البهاء عبا س ربنا

۲۱ ع ثانی ۱۳۳۸ حفا

جناب حاجی محمد علی شیرازی علیه بقاء الله الاهی

هو الله

۲۴۳

خط مبارک

ای ثابت بر عهد اسجد لله موفقی بر آن شدی که خدمتی بتمام اعلی نمانی این فرش درخت  
 عرش مفروش شد و تا ابد آداب خدمات معروف و مذکور فاسکرت الله علی هذا الفضل المشهود  
 وعلیک البقاء الاهی ع ربنا

هو الله

۲۴۵

خط مبارک

بواسطه حضرت رفیع علیه بقاء الله الاهی جناب حاجی محمد حسین بن برنا علیه بقاء الله الاهی  
 اینده حتی شفقت خداوند را دقت نما که یارانش فراموش کردند  
 هو الاهی

تفقد لمانکد و تطیب خاطر یاران مد فیض رسد و جان پرشورده را ترو تازه فرماید سکو ترا  
تبدیل بنقی کند و سکونرا امبدل بانجذاب و شوق و رخت امید را طراوت و لطافت جدید  
کند و فقدان شدید را وجدان بدلیج بخشد مرغ سحر را دوباره نغمه روح پرور بخشد و خزان عزرا بنوبهار  
گل و ریحان امبدل فرماید شکر کن خدارا که بار ظو طی شکر شکن گشتی و یعقوب سادیده ازین پیر من گشوی  
و برائت قمیص یوسف آبی شام معطر نمودی و علیک التقیة و الشنا، ع ع تبک

هو الله

جناب ملا قاسم کناره می علیه بهاء الله الالبی

هو الله

ایمیده آسان مقدس در نامه آرزوی خدمت یاران الهی نموده بود که از اینجست جواب

نامه را بجز خود بجال تعجیل و سرعت مرقوم بنامم زیرا این آرزو نهایت آمل عبد البهت است امیدم چنانست  
که هر دو موفق باین موهبت گرددیم  
ع ع تبک

۲۴۶

هو الله

جناب زائر اقا محمد حسین علیه بهاء الله الالبی ملاحظه نمایند ۲۴۷

هو الله الهی آبی به اطیر طار من اکار ال و طان قاصداً مطار طیور القدس فی البقعة النوراء

و کلفت اجخته و تعبت قوادمه و اباهره حتی تزل بذه احقه العبا و تشرف بالاتقالی الی الی  
 الغیاض و الریاض المبهجة للاربعین و الابصار ایتب هذا الطیر منکسر الجناح فافض لالباهر و انخانی الی الی  
 فیکمال لوان اجمل لیه و کرا فی فروع ایتک الی اخضیه عن ابصار الغافلین عن الطانک انظار  
 لالبار ایتب خصصه بنعمتک سابقه و زینتک سابقه انک انت الکریم الرحیم الوهاب ایتب  
 ثبتہ علی دینک و ایدہ علی الاستقامتہ الکربری انک انت المؤید الموفق الفیز الرحیم الوهاب  
 ع ع

بواسطه حضرت بشیر الی

جناب آقا فضل علی شمس آبادی علیه بقاء الله الاهی

۱۶۱۰

ای ثابت برہمان نامہ در کاشیہ <sup>تحت</sup> بجر فزاری گردید کہ اسباب رحمت و آسایش دل و جان  
 از برای تو متیا گردد تعلق با عالم جائز نہ و تعمق در این دریا لزوم ندارد باید بالقطع  
 الی الله تعلق یافت تا راحت جان و آسایش دل و فراغت قلب و اطمینان نفس  
 حاصل گردد از برای ایامی چند زندگانی اندوه و غم و ناکامی جائز نہ فغم ما قال بگذرد این  
 روزگار تخر از نهر باردگر روزگار چون شکر آید افضل حق رحمت اینجان نیز از تهر طلیم  
 و علیک

خطا کاتب  
 میر و خطا مبارک

وعلیک البهائم الالهی ع ع تسبیح

شیراز بواسطه جناب بلور فروش

جناب فضلعلی علیه بهاء الله

هو الله

۲۴۹

خطاب جناب انصاری مبارک

ای ثابت برپیمان نامه رسید دست تضرع و ابتهان کوزه و اجلال بلند گردید و ابرو ۱۱

ثابت رانج طلب عفو و غفران از درگاه احدیت شد و طلب تأیید گردید تا موفق بخدمت یاران

الهی شوی و مؤید بفیض آفتابی این ایام سفر سهولت ممکن نه لند امر هون بوقت دیگر فرماید و

درگاه حضرت رحمن عفو و غفران از برای اوین قرینه محترمه و آتما شد امید و اربفضل حتی باشد از اجناس

شمس آباد ستایش زیاد نموده بودید من نیز از الطاف خدا طلب موهبت و عنایت از برای یاران

شمس آباد مینام لبزیدون پسرستم از قبل من تحت محکم برسان زیرا بسیار اوراد درست دارم و امیدم

چنانست که فیض و برکت حاصل گردد و علیک البهائم الالهی ۱۲ سوال ۱۳۲۷ عبد البهائم عجب تسبیح

تسبیح

شیراز بواسطه حضرت بشیر الکی جناب فضلعلیان علیه بهاء الله الالبی

هو الله

۲۵۰

خطاب جناب انصاری مبارک

ای ثابت برپیمان نامه شمار رسید و از وقایع موله شمس آباد اطلاع حاصل گردید احمد الله





وضیاء الله خان علیهم بہاء الله الابی

ہو اللہ

۲۵۱

ای باران مرغان عبد البہاء نامہ جمعی ارشاد وصول یافت و سبب حصول سرور گردید در نہایت  
 حلاوت و ملاحت بود زیرا دلیل برقت قلوب و انشراح صدور بود عبد البہاء نہایت بکسار  
 بحضرت باری عجز و زاری مینماید کہ آن نفوس بزرگوار مورد الطاف پروردگار گردند و اللہ و شہید او ستر  
 و پسرودا آہنگ عشق جمال ہی بنوازند و در آن اقلیم شور و ولہی اندازند و تبلیغ پردازند تا نفوس  
 مردہ زندہ گردند و کی ہمساک پرزردہ بر شجرات ابر عنایت ترو تازہ شوند و علیکم بہاء الابی  
 ۹ محرم ۳۳۸ عبد البہاء عباس

خطا کتابت حضرت مبارک

بواسطہ جناب آقا میرزا آقاسی خان و حضرت محمد رضا میرزا شمس آباد صہ حضرت خدیج جناب میرزا فضلعلی

علیہ بہاء الله الابی

ہو اللہ

۲۵۲

ای ثابت بر پیمان از عدم مجال مختصر قوم میگردد مطمئن بقبض و عنایت حضرت مقصود باش کہ  
 زراعت پر برکت گردد و عاقبت نہایت راحت حاصل شود تا توانی بر نباتات و استقامت میرزا

خطا کتابت حضرت مبارک

از امتحانات فتور میار پر سرور و جهور باش و امید بفضل موفور دار بامه الله روحا صبیئه جلیله حضرت  
 غذلیب تحیت ابع ابی برسان و بصبایای صغیره و اولاد کوچک آنمقرب درگاه کبریا نهایت نوازش  
 نما از الطاف آئی امیدوارم که موافق پرورش و نوازش آنان گردی و علیک البهآء الابهی  
 ۲۷ محرم ۱۳۳۹ بهی (عکاء) عبدالبهآء عباس مآ بهش

هو الابهی

بواسطه علیه رضا خان

شس جناب فضلعلی خان شمس آبادی علیه بهآء الله الابهی

هو الابهی

۲۵۳

ایبذه حضرت احدیت ناری رحبت الله در دل و جان برافروختی تا جهانی را پر شعله نما  
 مطمئن باش که چون شعله طور دلیر ابوله و شور آرد چنان حرارتی ظاهر نماید که عاقبت آن  
 شعله جهانگیر گردد و آن روشنائی بفتک اشیر رسد پس ای یار رحمانی  
 تا توانی آتش را مدد از نفحات قدس ملکوت الابهی

خواه و شدت حرارت بطلب تا تاثیرش بدورتر رسد و بجز  
 و بر را احاطه کند و البهآء علیک ع ع آبهش

امته الله ضلع حاجی میرزا علیہا بہاء اللہ الابی ملاحظہ نمایند

۲۵۴

ہوالابی

خطبات

ایورقہ طیبتہ اماء الہی و کنیزان حریم رحمانیہ بید بصفی و سستی درین نساء عالم محسور گردند کہ مشا  
بالبنان باشند و مشورہ میں طوائف نسوان یعنی بعفتی فائق و عصمتی ثابت و ایمانی کامل و  
بیانی واضح و لفظی فصیح و برہانی بدیع و حلوی رفیع معاشر شوند تو از خدا بخواہ کہ جمیع این

مواہب را دریا بی ع ع تہ

ہوائه

ش جناب اسد اللہ علیہ بہاء اللہ الابی ملاحظہ نمایند

۲۵۵

ہوائه

خطبات

ای متوجہ الی اللہ شمع ہدایت چون بفیض جمال مبارک در زجاہ امکان روشن شد  
انوار ساطعش آفاق را احاطہ نمود و شعاع لامعش البصار را بصائر کرد قوت قدیمہ قدرت

حادثہ را البتہ فائق آید و تجلی نور ظلمات دیجور را منک

و کاشف گردد و البہاء حلیک ع ع تہ

رب وفق هؤلاء المنفقين على كل خير في الملك والملكوت بما انفقوا الموالهم في تأسيس  
 الادكار في قلوب الدير وبنوا ما اعطيتهم في بناء بيتك المعمور بعبادتك وشكور ولهم اجر الموفون  
 يا مؤيد كل عبد شكور رب وعدت عبادك في كل حسنة عشرة امثالها فقد رهنوا  
 اضعاف امثالها العشر واجعل البركة تحيط بهم من كل ارجاء يا رب لايات انك انت المظلي  
 العزيز الوهاب وانك انت الكريم الرحيم وقد سبقت منك الكلمات في كل مقام  
 على نصره امرك من اهل الارض والسموات يا رب تحريات وقابل محنت والبرأتع رب  
 جناب افان اقا سيد اقا عليه بيا الله الابي

خط كاش ايضاً مبارك

هو الاله

اي افان سدره منتي چنديست كه بهيچ وجه خبري ز شما نرسيده و روشني از افقان  
 نديمه البته مشغوليت زياد داريد الحمد لله از خودت نيست زيرا افان اين شجره  
 مباركه بايد انشاء الله بثمراتي مثمر باشند كه منظر من انما رهم تصرفونم گردند اي شاخ  
 شجره لا شرقية ولا غربية كبوش و بچوش كه شون تقديس اين اصل مبارك در اين فروع كنج  
 فنون ظاهر و هويد گردد تا لطائف و بدائع و كمالات اعراق بشهادات اخلاق ثبوت

خط مبارك

و محقق

و محقق شود و البتہ علیک و علی احوک یا افان شجره مبارکه ع ع مبدع  
جناب افان میرزا بزرگ ابن حضرت افان قامیرزاقا علیهما بہا، اللہ الا ہی

ہوالا ہی

۲۵۸

ایضاً بدیع لطیف سده مبارکہ اگرچہ بظاہر از این سخن اعظم و عقبہ مبارکہ  
جمال قدم روحی لافانہ فدادوری لکن فی اسحقیقہ در این بہشت برینی و شب  
و روز مؤانس و ہمنشین آئی از یادت فارغ نیستیم و از حضرت مقصود  
یمنائیم کہ آن فرع محبوبرا گل گلشن روحانیت جمال علی روحی کہ فدا فرماید و ہما  
بہمال روضہ الطف اصلی از خدا بخواد کہ موفق با طوار و کردار و رفتار و گفتاری گردی کہ  
در درگاہ جمال قدم و اسم اعظم فدیت افانہ برومی و دتے مقبول و محبوب گردی و البتہ  
علیک ع ع مبدع

ہوالہ

۲۵۹

ای افان شجرہ مبارکہ نامہ شما وصول یافت با وجود عدم مجال بجاوب سؤل  
پرد اتم البتہ عکس بیت مقدس را بجهت جناب شیخ علی اکبر قوچانی بجااست  
بیاد کو بہ بنہ ستید و رقدہ مبارکہ والدہ و ہمیشہ را تحت ابدع ابی ابلاغداید

هو الله

۲۴۰  
 ای افان سدره مبارکه در خصوص اجازه طواف رس مطهر مرقوم فرموده بودید  
 از کثرت مشاغل فرصت جواب نشد حال مختصر جواب مرقوم میشود که نماند  
 جناب آقای میرزا حبیب الله را کبیر ایدع ابهی بلانغ فرمائید و البها، علیک ع ع  
 مسابره

هو الله

پورتسعید حضرت افان سدره مبارکه جناب آقای میرزا بزرگ و جناب میرزا حبیب

علیها بها، الله الابهی

هو الابهی

۲۴۱  
 ای دو شمع روشن اگر فوری در ارسال سطور رود از کثرت اشغالت  
 و شدت احزان نه حصول نیان دایماً در خاطر بوده و هستید جواب  
 نامه های حضرت ابوی ان شاء الله این روز تا خواهد رفت تا خود ایشان  
 تشریف نیارند امور انتظام نیابد و البها، علیک ای افان

سدره المنقی ع ع مسابره

هو الله

ایها الفرع اللطیف من السدرۃ الالیمیہ پوست در حرکت است  
 و جناب آقا سید تقی مستجیل فرصت تفصیل نیت مکتوب جوف را  
 سریعاً ارسال دارید و در نزد شخص اینی بفرستید که برساند و مکتوب را سکورتہ  
 نمایند چه کہ مکتوب ہمتت باید احتیاط نمود کہ مبادا نرسد جناب میرزا حبیب  
 را کبیر ابع ابی ابلاغ نمایند ع ع مبادیہ

هو الابی

جناب افان سدرہ بقا حضرت میرزا بزرگ علیہ بہا، اللہ الابی  
 ملاحظہ نمایند

هو الابی

ایها الفرع المتوجہ الی الشجرۃ الرحمانیۃ فیافرحاً لک من ہذہ لتسبۃ الہی  
 لموح انواراً و تتموج بشاراً و تطفح کؤسها و قاطعۃ نضوصها و انت یا ایہا  
 الفرع البتیب و القضیب المجید فاتبع السدرۃ المنستی فی نضارتها و طراوتها  
 و ریانتہا و بجمتہا و طلب من اللہ ان یتعلک آیتہ باہرہ و رایۃ لامعہ فی امرہ و سع

لکی کون ناطقاً مضیاً بصیراً سمیعاً علیاً بلیناً کریماً اثباتاً علی العبد والمیثاق ع ع  
 اذن طواف روضه مبارکه را خواسته بودید که باخوی حاضر شوید مآذونید

ع ع تبارک

هو الله

حضرت افغان سدره منتهی جناب میرزا بزرگ علیه بآء الله الاهی

ملاحظه نمایند

هو الله

۲۶۴  
 عظم مبارک ای شاخ شجره غایت آنچه مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید مکتوب حضرت  
 والدینز مطالعه شد فی الحقیقه در مصیبت عظیمه گرفتار شدند ولی حق غایت و  
 حمایت فرمود عاقبتش خیر بود انشاء الله از این بهتر نیز خواهد شد جواب  
 مطالبشان در همین پوسته رأساً خواهد رفت حضرت اخوی را تکبیر برسانید

و همچنین سا کرد و ستانرا

والله اعلم

ع ع تبارک



هو الابهی

اسکندریه حضرت اقان سدره منتی جناب میرزا بزرگ علیه بنا، الله

الابهی ما حظه نمایند

هو الابهی

این الفسح البدیع من السدره الالئیه اگر چه بیچوجه فرصتی که بیان محبت و الفتی شود دقیقه را حتمی نه و آئی آسایش نیست با وجود این نجات قدس سدره الئیه چنان تحقیقت وجود امتز و منجذب دارد که بی اختیار بزرگ و فکر و یاد فروع مجبور میناید لعمر الله هذا من اعظم مواهب الله آنچه مرقوم نموده بودید معلوم گردید از الطاف سلطان وجود امید چنانست که یوماً فیوماً در جمیع شؤون ترقی نمائید تا بالفعل مشهود و واضح گردد که از سدره مقدسه روئیده اید فرصت بیش از این نگاشتن نیست خدا یا این شاخ تر و تازه را در حدیقه روحانی پر طراوت

و الطافت فرما ع ع سدره

شیراز

محل روحانی

هو الله

ای دیدان عزیز عهد البهیا نامه شمار سید از منضمون معلوم گردید که عکس بیت

مطابق است

مبارک را از باد کوبه خواسته اند در نهایت اتقان عکس برداشته و از برای ایشان بفرستند  
 زیرا از پلتر سبرغ خواسته اند دیگران نیز در این خصوص استیذان نموده بودند جواب مرحوم  
 گردید که عکس گرفتن و دادن ضرری ندارد الحمد لله شما بتأییدات ملکوت نمویید و بتوفیقات  
 ربانیه موفق سبحان و دل بکوشید تا کاس الطاف الهی ازید ساقی عنایت بنوشید  
 هر چه در خدمت همت نماید بیشتر موفق و مؤید گردید و بدرقه موهبت عالم بالا  
 بیشتر رسد و سرور و فرح یمنینی حاصل شود فرصت بیش از این نیست

معذور بدارید و علیکم البهائم الا بهی ع ع تسبیح

بواسطه حضرت افغان سدره مبارکه اقا میرزا بزرگ

شیراز جناب اقا علی ولد مرحوم حاجی محمد صادق علیه بآء الله الاهی

هو الله

ای منجذب بفضیلت الله حمد کن خدا را که پر تو هدایت گیری بر بصیرت و دیده بینا زد  
 ظلمت ضلالت زائل و نور موهبت روشن و لایح گشت دل آگاه شد و جان اتبانه صل  
 نمود این اشراق اولست پس سبحان و دل روزی اشراقات متابعه فرما تا انوار تابید  
 ساحت قلبه اگلشن توحید نماید و اینباب عنایت وقتی گشوده گردد که قیصس هویت تجدد

شود

ظلمت کاتب سرور و انوار مبارک

شود و خلق جدید گردد و اعظم وسیله حصول این الطاف نفع نجات الیه در جمیع امراض  
 زیر امروز فیروز است پس بغمه جان سوز آتش عشق الهی در قلوب برافروز تا جانک  
 افروز گردی و مبین اسرار و رموز شوی تا توانی همتر در تحصیل این موهبت مبذول داد  
 تأییدات ملکوت ابی بینی و منظر تحسین لا، احلی گردی و علیک التَّحِیَّة و تهناء

ع ع تَبَارَکَ

هو الله

قطر مصر دو فرع سدره مبارک حضرت قامیرزا بزرگ و حضرت اقا میرنجیب

علیها بهاء الله الا انما خلقه نماید

هو الله

ایها الفرعان المحترمان من السدره المبارکه مکاتیب آن دو فرع لطیف و اصل  
 و از مضمون ثبوت مشغولش روح و ریجان حاصل گردید نظر غایت همیشه با شما بوده و خواه  
 بود مطمئن باشید در نزد من کرم و محترمید و از خدا میطلبم که در ملکوت ابی سبب روی  
 جمیع افغان سدره الیه گردید و ثبوت و روشنی مبعوث شوید که ندای تحسین  
 از مذا علی بسع ظا بر شنوید و ایس ذلک علی الله بعزیز از جهت آن و آ

مخزون مباحثید اینگونه امور غرضیست و چون سراب فانیت میگذرد آنچه در  
 ملکوت الهی مقدر بجهت شما باقی و مقرر مکتوبی به آقا زین العابدین مسطور شد و نزد آقا  
 سید علی اکبر فرستادم با و برسانند در این خصوصات بحضرت ابوی حمزیه مرقوم ننمایند  
 قابلیت ندارد باری بکمال استقامت بر امرانند مشغول تحصیل کمال شوید و کسب و  
 تجارت خود بردارید و البها، علیک و علی کل ثابت رانج علی عهد الله وثقته  
 ع ع س ع

هو الاهی

مصر حضرت افغان جناب میرزا بزرگ علیه بها، الله اباً ملاحظه نمایند  
 هو القیوم ۳۶۹

خط مبارک

ایشان لطیف از سره الهی آنچه مرقوم نموده بودید مشاهده گردید و ملاحظه شد سبب روح دور  
 شد و باعث امیدواری حصول موهبت رحمن زیرا فرود شجره مبارکه باید در جمیع احوال  
 و احوال بنجات تقدیس اصل دو حقه مقدمه قهر باشد تا فرع تابع اصل باشد و جز متمتع  
 از کل هر عضوی آیت با بهره ایسک مکرّم گردد و مظهر موهبت روح مجسم تا فرعمیت اخلاق با  
 اعراق جمع گردد و متمتع از عنصر جان و دل شود آنوقت موهبت و رفعا مقاماً علیاً

جمال

جمال گشاید و کوب عنایت از مشرق الطاف رخ بناید و الباء علیک و علی کل من ثبت

علی ایستاق ع ع معبر

هو الابی

ربنا جل صدر هذا الافقون فشرعاً من كل استنون بنجات قدسک یا حی یا قیوم و نور وجهه شمع  
ساطع لایح من فیض نیرک الاعظم و احمی قلبه بنسیم منبعت من حدائق قدسک یا ربی الاکرم و اهد  
ثابتاً علی عهدک بثبوتاً لا یرغره الزوال فیهذا الیوم اشهد یا ربی المعبود انک انت الغیر الخیر

ع ع معبر

هو الابی

حمد لمن اشرق و لاج و ظهر و باح و قدر و اتاح و سمح و اباح لكل کینونة نورانیة و حقیقة  
رحانیة ان تستفیض من فیض غیوث رحمة و تترمز کاللیوث فی غیاض موهبته و تسبح  
کاحیثان فی غیاض نعمته و تترنم کالرزاق فی ریاض عنایت و النور الساطع من الافق  
الابی یغشی و یحف بالسدرة المنفی و الشجرة الثابتة الاصل المرتفعة الفرع المستمرة

الزهر الدائمة الاكل و آلهها و اوراقها

و اثمارها ع ع معبر

یا ایها القسیب الرطب ان سئنت ان ترتفع الی الملاء الاعلی و تنسا و تنموا نمواً شامخاً تمسک  
بالعروة الممدودة بین الارض و السماء و اخضر باوراق ذکر ربک لترهب بازما رغبی رائحة فی فراق  
الارض و غربها و تحیی افدة الذین انجذبوا بسفحات الله و استبشر و امیارات الله و تنورت

و جوههم بانوار الله المهین القسیوم ع ع

مثل کلمه طیبه کشجرة طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء اعلم ان حسن الاخلاق و لطف الشیم  
الشائقة الذائقة فی الآفاق اذا وافق شرف الاعراق لنسبة کلّیة رحانیة و البضعیة حقیقة  
نورانیة فالفرع مطابق الاصل فجمع اشئون و الاحوال و البحر و موافق الكل فیکمل المراتب و الابرار  
عند ذلک ینظر ظهور الشمس فی رابعة النهار ان الفیض ممتد الاثار و ان النور الفاضل من شمس

المحققه نور التجوم و الاقمار ع ع

۲۷۰

شیراز جناب آقا میرزا فضل الله ابن بنان الملک علیه بها، الله الاهی

یک نسخه از این نامه را بجهت جناب ایادی حضرت ابن ابرار سال دارید زیرا ایشان نیز از مکلمه  
حضرت صادق و سابقیت سئوال نموده بودید بعضی اوقات از کاتب اوراق سهواً صل میشود

اصول این نسخه نظیر کلام

ع ع  
یا کلمه ای حذف میگردد ولی معلوم میشود

ایبده

اینده آستان مقدس نامه میت ونهم ذی حجه ۱۳۲۸ رسید و نامه های دیگر  
 بواسطه سفر و حرکت و غتاش راه چلپار نرسید ولی چندی پیش بشما نامه ای نگاشته گشت  
 و مفارش و توضیحه نامه گردید که با شخصی که مستخدم در نزد او هستید نهایت امانت و ایت  
 و صداقت و همترادجی او مجری دارید زیرا از آنان در خراسان در حق جناب فروغی نهایت ایت  
 مجری گردیده در مقابل این انسانیت شما باید بصدق نیت و بهمت سلوک و حرکت نماید  
 عجیب است که آن نرسیده از غفایات رب الاطاف استدحای شود که محفل درس طفل  
 منظم گردد و متعلمین ترقی و نجات و فلاح بیابند مرقوم نموده بودید که احمد سه در شیراز قلوب  
 در پرواز است و انشاء الله در آینده با اعلی هم آهنگ و هم آواز سوال از رئیس که  
 در آینه مبارک مذکور است نموده بودید این رئیس عالی پاشاست که سبب نقل از عراق به حدود  
 ایفان و از آنجا بسجین عتکاشد و مقصود از جبل تینا و زینا دو جبل مقدس است که در قران بر زمین و در  
 نامیده شده و در ارض مقدسه واقع شده اند و اما که و نظروف مقطعه که در بدایت لوحی از  
 الواح مبارک صادر مقصد اسم کاظم است و ارض حمرا و کتیب حجر مقصد مقام قهناست  
 زیرا در اصطلاح اهل الله بیضا مقام مشیت است و خضر مقام قدر است و حمرا مقام قضاست  
 و صفر مقام امضا پس ارض حمرا مقام شهادت کبر است اینست که حضرت اعلی روحی

توضیح (۲۷۰)  
 خط کتابت هم به خط مبارک

له الفداء، در حسن القصص خطباً بجمال مبارک میفرماید یا سیدنا الاکبر قد قدسیت بکلی  
 لک و ماتتیت الّا القتل فی سبیک و اما مقام فنا در نزد صوفیه آنرا از امکان چنان که تحقیق  
 حادثه ممکن است مجرد از عالم حدوث نماید و باوصاف قدیم متصف گردد نظیر آتش تپیدن  
 که از صفت حدیدی تجرّو حاصل نماید و صفت ناز در او ظاهر و آشکار گردد و این مقام گویند بریا  
 و سلوک حاصل گردد و ظهور آنرا بتوجه تصور در خود مینمودند لهذا انا حتی می گفتند و حال آنکه صاد  
 از صفت حدوث که لازمه ذاتی اوست تجرّو نتواند چه که لزوم ذاتی اوست و لزوم ذاتی  
 انشکاک از ذات شیئی نماید اما در الواح الهیه ذکر مقام فنای از خود و بقای بائنه است  
 مقصود از فنا در الواح الهیه اینست که انسان بکلی خود را فنای حق کند یعنی منقطع از هر چیز گردد  
 و روح و قلب و جسم و رحمت و بهرور و نعمت و عزت جمیع شئون شخصی خویش را فدا  
 حق نماید و از لذائذ و هوای عالم ناسوت درگذرد و تجرّو از شئون بشری خویش نماید و بنا  
 محبت الله برافروزد و لسان بذر و شنای حق بگشاید و باوصاف تقدیس و تنزیه متحمّل گردد  
 و بریت خویش و هدایت نفوس پردازد یعنی جمیع شئون متعلق بخود را فدا و فنا  
 نماید چون با این مقام رسد البته پرتو عنایت برافروزد و حجاب بیگانگی بسوزد و اراده  
 و مقصدی از برای او نماند در تحت اراده الهی متحرک گردد و بتقنات روح القدس رنجه



شود اما آتش و حدید هر دو از عالم عنصر است ممکن است متصف بصفات یکدیگر شوند  
 ولی قدم وحد و ثرا اتصال و اتحاد و مشابعت متمنع و محالست و اما مسئله اما جمعفر  
 صادق که سابق چارده معصومت چون از حضرت رسول حساب نمائی سابق میشوند  
 و اما کلمه موسی بن جعفر ابو موسی جعفر بوده ابو حذف گفته و اما مسئله قائمیت ایشان  
 و بدار بجار الانوار از عثمان ثوری روایت شده از حضرت صادق که فرمودند این امر  
 در خصوص من بود یعنی از مشیت الهی چنین گذشته بود که من خروج کنم و زینب را پر از  
 عدل و داد نمایم و لکن بدو اوقفتند و همچنین مجلسی در بجار از حضرت صادق روایت کرده  
 که فرمودند وقت این امر در سال صد و چهلیم بود لکن آنوقت بشما خبر داده شد شما آنرا  
 فاش نمودید از اینجهت بود خداوند آنرا یعنی آنوقت متاخر نمود و ایضا روایت کرده که حضرت  
 صادق علیه السلام فرمودند یا ابا اسحق این امر درباره من بود و قتش بتاخر افتاد و اما در  
 خصوص حضور من بشیر از خدا امر مویکول علی تأیید ربک الرحمن ع ع شایسته  
 بوسطه جناب بشیر الهی  
 جناب آقا میرزا فضل الله خان شیرازی علیه بهاء الله الایه

هو الله

۲۷۱

ظواهر

ای بنده اسم اعظم نامه مفصل با عدم فرصت بدقت ملاحظه گردید لهذا مختصر

جواب مرقوم میشود باید شما بگوئید که بحجت حضرت شاهزاده کار دیگر پیدا نمائید بلکه  
انشاء الله موفق گردید ع ع

هو الاهی

ش جناب جواد علیه بهاء الله الاهی ملاحظه نمایند

هو الله

۲۷۲

خط مبارک

ای نظر ملکوت وجود اهل سجود اجنبی روشن چون آفتاب نورا فیض مقام محمود باید و یونین  
بایات کبری رارخی نورانی از الطاف سبحانی شاید سرست جام الهیرانشه و  
لازم و مستبشر بموہبت ملکوتی فیض جمور واجب نامی و هوای سرستان لازم  
وجوش و خروش عاشقان واجب و آلا سنگ سخت به ازل مرده و وجود افسرد

والبهاء علیک ع ع

هو الاهی

۲۷۳

ش جناب حاجی عبدالله علیه بهاء الله الاهی ملاحظه نمایند

هو الله

ای طاق بذر آئی گویند انسان ناطقت یعنی بدرک حقایق کلیه و واقف اسرار

معانی

خط مبارک

معانی معقوله ولی در نزد حکمای تحقیقی آئی در درگاه حضرت نامتنبای نطق شای جلال قدست  
و بیان اوصاف اسم اعظم و آلا حیوان صامت به از انسان ناطق نادان فخر دانایان و سر  
گشته و حیران به از مدعی علم و عرفان رب زدنی فیک تحیرا و البهائم علیک و علی

ثابت علی میثاق الله ع ع <sup>سما</sup>

بمبائی بواسطه حمشید خداداد

بلوچستان کویتہ میر فضل الله خان علیہ بہادری الاسبی

۲۷۴

ہوا سند

ای یار مہربان نامہ فی کہ بجانب نشادی مرقوم نموده بود ملاحظہ گردید چون آثابت  
پیمان بچمان پنهان شتافت و از پیمانہ لغات شد یافت لہذا این آوارہ جواب میبخارد  
چندی پیش جواب نامہ شمار سال گردید عجیبست کہ تا حال نرسیده در این ایام از تائید  
ملکوت اللہ احمد تہ بند و زنجیر از گردن آوارگان برخواست و سلاسل و اغلال  
بر رقاب اہل عدوان قرار یافت ستمکاران گرفتار ناکامی شدند و ظالمان مقهوراً  
منمو ما مدحوراً اسیر زندان شدند حال ببقعہ مبارکہ از نہر طرف یاران از ایران  
و ترکستان و شرق و غرب و اووپا و امریک متتابعاً وارد و ہرچوہ مانع

خطابت سرور و مبارک

و حاصلی نه کل بزیرت عقبه مقدسه در نهایت تضرع و ابتهال با عبدالبهائ، ساجدند  
 و استفاضه فیوضات نامتناهی مینمایند یاران در سرور و جهور و بدخواهان مایوس و نوموس  
 و مدحور از فضل و عنایت حق امید چنانست که شمایز مشمول نظر عنایت شوید و در نهایت  
 فرح و مسرت ایام بسر برید بجناب آقا میرزا عزیز الله تحت مشاققه برسان امید  
 وارم که در جمیع امور موافق و مؤید گردند و علیک البهائ، الابی ع ع تا شکر

۹

جناب آقا میرزا فضل الله خان زائر علیه بهاء الله

هو الله

۲۷۵  
 ای سیر محبت آذلبه اسانه سگر کن خدا را که بیفته نورا، رسید و تراب عقبه مقدسه  
 جمال بی تبین و تبرک جستی مطاف روحانیز ایافتی و مرکز ربانیان را شناختی و آیمای با  
 آوارگان الفت نمود و با مشتاقان همدستان گشتی حال باید بطهران شتابی و درس  
 تبلیغ بخوانی و در برابرین حجج البتیه چنان مهارت یابی که اهل علوم و فنون را عاجز نمائی  
 چون چنین اکلیل حلیل بر سر نهی سلب فخر و مباهات پدر گردی و علت سرور و جهور  
 جمیع خاندان شوی و چنان ثبات و استقامت بجائی که دیگران حیران شوند و جمیع

ظواهر کلمات  
 همه در این  
 کتاب درج  
 شده است

واحد گویند که این جوان خلق جدید است و این نعل نورسیده سرو آزاد چوبی  
رتب مجید جمیع یاران را از قبل من تحت ابرع ابهی برسانید و علیک البساء الابهی

ع ع هجده

بواسطه آقا میرزا فرج الله خان

اصفهان جناب میرزا باقر خان علیه بباء الله

۲۷۶

هوا الله

خط کتاب مراد آقا میرزا

ایجناب باقر باهر بر نفس قاهری و بقلب طاہر و ببدیه نامطری و بروح جاہر  
خوشحال تو که از کثرات بواحد حقیقی پی بردی و از حجات ضلال نجات یافتی و بپرچشمه  
حیات رسیدی و کاس هدایت کبری نوشیدی و بموہبت عظمی موقوف شدی پس  
روش و سلوکی گیر که سبب هدایت یگران کردی و علیک التیہ و التثناء ع ع ستاد

جناب قاسم میرزا غریز الله خان و جناب قاسم میرزا فضل الله خان

و جناب آقا میرزا عبدالصمد خان علیہم بباء الله الابهی ملاحظه نمایند

۲۷۷

هوا الله

خط کتاب مراد آقا میرزا

ای یاران مهربان و شقیہ اتحاد و اتفاق کہ بانشاء کی از بسدگان مقرب کبریا مرقوم شده بود تقدیم

عبد البهائم نمودید لهذا این عباد در نهایت سرور تضرع بملکوت وجود نمود که این اتفاق  
 و اتحاد الی الابد در جمیع عوالم الهیه باقی و برقرار ماند الی الی ثبت قلوب هؤلاء علی آیت  
 والوفاء واجعلهم آیات الوحده والالفه والنبات بین الخائنات حتی یرتلوا کلمات  
 احب فی سائر اجسام ویدعو الکل الی الحمی القیوم فیهذا الیوم اشهد ویرفعوا  
 رایة الوداد بین العباد ویصبح الافرغیم الثلثه نفساً واحده فیمجیع الشئون والاحوال  
 رب ایدهم علی الوفاق وحببتهم عن التناق وحنظلم من الشقاق وبتهم علی المیشاق  
 واجعلهم منجذبین الی نیر الآفاق وطاقضین حول کوکب لاشراق انکانت الکریم  
 الرحیم العزیز المنان ع ع سیدنا

شیراز بواسطه بشیر الہی بواسطه جناب اقا میرزا جلال ابن مرحوم ملا عبدالبہ  
 زرقانی بہائی جناب میرزا محمد باقر خان اصغمانی علیہ بہاء اللہ الالبس

ہو اللہ

۲۷۸

ایمنہ صادق جمال ابھی سگر کن خدا را کہ بعون و عنایت حق موفقی و خیر خواھی  
 اجابتی الہی نمودید یا رازشایان چنان کہ جان رایگان در سبیل یکدیگر فدا کنند و نجدت  
 واعانت و صیانت پردازند شمع را روشنی باید و طواس علیین را جلوہ در بہشت

برین شاید تا شهرت قدس گشاید و گلزار و گلشن بارید / حکم خدا را که نمومنی و قوت  
و ثابته و راسخ و انشاء الله جو روح جفای ستمکارانرا سد حائلی امروز هر یک از اجابای الهی  
باید حفظ و حمایت دیگری نماید و بقدر امکان کوشد که قلوب را شادمان بخشد و نفوس را شاد

روحانی دهد و علیک البنا، الابهی ع ع ع  
بواسطه جناب آقا میرزا محرم علیه بقاء الله الابهی  
جناب باقر ماهر من اهل الصاد علیه بقاء الله الابهی

هو الله

ایشان بر پیمان نامه ات رسید آنچه آه و فغان نمائی و مضطرب و پریشان باشی حق با  
ولی منرا و ارا نیست که در نهایت اطمینان و ثبوت و ایقان خدمت باستان رحمان نمائی  
زیرا این سخن و بلا یاد سبیل گبر است و تحمل این جام تلخ کام در محبت جمال ابهی باید نیست

خطا کاتب میرزا...

سرور و شادمانی نوشید و بدرگاه یزدانی ستایش و نیایش  
و شکرانه نمود که احدی تمهید موهبت هدایت بخشد و فضل غایت فرمود  
و در سبیل محبتش گرفتار بلایا و مصائب گردد و این عین موهبت است  
و متعاقبش موهبت مرئوسه و علیک البنا، الابهی ع ع ع

شیراز بواسطه حضرت قان جناب آقا میرزا بزرگ

جناب محمد باقر خان من اهل تصاد علیه بها و الله الالبسه

هو الله

۳۸۰

اینده الهی صدقات شیده دید و مشقات عظیمه کشیدی حمد کن خدا را که لایق  
 و سزاوار این منو بهت بود که مورد عقوبت در سبیل حضرت احدیت شدی جهانیان کلا طرا  
 نشانه تیر قضایند و هدف سهام بلا شاعر ترک گفته یو قدر سپر بکنند فیروز فامده  
 ذات جمله تیر قضایه نشانه در اعظم ملوک پیرا طور روس بود و باطل و کوس ملاحظه نما  
 که چگونه مایوس شد و جمیع خاندان سلطنت با خون دل همدم و مانوس و همچنین سار  
 بزرگان و سروران نوبت هر یک رسد مقصود اینست که اول رجال عالم ملوکند و ملوک  
 چنین ملوک دیگر قیاس حال دیگران نما اما تفاوت اینجاست که جهانیان در سبیل هومی هوس  
 آزرده گردند و دل و جان پشمرده و افسرده دارند هر یک مورد بلا و مبتلا آلام و جفا گردند و شما  
 نیز هدف تیر بلا و لکن این در سبیل جمال بهی و آن در ره نفس و هوک بین تفاوت ره از کجا  
 تا کجا مقصود اینست باید از بلا یا وارده شکرانه نمود زیرا در ره جانان بوده جان و در سبیل  
 بود نه تعلق بکل امید وارم که انجبال جلا در کف حفظ و حمایت ربی الاعلی محفوظ و مصون



و محظوظ ماند و پرتوی از نور هدایت بر بصر و بصیرت والده شان زند و لیس ذک

علی الله بغیرت و حلیک التقیه و التشاء ع ع متاثر

شیراز جناب آقا میرزا فضل الله خان ابن بنان الملک

هو الله

۶۸۱

خط کاتب محمد و آقا میرزا

ای بار مهربان نامه شمار رسید بجان عزیزت قسم که عبد البقاء فرصت تحریر یک خطه نداشتم  
سوالاتی که شما فرموده بودید یک کتاب جواب میخواهد لهذا گذاشتم بلکه انشاء الله وقتی ملاقات حاصل  
شود شما جواب داده شود و الا تحریر ممکن نیست و حلیک البقاء الابهی ع ع متاثر

لوا بطله جناب آقا رضا

شیراز جناب میرزا عبد الصمد بن رفیع البدیع جناب میرزا ابراهیم جناب

میرزا مسیح جناب میرزا فضل الله خان جناب میرزا عزیز الله خان علیهم السلام

هو الله

۶۸۲

خط کاتب محمد و آقا میرزا

انما حکیه مناجی الناجی فی بیح الکیا و اذ کرک فی صبا و منی و التضرع الیک یارب الاسرا  
فی الغد و الاسرار بعین باکیه و نار حامیه و دمع دافق و قلب خائف و روح شائق  
ان توی انحصین علی التاتی بانور المبین و الا نجد اب الی مرکز الانوار و الاتساب بالبار

الموقدة فيلوب الابرار رب اجعلهم مراكزاً لتسوحات الرحمانية ومصادر لتسوحات  
 الربانية ومطالع للنوار الرحمانية ومهابط للألمات الصمدانية والظنم كطيور القدس في  
 مشكور ووقفهم على كل عمل مبرور حتى تشرق منهم الوجوه اشراق النور بسطوع موفور رب  
 اجعلهم آيات الهدى وكلمات التقوى واشجاراً طيبة اصلها ثابت وثمرتها في السماء  
 مزينة بوراق الاسرار موقنة بآثار التذلل وانكسار محليّة باثار الانار دانية لقطوف  
 مرتفعة الفروع خضرة لغيره ريانة بفيض الملكوت ورشحات سحاب فضلك في يوم  
 النشور انك انت الكريم الغفور وانك انت العزيز الرحيم على كل عبد شكور لاله

اانت الكريم المجيد لشكور ع ع تامة

شيراز بواسطه آقا ميرزا علي اكبر و آقا ميرزا طراز عليهما بآء الله الابه

جناب آقا محمد باقر مهاجر از اهل صفهان عليهما بآء الله الابه

هو الله

۲۸۳

ای ثابت بر بیان نامه تور سید مضمون آیت استقامت بر امر حق بود و نشانه نشانی  
 یاری نشان جمیع بشر هر چند بطراز خلقت انسانی فریق ولی از حقیقت آن بنحیر اینموجب  
 کلمه در حقیقت انسانی جلوه نموده ولی انسان غافل و ذاهل یک معنی از معانی آیه مبارکه

انه

خط کاتب مراد محمد باقر

انه كان ظلوماً جهولاً اينست احمد ته اجاي الہی متعبه بين الطاف واحسان و مجد  
اينموتت بپيامان اذن حضور خواسته بودی اگر بنهايت روح و ریحان ممکن  
و در حضور و رجوع راحت دل و جان ميتا مازونی والا تا آنکه اسباب فراهم آید

و علیک البهاء الالهی ع ع سنا

شیراز جناب عطاء نظام محمد حسن میرزا علیہ بہاء اللہ الالبی

ہوا تہ

۲۸۴

ای عطاء نظام حمد کن خدا را کہ عطاء عزیز علام گردیدی و شہد بقا چشیدی صبح  
ہدی دیدی اشراق انوار بجاملاتہ نمودی خوا موش بودی روشن شدی طرہوش  
بودی ہوشیار گردیدی محمود بودی پر جوش و فروش شدی این از مواہب عظیمہ

حضرت پروردگار است شکرنا شکرنا و علیک البہاء الالهی ع ع سنا

طہران بواسطہ جناب حاجی میرزا عبد اللہ

۲۸۵

جناب فضل اللہ شیراز جناب عبد الحسین بنا جناب محمد علی قمی جناب لطف اللہ بزاز  
جناب سید ابراہیم بنا جناب عزیز اللہ شیراز جناب میرزا جہین بر و جہا علیہم بہاء اللہ الالبی  
ای تابان بر چہان نامہ مبارک یاران بانہایت رقت ملاوت

ہوا تہ

خط کتابت ہر روز ہفتا مبارک

خط کتابت ہر روز ہفتا مبارک

گردید و بدرگاه حضرت احدیت تبتل و تضرع شد که ای پروردگار این یاران صادقان  
 از امتحان فارغ کن و این بندگان لائقه بغایت خویش فائق نما هر یک را جلیل رابع  
 فرما و طود باذن کن تاج عبودیت بر سر نه و سلطنت ابدیه احسان کن و سعادت  
 معیشت بخش و عزت ابدیه ازان فرما توئی دهنده و بخشنده و مهربان و توئی آموزنده  
 و پذیرنده و عزیز و مستعان ع ع

بسمه  
 لا هور

جناب عزیزانته خان و جناب میرزا فضل الله خان و جناب هندو بهائی علیم بهاء الله الیه

هو الله

ای یاران روحانی مکاتیبی که بجناب منشادی من ادراک لقاء ربه <sup>۲۸۶</sup>

و بعد البهائیه مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید از عدم مجال باختصار جواب

مرقوم میشود که اگر چنانچه اسباب سفر بنمایا من استطاع الیه سبیلا که در کمال

راحت و خوشی و مسرت بارض مقصود مشرف شویم و بروح و روحان حضرت

نمائید و بیشارات پردازید و نشر نفعات الله در نفعات

کنید ناذون حضور و حلیمک البهائیه ع ع

ظلمت کاتب نور و خفا مبارک

بواسطه آقا محمد حسن بوری

جناب آقا میرزا فضل الله خان علیه بهاء الله الی

۲۸۷

هو الله

ای بنده حق نامه شما ملاحظه گردید و مطلب معلوم شد ولی عبد البهائے باید خیر شما خواهد  
 نه میل شما خیر شما در اینست که در شیراز و یا طهران بقدر امکان بکار و عملی پردازید و در ضمن  
 در لسان انگلیسی نهایت مهارت پیدا کنی و اگر ممکن در دستگاه انگلیسیها ولو  
 ماموریت جزئی باشد قناعت نمائید تا لسان چنانکه باید و شاید تحصیل نمائید بعد به  
 مسافرت پردازید ارض مقصود دائما متقلب است ناقصان هر روز فساد می نمایند اسباب  
 سکون و قرار نه تا انسان تحصیل لسان نماید و یا آنکه بخدمت پردازد در اینجا بهتر بخدمت  
 پرداخت نیت خدمت بنمائید اسباب فراهم آید و تأیید میرسد مطمئن باش  
 و علیک لبهائے الی ع ع ستان

هو الله

۲۸۸

جناب استاد حسن کوزه گر علیه بهاء الله الی

سرد و سنان

ای منجذب روی بها هر چند خانه بتلان دادی و کاشانه بتلراج

هو الی

خط کتابت مهر و امضا مبارک

خط مبارک

لانہات بروفتند و آشیانہات بسوختند غم مخور و آزرده شو تو مرغ آشیانہ تو جمیدی لانہ  
 در شاخار سدرہ منتهی داری و بیره و سامان در سبیل رحمانی خانہ و کاشانہ در جواریزدان خواستہ  
 این تالان نبود چکہ خانہ را معمور و آبادان کرد تا راج نبود معراج خواہ گشت چکہ کفایت خواہی شد  
 لطیف خواہی شد در اوج انقطاع عروج خواہی نمود مالی کہ در راه حق بتالان و تاراج رفت گنج  
 روان خواہد شد و کثر آسمان خواہ گردید ع ع سمائلہ

جناب زائر اقا غلامحسینخان سروستانی

زیارت من استشهد فی سبیل اللہ جناب کربلائی حسنان و کربلائی صادق انوی کربلائی حسنان علیہما السلام

الاسبغی

هو اللہ

۳۸۹

الحیة و الشیئا من الملاء الاعلیٰ حلیک یا من استشهد فی سبیل اللہ و انجذب بنفحات اللہ و صدق  
 بکلمات اللہ و آوی الی الرکن الشدید و المحسن الحسین و الکف المنسیع و اتم فی سبیل اللہ کل  
 مشقة و بلاء و شتاتہ الاعداء و شتائم الرنماء و ماخذتہ سطوة الظالمین و لزوقته صفوف المجدین  
 بل دعا الی سبیل ربہ تحت سلاسل المشرکین و نطق باحق فی مجال المنکرین اشد بانگ اقامت محبتہ  
 و حدثت بالنعمة و قومت الحجۃ و اجتبت النعمۃ و ما ومنت فی التبت و الاستقامۃ  
 و استهدف

خط کا کاتب میر مبارک

و استمدقت السام والاسنة ولم تقترني التحديث بالرحمة قد قاموا عليك اولوا الشقاق و  
 اهل الشقاق ولم يتركوا اذى الا اجره على حبك العزيز و عذبوك العذاب الشديد في هذا السبيل و اوردك  
 في السجن العظيم و ضربوك بالسياط بحبك ربك الوحيد الفريد طوبى لك من هذا النخل العظيم  
 لك من هذا الجود المبين اسئل الله ان يجعل مشامي معطرًا بالمسك الذكي الدافع من مرقدك المنير  
 و عليك لبياء، الابي و علي حيك الذي نبذ الهوى و اخذ بالتقوى و آمن بربك لا على و انجذب الي الملكوت  
 الابي و با نخل بديل لروح و ما خوله الله من متاع الدنيا و عليه لبياء، و عليه الثناء، و عليه التحيات في  
 نشأ

الكبرى و عليكما لبياء، الابي ع ع تقابله

بواسطة جناب آقا ميرزا اسد الله

جناب آقا مرتضای سروسرستانی علیه بهاء الله الابي

هو الله

۲۹۱

ای ثابت پریشان احمد الله فحیث رحمن در شمار است وصیت ملکوتی بی در شمار دوستان  
 ماندگشت پر برکت دراز دیاند و یاران مانند اوراق و از مار شجره مبارکه در نشو و نما از جمله سروران  
 چنانکه مرقوم نموده اید در باره آن نفوس مومننه جدیده از جمله ترنگ و مشتو که دراز دیاند بدرگاه  
 جمال مبارک عجز و نیاز نمایم آنانرا فیض ینیمتها خواهم فضل یمیشال جویم عون و عنایت طیبم نمود

خط کتابت میرزا اسد الله

و موهبت خواهم بشارت ایذعار ابایشان برسانید بامه الله المحترمه ضلع او دو صتیبه کرمه کلاش عظیمه  
تجیبت بهیه ابلاغدارید انشاء الله مانند پدر و مادر آن دو دختر نیز منجذب محبت الله باشند و مشعل  
باز هدایت الله بجناب قایم ز اقا و جناب امرا ته و جناب سگرا ته و جناب ذکراته و بدیع البقیه  
اشتیاق تجیبت ابرع ابهی ابلاغدارید و علیک لبهآء الابهی ع ع ع

جناب حاجی محمد باقر از قبل من تجیبت مشتاقانه و بکبر محترمانه برسان ع ع ع  
سروستان جناب میر کریم زائر علیه بهاآء الله الابهی

هو الله

۲۹۱

ای ثابت بر پیمان نامه شمار سید و از مضمون واضح و پدید گردید که الحمد لله یاران سروستان در بوسان محبت الله  
سرور و نهد و در گلستان معرفه الله کل و ریاضین در نهایت روح و ریحان قدمی ثابت دارند و قلبی رنج  
و کسالمطق فی الحقیقه یاران آندیار مستفیض از انوار الطافند و مستنیر از فصیح لوقد یضی من شجره بها  
فی کل الدیر ای بعد نهایت سرور از آن خرب مشکور دارد و در شام و بکوب بدرگاه رب غفور عجز و زاری نماید و آن  
یاران را نجات و فلاح و دستگیری خواهد امیدم چنانست که سروستان لانه و آستانه طیور آسمانی گردد  
و چستان اهل حقیقت شود و لیس من اعلی فضل ربی الرحمن بعید جناب میر تاج از خدا خواهم که با  
موهبت بر سر بند و امه الله گوهر بنور محبت الله در نهایت تشنگا گردد و میر محمد اسمعیل آرزوی قهر نگاه  
عشق

خط کتابت موروثی مبارک



عشق نماید و میر عبد الغفار از خربا برار محبوب شود و میر عبد الرسول در آستان مقدس مقبول گردد  
 و میر محمد مدی آیت هدی شود و کربلای شکر آینه بشکر آینه خداوند یگانه پردازد که بجز مدت امر فقیست  
 و ملا علی مظفر لطف خفی و جلی گردد و جناب قاجید علی زائر در میدان عرفان صفا شود و آقا رضا  
 برضای حق موفق گردد و آقا غلام حسین خان مرحوم در دریا رحمت پروردگار مستغرق شود و برورد  
 مورد وارد و بر فرد فرود فائز و از کوثر غضب سیراب و در عتبه رب الارباب مغبوط اولی الالباب  
 گردد و جناب درویش ابن محمد علی شهید ابن شهید را از قبل من نهایت مهربانی مجری دارید از نظر  
 مرتبی حقیقی جمال مبارک رجایمانیم که خلعتی بدیع عطا فرماید تا مردم خلقی جدید گردد و علیک

الهی ع ع سائده

شیراز سروستان جناب آقا محمود ابن آقا شکر آینه علیه بقاء الله الالباب

۱۰۱۰

۲۹۴

یبنده حق نامه شمار سید و بدرگاه حضرت احدیت تبتل و تضرع گردید و طلب آمرزش  
 بجهت پروردگار آن بنده الهی شد ای پروردگار بنده درگاه محمود آرزوی غفران پروردگار کند  
 و در نهایت شرمساری و خجالت رجای آن دارد که ابوبین غریق بحر رحمت گردند و بر رفیق  
 موهبت مؤید شوند پروردگار اجد البهائیز این رجایمان پس حاجت دوز لیل را در حکومت

خطای تفسیر و اشتباهات

جلیل قبول فرما اینده حق بجانب درویش بن شهید ابن شهید نهایت نوازش ارقبل من  
بنا که دعایم و اورا رحمت ارزحمات و مشقات دیون تو احم بامده الله ضلع محرمه تحت  
ابعد ابی البلاغ نما و علیک البهآء الا بهی ع ع نه

بواسطه جناب بشیر الہی

جناب حاجی خان و جنابان بیا سروسانی و جناب علیجان و نورجان و بدیع الله و قدس  
خانم و ملا محمد علی معلم و مرتضی و ستاره خانم و آسیہ خانم و شامل خانم و عطاء  
و حاجی آقا و کربلای امام قلی علیهم و علیین بہآء الله الا بہی

ہو الله

ای یاران و آما رحمن مفتون محبت الہی حاجی خان و خان بابا نامہ نگاشتند و ذکر  
جمع شمار داشتند تا امید و توفیق طلبیدند و بر تحریر نامہ بنام نامی کل رجا و شوق نمودند  
عبدالہبآء با وجود مشاغل ناننانہای مجبور بر آنست کہ جمیع ایک نامہ یاد و ذکر نماید و البتہ یاران  
معذور میدارند زیرا مجبوریم مقصود اینست کہ باید از جمیع افکار و اطوار و آراء در کنار  
بود و فکر دل و جانرا محصور در خدمت حضرت پروردگار کرد زیرا آن دلبر آفاق نیز چنان  
جلوہ نموده کہ انسانی با وجود ابتاہ و اشتیاق آشفته و سودا نگردد اگر نفسی کجاہل کند یا  
تجاہل

خطبات سہر و امضا مبارک

تجابه نماید دلیل مردگی و پرمردگی و افسردگیست چشم بینا البته مستقون آفتاب گردد  
و گوش شنوایقین است که متولد از نعمات ملاء اعلی شود تشبیهی تباب البته آب گوارا  
جوید و علیل دانا لایب طبیب حاذق توانا خواهد امیدوارم که کل مؤید و موفق باین جهت

عظمی گردید و علیکم وعلیکم البهء الا بهی ع ع سائنه

بواسطه جناب بشیر الہی

سرروستان جناب حاجی محمد علی ابن استاد حسن فخر

هواته

۲۹۴

ایشان ثابت بر پیمان نامه نیکه بجناب بشیر تحریر نموده بودی ملاحظه گردید و معلوم شد که جواب نه  
شما که پندی پیش ارسال شده بود از نا امنی راه از میان رفته ضرری ندارد تا قوت تحریر موجود و  
بیشتر تقصیر نخواهد شد و تلافی خواهد گشت در جمیع احوال بیاد یار انیم و مشتاق بحال دوستان  
اگر فوری در مکاتبه حاصل شود این از عدم فرصت است ملاحظه فرمائید یک زبان و یک زبان  
با جمیع اجبای جهان را فردا فردا مکاتبه و مخابره نماید البته شیرینان و پسندان نیز از عهدہ بر نیاید  
تا چه رسد این لسان و بیان فانسفوا یا اهل الانصاف عسل زنبور منذور بفر و شید  
و ثمن بفترا دهید بیت سکون در هر صورت مال بکراست خواه از میت چیز دیگر باقی ماند

خط کاغذ تیره و چاه سبزه

یا نماند و ولد بکرا سایر اموال نیز سهم خویش میرد هذا ما فرضه الله ولی خود مورث  
 قبل از وفات مختار است در تصرف اموال که بهر قسم بخواد مجری دارد و همچنین ولد بکرا باید  
 خود ملاحظه وراثت دیگر را بنماید و انصاف دهد و فی الحقیقه هر آنکه بقص قاطع الهی باید  
 وصیت نامه بنماید تا بموجب آن بعد از او مجری شود هذا هو الحق المبین و اگر لایسز الله  
 اطاعت امر نکرد یعنی وصیت ننماید باید چنین مجری داشت ع ع تسامحه  
 سروستان جناب حاجی محمد علی بن استاد حسن علیه بآء الله الاهی

هو الله

ای دوست عزیز من نامه شمار اینست دقت قرائت نمودم و از قسم شما نهایت بشاشت  
 حاصل گشت لند اجواب مرقوم میگردد هر چند در اینجنان فانی شادمانی نیافتی و کامرانی نمودی  
 هیچ صبحی خفته و خندان نبودی و هیچ شامی با سر و سامان گشتی ولی خبر بداری که همه رفقا گرفتار  
 این بلا گمان مفرما که در این دنیا نفسی نفس راحتی کشید و یاد می شنیدی اردیوار رحمت یافت  
 حوادث زمان و وقایع امکان همواره در کین است و صیاد تقدیر و تضا گوشه نشین با وجود  
 این چگونه انسانی غریبی آسایش و رحمت گردد علی قول شاعر پارسی نوک خاری نیست  
 که خون شهیدان سرخ نیست آفتی بود آن شکار افکن که ز این صحرای گدشت و شاعر  
 ترک

ظلمات بر او میبار  
 مبارک

ترک گفته یو قدر سپر بکنسد فیروز فاده ذات جده تیر قضایه نشاند در شاعر عرب گفت  
 عش نایب فاحب راحه عفا فاوله ستم و آنزه قتل باری محمد ته یاران تسلی عظیم دارند و تسخنی  
 صدور در موارد بلا عقیم زیرا از راحت جان و کام دل در اینجا منقطعند بجان بگری  
 درمو رد بلا چون الطاف جلالی بجای آن هر تنگی شیرین گردد و هر ستم تسخیر شود و نگین شود  
 امیدم پسانست که دعای شایسته مستجاب گردد یارانی مبعوث گردند که هر یک شمع روشن شوند  
 و گل گلشن گردند و در حدائق الهی بدین معانی گردند و کلبانگ مغوی زنند و سبب آتش  
 نجات است در آن اقطار گردند ع ع نمانه

بواسطه آقا مرتضای سروستانی

اجای قدیم و جدید بزرگ و مفتو و اجای سروستان محله شیخ یوسف جناب شهید  
 محمد حسین جناب کربلایی باقر زائر جناب آقا بابا جناب شکر الله جناب محمد رضا  
 جناب غلامرضا جناب محمد جناب محمد نبی جناب حاجی بابا جناب حاجی حسین جناب  
 مهدی قربانعلی جناب فتحعلی جناب آقا بابا جناب باباخان جناب کلعلی جناب حاجی علی  
 جناب مصطفی بناب زین العابدین جناب قربان جناب شهیدی ناصحی جناب آقا جان  
 جناب اسمعیل جناب نجف جناب محمد ابراهیم جناب عبدالرضا جناب مرتضی جناب آقا جان

جناب نوروز جناب علیجان جناب اکبر جناب قربان جناب علیحسین جناب فتح الله جناب  
 محمد رضا جناب حسن جناب سلیمان جناب رمضان جناب علیجان جناب محمد جعفر جناب  
 فتحعلی جناب مرعلی جناب غلامعلی جناب لطفعلی جناب سیاوش جناب ابوالقاسم  
 جناب خداداد جناب موسیٰ رضا جناب حسینقلی جناب خداداد خادم اجتباء الله جمال جناب  
 کر بلائی شکر الله جناب محمد علی جناب علیجان جناب مرتضیٰ جناب قربانقلی جناب محمد حسن جناب  
 ملا محمد علی معلم جناب سبزه علی جناب فتح الله جناب زینل جناب ابوالقاسم جناب کاجان  
 جناب مرتضای زائر .

هو الله

۲۹۶

ای یاران عبدالبهاء، جناب قاسم رضی نامه نگاشته و نامهای مبارک اهل مبارادرآن درج نموده  
 چون نظر بان قمر افاد ملاحظه شد که ماشاء الله دفتر ما کان و کیون است قلم اعلیٰ باید که با  
 قدرت حضرت چون از عهد نگارش آن برآید و الا این کلک شکسته عبدالبهاء البته از  
 بر نیاید که بچین مکتوب بنگارد لهذا جمیع را یک نامه خطاب مینمایم که ای جناب الهی گویند  
 که علیتین کتابیت که اسما مقربین درآن ثبوتست و محتایق خاصین درآن موجود پس  
 بیقین بدانید که نامهای مبارک شما در ملکوت ابی در لوح محفوظ و رقی منشور ثبوت و مسطور  
 و هر یک

خط کتابت مرصع مبارک

و هر یک ببار که عبودیت نیک وجود و ملکوت نمود بعزت ابدیه مزوق سایش خداوند آفرینش را  
 که لوح محفوظ عالم امکان را و اوراق منشور اکوان را بنا بنامهای مبارک یاران عزیزین فرمود این  
 ابدیست و این ثبت سرمدی قرون و اعصار منتهی گردد و نامهای فرخنده ابرار باقی

و برقرار ماند و علیکم البهاء الابهی ع ع متذکره

هو الابهی  
 سروستان

جناب خواججه طغیانی جناب قانادی جناب امیرزاده الله جناب عبدالرزاق جناب حاجی علی  
 جناب قاسم محمد علی جناب آقا علی جناب آقا احمد جناب آقا فتح الله جناب حاجی خان  
 جناب باباخان جناب آقا محمد معین جناب آقا عبدالکریم جناب آقا عبدالغفار جناب آقا عبدالله  
 جناب آقا عبدالرسول جناب آقا محمد زکیا جناب آقا محمد رضا جناب امیرزاده علیخان جناب امیرغیاث  
 جناب عزیزالله جناب آقا علی جناب مشهدی محمد تقی جناب مشهدی محمد قاسم جناب آقا حسن الله  
 جناب امیرزاده آقا جناب آقا الله جناب آقا جاسع جناب آقا صادق جناب آقا قاسم علی  
 جناب عبدالبهاء الشهباز بنحوصل آقا علیم بهاء الله الابهی

هو الابهی

۲۹۷

۲۹۷

ای یاران منوی اهل ملا، اعلی و سخان ملکوت الابهی در صباغ یشاق بگردانه الطاف زبان

کشوند و در ساحت قدس سرسبیده نماند که ای پروردگار مهربان ستایش و نیایش تربت که بجز  
 مخصوص رامنصوص فرمودی و مرکزینا قرا مشهور آفاق نمودی آیت عمد قدیمتر اثبات کرد  
 و رایت عظیمتر ابلند و مرتفع نمودی شمع روشنترا شاهد انجمن کردی و سر و گلشن ترا اطرا و  
 ولطافت و نصارت بخشیدی ای پروردگار جانانرا بشارتی بخش و دلدار امسرتی غایت فزا  
 ابصار دار و شائی ده و بصائر را ضیاء رحمانی غایت نماند انت الکریم الرحیم و انک  
 انت الرحمن القدیم ع ع سنه

سروستان جناب آقا غلامرضا  
 هو الله

ای بنده حق نامه شمارید و بدرگاه جمال مبارک لابه و انابه گردید تا بعنایت حق بقدر امکان  
 وسعتی حاصل آید و بخدمت یاران پردازید و جناب میرزا ابوالفضل را از قبل من تحت  
 ابدع ابهی البلاغ دارید و علیک البهائم الالهیه ع ع سنه

خط کاتب مراد و انشاء مبارک

شیراز بواسطه بشیر الهی  
 سروستان

جناب حسن ابن حاجی حسین عطار علیه بهاء الله  
 هو الله



خط کاتب مرزا محمد باقر

ایبذه حق نامه شمارید مضمون قبل بدرگاه حضرت رب الملکوت بود عبدالبهاء نیز بقیبه<sup>۲۶۹</sup>  
مقدسه جمال بی عجز و نیاز نمود و از برای تو چون و غایت و صون و حمایت طلبید تا در کف نفع  
و ملاذ رفیع خداوند مهربان از شر اهل طغیان در حفظ و امان و ثابت بر پیمان باشی نجل مجید آقا عطاء الله  
را از قبل عبدالبهاء تحیت و ثنا برسان تا مانند غصون ریاض نسیم حیات با هم ترا آید و مثاب  
طیور حدائق با بحان معانی و حقائق پردازد و عیك البهائ، الابهی رع ع مسائنه

بواسطه جناب میرزا محمد حسین ابن میرزا احمد علی نیریزی

جناب قاسم حسن ابن جناب حاجی حسین سروستانی علیه بهاء الله ال سببه

خط کاتب مرزا محمد باقر

ای ثابت بر پیمان شکر کن خدارا که کاس همی زد دست ساقی بقا نوشیدی و بنمتا آمال  
آمال مقربین رسیدی چشم میاگشودی و مشاهده آیات کبری فرمودی و کعبه مقصود پی برد  
و در ظل مبارک حضرت مقصود رحمت جان و آسایش وجدان یافتی حال باید در آنصفی ت بشر  
نفحات قدس پردازش و ننو سرا بملکوت وجود هدایت فرمائی بعد از آن حضور بقعه مبارکه داده میشود  
جناب قاسم حسن ابن جناب حاجی حسین سروستانی علیه بهاء الله ال سببه

بانهایت اشتیاق ذکرایش زایمینایم وعلیکالیهآء الابی ع ع ع

شیراز بواسطه جناب بشیر الهی

جناب حاجی خان و جناب خان بابای سروستانی علیهما بآء الله الاسبی

هوا سه

۳۰۱

ای دو بنده صادق جمال مبارک احمدتہ درگاہ احدیتراپا سائید و سربآستان منجذب  
 دلبر آقا قید و مفتون آنزلت لشکار ارشدت عشق با گریهانی چاک و چشمی گریان و مولی آشفته و پیر ایشان  
 و آبی پنهان داغی نمایان شاهد انجمن شدید و سرگشته و سودا و پر شور و شیدائی دلبر آسمانی گشتید  
 تا بجانفشانی برخواستید و محفل مشتاقان آراستید و سرخیل عاشقان گشتید حال قوت نیست  
 که از خضیض صمت و سکوت پرواز نمائید و در اطراف نغمه و آواز بلند فرمائید بهر چو منی بگذرید و مرغان  
 خوشحال محاز را بنغمه و آهنگ آرید و علیکالیهآء الابی ع ع ع سائید

خط کاتب میرزا محمد علی مبارک

بواسطه میر عبد الکریم زائر

جناب میر تاج الدین	جناب میر اسمعیل	جناب میر عبد الفقار	جناب میر عبد الرسول
جناب میر عبد المهدی	جناب آقا جلال	جناب ملا محمد جعفر	امه الله والده زائر
امه الله حسن همشیره های زائر	امه الله ضلع محمد اسمعیل	امه الله ضلع قاجار عبد الفقار	علیهم و علیتین الیهآء

هوا سه



٢٥٧  
بواسطة جناب مير عبد الكريم زائر

سر وستان اجاي آبي زرقان اجاي آبي مسجد بركه اجاي آبي شمس آباد اجاي آبي شيراز اجاي  
آبي آباءه امت آبد كو شكيك چار وزير آباد درخوك على باد عليهم بآء الله الاسب

هوا ته

٣٠ ٣١

وآبي آبي آبي قد قدرت الالسيه بفضلك في ملكوت النفس والآفاق وفتحتني على امعان النظر في مراتب الوجود  
تيز سطوع انوار الاشراف فاستغرقت في بجان الحيرة والذهول بما رأيت آراء وشؤناً تدبر منها العقول رب  
انتي رأيت في يوم الظهور الحشر والنور والطامة الكبرى قائمه في كل ربوع وحدود ونور وسمعت صوت  
التنخ في الصور والنور في النور واريتي قيام الاموات من القبور وشاهدت امتداد الصراط الممدود وميزان  
القسط الموضوع وكشفت تائق الرياض وتدفق الحياض وتسر النيران وتزين الجنان وختامت  
تلك الحكمة الرجمه وعذت بك من ربانية النار والبصرت الافق المبين وقرت عيناى بمشاهدة اجمال المنير  
وكشفت الاحباب ورأيت اسراب الاحزاب ثمة مستغرقة في الفيض العظيم وعصبة والتف في المش  
في يوم الدين وقوم ساج في بحر القديم وضرب منجذب مائم من جنك الشديد وفرقة خائضه في  
بحور من الاوامام ورهط غريق في بجان الاحلام واناس ذاهبه عن الادراك ساقطه في بيدا الهزال  
وكنتي سائني يا الله منها المناظر المشهه والطلل المدهسه التي احاطت النفوس المتحبه في يوم شرف الارض  
والسما

خط كاتيب مير عبد الكريم

والسما، بانوار سطعت وولات بها الآفاق قد انظمت منهم الابصار وعميت منهم البصائر من مشاهدة  
الانوار وصمت آذانهم عن نجات ملكوت الاسرار وضاقت صدورهم بما سقطوا في حفرة الظنون والاثوم  
ووقوا في زاوية النسيان رب اني اذلل اليك ان كسفت الالاسار عن البصائر والابصار تنقذ  
النفوس من الفقر والاستكبار وتنجي الخائضين في غمار الظلمات رب كل عبادك وسكنة بلادك قد  
انشتمم بانثامك وبررتهم بقوتك واقدارك رب قد خلقتهم آيات ربوبيتك واثار الوحياتك  
ودلائل قدرتك وبراهين قوتك فكيف تتركهم ان يؤمنوا في جبال الامام وودعتهم يهيون في واد  
الخرمان وودعتهم في بادية النسيان ولم تجعل لهم حظاً من الفضل والاحسان اسلك برحمتك  
التي بسقت الاشياء ان تجعل لهم نصيباً من انوار الهدى واهد هم الى سبيل الرشاد واجعلهم يا حبيبك  
في البلاد واحشرهم في ظل راية الميثاق ولا تؤاخذهم بما غفلوا عن ذكرك يا رب الآفاق انك  
انت الكريم انت العظيم انك انت الرحيم انك انت العزيز الوهاب سبحان ع متابعه

بواسطة جناب اقا مرتضاي زائر سروتاني

جناب اقا محمد جناب اقا بابا عليهما بهاء الله الابهى

هو الله

٢٠٤

خطا كاتب مراد ابيك

اي دو بنده درگاه كبريا جناب مرتضاي مراجعت بانصفايت بنمايند وارمغالي ارعبد بهاء

میخوانند چون متوجه ملکوت ابی و ناظر بقدرت حضرت کبریا هستند و ثابت بر پیمان و مناطق ثنای حضرت  
 رمان خواهش ایشان مقبول علی الخصوص در حق اند و شخص متعاج با و چون این آیه قرآن اول است  
 و عصر جلیل کبر نفوس باید بر تیل آیات جلال مانوس گردند و بمشاهده ملکوت جمال مخلوط شوند صین  
 تسنیم در جریانست و جنت احدیه در نهایت ترین مشهود و عیان حکمت الهیه در نیبانت  
 و کوشش الهی در فیضان و طیبه قدس در نغمه و فنون الحان پس ناسرا بیدار و هوشیار کنید تا از این  
 فیض بجز العجز نصیب موفور بر بند و از این نغمه و آهنگ نشسته کلان مزاجها کافور یا بسند  
 و علیکما البهائم الالهی ع ع شانه

سروستان جناب میر کریم زائر علیه بجهت الله الاسبی

۱۷۱۰

۳۰۵

اینرازشکین نفس رؤیا تعبیرش است که نفوسی قصد آن نمایند تا از الله الموقده خاموش گرد  
 از جهد و کوشش آنان شعله عظمت گردد و نفوذ کلمه الله بیشتر شود حضرت مسیح سالم ماند و ما قتلوه و ما  
 صلبوه و لکن شبیه لهم واضح و مشهود گردد جمال مبارک بر سریر سلطنت آسمانی جلوس فریاد  
 و سطوت و شوکت امر الله آفا قرأ احاطه کند و علیک البهائم الالهی

ظلمات اعضا مبارک

۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۸ عبد البهائم عباس شانه

عراق بواسطه جناب آقا محمد مصطفی و آقا محمد علی سروستانی

اجای الهی در سروستان ملاحظه نمایند

هوالله

۳۰۶

خط کتابت در حوض کربلا

ای یاران روحانی من وقت افول آفتابست و من بینایت خسته و ناتوان با وجود این <sup>اینبار</sup>  
 و جان چنان در هیجان و هربانست که بی فتور تجریر این سطور پرداخت مقصود اینست که <sup>بن</sup> <sup>عادل</sup>  
 و یحزبان دست تطاول بطلم و تتم گشودند و هجوم عمومی نمودند زیرا از منقاصت و محبت و برهان جان  
 گشتند و دست بسلاح عجزه زدند و مقصدشان اینست که بدرنگی و خوشخواری مانند کربلا  
 اختام الیرا بگردند و سراج الیرا خاموش نمایند هیئات هیئات این سبب شود که <sup>شعله</sup>  
 شدید تر شود و شعاع بیشتر تابد و نسیم جان پرور بنست اهی شدید تر وزد لہذا باید اجای الهی  
 باستقامتی مقاومت این طوفان نمایند که عمر جاہلان ظاهر و عیان گردد در آن زمان باید هر  
 ازیاران مانند عقاب و ج غزت ابدی پرواز آید و صید مرغان پراکنده و پریشان نماید تا  
 جمیع طيور در صدیقه رب غفور راه یافته بنعمات بدیعه ترانه آغاز نمایند و

آوازی بلند کنند که اهل فردوس در بارگاه قدس بوجد و طرب آیند

و ہلمہ و ولولہ برافرازند و علیکم التحیۃ و التناہ ع ع ستائہ

۲۶۱  
هو الله

بواسطة جناب یونسخان

جناب اقا محمد علی سروستانی علیه بھاء الله

هو الله

۲۰۷

ایران مسکین نفس آنچه جناب خان نگاشتی ملاحظه شد سخن گفتی و درستی و آنچه در  
ارض و خاشاک غفلت و نسیان رفتی و در دبستان عشق نزد ادیب الهی درس محبت آموختی رویا یکد دیده  
بودی دلیل بر آنست که بعون و غایت جمال الهی بعبودیت درگاه کبریا موقف خواهی شد و امر الله ختم  
انتشاری عجیب حاصل خواهد گشت صیت ظهور جعلی طور جاگم خواهد شد و ارض غمرا، روشن  
و غیر خواهد گشت و علیک التَّحِیَّةُ وَ الشَّنَاءُ ع ع تَسَابُلُهُ

شیراز بواسطة بشیر الهی

جناب حاجی محمد علی ابن استاد حسن فخر سروستانی علیه بھاء الله الای

هو الله

۲۰۸

ای متمسک بعد و میثاق نامه اخیر شما جناب اقا سید اسد الله رسید و بدقت ملاحظه گردید  
از درگاه جمال ببارک طلب عفو از برای هم مقرر شد که او را نوق بجز غفران فرماید و از برای اول

ماجد

خط کتاب مرادضا مبارک

خط کتاب مرادضا مبارک



ماجد و والدۀ مقربۀ شایزۀ الطاف بینهایت از درگاه احدیت طلبیدم تا در دریای فضل و احسان غوطه  
ورگردند مکتوب یاران که در جوف بود جواب مرقوم گردید و در طی این مکتوبست برسانید شرب و  
یاد توار خاطر نرود در این انجمن مذکور و درین ملا اعلی عالم بالا آستان مقدس جمال ابی روحی لقیته

تربته الفداء مشهوری و علیک لبها، الابی ع ع تسابله

بواسطه جناب آقا محمد مصطفی و جناب آقا محمد علی سروتانی

عراق ابوی حرمشان علیه بنهائ الله ۳۰۹

هو الله

ایندۀ یزدان پسر پاک گرت بادیه پیود تاریخ بجاک پاک آستان مقدس بود و شام معطر نمود  
در آن مقام نور از زبان بعجز و نیاز گوید و طلب عون و غایت از برای تو نمود این پسر از عهده  
شکرانه الطاف پدر بدر آمد حال باید پر بغایت با و مرمان گردد و لطف بی پایان مبذول دارد

و شب و روز دعا کند و طلب توفیق نماید تا پسر مانند اشجار

فردوس درختی پر بار و در گردد و برک و شکوفه و ثمر مزین شود

و در جویبار جنت ابی در نهایت ترومانگی بلوه نماید

و یک التیة و التثناء ع ع تسابله

خط کتابت حضرت آقا سید محمد تقی

## سروستان بواسطه بشیر آئی

جناب حاجی محمد علی قرزائر جناب قابا جناب خداداد جناب حاجی حسین جناب مشدی <sup>نعلی</sup>  
 جناب فتحعلی جناب ابوالقاسم جناب آقا جمال جناب غلامرضا جناب مشدی نادر علی جناب  
 حاجی علی جناب مصطفی جناب زین العابدین جناب قربانعلی جناب شکرالله جناب قاسم  
 جناب رمضان جناب علیرضا جناب ستادریح جناب قربانعلی جناب اکبر جناب عبدالرضا  
 جناب ستادرفضی جناب ستادعلی حسین جناب باباخان جناب علیجان جناب فتح الله جناب حسنعلی  
 جناب سلیمان جناب مرعلی جناب محمدجعفر جناب فتحعلی جناب درویش عزیزالله جناب محمدابراهیم  
 جناب ساسد جناب آقا جان جناب آقا جان جناب کر بلا شکرالله فرزند ایشان محمدعلی جناب محمدتقی  
 جناب بزرعلی جناب ملا محمدعلی جناب محمدحسن جناب فتح الله سلیمان ایشان روح الله  
 جناب محمدعلی جناب مرتضی علیم کجاء، الله الاهی

۱۷۱

۳۱۰

ای یاران عزیز عبدالبهآ، چون نام مبارک آن روحانیان تلاوت شد حالت عجیبی دست داد  
 بقول سعدی اینمطرب کجاست که برگفت نام دوست جان و وجدان شادمان گردید که احمدالله  
 در جو یا سروستان در نهایت طراوت و لطافت سروهای روان میخراهند و میبالند و مانند مرغ

نظر کاتب مشاء مبارک

سحر بینانده و چون غنایب بر شاخار مغوی کلبا نگ الی نمیزند انشاء الله سر و تان جننت  
ابی گردد و گلشن ملاء اعلی شود و علیکم البهء الابهی عبد البهء عباس <sup>تسبیح</sup>  
بواسطه جناب بشیر الی

جناب استاد حسن فخر و حرم محترم مد اش علیهما البهء الابهی

۳۱۱

هو الله

ظاکر تائب استغفار

ای دو حمامه هدم و امراز احمد سده در گلشن الی پرواز نمودید و بملکوت راز پی بردید  
و مظهر الطاف حضرت عینا ز گشتید آما شانت و ملامت بد خوانان شنیدید و اذیت  
زیاد کشیدید و ستم مار ستم کار چشیدید ولی چون در سیل رب جلیل بود اینتر هر شد بود  
و ایندر در مان نظر بیایان حال نمائید این بلا را نتیجه عطایای الی است و این ملامت  
و شامتر اتایش و نیایش و پرستش در پی عاقبت واضح و آشکار گردد و بخیل مجید قمبر علی  
تحت ابداع ابی بلا غدا ید آن اشعار آبدار بود و مانند آب زلال و همچنین سنگین جلیل  
حاجی محمد علی رابع ضمیم و جلا سطر رابع ضمیم و نصرت الله و مرتضی

ر با بصایای روحانی نهایت برانی برسانید و علیکا

الیهء الابهی عبد البهء عباس

بواسطه حضرت بشیر الہی

شیراز جناب اقا مرتضای زائر سروستانی ملاحظہ نمایند

مناجات طلب مغفرت بخت آقا عباس و مشدی رحیم و کربلائی محمد حسن علیہم بہاء اللہ الہی

۳۱۳

ہو اللہ

الہی الہی و سیدی و ربائی انی اہتہل لی ملکوت رحمانتک و اندلہل لی جیروت فردائیک  
و الودیاب حدیک و استفیض من سحاب رحمتک ان تثل ہولاء الباد سخفات عین رحمتک  
و الطافک و تفرقم فی بحر عنفوک و فخر انک و تجعل آیات فہنک و احسانک انک انت الخیر

ملاحظہ فرمائید

انک انت الغفور انک انت العفو المقدر الکریم الکریم الکریم الکریم الکریم

بواسطہ عینش عماد آبادی

سروستان جناب کربلائی باقر علیہ بہاء اللہ الہی

۳۱۴

ہو اللہ

ای سرمست بادہ پیمان نامہ مضمون رسال میگردد تا سبب شعلہ نار محبت اندر گردد اینعبدا  
نهایت آرزو اینست کہ در نفس بعد کس ز اجبای الہی نامہ نگارد و این نیز نگردد ولی بجائہ رو  
در آئی نامہ رحمانی نگارد و این در نهایت سرعت انجام پذیرد زیرا عالم جسمانی تنگنای عجبی است جمع

ملاحظہ فرمائید

اموش

۲۶۶  
امورش بطلی است نهایت در نفسی چند قدمی طی شود و لکن روح شرق و غرب را در خطبه بیان  
ملاحظه کنید که چند مرتفا و نشت باری مقصود چنین است که آن برست پیمان پیمان در میان  
یران الی بجان و دل بکوشد تا همیشه التیام روحانی دوام نماید و الفت رحمانی جلوه فرماید

وعلیک التَّحِیَّةُ وَالتَّسْلِیْمُ ع

بواسطه جناب زائر که بلائی محمد باقر

جناب آقا بابا و جناب آقا شکر الله و دو وسیل جلیل و دو صیبه محترمه و ائمه الله صرم

موقف ایشان علیم و علیین بها، الله الاهی ۲۱۴

هو الله

ای مشتاقان جمال دلبر مهربان معشوق علمیان و محبوب روحانیان و مقصود ربانیان و موعود  
بیانیان چون از عراق اشراق فرمود و لوله در آفاق انداخت و پرتوی نورانی بر اخلاق زد کون کبر  
آمد امکان سرت یافت حقایق اشیا، محالی الی جست ذرات کائنات دلبر تابی یافت شرق  
مطلع انوار شد و غرب فی اشراق گشت زمین آسمان شد و خاک تیره تا بناگ گشت جلوه  
ملکوت در ملک گردید و عالم ناسوت انبیا از عالم لاهوت یافت جهان جهان دیگر شد و عالم  
وجود حیاتی دیگر یافت این آثار روز بروز ظاهر و آشکار شود و این انوار یوماً فیوماً بتابد و این

خط کاتب در کمال است

نقیه شکر آقا ابراهیم را غنیمت بار گردد ولی افوس که ایرانیان هنوز مانند کوران و کران خجاست  
 گرفتار نورعینند و ندانشنوند و آفتاب نیابند و هوشیار نگردند جدی کنید سعی نماید که ایران <sup>طن</sup>  
 دلبرانه است و فارس مبد، طلوع صبح تابان بلکه بهمت دوستان اهل آستان مشاهده پرتو  
 مه تابان نمایند و از فیوضات ربّ آیات بهره و نصیب برند و علیکم البهائم، الابی ع

بواسطه جناب بشیر الهی

۱۱ ج ۱  
۱۳۲۸

جناب غلامرضای سروسستانی علیه بهاء الله

شیراز

هو الله

۳۱۵

ایبده الّهی نامه شمارسید جوانی بسلامت جراتیر مرقوم گردید البته خواهد رسید ولی آیا امتحان <sup>لها</sup>  
 جائز است لا والله مطلوب امتحان طالب نماید نه قاصد امتحان مقصود عبدالبهاء باید دیگران را آزمایش  
 نماید تا خلوص رایش قلوب گردد مرقوم نموده بودی که سوادی از قرآن دارند پس چگونه صریح قرآن <sup>تلا</sup>  
 نگردد جمال مجیدی برض قرآن میباشد لکن تعلم الغیب لا سکنت من انخیر و مادری نادان <sup>مفضل</sup>  
 بی و بکم خدا با چنین نص قاطعی چگونه امتحان بمیان آید حضرت امیر علیه اسلام در محل بندی است؟  
 بودند شخص منکری گفت یا علی مطمئن بحفظ الّهی هستی فرمودند بی پس گفت خود را از آن محل مرتفع <sup>بند</sup>  
 و اعتماد بحفظ الّهی نماید جواب فرمودند مرا نرسد که امتحان حق نمایم بلکه حقرا نه اوار امتحان عبد کند

باری

خط کاتب در موضعی مبارک

باری با وجود این چیزی مرقوم گردید اگر چنانچه بصبر بصیرت باز شود ادراک شود قناعت حاصل

گردد و علیک الباء الابهی ع ع تامة

بواسطه حضرت غدلیب کلبن معانی

شیراز جناب مشهدی محمد حسین سروستانی علیه بها، الله الابهی

هوائه

۳۱۶

تکمیل

ای بنده حق عون و عنایت حضرت احدیت چون شامل گردد هر نقصی کامل شود

و هر شخصی غنی و متمول چون تأیید رسد و لو انسان هر دم گنجی بخشد ثروت افزون

گردد و خا مانند رود همچون شود و اگر مد منقطع شود دریا بشکند و فرات و سین سراسر

دشت و نامون شود پس مدارا و طلب و تا توانی اجای الیه را معاونت کن تا عون و خیرت

حقراستمرابی و ریح و برکت مشاهده نمائی اگر ممکن است در مسله خانه با جناب محمد

باقر اعانه نمائید و علیک التحیة و الشفاء

بواسطه جناب بشیر الهی

جناب کربلایی باقر سروستانی و آقا محمد رضا و آقا عبد الله و آقا شکر الله و آقا بابا

و جناب آقا مرتضی و آقا حسین اعظمی بآئی علیهم بها، الله الابهی ملاحظه نمایند

خط مبارک  
ایروردگار

مفتون جمال خویش محمد حسن را در جوار رحمت کبری پناه ده و با سرار ملکوت  
ابهی آگاه کن باب غفران گشا و بعفو و احسان معامله نما بپرتو الطاف ظلام آتام زایل  
کن و بنور موبت جبین روشن و غیر نما ایستادند باقر زائر را شمع باهر کن و محمد رضا را برضا  
خویش موافق فرما و عبدالله را منظر موبت الله کن و آقا بابا و شکر الله را شمع هدی فرما  
و اقامت نفسی را غرق در مای الطاف نما و حسین را از آوارگی نجات ده و آزادی بخش و عجز  
و صون خویش را در شان کن توئی مقدر و توانا ع سنا بده

بواسطه حضرت عبداللیم هو الابی

جناب حاجی محمد و جناب نادى سروستانی علیهما بآء الله الاسب

هو الابی

خط مبارک

ای دو برادر یک روح در دو پیکر سه احمد الله اخوت جهانی و معنوی و جسدی و روحی در آن دو  
برادر جمع شده است این اخوت صحیحه صمیمه است مبارک و تمین است باری مکتوب شما  
بواسطه جناب عبداللیم و اصل و ملاحظه گردید از ضیق حال و تسلط اهل و مال شکایت فرموده  
بودید این ضیق و تنگی عمومی در جمیع جهات واقع و با کثر اشخاص وارد حکمتی در اینست ان شاء  
زایل



زائل میگردد قدری صبر و تحمل لازم انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب و اما تسلط  
مشرکین سیرینه الله بقدرته و قوته و العاقبة للمتقين و الروح و البهائم علیک علی  
کُل من ثبت علی الميثاق ع ع ع

هو الله

جناب آقا غلام علی جناب آقا مصطفی جناب آقا رضی جناب آقا عباس علی خان عظیم

بجاء الله الاهی

۳۱۶

هو الاهی

ای دوستان حقیقی در ایندم که نفس رحمانی از ملکوت ابی مشام عبد البهائم  
معطر نموده بدگر شما پردازم ملاحظه نمایند که در چه مبارک دمی بیاد شما مشغول شدم  
قسم بروی و خوی دلبر ابی که قلب بجهت اجبای چنان دروله و انجذابست  
که وصف نتوانم و از فضل قدیم و لطف عمیقش متمسک هستم که چنان  
مجتبی در دل و جان شما بر افروزد که چون عبد حقیرش عبد البهائم جهانرا پر

شعله و آتش نمایند و هر متر لرزیر اثابت و رانج

کنید و البهائم من الله علی الالبهائم ع ع ع

۲۷۱  
بلوک سروستان ویزنگ

اجای الی علیهم بآئنه الابی

هوائه

۳۲

ای پروردگار مهربان این عاشقان آواره کوی تو آشفته موی تو دل داده خوبی تو پوینده  
سوی تو جوینده روی تو لب تشنه جوی تو و شب و روز در جستجوی تو نظر غایتی فرما طفتی  
کن موهبتی بده نعمتی مبذول دار تا از خسرت فراق بیاسایند و جلقت وصال درآیند آواره  
سرو سامان یابند بیچاره اند آسایش جان یابند در بیند دران جویند آزرده اند شادمان گردند  
اهم آه و فغانند بروج و ریجان رسند این ناله و آهند بیارگاه رسند آلتا تو اکای که پناهی اند  
در هر شام و صبحگاهی بگیریند و برآزند و فضل و موهبت تو خواهند فدایا مهرباناریا کرمیا آنچه  
شایان موهبت است رایگان فرما و هر چه مقتضای رحمت ارزان کن نسیم جان بخش بوزان و نغمه  
مشک ذفری بفرست تا دماغ مشتاقان باغ جان گردد و مشام آزادگان پر گل و ریجان شود  
قوتی بده که بخدمت پردازند قدرتی عطا کن که از عده شکر آن بدرآیند و فریاد برآند طوبی لنا  
بشری لنا و فرحاً لنا و طرباً لنا و طوعاً لنا و فوزاً لنا من هذه الموهبت التي اشترقت بها الآفاق  
و تلتلت باشد اشراق و جمعنا علی الوفاق و ازالت عن اهل الارض النفاق و اسأل  
الستیول

خط کتابت و امضا مبارک

الستیول من الایام جئا وشفعا بحال تجلی فی یوم التلاق رب ادر علیهم کاسا داما ودر ختم صبیا  
الفضل والعتا عمدا ویشا ق انک انت القوی المتین لاله الالات العفورا الرؤف العلی

العظیم ع ع

هو الله

بواسطه بشیر روحانی ش جناب استاد جواد سلمانی من اهل تصاد علیه بهاء الله

۳۳۱

هو الله

جانساز

ای آواره من دشت و صحرا پیودی و احرام کوی دوست بستی و بقدر مقدر و رجوع  
منودی ضرر ندارد من بالقیه از تو در آستان پاک روی و مویرا بخاک مشکبوی خوشبوی بینایم و از  
الطاف غیبی رجا میکنم که شام تونیز معطر گردد اصل محبت الله است چون نوید بانی انشاء الله  
بر رعایتی موفق و نویدیشوی و هذا من فضل ربی ما توانی بذکر حق مشغول باش و از یادون برآرد  
و محرم اسرار و سترالی عبودیت درگاه است و محبت و وفای انشاء الله باین فال نیز میگردد ع ع مقابله

حضرت افان سدره مبارکه الفرع الجلیل جناب آقا میرزا آقا بهاء الله

۳۳۲

هو الله

جانساز

حضرت افان سدره ربانیه حسب الارادة المطلقة انکه چون جناب ابراهیم افندی از

نفسی هستند که تازه بشریۃ الہیہ وارد و بر شاطی بجا حدیث نازل قلبشان بانوار هدایت  
 کبری روشن و روحشان بنفحات خوش ریاض موهبت حضرت ربوبیت گلشن لہذا یایہ  
 کہ آنجناب بجمع و حاصل تشبث کہ سبب ازدیاد روح و روحان و اشتغال نار مجتہد اللہ در  
 کیونستان گردد البتہ اور اراضی و ممنون فرمائید و الروح و الہماء و القرواثنائاً  
 علیک و علی سلیک الذی ہو مذکور فیقولوب اہل اللہ و علی سائر الاجزاء ع و السلام  
 متابہ

ہو اللہ

حضرت افان سدرہ مبارکہ جناب اقا میرزا آقا علیہ بہاء اللہ الہیہ پور تعید

۳۲۲

البشارہ محرمانہ

ای فرج عبیل سدرہ مقدسہ مبارکہ جمال قدم واسم اعظم روحی لاجبائہ الفدا درو قسکہ  
 در حیفات شریف داشتند موقیر ادب جل کرمل بکرات و مرآت تعریف فرمودند کہ آنخجل بسیار  
 باصفا و لطافت و نضارت و نضارت است و امر فرمودند کہ آنخجل را بہر قسمت گیرند بسیار  
 بسیار میل مبارک بگر فتن آنخجل بود چہار سال پیش بہر رسیدہ بود آنخجل گرفتہ شد و جزئی ترمیمی  
 دادہ شد و دیباگشت پس سفارش مخصوص برنگون دادہ شد و مکاتب متعددہ مرقوم  
 گشت و نقشہ صندوقی از رضام آنصفحات کہ در جمیع جہات معرفت کشیدہ شد

و ارسال

و ارسال گشت و بشتت زیاد یکبارچه نسبت اتمام شد و بوساطه چندی محل باینگشت  
 وابسته در بین راه در و رود بعضی از شهرها چه شد مسموع آنجا بگشته خلاصه باصندوقی از  
 بهترین شنب بندوق و ستان چندی پیش وارد گشت و یکسال قبل از اینجا جناب آقا میرزا اسدالله  
 را مخصوص فرستادیم تا آنکه با تخت روان جدمطهر و میکیل مقدس و عرش عظیم روحی تشریفه  
 را از ایران با کمال توقیر و خضوع و خشوع و احترام با چند نفر اجاب حل نموده وارد ارض مقدس  
 نمودند حال در حیل کرمل مشغولینا، مقدس هستیم و انشاء الله شمار اینز میخواستیم تا با ما در سنگ  
 و گل کشی در آن مقام مقدس مبارک شریک و سهیم گردید و اقباس فیوضات غیرتناهیه کائنات  
 و باین شرف اعظم موفق گردی و بزه بشاره لاقابها سلطنته الملک و السموات فی الحقیقه چنان  
 سرور و جهوری دست داده که وصف نتوانم زیرا آن عرش مقدس بسیار مورد انعام  
 اهل ظلمت شده بود الحمد لله بعون و غایت جمال قدم چنین اسباب فراهم آمد که

در نهایت عزت جمیع اسباب مهیا گشت که محل حیرت کل خواهد

شد و الباء علیک و علی افغان  
 الدرة المقدسة هناك متناهی

حضرت افان سدره مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بها، الله الابهی پور تعید

هو الابهی

خط مبارک ۳۳۲

اینا الفرع بحلیل من السدره المبارکه خبر وصول محفوظ و مصون سبب فرح و سرور گردید  
 هذا من فضل ربی ان ربی لعلی صراط مستقیم در خصوص امور متوکل بر خدا باشید و مطمئن بفضیلت  
 ملکوت ابهی عنقریب ملاحظه خواهید کرد که آثار تائید از جمیع جهات احاطه خواهند نمود در خصوص  
 ارسال حضرات حال و رقه مقدسه قدری کسر پیدا نموده بود الحمد لله رفع شد ولی هنوز  
 قدری ضعف باقی و از اینگذشته هوا کرم انشاء الله هوا مامقل شود و شهادت  
 ممکن حاصل نمایند و امور منظم گردد که مشغولیت زیاد داشته باشند و قش خواهند

آء و الیهما، علیک ع ع

هو الله پور تعید

حضرت افان سدره مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بها، الله الابهی ۳۲۵

هو الابهی

اینا الفرع بحلیل من السدره المبارکه چند هفته پیش مکتوب مفصل مرقوم گشت و ارسال شد

و آنجا

خط مبارک

و تا بحال خبر و وصول نرسید چون مکتوب هم بود لهذا تکرار مرقوم میشود مقصد اینست که  
اینعبده بدرجه مشغولی که بوصف درآید با وجود این مرقوم گشت شما ملاحظه فرمائید  
خواه بنویسم و خواه فرصت نکنم البته شما همیشه مرقوم دارید ع ع سائمه

۳۲۶

هو الابی

اینده کان الی مشک بذیل تقدیس جوئید و در ظل میک توحید با هنگ ملا اعلیٰ پیل  
و تکبیر مشغول گردید و در خدمات دوستان جانشان نمائید هر یک خادم یکدیگر شوید زیرا  
خدمت اجاباء الله خدمت حقیقت اجابای پور سعید فی الحقیقه سبب سرور اینعبده استند  
زیرا بخدمت یاران قائمند و در نصرت امر الله مشغولند طوبی لهم و حسن مآب لیبنا  
علیکم یا اجاباء الله و او دانه ع ع سائمه

هو الابی

حضرت افغان جناب اقا میرزا اقا علیه بباء الله الابی ملاحظه نمایند

۳۲۷

هو الابی

ایها الفرع الکریم من الشجرة المبارکة الی اصلها ثابت و فرعها فی السماء و توئی اکلنا فی کل حین  
اینچه مرقوم فرموده بودید ملاحظه شد نو ایامی آنحضرت شبیهی نیست که خالص شده بوده و رفته

منفصله طباً للعموم مرقوم شد و ارسال گشت ملاحظه خواهید فرمود حال مقصد اینست که انشاء الله  
 آنحضرت نوعی موفقی گردند که تعدیل و تحکیم امور حاصل و ضبط و ربط و صیانت در جمیع شئون<sup>ظواهر</sup>  
 و محافظه حقوق و مراعات مراتب لائحه و ملاحظه عواقب باهر و صیانت کمپانیه ذریع  
 مراتب کامل و رضایت قلوب و روح و ریجان نفوس حقیقتش بقدر امکان واضح گردد  
 و یقین است بعون الهی و اهت آحضرت جمیع اینها حاصل میشود و البتة علیک

ع ع ع

۳۲۸

هو الالبی

ایضاً منسوب از سرده مبارکه علیک بهاء الله وجوده و عنایت اگر چه جواب نامه آنجناب از  
 پیش ارسال شد و لکن حال چون جناب حاجی عازم موطن و قاصد آن ارض مستند و بخاطر  
 داشتم که چون روانه شوند مکتوبی مرقوم شود که حکایت از کتاب قلوب کند و راز درون نماید  
 لهذا باینچه کلمه پردا حتم و بر زحمت شما میفرودیم آئی نمیگذرد که بخاطر دوستان معنوی نگذری  
 و دمی زود که بیاید همچنان حقیقتی نیائی در هر محفلی بیاید تو مشغولیم و از غایات سابقه فضل و نبوت  
 لایحه مسئلت بنمایم که آن افغان دوسه بقارادر جمیع احیان بفیضان ابر رحمت سبز و خرم دارد  
 و با شمار طیبیه شمر و بارور سبیل علاء کلمه الهیه نماید و واسطه نشر اشراق رحمانیه گشایش

قلب

نظر مبارک



قلب غایت کند و فحمت و وسعت دل و جان ارزان فرماید تا در انجمن یاران  
 بانوار فضل رحمن روشن و منور باشد و آثار موهبت یزدان مشهود و منصور و البهائم

علیک ع ع منانه

هو الله

شس ا ج ای الهی علیم بیا، الله الایهی

۳۲۹

هو الله

رب و منائی و الهی و رجائی هوآء، عباد سمعوا النداء، و لبوا بحل و لآء، و و فآء، و  
 و صدقوا بآیاتک الکبری و انجدوا بالاشراق و توجهوا الی نیر الافاق و ثبتوا علی المیشاق  
 و لم یکتروا بمانی اوراق تشبهات من التفاق و الشقاق بل ثبتوا و نبوا و استقاموا و  
 استفاضوا من حیاض موهبتک الّتی شاعت و ذاعت آثارها و سطعت و لمعت انوارها  
 و ماجت و ماہجت بحورنا و فاضت و امطرت غیوبها و انهرت و انسجت غیوبها  
 ای رب اجعل مجاری نیک محرام مجاری ما، فیضک لتازل من غمام الفضل و الاکرام ثم  
 اجعلهم خدمۃ عقببتک المقدّسة السامیة المقام و ساعین فی اعلا، اركانہ المعطرة الارجاء  
 و کبیتین علی تربة المغبرة الشذا و اجعلهم خدما خشنا رکنا سجداً فی ملک المحضرة الرحمانیة

خط مبارک

العیة البنا، انکانت النیرز القدیر ع ع سنا بمر

هو الله

حضرت افان سدره مقدسه جناب اقامیرزا آقا علیه بآء الله الاهی

هو الله

ایمان الذرع الجلیل من السدره المبارکه مدتیست که با حضرت چیزی نگاشتم هر قدر کلمه و شکوه

۳۳۰  
عظمت

نمائید حق باشماست زیرا اقله راهی ارسال نامه کی واجب و لازم و در هر دو پیغامی  
فرض و متختم ولی اگر بدانی که عبد البنا، در چه طوفان جنبه بتلا و در چه بحران مصائب و بلائی  
گرفزار بسته در دهری اسطری قاعحت نمائی و معذور داری با وجود این هجوم ان  
که عازم تشرف باستان مقدسم که روحی جدیدیایم بیاد شما اقدام و نجارش این نامه

پرداختم و بوکالت شما بر خاک آستان تربت پاک افتاده بالتیایه

زیارت خواهم نمود حضرات افان سدره مبارکه را کبیر

و تحت البلاغ فرمائید و همچنین سایر دوستانرا

ورقه مقدسه کبری و صغری را کبیر برسانید

ع ع

هو الله

ش حضرت افان سدره مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بآء الله الی

۳۳۱

هو الله

ایها الفرع بجلیس من السدره المبارکه الی الی هذا فرع من الشجره المقدسه الی اصلها  
 وفرعها فی السماء، وتولی فی کل من کلها یرتب اجله ممتد امر تقفاً مخضراً غصناً رطباً بواهل  
 المواهب وما یرى سواکب التجائب یرتب ایدیه علی نشر النفتات ووقفه علی ترویج  
 الکلمات وتفریح القلوب بالمرآت وتفریح الکروب للملئت بالبشرات یرتب  
 ثبت به القلوب ودرکز به الامور وفرج به الموم واجله آیه الروح والریحان بین ملاء  
 الایقان واجله مشغولاً بما یریدہ عزاً فی الامکان وحصراً وقاته علی اعلا، کلمتک بین  
 اهل الاکوان انک انت الکریم المنان ع ع سمانه

هو الله

ایها الفرع المحترم الیوم یجمع قوی بکوشید که اجبای الی نهایت اتحاد و اتنا قرا  
 حاصل نمایند چه که از اعظم فرانس ریزه اریاح تر زلزله بشجره میثاق احاطه نموده است دره حلا  
 یازان تم مارانت بهر وسیله باشد باید بمعبر البطل کله وحدانیت دلالت بکلمت

کرد و البتہ، علیک ع ع

ہوائے

شیراز حضرت افان سدرہ مبارکہ جناب آقا میرزا آقا علیہ بہا، اللہ

۳۳۲

ہوائے

ایہا الفرع الرفع من الشجرۃ المبارکہ مکاتیب آنحضرت رسید معاً ثبوت پر پیمانہ  
الی بود امید از تائید رب مجید چنانست کہ در جمیع امکانہ و از منہ و احوال موفق بیبودت

نظر مبارکہ

آستان مقدس گردید و خدمت بامر اللہ و اجابہ اللہ نماید اینست ثمرہ وجود و جوہر مقصود  
حضرات افان شجرہ مقدسہ چندی بود در نزد ما بودند و بر باریت تربت طاہرہ مشرف مقصود

این بود کہ ہمیشہ از این در اینجا بفوز عظیم طواف موفق باشند و کلی ہما

آنحضرت و بخصوص کہ میرزا بدیع ذکر اندک کسالتی نموده لہذا

حضرات خواہش مراجعت نمودند اینغیدیز بلا حطلہ اینکہ

شاید تنہائی سبب صدمہ و دل تنگی باشد اجازہ داد

انشاء اللہ بنہایت سرور و بشارت بر حجت

میر فرماید ع ع

ہوائے

ش حضرت افغان سدره مقدسه مبارکه سینا  
علیم بهاء الله الابه  
۳۳۳  
هو الله

ظنبار

ای افغان سدره متقی و ای جای بنال بهی بیت مقدس و مطاف ملاء اعلی را باید از بهر حجت  
در کمال حکمت حفظ و صیانت نمود و بجزمت و بندمت کوشید این بعد از خدام آن آستانست  
ملاحظه نماید در ملکوت آبی آن مطاف روحانیان چه قدر اهمیت دارد باری باری فارسی کل در ظل آن  
مقام مقدسند و اما بقعه مقدسه معطره منوره حضرت حرم روحی ششاق استقام و الله قدس  
باید در نهایت احترام آنرا محافظه نمود تا وقت ارتقا عیش آید و آن مقام مطاف ارواح  
قدسیان را باید افغان سدره مبارکه از قبل این بعد طواف نمایند و بقعه معطره مقدسه حضرت صم  
کبریا را زیارت نمایند ع ع شانه

هو الله

ش حضرت افغان سدره مبارکه جناب قاسم میرزا آقا علیه بهاء الله الابه  
هو الله

ظنبار

ایها الفرع المکرم من سدره المبارکه چندی بود که حضرات افغان علیم بهاء الله الابه را احضار نموده بودم

در ارض اقدس بودند از قضای این ایام بلایای این بعد در شدت میجان بود بقسمیکه شب از روز ممتاز این بعد  
 نتوانست که از هر جهت ملاحظه اسباب روح و ریجان نمایم باری ارض مقصود نفسی منتقل که وصف  
 نتوانم ثبوت و روح این بعد و سکون ثابتین نگه داشته است و چون اسباب تشنه و گرفتاری  
 از هر جهت میتا بود مبادا عند حدوث الصعوبات و اشد اشد مشکلات حاصل گردد مصلحت چنین  
 دیده شد که اقلأ حضرات نیز مبتلا نگرددند ایشانرا روانه بقطر مصر نمودیم که تا جواب از آنجا برسد  
 در آنجا صبر نمایند باری مختصر اینست که امورا آنجا و ایشان ترتیب و تمشیش بدون تلف  
 آوردن شما ممکن نه و از پیش نیز مرقوم گردید از ثبوت و روح اجبای الهی و تمسک و تشنه  
 بعد و میثاق مرقوم نموده بودید معلومست نفوسیکه مؤمن بآیه و موقن بآیات الهی هستند  
 اگر جمیع من علی الارض قیام نمایند و بخواهند مقدار ذره بلقرانند البسته حاضر مانند چه که این نفس  
 از کس غایت هر مست گشتند جز بنفحات قدس الفت بخویند و جز بانوار الهی منجذب  
 نگرددند و البهائ علیک ورقه مقدسه والده افانرا تکبیر ابرع ابی ابلاغ فرمائید و چنین

جمیع دوستان الهی را از قبل این عبد کمال

اشتیاق نمائید و البهائ علیهم اجمعین

ع ع سنا

شیراز حضرت افغان سدره مبارکه جناب قایم‌زادگان علیه‌س‌آله‌آلین

۳۸۳

هوا

خطاب است به صاحب‌الکرام

ایها الفرع الرفیع من دوحة البقاء نورانیت امرالله جهانرا بصبح نیر و نورمین روشن نموده و نسیم  
 رفیم حیات بخش جنت ابی شرق و غرب را معطر فرموده صوت تهلیل و تکبیر که بملاً اعلی میرسد  
 و آنگاه تنزیه و تقدیس است که روحانین را جذب و وله میدهد قدزم کبریا چنانچه بگویند که سوال  
 کائنات را مستغرق نموده و نارالله الموقده چنان شعلزده که قلوب اهل ملکوت را محرق کرده  
 جهان جهان دیگر شده و اقلیم و کشور حیات بشر گشت روح پرور یا فقه لئذا همواره عبدالبهار کل  
 جات منتظر ظهور انوار شوق و شغف است و متمرصدانار جذب و وله امیدوارم که آن فیلسف  
 بنسیم الهی رشک بهشت برین گردد و آنگشور از فضل و موهبت جلیل کبر فخر و مهابت عالم بشیر  
 شود لئذا باید جمیعاً شب و روز بگوئیم تا هر روز نور روز گردد و هر دم ساعت فیروز و نورانیت  
 و وجه یاران شمع شب فروز جمع اجای الیها بالاطاف نامتناهی بشارت دهید تا کل از این  
 بشارت رحمانیه باهنرا آیند و در ارض الفت و محبت الله مشغور گردند و علیک التحية و الشان

ع ع ستائمه

یا حضرت افغان کتوبیکه از پیش مرقوم شد و دلالت بر احزان عبدالبهائم نمود سببش این بود که او گاهی بعضی از یاران از یکدیگر شکایت ضمنی نمودند و عبدالبهائم سکوت میکرد و مناجات مینمود و رب و توفیق بین عبادک بر زبان میراند تا آنکه در یک پوسته مکاتیب متعدده از اشخاص چند وارد و معاذ الله با شمع عبارات مذمت اجباء چنان خالقی دست داد که بی اختیار آن کتوب مرقوم شد و الا این نگشته صحرای فا از یاران شیراز شکایتی ندارد بلکه نهایت محبت را دارد

اصلاح ۳۳۵ این خط مرقوم است

ع ع

هو الله

شیراز حضرت افغان سدره مبارکه جناب آقا میرزا قاسم علیه بآه الله الای

۳۳۹

هو الله

ایها الفرع الرفیع در ایندم که از احزان مظلومیت شده‌آ چنان تش حسرتی در دل این سجون مظلوم افروخته که ابد احوال تحریر و تقریر نگذاشته معذک لک اینعبد بنگارش این نامه پردخته زیر امتصود این بود که مبلغی تدارک شده بجهت تعمیر بیت مقدس ارسال گردد و الا آثار و تحسیر نه بدرجه که قلم تجوال و لسان تحکم تواند و این نظر بصدمات و بلیات وارده بر حضرت شده‌آ روحی لم الفد است و الا چه موهبتی اعظم از این وجه الطافی اکل از آن که جان

خط مبارک



در ره جانان فدا شود و تن در محبت آن گل پرین در خاک و خون غلغلده غمگین کل ترک  
 دغدغه اینجان ظلمانی مینودند و بدرگاه احدیت بی زاد و قوشه و ارمغان و هدیه توجه میکردند  
 حال هر یک با ارمغانی از سرفدا و هدیه خون شهادت کبری بدرگاه کبریا، توجه فرمودند چه  
 قدر فرق در میانست حضرت اعلیٰ روحی له الفدا در حسن القصص میفرماید یا سیدنا  
 الاکبر قد فدیته بکلی لک و ما تمیت الا القتل فی سبیلک باری از برای شهداء  
 موتهی اعظم ازین نه که روصد رسیدل آن محبوب بیهمتا فدا نمایند رب و فتنی علی هذا و اما  
 از جهت امر الله و اعلاء کلمه الله شجره مبارکه سقایه کامله شد و غمگین چنان شوونما  
 نماید که امتداد و ارتفاع جوید که عقول حیران گردد و قوعات پیش برهان عظیمست  
 خلاصه مواری چناه لیره فرناوی ارسال گردید یعنی هزار فرنگ حال پیش از این ممکن نشد  
 از طهران جناب امین اگر ممکنش ن باشد نیز خواهند فرستاد ع ع

از جهت احسن الصبر

هو الله

ش حضرت افغان سده مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بآ الله الالبه

۳۳۷

هو الله

خدا مبارک

اینا المع الممه من الله الزمانیه آنچه قوم منزه بودید مظهر کبریا از روایات و حکایات

نه مهر و رشود و نه محزون حرف همان حرفست و لن تجد لنته الله تبدلا ان الله مع  
 الصابرين ابن ايام عبدالبهاء بخشش تجدیده و در طوفان بلا چنان مستغرق که وصف نکر  
 در بحر ان عظیمست حضرات افغان سدره مبارکه را تکبیر اربع ابی برسان در یوم اول  
 رضوان از قبل عبدالبهاء زیارت بیت مقدس نماید ع ع متکلمه

هو الابی

جناب افغان سدره مبارکه اقا میرزا آقا علیه بقاء الله

۳۳۸

هو الله

ایها الفرع الجلیل من السدره المبارکه یک نسخه از بیان پنجاب اقا سیدمدی بد مید و اگر چه آنچه  
 موجوده حضرات افغان تقسیم نموده مرقوم نمایند و تسلیم کنند و البقاء علیکم و علیهم

ع ع متکلمه

هو الابی

ش حضرت فرع رفیع جناب اقا میرزا آقا علیه بقاء الله علیه خطه نمایند

۳۳۹

هو الابی

ایها الفرع الرفیع من السدره المبارکه مدتیست که آنجناب وارد ارض شین گشته اید و تا

بجال

بحال یکسختی وارد فوراً جواب مرقوم و ارسال گردید ما مظهر آن بودیم که بور و دشمنان  
 اشغال نمودار گردد و اجنبی آسمان در شور و شوق و فوران و ذوبان آیند و رود آنجناب  
 چون دخول موکب موسوم بر بیع باشد که در لیل و دیار خیمه برافرازد و در صحرا و دشت با سپاه  
 فیوضات بتازد هنوز خبری نرسید و اثری ظاهر نشد باری ظهور و بروز لازم و آثار  
 ورود و وفودی واجب اینعبودر آستان مقدس شب و روز متضرع و مبتل که بنود نمایند  
 ظمیر گردد و ملائکه ملکوت نصیر انشاء الله من بعد تلافی مافات خواهد شد حضرت میرزا <sup>سید</sup>  
 و حضرت میرزا بزرگ مکاتیبشان میرسد فی الحقیقه در بعضی شئون ترقی نموده اند و حال ایشان  
 بسیار موافق و جواب هر مکتوبشان مرقوم شد ایروز ما احضارشان نمودم غنیمت وارد  
 خوانندگشت مصائب و بلاها و آرزوی آن اقلیم فارس شدید شده است و امتداد <sup>نیست</sup>  
 اگر چنانچه رفع این بلا و دفع این مصائب بیهنتی را نخواهند باید مسجدی را که جنب بیت <sup>سید</sup>  
 تعمیر نمایند و در آنجا تضرع و تبتلی و استئصال و توحیدی و عجز و نیازی مجری دارند و دفع بلا خواهند  
 و کشف صغیراً جویند تیر دعا در هر طرف استجابت کارگر گردد و بکلی این بلاها منقطع شود  
 و ذلک بعد غیر مکتوب بل مسطور فیلوح محفوظ عند ربک العزیز القیوم ایفرع رفع  
 ما خلفت ان که عواقب تجارت و صنایع و مساعیت چه بود و چه شد داشت تمام هلاک بود

یا شهد نجات مضرت جان بود یا سرت و جدان فاعبر و یا اولی الاهدای پس در فکر  
تجارت و زراعت و صناعی باشد که نثرش شیرین و رانجه اش غنبرین و بخشش عظیم و روش  
در ملکوت علیین باشد ع ع

هو الله

ش حضرت افغان جناب آقا میرزا آقا حلیه بنه الله الابهی ملاحظه نمایند  
۲۴۰

هو الله

ایها الفرع اجلیل من السدرۃ المبارکة مکاتیب متعدده و اصل و بر مضامین اطلاق حاصل  
تاخیر جواب از شدت تأثیر بلا است نه از مسامحه در قضایا مختصر اینست که دقیقه فرصت و آ  
و آسوده گی خوشتر نه تا مکاتیب چنانکه باید و شاید مرقوم گردد لهذا بعد از تأخیر افاقت شاملال و کلاسا  
نیارید و همچو بدانید که بعد البهائ، نهایت آمالش سرور و فرح قلوب اجبا و بالاقصافان سدر  
مبارک است و شب و روز بجان و دل کوشد که سبب روح و ریجان دل و جان گردد و چون  
از آنجا که کمال الطینان حاصل لهذا تحریر مکاتیب را بوقت روح و ریجان مرمون مینمایم تا بکمال  
انشریح مکتوب مرقوم گردد از وضو، علی مرقوم نموده بودید این امر نیست مقرر که آن نفوس متحل  
انتشار نجات الله نمایند و تمام قوی مقاومت خواهند حمد خدا را که در مقابل تعرض شدید آنان

خطاب به روح و باطن

نوت

ثبوت و روشنی سیاران عطا میفرماید که مقاومت سبب شدید کنند و چون بنیان حدیث متانت  
 عظیم بنمایند حضرت رئیس محمده نفس نفیس مقاومت هر خدیره انموده و مینماید جملای قوم  
 در آنندینه البتة تحمل نفوذ کلمه ایشانرا نمایند لهذا باید که اجانوعی بحکمت با آنان برآیند  
 و حرمت و رعایت کنند که بقدر امکان تا مره حسد ساکن گردد زیرا این نفوس بتلای حبت  
 ریاستند چون رعایت مینند از همه چیز چشم پوشند و چون اندک زحمت در ریاست خویش مشا  
 کنند بمشابه آتش شعله زنده حضرت رئیس فی الحقیقه کمال سلوک را دارند ولی مقتدای شهر  
 سعادت و شهرت طلبند و چون مخالف آرزوی خویش میند بثرات بر خیزد بهر قسمت تسکین  
 شعله او بنماید و صبر و تحمل فرماید و بحال حکمت اجمری دارید باری محمده اعلم حضرت شیراز  
 در نهایت بردباری و بعدالت و انصاف مقاوم ظلم و اعتسافند و همچنین ارکان سلطنت  
 قاهره و وزراء حکومت باهره لهبسته راضی بتعدیات و ستمکاری بیخردان نگردند و در امنیت  
 و راحت و آسایش رعیت کوشند و عا بنمایند که اعلم حضرت مظفر منصور گردد و احدایش  
 مغلوب و مقهور زیرا فی الحقیقه پادشاه دربانست و شهریار رعیت پرور پیر احسان  
 امید داریم که اتفاق حق فرماید و دست تظاول درندگان را معطوع فرماید جناب  
 میرزا علی حسین که انسان انگیزین ما بهند ما دون غشیه از برای بعضی مکتوب نوشته بود

مرقوم می شود مقام مقدس حضرت اعلیٰ روحی لدا لفا، در کمال گرمی روز بروز بلند می شود  
 و غریب یک طبقه بسیر عظیمه که محاط با ماکن متعدده در کمال تنانت با تمام رسد ولی نمیدان  
 که یوفایان چه قدر معارضه کردند و چه قدر فدا نمودند که تا این بنیان بلند نگردد و این مقام رفیع  
 نشود الحمد لله بعون و عنایت الهی با حقن مشغولیم تا بعد چه شود الامر بیده و سخن راض بقضای  
 حضرت افغان سده مبارکه را کبیر برسانید و همچنین جناب غذلیرا از هر جهت نهایت محبت و  
 الفت با ایشان مجری فرماید و از وقعات علم محزون نباشید این یقین است سبب حلوت  
 امراته گردد و ذل و هووان ستمکاران فوسف تربی هوآ، فی ذل عظیم و اگر تحریک  
 و فساد آنان نباشد صیت امراته بلند گردان فیدلک حکمته لاوولی الابصار و علیک التحیة

و ایشنا، ع ع نشنا

هو الله

حضرت افغان جناب آقا میرزا غلیه بها، الله الابهی ملاحظه نمایند

ش  
۳۱

هو الله

یا من یسع یناحی و ینحی و نوحی و ینحی الیه فی حجج الیقینی و صباحی و اسحاری و کبوری و ضحائی و زوا  
 و اصیلی و عشائی منذ تلاباب احدیتک و حضرت رحمتیک و خافنا جاحی للذین آمنوا  
 و آیاتک

خط مبارک

وآياتك وثبتوا على امرك وتمسكوا بدينك وتشبهوا بذيل برداء احديتك وخلصوا  
 وجوههم لك وتركوا كل شروعاتهم ولقد سوا عن كل الشبهات في عهدك وميثاقك وتزولا  
 عن كل ظن وارتباب في محجك البيضاء وشريكك السما، ربى ربى انت ترانى وشدة  
 بلائى وهجوم اهل الخصوم على حمائى عن يمينى ويسارى وجنوبى وشمالى من سائر الاديان وطوائف  
 اهل البيان ايرب اتى وحيد فصرنى ذليل عزيزنى حصر اخطى فقير عظمى ضعيف  
 قوتى عطشان فاشفى سقيم فاشفى ارحمنى يا الهى ختصنى من هذه البليات  
 ونجى من هذه المصيبات واجرنى من هذه الوهده فى جوار رحمتك وارحبنى اليك  
 وارفضنى الى ساحة عرگ وادخلنى فى تلك فيعوالم التى غفلت عنها طفاة خنقك وعصاة  
 برتلك ايرب ضاقت على الانحاء وسدت على ابواب الرجا، وتبدلت بالثقة  
 الرجا، وتصر كل يسور وظهر كل غم وهم معصور ايرب ايرب اسلك بقدم ذاك غرة  
 قيومتك ان لا تتركنى يا الهى مع هذه الحالة التى يرق ويرثى لها الصخرة الصماء لك  
 انت الكريم الرحيم المقدم المحان المنان الرحمن ع ع سائده  
 العالى هذا فرع من فروع سدره ربانيتك وآية من آيات ملك وفردانيتك احفظه  
 عن سهام الشبهات وظنون اهل لاشارات وادخله فى حصنك الحصين وركنك المشيد

المین و حسنہ بتوگ القاهره و قدرک الباهره و اجده سداً منیعاً متواماً للسیول  
 المنخره و ممانعاً شدیداً للجوم الجیوش لفاکمه البحیره الماکمه لستر صرتک بین الوری الشاکه  
 السلاح باشد القوی ایرب ثبتاً قد امناع علی المیشاق و حفظنا عن الشقاق و جعلنا  
 متمسکین بعر وک لو ثقی و منقطعین عما سواک یا مالک لآخرة الاولی انک سمیع الدعاء  
 ع ع ع

حضرت افغان جناب میرزا بزرگ و حضرت افغان آقا میرزا جیب را اجازه حضور داده وارد  
 شد و بتفحات قدس مطاف ملا اعلیٰ مشامر محظرم نموده چندی اینجا بودند و مرجهت کردند  
 فی تحقیقه بسیار معقول و محبوب بودند از فضل و مودت جمال قدم روحی لاجبانه الفدا امید وارم  
 که در جمیع مراتب و شئون روز بروز ترقی نمایند در خصوص اشغال و تجارت میل این داشتند  
 که خود و برادر بکاری علیحدّه مشغول گردند و آزاد باشند و این عبد گفت که مرجهت با انتخاب  
 نمایند و استیذان نکنند اگر چنانچه شماراضی باشید ضرری ندارد در خصوص تعمیر بیت  
 مرقوم فرموده بودید که سبب ضوضاء خواهد شد فی تحقیقه حضرت آقا میرزا آقایی افغان  
 علیه بآ، الله الاهی نهایت شکایترا از بلایایی متابعه بکلاد فارس و یزد مرقوم نموده بودند  
 و استدعای دعا در نوشته مبارکه کرده بودند اینعباراً منظور چنان بود که این بلایا با سبب



رفع شود که سبب علو امر آنه و اعلای کلمه الله باشد لهذا تعهد این کیفیت را  
 نمودم که چون آن بیت معمور و مطاف جواهر وجود آباد و معمور گردد این بلا یا بیماریها  
 زائل شود و اما الیوم نفسی در هیچ عهد با تقسیم واضح و مشهود تعهد اینگونه امور ننموده  
 مراد از نبود تاحت الیه بالغ نشود و شرف و منقبت آن بیت عظیم مقدس ظاهر و باهر  
 گردد حال که اسباب وضو، و فساد اهل طغیانست البته ملاحظه حکمت لازمست  
 پس تدبیری باید نمود که فی الجمله تسهیل و تخفیف در بلا حاصل گردد و تا این بلا یا خدا نکرده است  
 نیاید و آن اینست که گفته شود که مسجد جدیدی که قرب آن بیت رب جلیل است و ضریح است  
 شخصی را ولیا، که در جرح جامع ماهرت استخراج کرده است که اگر چنانچه آن مسجد تعمیر تمام گردد  
 این بلا یا میسر مه تخفیف یابد و این غیوم مظلمه کشف شود چاره اکنون آب و روغن  
 کردند زیرا این مسجد شرف قرب جوار دارد بقدر این جواریت حکم و تأثیر  
 دارد بنیان بیت معمور نیست ولی آب پاشی آسانست و جاروب کشی میدان  
 همچو بظن نماید که از این چندان حرفی حاصل شود و اگر ملاحظه فرمائید که این نیز منجر بزیادت  
 و کجایات و فرغ ناس و جرع خلق و وضو، میشود باید تسهیل داشت البته حکمت  
 را و امر الیه است ملاحظه لازمست و محافظه الزم و آنچه الیوم اهم امور است

ثبات و استقامت کل بر عهد و میثاق الهی است اما نجان ثبات بعضی که عبارات از لفظ هست  
 و بس چون شهادت بر سالت حضرت رسول از بعضی و الله یشهد انک لرسوله و ان  
 المنفقین لکاذبون ع ع سابعه

هو الابی

حضرت افغان جانب قایم بر آقا علیه بیا، الله الی ملاحظه نمایند  
 ۳۴۳

هو الابی

ایها الفرع بحلیل من التدره المبارکه قد تموت کن بک لذل بکت العیون حین اطلاق علی  
 و احترق قلبی من حرقة نارک و شدة نیرانک و کثرة اخراک و ایتهل الی الملکوت الی  
 ان یفرغ علیک الصبر فی البلاء، و التحمل فی الفراق اذا اشتد الیق بالیق و اقرب الیوم  
 الميثاق و ان یجعلک فرحاً لاجتباء و سروراً لاوداء و سکوناً لا ارتقاء و مسلیاً لا صغیانه  
 کلمات پر ضرب آنجناب سبب هجوم آلام و اخراج گشت هر چند از اصل نار احراق در شدت  
 اشغال بود و جنود هموم در نهایت هجوم و لکن از قرائت محررات شعله اش شدید تر شد و  
 سولتش قوی تر گشت بعد صعود جمال مقصود دیگر طوفان بلاست که بر پاست رحمت  
 جستن و آسایش خواستن و ارامی طلبیدن در بحر عظیم خشکی تحریری نمودن و در آتش

سردی و تری جستجو نمود نیست باید ابداً امید رحمت و مسرت و محفوظی نداشت  
 همچنان که خواسته بودید بدرگاه احدیت تضرع و ابتهال رفت که توفیقی غایت فرماید که بجای از  
 رخصت و مشغولیت بعالم حسرات خلاص شوید تا فارغ و خالی و خالص بر خدمت امرالله  
 قیام نمایند و بشئونی موفق گردید که از لوازم اینفروع مکرم است محزون شود و چون  
 گردد هر بلای چون سیف زنجیرهای تعلقه اقطع بیندازد فی الحقیقه این بلا نیست عطا  
 جای سگوه نیست جای شکر است تا بدانی که در جمیع شئون این عالم جز حسرات و  
 خسارات نبوده و نیست و البهائ، علیک ع. ع. تباراً

شیراز حضرت افان سده مبارکه جناب قایمیزا اقا علیه‌السلام آله الابی  
 ۲۴۳ هوالله

کتابت در محراب مبارک

اینا الفرع الکریم من سده استی ارکرت مشاغل و قوت مصائب و عدم فرغت جوایب قدری  
 افتاد سبب نخلت گشت و لکن المبیون معذور نامه آنحضرت که بتاریخ بیت و دوم  
 صفر هزار و سیصد و نوزده بود و هسل گردید و بر مضمون اطلاع حاصل شد شرحی مفصل از علت  
 و الصاف حضرت حک منصور قوم نموده لادید سبب سرور و جور شد و البته سبب عون و غایت  
 رب غفور و خواد گشت و آوازه اینقدرل موفور شهرت اعصار و دهور گردد از رضه ایسلیم

بجود لم ترو ما موثق شود و بخدمت اعلی حضرت شهریار خلد الله ملکه مؤید گردد اینقدر اتر ا  
 شکرانه باید و این داد پروریر اخیر خواهی شاید پس باید جمع یاران بدل و جان اطاعت  
 و خدمت نمایند اجبای الی باید مانند اغنام رحمانی مطیع شبان باشند و بحال صبر و بردبار  
 حرکت نمایند از شرف شهریار و تیرانداز فارسی بطواف بیت مکرم مرقوم نموده بودید بسیار  
 سبب سرور گشت یا لیت کنت معمم فافوز فوزاً عظیماً مکتوب جناب شهریار و تیرانداز فرات  
 شد سبب روح و ریجان گردید و جواب مرقوم شد و در طی این مکتوبت برسانید حضرت  
 افغان سدره مبارکه مع ورقه نوراء و الهه شان تکبیر ابداع ابی البلاغ فرماید علیک  
 التیة و التثناء ع ع معاً

هو الابی

۳۴۴

حضرت افغان جناب آقا میرزا آقا علیه بها، الله الابی ملاحظه فرمائید

هو الابی

وانت تعلم یا ای مبلغ حبی و فرط هیامی و عظیم و دادی و شده تعلقتی با افغان سدره رحمانیک و شوق  
 دوخته فردایتیک فو عرکک الظاهرة الباهرة التي ذلت الافاق لعلوها و عنت الوجوه لسموها و  
 ضفت الرقاب لسلطانها اتنی مستغرق فی بحر محبة کل ورقه من اوراق شجرة ربائیک فكيف  
 فنن

خط مبارک



فرح لطیف افان سدره رحمانیه حضرت آقا میرزا حبیب الله و آقا میرزا بزرگ علیهما بآء الله  
 الابی بشمار قوم نموده اند قابلیت این نداشت که من چیزی بنویسم و خبر دهم لهذا  
 اشاره شده بود مقصد اینست که شما باید در امور عظیمه فکر نماید ایوم یومیت که باید کل  
 اندکار را فراموش نمود و جمیع فکر و هوش را متوجه امر واحد نمود و آن اعلاء کلمه الله و نشر  
 نجات الله است در هر عهد و عصر امری مؤید ایوم جنود ملکوت ابی ناسر نفوسیت  
 که کتلی از خود و خویش و بیگانه بپهزند چون شعاع در جمع آفاق روشنند و چون گل معطر  
 زینت هر گلزار و چمن شب و روز جز ذکر دوست وردی ندارند و صباح و مساءً  
 بغیر از حمی علی الفوز و الفلاح ذکر می کنند این نفوس مؤید بفریق ملائکه ملاء اعلی هستند  
 و منظور بلطفات عین رحمانیت طلعه نوراً در ملکوت ابی الان تکلیف جمع اجاء رحمن  
 اینست تکلیف افان سدره منقی باری بموجب تعلیماتیکه وقت رفتن تلقین شده  
 بقوه یقین قیام نماید ابواب کل خیر را منقوح یا بید باری آنحضرت در حیه محبت من  
 رانچو میدانید با وجود این نباید چنین متأثر شوید همیشه در قلب و جان خویش ملاحظه نماید  
 از آن میزان و جدان من بدست می آید اینعبدا مقصد چنانست که هر یک از افان سدره  
 الهیه شهر مبارکی شوند که مظهر آیه مبارکه اصلاً ثابت و فرعمانی السماء گردند من بشنون خبریه

۳  
از آثار علو و اتساع از حقیقت افان دوحه بقا قناعت و کفایت نینمایم بلکه میخواهم و بدنگا  
احدیت عجز و نیاز میکنم که منظر آیات کلینه گردند تا روح من مستبشر گردد و برمان اینمطلب  
مکاتیبی که با فنان دوحه ربانیه مرقوم نموده ام منجمله بعد از شاخه کتب پنجاب میر خلیب  
و جناب میرزا بزرگ علیها بها، الله الاهی مرقوم شد سوادش در طی این مکتوبست ملاحظه فرماید  
المکتوب که در آن بجهت بعضی مکاتیب خواسته بودید رسیده است لئذا السماء مجدداً مرقوم  
دارید انشاء الله بجهت کل مرقوم شده ارسال میشود از تبرع تعمیر بیت مبارک معظم محترم بیت  
مست حاصل است امیدوارم که باین موفقیت مؤید بطور آثار حمایت الهیه در جمع مشون  
گردید اگر خالی بودن آنجمل پاک مقدس بجای ممکن و میسر و موافق حکمت نباشد بقدر امکان در  
طهارت و نظافت و لطافت و احترام آن بکشید و این بسیار مهمت و زیارتیکه از قبل  
عبدنموده اید بینهایت سبب سرور و جهور گردید در سالی یکمرتبه این نیابت را باید بجای آید  
اجری فرماید ایرتب هذا الفون من افان سدره رحمانیتک و فرع من فروع شجره  
و حدایتک قد قام نیابت عن جدک و زاریتک محرام و طاف حول حرم حدایت  
یارتی الغریز العلام ایرتب قدره الاجرا بحرین و الفضل العظیم فی کل کونک لابی و رفیقک  
الاعلی المکانت الکبریم المتعال دیگر در خصوص وضع آنجات مرقوم نموده بودید و اجازه تفصیل

و تحریر خواسته بودید البته مرقوم دارید در خصوص جمع نمودن الواح الیه که تخصیص بانجناب  
 دارد مرقوم نموده بودید بسیار خوبست و موافق و بی طبع و بی الاک ابداً موافق نیست زیرا  
 بسیار نفوس باین فکر می افتند و از این مشکلات حاصل می گردد و لی شاید نسخه جمع نماید  
 و بخط بسیار خوشی مرقوم نماید و ارسال نزد این عبد نماید بعد ملاحظه خواهد فرمود  
 که چه خوش واقع خواهد گشت و حضرت آقا میرزا حبیب علیه بآء الله الابی بقاشان در  
 پورت بعد خوشترت در خصوص امورات ثما بجناب سیمین علیهما بآء الله الابی مرقوم شود  
 بجناب فضل علیه بآء الله الابی و شأنه کبیر اربع اهل بلوغ فرماید و از لسان این عبد تبلیغ نماید  
 قد جاء موعدک وانت دولک و حانت ازمته صولک و هذا میدان جولک <sup>عنه</sup> <sup>طریق</sup>  
 و اشرع الاستة بیان فصیح بلیغ بدیع طبع تالله الحق هذه استة تحرق لظفرة و  
 تشقب الحبال من جلود الائمة ع ع ساد

هو الله

ش حضرت افغان سدره مبارکه جناب میرزا آقا افغان بولی قامیرزا اجلال علیه بآء الله الابی

۳۴۵

هو الابی

ایها الفرع الرفع من السدره المبارکه آنچه از قلم تحریر تسلیم شد بمصدر قتی ملاحظه گردید مضامین

سبب



سبب تنگی قلب این سخن بود چه که ملاحظه گردید که در احزان فی الجمله سهیم دارم و از تنگی سبب  
 تأثیر و تحسّر شد که بلايا، متواتره و مشاكل امور مصر و اسکندریه بکلی شمار انگلیس و پیراه و این بنوده  
 و این غیب خداوندی چون گواه آگاه هست که امور آنجا برایش از شئون خویش اہم میبارد و در فکر  
 آسایش شمار جمیع احوال بوده از یوم مسافرت تا بحال مکاتیب و مراسلات را با فرعون سدره  
 مبارکه مستمر داشته با وجود مشاغل و مشاكل عظیمه و صدقات و بلیات کلیتہ و هجوم اعدا از  
 جمیع جهات و ترنزل مرکزین در عهد و میثاق ولی بنایت تدابیر خفیه و توہین امراتہ باز در تقصیر  
 ننمود و نخواہد نمود و انشاء اللہ در تربیتشان بقوہ رحمانیہ میگوئیم ولی آنجا از تقصیل <sup>مطلع</sup>  
 نیستید چون آن دو افغان غریبان با نیجا آمدند ذکر نمودند که با آنچه تخصیص فرموده اند میرسد  
 و امور منظم نیست و ملاحظه میشود که اگر مدت عمر بر منوال حاضر بگذرد بهیچ وجه شمره حاصل  
 نخواہد شد اگر مصلحت باشد ما خود بجاری مشغول گردیم و دکانی اداره نائیم البتہ شری بخشد  
 مختصر است که شکایت زیاد از بیثمری حال حاضرشان نمودند این غیب نیز ملاحظه نمود که  
 زیرک هستند در ابتدا هر چند معامله مختصر نمایند در استقبال توسیع حاصل خواهد شد  
 باری آنچه مرقوم شود حقیقت محبت این غیب بایشان نشود و تا بحال در امور احدی مداخله  
 ننموده اند اما در امور ایشان از بہر محبت مداند خواهند کرد لہذا علی العجلہ بی ایشان را

در معیت نزدیک آرم که از جمیع حالاتشان متصل استفسار شود و اینرا محرمانه مرقوم مینمایم که  
بجست انتظام امورشان و ترقیشان در باطن و ظاهر حتی تجارتشان بهتر است که علی العجله به برت  
بیایند و آنچه سهم آنها در شرکت است بگیرند و در بیروت مشغول کسب کردند و این قضیه  
را مستور بدارید و خودتان اگر مصلحت بدانید با ایشان مرقوم نمائید و آنگاه خصوصاً <sup>ذکر کتبات</sup>  
با حضرات او راق ملاحظه کردید حق با شماست حضرات باید بموجب و راق حساب <sup>بند</sup>  
و راج معلوم گردد و بر من تفصیل واضح و از هر جهت محافظه حقوق آنجناب را میخواهم ولی  
کار اینغید بسیار دشوار و مشکل شده است و زمام امور از دست رفته است بلقبیکه  
بنفیس نمیتوان کلمه مخالف رضایش ذکر نمود اگر چنانچه فی الحقیقه تضییق نمائی آن نفس را فوراً  
مترکز لین میثاق بحال تدابیر و خدای مترکززل مینماید بلکه میکوشند تا آنرا بجای از عهد  
الهی بری نمایند بلکه القای بغض در قلبش مینمایند این سبب میشود که آن بیچاره بجای محروم  
میکردد لهذا اینغید تضییق نمیشود که بکسی نمایم و لو بجهت محافظه حقوق دوستان باشد  
الغدر خد کرام التماس مقبول و اینکلمه را محرمانه با آنجناب نوشتم ملاحظه فرمائید که  
اینغید و حید فرید غریب در گوشه طبری افتاده بچه بلایا مبتلا قسم بحال قدم که در آت  
اشیاگریه و ناله و زوبه مینمایند پس مادام که چنین قرار میان شما و شرکاست بموجب  
تفصیل

تفصیل که مرقوم نموده بودید حساب نخواهید تا معلوم شود چه عاید و حاصل شده انبعد  
 بقدر امکان در امور آنجا بیکوشم و بحضرات ینولیم و ارتق میطلبیم که حقوق آنجا  
 محفوظ ماند حضرات نیز البته در صیانت حقوق فخور نخواهند کرد و اگر قصوری حاصل  
 از فطور جبر نیست که در امور واقعه است اسباب چنین فراهم آمده ایشان البته  
 بقدر مقدور تصور نخواهند کرد دیگر آنکه بفرعین محترمین همیشه توصیه در ثبوت و رونق  
 نماید چه که بعضی تأویلات در محکمت حاصل شده است و اهل شبهات متصل در  
 القآت هستند و الیوم اگر نفسی بقدر تم انخیاط گوش را بکلمات اهل شبهات باز کند  
 چنان بلغزد که ابد او خیر اضبط نتواند از جمله القآت اهل شبهات اینست که سفنی میکند  
 بیدمراجعت آیات کرد یعنی اجتهاد نمود با این معنی که هر کس مستغنی است آنچه نخواهد استنباط  
 میکند یعنی احتیاج به تبیین نیست ملاحظه نماید که این کلمه چقدر سبب تصحیح امر است  
 میشود و چه قدر سبب اختلاف خواهد شد با وجودیکتاب عهد الهی مبین معلوم و منصوص  
 است و چه کلمه القا میشود و این کلمه را اول عمر ذکر نمود و قتیکه حضرت رسول روح العالمین  
 له الفدادین و فات فرمودند 'تونی بقلم و قرطاس لاکتب لکم شیئا لا یقنون بعده  
 گفت کینینا کتاب الله حال کینینا کتاب الله تبدیل بکلمه خدا کل را غنی فرمود

و مراجعت بنوشجات کن شده است یعنی تکلیف از میبین کن و سوال نما و برضای او حرکت و بدالات و سلوک و معرفت لزوم ندارد خود مجتهد باش و در این ضمن مقصد که از عهد میثاق بری گردد بازی مقصد اینست که انجانب باید چون جیل را نسخ ثابت مقاومت نمایند و گذارند که قول مترنژین موسوسین سدی در قلوب ساکنان تاثیر نماید الیوم افان سدره مبارکه بید اول خادم عهد و میثاق الهی باشند تا امر الله در ظل کلمه و صدائیت از جمیع جهات طوار محفوظ ماند هر یک در این ره یک قدم پیش نندیشی باید و منظر تائیدات ملکوت ابی گردد و در جمیع شئون موافق شود و الا قسم بجزرت قیوم که در کل مراتب و شئون سرنگون گردد عتیق مترنژین را در خسران مبین مشاهده خواهید نمود. بهن نصر و الله ینصرکم و الیهاء علیک

ع ع سینه

هو الای

ش حضرت افان سدره مبارکه جناب قایم رزاقا علیه بقاء الله الای  
۳۴۶

هو الای علی الای

الهی هذا فرع من افان شجرة الایات و فن من فروع دوحه وحدانیتک قد اقبل الیک <sup>تبتلا</sup>  
باب حدیثک و تشبیه بیدل ردا غیر الیک و منجد بید کرک و ناطقاً بحدک فا حفظه لعین  
حفظک

حفاك وکلانك واحرسه فينقل وقايتك وحمايتك ووقفه على رضاك فجميعه  
واحفظه عن ريب المنون وايدع بعون الله المنون يا خي يا قيوم انك انت الودود  
مسطورات محفوظه واوراق مشوره آجانب كل واصل وبرضاين ووقوف تام حاصل گردید  
در خصوص بعضی روایات مرقوم فرموده بودید الحمد لله در این بساط جرفحات قدس امروری نه  
وجرانوار انرا الطوعی نه اگر انشا ریت صیت و ولوله شکن زلف یار است و اگر  
اشتار ریت ذکر قفنه چشم دلبر و بوی خوش کوی دلدار شب و روز نسیم غایت زنده ایم  
و بشمیم عمیر ریاض غایت پاینده و شما مطمئن بفضل حق باشید و بجهتہ بالطف غیرتنا  
ملکوت ای این تاثرات را فراموش کنسید و این حرارت را در زاویه نسیمان نمید وقت  
موش و گوش است و خاموشی از هر زکری جرفعت و تایش حضرت دوست دعوه  
الروایات و اقل علی السامعین الآیات البينات و اکشف الغطاء عن ارباب اهل الشبهات  
واشتمل بالنار الموقده فی السدره الرضانیة و اطلق اللسان بالذکر الحکیم و ادخل فی  
جته النعیم و اهد الی الصراط المستقیم و دل علی النیر المنیر فی الافق البین و اتق  
الطالبین من ماء معین حتی یخاطبک ربک من ملکوتہ الاعلی طوبی لک ایها النبی  
الرفیع من هذا الفضل العظیم و بشری لک ایها التفضیل لطیب من هذا الجود البدر

و البهائیک و علی کل ثابت علی العبد القدیم ع ع س م ب

س بواسطه حضرت افغان سدره مبارکه جناب ق امیرزا آقا علیه بهاء الله الاهی

هو الاهی

۳۴۷

ای افغان سدره مبارکه در خصوص مکتوب ق سید میرزا آنچه مرقوم نموده بود کل کذب  
و دسائس و مفتریات بود آنشاعر ما هری که میگوید نیشناسد آن میرزا عبد الله است که  
شب و روز مجالس و مؤانث او بود و دعیم و شأنیم قابل خطاب و نصیحت و دلالت نیست  
شما و او را میشناسید که بمنع قطعی جمال قدم که از ازیع افیون گذشت و مخالفت نمود  
تا کن فیکون شد حال دیگر معلومست که چه خفادی دارد نسئل الله بان یجلبه زنا  
الی المیشاق قضیه متضاعد الی الله جناب میرزا حسینخان و دفشان در خانه شان بسیار  
بجا واقع و جناب فغان سدره مبارکه اقا میرزا جلال بسیار موافق حرکت نموده اند و  
خدمت کرده اند در خصوص بیت مقدس در فارس از شیراز جمع اجابآ نهایت جزع و فرعرا  
ینمایند و دو ماه پیش جمعا کل نوشته و استعدای تبصر در امر بیت مبارکه نموده اند تقسیمکه  
ملاحظه شد که اگر سواد آن ارسال نزد آنحضرت شود بسیار سب خزن میگردد لهذا  
نفرستادم

ظلم مبارک

نفرستادم ولی باید آنحضرت در آنخصوص همت عظیمه بفرمایند زیرا این امر بیت بسید  
 همت است همیشه بدرجه که وصف نتوانم لابد باید آنجناب و یا یکی از اولاد های آنجناب  
 در آنجا بشید نشود تسلیم زنی نمود و لوجهی قلمه نماید باری بنوعی اجتناب فرماید میکنند که این بعد  
 عاجز نامه بر قسمی است یکی از حضرات افان سدره مبارکه که همراه هستند بفرستید بفرمایند  
 که مواظب بیت مقدس در نهایت احترام باشد بسیار در آنخصوص همت نمایند تا خیر ابد  
 جائز حضرت افان شجره مبارکه اقامه از جلال منصب دارند هر روز مأمور بجائی میشوند  
 اختیارشان بدست خودشان نیست شما با ایشان مخبره نمائید هر یک از افان  
 اخوانشانرا مصلحت بدانند و بدانند معین نمایند و بفرستید تا جمیع اجتناب بدانند که  
 ایشان محض خدمت بیت در فارس هستند و کار دیگر ندارند دیگر آنکه احتراماتی که در حق  
 مسافین و مسافرات امریکان خبری فرمودید بسیار سبب سرور و روح و ریحان گردید و تشنگ  
 یعنی هذا الشأن العظیم جمیع دوستان که از آن سمت عبور مینمایند کلمه اکمال مهربانی بفرمایند  
 در خصوص تأخیر اجوبه مخزون مشوید زیرا نمیدانید که در چه بلایی گرفتارم قسم بحال تمام  
 که از اول بداع تا بحال چنین محن و مشاقی دیده نشده است ملاحظه فرمایید که اعدا  
 خارجه بچه درجه در صدند و حضرات ناقصین از آنها صد درجه گذشته اند و متصل با

امورین حکومت در تحریک فساد و منقریات چندی هر روز ایجاد نماید حال منتظر  
 اینند که از فسادشان که با سلا مبول نموده اند یا اینعبدا در دریا اندازند و یا بفضران برند اینرا  
 بدانند آنچه بر اینعبدا وارد شود کل ازنا قضین است هیچ کس مدخلی ندارد و از جهتی جمع  
 این مشاغل داخل و خارج و مخبرات و سؤال و جواب و از جهتی خدمات آستان مقدس  
 و البلاغ و تبلیغ لازم و واجب دیگر ملاحظه فرما که در چه دریائی مستغرقم فاعتر و ایما و

الالبصار ع ع

و اما در خصوص رحمت آنحضرت بوطن بلوف مرا مقصد چنین بود که در اینصفتا بلکه  
 انشاء الله ممکن یابید و امور بر مجورد و روان نماید و بعضی رخاات عبد البهارا ولو در نصیحت  
 باشد تحمل نماید چنانچه در و در محدثات امریکانها تحمل فرمودید حال هم اگر ممکن باشد  
 بزموافقت و اگر سباب مستثت و متفرق و بقای شما بالذات مشکل و بحجت امو  
 و مستثت سباب رجوع واجب لازم جناب فنانان سدره مبارکه اقا میرزا بزرگ و قبا  
 میرزا حبیب را در آنجا بگذارید که مشغول بشغشان باشند من خود متموتجا آنها میگروم و بتیش  
 میانیم و شما بین ارض یعنی زیارت آستان مشرف شده بعد حرکت میفرمایید و در خصوص  
 بیت مقدس نیز قراری مناسب و موافق میدهم و البها، ع لک ع ع

هو اول



۳۱۰  
هو الابی

جناب افغان سدره منقی حضرت آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابی ملاحظه نمایند

۳۴۸

هو الابی

عظمتی

ایضاً رفیع سدره مبارکه آنچه مرقوم فرموده بودید تلاوت و قرائت گردید و کتابت  
جوف نیز ملاحظه شد جواب مرقوم گشت در طی این مکتوبست بجهت جناب حاجی حسنعلی  
وحاجی لطفعلی اجازت زیارت روضه مطهره داده شد مکاتیب سابقه نیز انشاء الله بخوا  
ارسال مینمایم تاخیر از کثرت مشغولیت حاصل اگر اینجا باشید ملاحظه مینمایید که دستگاه  
چاپخانه انگلیس اینقدر اوراق طبع نمایند که اینمقدم مرقوم مینماید این گذشته از امورات  
حسبیه و مشاغل عظیمه و مقابلهت اعداد در جمیع نقاط ارض و مشغولی دائمی در امور داخل

و خارجت و البهائیک ع ع ع

۹۶

در خلیج سعید مصر جناب افغان آقا میرزا آقا ملاحظه فرماید

۳۴۹

هو المعزی

عظمتی

اینا الافون الش فی الرفیع علیک بهاء الله و نوره و ضیاء و فضله و غیایه و جوده

واحسانه والطفه واعطافه وشماکة فی کل الشئون لمجطات اعین رحمانیه خبر مخفی در این  
ایام وارد و قلوب مضطرب و نفوس متحیر و ارواح متاسف گردید چه که نافر اقرار حق شدید است  
و مصیبت جبر انرا حسرت عظیمه و لکن چون آنروح لطیف با وج غرق تقدیس عروج نمود و آن  
شعاع ساطع باقی قدر را تو حید را جمع شد در جمیع شئون بیدجیل حکم متین صبر تنگ نمود و  
بقسمای الهی راضی بود انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب و یقین است که آن فانی  
سدره المنتبه و آن شجره روضه عنایت رحمانیه در این مصیبت محزون و مغموم نخواهند ماند  
بلکه شکرانه حسن خاتمه آن متصاعده الی الله زبان گشاید و مناجات کنند ربی ورب العالمین  
ترانی متضرعاً بباب رحمانیتک و مبتلأ الی ملکوت و حدایتک ان تنزل علی التی شرقتها بجا و  
یتک و ایدتها علی معرفتک و سقیتهما من اقداح صیبا، مجتک و نسبتها الی شجره

صدایتک بان تجیرنا فی جوار رحمتک الکریمی

و تسکنها فی حدائق عنایتک العظمی و تخذنا

فی فردوس لقاک و تذخلنا فی زمرة

الها مین فی نور جلالک انکانت

الکریم الرحیم ع تسابیه

مصر حضرت افغان  
اق میرزا آقا علیه‌سأ، الابی

ظواهر

حضرت افغان سدرهٔ منقی علیه‌سأ، الله الابی آنچه بقلم روحانی برصفحهٔ وجدان مرقوم  
 نموده بودید بسان محبت الله تلاوت شد نغمهٔ خوش‌انجذاب استقام گردید و حلاوةٔ ذکر  
 محبوب حقیقی مذاق یاران معنویرا شیرین نمود حمد و شکر جمال قدم که افغان شجرهٔ مبارکه را به  
 گلهای ذکر و بیان و اوراق مخضرةٔ شئون روحانیهٔ مزین فرمود و از رحمت بیابان آن ملک  
 وجود و سلطان غیب و شهود آمل و سائلیم که آن سرست صهبای محبت الله را در انجمن شوقان  
 جمال رحمن بانجذابی عظیم ظاهر فرماید که گل بجزارت شدیدهٔ آن مشتعل شوند تا در هر جمعی چون  
 شمع برافروند و بر هر شانسازی چون طیور حدیقهٔ توحید بقمات ذکر رب مجید مشغول  
 گردند شئون روحانیهٔ این رتبهٔ بلند اعلاست اللهم یا وله قلوب الموحدين آیدافغان  
 سدرهٔ توحیدک علی علاء کلمتک بین بریکت و نور و جوههم بانوار الانقطاع عما سواک و التعلق  
 بشئون تجریدک و احفظهم فی ظل جناح حمایتک و اثبت کلمتکم فی صحائف عوالم الانشاء  
 بحولک و قوتک و سلطانک و اقدارک لانک انت القوی القدر ع ع ع

حضرت افان سدره رحمانیه جناب اقا میرزا اقا علیه بهاء الله الابی ملاحظه نمایند

هو الابی

ایمان الفرع الرفیع من السدره الرحمانیه چند روز قبل رقیقه ارسال گردید و مرتب ثوق

ظهور

و اشتیاق بیان شد حال چون جناب حاجی علیه منکمل بهاء، ابهه عازم باین مختصر اظهار میرو  
که یکدقیقه از خیال شما فارغ نیستم شب و روز تضرع باقی اعلی میگردد که اسبابی فراهم آید  
که قدری رحمت و آسایش بجبت آنجناب فراهم آید اگر چه در این عالم عنصری آسایش  
ممکن و میترنہ لکن کثرت و قلت مشقات ممکن است جناب حاجی علیه بهاء، الله  
الابی چندی که در آنجا هستند انشاء الله موفق بر رفع اختلافات خواهند شد

آنحضرت چون از افان سدره التیہ مستید باید نظر تان همه بر ارضاء کمال باشد  
هر چند زحمت حاصل گردد و مشقت پیش آید و مشکلات رخ دهد تحمل نماید و بصبر  
راضی شوید ان لربک فضل علیک عظیم قدری در مشکلات و مشقات این  
عبد ملاحظه فرمائید جمیع مشقات و متاعب آسان میشود جمیع افان سدره رحمانیه  
را از قبل اینغید تکبیر اربع ابی البلاغ فرمائید و البهائم علیک ع ر ع

هو الابی

حضرت افغان سدره منتی جناب میرزا آقا علیہ بہاء اللہ الابی ملاحظہ نمایند

۳۵۲

هو الابی

عظیم الشان

الی و محبوبی قد خلقت شجرة مقدسة رحمانية و دوحه کریمه ربانية و سدره جلیله صمیمه  
انفتحت فی الفردوس لاعلی و لضببتا فی جناتک الابی و سقیتهما من انهار تو حیدک الطافه  
فی حدیقتک لغیا و مررت علیها بالنسائم المنتشره من ملکوتک الاهی و اسرقت علیها بشمس  
حقیقتک النوراء و انشئتما بقوه شعاع و حراره مبه من نیرک الاعظم الابی و انبتتما نباتاً  
مبویبتک العظمی و اعلیتما بقدرتک الی اعجزت مظاهر النفی فی ملکوت الانسا و نبتت و نشت  
و رفعت افغانا الی اوج العلی و بسطت فروعها و اوراقها حتی تمتد و تملأ الارض و السماء  
و ازهرت تکم الفروع باوراد طیره لطیفه بهراء و اثمرت باثمر رشیمه جنیه حمراء و نفخت  
لنفا تها و انتشرت روحاتها و عبقت انفاً طیبها و مررت نسائم جلیبها و ارتفعت عقابها  
و تشاحت و بسقت و تشابقت حتی وصلت الی الرفرف الاعلی و هو آء عماء بہاء الادیج  
الاهی ایرب فجا و هبت و اعطیت و اکرمت و حسنت احفظ افغانها من کل الایاح  
النابه بغير رضا تک و الاعصار المنتشر المار من شبها ت اهل الاشارات بسک

۳۱۵  
و صراحتک نابیتن نابیتن را بخین علی عهدک و میثاقک انک انت المقدر العزیز القیوم

القادر الحافظ العظیم ع ع سید

هو الابی

مدینه حضرت افان جناب قامیرزا اقا علیه بهاء الله الابی ملاحظه نمایند

۳۵۳

خط مبارک

هو الابی

اینها الفرع المتدرج فی اعلاء کلمه الله ار قرار مسموع از بغداد غنیمت بصفتی تیر من رای فرمود

و مقصد این بود که با شخص معهود در کمال حکمت گفت و شنود گردد آن شخص هر چند در درجه انحطاط

کلی جسمانیست و لابد نشاط و انبساط مکالمات و محاورات قلیل ولی نفی الهی را قوی دیگر است

و جذب رحمانی نفوذی دیگر ارض مأمده را حدیقه نابت نماید و خطه یتیمه یالسه را اروضه نطقه

فرماید فیض روح القدس مسیحا علی عظم ر میمراحتی قوی نماید و ریزش باران نیالی در

عمق بحار لؤلؤ فرید و در نصید پرورد و تری الارض مأمده و اذ انزلنا علیها الماء اتمرت

و رب و ابنت من کل زوج بهیج باری امید و ابریم که آنجا در آن حوضه اتقای کلمه

حقی بنماید و نفی در آن خطه و دیار نشر نماید که رائحه عطریه اش مشام جمیع اعطر نماید و ابرام

یتیمه را جان بخشد و البهائم علیک و علی کل من ثبت علی العهد و الميثاق ع ع

هو الابی

حضرت افغان سدره منتهی جناب قایم‌زادقا علیه‌بهاء، الله‌الاهی ملاحظه نمایند

۳۵۴

حوالای

سبب

اینها نفع‌الرفیع من‌السدره المبارکه از جهت بلایا، و مشقات آنجناب نهایت تأثر و حرکت را دارم حقیقه اسباب چنین فراهم آمد که رحمت و مشقت زیادی کشیدید و لکن اگر جمیع ربات

و مشقات را قیاس باین بلایای میبایان و داغ نمایان اینغبد نمائی حکم قطره و بحر دارد و قیاس ذره و شمس باشد قسم بجمال قدم که جمیع مشقات و رجات خویش را فراموش نمائی و شب

و روز بعد بدان گشائی که خدایا عونی غایت کن و طاقی احسان فرما چه که جل‌حدید این صل‌شکیرا حاصل تواند و قواء اعظم وجود تحمل نکند پس خدایا تو توانائی بخش و قوت و قدرت ربانی عطا فرما در خصوص ورقه طیبه راضیه علیها بهاء، الله‌الاهی مرقوم فرموده بودید

بسیار خوب فکری کردید حقیقه در اینمالک بجهتشان راحت و آسایش محالست باز ایران از برای نوان قیاس بجای دیگر نتوان نمود و طنست و اقربا و دوستان بسیار

اسباب مشغولیت است تنها فرید و حید در خانه در مهر معلومست چه میکند و باری صل بجهت زیارت روضه مبارکه و تغییر هوا با اینجای بفرستید و بعد از تشریف زیارت و حصول

۳۱۷  
راحت و صحت قصد ایران نمایند و البهآ، علیک و علی اشباک و اهلک و علی

کلّ الا حباب ع ع متبرک

هو الابی

حضرت افان جناب آقا میرزا آقا علیه بهآ، الله الابی ملاحظه نمایند

هو الابی

۳۵۵

نظر مبارک

ایها الفراء انظر استقل من الشجرة المبارکة چندی پیش بنفحات روح و جذبات قلوب تیری  
ارسال شد و حال نیز چون جناب حاجی عازم بکلیاتی چند پرداخته که بنفحات ذکر مجلس  
و مجلس راجح شوی و معطر نماید چندی است که از آنحضرت خبری نرسیده کثرت مشغول  
و پریشانی خواطر گویا مانع و حائل گشته از اینوقایع محزون شو و متذکره کرد عقرب  
جمع این امواج ساکن و مشغولیت ذهن نخواهد شد فاما الزید فیدهب جفاء و اما  
ما ینفع الناس فیکت فی الارض آتش نه سدره طوبی بید در فصل بهار و تابستان  
و خزان و زمستان یعنی در جمیع فصول سبز و نرم و تر و بارور باشد تا واضح و مشهود  
گردد که از فضل جمال بی در بهار ائی واقع بلکه ربیعی که خزان از پی ندارد باری اثر کمال حضرت  
گاه گاهی اسباب روح و ریحان بود و اینغید با وجود قلمزیم اکبر مشغولیتها و طوفان بلایا باز

بدر





حسرت یران صادق و مشتاقان طواف آن بیت معظم گردد البتة بر قسم باشد آباء  
 فراهم آید که گاه گاهی بعضی داخل شوند و آقلا زیارت حادی بتوانند و آلا قلیلا قلیلا عدم زیارت  
 عادت شود و اهمیت عظمی از خاطر ما برود باید اجتنابی که در شیراز هستند در ماهی آقلا یک  
 زیارت بیت را فرض قاطع دانند و وجب شمرند چنانچه اگر این عبد در فارس بود همیشه  
 یک مرتبه البتة طواف میکرد و لولا که مخالفان سنگار نمایند ماری چون شما محافظ  
 و ناظر میشدید باید در اینخصوص بسیار همت فرمائید و البتة علیک ع ع

جواب مکتوب تأخیرش بسبب کثرت مشاغل و هجوم امور و تعارضات

جمهور اهل فورهست لندامعذور دارید با جنای امریکان در وقت

ورود بانضفیات نهایت رعایترا ملحوظ دارید و جنای

الیهرا تکبیر برسانید ع ع نماز

هو الله

پورتعید حضرت افغان سدره مبارکه جناب آقای میرزا آقا علیه بها، الله ال

هو الله

۴۵۷

ایمانالفرع اخیلی من التدره المبارکه آنچه مردم نموده بودند مطابق واقع بود در این خصوص است

مطهرین

خط مبارک



ولیس لی الا جلیل صانک و عظیم غفرانک رب رب ترانی متحرانی امری و مشتتانی سلمی و متفرقا  
 جمعی و متشعانی و مضطرباً قلبی و مضطرباً احشائی و مستجاباً اذعی و متوجهاً الیک و بهی ارحمنی  
 بفضک و جودک و کرک و اغفلی خطایائی و اعف عنی بزلالاتی و عثراتی و ادا خذنی فی حصن عقیق  
 و صونک و ارفقنی عنک و اقطعنی عن دونک و اخلص و بهی لوجهک لکریم الکلمات  
 الرحمن الرحیم ای رب ایدنی بتبایدک و وقفنی بتوفیقک و اجعلنی من عبادک المخلصین

ع ع مقابله

شیراز حضرت افان سدره مبرکه جناب آقا میرزا آقا علیه بآء الله

هوائه

۳۵۹

ایها الفرع الرفع من السدره المبارکه . مکتوب و اصل و مضمون معلوم گردید کشفیه بجهت عمارت  
 بیت مقدسه ملاحظه گشت بسیار موافق بواضع جناب معمار باشی در فکر کار باشید و تمهیه و مدار  
 بینید و جناب معمار باشی بید نهایت مهترامندول دارند و البته صد البته وقت کلی نماند  
 که مقدار رأس شعری از اساس و ترتیب و وضع و هندسه و مساحت و اندازه اصلی تجا ورنمایید  
 در نهایت طراقت و لطافت و آفاق ساخته شود و انشاء الله سدرتجامبلغ ارسال میگردد حال  
 شمار تمهیه و مدارک باشید یا یک ماه مبلغی ارسال میشود و زود زود اخبار دهید که چه کردید

زیرا

ذیرا اینجند جمیع امورا در وقت مرهون بنهایت اتقان متوکلا علی الله مشیت میدهد دقیقه  
واحدہ تاخیر جائز نداند مطمئن باشید ارتق میطلبیم که موافق گردد و تهاون ننایم و حلیک

التحیة والتشناء ع ع

شیراز \* حضرت افغان سدره مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه سبأ، اند الا بی

۳۶۰

هوانه

خطابیت در روزها مبارک

ایها الفرع الرفیع من السدرۃ المبارکۃ البکرۃ چندی زینش در خصوص تعمیر مرطاف ملکوتیان و کعبه رضوان

مرقوم نموده بودید جواب مرقوم شد خبری هموز از وصول جواب نرسید تعمیرت مکرم از طرفین

فوریست طرفه العین تاخیر جائز نہ اما بر بنیان اصلی باید باقی و برقرار ماند قطعاً تغییر و تبدل

نیاید پس باید آنحضرت بکمال سرعت کشفیه تعمیرات بیت مکرم نمایند و بزودی ارسال مابض

مقدس فرمایند تا از اینجا بر قسی باشد آنمبلغ ارسال گردد که بزودی بتعمیرت مبارک مطاف

روحانیان پردازید دقیقه تاخیر جائز نہ بسیار مهم است تأثیرات روحانیت و جہانیت اشرف است

البتہ بوصول اینکتوب دقیقه فتور نموده و بزودی کشفیه را ارسال دارید وضعیت بیت

از جهت ترتیب اطفا و دیوارها و وسعت و ہندسہ اید ذرہ تغییر و تبدیل جائز نہ و حلیک التحیة

والتشناء ع ع

تعمیر بیت مقدس مبارک ملاحظه فرمایید که چقدر مهم است که این عهد تقمید نمود که اهل فارس اگر تعمیر نمایند  
 آفات مستولیه بجای رائل گردد و مرقوم نمود که این تقصیه را در حقیقت و بظلال قرار دهند ع ع ح  
 شیراز حضرت افغان سدره مبارک جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الالبی

بنیاد و تعمیر بیت مقدس مبارک

هوالله

ایها الفرح الرفیع من السدره الرحمانیه آنچه نگاشتید معلوم و واضح شد حمد خدا را که ما مور به  
 بیت مکرّم گردیدید قدر این منوبست را بدانید و الله الذی لا اله الا هو که حقایق روحانیه نفوس تقدسه  
 درلاء اعلی طوبی لک من هذاند ایمانید و یا جزا و یا جزا فریاد برانند آنچه اجابای الی بجهت تعمیر بنای بیت  
 معظم تقدیم نموده اند مقبول و مرغوب و همچنین اگر من بعد نفسی نهایت آرزو چیزی تقدیم نماید  
 بجهت آن بنای مقدس قبول نمایند و مرقوم دارید هر چند در این ایام و لوله در آفاق افتاده و زلزله در  
 ارکان عالم انداخته ابواب بلایا و مصائب مفتوح و طوفان امتحان و افتنان موجود در چندین قیامتی  
 بنای بیت محترم عظیمست و سلب فرح و سرور هر قلب حزین کار اینست زیرا در وقت امن و امان  
 هر کس هر کاری تواند ولی در وقتیکه باد و باران شدید و برف و تگرگ و رعد و برق و صاعقه عظیم از  
 هر جهت پی در پی و گرد باد محیط در چنین مصیبتی در قطب دریا در طوفان اعظم اگر ناخدا شرع بگشاید و  
 عظیم نماید و آلا در سکون دریا برینو اباد بان باز کند و کشتی برانند آن هذامن نفس ربی الرحمن الرحیم ع ع

نظارت بر و تعمیر مبارک

شیراز حضرت افغان سده مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه‌بها، الله الا به

۳۶۲

هوا الله

اینا الفرح الکرمین من السدره المبارکه مکتوب موزج بر بیت پنجم جامی الشانی و اصل گردید و بر مضمون  
اطلاع حاصل شد عبدالبها از اهل شیراز یاران الهی نهایت سرور دارد و ولی از اهل آن خاک  
پاک توقع اینست که بر جمیع اقلیم در ثوق و وله و جذب و طرب تفوق جویند و گوی سبقت  
و پیشی را از میدان محبت الله بر بایند زیرا آن اقلیم موطن رب کریم است و آن کشور شرق  
آفتاب نور اگر چنانچه کلمه از قلم صادر گردد نظراین توقعست و دیگر آنکه بعضی ترا بدمت دیگران برون  
سبب پرداخته بودند و این اشخاص کم کم تعدد یافت و روز بروز در تراید بود ملاحظه گردید  
که اگر حالی بر این منوال پاید اینحال سرایت بعموم کند و در این یوم معلوم چنین بناید و نشاید بلکه  
باید جمیع یاران نهایت تاثیر از یکدیگر نمایند تا سبب فرح قلب عبدالبها گردد و الا خسران غلبه  
نماید و بی اختیار از قلم نضایج صادر گردد و اما در خصوص بیت مقدس البته باید ظاهر و مظهر باشد  
حتی رجوار باشد که مسکن خادم و محفل زوار گردد و بیت معمور خالی و فارغ و مقدس ماند مکتوبی در این  
حضرت افغان سده الهیه آقا میرزا آقا نخل محترم حضرت فرع شجره الهیه الفایز نابالغ رفیق الی حاجی

خط و کتابت سید محمد علی

جاجی میرزا محمد علی برسانید وعلیک التّیّه و اشنا ع ع سدابده

هوانه

شیراز حضرت افغان سدره مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بجا، الله

هوانه

۲۶۳ مبارک

اینا الفع الرفیع من السدره المبارکه در خصوص خانه که در جوار بیت معظم محترم مطهر مرقوم

نموده بودید و از پیش نوشته بودید بجزّد وصول بجنرات افغان علیهم بآء الله الابی مرقوم

شد هنوز جواب نرسیده جواب خواهد رسید بعد بشما اجازت خواهد داد وعلیک التّیّه

و اشنا ع ع سدابده

هو الابی

۳۶۳

اینا الفع المنعقب من السدره المبارکه نور الله بصرك بالفیوضات المقدّسه المملئنه

غمام الفضل نوشته آنجناب تلاوت شد کمال روح و ریحان حاصل گشت از فضل

وجود سلطان وجود امیدواریم که در کلّ حیان بنسایم الطاف حضرت رحمن تازه و تر بشید

و در جمیع شؤون سبب ثبوت و رسوخ گردید مکاتبیکه ارسال نموده بودید جوابش مرقوم شد

و در جوف اینمکتوب ارسال میشود و البهآ علیک وعلی الافغان الرشیقه انحصره النظره

الظریه

خط کاتبی در موهب و مبارک

خط مبارک



الطرية وعلى اجاء الله ع ع سادة

شيراز حضرت افان سدره مباركه جناب اقا ميرزا بزرگ و جناب اقا ميرزا حبيب

عليهما بهاء الله الابهي ملاحظه نمايند

زيارت من فاز بالرفيق الاعلى حضرت افان سدره مباركه جناب اقا ميرزا اقا عليه بهاء الله

الابهي

هو الله

٣٩٥

خطا كتاب ميرزا بهاء مبارك

النجات المعطرة التي نفخت من رياض الملكوت الابهي والشهات المغبرة التي تهب من حدائق اجته الماوى تمر على قبرك المنور ومرقدك المشهر ايها الافون الكريم لفضيل الرفيع المتفرع من السدره الرحمانية اشهد انك قد اتقيت من الرقاد وهديت الى الرشاد وبعثت من مرقدك وسرعت الى مشهد النقا، وادركت ايام ربك وتوجهت الى اجمال الابهي وامننت بربك لاعلى وولمت على خدمته مولاك في هذه السنه الاولي وتحملت مشقة الطعن في سبيل الله وابتليت بشامة الاعداء وجرأ اهل البغضاء وهاجرت من وطنك الى البقعة المباركة لمشاهدة آيات ربك الكبرى وخطوت بالوفود على عتبة بابك الودود ودخلت مشهد النقا، وسمعت الخطاب من الفم



خدمت را در این بقعه مبارکه استشمام نمایم و البهائ علی کل من قام بقلبه و روحه و ذواته خدمت

بیت الاحد ام عبدالبهائ مع مساعده

هو الابی

جناب متصاعد الی الله اقا میرزا عبدالحمید الاولوارایقان قلبی روشن داشتند و تاملش امر ثابت و راسخ بر دین الله بودند و در خدمات افان سدره البیه مشغول علیه بهاء الله الابی علیه ثنا الله الابی علیه نفعات الله المنتهیه من ریاض الملکوت الابی حال باز ماندگان ایشانرا از جمیع جهات باید رعایت و احترام نمود بقسمیکه سبب سرت یاران و هجرت بیگانگان گردد و البهائ علیک و علی کل من قام علی خدمت بیات احباء الله عبدالبهائ مع مساعده

هو الابی

۶۷

جناب

ش حضرت افان جناب میرزا جلال علیه بهاء الله الابی مدخله نمایند

هو الابی

این خادم در نگاه الی مکاتیب متعدده مرقوم شد و ارسال گشت این مظاہر لطف و خفایت با جناب مستدیمت مستمر اگر بدانی که در چه آستان پاسبان و در چه درگاه دربان یقین کنی که بر سر اکتلیل جلیل از و بر تن خلعت سروری از ملکوت علیین بر سر بر بزرگوار ی جالسی و بر تخت شهنشاهی

مستقر چه که جبار و کس بارگاہی که منظر نگاه ملک ملکوت اسما و صفات بود و بنده در گاہی که  
 بجا و ملاذ طالبان دیدار رب البرهان و آیات الواضحات بود روحی و ذاتی و کینوتی و حقیقتی  
 لذا شکر کن حضرت احدیتر که بچنین مناسبتی موفقی و بچنین عنایتی مؤیدی شیبہ که خادم حرم  
 کعبه بود در آن زمان بنده حقیر بنظر میآید حال هر یک از سلاله او بر کرسی عزت برقرار و افتخار  
 بجد نامدار خویش مینمایند و البتہ، حکلیک و علی کل زائر فارز عبد البہاء <sup>ع</sup> <sub>مقامہ</sub>

هو الابی

ش حضرت اقان سدرہ رحمانیہ جناب آقا میرزا جلال علیہ بہاء، اللہ الابی ملاحظہ نمایند

هو الابی

ایہا الفرح الخیر من السدرۃ الرحمانیہ حضرت والد علیہ بہاء، اللہ الابی در یوم القاضی <sup>مث</sup>  
 بحضور حضرت کبریافتار و در ساحت اقدس با صفای کلمات از فرم مطہر و توجیہ خطا مجال قدم  
 و اصل و جائز و بانواع الطاف اللیہ و مواہب جلیلہ ربانیہ مؤید بعد اذن و ارادہ سہمت  
 مصر حرکت فرمودند مدتی بود کہ مصر یوسف از برای ایشان کنعان یعقوب و بیت اخرا <sup>شدہ</sup>  
 بود لہذا در این ایام از آنجا بجهت زیارت آستان مقدس باینطاف ملا علی شتا قند و از  
 تربت عقبہ طاہرہ بصرہ امتور و دماغرا معطر فرمودند بعد از حصول این موہبت و وصول

باین

بین غایت بامید شرفی ت الله و اعداء کلمات حال باضفی ت مرحت میکنند ارفضل  
 و تأیید ملکوت ابی سائل و آلمیم که افان سدره منقی را بر اموری موقف فرماید که سبب تشر  
 شون رحمانیه در عوالم امکانیه گردد و علت ابتباه غافلین و اشتغال منجیرین و طراوت و  
 قلوب و ارواح گردد علی الخصوص آناخ بلند شاخ را احدیت که خادم بیت سلطان و خدا  
 هستید باید از جمیع جهات در حرمت و رعایت بیت چنان قیام نمایند که محمود کجوران  
 آسمان و مغبوط حاملان و طائفان حول عرش گردید لعمراه ان هذ الشان عظیم و مقام  
 رفیع و الحمد لله رب العالمین ع ع معاذ الله

شیراز حضرت افان سدره مبارکه جناب اقامیرزا بزرگ علیه بها، الله الابهی

ای افان سدره منقی حکیک لبها، الابهی و علی انوک و ذوی قرابتک الثابتین علی  
 من هذا العبد المتضرع الی الله العزیز الوهاب قضیه فرع جلیل شهید سبب خزن شدید شد  
 و مورث مصیبتی جدید در وقتیکه الام و محن محیط باین انجمن بفته اینخبر مدش موحش وارد  
 دیگر معلوم است چه تأثیری نمود و چه احزان حاصل گشت ولی چون نفع مجید فی تحقیق شهید  
 بسبب الاهی گردید و در ایام حیات بخدمات پرداخت و بعبودیت آسان مقدس موقف لذا

خط کتاب در سینه مبارک

تجیه زندگی حاصل شد پس این وفات عین حیات است و این شهادت تحقیق سعادت  
 یکاش جمیع مادر راه خدا جان فد نمودیم و کاس فنا نوشیدیم بدانستی آمل المقربین و نیا  
 مقصد المنصین مناجات و زیارتی مرقوم شد حضرت فرخ رفیع جلیل ارسال خواهند نمود  
 جمیع اجبار از قبل عبد البها، تحت مشتاقانه ابلا حدارید در خصوص احتلال و اختلاص اصرار  
 در آن اقطار مرقوم نموده بودید ضرب الله باید از کل کناره گیرند و ابداء داخله نمایند  
 در هم فی خوضهم یعبون مارا کار بجان و دل است نه بآب گل و علیکم البها، الا

ع ع سابع

هو الله

قطر مصر حضرت افغان سدره مبارکه جناب میرزا بزرگ علیه بآ، الله الا

هو الله

ظلم مبارک

ایها الفرع البدیع من الشجرة المباركة عليك بالتوكل على ربك والتوكل بذیل الکبریا،  
 باهراب ردا، الانقطع عما سوى الله ولتثبت في الامور ولتسبل الى العزيز العفور

وترتل اللوح المحفوظ والرق المنشور

والبها، عليك ع سابع

شیراز

شیراز حضرت افغان سدره مبارکه جناب قایم‌زاد بزرگ علیه‌بها، الله الا بهی

هوالله

خلافت معراج مبارک

اعلی‌فان آبی مکتوبیکه بجناب آقا سید تقی مرقوم نموده بودید ملاحظه گشت از تفصیل مجلس بزرگ گشته  
 نهایت روح و ریجان حاصل شد هر محضی که بد که حق آراسته گردد پرشوش شرق و غرب را منور نماید  
 و نفی تش‌مشام حاضرین و غائبین را معطر کند باری جمیع یاران که در آن مجلس حاضر بودند  
 مظا هر الطاف حضرت رحمانند و مؤید بجنود اقی‌اعلی در کمال حکمت و ملاحظه اوقات  
 هر وقت میسر گردد باید مجلس تذکر و تبتل آراسته شود و ترتیل آیات توحید گردد تا ذائقه  
 ملا‌اعلی مستدذ شود و قلوب اهل ملکوت ابی‌مسرور و مشغوف گردد در یوم شهادت  
 حضرت اعلی روحی لثرتبه الفداء از قبل ینبید طواف محرم مطهر نما و کمال تضرع و راز  
 طلب نماید و توفیق بجهت عبد‌الها، کن ریزا جنود نقض در بچومند و بیوفایان در  
 نهایت جفا اینعبدر اناثر و تحترار جهمت ضرام الله است والا آنچه بلا وارد  
 بجان و دل آرزو نمایم و از سن رضیعی تمنای صد هزار بلا و هرگونه مصیبت و ابتلا در سبیل  
 بهانوده تا آنکه احمد لله این کاس طاف گشته و انجام سرشار شده و له احمد علی کب

اجتبی البیرا بکیه ابدع ابی برسان ع  
 ع لعل

شیراز حضرت افان سدره مبارکه جناب قاسمیرزا بزرگ علیه بقاء الله الالبی

هو الله

۳۷۲

ایضاً شجره رحمانیت جناب قاسم الغفار مکرر نهایت شکایت از ابوشان حاج محمد ابراهیم  
میناید و ناله و فریاد میکند بقسمی جزع و فرح میکند که وصف ندارد در این ایتم بواسطه شما  
شکایتنامه ای نگاشته و ناله و فغانی نموده حضرت افان سدره مبارکه جناب بوی خود  
در این تقصیه مهمتی بفرمایند تا میان آن پسر و پدر تسامی حاصل گردد و عیال تحیه و آلتها

خط کاتب در و کاتب مبارک

ع ع ع  
مبارک

شیراز حضرت افان سدره مبارکه جناب قاسمیرزا بزرگ علیه بقاء الله

هو الله

۳۷۳

ایشان شاخسار روحی مکاتیب متعدده که بجناب منشادی مرقوم نمودید ملاحظه گردید  
از خبر اتمام بیت مکرم اطمینان قلب حاصل الحمد لله موفق بان شدیم و شدید دفتر حنا  
مکمل و منظم و مصدق از بعضی از نقوس مهمتی خال مکرم نمایند و در نزد خود محفوظ دارند  
این لازمست و بکار شما خواهد خورد و جناب معمار باشی در این خصوص نهایت اهتمام

خط کاتب در و کاتب مبارک

خواهند



خواهند نمود جناب قایم‌رذاق محمدالدین علیه‌سأ، آله باید در تحصیل لسان انگریزی نهایت اهتمام نمایند  
 و مطلب انجیل را از بدایت تا نهایت ضبط در ذهن کنند جواب حضرت مؤید از پیش مرقوم وارسل  
 گردید البتہ واصل شده است و علیک التَّحیَّةُ وَالسَّلَامُ ع سَابِقُ

هو الابی

سشن جناب میرزا بزرگ علیه‌سأ، آله الابی ملاحظه نمایند

۳۷۴

هو الابی

خطبات

ایضاً لطیف سدره غنی هر چند بظاہر از بصیر و نظر دوری و از این بساط عبور لکن قسم بنور مشرق از  
 ملا اعلیٰ که جمیع افغان شجره طوبی فی الحقیقه در کل احوال در این انجمن رحمن حاضر و در محفل روحانیان  
 موجود و شهوند در آستان مقدس مملوف جوهر وجود در کل صین بکر شامشغولیم و بیادرو  
 شامالوف و لبان قلب مناجات ینمائیم رب اید افغان سدره رحمانیک و فروع شجره  
 وحدانیک علی التمتک بذیل فردانیک و اثبیت بعروة وحدانیک ایرت نور  
 و جوہم باوار تقدایک و اشرح صدورهم آیات توحیدک و قدس قلوبهم بمیاء توحیدک  
 واجعلهم آیات ملکوتک و آیات جبروتک انک انت الکریم الرحیم الروف الفضل

عبد الباق ع سَابِقُ

مصر حضرت افان سدره مبارکه جناب میرزا بزرگ علیه بآء الله الاهی

هوانه

۳۷۵

خط مبارک

اینا الفرع البدیع من السدره المبارکه از اینجست که در این سفر چنانچه باید و شاید بجست آن افان  
سدره راحت و آسایش حاصل گردید بسیار مژون و مغموم و استه معذورم چه که بلایای  
ورزایای مترادف و بجم عمومی بی انصافان از خارج و داخل نچنان زمام از دست برده بود که دیگر بر  
بخیمت دوستان پردخت و یا بجست بایران مشغول شد و چون ملاحظه گردید که وقعات  
ناگمانی محتمل لهذا مصلحت چنان بود که تشریف ببرند ولی دائماً در این اندیشه ام که در آن غریب شما  
چه میگذرد البته تفصیل حوالا مرقوم دارید ع ع س

شیراز حضرت افان سدره مبارکه جناب قاسمیرا بزرگ علیه بآء الله

هوانه

۳۷۶

خط مبارک

ای افان شجره مبارکه آنچه مرقوم نموده بودی ملحوظ گردید در اینستوفان بلا که ابداً تملت تنفس  
و آرامی در میان نه با وجود این جواب نامه ما بخارم ملاحظه فرما که نظر خایت بیکه درجه است  
سگر کن خدارا و اینفضل و احسانرا فراموش منما در خصوص خانه متعلق بجنرت فرع رفیع

شجره

شجره مبارکه آقا سید مهدی مرقوم نموده بودید <sup>۳۳۶</sup> آن خانه تعلق بایشان دارد هر نوع که مصلحت  
دانند و امر فرمایند مجری دارید ابداً سؤال از اینجانب لزوم ندارد زیرا مال ایشانست  
و در تصرف ایشان و عیدک التَّحِيَّةُ وَالتَّنَازُلُ ع ع مَسَائِدُ

هوالتَّه

شیراز حضرت افغان سدره مبارکه جناب میرزا بزرگ علیه بها، الله

۳۷۷

هوالتَّه

ایشانست برپیمان مکتوب شمارید و بر مضمون اطلاع حاصل شد الحمد لله دلالت بر  
وسرست مینمود فرصت تفصیل نیست مختصر مرقوم میشود جناب علمدار را تحیت برسان امید  
وادم که ارگاس سه شاد محبت الله سرمست باشد جناب قایم میرزا محمد خباز را

بموجب حضرت بی نیاز امید وارکن در این ایام در حضور

بارض مقدس محذور انشاء الله در وقتش اجازه

داده میشود حضرت افغان جناب والد و جناب

اخوانرا کبیر ابدع ابی ابلاغ نما

ع ع مَسَائِدُ

خط کتابت مراد رضا مبارک

شیراز حضرت افان سدره مبارکه اقا میرزا بزرگ علیه بها، الله

هو الله

۳۷۸

ایمده جمال بی مکتوب مورخ ۲۳ شهریور ۱۳۲۳ که جناب اقا سید تقی مرقوم نموده بودید رسید  
از صفر فرستاده بود مطالع گردید فرصت جوابی مفصل نه مختصر اینست که مکاتیب جو فرسید جمیع جابجایی  
الیه را تجتیب ابدع ابی در کمال اشتیاق ذاکریم و از خدا خواهیم که کل بحال استقامت بر ما بر قیام نمایند  
و تبلیغ مشغول شوند و هر چه در ارض قدس وارد گردد سبب ثمور و قصور در تبلیغ نشود باید یاران الهی  
هر یک مانند علمی در کشوری منقحات قدس موج زنند و بخدمت امر پردازند بلکه آنچه در بقعه مبارکه  
طوفان اضطراب بیشتر شود یاران قدم استقامت و ثبات بیشتر نمایند و علیک التیة و التیة

خطات هر و ایضا مبارک

قبوضات رسید ع ع ع

هو الله

فارس حضرت افان سدره مقدسه جناب اقا میرزا بزرگ و جناب اقا میرزا حبیب الله و جناب

اقا میرزا ضیاء الله علیه هم بها، الله

الا بی

هو الله

ای افغان سدره مبارکه چندیت که از کثرت مشاغل و غوائل و مصائب و متاع فرست<sup>۷۱</sup> و  
 تحریر رسائل نبود و از اینجست جنود احزان و آلام مابجم و صائل حال که دم صحبت و انوار  
 فیض شمس حقیقت از هر جهت ساطع بیاد افغان سدره مبارکه افتادم و بخت خود بنگارش این نام  
 پرداختم تا بدانید که در خاطریه و همواره در پیش نظر حضرت از فضل وجود حضرت مقصود میدارم  
 که شیراز را بنغمه و آواز آرد و یاران را مسرور و خندان و شادمان و کامران فرماید و رفته مبارکه  
 امة الرحمن والده محترمه را تحیت تابع ابی ابلاغداید رب اید افغان سدره رحمانیک

خط مبارک

علی خدمت عقبه قدسک انک انت القوی القدير ع ع ساعده

هوا ۱

مصر حضرت افغان سدره مبارک جناب میرزا بزرگ و جناب میرزا خلیل علیهما با

آهسته

هوا ۲

۴۸۰

اید و شاخ خرم سدره مبارکه فی الحقیقه روزگار بشما بسیار تلخ میگردد و ایام در نیات  
 حزن و آلام ولی این سخن و حرمان قطره اندر یای آلام این غم است لا بد باید شما را نیز  
 نصیب داشته باشید و بهره برید چه که مقتضای وفا نیست که در خوشی و ناخوشی

خط مبارک

ورحمت و راحت و غت و دلت شریک و سهم بود و البهآء علی اهل البهآء

ع ع ع  
ع ع ع

شیراز حضرات افان سدره منتی جناب آقا سید اقا و جناب میرزا جلال  
و جناب میرزا بزرگ و جناب میرزا حبیب الله و جناب میرزا ضیا و ورقه مبارکه طوبی خانم

علیم و علیها البهآء الابهی

هو الله

ای افان مبارک سدره منتی نامه شما با صورت وصیتنامه حضرت افان سدره بقا

المصاحد الی الله جناب ابوی ملاحظه گردید آنچه رسد که ایشان اطاعت لامر الله پیش از صعود  
وصیتنامه بخط خویش مرقوم نموده اند و جمیع اراحت و آئوده گذاشتند اطاعت او امر الله  
سبب آسایش آفرینش است همین کیفیت را ملاحظه کنید که وصیتنامه چه قدر سبب آسوده

قلوب و رحمت جان و دل است اینها لمن اطاع امر مولاه و ترک نفس و هواه و شکر  
خدا را که وراثت آن نفس مبارک مقدس نیز موفق بر عمل بموجب وصیت ایشان شدند طوبی کم  
بما و تقتم علی هذا الامر المبرور و رضیتم بما وصتی به ذلک اللهم الغفور و الی ادعوا الله ان یشکم  
الی الخیر فی جمیع الامور و یتیأ لکم من جمیع شئونکم رشا و علیکم البهآء الابهی رب و جانی

و غایه

خط کاتب مراد رضا مبارک

وخایة العلی و منائی ان هولاء انبئتم من سدره فردائیک و اخترتم لیک و اجبتکم  
 لذکرک و اصطفیتکم لعبودیة عبیة قدسک رب و تقم علی الاستقامتہ فی امرک و البیت  
 و الروح فی خدمتک و المخصوص فی طاعتک و الانقطاع عن هذا النشئة الدنیا و  
 عن کل ذکر و فکر یعلق باخصیض الادی رب اجعلهم خضعة لجلالک خضعة لاجتک  
 منذکرین بذکرک مشبہین فی امرک متبہین لصون حصن ینالک منجدین الی جملک  
 محفوظین فیظل سدره فردائیک انکانت القوی الکریم الرحمن الرحیم

ع ع مسابدة

۲۸۲

شیراز حضرات افان اقا میرزا بزرگ و اقا میرزا جدید الله علیهما بآء الله الی

ای افان سدره مبارکه عبدالبها در این دو روزه عازم بلاد بعیدہ است ابداً  
 وقت تحریر نیست شمار درصون حمایت ملیک احدیت و دلیقہ میگذارم بانہایت  
 ناوانی مصمم چنین سفری ستم ولی اعتماد بر تأیید صمدانست اما لی امریک از آشنا  
 و بیگانه کل در نہایت اسحاق خواہش حضور عبدالبہاء مینمایند لیکن میش از ہزار اوراقی از  
 اجاء و مجامع گوناگون امریکاتحتی از بعضی کشیشہای کلیسا رسید لهذا مجبور بر این سفر  
 گشتم و از برای شناگشیش ارتقی خواستم جار زمین کہ جناب ارباب اردشیر تقدیم نموده

بسیار مقبول گردید تحت ابداع ابی ابلاغ دارید ع ع صاحب  
شیراز افان سدره مبارکه جنابقا میرزا بزرگ جنابقا میرزا حبیب علیها بآه

الا بھی

ہوا تہ

۳۸۳

ای دو فرغ رفیع دو حصہ مبارکہ نامہ شمار سید و معانی دلالت بر ثبوت و رسوخ جناب  
الہی بر پیمان ربانی میگرد احمد تہ در موطن حضرت اعلیٰ روحی و قلبی و جسمی لہ الفداء حضرت  
روحانی حاصل شدہ و نفوس مبارکی باہتر از آمدہ اند نہایت تضرع و نیاز بدرگاہ الہی است  
مینایم ورجا میکنم کہ آن اقلیم گلستان گردد و آنشہر بہارستان شود و آن مدینہ مانند  
آسمان بنجوم ساطعہ مزین گردد اینست نہایت آمال این آوارہ قبوضاتی کہ خواستہ  
بودید ارسال میشود و علیکم البہاء الا بہی عبد البہاء عباس صاحب

بواسطہ جناب قابل زائر علیہ بہاء اللہ الا بہی

شیراز جنابقا سید حسین جناب حاجی میرزا بزرگ جناب حاجی میرزا حبیب تہ  
جناب حاجی میرزا ضیا جنابقا میرزا عبد الوہاب جنابقا میرزا محمد علی انوشان جناب  
میرزا محمد حسین جناب میرزا رحیم خان جناب میرزا محمد باقر صبیہ زادہ مرحوم آقا میرزا آقا

علیم

ظاکر امضا مبارک



٢٤٢  
عليهم بآاء الله الابي

هوانه

بابدى الاكوان وبيع الاسكان وملك الملك الملكوت وملك العزة والبحر موت  
لك الحمد بما خلقت كينونات نورانية وهويات رحمانية وحقائق سماوية ومطالع اشراقية  
من النفوس الزكية ذى القلوب الطيبة الظاهرة والوجوه الباهرة والبصائر النورانية والار  
القدسية وجعلتم آيات التوحيد والوية التجريد والبحار المنشآت لى الحج التقريد ملك  
نفوس آمنت بربها واطمئنت لفضل بارئها ورضيت بقضاً مبدئها ونبت  
من الشجرة المباركة والدوحة المقدسة ونشئت وطالت وتفرقت واورقت  
وازهت واثرت اكلها دائم واصلها ثابت وفتحها فاضح وخصلة نضرة ريانة  
بفيوضاتك القديمة ورشحات سحاب الطائف العميمه وانى ابتهل اليك كبتاً بوجي  
على الارض معفراً جينى بالتراب واقول يا رب الارباب وحيماً الاسباب وحافظه  
الشجرة المباركة مجللة بالانوار يعقها اشعة ساطعة من ملكوت الاسرار ولك الشكر يا الهى  
بما جعلت هؤلاء الابرار من افان سدره المتقى وفروع دوحه البقاء وشعوب شجرة  
طوبى اصلها ثابت فى الارض وفرعها فى السماء رب ادم عليهم فيضك العظيم وحملهم

خطاباً لربنا مبارك

آیات تقدیرک فی سفرک بحلیل و حججک و ادلائک و ائمة المناصین حتی یشر و انک  
ویرتلوا کلماتک و یثوادلائک و یشر حوائینک من انلقی اجمعین ربنا شرح صدورهم نور  
قلوبهم و ارح ارواحهم بفیوضک النامه الغدقه علی ملکوت السموات و الارضین انک  
انت الکریم انک انت الرحیم و انک لذ و فضیل عظیم ایها الفروع الرفیعة اجملیه من الله  
الربانیة ان عبد البهائم یشاق الیکم اشفاق الظمان الی الماء و یکن الیکم حنین السحام  
الی الریاض او اویحیطان الممتعشة الی الحیاض و ارجواته ان یثور بصری بشاهدة و کرم  
التورانیة و یلذذ سمعی باسماع احادیثکم الروحانیة و یجمعنی و ایاکم فی محفل التور  
العقبه الرحمانیه بکل روح و روحان ان ربی یؤید من یشاء علی ما یشاء و هو اللطیف  
الذو القدره منقی عبد البهار اذ جمودیت آت زه خضرتا علی و عقبه جمال ابی سیم و شرکید و من  
و جلیس چون ایتمو بت شامه و غایت کامله از عظم ارتب و جود است و فیض عظیم الیک  
معبود لهذا مردم هزار شکرانه باید و محامد و انوت شاید شکرانه جانفشانی و در جانفشانی کامرا  
یعنی ترویج دین الی هر یک بان موفق شوید تا جمی مرصع از مواهب الی بر سر نهید و خلقی از انک  
ناقصی در بر کنید از مقصدین باشید بلکه از سابقین باخیرات گردید اینست که میفرمایند  
و منهم مقصد و منهم سابق الی اخیرات و علیکم ازکی التحیات و الصلوة الطیبات من

۳۴۴  
رت الارضین و السموات ۹ محرم ۱۳۳۸ عهده البهائم عباس  
هو الابی

مصر حضرت افان سدره تقدیس جناب قامیرزا حبیب الله علیه بآء الله الابی ملاحظه نماید

۲۸۵

هو الابی

عنه

الفرع رشیق سدره البیة حضرت ابوی علیه بآء الله الابی باخوان وارد و تبرای ایشان  
مقدس فائز و بطواف مطاف ملا علی شرف گشتند و شب و روز بملاقاتشان مشغول  
و مؤانستان مآلوف هستیم و از حق میطلبیم که آنچه مشتقت در این مدت کشیده اند من بعد  
براحت و روح و ریجان گردد و اگر چنانچه اسباب تجارت غیر آنچه بهم خورد امیدوارم  
که وساطت تجارت البیة و مشاعل روحانیه که سبب ریح عظیمست و اہم آمد این کسب  
تجارت حطام دنیا عاقبتش خسران مبین است و آن تجارت سبب حصول کثر عظیم  
در ملکوت علیتین مؤتس این تجارتها سبب تقسیم است و مروج آن تجارت جمال  
ابی سلطان مبین پس شکر کن خدارا که اسبابی بجهت حضرت ابوی فراهم آورده که  
بتواند بان تجارت پردازد و البهائم علیک و علی کل ثابت علی عهد الله ع ع  
از توفیق در آن ارض محزون و مغموم مباشید ذلک تقدیر الغیر العظیم گردد عطا

بخند اینک صدفش دلما ورتیر بلا آید اینک هرفش جاننا و امیدوار بقضل جمال  
 مبارک هستیم که این تعب را سبب راحت عظمی فرماید و این شقرا و سیده رحمت  
 کبری مطمئن بغایت او باش لآن فصد علی افان سدره لعظیم عظیم و لطفه لجلیل  
 جلیل و البتہ، حلیک ع ع ع ع ع

هو الابی

حضرت افان سدره ربانیہ جناب آقا میرزا حبیب الله علیه بہا، الله الابی ملاحظہ نمایند

هو الابی

۳۸۶

الفرع لطیف از سدره رحمانیہ آنچه مرقوم نموده بودید ملحوظ شد و آنچه مسطور بود مشہود گردید  
 از فضل جلالتم و عنایت اسم اعظم امید داریم کہ شعب از عنبر جان و دل سدره مقدسه شود  
 منمفصل از حقیقت روحیہ ظاہرہ در کلمہ قدسیہ تا فرع در جمیع شئون تابع اصل  
 گردد و جز بر سیرت و روش کل ظاہر شود قطره موج بگراید و شمرہ حکایت از شجرہ نماید  
 ہر فکری و ہر ذکر یا فراموش نماید و بذکر و فکری مشغول شود کہ جان

ہمان باشد و روح عالم امکان بنظر الطاف منظوری

و بلحظات عین التفات ملحوظی ع ع ع ع ع

هو الله

حضرت افان سدره النیه اقا میرزا جیب علیه بهاء الله الابهی

خط مبارک

ایها الفون من السدره المبارکه مکاتیب شمار سید و ملا خطه گردید همیشه کمال ملاحظت در  
حق شما بوده و خواهد بود مطمئن باش از الطاف حق قدیم امید است که در کل فصول چو نشاخ  
سرو آزاد سبز و غنم باشی هر چه اریح شدید بوزد و حرارت تموز بتابد باز تر و تازه مانی  
تا خیر جواب سؤالات از اینست که جواب مفصل حضرت ابوی علیه بهاء الله الابهی مرقوم شده است  
ولی موجود در اینجا هست نمیشود که فرستاد چه که انیت و سکون و قرار مجبوست انشاء الله  
عنقریب راحت و آسایش حاصل میگردد و جواب ارسال میشود حضرت اخویرا تمیز ابداع  
ابهی ابلاغ نمایند و همچنین سائرد و ستانرا و البهائ، علیک ع ع کتبه

حضرت افان میرزا جیب علیه بهاء الله الابهی

خط مبارک

ایشاخ کاخ حدیقه الی اگر بحقیقت الطاف جمال الی و عنایات غیبیه رحمانی در حق خود  
و اخوان خویش پی بری البسته چون همانه فردوس بال و پرگشتائی و در این ریاض

قدس در اعلی الفروع بنفحات بدیعه و احسان جمیده نغمه بسازی و لغزه برافرازی و الهباء  
منه

علیک ع ع

جواب افان میرزا ضیا علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای تازه نبال حدیقه الهی از فضل محبوب عالم جمال قدم روحی و کینونتی و ذاتی  
لا جانۀ فدائید و ارم که در ریاض عنایت شجری بارور و در حدائق رحمت درختی پرثمر گرد  
و از نسائم بود سلطان وجود آمدار اهتر از باشی و از فیضان ابر رحمانیت تر و تازه گردی

خط مبارک

ع ع صبا

هو الابهی

حضرت افان سدره منتهی جواب آقا میرزا حبیب علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

ایها الفرع الطیف المحیب من السدره الرحمانیه قد اطلعت بمضامین کتابک الکریم  
و لموتۀ لثماً بعباراته و اشاراته التي كانت ناطقة باحیج نارک فی حجتۀ الله و ضیح سترک من  
بعک من مطاف الملا، الاعلی و فرط ثبوک فی دین الله و شدۀ رسوخک فی شریعۀ الله و

خط مبارک

لمشک

ملک من انتسب الی ارومته الرحمانیه و البحر ثومه الفردانیه ینبغی الاستقامه و الثبات  
 و البصیره المؤدیة الی الله البادیة الی التجات حتی یا من من کل الجهات من طوارق الشبهات  
 لعمر الله ایما الفرغ الرطب قد قدر لافان سدره الالهیه مقامات شرت عن الاعین و الاصل  
 و مراتب لا ترقی الیه طیور الخمار العقلاء من ذوی النبی و الوصول الیها منوط بالثبوت فی دین الله  
 و القيام علی خدمته امراته و انی اقتصر الی ربی البیت الابی ان یمتن علی عبده بالبأس المضطر  
 المستجیر بالعمرة الوثقی ان یری افان دوحة المبارکه اشجاراً طیبة ناشئة ثابته  
 الاصل مرتفعة الفرع خضرة لفضرة خضنة ریانة من غیوث الفیض الاعظم وثمره لبوا

مالارات عین و لاسمعت اذن انه کریم و تاب ع ع

در خصوص مشق و تحصیل خط شباهت کنید و همچنین در تحصیل علم و انشاء بقدر امکان  
 چون تأیید الهی نلیز و نصیر افانست زود در جمیع جهات ترقی نمایند در خصوص مشرف شدن  
 در این ایام چون هوا، تابستان اینصفحات ارشدت رطوبت تغییر میکند و امراض  
 متوعه مستط بر غزبا میگردد حال زیارت را با ایام خشکی و زمستان تاخیر فرمایند  
 و البتة، علیک و علی جمیع افان السدره المنستی فی سائر الجهات

ع ع مر ابه

۳۲۹  
هوائه

شیراز بواسطه جناب آقا میرزا بزرگ افان امته الله ورقه مبارکه همیره شان علیها بئآ الله

هوائه

۲۹۱

ایورقه مبارکه حمد کن خدارا که از سدره مبارکه روئیدی و منتسب عقبه مقدسه فی حال  
باید بشکرانه اینفضل و عطا محبت و وفا پردازی و شب و روز بذکر حق مشغول گردی  
و به بتل و تضرع پردازی آیات توحید تریل نمائی و بجز بر تقدیس مبعوث نشو  
و حلیک البهآ، الابی ع ن ع آله

خط کا تبه بر و خط مبارک

هوائه

ورقه مبارکه سدره رحمانیه امته الله طوبی خانم علیها بئآ الله الابهی

هوائه

۳۹۲

ای امته الله ملاحظه نما که بر تو غایت چگونه بر تو درخشیده و فیض الطاف چگونه بر تو بار  
در عصر ظهور و قرن مجلی بر طور موجود شدی و در ظل لوآء میثاق محشور گشتی قمیص  
ایقان در بر نمودی و تاج انتساب بسدره مبارکه در سرداری و متمسک بذیل عهد طلیک  
حماک غیب و شهودی و آلا جمیع بها، منتها گردد و کان لم یکن شیئا مذکور امیثد زیرا

خط مبارک

پیان



پیمان یزدان میزانت و سفینه نجاتت من دخل فیها نجی ومن تخلف عنها ملک  
ع ع معا بد

شیراز همیشه حضرت افان الورقة المباركة طوبی خانم علیها بقاء الله

هوالة

۳۹۳

خط کتابت حضرت مبارک

ای ورقه مبارکه نامه شمارسید همیشه منظور نظر بوده اید و مشمول بهربانی ناقصی  
اگر در ارسال نامه یا جوابت خیر افتد این از کثرت اشتغال و وفور مصائب و بلاهای صوری و  
مضوی صدور یافته اینتقلم باید بجمع آفاق مخبره کند زیرا دایره امراته نه چنان اتساع  
یافته که تصور توان نمود هر روز اوراقی می شمار مانند امطار از اطراف میریزد ده نفر از  
عاجز ماند تا چه رسد بنگاشتن جواب بامته الله صلیه غفران پناه اقا میرزا محمد رضا  
از قبل من تحتیت وهربانی برسان بجهت آمرزش پدر و مادر او تضرع و نیاز بدرگاه  
بینیان گردید که ای رب کریم سراج بازع جناب صادق را در گلشن ملکوت  
مخل بسق فرما و در انجمن جهان پنهان ششمی باوق نما گناه بخش پناه بده حیات  
جاودان ارزان فرما ای ورقه مبارکه از درگاه بارالله ترا شفا طلبیم بجنس اما اگرکن  
آسمان تحتیت ابدع ابی ابلاغ داید عبدالبهاء عباس

بواسطه بیشتر سوره درقه نورانی سوره عا طه خانم علیها سلامه الکر

هوانه

۳۹۴

ای ورقه سوره مبارکه این رؤیا صادقست زنجیر کنیزی جمال مبارکت و مربوط  
باسم اعظم یعنی منسوب بان و کلیدها اشاره بانست که این زنجیر کنیزی سبب فتوح  
انوار است و جمیع حرز دل و جانست و حفظ روح و روان امته الله المحترمه  
والده جلیله را بالطف حق خورشید نما و امته الله صبیئه اقا میرزا محمد صادق خباز  
را بغایت الهیه امیدوار کن و علیک البها، الابهی ع ع ۲

خط مبارک

۲ حضرت تجرید انبوع

هوانه

شیراز بواسطه حضرت افان سوره مبارکه جناب میرزا حبیب الله دریت  
تلاوت شود مناجات طلب مغفرت بجهت امته الله خادمه بیت علیها سلامه الابهی

هوانه

۳۹۵

الهی الی هذه امه اقبلت الی جوار رحمتک و تو جهت الی عبته قدسک اسلک لفضلک  
وجودک ان کرم مشوا و تزلها فی نزل مغفرتک وحدائق عفوک و فردوس رحمتک ایتر  
انها خدمت عبیک المقدسه و تعبت و تحملت و قاست المشقات فی سنین معدودت  
و لم تزل کانت تر جود رضاک محتمیه الی حکاک و متوسطه الی ملکوت عداک متشبهه بـ

خط کاتب هر روز کتبا مبارک

رداء

۳۵۲  
 ردا، مذاک حتی انتمت افسا و کسرت افسا و طار و وصالی فضا، رحمتک الکبری  
 و اوج عفوک و عفرانک یا من سبقت رحمته کل الاشیا، ایرت عالمها بفضلک  
 وجودک انک انت الکریم الرحیم العفور العفو الواب و انک انت الرحمن المنان الخ  
 المستعان ع ع سبده

شیراز محفل تبلیغ نساء، حسین بهاء الله الابی

هوالابی

۳۹۶

جنگل آستان کبر

ای آقا، رحمن نامه شمار سید دل و جان شادمان شد که جناب غیرت اسین محفل تبلیغ نمود  
 از این خبر نهایت شادمانی رخ داد و امید چنانست که این محفل باقی و برقرار باشد و جمیع نساء  
 یاران بهره و نصیب از ملکوت اسرار برزند و مقدر بر تبلیغ دیگران شوند تأییدات جمال  
 مبارک شامل شود و نصرت ملکوت ایمی جلوه نماید عالم نساء، دردوره سابق بسیار  
 تاریک بود در این دوره بالعکس روشن گردد و گوی سبقت از میدان برآیند  
 نطقی هضم گشایند و بیان بلوغ جویند و در نهایت شجاعت صف جنگ بیاریند  
 و بقوت برهان و سطوة عرفان ممالک قلوب را مستخر نمایند و علیکن البهائه الله فرصت  
 بیش از این نیست رمضان ۱۳۳۹ عکا بهی عبدالبهاء، عباس سبده

پور تسعید ورقہ مبارکہ امہ اللہ صلح حضرت افغان سدرہ مبارکہ علیہا بآء اللہ الای

هوالتہ

۳۹۷

عظ مبارک  
ایورقہ مبارکہ شجرہ سینا، شکر کن خدا را کہ در ظل ممد و دوا دخل شدی و در تحت لوا؛  
معقود رایت میثاق محصور گشتی و از مسجد حرام مطاف ارواح روحانیان مسجد اقصیٰ قبلہ  
ملا، اعلیٰ توجه نمودی و برتبت مقدسہ معطرہ معنبرہ جینرا نور مبین بخشیدی و بتقبیل  
حیات بدل و جان بدل نمودی حال در نہایت بشارت مراجعت بان عقبہ مقدسہ ما  
و از قبل و رقعات مبارکہ بالنسبہ روی و مویرا تبراب آن عقبہ مقدسہ مال و اما، الرحمن  
را در انکشور بشارت رب البشر بہ تا کل در کمال وجد و طرب و جذب و فرح بگذر

احدیت مشغول و مالوف گردند و الطاف و غایت جمال

قدیمرا بنحاطر آرند و در هدایت اما، مستعدہ با کمال نکلت

کوشند و در تربیت اطفال بموجب حکام الہی جہد

نمایند و بنماز و نیاز و صیام و قیام بموجب

امر قطعی الہی بر خیزند ع ع تسابو

ورقه مبارکه ضلع حضرت افان جناب ق امیرز آقا علیه بآء آله الیج ملاحظه نمایند

۳۹۸

هو الابی

ظن مبارک

یا امته الله الورقه النابتة علی صدره لمن استسعی علیک بآء الله وفضله وجوده واحشا  
فی اولاک و اخریک فی الحقیقه چون تصور مشقات و بلیات و محن و آلام و غربت  
و کربت آنورقه مبارکه را بنمایم نهایت غموم و هموم حاصل میشود ولی ایورقه بمطره  
مخزون مباش زیر حضرت اعلی روحی له الفدا و جمال قدم کینوتی و ذاتی لاجانه فدا  
در این عالم ملاحظه نامه بلایا، و زرایا، تحلی فرمودند. جمیع مصائب ما حکم قطره و شبنم دار  
و آن حکم بحر عظم عنقریب مشوبات این نجات و حسنت این مشقات را بصر ممنوت مشا  
خواهی نمود ملحوظ عین غیاتی و مشمول توجهات رحمانیت مطمئن باش و

مترج شو و البهآء علیک

و علی اولادک و اخفادک

فی القرون الآتیه

ع ع کبیر

۳۵۵  
هو الله

ش حرم حضرت آقا میرزا آقای افغان ورقه مبارکه علیها بآء الله الابی ملاحظه نمایند

هو الله

۳۹۹

خط مبارک ای ورقه مبارکه شکر کن که با لطف جمال قدیم در ظل علم عظیم درآمدی و بجل متین تشبث نمود  
و بنور مبین هدایت یافتی حال وقت آنست که بیساق تویم تنگ شدید نمائی تا برصراط  
مستقیم ثابت مانی حضرات افغان در ظل لیلای غایتند و مشمول الطاف بینهایت دستور العمل  
بخضرت افغان جناب آقا میرزا آقا مرقوم شد امید و ولد از رب مجید چنانست که موقی بر  
آنچه الیوم لازمست شوند و البهآء علیک ع ع تسامحه

هو الابی

ش ورقه مبارکه افغان سدره رحمانیه امه الله حرم جناب آقا میرزا آقای افغان علیها

بآء الله الابی

هو الابی

۴۰۱

خط مبارک ای ورقه مقدسه مبارکه سدره الهیه در بجهت فردوس رحمانیه بلند شد و شرق و غرب  
آفاق را احاطه نمود تا توانی باصل دو حه الهیه تعلقاً احکم کن تا از مد فیوضاتش همیشه

بسر

۳۵۶  
بنز و خرم مانی و از تفحات تقدیسش تازه و معطر گردی شکر که باین فضل و موهبت

قیامی و مفتخر شدی ع ع معاذ ربی

هو الابی

پور سعید و رقه مقدسه نورا، مریم سلطان بگم علیها بآء الله

هو الابی

۴۰۱

خطاب

رب و ربانی آن بده امه من آماک و ورقه من ورقات شجره رحمانیک نبت  
من سدره فردائیک اسلک حکمتک العلیا التي جعلتها آیه وحدائیک ان تتبها نبأ حسناً و قوتها  
علی الرضا ع من ثدی ربائیک و تربیها فی مدرجته وحدائیک و تشبها فی حصن رحمانیک قسمها  
من ملکوتک روحیه لکن مستبشرة بروح العرفان انک انت الکریم الرحمن ع ع معاذ ربی

شیراز

حضرت افغان سدره مبارکه جناب قایم زابزرگ و جناب قایم زاجیب علیها بآء الله الابی

۴۰۳

هو الله

ای دو قصب رطیب سدره مبارکه نامه شمارید و از اتمام بیت مکرّم و انتهای حساب نهایت روح  
و ریجان حاصل گردید حضرت مؤید فی الحقیقه مؤید و مظفر موقصد و منور احمد که در چنین طوفانی

خطاب در وقت نماز

و چنین هجوم عمومی که جمیع قلوب مشوش و نفوس مضطرب عباد الهی، در نهایت اطمینان و سکون قرار  
 شمار بعباریت مکرم و ادا داشت و حضرت افغان سدره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد تقی راینی مشرق  
 الذاکار مشغول نمود در چنین وقتی امری که در زمان نهایت سلامت و امان و آسایش دل و جان  
 فاضلین سابق پرداختند ماد چنین برای ناگهان باز روی دل و جان قیام نمودیم این نیست مگر از فضل  
 بیختمنای جمال مبارک روحی لا تجانه الفداء لهذا بجهت موفقیت باین امر عظیم باید بشکرانیت دگاه  
 رب قدیم پردازیم که موفق بر چنین نعمتی فرمود له الحمد وله الشکر علی ذلک از ارشاد مرضیته اله  
 الموقنه والده اقا میرزا بهاء الدین متأثر شدیم و در کمال تأثر و تأسف مناجاتی در طلب مغفرت برگزید  
 احدیت نمودم نص آن مناجات در جوفت اما مبلغی که آن محترمه وصیت نموده بود رسید  
 ولی بسیار موقوفه در ارض مقدس کار تنگ شده بود و اعداد در نهایت هجوم در محلی بسیار لازم و ششجانبی  
 سزاوار تقدیم شد این نیز دلالت بر خلوص آن محترمه مینماید و علیک التیة و الهیة ع ع  
تجدید

هوائه

۱۳۴

ایمانی الفحان النبان من لدره الرحمانیه و رقه مسطوره وارد و مضامین معلوم و مفهوم گردید آن  
 حضور باستان مقدس خواسته بودید نآذونید ولی در عید رضوان چون جمعیت است قدری بلکه  
 بر شمار محنت اگر چنین زحمت دارید بسیار خوب و الا بعد از رضوان و الهیاء علیکم و علی کل ثابت

راشیخ

خط مبارک



۳۵۸  
 راجح علی المیشاق ع ع سه ق  
 شیراز      حضرات افغانهای سدره مبارکه

جناب قایم‌رزا بزرگ      جناب آقا میرزا حبیب      جناب آقا میرزا ضیاء، عظیم‌بها، آله‌الابهی

هو الله

۴۰۴

خطکاتیب امضا مبارک

ای افغان شجره‌ورگانه نامه شمارید و بدقت مطالعه گردید این خانه که الان میفروشند البته  
 بی‌برودی غریب زیرا بسیار محبت البته شما و اجابتی آئی در این مسئله همه نهایت کوشش را نمایند  
 اگر چنانچه در این بیانفدا موجود بود فوراً جمع مبلغ ارسال میکشت ولی مصارف اینجا تجدید و شمار و این  
 مبلغ حاضرند ولی هزار تومان بهر قسم است ما میرسانیم بلکه انشاء الله اجابتی آئی و محفل روحانی در این  
 هم جالفتنی نمایند یا شما موفق بان گردید که این مبلغ را تقسیط بدو سال نمایند و این هزار تومان به  
 حاجی امین تغراف شد که فوراً برسانند و این مبلغ هزار تومان بهر قسمی است ارسال خواهد شد مطمئن باشید  
 و اما مصارف بیت مبارک هر سال مرقوم دارید از اینجا ارسال میگردد و از لطف حضرت مقصود امید  
 دارم که حضرات افغان سدره مبارکه در جمیع شئون ممتاز باشند و سبب ترویج ایمان و پیمان تا  
 تأییدات جمال مبارک احاطه کند و آنچه شکره وجود است حصول یابد و حلیم‌الها، آله‌الابهی  
 جناب ساد محمد بنای خدمات مبروره نمودید و موفق نهایت هر بانی و خلوص نیت و محبت از قبل

عبدالبهاء، برسانید از عدم فرصت مختصر مرقوم گردید العذر عند کرام الناس مقبول

عبدالبهاء، عباس صاحب

شیه از حضرات افغان سدره مبارکه جناب قایم‌رابط بزرگ و جناب قایم‌رابط خلیفه علیها

بهاء الله الاهی

هو الله

۴۰۵

خط کاتب العبد مبارک

ایها الفغان من السدره المبارکه نامه شمار رسید از مضمون مضموم گردید که اسجیده در این  
 سنین انقلاب خطه شیراز ثبوت و استقامت دساز و وین و فتوری حاصل گشت و این  
 سبب فوج قلوب شد اگر چه بعضی نوهوسان امممه و دمدمه انداختند و لکن این چون  
 کف دریا فاما الرزید فیدمب جفا، و اما ما یفیع الناس فیکت فی الارض با وجود صریح  
 الواح الیه که تا الف سنه ظهوری نه و عبدالبهاء، بعبودیتی قائم که خود ارتاب اقدام میبرد  
 و نفسی جز از خوف و خشیت حضرت کبریا، بریناراد چگونه نفوس ضعیفه بلند پروازی نمایند و  
 هستی کنند اقله عبودیت محضه بی تاویل را از عبدالبهاء تحصیل کنند الی الان کلمه که دلیل  
 بر وجود باشد از فم او صادر نشد تا چهره بسبونی دیگر لایه و قوعالی احياناً چنین واقعه  
 گشت و لکن اجاباید چنین شخاص را بحال خود بگذرانند نه پیروی نمایند و نه پرده در می کنند و  
 بالتی

۳۶۶  
 بآتی‌های حسن معامله نمایند باری افغان باید در نهایت ثبوت و استقامت با خلاق الهی همرا  
 تشویق و تحریص نمایند نظریات الهیه شامل و تاسع و آثارش ظاهر و باهر خواهد گشت  
 از صعود نفوس از اجا که بلاء اعلی‌ش تا قند از جهتی اخرا انجوم نمود زیرا افرا قشان بریار گشت  
 واقع شد ولی از جهتی دیگر اطمینان بعبود و غفران حضرت رحمن است که آن نفوس مقدسه در  
 جهان ناقص‌های مظاهر الطاف ربانی گشتند و آنچه در جهان عنصری گشتند در عالم الهی  
 غرضی اندوخته یافتند از اینجهان سست غایب‌ها را یافتند و حقیقتی از عنصر رحمانی جستند  
 و مستغرق بجزانوار گردیدند اسئل الله ان یشلمهم بلحقات اعین رحمانیه فی عالم الابرار

ان ربی لغفور رحیم وعلیکم البهائم الابی ۳ اذار ۱۹۱۹

این آیه قرآنی تلاوت نمایند فوف بعلیک ربک قرنی مطمئن بفضل مخصوص باشد

عبد البهائم، عباس تبارک

شیراز حضرات افغان سدره مبارکه جناب قائم‌زاد بزرگ و جناب قائم‌زاد حبیب علی‌ها بآء الله

۴۱۶

بمواته

ای دو افغان شجره مقدسه مکاتیب شمارید ولی جواب تا نیز افقاد زیراک لت مزاج  
 بشدتی بود که تحریر جواب نکنم البسته مندرجه امید داشت بجهت بناء بیت موار

خطا کاتب در نوشتن این کلام

صد لیرہ فرنگ و یک ماہ پیش ارسال شد خواہم رسید و ہمچنین قبوضاتی کہ خواستہ بودید ہر چند  
از پیش ارسال شدہ بود معلومست نرسیدہ لہذا نسخہ ثانی ارسال میشود و اما در خصوص  
بیت بعضی سوالات نمودہ بودید این سوالات ابدال روم ندارد اما نسبت کہ از پیش مرقوم شد  
باید از ہیئت اسدیہ ابدال تغیر نماید مقصود ترمین نیست مقصود اینست کہ جمال علی حضرت  
نقطہ اولی روحی لد الفداء وقتیکہ در آن بیت مہترم بودند ہمان وضع و کیفیت عیناً باقی  
و برقرار بماند ہیچو جہ من الوبوءہ از جمیع خصوصیات غزلی و کلی تغیری نیابد البتہ این کلامت  
والا اگر خشتی از ذہب خشتی از فتنہ و مرصع بنا شود سزاوار اعظم از آنست شما نظر  
باین داشتہ باشید مقصود حفظ ہیئت اصلیہ است کہ ہم نخورد و ہمچنین نقوش و ابواب  
و سایر متعلقات و اما در خصوص زمین پورت سعید در زمانیکہ حضرت والد مرحوم در پورت سعید  
بودند و خیال مراجعت بشیر از داشتند بن نوشتند کہ شاہ بنجاب آقا احمد امیر بکنسید کہ زمین  
میرزا آقا را بخزند زیر امانتاج بمصرف راہ استیم من نیز در ہمان وقت با آقا احمد ہشتم  
و آقا احمد آن زمین را خرید و اوراق تبادله و رسمیتہ را پیش من فرستادند و آن در  
دریں اوراق من است بعد از رفتن حضرت افان آقا احمد آن اوراق خواست نوشتم  
کہ من فرصت ندارم کہ این اوراق را کہ با کتب و الواح در محلی مستور گذاشتہ شدہ

حال بدست آرم لذا شاهد دوباره بحضرت افغان بنویسید که از جناب آقا میرزا آقا سنذی گرفته  
 ارسال دارند و همانوقت حضرت افغان گرفته ارسال نمودند و اینمعامله بواسطه من اجرا شد  
 و آن اوراق اول در میان اوراق من محفوظ ولی همت لازمست که در وقت فرصت جستجو شود  
 و ارسال گردد و الآن اوراقی که دوباره در زمان حضرت والد بواسطه خود حضرت والد از جناب  
 آقا میرزا آقا گرفته شده است در نزد آقا احمد موجود است و این باطلاع من شد اینست  
 حقیقت واقع از قرآن چنین معلوم میشود که حضرت افغان اینسند را از شما کمموم داشتند  
 البته گمان مفرماید که جناب آقا احمد در اینخصوص وسیلی نموده اند یا با جناب اخوی  
 آقا میرزا آقا مواطئه لی کرده اند اینمعامله در نهایت کمال مجری شده و حضرت  
 افغان کردند و اگر قصوری واقع در بدایت واقع که اطلاع بشما ندادند و جواب  
 شما در اینخصوص بجهت ضعف مزاج تا بحال تاخیر افتاد شما که افغان سده مبارکه هستید

باید در امور نهایت دقت را مجری دارید و در حق نفسی تا توانید گمان نبرید

از خدا خواهیم که روز بروز بر ایمان و ایقان و وضوح

و خشوع و فقر و فنا و محویت تام بیفزائید علیکم

التَّيَّةُ وَالتَّنَائُفُ عَ عَ تَبَارَكُ

شیراز حضرات اقدان سدره مبارکه اقامیرزا بزرگ و اقامیرزا حبیب الله  
و اقامیرزا ضیاء الله عظیم بهاء الله الاهی

هو الله

۴۰۷

خطاب حضرت سیدنا مبارک

اینا الفروع من السدره الرحمانیه دو نامه از شمار رسید که الحمد لله دلیل جلیل بر ثبوت و روح  
بر امر رب کریم بود الحمد لله موفق بخدمات بیت هستی و باین توهبت کبری مؤید و در  
ملکوت اهی مذکور و در نزد عبدالهائے مقبول قدر این غنایات التیه را بدانید و بشکرانه  
جمال مبارک روحی لاجنانه الفداء پردازید الحمد لله صحت امر الله شرق و غرب را احاطه نمود  
و رایت یا بهاء الاهی در خاور و باختر موج میزند من بعد رحمت شما از کثرت زوار بسیار  
خواهد شد از حال باید که خود را حاضر نماید تا جمیع زائرین و واردین نهایت سرور و فرح  
و روح و ریحان حاصل نمایند امید چنانست که مبلغین در آن خطه و دیار موفق بخدمات  
فائده گردند جناب غیر نجم ساطع اثر است فی الحقیقه چنانچه باید و شاید بخدمت پرداخته  
جناب مطلق سراجی بازغ است در هدایت نفوس میگویند جناب نوش بنیتی صادق و  
نکری ثاقب و رخی بارق بهدایت نفوس میپردازد قدر این مبلغین را بدانید زیرا در  
امر الله جانفشند هر مبلغی که بموجب نصایح و وصایای الهی سلوک و حرکت مینماید کعب  
درخشند

درشنده اتق غایتت مسألی که در میان شما و محفل روحا اندک اختلافیست حول  
 بجناب میرزا محمد باقر خان کرده که ایشان بنهایت روح و ریجان التیام دهند و سبب تحت  
 و آسودگی قلوب گردند زیرا اختلاف روز بروز سبب نقار میگردد و علیکم البهاء  
 الابی ۹ شعبان ۱۳۳۹ عبد البهاء عجاس <sup>تمت</sup>

هوای

۴۰۸

ایفروع نابتة از سرده منتی نامه اخیر شمارسید که خانه معمور در ۲۲ ماه رمضان به  
 دو هزار و ششصد تومان نقد با مبلغ یکصد و هفتاد و پنج تومان بعنوان مصاحبه حق غنیمت  
 دو هزار و هفتصد و هفتاد و پنج تومانست اتمام یافت این مقصد و هفتاد و پنج تومان  
 نیز بهر وسیله باشد انشاء الله ارسال میگردد حساب خرید خانه را ناطق مرقوم دارند  
 که درست داده شود اما مسئله قباله خانه بعد ارداد و مرتبه است که ما خریدیم  
 باز از دست در کار است میرود یکدفعه بنام آقا سید احمد مرحوم و یکدفعه بنام  
 حاجی حسین بعد از فوت هر دو باز خانه از دست رفت نوعی مجبری نماید  
 که در آینده مشکلاتی حاصل نگردد و علیکم

البهاء الابی ۲۴ ذی حجه ۱۳۳۸ حفا عبد البهاء عجاس <sup>تمت</sup>

خطاب - البهاء الابی

شیه از حضرت افغان سدره مبارکه . اقا میرزا حبیب الله علیه بهاء الله الاهی

هوائه

۴۰۹

ایذرع شجره نقیقت مقبول بارگاه حبیب حقیقی گشتی و متب درگاه طیب روحانی و منظر  
عواطف حضرت سبحانی زیرا مورد تعذیب و اذیت ستمکاران شدی و معرض جنای جاہلان  
از سنگ پرتاب مبغضان اثری در چشم و جبین حاصل شد و ضرری چون برج عظیم این  
سنگ هر چند سنگ ستمکاران بود و لکن دلیل بر هوش و فرهنگ آن مظلوم هربان چنانکه  
گفته اند و کم فی الارض من خضرآء و یابته و لیس یرجم منها الا مالہ شر در وقت اذان دکور  
فرقان دست بر بنا گوش نهادن سنت قدیم و عادت دیرین مؤذنان است زیرا از بد است  
اتحادین الله در دینه چون بانگ اذان بلند شد از اطراف مؤذنان سنگ رنمودند لهذا  
هر کس اذان گفتی دودست را بنا گوش نهادی تا سراسر سنگ هر بد اختر محفوظ و مصون ماند  
باری این بغداد در راه و فاکشیدی و این محنت و اذیت را در محبت حضرت احدیت  
تحمل نمودی سگر کن خدا را که باین عطیه کبری موقوف و مؤید شدی حضرت افغان سدره تقدیس  
جناب ابویراکبیر ابرع ابی المبلغ نمایند و همچنین سایر انومان و ورقات مبارکه را و علیک

التقیه

خطه کاتب میرزا حبیب مبارکه



هو الله

حضرت افغان سدره مبارکه جناب میرزا حبیب علیه بآء الله ال

هو الله

۴۱۰

بشارت

ایضاً سدره مبارکه از روزی که شمارفته اید همه بکسر شما اتمم که در این سفر بهیچ وجه فرصت معاشقه  
والفت با شما ننمودم اگر چه در هر دمی اتمم بودم و در هر نفسی مونس و محرم ولی چون این  
ارض منقلب و ایغید در صدها گرفتارها و بیات سرتی و بهری مبتلا بظاہر شب و روز ننوایم  
و مجبور از بردی خوف از وقوعات ناگمانی چون واقعه روز صعود که حاضر بودید شما را هر چند فرستاد  
ولی در قلب همیشه بیاد شما اتمم و فراموش ننمودم از فضل جمال قدم و اسم اعظم روحی  
لا حیاة الا الله امید دارم که در ظل غنایت محفوظ و مصون باشید و شب و روز بجای  
باشید که آنافاناً در مراتب قرب ترقی و صعود فرمائید ایضاً لطیف تکلیف الیوم عظیم  
عظیم بایدا من خدمت برگردد و در مراتب عرفان یوماً فیوماً ترقی نمود تا بعون  
حضرت قیوم چون سراج نورانی در جاذبه امکان بر افروخت و ابهات، حلیک و علی

بشارت

کتابت علی المیثاق ع ع

مناجاة

شیراز حضرات افغان سدره مبارکه اقامیرزا بزرگ و اقامیرزا حبیب الله و اقامیرزا غنی

علیهم بهاء الله الابی

هو الله

۴۱۱

ایمان افغان الشجره الرحمانیه نامه شهاب تاریخ ۷ ربیع الاول ۳۳۹ و وصول فیهت ولی عبد الباقی  
 در جواب مجبور بر اختصار است شخصی ازنی اگر خواهش زیارت بیت الی نماید و این پیش حد  
 باشد نه ایکه مقصد غناد وجدال و القای شبهات باشد مساعده زیارت بنماید این  
 هر چند طواف بیت خواهند و لکن از رب البیت غافلند بازی بکمال رافت هدایت آن  
 نفوس را نخواهید و چون جبل را شیخ شبهات این نفوس را مقامت نماید و لکن ملاحظه  
 دارید از رویکه مقام اعلی مرتفع و دیده عموم اهل میان روشن و علم عزت امر الله بلند شده  
 یک نفر از این نفوس غافل بر زیارت نیامد لکن از این آمدن بر زیارت بیت مقصدی دارند شاید  
 القاء شبهاتی نمایند دیگر فکر نمیکنند که کار از این درجات گذشته زیر اصیت و صوت امر الله  
 شرق و غرب را احاطه نموده و در قطعات خسته عالم خاور و با حتر نقره یا بهاء الابی و یا علی الله  
 بلند است و علم جاء الحق و زهق الباطل موج میزند ملاحظه کنید که چقدر وسیع است  
 اهل شبهات بیانی یک عکس واهی درست کرده اند و حضرت اعلی روحی له الفداء نسبت  
 میدهند و حال آنکه شامل صحیح حاضر و موجود و شما دیدید که این عکس موهوم چه قدر ضعیف

ظلاله بر آینه صفای آرزو

مثل

مثل شمس واضح که شامل مبارک نیست و سواد این نامه را به بنی ریز و شهرهای دیگر شیراز نزد  
 محرمان عاقلان بفرستید و سفارش سترو محافظه بنمائید در فقره بیت مکرم محترم مطاف ملا  
 اعلی که از پیش مرقوم شد مقصود اینست که حال چنان مجری دارید که در استقبال شاید از اولاً  
 واحضاد نفسی مبارزه پردازد و مزاحمتی نکنند و گوید من وارثم میخواهم بفروشم مقصود  
 این ملاحظه بود و علیکم البهائم الابی ۷ جمادی الاولی ۱۳۳۹ عبدالبهاء عباس  
 قدس سره

هو الابی

۴۱۲

حضرت افغان مناجاتی چند ماه پیش طلب عون و الطاف بجهت عموم افغان سدره تقدیس  
 و ذکر اوصاف فروع شجره رحمانی از ذکرگاه احدیت گردید ولی خبر وصول نرسید و پنجمین هزار تومان جول  
 بجهت خرید خانه جوار خواهد گردید از شیراز در این خصوص نیز خبری نرسید حال مقصد تفصیل سخنان  
 و از این تا بحال چه رسیده مرقوم دارید ولی بکمال عجله و اگر چنانچه فرصت نذارد بکس دیگر ممکن  
 است که مرقوم دارد باو تکلیف کنید مدتی است که از چیک از حضرات افغان سدره مبارکه شیراز کجی  
 نه خبری و نه نامی بمن نرسیده باری با وجود اینکه من از کثرت غوائل و مشاغل و ممالک  
 و مفتریات و مخابرات با جمیع اقایلیم عالم دقیقه‌ی وقت ندارم باز بخوا خود میکارم ملاحظه کنید  
 که چقدر مواظبت دارم مقصود اینست که بلکه انشاء الله آن خانه جوار حرم مقدس خرید شود

وکسی نه شفا ما و نه خطا جارت القالی دارد مانند بنیان زرین رسین الی الابد بعون و غایت جلال  
مبارک ثابت و مستقیم و حضرات فان سدره مبارکه راهردم فوزی عظیم و فیضی مبین خواهم <sup>و بخیر</sup>

و علیکم البهائم الابهی عبد البهائم عباس <sup>تسبیح</sup>

الی الی ایتمک تعلم باننی احب بکل قلبی افان سدره رحمانیتک و فروع شجرة وحدانیتک  
وارجوک ان تؤیدهم علی الوصول الی اعلی الدرجات فی النشأة الاولی و المنشأة الاخری ربنا جعل <sup>و جهم</sup>  
توقد و تفضی کالسراج فی الطف زبیر نور <sup>عنا لولیک انت القوا القدير</sup>

عبد البهائم عباس تسبیح

هو الله

شیراز حضرت افان سدره مبارکه جناب اقامیرزا بزرگ علیه بھائم الله

هو الابهی

ع ۱۳

ایها الافان الثابتة من السدره المبارکه نامه مورخ به ۲۰ محرم ۱۳۲۹ رسید از مضامین نہایت نابت  
و انشراح حصول یافت زیرا دآل برآن بود کہ در خصوص خانہ احمدیہ تمشیت حاصل و آنخانہ ملحق  
بیت مبارک گردید الیوم ہرور عبد البهائم باین امور است کہ تعلق حضرت اعلی و نقطه اولی روحی <sup>نقداً</sup>  
۱۰ ارد یا تعلق بقببہ مقدسہ مبارکہ حضرت بھائم الله روحی عبادہ الفداء باری محمد کنید خدا او شکر

خط کا تصدیق مبارک

ناید

نمائید که چنین موتهی موفقیه و بچنین خدمتی مؤید د و هزار تومان بواسطه جناب مین حواله شد الحمد  
رسید از الطاف الهی امیدوارم که در جمیع مراتب موفق و مؤید شوید حسابی که ارسال نموده بودید

ناطق و واضح بود عبد الباقی عباس ۲۰ ع ۱۳۳۹ حیفانه

هو الله

شیراز حضرت افان سدره مبارکه جناب قاسم میرزا بزرگ علیه بقاء الله

هو الله

۴۱۴

ای افان شجره بقا جناب قاسم میرزا بزرگ بواسطه شما ارسال نمودند و اسد های اذن  
حضور بیت معمور نمودند ما ذوتند خبر کالت و انکار مزاج حضرت افان سدره بقا بسیار  
سبب خزن و تأسف گردید از حق میطلبیم که با نچه رضای جلی مجوسبت آن برسیم در سبیل او  
جام فدای طلبیم و راه هدی پوئیم و روی او جوئیم و ستایش او گوئیم و هر سو که رو  
گردیم تو جده با نمائیم هر چند از خبر بنای سطاق عالمیان بیت مقدس بسیار روح  
و ریحان حاصل شد ولی حوادث نکتہ مزاج حضرت افان بسیار سبب خزن شد امید

وارم که این خزن مبدل بسرور گردد علیکم

التحیة و الشنآء ع ع بآء

شیراز حضرت افان سدره مبارکه جناب آقا میرزا حبیب علیه بهاء الله الایه

هو الله

۴۱۵

ایبذه تقی آنچه بجایا قاسم تقی هر قوم نموده بودید ملاحظه کردید مطمئن بفضول و غایت حضرت احدیت  
باشید آنچه تقدیر فرماید غیر عموم باشد حکمت بالغه الهی بسیار است لابد ظاهر خواهد شد حرکت جناب  
بشیر الهی هر چند سبب غرضت اما حکمتی در آنست شما توکل بخدا کنید و از هیچ امری مخزون و مشوش نگردید  
جو هر توکل حیات روحانیانست و حقیقت توکل سرمایه روحانیان حضرت والد جلیل رحمت رویه  
ابلاغ فرماید و همچنین جنرات اخوان را ابداع بیان تحت مشافهه ابلاغ فرماید و همچنین سایر حاجی  
کمال اشتیاق از قبل اینعبادان فرماید و علیک التحیة و ایشاء ع ع  
مع تبر

خط کاتبه و انصافی مبارک

هو الله

قطر مصر حضرت افان جناب میرزا حبیب علیه بهاء الله الایه

هو الایه

۴۱۶

ایها الفرع اللطیف من السدره المبارکه استبشیر بفضیلت انشرفت من حقیقه التقدیر و استسقی  
من الغیث الدامطل من سحاب فیض ربک و امش بین الخلق باطوار انجذب بها قلوب اهل التوحید  
و عاثر

خط مبارک

و عاشق کل حبیب یدعوک الی ربک الجلیل ع ع قند

هو الله

بواسطه جناب قایمیرزا علی اکبر زائر

جناب اقا میرزا حبیب الله افان و اخوانان علیهم بھاء الله الای

۴۱۷

هو الله

خطایب مراد حضرت مبارک

جناب زائر حاضر خبر دارد که آنجناب نامه های متعددی در عبدالبهاء دارد لهذا بازخواست می نماید

این نامه بنماید محض خاطر ایشان باز خانه ب حرکت آمد و تحریر پرداخت تا بدانی که در این سخن چینی

مذکوری در عقبه حضرت سبحانی مشهور و عبدالبهاء در جمیع احیان بیادت مألوف و حکیم

الحقیقۃ و الثناء ع ع قند

هو الله

آباده جناب فنان آقا ابان حضرت افان سدره مبارکه اقا میرزا قایمیرزا علیها بھاء الله الای

۴۱۸

اللهی

خطایب مراد حضرت مبارک

ای نابت از سدره مبارکه چون بشرف انساب فائزی باید بصفت کمال در کل مراتب ممتاز شما

تا آتش الله سلاطه جان و دل گردی و از آب و گل بکلی منقطع شوی و آن شئون فائضه از تجلیات

خی قیوم است بکوش تا از ان نوار مقتبس کردی و از ان آیات شکر و البها، علیک و علی

کل ثابت علی المیشاق ع ع سدره

هو الله

ش حضرت افان سدره مبارکه جناب آقا سید اقا علیه بها، الله

هو الله

۴۱۹

خط مبارک

ای افنون سدره رحمانیه در جمیع احوال و احوال بیاد شما مشغولیم و افضل حضرت و دو امید داریم که بخدمت مربی غیب و شهود موفق و مؤید گردی و آنچه سزاوار وجودیت آستان مقدس است متوقی و مؤید شوی تا در خضوع و خشوع و تضرع و تذل و تذلل و نیاز باناز و در سار عبد البها، گردی تک بیتی کل عبد

غیب اخلص وجهه لله رب العالمین اسئل الله ان یوفیک علیها ع ع سدره

هو الاهی

پور سعید حضرت افان سدره مبارکه جناب قایمیرضیا، الله علیه بها، الله الاهی

هو الاهی

۴۲۰

خط مبارک

ای نفع سدره مبارکه و رتبه کتب و بلا غلطه کردید نفعه خوشی است شام شد الیوم نفوسی در ظل سدره الیه مستظل گشته اند که غنقریب سعادت قلبشان جهانز با شغال آرد امیدوارم که آنقرع بدیع یکی



یکی از آن نفوس قدسیه و هیماکل روحیه گردد زیرا از شجره مبارکه نابت لهذا اولی باین نقیصت

عظمی و البهائ عیدک ع ع تبیذ

هو الله

پور سعید حضرت افغان سدره مبارکه جناب میرزا ضیاء الله علیه بهاء الله

هو الله

عبدالله

الهی الی انت الذی غرست شجره رحمتک فی فردوس فردائیک و سقیتهما من معین صمدیک

حتی انتشت و نمت و طالت و تفرخت و تشعبت و امتدت و ملئت شرق الوجود و غیره و من

فروعها بذالافنون الثابت الراخ علی میثاک المتشبت بذیل عمدک ایرت بانت تعلم بانی آجب

بذالافنون من کل قلبی و من کل روحی و من کل فؤادی و انی راض منه انک بفضلک وجودک

ان ترض عنه و اجمله آیه فضلک انک انت الکریم الکریم العفو الغفور ع ع

شیراز جناب افغان سدره مبارکه حضرت میرزا ضیاء الله علیه بهاء الله الابهی عابد

هو الله

عبدالله

یا من انتسب الی الشجره المقدسه نامه رسید و از معانی کلمات قبل بملکوت رب آیات واضح

گردید دلیل بر ایمان و ایقان و ثبوت بر عهد و پیمان بود الیوم استقامت عین کرامت و سبب

نت و مت امتحانات سیده و ثبوت بر عهد و پیمان تو چون در گلشن الهی نابتی البتہ ثابتی خوشحال  
 تو که خالصی و فلسفی از نبر مولود بدید پیدا شد که احمد لله این طفل در ظل خفایت تولد یافته انشاء الله  
 از شدی محبت الله پرورش خواهد جست و در جہد معرفت الله نشو و نما خواهد کرد نام میرزا آقا بنید  
 تازیدگاری آن افغان سدره رحمانیہ و مقرب در گاہ نعت احدیہ گردد امته الله الموقنہ الورقة المبارک  
 والده و سایرین را تحت محترمانہ برسان و عذیک لبہا، الابہی ع ع سدرہ

۲ جلد میرزا

هو الابہی

ش حضرت افغان سدرہ فتمی جناب میرزا ابراہیم علیہ بہاء الله الابہی ملاحظہ نمایند

هو الابہی

۴ ۱۳

ظہر مبارک

ایہا الفع انجیل بر سدرہ المبارکہ الیوم شان نفوس تیسبہ شجرہ الہیہ اینست کہ چون ستارہ صبحک  
 از افق عالم و مشرقی امم بدرخشند و چون آیت باہرہ و رایت ظاہرہ بر آملال وجود لامع و مشہود باشند  
 اموان بحر اعظم لئالی مبین نثار نماید و فیضان غمام اکرم غنیمت جلیل احسان کند سدرہ الہیہ  
 نثار لطیف بار آورد و ارض طیبہ طاہرہ گل و ریاسین بار آورد از فیض قدیم رب جلیل  
 امید و ابریم کہ افغان دو حہ نقار موفق با ستفانتہ از ملکوت ابہی فرماید و در کف کما تیش ارجح  
 طوار، و موارد محفوظ و مسنون دارد کہ در کمال ظهور محفوظ مانند عبد بہاء ع ع سدرہ

جناب سلطان محمد خان جناب سلطان باقر خان جناب شاهرزاده غلام حسین میرزا جناب حاجی میرزا بکر  
 افغان جناب صان الله پیر خاں قاسم میرزا امیر خاں جناب قاسم میرزا امیر خاں جناب حاجی میرزا حبیب  
 افغان جناب قاسم میرزا ابوالقاسم ساعت ناز جناب حاجی میرزا ضیا جناب قاسم میرزا باقر خان اصفهانی جناب  
 میرزا عبدالحسین جناب قاسم میرزا علی آستاندار جناب استاد میرزا خايط جناب قاسم میرزا محمد صادق خباز جناب  
 قاسم میرزا اسد الله جناب خادم باشی جناب نایب رضا قلی جناب قاسم علی اکبر جناب میرزا حسین  
 پیر قاسم میرزا ابوالقاسم جناب قاسم میرزا درویشان صبیحہ ایشان جناب قاسم میرزا یحیی خان جناب  
 قاسم میرزا علی محمد خان جناب قاسم میرزا ابراهیم خان پیر خاں قاسم میرزا امیر خاں جناب قاسم میرزا محمد  
 حوضان

علیم بہاء اللہ الایہی

ایندگان جانفشان جمال ایہی صفحہ نورانی و نقشہ شامل رحمانی یاران روحانی ملا خطہ گشت  
 نورایت آن وجہ روحانیت حاصل شد و سرور و فرح در قلوب جلوہ نمود ہر چند شامل جمالی بود  
 ولی بحقیقت جمال روحانی مشہود زیرادرجین محبت نور بین آشکار یا جند الملک لوجوہ النورانیہ  
 و یا فرحاً لتلك النفوس الرحمانیہ و یا سروراً لتلك المحقائق الروحانیہ الی اتوسل بالبروقہ الوثنی  
 و اشبث بذیل ردا، الکبریاء، و ارجوانہ ان یؤید لتلك الذوات المستبشرة بمشارتہ اللہ

خط و تالیف در کتب کتب انبار

على اعظم مواهب قدره في ملكوته الابهي ويجعلهم آيات باهرات ونقوشاً ثابتة في اللوح المحفوظ  
والكتاب المسطور ويجعل الوجوه خالصة التوجه الى الجمال الابهي في الهشئة الاولى والنجاة اخرى  
وعليكم التحية والسلام

الى الهى هولاً قد بعثتم من رقد الهوى وحضرتهم في يوم اللقاء تحت لواء العطاء واجبتهم لمجنتهم  
الورى واختتم لظهور موافك على الملائكة رب رب اجعل تلك الوجوه الناهرة مرآة انوار موافك الكبر  
ونك لا عيان لناغرة قريرة بشهادة انوار الافق الاعلى انك انت تؤيد من تشاء على تاشاء وانك انت

المعطي الكريم العزيز الرحيم الوهاب مع ع سبحة

بواسطة جناب بشير

شيراز اعضاء محفل روحاني عليهم بآاء الله الابهي

هو الله

الى الهى هولاً جادا اجبتهم خدمة امرك واعلاء كلمتك ونشر نجات قدسك ربنا خلص وجودهم  
الكريم وثبتهم على صراطك المستقيم واتهم على خدمته بناك العظيم واجعلهم آيات الهدى بين الورد  
ليشروا آثارك وليقتبسوا انوارك وليطلعوا باسرارك وينورهم موطن نورك المبين وتقرحباك  
العللى العظيم ربنا اعل درجياتهم وبشرارواهم وثبت كلماتهم وانشر آثارهم بين خلقك

خطا كتابت بروحاني ببارك

انك

ایک انت المقدّر العزیز القوی القدر

ع ع ع

هوائے

ای یاران عزیز شیراز موطن حضرت بی نیاز است باید مطلع انوار اسرار گردد و انجمن عاشقان باید در آن  
دیار آهنگ وجد و طرب را بملکوت انوار رساند ع ع ع

شیراز اعضاء محفل روحانی علیهم بہاء اللہ لا یح

هوائے

۴۰۶۶

ایندگان مقرب در گاہ جمال مبارک شکر کنید خدا را کہ در موطن حضرت علی روحی لہ الفداء انجمن  
آرستید و الفت و یگانگی خواستید محفل روحانی تأسیس نمودید و بخدمت آستان ربانی قیام کردید آن  
اقلیم جنت النعیم است و آنکشور منور و معطر از نسیم گلشن حلّیّین آن خاک پاک است و آنخود و وثغور تابناک  
زیرا موطن آفتاب فلاک است شما چون در آنخلافه قیام بر خدمات نموده اید و در عبودیت آستان شکر  
و سپیم این گننام گشته اید باید پنهان شادمان باشید و کامران گردید و مفتخر و مباهی بفضائل نامتناہی  
الہی کہ بچنین امر عظیمی موفق شدید کہ نہایت آمال مقربین است و فتنی آرزوی اہل حلّیّین اما عبد البہار  
نہایت آرزو و آمال خادمی آنمخلف روحانیت تا با لطف ربانی و فیض صدائی و نفیج رحمانی مصد  
خدمات یاران آسمانی گردد و قراعات اطراف بجهت سدیدگان نیز برسد و بہنایت سرو

مجموعہ انوار  
اصول  
۱۳۲۵  
نظارت سر و اعضاء مبارک

قرائت گردید و قبوضات ارسال میشود و علیکم السلام، الابی ع ر ح م م

شیراز      اعضای محفل روحانی      علیهم بس، الله الابی

هو الله

۴۳۷

عظاکا... مبارک

ایندگان جمال ابی نامه شماره مضمون مفهوم گردید و همچنین نامه نیکه حضرت افغان سدره مبارکه علیه  
 بنا، الله الابی مرقوم نموده بودید و همچنین بواب نامه از حضرت بشاکل نهایت دقت قرائت شد از  
 عدم فرصت مجبور بر مختصارم از تائیدات غیبی جمال قدم روحی لاجبانه الفداء، احمد بیت کرم ارحمت  
 اندر اس بیرون آمد تکرار بر اساس صلی و ترتیب تدبیر بنا و انشا شد و بقدر امکان تفرحات تزیید  
 یافت و بتائیدات اسم اعظم کم کم توابع آن بیت معظم مانند شفا خانه و مدارس یام و بیت عجره  
 وغیره کل نیز اتمام و تکمیل میشود خانه فی که تعلق با افغان سدره مبارکه جناب حاجی سید مددی <sup>آینه</sup> حلیه  
 دارد باید خود ایشان تعمیر بفرمایند سهیم و شریکی در آن تعمیر نداشته باشند لکن خدمت ایشان <sup>مقوم</sup>  
 فرمایند تا به نوع مصلحت داند مجری فرمایند تا نیز بدان نمایند در اینگونه امور تهاون و تسلیم جائز  
 نه و از فضل و انی جمال قدم روحی لاجبانه الفداء امیدوارم که آن ترم مبارک در نهایت عظمت در مستقبل  
 جلوه نماید و بردا، عزت ابدی خلق گردد بشمول الطاف املحظه نماید که نهایت آمال نیز ملکوت صبح  
 بدی نقطه اولی حضرت اعلی روحی له الفداء، این بود که طلعت مقصود جمال معبود شمس حقیقت حضرت  
 من نظیره

من بظرفه الله در یوم ظهور ذکرى از آن شجره طور فرماید حال در نقل عنایتش حقى تر اى که منتسب بجنرت  
اعلی روحى له الفداست ارتضاع یافت و روز بروز معمور تر گردد و توابع حرم معظم اتساع یابد

و علیکم البتة، الا بهی ع ع

شیراز اعضاى محفل روحانى حلیم بپا، الله الا بهی

خطاى بسیار

ای مقربان در گاه کبریا، نامه شمار سید و رقدی که جوف بود بسیار سبب سرور گردید که شخص محترم  
چنین اقدامی فرمود و چنین نفااتی نمود آنچه در مدت حیات همت فرمودند و مجوی داشتند و مبنی ذل کردند جمیع  
فراشود میشود این امر سبب طبیعی و لکن این همت که تعلق با و آراء الطبیعه دارد هرگز فراموش نخواهد  
شد و الی الابد در مورقرون و اعصار مشاهیر ما را نماند مشکبار نثار خواهد کرد زیرا این قضیه در نقل و مباحث  
کلی من حلیمه فان و سقی وجه ربک ذوا الجلال و الاکرام و همچنین سبب عزت ابدیه در دو جهان خواهد  
گشت سبب حلیمه ایشان در پاریس ملاقات شد و نهایت الفت حاصل گشت فی الحقیقه شایان  
و سر او را و بر زگوار است و همچنین ملاحظه نمایند که قوه امر الله چگونه در ظهور و بروز است که  
همچنین شخص حلیمی از برای چنین موفقی که آن جسد معتز یک شب دو شب در آنجا امانت گذاشته شده  
بود این جسد معتز که از خوف امانت اعدا، پنجاه سال ممکن نشد در جانی قرار یابد زیرا اعداد رسد

بودند و اگر بدست اعدا افتاده بود آتش میزدند حال بقای رسیده که چنین نفس محرمی در موهبی که  
را نخبه ای از آن جسد معطر و زیده چنین جانفشانی نماید و هذا من فضل ربی فاعترفوا یا اولی الالباب  
و علیکم البهائم الالهی عبدالبهائم عباس ۱۰ رجب ۲۳۸ هجری قمری

هو الله

۴۲۹

خط کتابت در موهبته مبارک

الهی لمی ترانی خائضی غمار البلاء و غریقاً فی بحار البأساء و الضراء هذا للفضال مطعوناً برماح الجور و  
مجرحاً بطبایع الشدة و البغضاء و لم یبق یا الی موقع من جبدی الا و هو صبر السهام و لم یبق موضع من کبدی  
الا و هو قرح الرياح و لم یرل علی هذه المصیبة الدجاء و لا الرزية العمیاء الا لتبتلی و تضرعی الی خیرتک  
و توهمی الی نکوت رحمتک و ما تقوم امتی الا ان آمننت بک و بایاتک و ما انزلت من کتابک و صحتک و ما  
ارسلت من رسالتک هذا جرمی و خطائی و کربتی و بلائی مع ذلک ادعوک بسنتی و ارجوک بخیرانی ان تقصو  
اقرابی الذین افروا و جاوروا علی و اعدوا لی و اهنکوا و اهنکوا رب اغفر ذنوبهم و اکتف کرههم  
و استمل مورهم و انزل علیهم رحمتک و لا تحرمهم عن موہبتک لانهم جهلوا و غفلوا و لو علموا لم یفعلوا فینبغی رحمتک  
ان تسترحمهم و تقصو عن ذنوبهم انک انت الرحمن الرحیم ثم ادعوک ان تحفظ اولیایک فی صون حمايتک و تحرس  
اصفیایک فی کف رحمتک و تشمل ارقابک بلحفا تا عین رحمتک لانهم تحت الجحوم و اهداف اللجوم  
احاط بهم الغافلون و هم من کل حدیب یسلون ثم آتی اعفر وجهی بتراب الدال و الفناء متمیناً التراب و اللقا  
راجیاً



راجا جوارمشک الکبری فاجرنی یا الهی و قرب یوم نقاک و انقذنی یا مولائی و سیرلی مشاهدتہ جلاک  
 ان کان رأسی یلیق لعلک فاجعلہ یتدای علی القناتہ فی سیکک وان کان دمی حقیق ان یدرن فی سیکک  
 فاجعلہ مسفوحاً رشوشاً مسفوحاً علی التراب فی محبتک وان کان صدی حری ان یشتبک فی وراک  
 فاجعلہ مدقاً للسهام بقضاک انک انت الکریم الرحیم العزیز الوهاب وانک انت العلی العظیم التواب  
 ای عزیز الهی در ایذم کہ زلزله امتحانات بقعہ مبارکہ را بجرکت آورده و طوفان عظیمی برپاست نامہ روحانی  
 شاقراقت شد و نہایت مسرت حاصل گشت از فضل یرزدانی مستدعیم کہ روز بروز ترانورانی فریاد  
 تا مظهر الطاف رحمانی گردی و موقوف بر خدمت آستان الہی شوی مختصر اینست کہ از یوم صعود الی اللہ  
 انوی ہر این ہر وسیلہ متک جبت و بہر اسبابی تثبت نمود کہ سراج محبت اللہ را خواہی نوشتن نماید  
 در بدایت بنسب الواح شہبات پرداخت و شرق و غرب را بجلمت مؤتلفکہ طوٹ ساخت بجان اینکہ  
 القاء شہبات نسخ آیات باہرات کند مدتی در این قضیہ جہد بلین نمود تا یر لبع جاء الحق و زہق الباطل  
 ان الباطل کان زہوقاً در جمیع حدود و لغور منشور گشت و چون از این جانب و خاسر شد برین  
 دیگر پرداخت و زبان بفتریات گشود و باطراف و اکناف آنچه توانست تہمت و بہتان انتشار داد کہ این  
 عباد معاذ اللہ نسبت بعموم نمی بخیزند ضمیر آنچه نوشت بوساطت البلاغ نمود و لواحق ترتیب داد کہ معاذ اللہ  
 این عباد بادشمنان پادشاهی را بلہ و مضارہ دارند و آنمواج ارسال بکومت اینسان شد تکذیب گشت

بعد با جمعی از بندگان اینعبود در این شهر هجدهم و هجدهم استان شد و شب و روز عاکف استان آنان گشت تا آنکه در این ایام با آنان لائحه ترتیب داده که در هر صدی هشتاد و پنج از انالی اینصفحت بهائی گشته اند و با اجنبی روابلی بسته اند تربت مقدسه را کعبه اتخا نموده اند و مقام کرمل را روضه مطهره حضرت رسول علیه السلام قرار داده اند در اینجا طواف کنند در آنجا سجده نمایند و از این قبیل بسیار باری جمعی بجهت تقنیش اینوقایع مامور گشتند و از اسلامبول با نیا آمدند آنان سرافحص و جستجو نمودند ولی از بندگان یعنی کسانی که شریک در آن لائحه بودند و از این اوارگان ابد انوالی نکردند و توشیحی نخواستند و مرجهت بهائیان نمودند لئذا رابع الامتحان در بقعه مبارکه روز بروز در اشتداد است سبحان الله اگر دیگران ندانند آنکه یاران واقف سرزند و مطلع بر وصایا و نضایح جمال مبارک در جمیع الواح بو میت صریحه و نصیحت صحیح و او از قطعیه کلرا از فساد که سبب بهم نیاید عباد است منع فرموده و با طاعت و دوستی و انقیاد و صداقت بریر پادشاهی امر قطعی فرموده که هر کس فسادی نماید و یا اینکه در اطاعت شهریار فتور و قصور کند از رحمت پروردگار محرومست و از نظر غایت حق دور و مهجور مادم بنیاست نه بانی نومید از رحمت پروردگار است نه راجی محرومست نه محرم مهربمست نه مکرم و آنچه در این خصوص قاطعه در جمیع اقالیم منتشر و در نزد جمیع دانایان مسلم حتی بنقص صریح فرموده اند یاران الهی باید با طوائف و ملل در نهایت مهربانی رفتار کنند جفا را بوفاقمبله نمایند و خطا را بصواب مبرکنند

تبع و شمشیر را بشد و شیر مقابلی کنند و ستم تقی را بشربت برنج مکافات فرمایند هر در دریا در مان باشند  
 و هر زخمی را هم دل و جان دشمنان را بر وی باوری کنند و عوانان را بخواری کنند و استقامت را خودی  
 و در ندگی نهند سبحان الله ما مالک در این سبیل و خلق مشغول بچه بهتان عظیم ولی اگر بیگانگان بکنند  
 و بهتان پردازند تعجب نبود عجب در اینست که بیگانگان حسن شهادت دهند ولی آشنایان بدخوا  
 در نهایت شکایت باری با وجود این ما امید داریم که بنهایت تکلیف تحمل این جو عظیم نمایم و از سراط  
 مستقیم مقدار جوی تجا و زنتا میم متوکل بر خدا میم و تثبیت بذیل کبریا و در این طوفان بلا صابریم  
 و شاکر و جان در کف گرفته سبحان فشانى حاضریم و از برای کل رحمت و موهبت طلیسم و عفو  
 و مغفرت جویم ربنا رحم المخطاة و اعف عن اثنات و لا تأخذهم بالسیئات و بدلها بحسنات  
 انکانت رب الآيات البينات و انکانت الرحمن الرحيم ع ع ع

هو الله

شیراز بواسطه حضرت افغان قایم راجعاً به الله میرزا ابوالقاسم و جناب میرزا سید حسن افغان هدیه بآله

الاجبه

هو الاهی

۴۳۰

ای دو نال پستان آبی شکر کنید خدا را که از شجره مبارکه انبات شدید و بر شحات سحاب غایت در

کتابت حضرت آقا محمد باقر

آغوش انتساب بشجره حقیقت نشوونمایند این بودت عظمی است و این طیه کبری قدر اینرا بدانید  
و آنچه لازم و واجب این نسبت است قیام نایب و علیکا الباء الابهی ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۹

نیفا عید الباء عباس مسجده

شیراز بواسطه بشیر الی

جناب آقا میرزا محمد حسین نویسنده علیه بباء الله الابهی

هوائه

۴۳۱

خط کاتب

ای هندی بنوریدی جناب آقا محمد حسن فی الحقیقه حیات معنوی و زندگی ابدی مبذول داشت  
از نشأت روح القدس استفاضه نمود و در دل و جان تو امید و جنان گلشن رحمانی شد و ضمیر بر سر  
ملیک جلیل گشت مقام اطمینان فوق ایمانست و حق الیقین فوق علم الیقین حال چون از  
عین الیقین نوشیدی از فیوضات نامهای الهی البته تجی الیقین خواهی رسید تا در دو جهان

مظهر الطاف بیایان گردی و علیکا الباء الابهی

هوائه امه الله شیرین علیها بباء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوائه

۴۳۲

خط کاتب

ای شیرین حلاوت شد و شکر صغرا افزاید و عمل یراث کند اما حلاوت جمال الهی روح

بخشد

بخشد و سبب فتوح گردد پس شیرینی دلنشینی در غزوات فردوس است و حلاوت  
 و ملامت نضرة رحمن در وجهات انس و البهائم علیک ع  
 شیراز بواسطه بشیر الی

سیرجان بواسطه جناب اقا سید مهدی نیریزی

حضرت اقا سید علی اکبر حفید حضرت وحید جلیل مجید علیه بقاء الله الاهی

هوائه

۴۳۳

خطاب

ای حفید آن نورمبین احمد سده بانسبت جسمانی زاده عنصر جان و دل آن شخص جلیل هستی و  
 دلیل بر این اینکه بخدمت پرداختی و شمع آن بزرگوار را روشن نمودی و لئلاک یعنی هذا  
 منتسبان آن بزرگوار در نزد عبد البهائم عزیز و مقرب در گاه پروردگار عین عنایت ناظر بانهست  
 و الطاف بیغتمتی شامل حال هر یک تائسی بآن سرور ابرار نماید شمع روشن شود و ساره  
 درخشنده گردد و ثابت نماید که از عنصر پاک آن کوکب تابناکت

لذا تا توانی پیروی آن نما و در نشر نجات الاهی بکوش

جمع اجا و یاران و اما، رحمن را تحیت ابدع الاهی

برسان و علیک البهائم الاهی

شیراز بواسطه جناب آقا محمد حسن بلور فروش و بواسطه جناب سلطان عبدالحسین خان برادر

زاده من ادرک لقا، رتبه فی مقصد صدق خدمتیک مقتدر جناب قاسم ابوالقاسم خان جناب

اقامیرزا هدایت الله خان جناب قامیرزا عبدالحسین همی جناب قاسم عبد الله خان جناب قامیرزا

خان افغان جناب قامیرزا فتح الله خان فغان جناب سادقی نجار جناب قامیرزا محمد حسین

جناب قامیرزا عبدالحسین محمد لیب جناب آقا علی قای ناظر علیهم بنا، الله الا سبه

هو الابی

۴۳۴

ای تابان ای رانخان در روز غوغا و ضوضا که جمعی بدون بیستنه و بریان، هجوم بجل ثابت برپان

نمودند شما بحایت و صیانت پرداختید و تمام توکل در قلوب ما بحسین خوف و خشیت انداختید

این جان فشانی بود و از قوت و صلابت ایمانی بجزدان درکنیند تا فرصتی یابند و دست

تطاول بکشایند و بعلوم و عدوان پردازند این سلاح عاجزان است چون از قوت برمان بی

گردند و در اقامه حجت عاجز و ضعیف و کنگ و لال گردند دست تطاول بکشایند همیشه

این روش اهل طبلانست و مساکل اهل طغیان این آخرت و آ، الکی شمرند ولی

بخبران مبدیانفتند و ضرر و زیان شدید یابند این تعرضات سبب ظهور آیات نیتات

و این اعتاف تمهید مقدمات و سبب انتباه خافلان و جستجوی طالبان گردد

الله

خط کا کتابت حضرت مبارک

۳۸۸  
البتة اگرانی تفکری بنماید ابداً تعرض ننماید بلکه ساکت و صامت گردند و در حفرة ظنون و اوام  
خیزده خود را زیر تو شمن حقیقت محروم و محجوب نمایند و قنیکه شهنار الهی مخصر در شیراز بود ستمکاران  
سبب شدند که این صیت عظیم با صفهان و طبران رسید و چون بیشتر کوشیدند و از بیت  
و جفا کردند و سیاست شذیده رواداشتند بجمع صفحات ایران سرایت کرد نفوذ  
کلمه آله در خراسان علم فراخت و چون با طغاء این سراج کوشیدند و بقتل  
و غارت پرداختند و خون مظلومان ریختند و سر ما بریزه نمودند مردان شهید کردند  
اطفال سیر نمودند نساء را ذلیل کردند و مانند دشت بلا صحرائی که بلا بنحو نیریزی مظلومان  
پرداختند و با سارت صبیان و نسوان دست گشودند صیت امراته با کربلایان در  
اطراف و انکاف عالم رسید و چون کوشیدند که نور مبین از ایران نفی و سرگون گردد  
علم مبین در عراق بلند شد و چون در عراق بنفاق پرداختند سبب شد که جمال قدیم  
بشهر شیر نفی و تبعید شد و کوس اعظم و ناقوس اکبر در اسلامبول کوبیده شد و چون از  
مرکز سلطنت عثمانیان با نهایت ظلم و عدوان برومیلی ارسال نمودند آن اقلیم نیز پرتو  
نور مبین یافت و چون از انگشور بسجین اکبر نقل گردید و قلعه ویران سخن محبوب این مکان  
شد و نهایت ذل و هوان حاصل گردید صیت امراته و صوت کلمه آله در کما

اروپا و امریک انتشار یافت زلزله در آفاق انداخت و اهل نفاق خائب و خاسر  
 گشتند و هنوز دست برنمیدارند این تکلم و تفرص سبب شد که ندای آبی در جمیع  
 آفاق بلند گردید هنوز در خواب غفلتند و گمان میکنند که این حرکت مذبوحانه سبب قطع وقوع  
 اساس خداوند یگانه است هیبات هیبات جمال مبارک روحی لاجانه الفداء میفرماید  
 که اینجوش و ضرورش علمای جاہل بر منابر و فریاد و نعره های وادینا و اندیها در سالک و معابر  
 ندای بامرات است این نفوس منادی حقند و لکن لاشعروان در هم فی خوئتم بیعون  
 باری محمد ته شهاب آنچه باید و شاید قیام نموده اید و مدافع از هجوم بیگمگران فرمودید طوبی کم  
 من هذه القسبة العظمی و علیکم البهائم الابی عبد البهائم عباس ۱۲ صفر ۱۳۳۹ حیف  
 سادته

شیراز جناب اقا میرزا فضل الله بنانی علیه به استاء الله الایه  
 هوائه ۴۳۵

ای بنده صادق آستان مقدس نامه اول را جواب کافی مرقوم گردید فی تحقیقه مضمون  
 مورث سرور بود و دلیل بر خط موفور امید چنانست که آهنگ و شنناز اجبای  
 شیراز با کتوت راز رسد و در بارگاه قدس ملاء اعلی با بهتر از آرد حال این جواب نامه  
 ثانیت

خط کتابت به مضامین بارک



ثانیست آن نیز بایرات ملفوف رسید از الطاف رب الاسعاف تمنا چنان که ابواب  
برکت باز شود و وسعت رزق آشکار گردد و علیک البهائم الابی ۹ شوال ۱۳۲۷  
عبد البهائم عباس مآثر

بواسطه جناب آقا میرزا قابل زائر علیه بهاء الله الابی

جناب میرزا فضل الله خان بنان علیه بهاء الله الابی

هوا الله

۴۳۶

ای حضرت بنان حقا عضد یارانی و بازوی قوی ربانیان ایام تقادر خاطر است  
همواره روی دلجویت در این محضر حاضر همیشه بیاد تو هستم که در نهایت قبل بدرگاه حضرت  
احدیت تضرع می نمودی و طلب عون و صون از بارگاه رحمانیت می فرمودی و با عبد البهائم  
شب و روز انیس و جلوس بودی و در انجمن یاران نفسی نفیس احمد ته ابواب مفتوح و آیات  
مکوت ابی در نهایت شمول امید و پیداست که آیت باهره گردی و قوتی قاهره در هر دمی  
از جنت ابی بمشام رسد و در هر نفسی رشحاتی از سخاوت غایت بگلشن دل و جان بیارد و علیک  
البهائم الابی ۶ محرم ۱۳۳۱ عبد البهائم عباس مآثر

تذکره جناب میرزا عباس

شیراز بواسطه جناب خدیج حقیقه توحید علیه بها، الله

جناب آقا محمد صادق خباز علیه بها، الله

هو الله

۴۳۷

ظلمت  
بسیار  
بسیار  
بسیار

ای صادق موافق چه اسم مبارکی داری هر نفسی منظر معنای این اسم باشد یعنی صادق گردد

کوکب شارقست و نیز بارق و سیف فاروق صفتی محبوبتر از این نیست و طریقه مقبولتر

از این نه بسا کلمه سدی که سبب نجات ملت شد و با شخص خویش را کلمه راستی عزیز و نفیس

نمود و چه بسیار که شخص عزیز محترمی را یک کلمه کذب بکلی از انظار مآهلا کرد و از درگاه آید

محروم نمود پس ای جان پاک پی صادقان گیر و پیروی راستان کن تا بصدق بمقتصدی

رسی و بر راستی بیزت ابدیه فائز گردی جمیع معاصی یکطرف و کذب یک طرف

بلکه سینات کذب فروتر است و ضررش بیشتر است که و کفر کجاست بهتر از آنست

که کلمه ایمان بزبان رانی و دروغ گوئی این بیان بجهت نصیحت من فی العالم است

شکر کن خدا که تو سبب صدور این نصیحت بجمیع نوع انسان شدی همیشه بنفحات

قدس مشغول گرد و نامر آنچه سبب علو و هموائی است و از اخس فضائل و خصال

اهل میان دین است تا تا مرتب نفوس گردی و نادمی هر گره پر حضور شوی اذن حضور خواسته

بودی

بودی این ایام بسیار مشکل چه که بیگانگان در صد این آوارگانند و هر روز کتابی  
 تألیف نمایند و از هر قبیده قرآنی بزنند و طبع و نشر نمایند و آشنایان نیز ناقص پیمان در  
 سرنوایت فساد امکانند و بگردد معلومست با این دو مباحم چه قدر کار مشکل است انشاء  
 قدری سکون حاصل میشود آنوقت شمار میخواستیم حضرت عذیب را از قبل مرتحت  
 مالانایه برسان که همواره بیاد و ذکر ایشان مشغول و علیک التجه و الثناء ع و غیره  
 شیراز جناب فضل الله خان بنانی علیه التجه و الثناء

هو الله

۴۳۸

ای ثابت بر پیمان نامه آنچنان نورانی و الفتی الرحمانی رسید و بسیار مختصر و مفید بود  
 سخاوت و بزرگواری باشد در الفاظ بیجا بپردازند و در معانی اعجاز نمایند جمیع یاران را بدل  
 و جان شتاقم و از جشن عظیم در ایام رضوان مسرور و شادمان ولی حکمت از دست مدید  
 و پرده دری مضربید به چیز اخذ الش مرغوب تا سبب تقد و حسد دیگران نگردد اما فیه  
 عکس لولده اش وصول یافت و لکن عکسها مفقود معلومست که عکسها را رابوده  
 ولی ضرر ندارد انشاء الله سبب اعلاء کلمه الله است سرور کامکار داد پرور آن دیار  
 فی الحقیقه آن اقلیم را در سایه عدل بدامین فرمودند اجاباید قدر امیر جلیل بدانند و شایسته

خط کتابت انصاف امیر

برزبان برانند و از خدا بخواهند که پایداری فرماید و بفرماید و برقرار دارد امیدوارم که صیبت  
داد پروری ایشان در مرور قرون و اعصار و در زبان اخیر و احراز گردد و این خاندان  
و دو دمان محترم ایشان در نزد ابراهیم بر قدر و احترام در جمیع قرون و اعصار باشند  
و علیک البهائیه الابهی ۳ شوال ۱۳۲۷ هجده البهائیه عباسیه

بواسطه جناب بشیر

محفل خدام امراته

هو الله

ای یاران روحانی در جهان محافل بسیار نگین شده محافل سیاسی محافل تجاری محافل علمی  
محافل معارف محافل جبرانی محافل برتری محافل دفن اموات غربا، محافل تقشیر مساکین و ضعیفان  
و فس علی هذا ولی محفل روشنگرانی ربانی مجمع اجتهاد زیر این نفوس بمعشوق حقیقت دل بسته  
و از قیود عالم فانی رسته و اوضاع زاهدان در شکسته و بجای اعلی پیوسته با جمیع ملل و نحل  
ابواب صلح و آشتی گشوده و بانوع انسانی بصدق و راستی برخواست و با خلاق رحمانی آراسته بیکه  
بیکانه را آشنایان کرده و اختیار را یاد دهنده مقصودی جز نهد بهمت بهموم عالمیان ندارد و راز و نیاز  
جز ترقی عالم انسان نخواهند تاواند خویش و بیکانه را یا بیکانه شمرند و دشمنزاد دوست متحمس دهند

یعنی

یعنی عدوی تصور ننمایند و بدخواهی بخاطر نیارند. بجمع بشر بنهایت محبت نظر کنند و لودر خطر افتند  
بجفا کار و فانیند اگر اذیتی بکنند ستمکار راجحت و نعمت طلبند اگر باین موقوف گردید محفل رحمت  
و مجمع نورانی و انجمن سبحانی امیدوارم که چنین باشید و علیکم البهائم الالبه

ای بهائیان این بایان یعنی از لیا که خود را بابی قح میدانند مقاصد و عقائد آنانرا امیدانید قطع  
ریشه انانست علی الخصوص شمار بر اساس این فرقه خونخوار است و اساس شما منطوقی  
و حلیمی و سلیمی حتی غیر خواهی هر دشمنی و نیگونی با هر امری و محبت بانوع انسانی هر دین و مذهبی و صد  
بایع بشر از هر آئین و ملتی حضرت بهاء الله خطاب بجمع مل و نخل و اربان میفرماید همه بایک  
دارید و بر یک یک شاخدار ولی خود را از شر شیخ الملک ازلی حفظ نمائید زیرا اینها بنیاد حقیقا

در صد و تفرض است ع ع ع

شیراز بواسطه بشیرا لے

جناب آقا میرزا عیسی علیه بهاء الله الالبه

۴۴

هو الله

ای خادم محفل ملاقات نامه شمار رسید چنان معلوم میشود که در شیراز فوج و موج هست  
این از خطای حج غیر بالغه و قفاوای آیات غیر باهراست ملاحظه کنید که بر سر ایران چه آوردند

این خط را در کتابت حضرت علی

خطابیت هر دو یکسان است

قومی را کہ چنین پیشوایان نادان و زمام امور جمهور بدست آنان بہتر از این نخواہد شد و ہنوز آرام نگرفتمند باز در امور سیاسی مداخلہ میکنند تا ایران بجای بیادند دست برنمیدارند شما بموجب عقل و فکر حرکت و روش ننمائید عہدہ بیفایدہ چہ شہزادہ مشغول بکار خود باشید زیرا عقل و فشر تعالیم الہی ایران را سود بسیار حاصل دہد و از خسران و زیان برہاند محفل ملاقات بسیار شد و شب و روز بنشر نفعات مشغول گردید آن جمع محترم را از قبل بمن نہایت اشتیاق و مہربانی و رضا و خوشنودی ابلاغدارید و علیک الہناء الابی ع ع مبارک

ہو اللہ

شش جناب آقا میرزا علی محمد خان علیہ بہاء اللہ الابی

۴۴۱ ہو اللہ

ایہا الجیب الروحانی انی احاط بک بسانی واجت قلبی وجانی واتضرع الی الملکوت الربانی ان یؤتیک فی کل الشئون علی حدتہ اجابۃ فیذ العالم الامکان فانتشر بہذا الدعاء الذی یلوہ عبد البہاء ہذا الاثناء لیقربک ربک الی ملکوتہ الابی و علیک التحیۃ

والثناء

ع ع

فارس

خط کا تیب ہر واغضاً مبارک

فارس شیراز بواسطه حضرت افغان سدره مبارکه اقامیرزا بزرگ

جناب اقا علی محمد علیہ سبأ الله الابی

هو الله

۴۴۲

نظرات سیر و سلوک

ایندة آستان مقدس آنچه نگاشتی ملاحظه گردید و بر تفصیل اطلاق حاصل شد مفت واد  
بجست سیر و سلوک نازل شده و سیر و سلوک بسیار محبوب اگر اهل فقر عبارت از نفوس باشند  
که در این وادی سلوک نمایند و این اخلاق متخلق شوند روش راستان گیرند و سلوک آزادگان  
جویند هر نام که عنوان گردد ضری ندارد درویش که از قلم اعلی تحریر یافت مغفیش فحوائی رساله سلو  
و بسیار مقبول ولی جمعی الان در اینجهانند و بظاهر و باطن سرگشته و پریشان و مهمل و معطل و بار  
گران بر سائر ناس بصنعتی مشغول نشوند و بکار و کسبی مالوف نگردند و خود را آزادگان شمردند  
و حال آنکه از برای توت شدن و فواید تو سرگان و موسم فرمای عربستان دو بیت فرسخ طی نمایند  
اینگونه نفوس جمله بسته مقبول نه زیرا هر نفسی باید کاری و کسبی و صنعتی پیش گیرد تا او بار و گیران را  
حل نماید نه اینکه خود عمل ثقیل شود و مانند علت کا بوس مستولی گردد باری سیر و سلوک در وادی است  
و محبت الله بسیار محبوب و ذکر حق مقبول و ارشادت فرح و سرور و غلغله و لغمه سرالی مطلوب  
و مادون آن او نام و عیوب و علیک التحیة و الاشارة ع ع کما یشر





۳۹۸  
بواسطه جناب بشیر الهی

جناب میرزا محمد علی منشی علیه بها، الله الابی

هو الله

۴۴۴

ای بنده درگاه بها نامه شمارید و ملاحظه گردید و باستان مقدس جلال قدم و ابرام عظم عز و زور  
گردید که تأییدی جدید رسد و شقای عاجل حاصل گردد و دلبر آرزو در نهایت صباحت و ملاححت

جلوه نماید و علیک لبها، الابی ع ع

رب ابد عبدک المنشی علی بنش، آیات جنک فی عالم الانشاء، ع ع تدبیر

۹

بیای جناب آقا میرزا علی محمد خان شیرازی علیه بها، الله الابی

هو الله

۴۴۵

ایشان بر بیان نامه شمارید و از مضمون معلوم گردید که این سفر با ثمر بوده زیر انفسی از آزادگان  
هندوستان را از قید اجتناب آزاد نمودی و سلب ینائی و شنوائی و حیات ابدیه او گردیدی  
حضرت رسول علیه السلوٰة والسلام بحضرت امیر علیه السلام میفرماید یا علی لان هدی آتیه  
بک نفساً خیر لک من خیر النعم مقصود اینست اگر نفسی را بدایت نمائی بهتر از آن هست که

خطابیت در صورتها بنابر

خطابیت در صورتها بنابر

بنایت ثروت و نعمت و خفایابی حال محمدننه توآن فائز گردیدی و امیدوارم که موفقی  
به ادایت دیگران شوی نامه ای در جواب سعید احسن خان مرقوم گردید در جوف است برسانید

و علیک البهاء الابهی ع ع سینه

طهران بوا سطره حضرت ادیب

جناب آقا میرزا علی محمد شیرازی علیه بها، الله الابهی

هو الله

۴۴۶

رب رب ترانی آن صلاتی و نسکی لک یا بلخی و ملاذی اتی استول ایک متضرعاً بعقبه  
رحماتیک و متبتلاً الی ملکوت ربانیک ان نثل عبدک الصادق لحظت عین خیانتک  
و تحضه برحمتک و تویده بموہبتک رب قد ضاق من الشده ذرعاً و اشتدت علیه الازم  
فقرأ و اتلی بالقرآء بعد السراء و الضیق بعد الرضآء و لیس له صبر علی هذا البلاء فاقح  
علیه ابواب السماء و ارزقه برحمتک من السماء و بدل عمره بالیسر و الفنا و ارفع درجته بین  
الامراء و اجعل آیه موہبتک الکبریٰ بین الوری حتی یسده القرآء و ینیر به الاقرباء انک  
انت المستدر المعطى الکريم الوهاب ای یار مهربان نامه های متعدده ارسال نمودی و  
فرصت جواب نشد از فقر منال و بتوانگری مبال و از نعمت در معیشت محروم شدم  
و از تنگی

خطا کتابت و مراد حضرت مبارک

و در تنگی دست دلخون گردد آیامیت درگذراست و جیاتیت بی اثر و شمر مگر نفوسیکه بنفس  
 رحمان زنده گردند و قلوبیکه بذکر حق مشغول شوند و حیات ابدیه یابند و موهبت سرمدتیه جویند لفظ  
 ربانی بینند عواطف سبحانی مشاهده نمایند آیات الهی ترسیم نمایند تأییدها، اعلیٰ جمله  
 فرمایند این نفوس بزرگوارند و موهبت پرورگار ربانی و برقرار خواهد غنی باشند و خواه فقیر  
 خواه امیر باشند و خواه امیر ولی در حق شهادت عالموم تا این ضیق را وسعتی و این تنگی را گشایشی  
 حاصل گردد امیدوارم که ابواب برکت مفتوح شود و دل و جان مسرور و مشروح شود

وعیک الباء الاهی ع ع

بواسطه جناب آقا میرزا محرم

هندوستان جناب آقا میرزا علی محمد شیرازی علیه بقاء الله الاهی

هو الله

۱۴۷

ای بده حق نامه شمارید نافه مشکبار بود که مشام جانرا معطر کرد زیرا دلیل بر عبودیت  
 صرفه درگاه الهی و برمان روح و ریجان جان و و بدان بنیم جان پرورد انق رحمانی بود  
 مطمئن باطراف حضرت بدیع الاوصاف باش زیرا عایشش شامل است و الطافش محیط

ظناکاتب در وجه مبارک

۴۰۱  
برعالم آفرینش تا توانی از عالم نفس و همی بیزار شو و بملا، اعلی دمسار و همراگرد تا از فیوضات  
ملکوت ابی نسیب بری و سبب هدایت جیبی غفیر گردی و عیدک البهائم الابی ع ع  
تدویر

۹

بوشر اداره لمرک جناب میرزا علی محمد شیرازی علیه بهاء الله الای بی

هو الله

۴۴۸

ای بنده ثابت حق نامه که با قاسد الله مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید اقا سید اسد الله تبلیغ  
رفته مطمئن بغیبات خاصه الهیه باش و از وقایع حادثه محزون مگرد اما مجلس فرض نیست  
متصور خدمت بامر الله است و آن بحسن سلوک و حسن آمیزش و گشتگوی شیرین و در بانی حقیقی بهتر  
حاصل میگردد و اگر چنانچه اجاب مجلس بنمایند باید بسیار خفی و پنهان باشد تا موضوعها بلند نگردد  
زیرا ناس ضعیفند باید مدارا کرد عبد البهائم عباس معتمد

ببانی بواسطه جناب آقا میرزا علی محمد شیرازی زائر

شیراز جناب میرزا یحیی خان و جناب آقا علی اکبر خیاط علیه بهاء الله الابی

هو الله

۴۴۹

ای دو بنده آسمان الهی الطاف نامشاهی شامل گشت تا حاصل امانت عظمای الهی گردیدید

و آن

۴۰۲

و آن محبت و لبر آفاق است فیض در عالم وجود اعظم از حب نیست اینست آیت کبری است  
 امانت غلطی ولی چون شرط اول و ثواب آن بسیار عظیمست لذا جمیع کائنات تحت آن شدت  
 و استعداد و قابلیت ظهور آنزانیافت لذا از صل آن عاجز و قاصر بود این موهبت تخصیص  
 بعالم انسان یافت اگر چنانکه باید و شاید شرایط و ثواب در نفسی تحقق یابد فقبارک الله احسن الخلقین  
 ظاهر و آشکار گردد و علیکم البهائم الابی ع ع سوره

بمبائی بواسطه جناب آقا میرزا علی محمد شیرازی زائر  
 ائمه الله ضمیمه محرمه ایشان علیها بئاء الله الابی

هواته

۴۵۰

ای ائمه الله قرین عزیز بارض مقدس حاضر گشت و بزیرارت تربت مبارکه مشرف گردید  
 در این بقعه نورآ ذکر تو نمود و رجای تحریر این نامه فرمود باید از او در نهایت رضایت باشی  
 که در چنین موقعی ارض مقدسی بیاد و ذکر تو افتاد و در روضه مبارکه تمامی الطاف  
 از حضرت بدیع الاوصاف نمود در عالم وجود محبت و رعایتی اعظم از  
 این ممکن نه و علیکم البهائم الابی ع ع سوره

خط کاتب در کتب و کتب دیگر

بواسطه جناب میرزا علی محمد خان شیرازی

جناب سعید الحسن خان علیه بهاء الله الاسبی

هو الله

۴۵۱

عزیز کاتب مراد خدا مبارک

ای سعید و جهان شکر سکن شوند همه طوطیان هند زین قد پاریسی که به بنگاله میرود حمد کن  
 خدارا که تو از آن طوطیان شکر سکن شدی و از مرغان خوش سخن این گلزار و چمن سبحان الله گوش  
 شنوا از هزار فرنگ ندای الهی بشنود و در باغ ختمینا انوار مشرقه از خاور مشاهده نماید ولی  
 نابینا در نفس شرق پرتو اشراق ند بیند و گوش ناشنوا در گلشن و فاقمه لبیل معانی نشنود و آهنگ  
 ملاء اعلی استماع نماید پس حمد خدارا که نور هدی مشاهده نمودی و گلبنایک ببلع معانی استماع نمودی  
 و ندای الست را بجان و دل پی گفتی و باین موهبت کبری فائز گشتی از لطف خدا امیدم  
 چنین است که سراج هدی گردی و جمعی را از خویش و یگانه و یار و اختیار بملکوت اسرار هدایت

فرمانی و یقین بدان که تأیید و توفیق

پای رسد و علیک البهاء الاسبی

ع ع ع

شیراز

شیراز جناب آقا میرزا افضل الله خان بنان علیه بآء الله الابهی

هو الله

۴۵۲

خطاب آقا محمد باقر

ایشان بر بیان نامه شمار رسید هر چند مختصر بود ولی اخبارات قلوب مفصل است بیک روحانی  
وقاصد وجدانی متصل در عبور و مرور الحمد لله که یاران شیراز بدرگاه احدیت پر عجز و نیازند و بیکدیگر محرم و  
از اینجست هیچ خبر نکردی از آن کشور نرسید و احساسات قلوب باید روز بروز کاشف گرو بگرد  
در جمیع اوقات حکم را منظور بدارید زیرا اغوالان بر وحدت را کلابی در کینند که بلکه فرصتی یابند و  
تفاوت بکشند امیدم چنانست که یاران در صون حمایت رحمن محفوظ و صون مانند مدتی پیش نامه  
از شمار رسید و جواب مرقوم گردید و وصول هدیه نگاشته شد حال نیز آنچه ارسال نموده بودید

وصول یافت و علیک البهآء الابهی ۱۹ سبتمبر ۱۹۲۰ حیفاً عبدالبهآء عباس

تتمه

هو الله

جناب آقا محمد باقر کو انجانی علیه بآء الله الابهی

۴۵۳

هو الله

خطاب آقا محمد باقر

ای مشتعل با آتش محبت الله شعلدی در آن مجرزن تابوی خوش خود و غنبر مشام سگان آن کشور را  
معطر نماید شب و روز در تهنید اخلاق و تقدیس نفوس اهل وفاق و نصیحت معشر آفاق و تثبیت

میشاق بکوش تا ز سرش ملکوت غیب بهی ندای و ابشر یا بشری شنوی و چنان بکوش و خروش آئی  
که خروس سحری گردی و بانگ نمی علی الصلاح نمی علی الفلاح نمی علی الخراج در صباح میشاق برار  
و البهائیک و علی جآ، الله ع ع

لوح المنع اقدس ذیل که ظاهر آدر آیام توقف حضرت مولی الوری عبد البهائ، روح ما سواه فداه در نظر  
مصر بافتخار اجآ، فارس نزل گردیده و حکمت بالغه در آن آیام ارسال و غایت نگردیده و ناتمام  
هم هست در این او اخر درین اوراق و نوشته جات مبارک پیدا شده و توسط حضرت بشیر  
الهی علیه بآ، الله ایفاد شیراز گردیده است و اینک عیناً طبع و انتشار میاید - محل روحانی شیراز

شیراز بواسطه جناب قاسم علی فاروقی

اجتای الی عمومًا علیم بآ، الله الاهی

هو الله

ای یاران غریز عبد البهائ، جناب فاروقی بعد از زیارت عقبه مقدسه و طواف مطرف لآ  
اعلی ذلآ با و ایآ، وارد بر عبد البهائ، و آیامی چند مونس و انیس بود و در نهایت تبتل مکتوب آهی  
و تضرع بلا، اعلی بود و یاران الی رایک یک بخاطر آورد و بارلی پرورد جمیع افراد فرداً  
نامه مخصوص مطالبه کرد و با چشمی استبار اضرا نمود ولی عبد البهائ، اندمی سکون و نه آنی  
قرار

مکتوب



قرار و فرصتی ابد در کار ندارد اگر اوقات خویش را بجز آن تجزیه تقسیم نماید و هر جزئی را بجز  
 و مکاتبه گروهی تخصیص کند بازار عمده بر نیاید احمد لله بهائیان در شرق و غرب مانند دیار موج  
 رتند افتاده فوج کاتب لازم تا تواند جواب رسائل ایشانرا کما هو حق بنگارد در این صورت  
 خویش هر زمان را بتمام مجری داشتن از قبیل متعاقبت لذا شرمسارم و بجلت و جفا  
 که بچه زبان بجناب فاروقی بیان اعذار کنم چاره ای جز این ندیدم که یک نامه مفصل بجمع  
 یاران بخارم تا این نامه را نسخ متعدد نموده بهر یک از یاران نسخه ای تقدیم نمایند چاره اکنون  
 آب و روغن گردنست مثلثی است مشهور اقلیل یدل علی الکثیر و القطره تدل علی البدر  
 باری در این ایام که نار موقده الهیه شعله بافاق زده و پرتو اشراق شرق و غرب را روشن  
 نموده و نفوذ کلمه ذوی العقول را حیران کرده و امر الله احاطه کبری یافته و خوف و خطر  
 نمانده مدعیان فرصت یافته و مردم میدان گشته خواموشان زاویه نسبیان و خفاشان  
 خائف هراسان که بر رؤس منابر در صفهان و طهران تبری از حضرت اعلی روحی له العز و الجود  
 بیرون دویده اند و ادعای اصالت مینمایند و بیخبرانی چند را خفیا اقلع نموده اند و باقی  
 شبهاست پرداختند در تبرستان پالی این و آنند که هر یک را بوسیله ای از ضراط مستقیم گردانند  
 و یا از بی برسانند رئیس قوم را جمع آشنا و بیگانه میدانند که در ایام خطر لباس درویشی

بر بوم و بر سفر یکروزه در راه گذر کشکول بدست سینه‌آینه میگفت و تئیکه حکایت صادق  
 و ناصر الدین شاه شد. جمیع اجابرا در تحت شمشیر و زنجیر در بلوک نورگذاشت و خود فوراً بخانه  
 و گیلان نمود و رشته بزرگ با و پوبست در ویش در بر و نام خویش در ویش علی بنیاد و در کوه  
 و دشت سرگردان بود تا آنکه جمال قدم نفی و سرگون بعراق عرب گردید او نیز از پی بگذراپناه  
 مبارک سفر کرد ولی مخفی و منافق از جمیع بشر پس جمال مبارک سفر بکردستان فرمودند و در ایام  
 غیبیوت اسم اعظم جمیع یاران عراق و ایران از قدامی اجاب میدانند که گاهی در صفحات  
 سوق الشیوخ و بصره بلباس تبدیل سفر مینمود و نام او حاجی علی بود و دسته‌ای از کفشی  
 عرب در دست داشت و مشهور بجای علی کفشش فروش گردید بعد پنج شتافت و در آنجا  
 لاص خرید و بلاص فروش مشهور گشت حتی بلباس عرب بود و اسم ایرانی را از خود  
 سلب نمود و بجای در آن دو سال غیبیوت جمال مبارک نام و نشانی از امر نماند و بعد از شش  
 حضرت اعلی و غیبت حضرت مقصود آن غیر حضور همتی مشکور نمود که حتی بخیر بعدادی  
 مشهور از آن عمل منفور بود و آن اینست که بعد از شهادت کبری از دو اوج بحرم حضرت اع  
 ام المؤمنین که بصریح بیان حرام بر جمیع است نمود و چون مطبوع طبع نیفتاد کفایت باین  
 تحقیر گشت بلکه آن محترمه یعنی خواهر ملا رجعی حرم حضرت اعلی بسید محمد اصفهانی

احسان شد این بود همت و اقدار و قوت و اشتیاق او که شب و روز بقدر زوجات  
 اشغال گردید حتی خواهر برم خویش مسمی برقیه خانم از مازندان طلب شد و با و نیز ازدواج  
 گردید و جمیع بین الاختین شد و خواهر میرزا نصرالله تفرشی نیز بقدر و نکاح آمد و والده  
 میرزا احمد نیز زوجه مشر و عد بود و به بنت عربی نیز اقتران حاصل گشت و تجاوز از حق  
 صریح بیان گردید این تزوجات متعدده بغداد است ماعدای زوجات طهران و مازندان  
 اگر تحقیق شود این بیت واضح و مشهور گردد آفتی بود آن شکار افکن کزین صحرای گشت  
 ماسخ و بسط در این خصوص نتوانیم مقصود اینست که سید مصور اجرای چنین امور فحش  
 نفس قاطع رب غفور فرمود و شب و روز باین امر موهوم مشغول بود یا بسته در این  
 چه نصرتی شد و چه خدمتی بامر حضرت اعلی گشت آیا کینفس مست که بگوید او مرا  
 تبلیغ نمود یا آنکه در مدت چهل سال در قبر بس تو انست که نفسی را هدایت نماید بلکه  
 از تربیت اطفال خویش نیز عاجز ماند دیگر آبا عجزی اعظم از این میشود یدعون من دون<sup>نیت</sup>  
 ما لا ینفعهم و ما لا یضرهم لبئس المولی و لبئس العشیر جمال مبارک و فیکه از کردستان  
 مراجعت فرمودند در ایران یاران عدتی معدود بودند و عراق منجد و محمود نه صدائے  
 نه ندائی و اگر نفسی در اطراف بود در نهایت یأس و خوف و حذر بود ولی اعظم

مخص ورود بیداد در آگشودند و صلاهی عمومی زدند و ندای الهی بلند شد و وصیت امرانسه در  
اطراف منتشر گشت رؤسا و علمای جمیع ملل شب و روز در محضر حاضر و سؤال و جواب  
مستم و جمیع بقاع از جواب مقرف تا کار بجائی رسید که خوف و هراس ناصرالدین شاه  
را بیسبب و قرار نمود و بجمع و سائل تشبیهت کرد و بخط خویش بسطان عبدالغفرز نامه نوشت  
و رجای نفی جمال مبارک از بعد اد کرد که ایران در خطر است و حکومت پر حذر و قنیت  
ضرر بهر دو دولت رسد این بود که فرمان عبدالغفرز وارد و قرار بر سفر جمال مبارک گردید  
با وجود آنکه مسئله نفی و سرگوان بود ولی در نهایت اقتدار بلیغ نجیب پاشا نقل مکان  
فرمودند و دوازده روز آنجا بقسمی امرانسه اعتدلیافت و والی نامق پاشا و جمیع ارکان  
اردو و ولایت و علمای مملکت و وهمای ملت شب و روز بزیارت میامند و مشرف میشدند  
و حال آنکه بظاهر سرگونی بود ولی از نفوذ امرانسه در آن ایام معدوده و علو کلمه الله و انشاء  
نفحات الله آن ایام چنان بسرور و جهور گذشت که عید رضوان شد و بجمال اقتدار  
حرکت فرمودند و جمیع خلق عراق گواه و شا هدند اما حضرت حضور بالباس <sup>سینه</sup>  
با ظاهر نامی عرب گاهی سفر مند خواستند و گاهی مسافرت بمالک مصر اندیشه نمودند  
نهایت خبر فرستادند که من بعد از رفتن شما خائفم لهذا پیش از شما بموصل شامم و در شما

منتظر هستم و چون در آن اوقات شرت داشت که بهال مبارک و جمیع اجارا  
 در کرکوک که میانه بغداد و موصل است و نزدیکی حدود عجم تسلیم بدولت ایران خواهند  
 نمود لهذا شخص معلوم میفرمود که من در موصل بشما ملحق خواهم شد زیرا ملاحظه می نمود که هرگاه  
 واقع شود پیش از موصل واقع خواهد شد باری چون بموصل رسیدیم و در کنار دجله سرازیر شد  
 و بزرگان موصل از نامورین و غیره دست دستانه بجنور مبارک مشرف می شدند نیمی  
 شب ظاهر عرب مذکور آمد که جناب معلوم در خانی بیرون شهر منزل و ما وی دارد و  
 بایکی ملاقات خواهد جناب اقا میرزا موسای عمونیم شب رفتند و او را ملاقات کردند  
 سوال زایل و خیال خویش کرد گفتند که همراهند و خیمه‌ی مخصوص آنها گردیده اگر میل دارید  
 بیایید گفت من ابد ا مصلحت خویش را در این نمی بینم ولی قافله‌ی موجود که با شما حرکت  
 خواهند کرد من در میان آن قافله هستم تا آنکه بیدار بگردید و بر همین منوال رشته سیاهی  
 در سر و کتکولی در دست و در میان قافله معاشر و مجالس ترک و عرب بود چون بیدار  
 بگردیدیم خبر فرستاد که من بشما نزد متعلقین خویش خواهم آمد و صبح با رحمت  
 بقافله نمایم آن نیز مجری شد و چون حاجی سید محمد اورا ایشان خت دیده و در قیامت  
 و بعنوانیکه این درویشی است ایرانی و آشنای منست ملاقات نمود ولی سایر اجارا

چون اور اندیده بودند او آن نشناختند تا آنکه در میان او و سید محمد زراعی حاصل گشت  
 و بنا بصورت در حضور اجبا که الا آن هستند آمد و شکاریت از سید محمد نمود چون سید محمد حضور  
 یافت عرض کرد در مسئلہی میان من و او اختلاف است او میگوید که مرآت همیشه رو  
 من میگوید که مرآت محجوب با زشمس گردد تا مقابل است روشن است و چون مخرف  
 گردد تا یک شود بعد جمال مبارک سید محمد را زجر فرمودند که چنانزاع و جدال مکنی و در  
 این خیال برار منازعه بر پائینی بعد در کمال تقدار مویکب رحمانی وارد مقرر بر سلطانی گردید  
 در نهایت استغناء حرکت شد اسم اعظم ابد اوزرا و کلام اوقات نفرمودند و اعتنائی نکردند  
 نه بدنه

هو الله

جناب آقا میرزا حیدر علی علیه بنیاء، الهه الاهی

هو الله

حضرات فارسیان و فاروقی عازم سمت مقصودند تا روی و موی  
 ای یار مهربان  
 بتراب تربت پاک معطر نمایند در حق ایشان رعایت و محبت طبیعی مجری خواهید فرمود  
 ولی اقامت زید در نوم ندارد زیرا باید مراجعت نمایند جناب آقا محمد حسن و سایر اجبا  
 راحتت مشتاقانه برسانید و علیکم البیاء، الاهی ع  
 شیراز

شیراز بواسطه حضرت افغان سدره مبارکه جناب آقا سید حسین

جناب قاسم فاروقی علیه‌ها، الله‌الاجیب

۴۵۶

هوائه

ای فاروقی احمد الله حقرا از باطل فاروقی و در بوستان محبت الله تخیلی با حق و در محض

محبت الله شمع باریق لذلک امور به پیش منی و بزیارت آستان مقدس <sup>مقدس</sup> قانزنی زیرا

جان و دولت در اینجا است روح در پرواز و همیشه در سوز و گذار طوبی لک من بده

احماله التي یختص بها من یشاء رب السموات العلی و علیک البهائم الابی ع ع نسیه

واشکتن جناب مستر ربی علیه‌ها، الله‌الاجیب

۴۵۷

هوائه

ای جوان نورانی و عزیز روحانی من نامه تو رسید و از قرائتش چنان مسرتی حاصل شد

که وصف نتوانم زیرا دلیل بر علو فطرت و قوت همت و خلوص نیت تو است

عبد البهار اسرور باینگونه امورات اگر جمیع لذات جهانی جمع شود بنحیض عبد البهائم خلط

نماید که راحت و لذتی در جهان هست ولی چون نفخه مشکباری از گلشن قلوب یاران

بشام برسد چنان فرحی دست دهد که بی اختیار بشکرانه جمال مبارک پردازد که چنین ندگان

عظمت کتب سر و اوصاف مبارک

عظمت کتب سر و اوصاف مبارک

تربیت فرموده است باری از نامه شاکه نهایت مسرورم اینک شما بسیار موافق  
 امیدوارم که یک همت از جدیدی در قلوب جا حاصل گردد و ثبوت و استقامتی عظیم حصول یابد  
 و سبب هدایت دیگران شود پس با قوتی رحمانی و غم و اراده‌ی آسمانی و لسانی طهارت  
 و قلبی سرشار از محبت الله الواح را بدست گیر و جمیع دیار سفر کن حتی بجزائر هونولولو در جمیع  
 شهرهای امریک سفر نما و جمیع ابر ثبوت بر میثاق بخوان و جمیع از زبده میثاق سر مست کن  
 و بشر نفعی است الله دلالت نما فریاد یا بهاء، الاهی بلند کن و لغزّه یا علی الاعلی بزن و یار ازنا  
 بیدار کن که امتحانی غفریه بپایان آید شاید نفوس ظاهر ثابت و باطن مذنب با صفی  
 رود تا یار ازنا در میثاق الهی مست کند بیدار باشند هوشیار باشند بجز در انقض  
 کناره گیرند شب و روز بکوشند تا انوار ملکوت الهی بجا گیرند و وظایف  
 ضلالت بجای زائل شود جمیع تحت ابداع الهی البلاغ دار علی الخصوص امته  
 مس پارس و امته الله مس دیکس؟ و امته الله مس منی و سایر اجا  
 الهی و امانه الرحمن را و علیک البهائ، الاهی عبد البهائ، عباس

۱۲  
و امته الله مس منی

abdul Baha albas





۴۱۵  
وشارك شود وعلیک التحية والبشارة ع ع

هو الابی

ش حضرت افان سدره منقی جناب آقا سید حسین علیه ببا، الله الابی ملاحظه نمایند

هو الابی

۴۵۹

ظنبارک

ایها الفرع الرفیع من السدرۃ الرضائیة جناب قاسید مادی امنا و سالما و اصل و در ظل آستان مقدس

ستریح و مرآح و فائز از فضل حضرت یزدان امید است که توفیقات بر خدمت امر الله یابد

الیوم افان سدره باید بجان و دل بکوشند و شب و روز در تبتل و تضرع آیند که شاید تخم پاک یکی در آن

مرزعه عالم بیاشند تا بیوضات ابر بهمن ملکوت ذوالنن آن خطه و دیار سبز و خرم گردد

رب اید افان سدره فردا نیک علی نشر نجاتک و عبوق طیب فوجاتک و سطوع

مسک جذباتک و شروق انوار برکاتک و بزوغ کواکب

مواهبک و حصول انطباق الملاء الادی بصور

ملکوتک الابی اکانت المؤید و الموفق

و المعطی الکریم الرحیم

ع ع

هو

حضرت افغان جناب آقا سید حسین علیه بهاء الله الاهی ملاحظه نمایند

هوالله

۳۹۰

کتابخانه

حضرت آقا سیدمادی در ظل غایت جمال مبارک مسترح و از هر خائنه فارغ و مطمئن دعا  
 در حق او نمائید که بخدمت موفق گردد و یوما فیوما در مراتب عبودیت ترقی نماید و ما بتربیت او  
 مشغول و آنجناب باید در جمیع احوال ملاحظه خدمات امرالله را بنمائید اجبای الاهی را با سایر امراض  
 و ملاحظه فرمائید علی الخصوص جناب خدلیب را که در آن ارض غریب است الیوم باید افغان  
 سده منتفی بخدمت امر مشغول گردند و خدمت امر در خدمت اجا الله است این عبد بنده  
 و روحه و قلبه و جسده و قلمه و لسانه بخدمت اجبای الاهی مشغول ع ع  
 والده جناب قامیرزادادی را بکثیر اربع الاهی ابلاغ فرمائید و همچنین سائند و ستانرا و جمیع  
 و رقعات را و از خدمت فرصت بسرعت دو کلمه مرقوم گردید ع ع قباد

هوالله

حضرت افغان جناب آقا سید حسین علیه بهاء الله الاهی ملاحظه نمایند  
 هوالله ایها الذرع المنجذب الی الاصل الکریم اگر چه این مصیبت ۳۶۱

شده بود و بلیه عظیمه در قلوب مشتاقان آتشی بود سوزان و اندوهی فراوان علی الخصوص چون بصیقتی  
 اعظمه توأم گشت و بحر تی تازہ منضم عجات و زفرات و حصرات بمقامی تاریخ یافت که قلوب  
 در سكرات افتاد بحر اعزاز همچنان نمود و انهار غم بی پایان جریان یافت چشم حکم چشمه  
 گرفت و جگر کانون اخگر ولی چون شمس حقیقت در سما تقدیس صعود نمود و نیز اعظم بملکوت  
 تفرید عروج این نجوم زاهره نیز بسعود آن اوج مقامات با بهره منجز بند و این اختران باقی  
 ملکوت آسمان منقطع اجزاء متماثل مرکز کنند و بلبلان مشتاق لقای جمال گل بعد از صعود جمال  
 مات حیانت و وفا حقیقت بقا زندگانی این حیات فانی هبوطت و هر امید و سینه  
 اعظم قنوط این عباد که بحسب ظاهر باقی چه شره و چه فائده و چه نتیجه فتمنوا الموت ان کنتم  
 صادقین حکمش تمامه الآن نافذ و هجری و البهائم علیکم ع ع سب

هو الاهی

ش حضرت افغان سدره فتمنی جناب آقای سید حسین افغان علیه بآء الله الاهی در خطبه

هو الاهی

۴۶۳

اینا الفرع الرفیع من السدرۃ الربانیة در شب و روز و صباح و مساء بلکه در ظلمات لیل  
 و اواسط نهار بدر گاه احدیت بنهایت تضرع و ابتهال التماس مینمایم که خدایا این نقوس

افغان

خطب مبارک

۴۱۸

افان سدره رحمانیت و فروع شجره فردانیت استند خدا بنا هم جود و رحمت و نجات  
 تقدیس و موهبت و فیض سحاب لطف و مکرمت و حرارت آفتاب عنایت سبز و خرم  
 فرا و لکن هر موهبتی راقوه جاذبه لازم و هر عنایتی راقوه طالبه واجب مغاطین موهبت  
 الهیه در این ایام اشتغال بشر نجات الهی است قسم بحیال قدم که جسم تیره خاک نور پاک گردد  
 و ظلمت شدید شمع مبین شود عبد البهائم مع تبت

هو الله

ش حضرت افان سدره رحمانی جناب امیرزاد سید حسین علیه بها، الله الاهی بلا غلطه کابینه

هو الله

۴۶۳

اینا الفرح الرفیع من السدره الالهیه چندیت که نظر بحکمت کلیه ابواب مکاتبه را با کمال  
 جرات مقطوع نموده بودیم حال جناب آقا میرزا مادی حاضر و خواهرش تحریر این نامه نمود  
 لهذا مجبوراً مرقوم میگردد جمیع دوستان را کبیر البرع الاهی ابلاغ فرمائید و کل را مشتمل بر  
 الهیه معظمه نماید و بگویند ای یاران الهی و دوستان معنوی وقت ثبوت و رسوخ بر عهد  
 و پیمان الهی است و هنگام تنگ و تشبث بحبل متین میثاق رحمانی چه که جنود شهبات  
 که منتشر در جمیع جهات است و ناقصین سرنی در القای توهمات و ایوم حامی میثاق

نفس مبارک اسم عظمت که از ملکوت غیباً بهایش بچوید لن تروا قاصم ظهور مترزلین است  
 هر مترزلی یو مافوئاً با سفل جحیم سرگون و هر ثابتی نوید تقییل ملائکه حی قیوم یک مترزل سری در  
 آن بلد موجود حنقریب خویش را در خزان مبین خواهد یافت و نه او حد غیر مکدوب مگر آنکه نام  
 و پشیمان گردد و توبه نماید باری الیوم للأعلی حامی ثابتین است و جنود غضب جبروت سبحی  
 قانع و قاصم مترزلین حنقریب کل این نفوس را از جمیع جهات خائب و خاسر مشاهده خواهید  
 نمود و البهائ علی کل ثابت علی عهد الله و میثاقه العظیم ع ع تا بد

هو الابی

ایها الفرع المنتجب من السدره المبارکه علیک بهاء الله و نوره و ضیاءه و نور و جکب نفق  
 الرحمن فی قطب الامکان انه علی کل شیء قدیر جناب میرزا اادی مدتی بود در نقل سدره رضایه  
 ساکن و تحت لحاظ غایت واقع و بکتابت آثار الهیه مشغول و حرکت و سلوکش معقول و متعین  
 حال از ساحت مقروضه مستقر عشا اعظم مرض شده باطنی ت رجوع بنیاید ما از او را  
 و خوشنودیم از الطاف غایت الهیه استدعی هستیم که او را موفق بر رضای خود در جمیع  
 احیان نماید و در کف صون و حمایتش حفظ فرماید انه لطیف حفیظ ای فنان در حقه  
 بقا و شاحه های سدره منتی زبان بدعا بگشاید و غیر و اقبال نمائید و از ملکوت ابی است  
 طلبید

۶۰

طلبید و عون و توفیق جوئید که فیوضات شمس حقیقت در جمیع احوال نازل گردد و مظهر غلام غیث  
 ناظر و باغبان الی تربیت فرماید تا این فروع بهر وی از لطاف اصول برد و نسیب از شئون شجره  
 مبارکه یابد و آیتی از تیر اعظم گردد از باغبان فانی باید منتظر شد بلکه منقطع گشت تا جان الی روح کشاید  
 و از این سراب واهی چشم باید پوشید تا شراب معنوی از سخانه الی بنوشاند حضرت اعلی و  
 ما سواه فداه میفرماید لو تجعل الارض ومن علیها فی ظلمک فانک اذا اقدوفیت بعدی والاد  
 لاینبغی لک ربک و رب آبک الاولین رب وفق هذا الفنون الکریم المنشعب من شجره  
 وحد ایتک علی رضا کک فی جمیع الشئون والاحوال انک انت الکریم العظیم المتعال

ع ع سائره

هو الابی

ش حضرت افان جناب اقا سید حسین علیه بها، الله الابی ملاحظه نمایند

۳۶۵

هو الابی

ظنیر

ایته الفرع الکریم من الشجره المبارکه در این باغبان فانی طبا و ما منی محو و در این خاکدان ترابی ملاذ و مسکنی نخواست  
 اگر طیر فردوس بقائی جز در حدائق الی آشیانه ننما و اگر حمامه ریاض قدسی جز در گلشن رحمانی لا میجو  
 در سبیل بال قدم روحی لا تجانه فدا خار مغیلا نرا بستر پزند و پرنیان کن و در راه خدا سجن عذرا

۴۶۱  
 گلزار نسرین و سوسن بدان ثقل صید را مویبت تأیید بین و زنجیر و شمشیر اجمت رب قدیر  
 ملاحظه نما زهر طایل را شهد فائق بدان و تتم قاتل را اثر نخل باسقمین ای منتسب آن نویسن  
 ملاحظه فرما که آنجهال علی روحی که فدا در راه خدا سینه سینار اپکونه هر ف صد هزار تیر بلا فرمود  
 ایامرا بچه سائب و بلاگذرانند هر مشقت و مصیبت و اسارت و سجونی و شهادت را در  
 محبت حق سبحان و دل قبول فرمود و البها، علیک ع ع س ر

هو الله

۴۶۶

حضرت افغان کار جناب حاجی میرزا حسن علیه بها، الله بطول انجامید البته زود اتمام نماید و حضرت  
 را حرکت دهید منتسبین مقبرترین درگاه احدیت در نزد این عبد بسیار عزیزند البته کمال احترام  
 و رعایت مجری خواهد شد مطمئن باشد و علیک بها، ع ع س ر

هو الله

۴۶۷

ای ثابت بر پیمان حضرت یزدان مدتیست که نامه مرقوم نگردید و مکتوبی ارسال گشت این  
 از کثرت احزان و مشقت بی پایان و هجوم ستمکاران و ایذا و اذیت بی وفایان است که فرصت  
 نمیدهند که کلمه نگاشته شود ولی مکاتیبی که نهایت لزوم را پیدا کند بر قسم هست نوشته میشود  
 مقصود اینست که آنحضرت همیشه در نظرد و لو در مکاتبه فتور واقع گردد از خون و عنایت

جمال

خط و مهر مبارک

خط و مهر مبارک



جمال حدیث متوقم که در کل جیان در صون حمایت یزدان محفوظ باشد و ورقه مبارکه امه الله

والده آقا میرزا مادی را تکبیر برسانید ع ع ع

هو الله

ش حضرت افان سدره مبارکه جناب قایمیرزا حسین علیه‌بها، الله الابی

هو الابی

۴۶۸

ع ع ع

اینا الفرع المجید من السدره المبارکه انشرع و ابتهل الی الملکوت الابی و ابجروت الاعلی ان

یجک منقطعاً عما سوی الله و یتیاک من امرک رثدا و یجک کقبته نار منتهیه بجراره

مجت الله حتی تنفق روحک و جسمک و مالک و علیک فی سبیل الله الیذ افتن

من افان سدره رحمانتک فاجعله خضر الفخر اریانا بقیض و ابل الانقطاع عن دونک

والابتهال الیک و الاشغال بارشجره و حدانتک ایرتب جعله بکلیته مشغولاً بک و مشغولاً

بجک و متذکراً بذکرک و منقطعاً عن دونک و مستغنیاً بیاک

ولانذا بجابک انک انت المقدر الغیز القیوم الیوم

اعظم اموراتحاد و اتفاق اجابى الیست بر وسیله بشا

کن ید در جمیع احوال متحد گردند ع ع ع

ش حضرت فان سدره مباركه جناب قاسم حسين عليه بيا، الله الاله

هو الابهى

٤٦٩

ايها الفرح الرفيع من سدره الرضائية تاته حتى ان سوريات القدس في غرفات الفردوس اخرجن <sup>هتبن</sup> راو  
من اجزات وصدحن كالطيور بجزامير آل داود وقلن ابشرو ايها الروحانيون واستبشرو  
ايها الربانيون افرحوا ايها النورانيون سرّوا ايها الثابتون الراسخون بنصرة ربكم الرحمن  
ونزول جنود موليكم حتى القيوم من ملكوته الابهى وجبروته الاسنى تاته قد خرقت الصفوف  
وارغمت الانوف وتشتت شمل الاضراب وتفرق جميع مل الآفاق ونبتت الاباهر في  
جناح العقاب ونبل ريش الغراب واستتت الرج الذارية على البعض والذبا  
قد سطع النور وانكشف ظلام الديجور ودارت كاس نراهما كافور وظهرت آيات يوم  
النشور واتشرت اجنحة النور وفتحت ابواب التورور والثابون فيما اشتمت  
انفسهم خالدون ويشكرون ربهم باآتهم وهم في جنة امخلد داخلون ومن نعمت  
ورقا، الاحدية يستبشرون وبنعمة ربهم يتلذذون

ع ع ربان

شیراز حضرت افان سدره مبارکه جناب اقا سید حسین علیه حبا، الله

هوانته

۴۷۱

اینا الفرع الرفیع من السدرۃ الریحانیة مدتیت این خامه با حضرت نامه نگاشته سبب عدم  
 فرضت و منلت بوده و آله همواره مرا آرزو و چنانست که در هر روز با فان سدره مبارکه طوماری بکلام  
 و بیادشان مشغول و مالوف گردم و هر چند بظاهر بنجامه و مداد نپردانم ولی در قلب و نواد بیار شام  
 اهدم و همرازم آتی فراموش نکنم و دمی نیا سایم از خدا میطلبم که جمیع افان سدره مبارکه را با  
 عبد البهائ، در عبودیت آستان جلیل رفیع شریک و سهیم فرماید تا کل سبحان و دل خدمت نمایم  
 و عبادت کنیم راه عبودیت پوئیم و رضای حق جوئیم و تهر حقیقت گوئیم ان ربی بیدی من بیاشا  
 علی بیاشا، و انه لهما القوی القدیر در خصوص ضائنه که لانه و آشیانه حضرت الفرع المقدس الشهدی خلیل  
 جناب قاسیده علی روحی له الفداء، مرقوم نموده بودید آسخانه لانه حمامه قدس بود و مجاور مسقط رأس تتر  
 ملا علی لقطه اولی روحی و داتی و کیستونی له الفداء، لهذا آسخانه از بقاع مقدسه محبوب احترامش  
 امر مفروض جناب فرع روحی حضرت میرزا علی محمد خان از قبل عبد البهائ، تحت مشافانه برسان  
 و بگو ای فرع بدیع تمام همت و رغبت و اهمیت بکوش تا آن بیت معمور از دست اغیار دراز  
 و مشرق از کار ابرار نمائی اگر واضح و آشکار سبب اغیار را اغیار و وضوضا، اثر ار شود این را از

خطا کاتب کلمه و بیاشا مبارک

راستور و پنهان نمایند و آن بیت محترم را از دست غیر برانید و خفتاد آن محفل یارانید و باذکار  
 در اسحار و نماز و نیاز در ایجاز مشغول گردید تا مبارکی این عمل میر و فضل موفور حاصل گردد و قلوب  
 مشغول ذکر رب غفور گردد فرحی رخ بکشاید و نشئه‌ئی در دماغ آید که نارحمت الله شعله  
 شدیدزند و شوری دیگر در سینه اندازد چنانکه در سائر دیار مشرق الاذکار سبب فوران  
 نارحمت الله شد شوق و شغفی عظیم درد لمانداخت و بشارتی التیه بجانها بخشید  
 ولی در شیراز باید در نهایت حکمت و احتیاط مجری گردد که ابداً اخبار اطلاق نیابند حتی در میان  
 محفل روحانی عنوان کنسید و اگر چنین نباشد ارادل قوم بر زائل قیام ننمایند و سبب حسرت  
 قلوب شود حضرت افان سدره مبارکه جناب میرزا ابوالحسن را از قبل عبدالهبا، تحیت مشتاقانه برسان  
 و بگو که ما همواره بیاد تو مشغولیم و بگو که تو مالوف امید و اراد فضل پروردگاریم که همواره بنفس در کمال مالوف  
 باشی و شفقت قدس مالوف سبب عزت امر الله باشی و اسباب روح و رحمان یاران کردی  
 و علیه التیة و التاء، ع ع سابر

هو الابی

۳۷۱

باز از باختر بخاور باز گشتیم تا باستان مقدس دو بقعه مبارکه  
 فائز شویم باری همیشه در خاطر بوده و هستید از الطاف جمال بی آرزو نمایم که در نهایت

روح

روح و ریجان مستقلاً بشارتت الله لبعودیت صمیمی آئی موفق شوی ورقه مبارکه والده  
اقامیرزا نادری راجتت ابع ابی ابلاغ دارید و همچنین جناب اقامیرزا رحیمی ان را عبدالبهاء  
جناب سید

شیراز حضرت اقامیرزا محمد حسین علیه بقاء الله الای  
هو الله

ایها الفرع الرفع من السدره المبارکه نامه شمار سید احمدته دلیل بر نشاط  
و انبساط وجود شریف بود از الطاف بی قتهای حضرت احدیت متمس جانم که همواره در صلوات  
حمایت و محفوظ و مصون باشید و اما قضیه قطع علاقه از آن دیار و حضور یقیناً  
حال سزاوارند زیرا باید در آنصغفات بخدمت امرالله مشغول باشید و قتل خواهد  
آمد الامور مرمونه باوقاتها هنوز از شیراز چنانکه باید و شاید آهنگ ملا اعلی بلند شده  
هر وقت آن ساز و آواز در صوامع ملکوت گوش زد اهل راز گردد آن اقلیم باهتر از اید  
و صبح هدی چنان بدرخشد که ظلام ضلال بجلی متلاشی گردد کار

درست شود ورقه مبارکه والده محترمه را از قبل منجیت

ابع ابی برسان و علیک لبها ابی عبدالبهاء جناب سید

خط کتابت حضرت اقامیرزا

۴۷۳

شیراز جناب قاسید محمد حسین افغان جناب اقامیرزا بزرگ افغان جناب قامیرزا حبیب الله  
 افغان جناب حاجی میرزا نسیا، افغان بناب شاهزاده محمد رضا میرزا جناب محمد باقر خان  
 جناب میرزا محمد علیخان جناب قامیرزا آقای طلیب جناب آقا شیخ آقای پیش نماز جناب  
 شهریار وفادار جناب میرزا افضل الله خان جناب دکتر ضیاء، علیم بهاء الله الابهی

هوائه

۴۷۲

ای فنوس مبارکه مقرب درگاه کبریا فامه شمارید و از منمونه نهایت روح و ریحان رخ داد  
 زیر ابر شوت بر سراط مستقیم برهان مبین بود و بر اتحاد و اتفاق بر عهد تویم دلیل جلیل احمد الله  
 یاران شیراز در این سالهای جنگ براز و نیاز همراز بودند و همواره با لغت و محبت دمسار عبدالباقی  
 از خلوص نیت و ثبوت و استقامت یاران شیراز پراهمتر از است و از ملکوت ابی نماید و توفیق  
 میطلبد که در این ایام شعله تازه برافروزد و آهنگی ببلای اعلی رسانند نفوسه ابوجه و طرب آرند  
 و مستمعین را بقالیم الهیه تربیت نمایند بوزانیت اخلاق و علویت فطرت و شدت امانت  
 و کثرت محبت و صبرانی بعموم انسانی تبلیغ امر الله نمایند و ترویج دین الله کنند چندی پیش <sup>تبعی</sup> پیش نماز  
 بشیر از ارسال گردید و بواسطه جناب افغان مدره مبارکه اقامیرزا حبیب الله طلب معترف  
 از برای عموم متقاعدین اجتهادی شیراز گردید و نامه بجنرت عند لیب نگاشته شد و همچنین بنده نفر

خطاب مبارک حضرت مولانا

دیگر امیدوارم که خبر وصول برسد و آن خطه مبارکه موطن حضرت اعلیٰ روحی له الفداء است بفرستد  
 را از نو چنان که بهشت برین گردد و غبطه روی زمین شود بنقص صریح میفرماید و ترا کم من افیتی  
 الابی و منصر من قام علی نصره امری یجوز من الداعی الاعلیٰ و قبیل من الملائکة المقربین جنه منصو  
 در این ظهور نفوس مستند که بقوتی الی و تأییدی آسمانی و همستی ربانی و اطوار و رفتار که  
 سبب حیات عالم انسانیست موفقتند امیدوارم که مرکز این جنده شیراز گردد ۲۱ شعبان

۱۳۳۷

الهی الهی هو لآء عبادک المخلصون المنجدون بنفحات قدسک المشعلون بنا رجبتک التاطنون  
 بالثناء علیک المبتنون محبتک و برهانک المروجون لدینک ایتل الیک و اسئلک ان تؤیدهم  
 بما وعدتهم بتأییدات صدائیک و نصره جنود ملائک الاعلیٰ و قبیل ملائکک المقربین رب نوره  
 و جوههم بنور لامع و عطر مشامم بطیب ساطع و اقر اعینهم بمشاهدة آیاتک و اسمع اذانهم  
 ذانک الاحلی من ملکوتک الابی حتیٰ یکنوا عوناً لعدک هذا فی نشر نجاتک بین الوری و انک  
 لتعلم ما یحبوبی اننی احب عبادک المخلصین فی ارض الشین و اذینهم بروحی و نفسی و ایتل الیک  
 فی حجج السیالی و بطون الاسحار ان تبجل هو لآء الابرار سر جاً نورانیة ساطعة بالانوار انک انت  
 العزیز الخیر انک انت الکریم المتعال و علیکم السبأ الابی عباد البهأ عبا سس ربهم

عظمت مبارک  
۴۷۴

اینا الفرع العظیم من الشجرة المبارکة التي اصلها ثابت في الارض وفرعها في السماء، وانها نطققت  
بأمر الله لا اله الا الله انا قل باجدادی آیی فاجدون هر چند مسافت مابین صدر از فرسنگ است  
و بی کوه و صحرا و دشت و دریا حائل و حاضر و کن در محفل آن حاضرید و در مجمع قدس موجود  
و ناظر در انجمن یاران الهی یاد اجتبی معنوی شمع روشن است و ذکر و فکرشان در صحرائی ملکوت  
گلزار و گلشن پس بفضل عظیم الهی مستبشر باش و بخلق کریم اجتایش مسرور و منشرح  
در دلها لانه و آشیانه داری و در جانا خانه و کاشانه دیگر چه جوئی و چه خواهی بالطف حضرت  
حجوب آفاق مطمئن باش و بغنایات ملکوتی مسرور و منبسط خنقرب نفحات تأمید میوز  
و انوار توحید بدرخش و شمع الهی برافروزد و قلوب رزجا های انوار گردد و نفوس مطالع

اسرار هنالك يستبشر المحسنون والبهائم على كسوع بغير

بناب علی کبر

رب اید کل من توجه الی مطلع وحدانیتک بتأییدات قدس رحانیتک واقف علیه  
ابواب البرکات من سائر الجهات انک انت المقدر العزيز الوهاب ع ع ع

عظمت مبارک



۴۳۰

هو الابی

علیه بہاء اللہ الابی

جناب علی اکبر

ش

۴۷۶

هو الابی

ہیں سمیع اللہ! قدر نزلت ارکان الجبل والبلاد لعلنا نرفع الذآء من الملاء الاعلیٰ وتری  
 القوم سکاری من الراجفة التي ارتفعت بها قوات الارض کلما وتبہما رادفہ کبریٰ کبریٰ کانت  
 امر وادھی فراد وافر افا واضعاق الامن رحم ربک فہم نالوا التبا و زادوا لقطہ وبتبصا  
 فہم فی ریاض العلم یرتعون ومن عین لتسہیم یشربون وفی ما استہت انفسہم خالدون  
 والہبآ علی الذین ہم الفاترون ع ع ع

هو الابی

ش اجوان جناب اقا مرتضیٰ الذی سعد الی اللہ جناب اقا غلام حسین و جناب

۴۷۷

اقا محمد کریم علیہا بہاء اللہ الابی

هو اللہ

الئی وجمیری تعالیت و تحللت بفرۃ الوہیتک وعظمتہ ربوبیتک عن ثنائی وثناء کل شیء و تثبت  
 و تنزهت بحقیقۃ احدیتک عن محامدی و لغوتی و لغوت کل شیء فی احلی یا الئی فی موارث

خط مبارک

خط مبارک

٤٣١  
العجز الاعتراف بانذل والانكسار والاجتناب عن الغرّة والاستكبار كفاني يا الهى عجبى  
وفقرى وذلى وهوانى وفنائى واصحلى وحسبى يا مجوبى الطافك واحسانك وجودك  
والكرامك ايرتباغيتنى بفضلك القديم وجودك المبين وفيضك العظيم عما سواك  
بما هديتنى الى معين رحمتك واوردتنى على شريعة فردايتك وانزلتني منزل صدق  
بسلطان وامايتك وسقيتنى من كأس العطاء من يد ساقى غيايتك ورزقتنى بامدة  
السماء على خوان موهبتك ايرتباك الحمد على ذلك ولك الشكر على هذه الموهبة  
التي اخصت بها المخلصين من ارقائك ويهدروحي وذاتي وكيهوتى بك  
اتمت على الرحمة واحلمت على النعمة واسبغت على العطاء واكثرت على النعماء  
ولكن يا الهى اذل اليك وابتهل بين يديك واتضرع الى ملكوتك الابهى واترجى  
من سلطان جبروتك الاسمى ان تقدرلى غاية منائى ونهتى رجائى وما هو جلدا بصبر  
وصفاء قلبى وراحة روجى وعظم فتوحى ومسرّة فؤادى واكبر رشادى ونور  
جسينى وافق ميلنى وهو سفك دمى وافاق روجى فيسيل محبتك واحترق  
بنازعذاب اعدائك فى سبيك وذلى وتبلىل جسدى على التراب اشتياقا الى  
ملكوت لقاك ايرتبا قدرلى هذا المنى واسقنى هذه الكأس الطافحة بصبأ

الافط

الاطراف من فيض رحمتك الكبرى وطمعني من هذه المائدة التي رزقت جمالك الاعلى  
 وتوج راسي بهذا الاكليل الذي تتكلم جواهره الباهرة فيقطب العوالم كلها وجملي بمغناطيس  
 المخلصين المستشهدين انك انت الرحمن الرحيم ايرتبه ان عبدان انتسبا الى عبدك  
 الذي انجذب بنفحات قدس احديتك واشتعل نار محبتك واهتم من نسائم التي هبت  
 من رياض معرفتك واستبشر بانوار سطعت من مشرق موبتلك ونام في هياك لشغف  
 في جمالك وتوغل في صحراء صحاح وناح فيه المشايقون لزيارة طلتك ومثل من  
 عطفاك حتى تسرع الى مشهد الفدا في سبيلك وركض الى ميدان الفدا جاك وفتق  
 روحه شوقاً الى لقاءك ايرتبه حبت عليه السج بلسانك وجملة جنة غنائك  
 وروضة غلبه بقدرتك وبرهانك واستقام فيه سنين متواليات تحت السدائل  
 والاعلال المثلقات وهو يستبشر بذلك ويتهرج فيك ذلك الى ان ايرتبه  
 وجودك ان يتصاعد الى ملكوت قدسك فاضروه طغاة خلقك من قعر السجون الى فضاء  
 الفدا في سبيلك يا حي يا قيوم فحطب وقال يا ايها الحاضرون لقتلي في سبيل  
 المحبوب ليس لي شيء اهدى لكم لهذه البشارة التي بشرتموني بها الا هذا العطاء لراسي  
 فاهديه لكم مقابلة لفرقكم فقط هرب من الملاء كاسد الشرى وتطأ في السما توجها الى الرفق

۴۳۳

الاعلیٰ و صعد روحه الی ملکوت الآل و جبر و تکالاسمی طولی له ثم طولی ایرتیب ان  
 المتتیبان الیه ایدهما علی الثبوت علی عهدک و میثاقک و وقفهما علی اطاعتہ امرک و اخصهما

فی دینک انکت انت الکریم الرحیم الوهاب ع ع

جناب میرزا قحطخان علیه بہاء اللہ

ہوائہ

۴۷۸

یا ابا الفتح ہمیشہ تک ہذا الصبوح ہر چند قحطلوک خونریزی ملوکست لکن  
 فتح اہل بہا سلوک در سبیل ہدی و خدمت اصغیا و عبودیت در گاہ کبریا و تثبیت ہمام  
 امور و حسن نیت و خیر خواہی جمہور احمد لہ شاموفق بان بشہادت عموم علی خصوص  
 جناب خان پنہایت ارشاد شادمان و مسرور است حتی عبد البہا ارستایش ایشان  
 دل و جانیافت کہ احمد لہ سروستان چنین سروی آزاد دارد و چنین نفسی نفسی معدن دل  
 و داد و امیدم و طید است کہ بہمت آن یار روحانی اجبای رحمن در نہایت روح  
 باشد و علیک البہاء الابہی ع ع

ہوائہ

الکل بسید رسل انا فتحنا لک فتحاً مبیناً فرمود ہر چند این قحط در عالم رویا بشارت دادہ  
 شدہ

نظر کا تیب در و اخصاً مبارک

۲ نظر

۴۲۴  
شده بود ولی چون تاخیر افتاد بعضیها تردید حاصل گشت و چون مکّه مفتوح شد یاران  
مسرور شدند حال من نیز ترا فتوحی خواهم ربانی رحمانی سبحانی کامرانی دو بهمانی ع

۴۷۸

سنت

هو الله

اجای سروستان عظیم بها، الله الاهی ملاحظه نمایند

۴۷۹

هو الله

ای یاران حقیتتی چند سیت خبری از شما رسید و صبح پیامی از آنجست نذ مید  
حضرت طیر حدیقه ملکوت جناب مرتضی روحی له العذارا ملاحظه فرمائید که چنانچه موقده  
در قطب آفاق بر افروخت که شعله اش تا دامنه ملکوت ابی رسید و چنان پر توی ط  
کرد که آفاق کائنات را روشن کرد پس معلوم گردید تا نسوزی میفروزی و تا چون شمع

نگدازی جمع را روشن نسازی اید و ستان انصاف باید بدیم که در چه دوریم و در چه  
کور در بحر الطاف الهیه مستغرقیم چرا پر بشارت بناشیم و در ظل سدره رحمانیه آرمیده ایم  
چرا پر مسرت نگردیم بر کفر مخفی پی بردیم چرا کیسه تهی گذاریم و در سایه آن سرو سهی آیدیم  
چرا بیچاره و منحنی مانیم لطف و عنایت حضرت مقصود باهل سروستان زیاد بود و لطف  
عین عنایت شامل حال ایشان در جمیع احیان انما ران الله میفرمودند و منتی لطف

ظواهر  
ظواهر است

۴۷۵  
 مبدول میفرمودند دیگر چه غم دارید و چه غمته آنچه را ملا، مقربین آرزو مینمودند شایان فائز  
 گردیدید و هر چه را که اهل علقین در حسرتش مردند شایان محفوظ و مرزوق شدید جمیع ملا اعلی  
 آرزوی یک خطاب جمال قدم را مینمودند که بشر ف اصفا فائز شوند و شمار سدره سینا  
 این خطاب را اصفا نمودید و ندای الهی را بسمع قبول استماع کردید آیا میدانید این چه فیضی  
 بود و ساکتید و آیا میدانید این چه موهبتی بود و صامتید مسرور باشید و مستبشر  
 گردیدید ع ع ع

هو الابی

جناب حیدر علی سروستانی      جناب علی اکبر سروستانی<sup>۲</sup>      جناب اسفندیار سروستانی  
 جناب حسن سربستانی      جناب میرزا علی محمد سروستانی      جناب علی بابای سروستانی  
 جناب میرزا تاج الدین سروستانی      جناب محمد حسن خان سروستانی      علیهم بهاء الله الاله ملاحظه نمایند

هو الله

۴۸۰

ای یاران آئی آنچه مرقوم نموده بودید ملاحظه کردید مغایرتش در ال بر ثبوت بر عهد و پیمان بود نشانی  
 مؤسس بر محبت جمال یمثال      حقانقش شقائق ریاض عرفان بود      دقایقش اشارت  
 انجذابات جان و وجدان را      اید و ستان همی نماید که مظاهر آیت توحید گردید و مطالع ال  
 تجرد

۲ جناب سربستانی

فقط مبارک

تجربہ سراج لامعہ زججات امکان گردید <sup>۴۳۶</sup> و نجوم ساطعہ مشرق یقان خدام آستان  
مبارک شوید و خزان کنوز غنایت آیات ینات کتاب مبین شوید و روایات شہرا  
ظہور عظیم نسائم ریاض حدائق قدس گردید و روائج معطرہ غیاض انس مبشر بالطف  
جلیلہ رب قدیم باشید و مبلغ امراض اوذکریم اید و ستان وقت گلگشت بوستان  
الہیر از دست نہمید فرصتہ اغنیمت شہید جدی نمائید کہ در اینجہان فانی شمع روشن  
جہان جاودانی گردید و گل گلشن عالم باقی اگر بخدمت امر اللہ کمر را محکم بندید  
و کمال ثبوت و رسوخ بریشاق نیز آفاق قیام نمائید و از زوایج و اعصار امتحانات  
و افتقانات شدیدہ نلغزید قسم نور بہا، کہ ہر یک آیت کبری گردید و رہت ملا علی  
و البہاء علیکم یا اجبأ اللہ روحی لکم الفداء ع سناہ  
استدعای طواف مطاف عالمیانرا نمودہ بودید انشاء اللہ در وقتش اجازہ خوا  
دادہ شد حال ہمت را با کمال حکمت بر نشرفحیات اللہ بکارید و در این امر ہم کہوید  
چہ کہ الیوم این قضیتہ مغناطیس تأیید ملکوت است و جاذب الطاف اسم  
اعظم از چیز جبروت و البہاء علیکم  
ع ع سناہ

۴۱۷  
جناب محمد صادق بیگ و جناب ملا سلیمان و جناب عبد الله بیگ علیهم السلام، الله الای

هو الله

۴۸۱

ای یاران روحانی گویند که شرط نرد در این فلک با هر عبارت از سه ساره روشنت  
حال از لطافت ذوالنورین میبندیم که آن سه شخص ماستم مانند آن سه نجوم از افاق هدایت  
درخشنده و روشن باشند جناب خان از محبت و خلوص شما نهایت شکرانه بینماید که  
فی الحقیقه بهائی پرستید و خدام هر سه مست پیمان بدست یاران باید چنین باشند که یکدیگر  
را بنده گمراهین گردانند آئین وحدت عالم انسانی گیرند و بروش اهل عتقین سلوک کنند الحمد لله

شما چنانستید و عظیم البهائم، الایهی ع ع ع  
مستانه

هو الله

سرروستان جناب میرزا فتحعلی خان کلانتر علیهم السلام، الله الایهی

هو الایهی

۴۸۲

ای فتح بها رقی مشورت و وصول یافت و چون کاس لهور مورث سرور شد  
حمد کن خدا را که موفق به هدایت کبری گشتی و مؤید بمنقبت عظمی از جناب بشارت حضرت  
اعلی مرتست شدی و از صهبای محبت طلعت ایی بوجد و طرب آمدی و در سخن

عشقان

خط کاتب میرزا و جناب مبارک

خط کاتب میرزا و جناب مبارک



عاشقان شمع روشن گشتی و از نجات قدس ریاض میثاق مشام معطر نمودی چون جیل شایستی  
 و چون شجر نابت پس چون علق در حلقها زلف دلبر اهی بدام افتاد بالب خندان و پیرهن  
 چاک و مقلطون در قریبگاه عشق برقص در او فریاد و الطوبی لی و اطربالی و اسرورالی از جان  
 و دل برآر تا بشکر اند آن فضل و عطا زبان گشائی و بوفارسم چهار از صفت کائنات  
 بر اندازی و نفعه خوشی بوزانی و جمع یارانرا احسن حصین کردی و انجمن دوستانرا بلجا  
 این شب و روزنا رحمت برافزوی و چون شمع با چشمی اشکبار بنا رحمت الله  
 بسوزد و تا از افروختن و سوختن انوار بر آن اظهار ساطع گردد و علم میثاق بر آن  
 آفاق موج زند از فضل و غنایت حق امید است که از این نوبه خورشید بدرخشی چون  
 در آن میدان فارس فرید کردی و علیک البهائم ع ع سده

هو الله

سرستان اجبای الی علیم بهاء الله الاهی  
 ۴۸۳  
 الله الاهی

خط مبارک

ایدوستان سرستان جمال قدیم حضرت نور مبین بیاران آن اقلیم کمال عفترا  
 داشتند و چون پند نقره از آن دیار در یوم لقا حاضر شدند الطاف مینهایت فرمود

۴۶۹  
 و انهار غنایت نمودند و چندیکه در حضور بودند مورد رعایت حضرت احدیت گشتند  
 و منظر آیات موهبت شدند این دلیلست که بی عذر آتش محبت الله در آنکشور شعله  
 پر شرر خواهد نمود و نور معرفت الله در آن بوم و بر اشراق شمس و قمر خواهد نمود و این یقین و  
 محتم است چه که مشیت و قضای حق قیومت ولی ای دوستان موجود از خدا  
 بخواهید که آنشعله در امر و زلزله و از حرارت الله و اعدال خلق و خوی نور و زگر گردد و  
 پر سوز شود و هدف غمزه دلدوز گردد تا مظاهر آیات توحید کردیم و مطالع مینات و  
 مورد توجهات شویم و مشمول نظر غنایات چه که فضل خجالی ابهی عظیمست عظیم و فیض  
 اسم اعظم قدیمست قدیم و البهائ، علی الثابتین ع ع سائده

بواسطه جناب زائر افاضی علیه بها، الله

اجای سرستان اجای نیز اجای جبرم اجای خاکمدان اجای دارین علیه بها، الله

الا بی

هواسه

۴۸۴

ای یاران عبد البهائ، اجدت از سرستان نجات گلستان محبت الله منتشر و راجحه معرفت الله  
 ساطع و نور هدی لامع و آیات کبری ظاهر و باهر اقلیم جلیل فارس چون مطلع نیر آفاق بود

عبد البهائ

نظرات سر و نهاد مبارک

۴۰  
 عبد البهار نهایت آرزو چنان که در قطب عالم خیمه برافرازد و علم سبقت و پیشی بر کل  
 اقایم بند و نماید الحمد لله در این ایام حرکتی نموده بالاخص سر و استان و نیز در حال از آن  
 کشور نیز از ابراج لواقع محبت الله بگوش جان میرسد طوبی لکم و حسن باب و بشری  
 لکم بفیض من رب الارباب عبد البهائم بملکوت ابی عجز و نیاز مینماید و تضرع و بهانه  
 میکند که کشت الهی در آن کوه و دشت روز بروز نشو و نما نماید و سبز و خرم گردد و خوشه و دانه  
 و خرمن فرماید کنز عرجم شطاه فاستغظ و استوی علی سوره تعجب الزراع و امیدم  
 جانست که هر خوشه خرمن گردد و هر دانه فیض و برکت حضرت ذوالمنن شود ایاران جمیع  
 طوائف و امم منجمه و محمود و جمیع قبائل و ملل گرفتار یأس و قنوط اهل بهایید چنان حرکت  
 و جنبشی نمایند که کافه اهل ارض را باهتر از آند و چنان پر توی افزونند که شرق و غرب را  
 منور نمایند و بر رفتار و کرداری پردازند که شهیر آفاق شوند و مظا هر فیض کوکب شرف آنگذند

و علیکم البهائم الابی ع ع سلامه

شیراز سر و استان جناب هدی سر وستانی علیه بباء الله الابی

۴۸۵

هو الله

ای مجتذب بفتحات لله نامه مرقوم و صل گردید و مضمون مضموم شد تمامی تحریری

۴۴۱  
 از عبدالبهاء، نموده بودی من نیز فوراً بترقیم این نامه پردختم و از فضل و الطاف جمال ابی  
 امید داشته و دارم که یاران الهی چنان انجذاب حاصل نمایند که بنامه اسرار الهی قنایا کنند  
 و کاشف را زگردند فیوضات ملکوت ابی لوح محفوظ و کتاب مسطور و رقی منشور است  
 و جمیع اسرار در آن نامه مرقوم آن نامه مفصل را بدقت مطالعه نمایند تا بر اسرار ماکان  
 و مایکون مطلع گردید جناب خان بابا و جناب ضیاء الله و امته الله و الله شانزاد بکر ابداع  
 ابی جان و وجدان شادمان گردانید و جمیع اجزای الهی را از شدت محبت این عبدخبر  
 دهید و با لطف پنهانیت حضرت مقصود بشارت فرمائید و علیک و علیهم البهاء، ابی

ع ع سائمه

بواسطه جناب زائر جناب قاضی محمدخان سروستانی

جناب اقا علی اکبر علیه بقاء الله الابی

هو الله

۴۸۶

ای ثابت بر پیمان ایامیکه در ارض مقدس بودی و بشرف طواف تربت مقدسه فائز  
 خاطر است ایامی بنهایت محبت و الفت با ما بسر بردی و در نهایت تبتل و تضرع بودی  
 اوقاتی که بروح و ریحان و شادمانی و کامرانی گذرد هرگز از خاطر نرود یقین است که

فراموش

خط کتابت درویشها مبارک

فراموش ننودی بلکه شب و روز در خاطر داری و بموجب وصایا و نصایح که افق شد  
 عمل مینائی امروزه بهائی حقیقی را نشان و برهان اعمال و انفعالی که بموجب تعالیم است  
 اگر آن موفق شوند هر روز موهبتی جدید یابند و غایتی بدیع جویند فرصت بسیار کم است لهذا  
 مجبوراً مختصراً هستم ولی هر کلمه فی الحقیقه نامه است نفس مطمئنه را یک کلمه کفایت مینماید  
 جمیع اجزای الیه را تحت ابداع ابی برسان و علیک البهاء الابهی امته الله الموقفه ضمیمه  
 را نهایت مرادنی بنما و تحت ابداع ابی ابلاغ کن ع ع  
 شیراز بواسطه جناب بشیر الهی جناب آقارضای سروستان

هو الله

۴۸۷

ایزاکر مطاف ملا اعلی نامه شماره سید احمد الله دلالت بر ثبوت و رسوخ اجزای الهی  
 در امر جهان مبارک روحی لقبسته المقدسه فدا می نمود امروز جمیع کائنات از فیوضات اسم اعظم در  
 نشو و حرکت است و در استمداد و اهتزاز سروستان احمد الله گلستان گردیده و کل و رحیم  
 معرفت الله حدائق حقائق و معانی گشته امید چنانست که آن سرو تا روز بروز نشو و نما نمود  
 در نهایت لطافت و خرمی از فیض سبح غایت الهی در جویند حقیقت باهتزاز و حرکت آیند  
 جناب تقی میر علی الرسول را از قبل من تحت ابداع ابی برسان و جناب درویش بن شهید را نهایت

ظلال کتب بر و کتب مبارک

تحمید از این وحید فریدین و سیدک البهائم الابهی رع

سردستان جناب زائر اقا رضا عید بهاء الله ملاحظه نمایند  
مناجات طلب مغفرت بجهت جناب آقا محمد کریم اخوی حضرت آقا مرتضای شیب  
صاحبی خان ابن حیدر علی جناب قباو خان جناب عبا بقدر جناب میرزا حسین بنا جناب  
صاحبی هادی جناب صاحبی علی نقی جناب آقا علی ابن آقا حسین اعلمی جناب آقا مهدی جناب  
علی رضا جناب مشهدی فضل الله جناب آقا محمد اسمعیل جناب کر بلائی نادر علی

هو الله

همه آنک یارب الی اجلیل شکر آنک یارب الی العظیم علی با فحمت ابواب الغفران بمقالبه العفو  
والاحسان ومفاتیح النضل والاقنان رب انترت من عبادک القاسمین اناس و اناس  
علی الذخول فی ذنک الظلیل والوصول الی الفوز العظیم واروتهم من ماء معین و تعقیتم  
من عین الشنیم فالتذت اذ انهم با سماع الذاء وقت ائینهم بمشاهده نور الهدی  
وانتنت نفوسهم بالآیه اکبری وانتهت صدورهم بکلماتک العلیا واحطرت قلوبهم  
بایحی نار محبتک فارفع منہم الضعیف بالتکبیر والتلیل الی ملکوتک اجلیل وانقذت منہم  
نفسات جاک فیحیی صتیق و اقلیم او لک یا الی نفس لم تتخذهم نومة لائم فی امرک و لزمهم

عذایب و آفات مبارک

شما

ثمانية آل عمود في ذكرك ولا اعدتكم سائما كل عمل زعيم في مملكك بل ثبوا على الصراط وثبتوا  
 برشحات سحاب الاطراف ياربي الارباب وذكروك جبارا بين الابرار والاشرار وواقف  
 السنهم عن الذنوك وابتلوا بختي الاسرار وحشروا مع الاخيار وتبلكوا الى ملكوتك يا عزيز  
 يا جبار رب انهم تجرعوا كأس المنون بما قلت وقولك الحق انك ميت وهم حيون  
 وقد رت لهم المقام المصون وانعمت عليهم بالسر المكنون وارجبتهم اليك فضلا عن  
 ياربي السمون رب الكرم لهم المشوى وادخلهم في ظل سدرة المنتهى واخذهم في جنة المنا  
 وادر عليهم كأس العطاء وودر لهم الموهبة العظمى وشرقهم باللقاء ياربي الاعلى انك انت  
 العفو العتفور وانك انت الكريم الرحيم البر الروف لاله الا انت الغنى المعطي لكل عبد

مشكور ع ع محتاج

هو الله

سر وستان      عموم اجابى اللى      عليهم بهاء الله الابهى  
 ٤٨٩      هو الاله

اى شهيد النيران نير آفاق وثابتان برياق      جناب حيدر على عليه بهاء الله نامه گشته  
 وذكرا اجابى اللى نموده که سروستان گلسان گشته      و دوستان شرب و روز بکر رحمن

سید الشهدا  
 حضرت علی مرتضی  
 علیه السلام

مشغول اینخبر سبب سرور و هجرتش و این تقه شام یار از او معطر نمود که آنجی سده در آن  
 اقلیم محترم که وطن حضرت اعلی روحی لافذا بود نفحات قدس در آتش راست و فیض بید  
 ریاض عنایت در اهتزاز باران عرفان در فیضانست و انوار مواهب در خشنده و نایاب  
 اید و ستان مهمتی نماید تا کشور شیراز مطهر خداوند بینمایز گردد و از خصیضش نفحه و آینه  
 سبحان ربی الاعلی بملکوت ابی رسد مطلع آیات توحید گردد و محبط الهامات رب  
 فرید تا شعله نار محبت الله از آن اقلیم بسائر اقلیم سرایت نماید و نفحات ریاض قلوب  
 آن یاران و لایات مجاوره را دلالت بر گلشن هدایت کند و این مواهب نیر  
 نگردد مگر با نطق از ما سوی الله و انجذاب بنفحات الله و اشتغال بنا محبت الله و تحوی  
 و فنا و خضوع و خشوع بین یدی اجاء الله و خدمت یاران و عبودیت دوستان الهی  
 علیکم جناب میرزا حسین بنار که خادم انجمن اجاست کبیر ابداع ابی بلاغ نماید و بگوید  
 که خانه تو آشیانه مرغان چمن انگشته و کاشانه سودایان جمال رحمانی طوبی یک من دلک

و الباء علیک ع ع نامه

سروستان  
 جناب ای یاران عبد الباء  
 هر چند توست که بواسطه قلم و مداد باشما گفتگوی  
 علیهم بباء الله الاهی  
 هو الله ای یاران عبد الباء  
 نمودم

خط کاتب امیر کبیر



۴۴۶  
نمود ولی در عالم روح و فؤاد همیشه بیاد یاران جمال الهی مالوف بودم دمی فراش  
نمودم و نفسی نیا سودم بلکه در نهایت در نهایت تضرع و ابتهال بودم که آن اجای رکن  
و دوستان الهی از ملال جهانی و روحانی در جمیع شئون و احوال محفوظ و مصون باشند و توفیق  
بان گردند که گفتار و رفتار و کردار برابر و اشعار هر دو ثابت و محقق گردد که این خراب مظلوم  
مفتون جمال الهی هستند و منجذب نجات قدس ز رافق اعلیٰ زیر این بیان و تبیان  
و خلق و خوی و روش و سلوک و فضائل و کمالات از فیوضات نور قدیم و اشراقات اسم غنیمت  
مقصداست که حقیقت انسانیه باید مانند آئینه از شعاع آقا ب حقیقت روشن باشد و الا  
سنگ سیاهی و ظلمت اندر ظلمت است و شعاع شمس حقیقت عرفانست ایمنست ایضا  
اینهاست انجذابست الهیابست و استمرار در نشرفی تست ای یاران آئی آیام عبرت  
اتمام یابد مالک و محوک گمنام گردد نه اثری نه ثمری نه برگی نه شکوفه‌ئی جمیع منظر علی‌آنی <sup>بن</sup> <sub>عالم</sub>  
حین من الله لم یکن شیئاً مذکور گردند مگر نفوسیکه بجای از نفس و هوی برار شدند و مطلع <sup>بن</sup> <sub>الذ</sub>  
هدی گشتند بهبط اسرار شدند و سر حلقه ابرار گردیدند آمان مانند نجم زاهر از افاق حقیقت  
تا ابد الا با دبا هرند پس بکشید تا از صهباء استقامت کبری بنوشید و بنهایت قوت  
در جمیع موارد مقاومت اهل غفلت نمایند و لوا جمع علیکم من علی الارض کذله لا تخافوا

۴۴۷

ولا تبئوا واعمدوا على انجاد جنود من ملكوت الله راحت آتای چند نوحید در قسبت  
 نمید ملا غله نماید که نتایج محموده در اعمال و اطوار چه ننویسی موجود این دقت سبب عبرت  
 شود و انسان بحقیقت بی برد الهی الهی هو لا، ارقا، کک اذ لا، بیابک فقرا، الیک  
 ضعفا، بین یدیک قدر لهم کل نیر و انظلم عن کل نیر و جهلم حماة حسنک المحسین و رعنا  
 اغناک فی تک الاقالیم و رماة ناقص عمدک بهام سلطان مبین و برمان عظیم و جعلهم سرجا  
 ساطعة بفیض النور المبین حتی یقوموا اشد القیام علی اعداء کلمتک فیدک القطر استحق رب رب  
 هو لا، یطور ضعاف اجعلهم نوراً فی اوج الاطراف و صقور الفضل و الانصاف و همهم  
 من الاعتاف انک انت القوی الوهاب و انک انت الغریر المبین المتعال

ع ع سنا

هو الله

سرستان      ا جانی الهی      علیهم بهاء الله الابی

هو الله

۴۹۱

ای یاران رحمانی شمس حقیقت بر آفاق قلوب اشراق نو انیت محبت نمود  
 و غم موهبت باران الفت مبدول داشت نسیم غایت از دست طفت  
 برور

خط کاتب در و کتب مبارک

برور آمد و دریای رحمانی امواج تعلق روحانی زد تا یاران الهی بشانه فیض آسمانی  
 قطرات جمع شده سیل فیض ناطقانهی کردند و صحرا و دشت آفاقرابن و خرم نمایند  
 مقصد از ظهور مطهر مقدسه الفت و محبت عالم انسانی بود حال آجا، باید در این میدان  
 جانفشانی نمایند تا عالم انسانرا بصیبهای محبت یکدیگر سر مست کنند و قلوب آفاق  
 را شادمانی بخشند آنچه در الفت بیشتر کوشند بیشتر پویند و آنچه در اتحاد همت مبذول  
 دارند عون و غایت بیشتر مشاهده کنند حضرت سیح خطاب بجاواریتین میفرماید  
 انتم مع الارض فاذا فسد الملح بماذا ائتمح میفرماید شما نمک عالمیاید اگر شما فاسد کردید  
 جهان بچه میچ و نمکین گردد حال اگر آجای الهی شمع محبت و الفت و یگانگی و اتحاد  
 در محفل خویش نیفزوزند چگونه جهانرا بنور نیت الهیه روشن نمایند و چگونه سبب  
 الفت قلوب اهل عالم گردند ای یاران عبدالهما، شمار ابداحت و صباحت جمال  
 ابی قسم میدهم که مانند نجوم ثریا مجتمع و مؤلف گردید و سبب اتحاد و یگانگی عالمیان  
 شوید بنیاد خلاف براندازید و بنیان ائتلاف بندسازید و بذیل محبت الهیه در آید  
 وساحت قلب را از مغایرت و مخالفت بپردازید تا محل اشراق شمس حقیقت گردد  
 و نور موهبت بر خشد هر یک خادم یکدیگر شوید و هر که اموره دیگر جانفشانی نماید

جان و مال از یکدیگر دریغ مدارید تا یرلیغ عطا از ملکوت ابی رسد و منشور سرور و جهور

از ملا اعلی صادر گردد و علیکم التحیة

والله اعلم  
ع ع

سروستان جناب زائر میرزا حیدر علی سروستان علیه بباء الله  
۱ ج ۱۵  
۱۳۲۸

ال ابی

هو الله

۴۹۲

ای ثابت بر بیان نامه نامی رسید از مضامین آشکار و پدید گشت که حین رجوع و وصول  
از آتش و بیگانه حسن استقبال و رعایت موفوری یافتی الغزاة لله و لعباده المخلصین عتقرب  
ملاحظه خواهید نمود که انوار غمت ابدی یاران چنان تابد که شرق و غرب روشن شود و جمیع جزای  
بینندگان جمال قدم خطاب نمایند و تا الله لقه اثر کم الله عینا گویند سوال از زوجت  
ملاش نموده بودید البته باید زوجه تالمه را اطلاق داد و علیک البباء ال ابی ع ع

سروستان جناب آقا حیدر علی زائر علیه بباء الله ال ابی

هو الله

۴۹۳

ای ثابت بیان بجزد وراثت نامه شما سفارش در خصوص آقا میرزا فتحعلینان بنفس مبارک

تحریر

خطاب میرزا حیدر علی

۲

خطاب میرزا حیدر علی

تحریر یافت فی الحقیقه آنمظلوم گرفتار گشته است هر چند مسجون است ولی آنقدر  
 درگاه نصرت بیچون امیدوارم عنقریب گشایش حاصل گردد و بخشایش رخ دهد و فرست  
 میش از این نیست جناب آقا رضا و جناب بقاء الله و اهل بیت محترمه را از قبل من  
 تحت ابرع ابی ابلاغ دار و عیدک البهائم ابی ع ع تسامحه  
 سر و ستان بواسطه جناب زائر آقا حیدر علی  
 والده امته الله فاطمه ضلع امته الله باجر صبا یا امته الله طاهره امته الله فیره  
 امته الله فائزه بقاء الله کبری طوبی والده مرحوم قبادخان جناب آقا میرزا علی محمد  
 جناب مشندی علی صفر جناب آقا محمد صادق جناب آقا محمد حسن

هو الله

۴۹۴

ای مؤمنین و مؤمنات و ثابتین و ثابتات جناب حیدر علی بدرگاه حضرت کبریا پناه  
 آورد و بجال عجز و نیاز از برای شما موهبت کبری رجا نمود و آن موهبت کبری تقویت  
 برگفتار و رفقاریست که مطابق تعالیم الهی و وصایای جمال مبارک و ضامح اسم عظمت  
 اگر باین موهبت موفق شوید به خیری مؤیدید آرزوی اینغب چنانست که هر یک از شما  
 آیت هدی گردد و نخلی باسوق در بوستان الهی شود و در کمالات انسانی بر کل فائق گردد

خطا کتابت بر و احوال آریساک

سلیل علی اصغر که در سبیل الهی شهید گشت سراج آن قبیله است و مرکز مباحث  
 جمیع آن خاندان عنقریب تأییدات غیبیه بسبب خون مطهر آن بزرگوار که در سبیل الهی  
 سبیل شد آذودمان را احیاناً پس بگردانید که از آنکه آن حضرت نفس مبارکی از آن خاندان  
 در سبیل الهی شهید شد و این شهادت سبب مغفرت و مباحث در جمیع عوالم الهیه است  
 و علیکم وعلیکم البهائم الابی ع ع منابه

نیریز بواسطه جناب ملا احمد علی

سروستان اجای اسی

جناب قاجار علی جناب اقا میرزا علی محمد جناب اقا میرزا علی رضا خان جناب  
 اقا سید میر احمد جناب اقا علی نقی جناب قاسم تاج الدین جناب حاجی محمد جناب علی کبک  
 جناب کر بلائی بقر جناب قاسم نقی جناب قاسم جناب اعطاء الله جناب کر بلائی شکر الله جناب  
 اقا غلام علی جناب قاسم امیر امیر جناب قاسم امیر حسین بیابان جناب قاسم امیر محمد حسین  
 جناب غلام محمد خان جناب اقا میرزا فتحعلی خان کلانتر جناب قاسم محمد علی عابد جناب عباسعلی خان خادم

جناب ملا قربانعلی علیهم بقاء الله الابی

۴۹۵

ای یاران عجب البهائم بشارت کبری رسید و خبر پرستری عجب البهائم شنید

مرد

نظارت میرزا محمد باقر

مرده الفت یاران سبب مسرت دل و جان گشت و خبر اتحاد و اتفاق دوستان یک  
 فتح بیابان گردید عبدالبهاء نهایت روح و روحیان یافت زیرا چون راننده انجمن در بیخ قلوب  
 ابرار استشمام نماید چنان احزان و اکدار هجوم کند که بتقریر و تحریر بیان نتواند و چون لفظه مشکبار  
 الفت و اتحاد استشمام کند چنان سرور و جهوری احاطه کند که قلب باهتر از و جان پرور آید  
 زیرا تجلی اشراق بجهت الفت اهل وفاقت تا نفوس آفاق در ظل رایت اتفاق در  
 آیند و چنان نورانیت وحدت بر خشد که حکم کبر و حکیم یابند و چون دلبر موهبت لغت  
 در انجمن یاران جلوه کند تأییدات الهیه و توفیقات صدانیه از جمیع جهات احاطه فرماید  
 انوار توحید بتابد و نسیم تجرید بوزد پر تو عنایت بر خشد و حیات روحانی مبذول گردد هذا هو القدر  
 هو الفیض المبین یاران عبدالبهار بسبب الفت و اتحاد جدید بسیار رخصه نمایند و سلب شوند  
 که لسان تضرع و زاری بگشاید و از درگاه احدیت طلب نماید و علیکم التحية و التهانیه

ع ع منانیه

شیراز بواسطه حضرت غدلیب سروستان جناب حیدر علی سروستانی

موالده

۴۹۶

ایشان بر حقیق مکتوب و اصل گردید مضمون سبب انشراح صدور بود و دلیل بر

وصول فضل موفور از تاسیس مشرق الازکار نهایت سرور حاصل گردید و همچنین از ترک زرع  
 تریاک و ترک دخان زیرا افیون جز در معاجزه امراض معلومه سبب هلاک نفوس و موت ابد  
 انسان گردد و همچنین از شرب دخان نتیجه و ثمری جز تضییع اوقات و حصول امراض فائده  
 آنچنین که اجابتی آسانان از همه اینها که شتند اینده الی وقت را غنیمت دانید و فرصت  
 از دست مهید بهتر نفعات الی پردازید و به نیز گرفت آمد نماید تا این مراد  
 طرفین سبب انجذاب مدینتین گردد و هر یک دیگر را توثیق و تحرصین بر استقامت  
 و ثبوت و انجذاب قلوب نماید جناب کاتب میرزا حسین را از قبل من نهایت محبت  
 البلاغ نما و جناب حاجی خان و آقا رضا و بقا، الله جمیعاً تحت مشاقتانه برسان امیدم  
 که موفق بخدمت یاران الی و اجابتی رحمانی و تربیت و تعظیم مشرق الازکار باشند

و عیدک التیة و الهیة، ع ع سنابته

سرستان بواسطه جناب زائر آقا حیدر علی

جناب آقا عبد الله جناب علی آقا جناب آقا محمود جناب احمد علی جناب قاسم میرزا آقا  
 جناب آقا عبد المحسن جناب سهراب خان جناب آقا مصطفی جناب صادق علی جناب  
 کربلایی شکر الله جناب شادی الله جناب حاجی آقا جناب کربلایی علی حسین جناب



بیت الله جناب آقا علی عرب جناب ملا محمد رفیع جناب مادی جناب عبدالکریم

۳۹۷

هو الله

ای یاران رحمانی جناب حیدر علی در نهایت عجز و نیاز بدرگاه پیناز تضرع و ابتهال نمود

و از برای شمارحمت بی پایان طلب کرد چون این خواهش و رجاء در عقبه مقدسه

واقع بسته رو اگر دردت و نتایج ممدوحه حاصل شود این عبد نیز در آستان کبریا همین

رجا قائم و امیدم چنان است که نورانیت تقالیم الهمیه و وصایای ربانیه

چنان در بین اجناس جلوه نماید که رویه بار و روشن شود و جانها بشارت یابد و دلها

منور گردد و از اعضا و ارکان آثار ایمان و ایقان ظاهر شود تا بتوانید بشیم

حق پردازید و بدرگاه احدیت تضرع و زاری نمائید که اخلاق نیز اشراق پر شود

بر قلوب اندازد و سوحات رحمانیه در حقایق انسانیه جلوه نماید و علیکم السلام

الابی ع ع

۴۹۸

هو الابی

سروستان جناب حیدر علی و میرزا علی محمد و جناب میرزا حسین علیهم السلام، الله الابی

هو الابی ای یاران چه خوش بخت بند خست و همایون طالع بودید که در چنین کور

خطا کاتبه

در خدمت کون

خطا کاتبه

و دوری مولود و در چنین قرن و عصری موجود و بر چنین موردی وارد و در چنین آستانه

سایه و در سایه چنین شجر میسترخ و از چنین ثمری مستفید شده اید کور

کور جمال قدم قرن عصر اسم اعظم مورد مورد شریعت الله آستان درگاه جمال

ابهی شجر شجر انبیا ثمره سدره منتهی طوبی للفائزین بشری للواردین فرحاً

للواصلین سروراً للمتطلین و الحمد لله رب العالمین جمیع دستار

تکبیر ابداع ابهی ابلاغ نمائید ع ع ستمه

در خصوص زرع تریاک استفسار نموده بودید زرع تریاک جز سببیت علاج جائز

نه زیرا در اکثر معالجات مستعمل و از عدد آیات رضوان مؤال نموده بودید

دوازده روز است و یوم اولش همان یوم دو ساعت بغروب مانده است

دیگر در جمیع اوقات باید دوستان الهی با یکدیگر با کمال حکمت معاشرت و ملاقات

نمایند و بدگرحی مشغول گردند و از یکدیگر راجحه طیبه محبت الله استثم کنند ع ع ستمه

هو الله

جناب محمد جعفر جناب آقا باقر جناب حاجی آقا جناب آقا بهائی جناب آقا محیی

جناب آقا علی خان جناب حاجی امین جناب محمد ابراهیم جناب حبیب الله جناب آقا علی

جناب

جناب حیدر علی جناب میرزا علی محمد جناب آقا غلام حسین جناب عطاء اللہ جناب میرزا عزیز  
 جناب میرزا فتح اللہ جناب محمد حسن خان جناب علیخان جناب شہدی سلیمان جناب محمد باقر  
 جناب محمد رفیع جناب محمد تقی جناب علی اکبر جناب موسیٰ جناب بدیع اللہ جناب علی محمد جناب  
 محمد کریم جناب تاج الدین جناب علی بابا جناب اکبر جناب محمود جناب میرزا حسین جناب احمد  
 جناب حسن جناب علی نقی صاحبی محمد جناب فضل اللہ جناب نوروز علی جناب سدا اللہ جناب  
 علی نقی جناب رضا جناب حسن جناب مصطفیٰ جناب علی بابا جناب نعمت اللہ جناب فتح بھلی جناب بہت  
 جناب مصطفیٰ جناب علی جان جناب رضا علی رضا جناب شہدی عبد جناب فتح جناب حسین قلی  
 جناب علی جناب شہدی محمد حسین جناب شہدی بقر جناب آقا بابا جناب قاسم جناب جعفر  
 جناب محمد اسمعیل جناب محمد باقر جناب ساد حسن جناب غلام علی جناب صاحبی جناب غلام حسین

وصف علیہم بہاء اللہ الالبی

ایدوستان الہی چندی پیش آشفۃ جمال حق آقا غلام رضا سدعانمود کہ بان یاران الہی تحریر  
 مرقوم گردد با کمال اشتیاق و شوق نامہ مرقوم گردید و حال نیز رجائی نگاشتن مینماید و این بندہ  
 استانہ ابی را چندان مشاغل و غوائل کہ فرصت نگارش کلینہ با وجود این چون نگار ان الی را

نموده بود چنان حالتی دست داد که بی اختیار خامه برداشته و بزکریاران پرداختم ای  
 عاشقان جالقدیم وقت جوش و خروش چون دریا بی پایانست و هنگام احتراق آتش  
 سدره رحمن چشم ملکوت آبی بازکنید و گوش به آهنگ نائف رحمانی دهید تا از  
 ملکوت غیب صلاهی بیداری شنوید و تحسین ملاء اعلی استماع نمائید ای دوستان  
 اسم اعظم جمیع بلاهای مبرم را حمل فرمود و تحمل کرد تا از ما معین های بنوشیم و در  
 سبیل تقوی سلوک نمائیم و بانوار موهبت کبری در بساط غبراء مبعوث شویم و در ظل  
 کلمه وحدانیت بنشر نجات الله مشغول گردیم و در هر دم بروی جدید زنده شویم

ع ع سنن ابی

هو الله

جانب میرزا محمد باقر خان جانب محمد حسن خان امة الله گم امة الله گوهر علیم

بهاء الله الابهی

الله ابی

۵۰۰

ای یاران حقیقی چه نویسم که قلب در نهایت انجذابست و روح در غایت اشتیاق  
 آتشی از محبت الله در دل افروخته و شمعش در خاجه قلب روشن گشته که چون یاد یاران

خطور

نظر میرزا

خطور کند شعله اش جانسوز گردد و زبانه اش عالم افروز ملاحظه کنید که در این بساط  
چه قدر محترمید زیرا بندگانگی جمال قدم بگردن دارید و حلقه عبودیت اسم اعظم در گوش  
پس آنچه سزاوار این عبودیت و بندگیت مجری دارید تاریخ در ملکوت است

برافروزید ع ع

هو الاهی

سه و ستان جناب میرزا فتحعلی علیه بهاء الله الاهی

هو الاهی

۵۰۱

ای حامی اغنام الی خدمات و رخصات و مشقات تو در این انجمن مذکور  
و معروف علی الخصوص که در آستان الی مثل غلامرضا خان وکیل مخصوص  
دارید دائماً و در زبانش بلکه کلمات نمازش ذکر شاست و یاد شما گماهی  
یعنی اکثر اوقات لساناً و دائماً مستمراً قلباً من این شهادت را میدهم و از  
عمده تاجش بعون و عنایت جمال الاهی بر میآیم تو مسرور باش و مستوف  
که در چنین آستانی رحمانی مطاف ملاء اعلی چنین یار صادق و دعاگوی موافقی که  
الآن حاضر و همدست داری و لیس هذا لا من فضل ربک عبده العظیم ع ع

نظارت

تائید

۴۵۹  
هو الابی

سرستان      جناب میرزا فتحعلی      علیه بهاء الله الابی

هو الابی

۵۰۲

نقطه مبارک

ایبذه آستان حضرت احدتیت عریضه واصل و ملاحظه گردید عریضه نمود حقیقه  
اینقره بود بگلهای معانی مزین بود و بریا حین عین الیقین مشحون و مطرز مشام جان  
رائحه خوش عرفان استشمام نمود و دماغ و جدان انفس طیبه طیب ایقان  
استنشاق کرد اگر تأیید ملکوت جمال ابی جوئی بر عهد و یشاق ثابت باش  
و دیگر انرا راسخ دار اگر غرت قدیمه پیدار جوئی ترویج امر الله کن زیرا تبلیغ  
امر الله عبارت از افشاندن تخم پاک در زمین طیب ظاهراست و البهأ

علیک ع ع رساله

سرستان      بواسطه جناب آقا علی کبر زائر

جناب وکیل الرعایا      جناب آقا سید میر احمد      جناب آقا موسی      جناب آقا محمود  
جناب آقا مهدی      جناب آقا بدیع الله      جناب آقا حبیب الله      جناب آقا حسین  
جناب آقا زین العابدین      جناب خانی      جناب آقا عبدالحقین      جناب آقا علی  
جناب

جناب حاجی علی جناب آقا محمد جعفر جناب حاجی امین جناب مشہدی  
 قربانی جناب مشہدی حسن جناب آقا بہائی جناب حاجی خان جناب  
 اقا ہدایت جناب خان بابا جناب حاجی اقا جناب آقا علی اکبر جناب  
 آقا علی جناب استاد علی نقی جناب کا کا جان جناب آقا علی شاہ جناب  
 آقا نجف علی جناب آقا محمد حسن جناب آقا محمد کریم جناب آقا عبدالوہاب جناب  
 آقا فتحعلی جناب آقا محمد تقی جناب آقا رسول جناب مشہدی محمد تقی جناب  
 کا کا خان جناب آقا محمد حسن جناب آقا عبداللہ جناب سیاہ خان جناب  
 مشہدی عابد جناب محمد علی جناب عباس علی خان جناب عطی جناب عباس  
 جناب حسین آقا جناب آقا کوچک جناب مادی جناب کر بلائی محمد حسین  
 والدہ بدیع اللہ ضحیح حاجی محمد شفیع ضحیح مشہدی سلیمان ضحیح آقا اللہ  
 ضحیح آقا موسیٰ ضحیح آقا علی اکبر ضحیح مشہدی محمد ہاشم ضحیح بدیع اللہ بیہ خانم  
 فائزہ خانم رضوانیہ خانم

ہو اللہ

۵۰۳

لک احمد یا الہی ہاشمتت الاجا جاجا کک و تجلیت علی الاصفیا، فی یوم

ظاہر کتابت حضرت مبارک

الوصال بآيات جلالك ولفحت روح الحياة في قلوب الاولياء، بفضلك  
 ورحمتك وانزلت عليهم مائدة السماء، بجودك وموهبتك واصطفيتهم من بين الورك  
 لاعداً، كلمتك واجتبيتهم من بين الاضراب لنشر نجاتك وارخصيت لهم مقامات  
 القدس في ايامك ورثتهم لتبليغ امرك وانتخبهم لانتشار ذكرك فقاموا في كل  
 الجحمت على بث الآيات البينات ورفعوا التريات ونشروا الكلمات وبتكوا  
 الحججات ونطقوا بالبرهان في اثبات ظهورك ولفظعوا عن الراحة والرضا  
 واحملوا كل شدة وعناء وصبروا على الرزية وبالبلاء، منجدين الى ملكوت اخذك  
 ومشعنين بالنار الموقدة في سدة فردانيتك ومشتغلين بترتيل آيات التوحيد  
 اثباتاً لوحدانيتك رب اخترهم للوفود عليك في حديقة البقاء والورود على سائر  
 في جنة اللقا، والظلوع من افق غايتك في عالم العما، والصعود الى اعلى فرع  
 من فروع سدرك المنتهى حتى يترنوا ببدء الانعام واحلى الايقاع في جنة  
 الدوى بذكرك وشانك في ملكوتك الابي انك انت المعطي الكريم الغريز الوهاب  
 وانك انت القوى القدير الفاتح للابواب لاله الا انت المعطي بلا حساب اى  
 دوستان حقيقي وبنديگان آستان الهى حضرات زارين چون سبحان نورمين سيند

بنيات



نهایت سروربتایش موفور از آن طیور حدیقه الهی لب گوژند که یاران سروشان  
 راستند و سرباستان روانیند و شیدائی سودایند و صریح در جان فشانی نمون  
 روی یارند و مجنون زلف مشکبار اسیر زنجیر محبتند و امیر سریر کشور عبودیت  
 هر یک را از عشق دلبر مهربان تاجی بر سر و خلعتی از الطاف مبارک در بر و اله و حیرانند  
 و سرمست صهبای رهن شب و روز نهایت آرزو دارند که برضای اسم اعظم مفت  
 شوند و در سیل جمال قدم جان فد نمایند این بیان نهایت روح و ریجان به  
 اسیران این زندان بخشید که اسجد لله موطن حضرت اعلی و ولایت شیراز پر نعمه و اوالا  
 و از پرندگان آن چمنستان شهنواز بلند است اجاء الله در جوش و خروشند و یاران  
 از دست ساقی غایت باده نوش و زندان الهی سرمست و مدهوش امید چنین است  
 که عتق رب نور مبین آن کشور وزمین را با شراق بهشت برین نماید و هر یک  
 از یاران مانند طوس علیین شهر تقدیس بکشاید و جلوه نماید و شب و روز  
 بجان و دل بکوشد که بیگانگی بکلی از میان بر خیزد و پرتو یگانگی بدرخشد و وحدت صلیه  
 جلوه نماید و موهبت قدیمه پرده براندازد تا این اتحاد و اتفاق و وحدت  
 و محبت سرایت بدیگران نماید و بیگانگان هشتاگردند و محرومان محرم راز شوند



تأثیری در عالم وجود نموده و فیوضات اسم اعظم چه قدرتی نموده که این عبدا  
 با آن یاران در محظی جمع فرموده و صد هزار فرسنگ را حکم قدمی داد این چه  
 محبت است و این چه الفت این چه انیت است و این چه اتحاد و یگانگی  
 و وحدت عشق ریب ملاحظه نمائی که صد هزار نفوس حکم یک نفس یابد و صد کزور  
 اشخاص در ظل یک نیمه در آیند پس ای یاران با کمال ثبوت بر میثاق در نشتر لغات  
 بکوشید تا این گوی خدمت امر الله را شما از میدان بر بایند ع

شیراز بواسطه حضرت بشیر الهی

جانب آقا محمد علی سروستانی ملاحظه نمایند

هو الله

۵۰۵  
 الی الی قد سبقت رحمتک و تمت نعمتک و مکنت موہبتک علی الذین  
 اعترفوا بوحدانیتک و اعترفوا من بحر رحمانیتک و اقبلوا من نار محبتک  
 رب ان عبدک محمد علی یرجو المغفرة لایه و اخته الذین اجابا الدعاء و رجعا  
 الیک بقلب مطمئن بالفضل و العطاء رب اغفر لهما برحمتک الی سبقت الاشیاء و اذ  
 فی جوار رحمتک الکبری الیک لطیف بعبادک الفقراء و انک انت الرحمن الرحیم عبد الباقی

خطاتش بر حساب

نماز

بواسطه جناب آقا میرزا نادى افغان عليه بھاء الله الابى

سر وستان جناب زائر حضرت حیدر علی سر وستانی عليه بھاء الله الابى

هو الله

۵۱۹

ای ثابت برپیمان در ایام جنگ ابر سیاه حرب عرصه عدلم را بر جمیع تنگ نمود مخازنه  
مقطوع و راه مسدود شد و وسائل روابط مفقود و هراسان باطنی منبجده و محمود نذخبری قهر اشری  
نزیایمی نسلامی ارواح امداد خواهد و نفوس انفس رحمانی شاید اجمیته ابر سیاه  
حرب متلاشی شد و صبح صلح عمومیرا بدایت طغوع متلائی گشت راههای بسته  
باز شد و دلهای خسته آسوده گشت مشامها برانچه طیبسه معطر گردید و البصار بمشام  
آثار منور آمد دوباره نسیم جان پرور وزید و نفوس به آرزوی خویش رسید  
وار ظلمات حرمان بر هید مرقوم نموده بودید که از قلم عبد البهاء تا بحال اثری بان  
دیار نرسیده حال آنکه مکاتیب متعدده بجهت نفوس ارسال شده ولی هنوز  
چاپار و برید انتظام نیافته امیدواریم که من بعد منظم گردد و مخابره دمیدم  
شود اما جان عبد البهاء در آن اوان همیشه منجات رحمن که از قلوب دوستان  
موزید در نهایت روح و ریحان بود و در آستان یزدان تضرع مینمود و یاوران

رحمانی را

نظر کا تب انصاء مبارک

رحمانی را تأیید سجانی می طلبید که از فضل خلیل مرتبی امکان آفتاب لامکان نیز  
 پنهان هر یک چون حضرت خلیل در نیران فراق برد و سلام یابند اید و سنان  
 حقیقی من یاران سروسناز افیوضات عهد و پیمان و الطاف رب الآیات جویم  
 امیدم چنان است که همواره مسک ابرار پویند و از اختیار بیزار باشند احمد  
 نه زنجیر محبت و شوق است و علاقه قلب شدید و یاران ثابت سر مست  
 از حقیق کاس انیق زاد کم الله ثبوتاً و رسوخاً و انار و حکم بضیاء شمس الحقیقه  
 و افاض علیکم فی یوم الميثاق فیضاً و اشراقاً و سطوحاً و علیکم البهائم الا بهی

۲۰ صفر ۱۳۳۸ حیفاً عبد البهائم عحاس متعالمه

بواسطه جناب بشیر الهی

جناب آقا حیدر علی سروسنازی علیه بهائم الله الابهی

۵۰۷

هو الله

خطایه استعصایه مبارک

ای ثابت ثابت اثر خنامه مشکین حلاوت شهد و انگبین داشت لهذا  
 مذاق روحانی شیرین گشت از سنجی و گرانی ایران ناله و فغان نموده بودید اما  
 هیچ میدانی که ایرانیان چه کرده اند و هنوز نمانند در اقصی بلاد امریکای نفوس بیدار

شده اند و اهل ایران هنوز در خواب غفلت گرفتار سختی و گرانی از کران نجسیت  
 که مورت هز بلای و سلب هرا ابتدای شادمانی که نفوس بیدار گردند و بدرگاه پروردگار  
 راه یابند همه این رزخها مرا هم یابد و جمیع این دردنا در مان جوید جا علیها اقا رضا و لعل آینه  
 راحتیت ابع ابی برسان جناب علی صفر را از قبل عبد البها تنیت و رعایت  
 ابلاغ نما حضرت اقا میرزا محمد باقر خان فی الحقیقه ثابت بر بیان و معین مظلومان  
 و فریاد رس بیچارگانست در آنچه میتواند قصور نمینماید جناب استاد حسن فخر و جناب  
 استاد عبد الله سلمانی راحتیت روحانی برسانید این قلم ضعیف باید با جمیع  
 اجای الهی مخا بره نماید ملاحظه کنید اگر اسم تنها بنگارد البتة از عمدہ بر نیاید  
 لہذا از حضرت عذر بنخواهید کہ فرصت مکاتیب علیحدہ نیست و علیک البہاء

الابی عبد البہاء جاس  
 نما بہ

موا

حضرة ورقة مبارکہ حرم جناب افغان شجره رحمانیة اقا میرزا عبد الوهاب علیہما السلام

هو الله

۵۰۸

ای ورقہ مبارکہ جناب فر ع سدرہ مقدسہ اقدت دو حہ رحمانیہ عازم رجوع

باضفی نت

مبارک

۲۶۸  
 بالفضیحتست و متذکر بیات ییات لذارمغانی بخت توخواست و در وجود  
 اعظم ارمغان الطاف حضرت رحمن و بشارت عنایت رب یزدانت احمد  
 سه فضل وجود سلطان وجود در حق شما و ایشان بیایانست و عبد البهاء باقی  
 نضره و ابتهال افان سدره وجود در هر دم فضلی مشهود خواهد جمیع تسبین  
 دو حد تقدیس را از قبل من تحت ابدع ابی المانع دار و علیک البهاء الای  
 ع ع شانه

هو الله

ارض یا حضرت فرع جلیل سدره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد تقی  
 علیه بهاء الله الای

هو الای

۵۰۹

ایما الفرع الجلیل من السدره الالیه احمد که فیوضات ملکوت ابی از جمیع  
 ارجاء و انحاء چون باران نینان قنایع و روایت یثاق در قطب آفاق  
 مرتفع نیز امر الله در اوج عزت ساطع و بساط امن و امان در کل بلاد فرود  
 و از جمیع طوائف از شرق و غرب در ظل امر الله داخل عنقریب سلطوت

ظواهر

کلمه الله کائنات را بمرکت آرد و هیکل عالم را متعش کند و قلوب را  
 منتعش نماید حمد الله ثم شکره سبحان الله اهل فتور همت گاشته اند  
 که این نور مبین را از دیده ما ستر نمایند و این بدرنیر را مخفی کنند علو امر الله  
 را انکار نمایند و سمو کلمات الله را احتیاج کنند قصد آن دارند این گلپارها  
 کز عهه پوشند خورشید ترا هیبات هیبات الیعی اننا ظرون عن الضیاء  
 باری اگر خرب شبهات باصفیات باجود مغفریات و الواح محرفه  
 هجوم آرند البتة آنحضرت باید با کمال قوت مقاومت فرمایند که مبادا  
 حلول در ضعفاء نمایند علی الخصوص نساء را باید بسیار محافظه از  
 مسائل اوراق شبهات نمود چه که آنان کینوناقشان بسیار رقیب است  
 اندک غباری تأثیر نماید باری اهل فتور شب و روز با کمال اسحاق در سعی  
 و کوششند که نار محبت الله را خاموش نمایند و کتاب عهد و کتاب قدر را  
 که ناخج جمع الواح و زبر است فراموش کنند ایفرع تیر عدوان  
 آشنایان از سهم بیگانگان مسومتر و زخم تیغ مدعیان از شمشیر  
 دشمنان شدیدتر در هر دمی سہمی و در هر نفسی سنائی انما اشکو بی  
 و خنی



۴۷۰  
و خرنای الی الله ای افغان سدره رحمانی این طیر آشیان الهی را  
زاغان جفا احاطه نموده اند و جذان بی وفا هجوم کرده و این غزال مغز  
رحمانی را ذآب کاسره مسلط شده اند از هر سمتی صد هزار تیر افرا پرتان  
و از هر جهتی هزاران شمشیر بفضاء تند و تیز و بران و این جسم نحیف بی  
و معین و پسر و سامان جمیع طوائف عالم متصل در هجومند و یاران  
و آشنایان بیش از کل در اشد طغیان دیگر ملاحظه فرمائید که اینمظلوم  
در بین اغراب چگونه مبتلا رب ایدنی علی صل ثقل البلاء و تحمل هذا  
الجفاء و التجلده فی مورد البأساء و الضراء ایرت قرب آیام صعوبت  
ایک و وفودی علیک و حضوری بین یدیک حتی انجو من ظلام  
ظلم هؤلاء و ادخل فی فضاء انوار قربک یارتی الابی و اشرح  
فیجوار رحمتک الکبری ایرت ضاقت علی الارض برجها و اشتد  
علی الازمه باسرها و تفاقمت الامور و هجوم جمهور اهل الفتور بهام و سنان  
و سیوف البغی و الطغیان و جعلونی هدفاً للتبال و غرضاً للتصال اینست  
انت میننی و نسیری . انت و لیتی و جیری اجرتی من ظلم هؤلاء الذین

لم يراعوا عمدك وميثاقك ولم يحفظوا حرمتك ولم يصونوا حماك بل  
 هندوا اليك انحاء وادعوا لانفسهم الصواب وقالوا ان المنصوص في  
 الكتاب يستحق السب والاجتناب واول من نقض الميثاق وترك  
 امرك وخالف عمدك يستحق الاطاعة والانقياد ولو قام بائس الاجتهاد  
 على مطلع انوار عمدك السراج الوهاج اي رتب افق البصار هم  
 المطبوع وشق آذانهم المدوده وطرق قلوبهم المظلمة المحجوبه  
 انك انت القوتي القدير ع ع

جميع ياران الهى راكبيرا بدع ابى ابلاغ فرمايد والبهاء عليك  
 ع ع تساميه  
 هو الابهى

يرد حضرت افان سدره مباركه جناب حاجى ميرزا محمد تقى  
 عليه بيا، الله الابهى

هو الابهى الابهى

خط مبارك

الهى الهى انى انا جيك لبسان الابلال متدلا متصدعا متمسكا بجبل الدليل  
 والاك ر

٤٧٢  
والانكار خاضعاً خاضعاً عظمتك وسلطانك وربوبيك يا عزيز غفياً  
واستغفرک يا ابي عن ذنوبي وخطيئاتي التي اخطيتني وثقلت علي واشغلتني  
عن الفاء في فاء باب احديتك ومنعتني عن الصعود الى ملكوت اشهد  
وحجبتني عن مشاهده آياتك الكبرى في حيز الشهود وحالت دوني وروى  
ملاحظة انوار قدسك التي نورت الاقطار وشاعت وزاغت بها  
الآثار وسدت مشامي عن استشمام روائح تقديك التي عطرت  
الارجاء واحيت بها القلوب والارواح ايرتب استغرقت في  
سجار الغفلة واخطأ اهل لي من منقاد الآات وقد وقعت في وهدية الذلة والفا  
واهل لي من منغيت الآات وابتليت وغشيت الابصار عطاء السحرمان  
واهل لي من كاشف الآات فوعزتك قد ضاقت الآفاق سجنى لفضلك  
وعنايتك يا عظيم الوفاء قد اشتدت طللت الاكدار التقذي وار  
الى جوار رحمتك الكبرى واحر سنى بجودك كلئلك يا ذا الرحمة العظمى وحسنى  
من سهام اهل الشبهات المصوبة الى من جميع اجحات لا سترج باب  
احديتك في ملكوتك الابهي واسترزق من مؤانء اللقاء انك انت الكريم ذو العطاء

۴۷۳

ع ع

مستطاب

هو الابی

یزد حضرت افان سدره مبارکه الفرع الجلیل خاب حاجی میرزا محمد تقی

علیه بہاء اللہ

هو الابی

۵۱۱

عظ مبارک

ای افان سدره مبارکہ البیتہ الان کہ در ذیل جیل کرمل در کمال بشارت بخدمت  
استان مقدس مشغول و در رفع بنیان مطاف قدسیان منہک و نالوف  
شب و روز باین عبودیت جدیدہ سرور و مشغوف کہ نامہ روحانی بہتر  
رسید و از اخبار استقامت جمیع افان سدرہ مبارکہ آن سامان نماند  
انبساط حاصل گشت و حضرات دیگر ترویج امر اللہ را فراموش نمودہ  
خدمات آستان مقدس را کنار گذاشتہ اعلیٰ کلمۃ اللہ را انسیان نمودہ  
و تخلق با نفاق را عبت پذیرا شدہ عزت قدیمہ ہر مدتی ثبوت بر میثاق  
را او نام انجام شدہ شب و روز بنشر اراجیف مشغول گشتہ و در نشر  
اوراق شبہات کوشیدہ از بعد از صعود الی الان جمیع اہل فتور یک  
لقنس را

نفس را تبلیغ نموده سبحان الله این چه مسلکی و این چه غفلتی و این چه  
 نادانی و این چه بدبختی و فلاکتی قسم بچال قدیم که قلب چنان بجهت این  
 قوم متأسف که وصف نتوان نمود چاه را میسند باز خود را در اندازند و سم  
 را مشاهده کنند با وجود این بی جرعه نوشند رسوائی و ذلت و خسران  
 دنیا و آخرت را مشاهده کنند با وجود این خود را در اندازند باری احمد  
 لله که اجاب یزد بهمت آن حضرت جمیع ثابت و راسخ انشاء الله سائر  
 افغان تزلزل نیز ثابت کردند در خصوص مشرق الاذکار عشق آباد هر نوع  
 مصلحت بدانید امر فرمائید تا محب های دارند ع ع  
 ورقه جوف را ملاحظه نمایند بعد بحضرت افغان بدهید چون مشغول <sup>بن</sup>  
 مرقد مقدس مطهریم اگر چنانچه دو نفر از حضرات افغان سدره مقدسه که  
 ثابت برپا نمانند حاضر کردند و باین عبد بجا کشتی و سنگ کشتی در  
 مقام مبارک مشغول شوند بسیار سبب سرور  
 قلب است و در خصوص مجلس در یزد هر نوع <sup>نحست</sup>  
 مصلحت اند مجری فرمائید و کل باید اطاعت کند ع ع س

بزد کثیر عزیز الہی فرح انگیز و ورقہ سدرہ رحمانیہ علیہا بہاء اللہ  
۵۱۲ ہوا اللہ

خط کاتبہ مراد مصفا مبارک

ای ورقہ شجرہ طوبی منظومہ بلیغہ و ابیات فصیحہ شمار سید و در نہایت  
روحانیت در محفل تبتل ترتیل گردید فی الحقیقہ فصیح بود و بلیغ و بدیع بود و طبع  
مضمون اشارات آیات توحید بود و مفہوم شعلہ نار محبت حتی تقدیر از خدا  
خواہم کہ بابی از حقایق و معانی بر روی تو بگشاید و آن دل پاک را بچوہ  
معارف بیاراید تا زبانی بگشائی کہ اہل ملا، اعلیٰ را حیران نمائی و روز  
بروز بر ایمان و ایقان و عرفان سیزائی مؤید باشی و موافق گردی

ع ع تسبیحہ

۹۱

حضرات افان شجرہ رحمانیہ جناب آقا میرزا آقا و جناب آقا میرزا محمود

و جناب آقا میرزا باقر علیہم بہاء اللہ الابی ۹۱۳

جناب امین علیہ بہاء اللہ حاضر و زبان بستایش آن فغان  
شجرہ

خط کاتبہ

شجره مبارکه گشوده که الحمد لله هر یک در اقی عرفان مهتابانند و هر کدام در  
 نبات برپیمان مانند جبل ثابت رانج قوتی البنیان از فضل حق روشن و نورانی  
 و روحانند و از رشحات سحاب عنایت بمشایده اشجار فردوس احدیت  
 در نهایت طراوت و لطافت و تازگی این سائیش در جهان آفرینش  
 اعظم زینت و آرایش است رب اید افان سدره رحمانتک  
 علی اعظم من هذا ع ع سائسته

شیراز حضرت افان سدره مبارکه جناب اقا میرزا اقا نخل جلیل مریازی  
 بالترقیق الاعلی علیه بآء الله الاهی

۵۱۴

هو الله

ایها الفرع الرفیع من السدره الرحمانیه همیشه بدرگاه حضرت احدیه  
 بکمال تضرع و ابتهال مناجات میگردد که آن فرع رفیع رانث و نمابند  
 و طراوت و لطافت عنایت کند تا سایه بر آن اقلیم افکند و اثمار شجره  
 طوبی ببار آرد ان ربی هو المؤمن الکریم الرحیم مطاف ربانین و کعبه  
 روحانین یعنی بیت مقدس را از هر جهت محافظه و صیانت لازم و واجب

و خدمتی الیوم اعظم از این در آستان مقدس نه کل باید آن قیام نمائیم  
 لکن بقدر امکان بکوشید که محلی در جوار تعلق به بیت مقدس داشته باشد  
 و ممکن خادم و محفل طائفین حول آن کعبه مقصود شود خانه که حضرت افان  
 سدره الهیه جناب آقا سید مهدی علیه بهاء الله اقبیاع فرموده اند اگر ممکن  
 باشد و مستحسن شمرند بهر نوعی که رضای مبارکشان باشد خوبست تعلق بیت  
 مقدس یابد بسیار عمل مبرور است زیرا بیتیوت در بیت مقدس جائز  
 نه بهر عنوانی باشد باید بیت مقدس فارغ باشد و علیک التجه و التناء

ع ع

۵۱۴

مقصود اینست که خادم در آن محل منزل نماید اما ملک جناب آقا سید مهدی باشد  
 مگر آنکه خود ایشان بکمال روح و ریحان آنرا وقف بیت مقدس فرمایند رع  
 شیراز حضرات افان سدره منتهی علیهم بهاء الله الاهی ملاحظه نمایند

۵۱۵ لم ادري الهی ان اشکو ایک اتی بلائی و ابث اتی ضربی

و ابتلائی اریت یا مجوبی علی اتی مصیبتی ابکی و علی اتی بیستی انا و نه و انتجب  
 فی غدوی و آصالی ارفع نخیلی علی تتابع البلاء و هجوم الاعداء بهذا الاثناء  
 ام اسل

این دو خط از طرف  
 خط مبارکست  
 خط کاتبیت درود ایضا مبارک



ام اسيل الدموع من الآماق على ما اشتد الساق بالساق من اهل التفاق  
 على عبدك الذي هو لال الانحلال عند الحماق ء آتاه و اتحمر بما ودعتني  
 تحت مخالب الصقور الصارقة و ودعتني فريداً وحيداً تحت براثن الذئاب  
 الكاسره و قطعت على السبل و الطرائق و اخذني سداً خصماً، الا لدرء المشيشين  
 بكل الوثائق ان يرموني في برليس لما قرار من اعلى الشواق ام اتحمر على  
 توالى المصائب القاصمه للظهور الراءعة للفرائض رب تراني مغلوباً مقهوراً  
 تتلاعب بي ايدى الابعاد و الاقارب فما من يوم الا سهم مفوق مرشوق و ما  
 من صبح الا و سان مصتوب مشروع و ما من مساء الا و سيف شاهر  
 مسلول و ما من عشاء الا و كأس مرير مسموم و انا في هذه البلية العظمى  
 ذابل الفكر و النسي و اذا صوت الناعي يعني بالمصيبة الكبرى و ينبأ عن  
 الرزية العظمى و هى شهادة فرع دو حك الرفع و ماتم افان سدره  
 رحمانيك ابحليل ستي رسوك الكريم احمد الحمود القوتى المتين الذى  
 انتبه من شجرة فز انتك و نشأ و نما في ظل سدره رحمانيك و سمع مذاك  
 و آمن بك و بآياتك و صدق بكلماتك و طمخ قلبه سروراً يبشرك و قام

على خدمتك واستقام على عبوديتك وتحل كل بلاء في سبيك وتجدد  
على كل مشقة في محبتك فما جبر البلاد جبا بالرشاد الى ان ورد في السجى العظيم  
واستجار جمال القدم ودخل محفل التحي وشاهد انوار المتحج وسمع نخطا  
وسلك منج الصواب وتشرف بالمثل بين يدي العزيز الوهاب ودام  
في البحار متمتعا بمشاهدة الانوار الى ان ذاق امه المذاق في يوم الفراق  
عند ما ظلمت الآفاق بافول نور الاشرار وتضعض اركانها وترعو ع  
اعضائه وتسع اجزائه وذاب محمه وانذق عظه من تلك المصيبة الالهة  
والرزية الطمء ثم ما جبر الى البلاد الشاسعة في الآفاق خدمة لامرك بين اهل  
الوفاق وقد وهن عظمه وانحنى ظمره وابيض شعره في خدمتك بين الوري  
وله غاية المنى ان يرجع الى الارض البيضاء ويتوارى حول البقعة المباركة النورا  
ويرجع اليك مستبشرا بالبشارة الكبرى ولكن يا الهى سبق منك القضاء  
ومتت كلمتك عليه ان يستشهد في سبيك في موطن النقطة الاولى روحى له  
الفداء فثلثت يد امن اعدى وبعداً وسحقا لمن تصدى على هذه المخطئنة<sup>ت</sup>  
انذفت بهاد موع الدم من آماق الاجبا رب افرغ الصبر الجميل<sup>٢</sup> وها<sup>١</sup>

على الصبر الجميل

سدره رحمتك في ماتم ذلك القليل النييل وكن سلوة لقلوبهم وضاداً  
 لجر وحمهم ووقفهم على الرضا، بالقضاء والتجده فهذا البلاء والصبر على بحر  
 المحرق للكبائر رب نور جدث ذلك الفرع المجيد وطيب ريس ذلك الشهيد  
 الوحيد بصيب رحمتك المنهم المدرار من سحاب القفران وابسط له قوادم الانجذاب  
 وابهرا الاستيقا وخواني الارتياح حتى يرفرف ذلك الطير الصداح في سماء  
 علاء بها، الارواح ويصل الى اعلى ذروة ملكوت الابهي ويواوي الى السدره  
 المنستي وترتمم بابع الانعام في قطب انجان ويدخل في محض التجلي ويشهدون  
 انجال المتداني ويحلل في جنة اللقاء ويرترق لغمة البقاء الى ابد الابد انك انت  
 الكريم العزيز الوهاب وانك انت المعطي الغفور الرحيم التواب ع ع ع

شیراز بواسطه بشیر الهی

جانب اقا میرزا اقای افغان علیه بهاء الله الایچی  
 هو الله

ابتداء الفرع الرفیع من سدره الرحمانیه نامه ١١ رجب بعد از مدتی وصل  
 کردید لذا در جواب تأخیر افتاد از یوم حرکت الی الان این نامه رسیده انا

خطاب ب مراد علی

عبدالبهاء همواره بیاد تو مشغول و بذكر تو مالوف و از آستان مقدس ترا  
 تأیید و توفیق طلبم تا در قطب امکان ثابت و محقق نمائی که فرع آندره مبارک  
 و شرف اعواق و علویت اخلاق را جمع نموده ای نسبت حقیقی است و  
 عبودیت آستان سیم و شریک منی ای جیب روحانی حضرت بزرگوار افغان  
 سدره مبارکه جناب ابوی محترم سرور ابرار بود و از ملکوت اسرار نظر و توجه  
 تام بشادارد و آرزوی آن میفرماید که از رشحات سحاب غنایت و حرارتش  
 حقیقت و نسیم جانپور غنایت در جو بیار امر مبارک چنان نشو و نما نمائی که شاخ  
 و برگ بغن آسمان رسانی تا غت ابدیه رخ بگشاید افغان سدره ربانیه  
 جناب میرزا کوچک را از قبل من روی و موی بیوس و تشویق و تحریر نما  
 که شب و روز بخدمت آستان پردازد و علیک البهاء الاهی ع ع سناسته  
 عشق آباد حضرت افغان سدره مبارکه جناب

آقا میرزا آقا علیه بقاء الله الاهی

هو الله

ایها الفرع الرفیع من الشجرة الرحمانیه مصائب جان سوزنی ریز البتة یسمع

شریف

خطا است بر روی این کتاب که

شريف رسيده نفوس مقدسه وهاكل مترهبه في ازواجر وجود و سروران  
 اهل سجود مبشده فذا منجذباً الى الملكوت الابهي شتافند و جان رايجان درره يزدان  
 فذا نمودند بكت عليهم السماء و الارض و ارتفع نجيب اهل البهاء في هذه المصيبة  
 الكبرى و اشتد الصبح من الملكوت الاعلى في هذه الرزية العظمى فيا سفي على  
 تلك الوجوه النورانية و يا صرتي على تلك النجوم الرحمانية و يا طمى للتجريح  
 من تلك الكفاس لطفحة في مشهد الفداء و يا شوقى للفوز بذاك المقام الاعلى  
 رب ان هولاء نفوس زكت غا صرنا و صفت ضمائرنا و لطفت سرائرنا  
 و انجذبت الى ملكوت ابحال محفل اللقاء مركز البقاء معرض التجلي بانوار  
 البهاء رب انهم اشتقا قوا السيوف المسلوله و السهام المسمومه و الزناح  
 اتوا اهل في بسيلك جابجا لك و طلباً لوصالك و شوقاً الى رحابك رب  
 اجعلهم كواكب ساطعة من افق البقاء و سرراً لامعة في الاوج الاعلى و  
 آيات باهرة من ملكوت الابهي و رايات شاهرة في قطب الوفاء انك  
 انت المؤيد الموفق من تشاء على ما تشاء لاله الا انت العزيز الوهاب  
 ايفزع جليل بازماندگان شهدا مير و ساماند و آوارگان متفرق و پريشان

۴۸۴

لہذا بایہ فکری نمود اجای شیراز اہمیتی نموده اند و ایران طهران اعانتی  
 کرده اند ولی کفاف کی کند این باده مابستی ما علی العجلہ بوساعی تشبث  
 شد و ہزار تومان وانکی تہیتہ و تدارک گشت از باد کوبہ نزد شمار سال میدارند  
 فوراً حوالہ بشیراز دہید کہ صد تومان بجناب غذیب برسانند و باقی را بباہر  
 ماندگان شہدا و آوارگان تقسیم نمایند تا بعد بہ بینیم خدا چہ تقدیر میفرماید الامر  
 لہ فی جمیع الامور والاحوال و علیک الہیاء الابی ع ع سنا

ہو الابی .

جناب حاجی شعبان علیہ بہاء اللہ الابی ملاحظہ نمایند

ہو الابی

۵۱۸

ای خادم افغان سدرۃ الیتہ شکر کن حتی قدیرا کہ بزبانت روضۃ مبارکہ  
 مشرف شدی و از نجات آن گلستان الہی مشامرا معطر نمودی دیدہ  
 راروشن و قلب رار شک گلزار و چمن کردی از خدا بخواہ کہ باخچہ سزاوار  
 این شرف اعظم است موفق شوی و بجان و دل بخدمت افغان قیام  
 نمائی چون نیت ندم میگردد ہر خدمتی راجع باصل شجرہ میشود پس توصل

نیت

ظہار

نیت را خالص کن البتة با جبرخیل و رضای الهی موفق میگرددی و لها  
عیک و علی کل ثابت را بخ علی عهد الله و میثاقه رع ع نه مشه

هو الابی

هنگام حضرات افان سدره التیه جاب فرع جلیل حاجی میرزا محمد  
علیه بهاء الله الابی ملاحظه نمایند

هو الابی

تجارب

ایها الفرع الجلیل من السدره المبارکه فی سیناء الظهور قد غاب صبح الفرح و  
وخاب اهل اهل البحور و انظفا سرج الصدور و ناحت البحر فی اعلى غرات  
القصور و نادت اواہ اواہ ان التامی نعی قد و همت مصیبه و همت  
بها شد اندام القوی قد انخف بدر الامال و انتشرت نجوم البحال و کورت  
شمس البحلال و صاح اهل سرادق الاجلال و اخرنا و اوایلا قد صدت  
رزیه بها اندم بنیان الاضطبار و خفت بها صروح الافراح قد اشتدت  
ارباح البلاء و ناحت زوالع الابدلاء و مرت عواصف القضاء و  
اقلعت اشجار الوفاء فادت الظهور علی افان سدره المنسی یا اسفا علی

تلك الوجهة النوراء، والفترة الغراء، والنخيدة البزيدة في اكليل العلياء، قد  
 سالت العبرات وتسعرت نيران السحرات واطلم انوار المسرات وثقت  
 الجيوب طلحات مقدسات ونحن وارتفع ضحيجن بالعويل يا حمرتا بما اندم كن  
 الشيد ونكس علم مجيد وطوى شراع رفيع وانخذت نيران الافراح  
 اگر چه اين ماتم را با چشم گريان و قلب سوزان و بريان اهل سراق و رحمن تلمتی  
 نمودند و از آه و انين و تاوه و حنين انجن بيزان دقیقه ارام مگر قند  
 در اين صورت قتلی مشکل است ولی چون آن طير حديثه بقا بر اياض ملکوت  
 ابي پرواز نمود و آن بلبل باغ بها بفردوس ملاء اعلى عروج فرمود بايد  
 آنحضرت جميع فروع سدره راتلی بخشد و دلدارى دهند از فضل قدیم  
 و جدید رتب مجيد اميد و اريم که عنقریب کل در آن انجن رحمن مجتمع

کردیم و در آن ظل طلیل مستظل شویم از عین

تسليم نوشيم و در بظ اهل ملاء عالین

داخل گردیم انده هو المونی المونی

الکریم ع ع سمانیم  
 بوالله



مناجات در ذکر فرع جلیل حضرت حاجی میرزا محمد علی افغان علیہ

بہاء اللہ الای

۵۲۰

ہو اللہ

وانت الذی یا الہی خلقت وبرئت وذرئت بفیض جودک و صوب غمام  
 رحمتک حقائق نورانیہ رحمانیہ و رقائق کیسونات ربانیہ صدائیتہ و برتہا  
 فی عوالم قدسک بیدربوبیتک و اشنتہا بصر فضاک و انبتہا من سدرہ  
 فردائیک و اخرجتہا من دوحہ صدائیک و جعلتہا آیتک الکبریٰ و متونک  
 العظمیٰ بین خلقک و من ملک اسحق ہذا الفرع الکریم و الاسم العظیم و النور  
 المبین ذوالخلق البدیع والوجه المینر ای رب اسمعتہ ذاکم و اریتہ  
 جماک و ہدیتہ الی صراطک و شرفتہ ببقاکم و القیت علیہ خطایک و جعلتہ  
 منظر الطافک و مطلع احسانک و نبسط الہامک و افضت وجہ بنور عرفانک  
 و عطرت مشامہ بنفحاتک و انطقہ بثنائک و شرحت صدرہ بآیاتک و ارحت  
 روحہ بجودک و روحک و روحک و شمیم نسیم حدیقۃ اسرارک و اثبتہ علی

عهدك ويثاقك وكننت له في ارض الوجود بقوتك واقدارك اي رب  
 لما هديته الى النار الموقدة في سدره البقاء واصطلى بنار الهمى في سيناء الاله  
 شرب كأس الوفاء وثل من سورة المشمولة الصبأ وصاح ونادى ياربني <sup>علي</sup>  
 وفتنى على ماتحب وترضى وبيض وجهي في نبتة الاخرى كما نورته في النشأة الاولى  
 فلما تنفس صبح الكد واشرفت شمس ملكوتك الابهي وانتشرت انوارك على  
 كل الارجاب توجه الى ضياء جمالك توجه المحرباء واجاب نذامك ببلى ونام  
 في بقاء الولاء واستهام في نور جمالك الساطع على الانحاء وقام بالثبات  
 بين ملا الاجباء وتوكل عليك وتوجه اليك ووفد عليك وتمثل بين يدك  
 وتشرف بالاصغاء باذن واجبه واحظى بالمشاهدة واللقاء ببصيرة  
 صديده كافية وشغف تجا وملا منك عشقا وغراما وناجاك صباحا ومساء  
 وعدوا واصلا اي رب الكل ايامه وانتهى انفاسه وترك قميصه <sup>خلع</sup>  
 ثيابه ورجع اليك طيبا طاهرا عرياناً خالصاً مستقلاً منجذباً لمشوقاً متراً  
 بنفحاتك اكرم مشواه وانزله منزلاً مباركا خيراً نزل في جوار رحمتك الكبرى  
 وارفضه الى المقعد صدق كمن قدس في ملكوتك الابهي وظل عليه سدرتك

<sup>۴۸۸</sup>  
 المنستى واحشره مع الملاء الاعلى واسقه كأس اللقاء وقد ركل خير  
 لمن يزور ربه الطاهر المكنى الشذا واجب دعاء من يدعوك فى لبقته  
 روضته الغناء انك انت الكريم الرحيم العظيم الوفاء وانك انت  
 الرحمن ياربى الاله على ع ع سمانه

هو الابهى

جناب افان حضرت آقا ميرزا قاسم عليه بهاء الله الابهى ملاحظه بنام

هو الابهى

۵۲۱

رب مولائى وسيدى ومنائى انت رجائى وانت بهائى فضلك فية  
 آمالى وجودك اعظم سؤالى ذكرك سراجه وشوقك بسيدى ومنهاجى  
 جگ روحى وفيضك فوجى عرفانك ايمانى وافانك سلوتى واطمينانى  
 انك بوبهتك التى خضرت بها كل الاشجار وامرت بها كل حدائق الجنان  
 واتشبت بها كل رياض واهتزت وربت وانبتت كل غياض بانجلى  
 هذا الفرع خضلاً نضراً محضراً رياناً موقفاً فى ايكه قدس فردائيك وروضه  
 انس رحمتيك حتى تهرال بصار وتجر الافكار وتخص الانظار نضارتها وطقه

و طراوته انک انت المقدر المتصرف المعطى لاجواد الکريم ع ع ستمه

هو الابهی

حضرت فرع شجره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علی علیه بهاء الله

الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

خط مبارک

اینها الفرع ابحلیل من استدره الرحمانیه چند روزی پیش مکتوبی ارسال شد  
و حال چون قلب و روح بنفحات روحانی محبت اجابتی الهی مستبشر خاصه  
و مداد حاضر نموده و بذکر آن محبوب فواد مشغول گردیدم و از الطاف خفیه  
سلطان احدیه امیدواریم که آن فرع مبارک شجره رحمانیه در جمیع احوال  
بنفحات قدس رحمن تهنه و زنده و تر و تازه باشد و بنسائم ریاض حلال  
جمال و انفاس طیبه طیب فردوس یزدان مستبشر و منشرح گردند در مدینه عشق  
آباد امراته مشتهر و واضح و باهر و بهیچ وجه سترو حجابی در میان نه حضرت  
در آنجا در بیت اعظم اساس مشرق الاذکارى نهادند و تا تمام گذشتند حال  
جمع طوائف سائره در آنجا حتی بعضی اجراء حکومت سؤال و استفسار مینمایند  
که چرا

که چنانچه تمام گذاشته اند و بعضی صل بر عجز این طائفه نموده اند که تا بحال قدرت  
 بنای یک مشرق الاذکار ندارد چه که در آن مدینه تقیه نماز که مدارا اعتبار باشد  
 و از قضا مقداری که تعمیر شده آن نیز بر قواعد و اصول مشرق الاذکار بنا گشته اند  
 نقشه آن در اینجا کشیده شد که در هر جا بنحواهند که بنا کنند بر این منوال  
 تاسیس نمایند حال مقصد اینست که از آنحضرت در این خصوص مشورت  
 گردد که چه قسم مصلحت میدانید و نقشه نیز ارسال میشود این نقشه  
 نه بابنه خیابان و نه باغچه و نه حوض و نه ضلع و نه عمود و نه رکن و نه  
 غلامگردش و نه رواق از داخل است که جمعاً نه اندر نه است که ترتیب  
 روضه مطهره خواهد بود حال چون اسباب هیتانه مقصد اینست که  
 محلی در ارض اعظم عبارت از نه رکن در وسط ارض بنا شود من بعد

بمقتضای وقت و اسباب امکان گردد

و آن بنا که از پیش شده در کناره واقع بان

بسیج وجه تفرض نشود بر حال خود باقی

ماند و البتّه علیک ع ع

ش حضرت افان سدره رحمانیه جناب اقا میرزا اقا علیه بهاء آتیه

الا بی ملاحظه نمایند

هو الا بی

۵۲۳

عظمت باری

اینا الفرع الرفیع من السدرۃ المبارکۃ چندیت که خبری از آن فرع رفیع  
نرسیده و نفخه معطری بمشام مشتاقان نرسیده از الطاف خفیه و غایات  
جلیله ملکوت ابی امید و اریم که در جمیع امور مؤید بتأییدات غیبیه آتیه  
گردید و سبب نشر نفحات رحمانیه جناب عندلیب علیه بهاء ربه بحلیل  
بیلابیاء و ضراء و اضرار متعدده مبتلا شدند و از هر جهت دلتنگی و دستنگی  
بجستان فراهم آمده است ملاحظه ایشان از هر جهت لازم و واجب  
لهذا اگر چنانچه از حقوق چیزی نزد آنحضرت حاضر گردد مبلغ هشتاد تومان تقدیم

جناب عندلیب

فیه مائید

ع ع مسموعه

۴۹۲  
هو الابی

حضرت افان دوحه بقا جناب میرزا اقا علیه بهاء الله الی ملاحظه نمایند

هو الابی  
۵۲۴

خط مبارک

ایما الفرع الکریم من الشجرة المبارکة چون در این ایام سیل شدید در نیریز شده  
واهل و عیال جناب حاجی میرزا حسین علیه بهاء الله الی آنچه داشته کل  
معدوم و مفقود گشته در نهایت درجه مشتقتند لہذا اگر از حقوق چیزی نزد  
آنجناب موجود مبلغ سی تومان بعیال جناب مشرالیه و سی تومان بجناب  
آقا میرزا احمد علی کہ در نیریز است بہر وسیله کہ ممکن باشد برسانید و این کیفیت  
سبب حصول رضای جمال مبارک روحی لا جانہ فداست و البہاء  
علیک ع ع سقائتہ

هو الابی

حضرت افان سدرہ منتی جناب آقا میرزا اقا علیہ بهاء الله الی

ملاحظه نمایند  
۵۲۵

خط مبارک

هو الابی ایما الفرع الرفیع من السدرۃ المبارکة مکاتیب متعدده

۴۹۳

ارسال گشت و حال نیز بزرگوار شما مشغولیم ملاحظه بفرماید که قلب در چه  
 مقام از وله و انجذاب است که صد هزار مشاغل و متاعب و موانع  
 و مصائب دقیقه‌ئی این قلب و روح را از یاد و ذکر افان دوخته بقا  
 مانع و حائل نگردد پس چون موج این بحر عبودیت و فای ساحت  
 کبریا، بان سواصل و شواطی غیا، و عطاش رسد دامن طلب و اشتیا  
 را از نالی انجذاب مملو فرما و بتجید و توحید و تسبیح و تقدیس جلال  
 قدم و اسم اعظم روحی و ما ملکنی الله فی سبیل اجانه فد از زبان بگش  
 که این چه لطف عمیم و فضل عظیم است که هیاکل فزارا مظاهر انوار بقا  
 فرمودی و نفوس مسکین را در ظل سدره منتهی ماوی دادی عیلا  
 را در مان غایت مبذول داشتی و در ماندگان را مرهم فضل و رحمت  
 احسان کردی بال و پر شکستگان را جاح قوت دادی و موران را  
 بر تخت سلیمانی نشاندی مانده ضعیفیم و بنهایت نحیف و حقیر

عبد البهاء ع

چون لطف و رأفت شما در حق دوستان ثبوت و مسلمت لهذا از

حق



حق میطلبیم که شمار در جمیع شئون موفق فرماید حتی در تحصیل حقوق جناب  
 در ویش از برادر بیروت و کیش و این عمل را اجر جزیل در پی  
 و البهائ علیک ایها الفرع الغریز عبدالبهائ مع شانه

هو الابی

حضرت افان الشجرة الرحمانیه جناب حاجی میرزا محمد علی علیه  
 بهاء الله الابی ملاحظه نمایند

هو الابی

ظنبارک

الی الی هذا فرع من فروع سدره رحمانیک و دوحه من حدائق  
 کلمه و حدایتک و سراج موقد ملتب بانثار المتسرة فی شجرة فردایتک  
 ای رب قد قضی الایام و هو مبتل الیک و سر الیالی و هو متضرع بین یدیک  
 و تیقظ فی الاسحار و هو مبتل الی ملکوتک متوکل علیک کم هو ناجاک فی  
 جنج الظلام و کم هو ناداک فی خلوات الیالی و الایام راجیا ان تحفظه  
 من سهام الشبهات و تثبت قدمه علی صراطک القویم و منبجک المستقیم  
 بالآیات البهرات و وضح البشرات ای رب انه آوی الی کف

۴۹۵  
 عونک و غایتک و التجا، الی جوار صونک و حمایتک و لاذ بحسن حفظک  
 و کلائتک ایرت احمرسه بجزو غیبک و ملائکتک و لاحتله بعین رعایتک  
 و صیانتک و احمی قلبه بنفحات قدسک و اشرح صدره بروحات انک  
 و انقض فؤاده بنسائم تقدیسک و نور وجهه بانوار توحیدک و اقر عینه  
 بمشاده آثار تائیدک و ابسغ علیه نعمتک و اثلمه بلحظات طرف عنایتک  
 و افتح علیه ابواب برکتک و اجعله منظر آیات رحمتک بین بریتک آنک  
 انت المقدر المتعالی الغزیز الکریم ع ع سقانه

هو الابی

۵۲۷

خط مبارک

جناب افان میرزا اقا علیه بهاء الله الابی و جناب حاجی میرزا علی  
 افان علیه بهاء الله الابی جناب حاجی غلامحسین خان علیه  
 علیه بهاء الله الابی جناب فاضل علیه بهاء الله الابی جناب  
 اقا میرزا محمد باقر علیه بهاء الله الابی جناب اقا میرزا بزرگ علیه بهاء الله  
 الابی جناب اقا سید محمد علی علیه بهاء الله الابی اگر چه شمس حقیقت  
 بعضا هر بغام غیبت مجتلی لکن چون بچشم بینا نگری و گوش شنوا بشنوی قلب

آگاه

آگاه بندیش انوار نیر اعظم شدید تر شد و شعاع سراج الهی رو شتر بجز  
اعظم کبریا امواج عظیمه گشت و فیوضات سما، رحمن قویتر و ظاهر تر  
چه که تا بحال غمام هیکل بشری مانع مشاهده آفتاب حقیقت بود حال آن  
بدینیر و آفتاب فلک اشیر از افق اعلی و ملکوت ابی فی الحقیقه مقدس  
از جمیع شئون طالع و لائحت و نرکیم من افقی الاهی و نصر من قام  
علی نصره امری بجنود من الملائکة الاعلی و قبیل من الملائکة المقربین نص  
قاطع چنانچه در ظهور مطهر احدیه من قبل مشهود و واضح گشت که بعد  
از صعود و عروج عظمت امر الله مشهود و سلطنت کلمه الله معلوم و  
واضح گشت مثلاً در کور روح بعد از عروج معدودی قلیل و کجب  
ظاهر غدیدی ذلیل بودند چون این نفوس ضعیفه باستقامت کبری  
قیام نمودند از تأیید و توفیق الهی و فیوضات روح القدس مغوی  
از مشرق امکان چنان طالع و لایح گشتند که انوار سرمدیه اش آفتاب  
جهان فانی و جهان باقیرار روشن و فیرینماید البدار البدار یا اجاء الله  
و امناء الی هذا الفضل الاعظم الوحی الوحی یا خیرة المخلوق و صفوتم

۴۹۷  
الی هذا المقام المتعالی المفخم ع ع مقابله

هو الابی

۵۲۸

ایها الفرع المبارک من سدرۃ المنقی نور الله و جهک بالانوار الی طلعة  
من ملکوت الابی اگرچه خزان اخراست و خریف اشجان  
وقت ناله و فغانست و هنگام طوفان چشم گریان با وجود این عذیب  
و فای چگونه آغاز راز و نیاز کند و نغمه و آوازی بر آرد که قلوب را قتلی بخشد  
و نفوس را سکون و قراری وار و احرا شکیب و اصطباری ارزانی کند  
و لکن چون غایات سلطان احدیت و مواهب و فیوضات حضرت رحمت  
در جمیع شئون شامل آن افقون شجره مبارک بوده و هست و انوار هدی از  
افق الابی ساطع و لامع و فیض حقیقی و تأیید الهی از ملکوت اعلی متتابع  
باید بشکرانه این نعمت عظمی و غایت الابی دست ستایش بر افراخت و زبان  
نیایش گوید و بجا مد و نفوت الهیه در مابین بریه مشغول گشت تا آنآنانا این  
تأیید ترید یابد و این فیض تمدید شود اجبای الهی را جمیعاً یعنی هر کس که در  
انجاست بیکیر ابداع الابی مذکریم و البهائ علیک ایها الفرع المبارک العظیم

ع ع

۴۹۸  
ع ع معارف

هو الابی

هند حضرت افغان سدره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علی علیه

بآء الله الابی ملاحظه فرمایند

۵۲۹

هو الابی

ظهور

اینا الفرع الجلیل من السدرۃ المبارکہ قلب مشتاقان طالب و مائل کہ در  
ساعتی ورتی بخارد و در ہر دمی رقی زند مراتب اشتیاق را بیانی کند و انجا  
دل و جان را شرح و تشریح نماید لکن فرصتی دست نهد و زمان کفایت  
نکند یک نقطہ است الواح و زبری تفصیل و تفسیر در ہر آن لازم و یک  
جذوہ است صد ہزار شعلہ در ہر دمی واجب در ہر دقیقہ این معین مداد  
اگر چون بحر محیط امواجی چون جبال زند کفایت نکند و در ہر نفسی این خاصہ  
اگر چون سیل عرم فیضان نماید از عمدہ بر نیاید مقصد اینست اگر فرصتی بود  
در ہر طرفۃ العین کتاب مبینی ارسال میشد اما فی الحقیقہ در عوالم روح  
و فواد در جمیع اوقات مکاتبات و مخبرات مستدام و برقرار است نور

ابدانیت و در کل حین و آن بجا آن عجز و ابتهال بملکوت ابی تضرع  
 و نیاز میشود که آن فرع ر فعی با وراق تأیید و از مار توفیق و اثار تجرید  
 و رواج توحید مؤید شوند و از افاق این کور اعظم بانوار ساطعه ثبوت  
 و رسوخ و قیام بر خدمت امر الله چنان مشرق و لامع گردند که آفاق  
 اکوان را روشن نماید رب ایده بتأیید انک و وقفه بتوفیق انک انک  
 انت الکریم الرحیم ع ع سقا بده

هو الابی

حضرت افغان سدره البیته جناب حاجی میرزا محمد علی علیه السلام  
 الابی ملاحظه نمایند

هو الابی

۵۳۰

ایها الفرع اجملی من السدره المنستی علیک بباء الله و شأنه و نوره  
 و نیاء و فضله و جوده و نواله در این وقت که هویت قلب از حقیف سدره  
 منتی در اهتر از است و حقیقت روح از نفی ت ملکوت ابی در نهایت انجذاب  
 چشم از مشاهده آیات کبری روشن و جان و وجدان بیاد آن شاخ بزرگوار  
 سدره

عظمت مبارک

صدره رحمانیت گلزار و گلشن این عبد خامه برداشته که نامه نگارد و آنچه  
 در حقیقت فؤاد مودوع و مستقر است بیان نماید و حال آنکه قلم و مداد از  
 عمده بیان اشواق قلب و فؤاد بر نیاید و صفحه و اوراق حقیقت ایجان  
 دل و جازانگنجد بلکه جوهر تبیان این موهبت رحمن منوط بفیض روحانی  
 و ارتباط معنویست که در ترویج مودوع و مستقر است رب و سلطان  
 و مولای و رحمانی هذا فرع جلیل من صدره رحمانیتک و فنن رفیع من  
 شجرة وحدایتک اشمه لمحضات عین غایتک و ارسل الیه فی کل حین  
 نائم ریاض احدیتک و ادر علیه غمام فیض صدایتک و اتق علیه شعاع  
 شمس حقیقتک حتی یختر با وراق الطافک و یزهر بازمار احسانک و یشر  
 با شمار عفانک و ینشأ فی ریاض آثارک و یمتد الی سماء جودک و اگر امک  
 ای رب خصمه آیات فضلك و عطایک و ایده بمظاهر الطافک و انعامک  
 و انصره بجنود ملکوتک و انجده بملائکة قدسک و اجعله آیه باهرة فی ملکک  
 و رایة متدفقة فی اعلى الالام بین عبادک و نور وجهه بانوار تو حیدک  
 و اشرح صدره با سرار تفریدک و اسمعه من نغمات طیور القدس من جرد<sup>ت</sup>

تقدیسک و اجده مظهر نورک و مقتباً من نار طورک و اثر فلورک و نفحة  
ریاضک و بریتہ میاه حیاضک و ایتہ فیضک و فضک لعدادک انک  
انت المعطی الکزیم الوتاب عبدالبہاء ع مفاہمہ

ہو الابی

قاب نقرہ کہ از صنایع بدیعہ چین و بچیت و وضع اثر شمائل جمال انور بولہ  
بواسطہ جناب حاجی سید جواد علیہ بہاء اللہ الابی رسید و بانوار سلطنت  
از شمائل مقدسہ مزین گردید و در حین زیارت بید آنجناب مشغول می شوم  
فی الحقیقہ آنحضرت موفق باین موہبت شدہ اند کہ قاب موجود دو تابه  
شمائل مبارکہ جمال قدم و یکی بشمائل مبارکہ حضرت اعلیٰ روحی لا تجاہم  
القدام شرف شدہ اند و ہر سہ مرسلہ آنحضرت لعمرك ہذا فضل عظیم وجود  
مبین و البہاء علیک عبدالبہاء ع مفاہمہ

ہو الابی

حضرت افان سدرہ فنتی جناب حاجی میرزا محمد علی علیہ بہاء اللہ  
الابی ملاحظہ نمایند

ہو الابی



یا الہی ورجائی تعلم سستی وعلانیتی و خفائی و جہاری و تعرف مبلغ حجبی و شغف  
 وادی بفرع سدرة فردائیک و افنون شجره وحدائیک و فضیلتہ و وحدہ زحائیک  
 ای رب طیب منبتہ بصیبت الطائفک و رطب اوراقہ بفیض سحاب  
 احسانک و اجملہ مورقاً با مطار ربیع اکرامک و مزہراً بنسائم جنتہ غایتک  
 و مثمرأ فی فردوس قدس و فائیک ای رب عطر الآفاق بفضوحات ریاض قلبہ  
 و نور الارجاب بسطوع شعاع ثوقہ و اشعل الافئدة من النار الموقدة الی  
 اشتدت لواعجا من نیران محبتک و ارح الارواح من استماع نداء  
 الذی ارتفع من عشقک و شوقک ای رب ادم علیہ الغامک و تمم علیہ نعمک  
 و آلائک انک انت الکریم ابجواد الرحیم ع ع

هو الابی

در خصوص مشرق الادکار جواب مرقوم فرموده بود بسیار مقبول انشاء است  
 بہین قسم مجری میشود و از فضل و غنایت جمال قدم روحی لہ تاب تربتہ فدا  
 امیدوارم کہ در جمع امور مؤید و موافق گردید و ابواب کل خیر بر وجہ آن جناب

مشوح گردد و البهائم علیک و علی کل ثابت راسخ علی میثاق الله

ع ع ستغفرت

هو الاهی

حضرت افان سدره مبارکه الهیہ جناب حاجی میرزا محمد علی علیہ بہاء الله

الاهی ملا خطہ فرمایند

هو الاهی

۵۳۳

ایمان الفرع المجید من الشجرۃ المبارکۃ الناطقۃ فی سدرۃ السینا علیک بہاء الله  
و شائے و فضله و جوده و احسانہ حضرت افان کبیر فرع جلیل علیہ بہاء  
ربّ العظیم و محبوبہ الکریم از این ظلمتکده فراق بخلوتکام محبوب آفاق  
صعود فرمودند و بہنہای شوق رب ادکنی گویان بملکوت ابنی و  
افق اعلی شتافتند آن منجذب الی الله از بدایت نشئت بچہ  
فضل و موہبتی موفق و مؤید شدند و بچہ خلعتی مخلع گشتند از اشرف  
اعراق بودند و با کمال اخلاق مشہود شدند از سن طفولیت و بدو  
صباوت منجذب ملکوت اعلی بودند و متوجہ جبروت اسمی و چون

نشو

نشو و نما نمودند در تحصیل علوم و حکم کوشیدند و جام عرفان  
 را ازید ساقی غایت چشیدند و چون انوار صبح الی بقیض نانتنا<sup>سه</sup>  
 آفاق اکوانرا منور نمود و نفحات قدس مشام مشتاقانرا معطر کرد  
 چشوی روشن نمودند و جانی گلشن کردند اقباس انوار اثرگاه  
 الهی نمودند و اکتساب فیض نانتناهای از غمام رحمانی و چون  
 شمس قدم از افق اسم اعظم طالع و لاج گردید چون نجم  
 بازغ باز استفاضه انوار از آن نیربزرگوار نمودند و بنور هدیه  
 در بقعه سینا، امتدی شدند فرع جلیل این سدره مبارکه شدند  
 و افنون رفیع این دو حهٔ مقدسه سائق توفیق و دلیل موهبت  
 رب کریم در آفاق گرداند تا آنکه در ظل جمال قدم و پناه اسم  
 اعظم روحی لاجبانه فدا منزل و ماوی غایت فرمود مدتی از  
 عمر را در جوار جمال مبین و سایهٔ حصن حصین بسر بردند و مظهر لطافت  
 جلیله و غایات عظیمه و احسانات متتابعه بودند و چون زلزله  
 بر ارکان وجود افتاد و کینهٔ نیت اکوان و امکان از فراق

جمال رحمن بگداخت و این جهان سرور ظلمتگده غنوم گشت و  
 این گلشن از مار گلخن آتشبار گشت ارکان حقائق نفوس متعدده  
 متلاشی شد و بنیان حیات ذوات منجذبه همدوم گشت صبر نماند و قرار  
 بباد رفت از آن ایام حضرت افغان حالش دگرگون شد و شدت  
 حرفتش آنآ فانا افزون گشت تا آنکه فی الحقیقه مدتی بود مدهوش و بیوش  
 بودند تا آنکه در این ایام پیر اشتیاق باز نمودند و بر رفیق اعلی و رفیق  
 ابی پرواز نمودند و در آن گلشن تقدیس در سدره منتهی آشیانه ساختند  
 و در جوار رحمت کبری منزل و ماوی گرفتند و مظهر آیه مبارکه والسلام  
 علی یوم ولدت و یوم اموت و یوم البعث حیا شدند طوبی له ثم طوبی  
 له ببری له ثم ببری له رب ورجائی و بلحی و ملاذی هذا الفنون من  
 افغان شجرة رحمانیتک و فرع من فروع سدره ربانیتک قد حترقت  
 کبه من نار الفراق و هزته نسائم الاشتیاق حتی تأتجت نیران الاشواق  
 بین الضلوع و الاحشا، و ابتهل الی ملکوتک الاهی رب ارجئی لیک  
 و نجئی من و هدة النوی و شدة الجوی و ورطه الاهی بفضلک وجود

یا جاهل الاعلی و رب الآخرة و الاولی و ادرکنی ادرکنی و فی جوارحک  
 اسکنی و من موادلقانک ارزقنی و من موادغایتک اطعمنی و بروح  
 مشاهدتک احیینی و بنور و صلک نورنی و من کاس البقاء فی ساحة  
 اللقاء استقنی و من نعمات طیورالقدس فاسمعی رب اجب عانی  
 و استجب مسؤلہ و یسر له امره و اشرح صدره و نور وجهه و فرح  
 قلبه و ستر روحه برحمتک الکبری و فضلک و جودک یا من بیدک ملکوت  
 الاشیاء انک انت الفضل المتعالی الکریم ع ع ربهم

هو الالبی

۵۲۴

ای افقون نشیب از سدره الهمیه جک الله خضراً نضراً بطاً طریاً  
 منزهاً مثمراً این جهان ترابی هر چند نزد نادانان وسیع و دلگشا است  
 لکن فی الحقیقه بسی تنگ و تاریک است شرابش سرابست و عذش  
 عذاب شدش خنظل است و حیاش عات معجل راحت و سرورش  
 دمیت و دریای پر زروش عبارت از شبینی بقسمی تنگ است  
 که گیاه ضعیف ریشه ندواند و حتی مرغ حقیر لانه و آشیانه نتواند لهذا

۵۰۷

افان سدره مبارکه باید انشاء الله در فردوس الی قدی بفرزند و در  
 صدیقه بقا سبز و خرم گردند و با ثمار وله و جذب و اشغال مزین گردند  
 در انجمن دوستان شمع فروزان باشند و در مجمع تقدیس و شبتان  
 توحید مشعلی سوزان ای افان شجره مبارکه شما مطالع آیات رب  
 مجید و مشارق انوار رب فرید سر و بوستان غایتید و گل گلستان  
 سلطان احدیت لالی اصداغ عزت قدیمه اید و جواهر معادن  
 حضرت و حدانیت باید در جمیع احیان از افق امکان کوکب لامع  
 باشید و ساره هدایت ساطع آن فضل ربکم علیکم عظیم عظیم  
 و البصاء علیک ع ع است

هو ابلا

۵۳۴

ایتها الورقة المبارکه حضرت فرع شجره رحمانیه اقا میرزا عبدالوفا  
 در بقعه مبارکه بزیاارت عقبه مقدسه مشرف و فائز است و بقبضه ملا  
 ساجد و رابع و در جمیع اوقات بیاد شما مشغول و بکر شما لوف  
 میدوارم که من بعد شما نیز مشرف گردی انچه شده اند سدره مقدسه نسبت  
 و در ظل

و در ظل عصمت فرع دو حه مبارکه طیبه الهیه و مؤمنه و موفقه و ثابته

و راسخه فاشکری الله علی هذا الفضل العظیم ع ع ع

هو الله

۵۳۵

بسم الله الرحمن الرحیم

ایها الفرع البخبیب من التدره الرحمانیه در کمال استعجال

مقوم میشود نفوس مقتدی در نیریز هدف سهام درندگان

خونریز گردیدند و در سبیل فدا جام لبریز نوشیدند و بختیار

مقربین رسیدند ولی باز ماندگان بی سرو سامان و آوارگان

نیریز در سروستان در نهایت احتیاج لهذا بقدر هزار تومان

وکسری تدبیر شد و از باد کوبه نزد آنحضرت ارسال خواهند داشت

بوصول حواله بشیر از دهید که تاخیر نشود صد تومان

از اینوجه تعلق بجناب غدلیب دارد تدبیر ایشان

نمایند و مابقی تعلق باز ماندگان شهدا

و آوارگان نیریز دارد و علیک

البهائم الالهی ع ع ع

۵۰۹  
هو الابهی

حضرت افان شجره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علی علیه بہاۃ  
الابہی ملاحظہ نمایند

هو الابهی

نظ  
مبارک

۵۳۶

ایہا الفرع الرفیع المنشعب من سدرۃ المنتہی علیک بہاۃ اللہ وثناء  
ونورہ و ضیاءہ و فضلہ و جودہ و علائہ قد تلوت مانا جیت بہ ربک  
المجید و تضرعت الی مولاک القدیم و اہتلت الی ساحہ قدس  
محبوبک العظیم و رتلت آیات ثوقک و الواح انجذابک و سمعت  
انینک و حینک شوقاً الی لقاء ربک و توقاً الی الملکوت الابهی فہیناً  
لک بما ثبت علی امر اللہ و استقیمت علی حبہ و رسخت قدماک فی  
موقف الرجفۃ الکبری و الرادفۃ العظمی اذ ترزلت ارکان الارض  
و السماء و زلت اقدام اولی النہی و انقضت ظہور الفجول من  
شدائد الامتحان و قوۃ الافتتان من وقوع المصیبۃ اللہما  
السماء العلیا اذ ایہا الفرع المجید فاحفظ اجباء اللہ و اودآئہ  
لو تمف



لوتف فراش شبهاً اهل البیان حول سراج قلوبهم لیحترق جباه  
 وان یسرق السمع شیاطینهم فلتکن نفحات قلوب اجباء الله و انوار  
 اسرارهم شباً ناقبة لظردهم و تنضرع الی الملكوت الابهی ان یحترق  
 الموحدين فی هذه الايام تحت لواء الاستقامة الکبری و الثبوت و الرسوخ  
 علی امر الله و یجلبهم مطالع ذکره و مشارق نوره و مظاهر برمانه و لیلط  
 الیامه حتی یتور الامکان بانوار و جوههم و یشتعل قلب الاکوان  
 ببارجتهم و ینجذب ارواح الوجود من شوقهم و توقم لعمراتیه تهتل  
 وجه السماء بوجوه هولاء و یصبح وجه الغبراء جنة الابهی بوجوه هولاء  
 و صلی اللهم علی شجرة وحدانیتک و اغصانها و افنانها و اوراقها و ازهارها  
 و اثمارها بدوام سلطنتک العظمی انک انت المقدر القدير

ع ع مائة

هو الابهی

و قول ایران در بیست و چند نفس جمولی خیال رخنه در امر الله دارند افان  
 سدره منتی مظهر آیه مبارکه و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان

زهوقاً محمده هستند لکن مع ذلک در جمیع هندوستان باید موثرب  
 بود که دسائس و حیل و خداع این خرب تأثیر نماید در اسلامبول چند نفر  
 بیروپا بودند جناب افغان آقا سید احمد را بسیار اذیت نمودند چون  
 جناب آقا سید احمد مظلوم بودند نهایت فساد را از جمیع جهات در حق  
 ایشان از طعن و افترا و تحریک الواط و جنال و ظلام نمودند حال در  
 بمبئی و سائر بلاد هند نیز چون دستی پیدا نمایند با نواع دسائس بقتنه  
 و فساد مشغول خواهند شد لهذا حضرات افغان سدره مبارکه در جمیع  
 اوقات باید متنبه و بیدار باشند که این ضرب بمفتریات و شبهات  
 و القآت خویش رخنه نمایند آنچه ارسال فرموده بودید رسید  
 والباء، والروح علیکم یا افغان سدره المنتقی سنا

هو الابی

حضرت فرع جلیل شجره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علی علیه‌السلام، الله‌الاکم، ملا خطه

هو الابی

۵۳۷

ایها الفرع الجلیل من السدره الرحمانیه در چندی پیش در تعزیت فرع شجره  
مبارکه

نظ مبارک

مبارک که نامه مرقوم و ارسال گردید امید از فضل و مواهب رب  
 حمید چنان است که بنفحات قدس از ملکوت ابی تسلی در این مصیبت  
 عظمی حاصل گردد و چنان رواج رحمانیه اصل شجره مبارک که مشام آنفراغ  
 جلیل را معطر دارد که این فراق بخاطر نیاید غمگریب بفضل وجود سلطان  
 وجود کل در آن ظل ممدود و مقام محمود جمع شویم و در ملکوت ابی  
 وافق اعلی و حدیقه بقا در جوار ملک اسماء روحی لا تجانه الفدا  
 انجمن انیم رب قرب یوم لقاءک و عجل فی صعودی و وفودی علی  
 باب رحمانیتک و ورودی فی ملکوت فردایتک و ارزقی مشاده حکم  
 و متقنی بوصالک انک انت الکریم الرحیم بحضرت فرع شجره مبارک  
 جناب اقا میرزا آقا علیه بآء الله ابی امر بفرمائید که بقدر الامکان آقا  
 بجناب خدیب علیه بآء الله ابی بفرمائید چه که بسیار پریشانست  
 و معاونت مقبول درگاه گبریا؟ ع ع

صند و قهای چای مذاق و مشام دو ستار شیرین و معطر نمود و میوه چین  
 کام آشنایان شیرین کرد در نزد ما مورین عثمانین بسیار جلوه نموده متصرف

نوامش کرده اگر چنانچه سهولت <sup>۵۱۳</sup> ممکن قدری ارسال شود <sup>مقابلة</sup>

هو الله

زیارت حضرت فرخ جلیل سدره منتهی الذی طار روحه الی ملکوت  
الابهی جناب حاجی میرزا محمد علی افغان علیه بهاء الله الابهی

هو الابی

۵۴۱

ایا نفحات الله تنسی ایا نسمات الله تنقی و اقصدی دیار الطرف  
القبلی ارضاً فیها توارت نفس نفث فی روحه روح من الله و تضمنت  
بیکلاً حشر تحت رایة الله و قلباً انجذب بنفحات الله و احشاً و اضلع  
تعتت بینا نار محبت الله و حیّ ذلک القبر المنور و الرمس الطاهر  
المعطر و قوی النور الساطع من الافق الاعلی و الشعاع اللامع من  
ملکوت الابی جلل ضریح المعطر و سطع فوق رمسک المعنبر و  
تتا بعت طبقات النور من شمس الظهور بالتزول علی بقعة تنورت  
بجدک و تضمنت جهمک و احوت بیکاک الزکی الطاهر المجلل الکریم  
المظلل بغمام الطاف ربک الرحمن الرحیم طوبی لیدیار اعتربت  
فیها

عظیما  
بارک

فيها وبشرى بقاء اقربت اليها <sup>٥١٤</sup> ويا شرفا لارض تو اريت فيها و غرا  
 لبقعة اختفيت فيها عليك بها، الله ورحمته ورضى الله عنك وضحك  
 بموهمته و اراح روحك بنفحات فاحت من رياض احديته  
 و الاح و جهك في حدائق رحائنته و تنور بصرك بشا هده جمال  
 هويته و سجع اذنك من الحان طيور القدس الصادقة في فردوس  
 رؤيته على سدره فردائيه با سمعت النداء و اجبت الدعاء، ولبيت  
 لربك الاعلى و خضعت لسلمته محبوبك الابي و اشعلت بنا رغبته الله  
 و توكلت على الله و احترقت بنيران الهجران و لظى المحرمان حتى حبت الله  
 و توجهت اليه و استجرت بواررحمة الكبرى كل ذلك بما و فيت <sup>قوله</sup> بميثا  
 و ثبت و رسخ قدماك على عمد الله و التحية و السلام و الثناء عليك  
 في الا و لى و الاخرى ع ع مفايده

هو الاله

اسكنك حضرت افان جناب حاجي ميرزا بزرگ عليه

بها، الله الابي ملاحظه فرمايند

۵۱۵  
هو الالبی

اللهم یا الٰہی <sup>۵۲۹</sup> هذا فرع نخیل نصر اخضر ریان من سدرۃ فردائیک  
رشیق انیق نزین بازمار الیام فی جال وحدائیک والغرام فی  
محبوبتک ومتوجه بجلۃ الیک ومتوکل علیک ومنقاد من یدیک و  
راجع منک الیک ومبتل الی ملکوتک الالبی وجبروتک الاسبی  
اسئلک ان تجعل تأییداتک العظمی کاشف غمته وشفاء عنته ورواه  
غنته وبرد لوعته وان تجعل الطفاک الکبری عذب فراته وروح  
نجاته وروح حیاته وحات رفاته فاجعله یا الٰہی آیت حکم الباهر  
ورایۃ معرقتک امخافته الرافه وطلبۃ قدرتک الشاهره واجده  
ناطقاً بتائیک فی جمیع الشئون حتی یدل علیک بلسانه وجانہ  
وارکانہ هذا الافون الذی انبتہ من شجرۃ وحدائیک انک انت  
المعطی الرؤف الرحیم ع <sup>تقابلہ</sup>

هو الالبی

حضرت افان سدرۃ منقی جناب اقا میرزا اقا علیہ بہاء اللہ

الالبی

ہو الای

۵۴۰

خط مبارک

اینا الفرع الرفیع من السدرۃ المبارکۃ ہر چند مکاتیب متعدّدہ آج کل  
ارسال گشتہ است با وجود این قلب سکون نذارد بلکہ منجذ  
لغیاث محبت کلّیہ باقان سدرہ مبارکہ است بقسمیکہ در کل  
اوقات و ساعات بذکرشان روح و ریجان جوید و بیادشان شادمان گردد  
قسم بحال قدم کہ چون لفظ افان بر زبان گذرد دریای حبت بچش آید و قلوب  
در حرکت و خروش آید کہ خدا یا این افان دو حہ رحمانیت را در جنت رضوان  
مستقر گردان و این فروع طوبای غایت را اشجار بارور کن این نہالما  
بوستان مہبت را نشوونمائی بخش و این شاخہای سرور رحمانی را بسزری و  
خرقی عطا فرما و بر عهد و میثاق عظمت باقی و استوار مدار انک انت الکریم

ع ع ع  
سقاۃ

ہو الای

ش حضرت افان جناب اقا میرزا آقا علیہ بہاء اللہ الای

۱۷۰  
ملاحظه نمایند

هو الاهی

اینا الفرع الرفیع من الشجرة المباركة نغلات حمانه حدیقه ذکر که بر شاخار  
ریاض ایقان نمود بسبع مشتاقان رسید از آن لحن بدیع جذب لطیفی در  
قلوب پیدا گشت و از آن ریاض نفحه خوشی در مشام آمد سان بشکر جمال  
رحمان مشغول شد که احمد ته آن فرع طری لطیف از فیوضات غمام الطاف  
رت جلیل ممتز و محضرت است و منظر آیه مبارکه و انبه نبأنا حسناً ای فرع  
لطیف شکر کن جمال مبین و نبأ عظیم را که از فروع سدره منتهی هستی و در ظل نعمت  
جمال ابی جهدی کن که در این حدائق موهبت الهی بطراوت و لطافتی موفقی  
گردی که زینت این ریاض باشی و موهبت این غیاض از نغلات قدس  
متحرک گردی و از جذبات انس متمایل مستمد از اصل کریم باشی و  
سستفیز از غمام مبین ذلک خیر لک عما فی الوجود من الغیب و اشهد

و البهائم علی التمسکین

بالحمل المتین ع ع بسم الله

هو الاهی



۵۱۸  
هو الاهی

ش حضرت افان سدره منتی جناب آقا میرزا آقای افان علیه  
بهاء الله الاهی ملاحظه نمایند

هو الاهی

۵۴۲

خط مبارک

ایها الفرع الرفیع من السدرۃ الرثمانيہ لو تعلم بعین الیقین بانحیح فی هذا  
القلب المحترق والفؤاد المجریح من احساسات الحجب لا فان دوجه لبقاً  
وفروع سدرۃ استیناء تالله اتحی لشقت احبیب وازلت الريب  
وخلعت العذار وهنکت الاستار وفلکلت الازرار وعویت  
البدن ونادیت بالسر والعلن هلموا یا اهل الارض الی معین موته الله  
هلموا الی کوثر رحمۃ الله هلموا الی فیض سحاب غایۃ الله هلموا الی  
ریاض منحة الله هلموا الی ابحاض الطافۃ بفیض غایۃ الله هلموا  
الی غیاض محضرة بغیث نعمة الله واسئل الله ان یجعلک مشعراً  
نورانیاً وسراجاً نیراً ومعیناً صافياً وفتناً مشمراً منزهراً مورقاً ولبناً  
علیک عبد البهاء ع

زيارت حضرت اقان سدره مبارکه جناب اقا سيد احمد عليه السلام

اللابي

هو الله

٥٤٣

نظرات مبارکه

ايانمات الالطاف وايفحات قدس الاسرار هبتى الى اشرف  
 الاوطان بقعة الرحمن موطن الكوكب الساطع اللامع على الاكوان  
 ايا سبحان الرحمة والرضوان مرمى على اقليم الشين من ايران وفضي  
 بالديم المدرار والدموع الغدق المنهر السيب اللذيق السيل  
 فى الوماد والمهاد من كل واد على ذلك انجدت المطهر والرأس المنور  
 والضحج المعطر المتضمن للبعد المعنبر وطبتي بغيث العفران الباطل  
 وحيى بديم الرضوان الوايل وقولى عليك البهاء وعليك الشناء  
 ايتا الفرع الجليل من السدره الرحمانيه والقضيب الرشيق الرشيد  
 من الشجرة الربانيه والسراج المضيئ فى الزجاجه النورانيه ولشجرة  
 اليانعة من الدوحة الفردانيه انشهد انك ولدت من الاصلاب  
 الطيبة والارحام الطاهرة ورضعت من ثدى الغاية ونشئت فى حضن

الرعاية

الرعية وتربيت في حجر الولاية وبلغت الرشد في الظل الطليل  
 من الدوح الجليل وسمعت نداء الله المرتفع بين الارض والسماء  
 ولبيت دعوة رب السموات العلى وامننت بالرب الاعلى وحشرت  
 تحت لواء رب ما يرى وما لا يرى ولما قامت القيامة الكبرى وزلزلت  
 الارض وانفطرت السماء وكوزت الشمس وانتثرت النجوم وامتدأ  
 ووضع الميزان وازلفت الجنان وسعرت النيران وانشقت الائمة  
 وذاعت الاخبار وشاعت الآثار وهلكت الاستار واشترقت  
 الشمس في رابعة النهار وانتشرت اجنحة الطاوس ونعب العراب  
 سرعت الى اليمين وتبرنت من الشمال وامننت بالنور الساطع من  
 ملكوت الابى وقت على خدمته ربك العزيز المختار وحشرت مع الابرار  
 بوجه سطعت منه الانوار ودعوت الى ربك بلسان يذوق منه الازكار  
 وقلب طافح يتفجر منها الانهار وقصدت مشارق الارض ومغاربها و  
 سعيت في اعداء كلمة الله في جنوبها وشمالها وحشرت المخلصين بوجه  
 مستبشر لطلوع النور المبين وآنست المقربين بلسان دائق بالماء

المعين وقت على عبودية ربك الرحمن الرحيم بقلب قوتى متين  
 وفزت باللقاء، وسمعت النداء، وخطبت بخطاب اشهى واحلى من عمل  
 مصطفى وحضرت بين يدي نير الافاق وشاهدت تجلي الاشراق وخلصت  
 محفل الوفاق وسلكت في سلسلة العشاق وسالت بالدموع منك لانا  
 ورايت ما لا يتم ذكره بالاوراق الى ان غابت الشمس وهي في نقطة  
 الاحتراق عن الاعين والاحداق وليس لها قول ولا بكور ولا  
 غياب بل انما تعنى الافاق سحاب الغيبة والفراق وتحرم الابصار  
 عن المشاهدة والابصار واشهد ايها الفرع الجليل انك وفيت بلقيس  
 وناديت بيمين اهل الوفاق وابتيت التفاق واجتلبت التفاق و  
 جنيت اثمار الوفاق من شجرة الحيات النابتة في اعدية النوراء وجميت  
 الحصن الحصين من سهام الناكثين وسان المارقين الى ان سعرت  
 الى الحنطة التي سفكت فيها دماء الشهداء وبذلت الجهد والجد في اعانة  
 الذرية الضعاف من تلك النفوس المقدسة التي يتباهى بترتها ملائكة السماء  
 من ملكوت الابي ثم سعيت الى الموطن المبارك الاسنى منبت الشجرة  
 المباركة

الباركة النقطة الاولى حتى تجرى الاقتران بين الافان والورقات  
الباركة من سدره التينا، ووقتك الله بهذا ولعلو شأنك وسمو علاك  
قدرا الله لك ان تجرع كأس الفداء، وتستشهد في مشهد الكبرياء، فمئيداً  
لك هذه الكأس الممزوجة بكافور العطاء، ومرئياً لك هذه المائدة النازلة  
من السماء، فاشكر ربك الاعلى بما قد جعل ختام الحجة الدنيا مسكاً ذكياً  
يتعطر بطيب انفاسه كل الارحاء، فطوبى لمن يزور مرقدك المسكى  
المشام ويدور في مضجحك المنير في اشرف ايام، ويدعو الله بخضوع  
وخشوع ويتمنى الغفران ويرجو العفو والرضوان وعليك  
البراء، الابهي ع ع مع سعادته

هو الله

حضرت افان سدره مبارکه جناب میرزا عبد الوهاب علیہ بھاء

الابهي ملاحظه نمايند

۵۲۳

ای موقن بآیات الله گویند که تو ای اعظم عالم قوه سلطنت قاهر  
وسطوت حکومت باهره است و حال آنکه نهایت اقتدارش اینست

ظنبارک

که اجسام را محاصره نماید و قلاع حصین را مستخر کند و این قوت و قدرت  
 نیز بواسطه جیوش جبراره و جنود قماره ظاهر میشود اما تو در قوت و قدرت  
 و سطوت و سلطنت اسم اعظم ملاحظه نما و تفکر کن که با وجود آنکه وحید  
 و فرید و بی ناصر و معین بود بقوتی الهیه و قدرتی ربانیه و سطوتی ملکوتیه  
 ملکوت و جود را مستخر فرمود و مدائن قلوب را فتح نمود آفاق امکان را بشود  
 و کشور هستی را در تحت تصرف آورد کیساره بر صف عالم زد و  
 تنها جود عنود ضلالت را شکست داد ولی آثار این فتوح الیوم  
 در غیب وجود است و در استقبال در حیرت شهود خواهد آمد اوقت  
 ملاحظه خواهد شد جند هناک منوم من الاخراب میفرماید در صحرا سیر  
 و تماشا نمائید مثل مدائن صالح و ثمود و احتفاف قرارگاه قوم هود  
 و مدائن لوط و مدینه سبا و مدائن اصحاب رس و مدین و سایر بهشت  
 را سیر و تماشا نمائید که مثل اردوهای شکسته در این بیابان ریخته  
 و پاشیده اند مقصد اینست که انبیای الهی و اولیای رحمانی در هر عهد  
 و عصری و لوایکه فرید و وحید بودند و جمیع قبائل و شعوب مهاجم  
 با وجود

۵۲۴  
با وجود این نورشان ساطح شد و کوکشان لامع و سراهای عالم  
جمع خاموش شد ع ع

هو الله

۵۲۷  
ای جناب ناظم در اری اشعار اقا میرزا علی اکبر اشعار  
آبدار قرانت گردید بلج بود و شیرین و شکرین بلج بود و فصیح  
و دلنشین ولی در مذاق عبدالبهاء انگین عبودیت گوارا  
تا توانی بخش عبودیت و مدس رقیب و مثنی محو و قایض  
انشا که چون مسن مرغ بهشت لذیذ و خوشطعم است ولی  
بشرط آنکه خورش دیگر در میان نباشد ع ع

هو الله

۵۲۸

ای شیدا ای جمال الهی مکتوب قرانت گردید معانی بدیع بود و  
مضامین دلنشین ولی خطاب بعبدالبهاء باید سر عبودیت باشد  
ع ع

خط مبارک

ع ع

ای پرده نشینان بنده حق شکر کنید که در سایه عصمت نفسی  
هستید که مقبول در گاه احدیت است ع ع  
اید و طفل خان مسمول نظر عنایت حق گردید و محبت الله میراث

از پدر برید ع ع

ای دو اخوات بنده الهی همیشه و پاک شیر آن آشفته  
جمال ابی هستید باید در کمال روح و ریحان و عصمت  
و عفت و ایقان و انقطاع در بین اماء الله محشور گردید

ع ع

ای ~~برادر~~ برادر پاک گوهر آن آشفته موی محبوب ابی انوی  
خواهش خطابی بشما نمودند این رجا مقبول گردید و اختصاً  
از کثرت مشاغل و غوائل حاصل البسته معاف میداید

العذر مقبول ع ع

اللهم یا الهی اسئلك العفو و الصفح عن عبدک الذی تقنی ایتامه



مذکر آبایانک و اغرقه فی بحار رحمتک و اجره فی جوار رحمتک  
 و اده الی جنته لقاؤک کما سیتہ نادیا بین عبادک ع ع

شأنه

هو الاهی

ش جناب علی رضا خان علیہ بہاء اللہ الاهی

ملاحظہ نمایند

هو الاهی

۵۲  
 نظر مبارک

یا من ثبت علی العمد القدیم فابسط اکف الالبہال الی ملکوت  
 الجلال و مطلع الجبال و قل لک الحمد یا ربی المتعال علی  
 ما اولیت و اعطیت و اطمحت و ارویت و دللت و ہدیت  
 و عافیت و شفیت اولیت اجانک اعظم شان فی الابداع  
 و اعطیتهم عطاءً موفوراً فی عالم الاختراع و اطعمتہم من موائد  
 قدسک النازلۃ من السماء و سقیتمہم من معین صاف غدق  
 فرات و دللتہم الی مشرق رحمتک یا فالق الاصباح  
 و ہدیتہم الی سبیل فردانک یا محیی الارواح و شفیتہم  
 من امراض

من امراض النقص واعراض النكث يارب الميثاق  
والبهاء عليك وعلى كل منجذب الى نير الآفاق ع ع <sup>نصته</sup>

شیراز جناب علی رضا خان علیه بهاء الله الای

۵۵۰ ای خان عزیز اقامت شدی حسین الان حاضر فضل و دلیل <sup>بسیار</sup>  
واضح بر اینکه شمارا فراموش نموده است همین تحریر مختصر است <sup>بسیار</sup>  
زیرا الان ذکر شمارا می نماید ع ع <sup>مستند</sup>

هو الای

الهی الی هو لآء عباد انجدلوا بنجات قدسک فی آیاتک <sup>شغلوا</sup>  
بالتار الموقدة فی سدرۃ فردائیک و لبوا لذاتک و نطقوا  
بشائک و انتبهوا من نماک و اهتروا من نجاتک و شاهدوا  
آیاتک و ادركوا بیناتک و سمعوا کلماتک و ايقنوا بطورک و  
اطمننوا بعنایتک ای رب اعینهم شاخته الی ملکوتک الای  
و وجههم موجهة الی جبروتک الاعلی و قلوبهم خافقة من شغف  
حب جمالك الانور الایسنی و اکبادهم محرقة بنار محبتک

يارب الآخرة والاولى واحسانهم مضطربة بنيران الشوق  
 الملتببة اللظى ودموعهم منسجمة كالديم المدرار من استاء فاحظهم  
 فى حصن صونك وحمايتك واحرسهم فى كنف حفظك وكلائك  
 وانظرهم بعين وقايتك ورعايتك واجلهم آيات توحيدك الباقية  
 فى ارجاء الانشاء ورايات تجريدك فوق صروح الكبرياء والبرج  
 الموقدة بدين حكمتك فى زجاجة الهدى وطور حديقة معرفتك  
 الصادحة على اعلى فروع الاشجار فى اجنحة الماوى وحياتك  
 بحر موهبتك انخاضة فى العمق الاكبر برحمتك الكبرى اى رب  
 هولاء عباد ارقاء اجلهم كبراء فى ملكوتك الاعلى وضعفاء جلهم  
 اقوياء بقدرتك العظمى واذلاء اجلهم اعزاء فى اقليمك اجليل  
 وفقرآء اجلهم اغنياء فى ملك العظيم ثم قدر لهم كل خير قدرته  
 فى عالم الغيب والشهود وهيا لهم من امرهم رشداً فى حيز الوجود  
 واشرح منهم الصدور بالهايك يا مالك كل موجود ونور قلوبهم  
 بيت ربك المنتشرة من المقام المحمود وثبت اقدامهم على ميناء  
 العظيم

العظيم يا عزيز يا ودود و قَوْظَهْرَهُمْ عَلَى عَهْدِكَ الْوَالِثِ بِجُودِكَ  
وَفَضْلِكَ الْمَوْعُودِ أَنْتَ الْكَرِيمُ الْفَضْلُ الْمَعْبُودُ عِوَضًا مَسْأَلَةٌ

هُوَ الْأَبِي

٥٥٢

ظَهْرَهُمْ

يا من انجذب بنفحات القدس المنتشرة من ملكوت الابي قد  
رثمت آيات الشكر لله لما توت بلجن طيور حدائق القدس  
تلك الكلمات وقرئت تلك العبارات الناطقة بانجذابك  
بنفحات الله واشتراكك بنا رجعة الله وشباك على العهد  
وميثاق الله وتمسكك بالعروة الوثقى واهتزاز قلبك من  
سائم موهبة الله ولملك ينبغي هذا الشأن الجليل ويلمق  
هذا التأييد العظيم لعمر ربك لو اطلعت بما قدر الله لك  
في كتاب العليين وصحف ملكوته القديم لفرحت ثياب  
الامكان وهرعت الى مقعد صدق في ظل الطاف ربك الرحمن  
الرحيم وتركت هذا المركز الادنى وصعدت بجناح النجاح  
شوقاً الى الملكوت الاعلى وتوقاً الى ابجروت الابي فظهر

شیاک و نزه مشاک و قوسماک و حد نظرک و دقق بهمرک  
 و قدس قلبک و لطف روحک لتسمع نداء ربک من ملکوت  
 الغیب طوبی للثابتین علی عهدی و میثاقی طوبی للمتسکین <sup>نق</sup>

عروقی طوبی للمتشبثین بحبل المتین ع ع مقابله

جناب علیرضا خان علیه بهاء الله الاهی بزیارت مطاف  
 ملا، اعلی فائز و سفجات مقدسه آن تربت پاک مشام جانرا شو  
 فرمودند و حال بر اجبت ناذون گشتند از الطاف الیه و  
 عنایات رحمانیه مستدعی و ملتسمیم که آنجناب و جمیع منتسبین را  
 با نچه الیوم لائق و سزاوار است مؤید و موفق فرماید الیوم  
 اعظم امور ثبوت و رسوخ بر عهد و میثاق الله است و نشر  
 نفحات الله چه که امر مؤید بچینود ملکوت ابی این امر <sup>عظمت</sup>  
 حمد خدا را که تأییدات چون امواج قلزم اکبر متتابع است  
 و توفیقات چون فیض محیط اعظم متوالی در یوم لقاء یوم سرور  
 و صفاست در زمان غیبت و وقت ثبوت و رسوخ و سعی  
 در هلا،

در اسلا، کلمه اته ع ع سائنه

ش جناب قاسم خا عليه هباء الله الابهى ملاظه  
نمايد

هو الابهى

يا هبارك  
الهي الهى هزار وح اهنتر من تجليات يوم لقائك وهذا سراج اشتعل  
من النار الموقدة من سدره رحمتك اى رب ايدى فى جميع الشئون واهله  
مطلقاً باسرار لوحك المنثور واهل اذره على اعداء كلمك يا حى يا قويم  
وانطق لسانه ببيان بحك وبرهانك يا ذا القز واهجروت ووقى ابناؤه  
واشباله وسلائكه على خدمته امرک يا رب الآيات والملکوت  
انک انت المؤيد الموفق الکریم ع ع

بجنت زیارت روضه مبارکه مسافرت اگر بحال ایت ورحمت  
و روح وریحان در موسم حج میتر بسیار مقبول و اگر سبب  
مشقت و هجوم اعداء میگردد صبر داشته باشد اتی اقتضاع  
من کل روحی الی الملکوت الابهى ان یقبل زیارتک و تصدک

ویقدر تک اجر من فاز باللقا، والبهاء علی اهل البهائ

ع ع سعائمه

جناب آقا لطفعلی خان علیه بهاء الله الاهی ملاحظه نمایند

هو الاهی

نظر مبارک

ای ناظر الی الله جناب علیرضا خان علیه بهاء الله الاهی  
حاضر و خواہش تحریری نمودند این بندہ در گاہ جمال الاهی نیز قلم برداشتم  
و بنگاشتن پرداختہ کہ شاید از اثر خامہ و نقوش نامنہ رائجہ و فاسطع  
گردد و شام آن مشتاق ملکوت الاهی را معطر نماید ای کشته  
صحرائی محبت الله دماغ جانرا از رطوبات فاضلہ عالم امکان  
منزہ و پاک نما تا عطر گلستان ملکوت الاهی معطر نماید و چشم را  
از حجابات سائرہ اہل او نام بری کن تا مشاہدہ آیات کبری نماید  
و اقدام را بر عمد و میثاق الہی محکم و استوار نما تا درین انجمن تہن  
مشہور و محشور گردی والبهاء علیک و علی کل  
ثابت جسور ع ع سعائمه

۵۲۳  
هو الله

شس جناب میرزا علی رضا خان علیه بهاء الله الای

هو الای

۵۵۵

ای ثابت بر میثاق آنچه مرقوم نمودی ملاحظه گردید نشسته  
 روحانی داشت و نفخه رحمانی و اثر کلک مشکبار بود و ریش  
 ابر عنبر بار فی الحقیقه حدیقه معانی بود و سوحات و جدانی  
 سبحان الله خامه و نامه که حکایتی از جهان جان و دل مینمود حکم  
 راق منشور و ورق مسطور یافته بود از فضل وجود جمال احدیت  
 میطلبیم که این معانی لطیفه و حقایق بدیعه در کینونت آن  
 جناب تحقق یابد تا آثار باهره اش در سماه رفیع ساحع  
 و لامع گردد آنه ولی المخلصین ع ع سناشته  
 جناب علی رضا خان علیه بهاء الله الای ملاحظه نمایند

هو الای

۵۵۶

خط مبارک

قد القیت نفسی یا الہی علی عقبک الطاهره و مرغت و جہی و نصیتی



۵۳۴  
 علی تک المحضرة القدسیة الباهره منکسر الیک و مناجاً بین یدک  
 منذلاً بباب احدیتک طالباً شمول عواطف رحمانتک بعدک  
 الذی تمسک بذیل تقدیرک و تعلق باهداب ردا، تو حیدک و رجاً  
 ان تؤیدہ علی السلوک فی سبیل رضائک و الثبوت فی قدیم عهدک  
 و میثاقک و النهوض لا علاء، اسرک بین عبادک و الروح علی کلتمک  
 بین ارتقائک ای رب هذا مستحیر اجره فی جوار بیت احدیتک ویر  
 اطلقه فی فضاء مملکتک و ضعیف ایدہ بقوتک القاہرہ و سقیم حالجہ  
 بدریاق موهبتک الباهرہ انک انت الکریم الرحیم الوهاب والہبأ  
 علیہ فی المبدء و المآب ع ع مناشئہ

هو الله

شش کر بلائی محمد نادی علیہ بہاء اللہ الابی ملاحظہ  
 نمایند

هو الابی

یا من استنشق رائحة العرفان در این ساعت کہ جمعی از دوستان  
 حاضر

۵۵۷  
 خط مبارک

حاضر و ناظر اینغبه خادم برداشته و این نامه نگاشته تا بخوانی  
 و بدانی و یقین نمائی که رفیق روحانیت و ندیم ربانیت جناب  
 علیرضا خان چقدر از تو ستایش نموده که مرا مجبور کرده که در مجمع  
 و محفل بنگارش این نامه پردازم پس بدان که آن یارهربان  
 ترا چون دل و جان عزیز و محترم دارد و از هر جهت علو و سمو  
 از برای تو خواهد محبت و دوستی چنین شاید از لطف حضرت دوست  
 امید است که مطلع انوار فضل گردی ع ع متعابله

هو الاهی

امته الله ورقه طیبه مطننه والده علیرضا خان

هو الاهی

ای کینهز آستان ابهائی شکر کن خدارا که موافق پیروی گشتی  
 که متوجهاً الی الله کوه و دشت و بیابان طی نمود و چون باد بادیه  
 پیمود تا آنکه بتراب تربت پاک بصیر تراروشن نمود و بصیر را مجتلا  
 و پاک از هر بنجار کرد چنین مادری را چنین پیروی لازم و چنان

پسیرا چنین مادی و اجب طوبی ثلی را که شیرداد و خوشا باغوشی  
 که او را پرورش نمود طوبی لک و له فی کل ال احوالی ع ع مسالمة  
 امته الله ورقه طیبه ضلع خان علیها بآء الله الی

هو الای

ظہارک

ای موقنہ بآیات الله از فراق نور دیدگان ناله و فغان نما و از  
 ہجران جگر پار ما آہ و حین مکن اگر بدانی کہ آن در دانهای محبت آہ  
 در صدف چه بگری مکنو است و آن نوکلہانی الطاف در چہ ریاضی شکفته  
 البتہ از شدت سرور پرواز نمائی و البہا، علیک ع ع مسالمة  
 امته الله ورقه طیبه ہمشیرہ خان شمس علیها بآء الله الی

هو الای

ظہارک

ای مستعلہ بنار محبت الله در این قرن الہی و حشر رحمانی نسائی  
 مبعوث شدند کہ چون ہز بر صائب و غضنفر غالب و مردان باسل  
 در میدان معرفت حملہ نمودند و صفوف جہل را بسطوتی از تجمہ بالفہ  
 الہیہ بدریند انشاء الله تو یکی از آنها گردی و از فوت آن درد آنہ بگر  
 محبت الله

۵۳۷  
 بخت الله محزون و دلخون مباش اگر نفضه از آن عالم بشم ما نسا  
 رسد ابد از عروج پدر و صعود پیر و فوت اوقات و موت  
 بنات مغموم و کدر نگردد جمیع این آه و فغانها و زاری و نالها  
 از عدم اطلاع از مواهب الهیه در عوالم غیب رحمانیه حاصل  
 میگردد و البهائ علیک ع ع مقاله  
 شیراز جناب علیرضا خان علیه بساء الله الابه

هو الله

ای ثابت بر پیمان نیفتد غمخیز و اصل و بجال روح و روحان فرا  
 گردید مدتیست که این قلم بظاہر بذكر آن یار مهربان مشغول گشته  
 و این از کثرت هجوم اعدا و فطایح و تعدیات اهل شرور  
 و ظلم ضرب غرور و اصحاب فتور رخ داده و الادمی بی یار  
 یاران نیاسایم و دل جز بخت حضرت رحمان نیارایم و افضل  
 و عنایت حق قیوم رجاء مغموم است که همواره در ظل مدد و مرتج  
 باشید و جمیع یاران از انبیکر ابدع ابی البلاغ نماید علیک

۵۴۱  
 ۴  
 خطا کاتب بر او ایضا  
 کاتب بر او ایضا

۵۳۸  
التَّحِيَّةُ وَالشَّأَوُعُ عَ تَمَامُهُ

ش جناب میرزا علی رضا خان علیہ بہاء اللہ الہی  
ملاحظہ نمایند

ہو اللہ

۵۹۲  
ہذا  
اسی ثابت بر میثاق ورق مسطور منظور گردید و فغان و شکوی  
مسموع ہیچ دانی کہ درچہ طوفان بلا غوطہ ورم و درچہ بیابان ابتلا  
سرگشته و گلگشته اثر مشغل خارج و داخل خارج از صحر و  
ہمام امر اللہ بیش از تصور بشر و مکاتبات و سوالات و جوابات  
اجباً چون موج بحر و هجوم اعداء و فتنہ احزاب چون جراد منتشر  
و فساد اہل عناد چون آتش پر شرر اوراق شبہات در جمع جہات  
جزو جزو مشہر و آیات متشابہات مرجع ہر نیخبر عمد و میثاق الہی  
از نفوس مفروضہ متروک و غیر معتبر و طوفان تزلزل و نقض مسلط  
با وجود این صدمات و آفات این فرید و حید در این چار موج  
اضطراب مستغرق دیگر کجا فرصت تحریر و تقریر و نگاشتن جواب

ہر حلیب

۵۳۹  
هر جیب و سمیر و البهائم حلیمک و علی کل ثابت مستقیم  
ع ع سائده

حضرت جیب روحانی جناب محمد قبل ق را از قبل این عبد تکبیر

ابوع ابی البلاء غدارید و البهائم علیه ع ع

از صعود ورقه منجذبه متصاعده بملکوت ابی مخزون مباحثید و دلشکسته  
نگردید چه که آن موقفه در جوار رحمت کبری مقرر گرفت و در ظل سدره

منتهی مستقر یافت و البهائم علیهمانی حضرت البقاء ع ع سائده

شیراز بواسطه جناب عبد الحسین خان

جناب مؤید جناب علی رضا خان جناب بهائی و سائر اجای الهی

علیهم بسلام الله الای

هو الله

ای عزیزان عبد البهائم جناب عبد الحسین خان وطن مآلوف را فراموش  
نمود و سرگشته کوه و بیابان گشت و در سبیل حق بیر و سامان شد تا آنکه  
بان صفحات بنیت نشرفیات توجه کرد و بقدر امکان قصور و قصور نمود

خط کتاب هر دو خط مبارک

سرگردانی سبب پریشانی شد و بیهوشی علت بیماری گردید رنجور گشت  
 و ناتوان و هجر گردید و بیدرمان تا آنکه آن یاران مهربان جوایب حال او  
 گشتند و جستجوی راحت و آسایش او نمودند و بجهت های همت بر پرستار  
 برخاستند و در ایام بیماری نوازش و مهربانی نمودند فی الحقیقه درد او را  
 درمان شدند و رنج او را مرهم نهادند و نهایت ممنونیت را از استیانتها  
 بیان نمودند این پرستاری خدمت بختی بوده و این مهربانی از مقصدا  
 عبودیت آستان مقدس رحمت و مشقات شمار درگاه کبریا مقبول  
 و محبت و مهربانی شمار در ملکوت ابدی مدوح و مرغوب و علیکم التحية

والثناء ع ع سناء

بواسطه جناب میرزا علی رضا خان علیه بهاء الله

شیراز جناب میرزا جلال الدین خان ناظم دفتر علیه بهاء الله

هو الله

ای سرمرت جام هدی شکر کن حضرت کبریا که از ضلالت و ظلمت  
 نجات یافتی و بنور انیت هدی موفق گشتی از جهالت و عمی رمانی  
 یافتی

بسم الله الرحمن الرحیم  
 درگاه کبریا  
 حضرت کبریا  
 علیه بهاء الله

یافتی و بصر هدایت بینا شدی گوشه از تلقین شبهات مقدس نمودی  
و هو شر از توجه بمقربیات منزّه کردی شاهراه شریعت و طریقت پیچود  
تا بحقیقت رسیدی از او نام دیگران خلاص شدی و بجز عرفان  
پی بردی ملاحظه کن چه بسیار نفوس که دعوی عرفان مینمودند و بنیال  
خویش سالها سلوک نمودند و آرزوی دیدار بزرگوار میگردند و منتظر  
اشراق انوار بودند و تجلی شمس حقیقت را در جهاد و نبات و حیوان  
قائل بودند از خار شمیم گل گلزار استقام مینمودند و از زهر شهید فائق  
میخشیدند چنین میگفتند حال که آن آفتاب جهان افروز در یوم نوروز از  
مطلع انوار ظاهر و پدیدار شد و سلطان گل با خیل و حشم و چتر و علم در  
وسط گلشنی خیمه برافراخت و حداوت شد الهی جهان را شیرین نمود آن  
عرفای کمنه سر برهنه بپفرار اختیار نمودند و عار و ننگ هر عازنی گشتند  
یکی گفت این آفتاب مانند چراغ کور سیر و سلوک نمود دیگری گفت  
این محیط عظیم گنجایش یک جرعه صبا، نغمه بود دیگری گفت این  
شرق بر آفاق و انفس نو هوس است دیگری گفت این نفس



نفیس خدمت یک مرشد خفیس کرد باری هر یک بهانه فرمود و بجزه  
 خمول و خمود دويد و عاقبت کل محو و ناپید شدند اما پاک یزدان تو را  
 بیدار کرد و هشیار نمود و واقف بر اسرار کرد پس ستایش باد او را که  
 جان و دل یار انرا بنور هدایت آرایش بخشید و پرستش و نیایش شمس  
 حقیقت موفق فرمود این آیام حضور در این حدود و ثغور از شدت  
 تعرض اهل غرور معسور و محذور است انشاء الله در آینده مقصد حاصل  
 گردد جناب سر حلقه را ستان علیرضا خان ترا تحت و اشتیاق من  
 برسان از خدا خواهم که همیشه در پناه حق مصون و محفوظ باشد  
 و علیک التحية و التناء ع ع سفاية

هو الله

ش طلب مغفرت بجهت ورقه متصاعده الی الله امته الله  
 والدة میرزا علیرضا خان علیها بهاء الله الی

هو الله

ایروردگار یک ورقه از سدره رحمانیت ترک گلخن فانی نمود  
 و گلشن

غلام مبارک

و بگشمن باقیست پرواز کرد و چون حمامه خنین و این نمود تا بشنوا  
احدیست سدره نشین گشت ای آمرزگار خفرائی ای کردگار احسان

ای بزرگوار عطای بی پایانی و البهائم علیهما ع ع  
هو الله

شیراز بواسطه جناب میرزا علیرضا خان

میرزا علیمحمد و میرزا صدرالدین و صبایای جناب خان علیهما  
و علیهمن بساء الله

هو الله

ای سلاطه بنده درگاه بها شکرکنسید خدار که از اصحاب طیبه  
و ارحام ظاهره تولد یافتید از پستان محبت الله شیر خوردید  
و در آغوش معرفت الله پرورش یافتید البته قدر این موهبت را  
خواهید دانست و بشکرانه این رحمت خواهید برخواست از  
فضل حق امید چنانست که در جنت ابی گل و ریاحین شوید و شکوفه  
رنگین برارید و میوه شکرین بدهید و در ظل حفظ و حمایت حق محفوظ

خط کتابت نبرو عطاء مبارک

و مصون <sup>بالحکمت</sup> کاتب ع ع سَبَّحَهُ

هو الله

شیراز جناب میرزا علیرضا خان علیه بهاء الله الای

هو الله

ای بنده صادق جمال ابی خدای که در صعود حضرت افان سدره منیا که  
جناب آقا میرزا آقا مجری داشتید در عقبه مقدسه جمال ابی مقبول  
و محبوب افتاد امیدوارم که همواره موافق و مؤید بخدمات گردی  
اینست سبب روشنائی روی انسان در عالم امکان شکر کن خدارا که  
محو نظر عنایتی و مشمول الطاف حضرت احدیت و علیک التحیة

و الثناء ع ع سَبَّحَهُ

شیراز بواسطه جناب قابل جناب میرزا علیرضا خان

هو الله

ای مونس عبد البهاء دمی از یادت فارغ ننشینم و بذکر روی  
و خویت همدم و بمنشینم و از خدا میطلبم که آیت هدی شوی و مہبت  
ملکوت

خط کاتب در اینجا مبارک

۵۴۱

خط کاتب در اینجا مبارک

۵۴۱

ملکوت ابی و منقطع از دنیا و منخذب ملاء اعلی و ناطق بثناء و نظر  
اسماء حسنی و جمیع این فضائل طائف حول محبت الله است و علیک

التقیة و الشناء ع ع سربا

بوالله

~~شیراز جناب میرزا علی رضا خان علیه بقاء الله الالبی~~

هو الله

بواسطه علی رضا خان

مش الله الله ضمیم قدیم و امته الله همیشره علی رضا خان علیها

ببهاء الله الالبی

هو الالبی

ای دو خادمنه اجبآء الله سزاوار این است که افتخار و مباهات  
بر مملکه های اقطار نمایند زیرا سلطنت باقی سرمدی شمار است که بکنیزی  
جمال ابی و خدمت اصفیاء الله فائزید این کنیزی جمال قدم خدمت دوستان  
اوست الحمد لله بان فائزید و این عقد لسانی کریمه را در کردن دارید و

۵۴۴

تبرک

طوق مرتضع را بر ترائب مزین حمد کنسید اورا که چنین موهبتی موفیق

شدید ع ع قابله

بواسطه علی رضا خان

هو الله

ش جناب کربلائی محمد مادی علیه بقاء الله الایه

هو الایه

ای دوست حقیقی تا چند اهل نقض در وساوسند و آنچه

اهل شقاق مغمور خمر فاق سبحان الله بر مان واضح

و دلیل لایح و سبیل واسع و انوار ساطع و سراج لامع

و رحمت سابق و نعمت کامل و حجت قاطع و پیمان ظاهر

و حکم اطاعت صارم مع ذلک الوضوح اهل نقض بوساوس

او هن از بیت عنکبوت متوسل و از موهبت یشاق محروم

و ظلوم در وادی خسران و خذلان مبعوث و محو رند

فی خودهم العظیم ع ع

علیه رضا خان

خط مبارک

۵۶۵  
علیرضا خان

۷۶

ش امة الله ضمیمه جدیده علیرضا خان علیها بقاء الله الی

هو الابد

۵۷۱

ای امة الله در ظل عصمت مؤمن بالله و موقن بآیات الله  
در آمدی و از کاس عطا نوشیدی و منظر الطاف حضرت اعلی  
و مطلع انوار بخشش جمال اهی گشتی چه خوش بخت و خوش  
طالع بودی که مطلع چنین غایتی شدی که بانوهای ملوک و ملکه های  
آفاق آرزو مینمودند و مینانید حال ندانند ولی عنقریب آگاه گردند

ع ع  
ع

علیرضا خان

هو الله

ش مناجات طلب مغفرت لمن عرج الی الله مرحوم محمد قاسم خان

علیه بقاء الله الی

٥١  
نظرة  
مبارك

الهي التي انتك انت الغفور انتك انت العفو ان عبدك هذا آمن بحبته  
رحمتك وتوجه الى بكوت فردايتك وانجذب بايات قدسك  
واشتعل بالنار الموقدة في شجرة وحدانيتك وسمع خطابك ولبى نداك  
وتحمل كل مشقة وبلاء في سبيلك ثم عرج اليك وصعد الى المقعد  
الصدق في ملكوتك اى رب اجده في جوار رحمتك الكبرى واكنه  
في شجرة الطوبى واسعد من كوثر النقاء واجعل آية رحمتك  
في ملكوتك الابي انتك انت سامع الدعاء يا جمال الاب

ع  
ع  
ع

٥٧٢  
نظرة  
مبارك

ايرب ترن جوم الامم وجولتها وغرور الملل وصوتها على عبدك الفريد  
الوحيد الغريب في سبيلك الا عظيم وتنظر توارد السهام وتتابع الرياح  
وتحاضر السيوف وتكاثف الصفوف من كل الارباب والانحاء  
فاصحت النصال مائة حول الجسم النخيل كالمدل وغدت تحاضر توارد  
السيوف

السیوف اعداد تجله تحت الضلال و مع هذه البلیة الالهة و المصیبة لهما  
 قام الاجاء على اشدة الجفاء و دخلوا یا الہی فی میدان الکفاح بہام و سنا  
 و سیوف و رمح و صوتوا النبال الی عبدک الاغزل من الاستلاح و ظنوا  
 یا الہی بان ہذا هو الفلاح و النجاح ہیہات ہیہات فوف برون انفسہم  
 فی صمادی الروی و حفرات الشقی و غمرات العمی و یوحون و یسکون علی  
 ما فرطوا فی جنب اللہ و ہنکوا حرمة اللہ و نقضوا میثاق اللہ و نکسوا رایتہ اللہ  
 و فرقوا کلمتہ اللہ و شتتوا مثل مرکز العہد و نثر و امان ظمہ ید الفضل ای رب  
 اتخذوا میثاقک ہزواً و عہدک ملعباً و صعودک مغناً و مرکز میثاقک سخرتیا  
 ای رب اغفر ذنوبہم و استر عیوبہم و کفر عنہم سیئاتہم و ارجعہم الیک جمعہم  
 تحت لوآء میثاقک و اخلع عنہم القمیص الرثیث و البسہم رداء التقوی  
 انک انت الکریم الرحیم ر ع

ای رفیق اگر بدانی کہ بچہ جی قلم گرفته و بتحریر این نیتہ پرداختہ البتہ  
 بجزد ملاحظہ در شوق و شغف آئی و وجد و طرب کنی کہ الحمد للہ چنین غنوار نگار  
 دارم و چنین یار مرہانی کہ در چنین اضرائی و بلائی و مصائب بی کرانی و گردآ



عذابی باین نسبت بنگارش جواب نامه پرداخته و بایاداران هدم گشته  
 در یومیکه تذل کل مرضعة عمارضعت و تضرع کل ذات حل علمها و تری آدن  
 سکاری و ماهم سکاری و لکن عذاب الله شدید او بدگر بدیع دوستان  
 سدید پرداخته و بدرگاه احدیت عجز و نیاز مینماید که نماید و توفیق بخش و عطا

### ف ر م ا ع

ای رفیق آیات میاید که در ایام تشریف بقاء الله بچه اشغال و انجذاب  
 با تو ملاقات مینودم و بچه در بانی صحبت میگردد و چه قدر محبت بشما داشتم  
 آن انفتد و محبت و موانست فراموش نشود قدر آنرا بدان اگر تو  
 فراموش نمائی من ننایم و از فضل وجود حضرت احدیت ملتمس که آثار  
 آیات آن ملاقات را الیوم ظاهر و عیان فرماید ای رفیق در هر کور  
 اگر چه امر الله ظاهر ولی بوضوح این کور اعظم در هیچ کوری امر واضح <sup>عنان</sup>  
 نبود چه که این دور مبین در جمیع شئون ممتاز و در کل مراتب بمثل  
 ولی نظائر و اشباه و در این کور نیز هیچ امری بوضوح و ثبوت  
 و قوت و عظمت عهد و میثاق نه جمال قدم و اسم اعظم روحی لعباده لفظا  
 از جمیع

از جمیع جهات ابواب و ساوس و دسانس و شبها تراسد و فرمودند  
 و از برای نفسی محلی تردد نگذاشتند سی سال قبل از صعود در مواضع متذکره  
 از کتاب اقدس که ناخ و همین بر جمیع کتب است بصراحت و توضیح  
 من دون تأویل و تلویح سبیلراوانه و دلیل رالاج فرمودند و تکلیف  
 الهی و دینی و روحی و ظاهری و باطنی کل را تعیین کردند و سی سال جمیع  
 اطفال ملکوت را از پستان کتاب اقدس شیرخاییت فرمودند تا این  
 ضوابط و روابط الهیه در کینونات بشریه تکلن تام حاصل نماید و حسن رزق  
 امر الله چون مدسید جدید حصین و متین شود و کسی رخصه نتواند <sup>ببین</sup> مبتین کتاب  
 را با وضع تصریح تعیین فرمودند و مرکز یشاق را شهره آفاق کردند و گذشته  
 از بیان شفاهی با شتر قلم اعلی و نص صریح ابی کتاب عهد نازل و جمیع  
 شبهات محتمله را زائل فرمودند بقتسبیکه دور و نزدیک و اهل افریک  
 و امریک و ترک و تاجیک کل از این آوازه در غلغله و ولولہ افتادند  
 و صیت این عهد و صوت این یشاق گو شزد جمیع اهل آفاق شد  
 با وجود این معدودی محدود هوس سروری نمودند و او نام بهتر

با کلاه تتری تاج برتری جویند و بقوتی چون بعوض نفوذ در ميثاق خواهند  
 و راه سنگری پویند که مرکز ميثاق را منسی آفاق کنند و قطب اثره  
 عهد را خارج از محیط اشراق هیهات هیهات هرگز آقاب عهد بقوت  
 اهل هند پوشیده نشود و رخ مرتابان بهسات نخاشان رنجیده نگردد  
 و میل فیض بهاران مبشتی خاک مسدود نشود و نسیم ریاض ميثاق  
 مقطوع نگردد فووف ایسمون فقرات هذا القور و نعمات هذا القور  
 من الملاء الاعلی سبحان ربی الابی هناک ینطقون المؤمنون <sup>والتزلزل</sup>  
 تا الله لقه اثرک الله علینا حال ملاحظه فرماید که این تزلزل و تردد  
 چه ثمری بجهت اهل فتور دارد آیا در بحر رحمت اخروی مغفور گردند یا  
 خود در شتون دنیوی معمور شوند لا والله بلکه عاقبت هر تزلزلی در تحت  
 الباق خذلان ابدی مطمور گردد یا الله نسیان عهد و عسیان ميثاق سبب  
 نورانیت وجه در جبروت اعلی و ملکوت اهبیب یا اقراى بر مرکز ميثاق  
 و ابتلای وجه فرید آفاق سبب روشنائی روی در ملا اعلیست اگر  
 بین دلائل و براین کفایت نه نص کتاب اقدس و کتاب عهد را نشان  
 هر مثنوی

هر متنی از مثل عالم مسید بهم و بدون گفتگو سؤا ل مینمائیم که بموجب  
 این نصوص الهیه چه اقتضا مینماید آیا چه حکم خواهد نمود خواهد گفت که این  
 نصوص بجهت اطاعت است یا مخالفت بجهت اعانت است یا امانت  
 بجهت خصومت است یا رعایت آیا در هیچ کوری نصوص کتاب اقدسی بود  
 و یا نصوص خاتم عهدی بود با وجود این آباء و اجداد حضرت اعلی و جمال  
 قدم و اسم اعظم روحی لهم الفدا چون شیعه بودند بجهت کلمه من کننت  
 مولاه فمذا علی مولاه از سارین متنفر بودند و حال حضرات مترنزلین آباء  
 و اجداد جمال قدم و حضرت اعلی را بجهت اینکه عمری نبودند شیعه شنیعه دانند  
 و در جمیع اوراق شبهاشان تکفیر حزب شیعه نموده اند بلی در آثار  
 مبارک ذکر شیعه شنیعه است ولی مراد شیعیانی بود که اعراض از  
 حضرت اعلی در یوم ظهورش نمودند و صد هزار نفوس شهید کردند نه شیعیانیکه  
 تابع حضرت امیر و ائمه الطهار علیهم السلام بودند چه که جمیع اجداد جمال  
 قدم و اسم اعظم و حضرت اعلی روحی لعبادها الفدا شیعه بودند و بری از  
 هر مخالفی پس در اینصورت اصلا بظاهره چه شد باید گفت این

دو شمس حقیقت استغفر الله از اصحاب شنیده بودند بجان الله ملا  
 فرماید که غرض چه میکند که بجای انسان کور میشود و تیز میان صحیح و سقیم  
 و عث و ثین نمیدهد و این کلمه کفایت کتاب من دون مبتدین صدهش  
 از عمر است که گفت سبنا کتاب الله و بجز دیگر محتاج یعنی مبتدین نیستیم  
 و اساس نزاع و جدال و خصومت و تشیت و تفریق را گذاشت  
 و عداوت و بغضاء بین دوستان و اصحاب حضرت انداخت  
 این کلمه اساس جمیع ظلمها و طغیانها و عصیانها بلکه سبب خون ریزها  
 گشت و چون مطلع بر حقایق و قایع بعد از حضرت رسول گردید  
 شهادت میدهم که اس اساس دین الله از این کلمه برهم خورد و وجود  
 نفس و هوای باجوم آورد و راسخ در علم مغزول و همول گشت و  
 هر شخص مجهول و مخول چون ابوهریره و ابو سعید و معزز و مقبول گردید  
 اللهم وال من والاه و عاد من عاداه اسیر و تحیر و خانه نشین شد  
 و لعن الله الناقه و را کبها و قائد یار دلشین گشت لافقی الآ علی  
 لاسیف الآذ و الفقار سرگشته تلال و تها شد و الشجرة الملعونة  
 فی القرآن

فی القرآن بر عرش خدافت و سهر سلطنت استقرار یافت انطمة  
 بضعة منی من آذانا فقه آذانی در بیت اعزن گریست تا هلاک شد و عایشه  
 بی باک بحرب آن جان پاک با قومی شاک و هتاک شتافت و بخت  
 و بخت و لوعشت تفتت معرز و مکرم گشت این کلمه حسنا کتابه  
 تیغ و شمشیر شد و بر سر مبارک حضرت امیر خورد و سیف صارم این  
 آکله الابد گشت این کلمه در لیلۃ الہریر نار سعیر بر افروخت و چهار هزار  
 نفر حفظه قرآن اجده اصحاب حضرت امیر را هزاره و رزقه و خذله خواجه  
 کرد این کلمه تشیت شمل اجا نمود و تفریق جمع اهل و لا کرد  
 این کلمه حب اجای جمال محمدی بسیف و سان و حیف و عدون  
 تبدیل نمود این کلمه خنجر کین سشد و در ارض لطف خنجر جمال مبین  
 را قطع کرد و خاک را بخون مطهرش رنگین نمود این کلمه در  
 صحرای کربلاء آن مصیبت کبری و آن فضیله عظمی را برپا نمود  
 این کلمه بسبع ائمه اطهار را اسیر و مسجون و مظلوم و محکوم هر خد  
 کرد این کلمه سبب شد که در بین امت سرعومه بدال و زرع

و قال و حرب و ضرب انداخت و خون کرو را از مسلمان ریخت  
 این کلمه کور فرقان را زیر و زبر نمود و بوستان الهی و جنت محمدی را جمل  
 سبع و ذآب تیز چنگ کرد این کلمه هزار و دویست سال بخونریزی غیراً  
 را گلگون و حمراء نمود این کلمه صد هزار گلوله گشت و بر سینه مبارک حضرت  
 اعلی خورد این کلمه زنجیر شد و در کردن مقدس جمال قدم افتاد این کلمه  
 غربت عاتق و کربت بلغار و مصیبت سخن اعظم شد زیرا خلیفه ثانی چون  
 خواست که مبین کتاب حضرت امیر را مقهور و در زاویه نشانیان <sup>ناید</sup> <sub>محمود</sub>  
 و راسخ در علم ابتذل و فاسق پر جهل را مغرور و محترم کند و منصوص من کنت  
 مولاه ترا محقر نماید در مقابل نص کیفینا کتاب الله و سبنا القرآن گفت  
 و استدلال بلا رطب و لایابس الانی کتاب مبین نمود و تمسک بالیوم  
 اکملت لکم دینکم جبت و تشبث با ولم کیفنم انا انزلنا ایک الکتاب  
 کرد و مبین کتاب راسخ در علم حضرت امیر را خانه نشین نمود و هر را <sup>س</sup>  
 ضعیف را شیرگیر کرد یکی لوکان نبی من بعدی لکان عمر روایت  
 کرد دیگری حدیث عشره مبشره قرائت نمود دیگری عثمان ذوالنورین

بند اعلی مولاً

و عثمان

۵۵۷  
و عثمان رفیق فی الجنته تلاوت کرد دیگری لواتخذت غیر الله خلیلاً لاتخذت  
ابا بکر خلیلاً از قول حضرت حکایت نمود خلاصه محمد زیاد شد و قنوی بیشتر  
گشت غبار کذب و اراجیف بلند شد و نور آفتاب صدق مکرر گشت  
اختلاف شدید شد و ایستاد ناپدید گشت آراء مختلفه میان آمد و اختلاف  
کلمه عیان شد شریعت الله متروک شد و مبین کتاب الله مخدوش گشت  
ابن عفان مقتول شد ابن اکتة الاکباد منسوب گشت حرب حمل  
برخواست مکر و دغل میان آمد حمیراء بر ناقه شهباء سوار شد و چون  
در میدان عیان نمود و خوشنواهی ابن عفان کرد معاویه سر از او بیرون  
کرد و در ماتم عثمان از دیده خون بیارید بر سر منبر رفت و اصبع مقطوع  
دختر پیغمبر نمود پیرهن پر خون عثمان نشر کرد و با چشمی گریان آغاز فریاد  
و فغان نمود که این قمیص پر خون ذو النورین است و این اصبع  
مقطوع نور عین و او یلا و ادینا و شریعتا جمیع حاضرین گریستند  
و در مقام امت بجزرت امیر زیستند غبار تیره ایله الهی بر نقاب شریک  
رسید و هزاران از نخبه اصحاب رسول در خاک و خون مقتول قیام



۵۵۸  
و علی هذا السؤال سائر الاحوال و اگر خلیفه ثانی اطاعت براسخ در علم  
و مبین کتاب حضرت امیر مینمود و حسب کتاب الله بر زبان نیراند ابد  
این فتن و فساد رخ نینمود و این فتنک و هتک بیان نیاید و سی هزار  
مجتهد در مقابل راسخ در علم بمنازعه و محاججه بر نینخواست چه که هر یک از  
اصحاب رسول خویشرا مجتهد مستقل شمرده از آیات و احادیث استنباط  
حکام و عبادات و اعتقادات مینمود در این میان کسیکه همول و معزول  
بود حضرت امیر بود و همچنین ملا محمد ممقانی و سایر مجتهدین حسب کتاب الله  
میدانستند و از مبین کتاب حضرت اعلی روحی له الفذا خویشرا  
مستغنی میشردند لهذا بآیه مبارکه و کتبه رسول الله و خاتم النبیین تثبت  
و تمسک بسته فتوی بر قتل حضرت اعلی دادند و اگر چنانچه از برای  
کتاب مبینی واجب میدانستند اعتماد بر فهم خویش نمیکردند در حکم  
قتل تردد مینمودند پس معلوم و واضح گشت که جمیع این فساد و فتن  
و بلایا و محن از عدم اطاعت مبین مبین و عبارت حسب کتاب الله  
منبعث گشت باری اگر چنانچه کتاب کفایت میکند مبین منصوص

چه لزوم

۲

۵۵

چه لزوم و آیه کتاب اقدس چه لازم کتاب عهد بجهت چه این  
آیات که در نزد کل اجاباً موجود میخوانند و بموجبش عمل مینمودند نهایت هر یک  
از اجاباً، مجتهدی میشد و استنباطی میکرد و حکمی مجری میداشت و نهایتش  
این بود که استنباطها مختلف میگشت کار بجداله میرسید مجادله بمنزله مباحث  
میشد و منازعه بمقتله میانجامید و عاقبت صد هزار خون ریخته میشد و  
بجز دیگر نمیشد حال با وجود عهد و میثاق نیز آفاق حسنا کتاب میگویند  
و ای اگر آیات کتاب اقدس و کتاب عهد در میان نبود آنوقت والله  
گوشت و پوست این عهد را با درفش فوراً پاره پاره مینمودند و از  
غرائب و قوعات اینکه یکی از اجاب گفته بود که این رساله چگونه اورا  
شبهات است با وجود آنکه صد آیه در آن مندرج چگونه آیات  
بینات شبهات میشود در جواب بفرمایند تیر شهاب رداً علی الباب  
تألیف شخص کرمانی نیز محتوی بر صد آیات بینات قرآن در این صورت  
تیر شهاب را کتاب صواب باید خواند گذشته از این رساله یکی  
از بینائی که در رد جمال مبین و نبأ عظیم مرقوم نموده جمیع اعتراضات

و احتجاجات خویشرا مستند بر آیات بیان نموده و بزعم خود نصوص  
 بیانرا رد قاطع بر جمال مبارک شمرده و آیات حضرت اعلیٰ روحی  
 له الفداء ادرج کرده در اینصورت باید گفت آن رساله همله آن  
 شخص کتاب مبین است یا الهام علیین و از اغرب غرائب  
 آنکه اعتراضات اهل زلزال بر این عبد مطابق احتجاجات اهل زلزله  
 بر جمال ذوالجلال است *طابقوا النعل بالنعل* ولی از برای این عبد  
 مفتریاتی جعل کردند و بر آن رد نوشته اند و ولوله در آفاق انداخته  
 و آتشی بر افروختند و خرمن بیگانه و خویش بسوختند و اذ اقیل  
 لهم لا تفسد وافی الارض قالوا التما نحن مصلحون الا انهم هم لمفسدون  
 و لكن لا یشعرون ملاحظه نمایند ادعای از برای این عبد خلاق نمودند  
 پس محاججه بآیه من یدعی قبل الالف نمودند و حال آنکه جمال قدم  
 و اسم اعظم روحی لترتبه الفدا این عبد را از کبودگی رضیع ثدی  
 عبودیت فرمود و در آغوش خضوع و خشوع و رقیقت پرورش  
 داد و بخلعت بندگی در گاه احدیت الیه میکل محویت رازنیت  
 بخشید

بخشد تا در قطب امکان علم یشاق بنسبیم عبودیت کبری مومن  
 گردد و سراج عهد در زجاج رقیقت بحویت عطلی و مانج شود عبودیتی  
 در ابداع ظاهر گردد که در جمیع عوالم تحقق یابد و شبیه و مثل و نظیر  
 در این عهد نداشته باشد لهذا این عهد سلطنت عزت ابدیه را باین  
 عبودیت صمیمه تبدیل نمایم و سریر اثر را باین حصیر حقیر مبادله نمایم  
 و این حنیض ادنی را با وج اعلی تحویل بخویم راه بندگی پویم و اسرار  
 عبودیت گویم در دامن کبریا در آوریم و اشک حسرت ریزم و عجز  
 و نیاز آرم که ای دلبر کیتایم و خداوند بیهمتایم قوت و قدرتی بخش و تاب  
 و توانی عطا فرما قوی را نیروی ملاء اعلی بخش و اعضا را تا میدملوکت  
 ای جوارح را سوا نخ غلبی ده و ارکان را الواج ملکوتی فرما تا بر عبودیت  
 جمال احدیت چنانکه لائق و سزاوار مویذ کردم و بر بندگی آستان مست  
 چنان که باید و شاید موفق شوم ای محیط در بسط فقر و فقاراه ده آ  
 همین در خلوتکده محو و هبآ مسکن بخش خاک ره دوستان کن  
 و بخارا آستان فرما عبودیت ملکوتی بخش که فوق توانائی بشر است

۵۶۲  
ورقیت ناسوتی ده که انزل مراتب بندگیست توی قوی و قدیر  
توی مقدر و بی نظیر شمعی برافروز که پر توش روشنی آفاق شود  
و ناری ایقاد کن که حرارتش شعله بر سبج طباق زند دلمار اصبط الهام  
کن و جانهارا مشرق انوار ای پروردگار در دمنان رادمان  
کن و هو شمند از احرام ایوان افق علیین را بنور مبین روشن نما  
و ساحت دلمار را شک گلزار و گلشن کن هر یک از اجزای نجوم مدی  
نما و هر یک از اهل و فارا کو کبی ساطع در افق اعلی نهای صید<sup>لحمه</sup>  
رحمانت را طراوت و لطافت بخش و نور سیدگان بارگاه احدیت  
را صباحت و ملاحظت ده بندگان دیرینت را انوار علیین فرما و  
آزادگان قدیم را شهریاران اقلیم نفیم کن رویشان برافروز و  
خویشان را مشک جان فرما و آفاقرامعطر و معبر نما دستشان یدیمنا  
نما و لفلشان لؤلؤ لؤلؤ لؤلؤ بر نشان ثعبان مبین کن و دلیشان<sup>نجات</sup>  
علیین ظمیرشان شدید القوی کن و نصیرشان جنود ملکوت ابی  
باری مقصد مترلزلین این که باین وسائل و اراجیف بنیان میثاقرا

بجای از بنیاد براندازند و اساس عهد را از بیخ و بن برکنند ولی  
 از این خاف که فیض شامل نجم آفل نگردد و غیث ماطل شیئی باطل  
 نشود انوار ملکوت ظلمات لیل دیچور نشود و آیات لاهوت منسوخ  
 اهل غرور نگردد عنقریب ریایات آیات عهد موآج گردد و انوار طع  
 میثاق کوکب و آنج این سیل عظیم ایاری هفت اقلیم نماید و آن  
 نور مبین پر توافشانی بر روی زمین بسطی غبر، محیط سما، گردد  
 و کشور خاک سپهر افلاک شود آبجوی ماء معین شود و شعله دلجویی نور  
 مبین باری ای هدم قدیم این عهد را امید و طید بود که یاران  
 مهربان در تهاجم بلا یاء و تتابع رزایاء و هجوم عموم بر ایا و شدت  
 مصیبت کبری و بلیه عظمی و تسلط اعداء و تهج بقرضا هر یک زهر  
 طاهل را در مان کردند و رنخم مائل را مرهم کامل شوند عدو صائل را  
 سپر حائل کردند و تیر و شمشیر دشمنان را مانع و دافع حال آنان نیز  
 تیغ جفا کشیدند و نصیحت میرو فانشینند و محو و اضمحلال این عهد  
 بهار اسپندیدند عهد و میثاق را مدار شقاق کردند و واسطه ایستاد

۵۶۴  
را اس اختلاف نمودند نور مبین را لیل بهیم خوانند و اشراق عیلتین  
را اعراق مجتین شمرند حسن حصین را گد اشند و دمنه کلین را المجاتین  
مکان نمودند نص قاطره انسیا نسیا نمودند و بر مان لامع را همز آخر یا  
گرفتند مبین منصوص را مقصوص اجناح کردند و بنیان مرصوص را  
مردوم الا ساس انکاشتند یکی رئیس المشرکین نامید و دیگری عهد و  
مبین شمرد یکی بی عصمت گفت و دیگری بی عفت خواند یکی شکایت  
کرد و دیگری روایت از بد و صعود آتش فساد بر افروخت و مرکز  
جدد نقض عهد آموخت اطفال هد آئین سروری گذاشتند و بوهوم  
و مکان هتری خواستند و برتری بستند و بهر وسیله تخدیش اذنان  
و تشویش یاران نمودند جمیع اوراق اجار در اقطار و اشطار  
خبر صعود نیز آفاق را با نقض میثاق توهم اعلان نمود از جمله ختر  
روزنامه ایرانیان در اسلامبول این خبر همول را با طبل و دهل  
اعلان کرد و در او را بعضی رساله تألیف نمودند و این متاع  
کیف را در انظار عموم عرضه کردند این ناقصین مدتی در کمین نشستند

عاقبت بعد از سه سال ادعای انبیا برای این عبد فرض و تخمین  
نمودند و با کوس و کرنا عریضه در روی زمین انداختند و این عبد را  
مصدق آیه مبارکه من یدعی امرأ قبل اتمام الف سنة کامله انه  
کذاب مفتر نسل الله ان یؤیده علی الرجوع ان تاب انه هو التواب  
وان اصّر علی ما قال یبعث الله علیه من لایرحمه انه شدید العقاب  
دانسته اند و این آیه را در کل رسائل خویش با قلم جلی مرقوم  
نموده اند ولی دقت نمایند که چه فتوی در حق این عبد فرید و حمید  
دادند و در آن رساله ذکر ادعای الوهیت و ربوبیت و شرکت  
با جمال مبارک فرموده اند و در نظر رساله و داخل این آیه را مرقوم  
نموده اند دیگر تا کی این فتوی مجری گردد و من لایرحمه بشدید حدید  
جبل و رید این و حمید را مقطوع نماید ولی این عبد در حق نفسی فتوی  
ندهم و تکفیر و تفسیق ننمایم و اسناد شرک ندهم نهایت نیست  
که نصیحت کنم و بر رجوع بر میثاق دلالت ننمایم من شاء فلعلیل  
و من شاء فلیترک ان الله غنی عن العالمین و ما انت علیهم کفیل



گویم و است علیهم بسطر خوانم و علیکم بانفسکم دانم و دست  
تضرع گشایم و زبان ابتهال باز کنم و رب ابد قومی فاتحم را بعلین  
گویم و سینه را هدف صد هزار تیر جفا نمایم و چهره و فاتیره تمام  
وزنم اقرار امرهم ابتهال نمم و در داهل بغض را در مان سریع علاج  
جویم صبر و تحمل خواهم و انسک و تبیل جویم که در زاری کنم و مویه  
و بیقراری نمایم عجز و نیاز آرم و فریاد و فغان نمایم که ای پاک  
یزدان این قوم در نفل سدره منتهما بودند و در ریاض جنت ماوی  
آتش در قلوبشان شعله زد و مغلوب الهوی و مسلوب الهی عریه  
انداختند و علم و لوله افراختند و نزد او نامی باختند که شاید علم  
یشاق منکوبس گردد و حقیقت رجا ما یوس نور مبین افول نماید  
و ظلام لیل بهیم حصول جوید مرکز پیمان فراموش شود و ناراه  
الموقده خوا موش گردد زمانم عهد در دست اطفال همد افتد  
و شمع شب افروز پیمان از اریاح بغض آفتود گردد نیزیشاق  
غروب کند و خفاش شقاق نیمه به بیرون زند پرتو حقیقت

مفقود و کمون گردد و ظلمت مجاز سر پرده بگردون زند مرکز عهد  
تبدیل یابد و محور میثاق تحویل حال اینغید را در صون حمایت  
مصون نمودی و میثاق را محفوظ و مثبت بنیان پیمان برابر <sup>سخت</sup>  
و دست قطاول ناقصین را کوه ساختی ولی نقض عهد گردن گیرشد  
و مانند اغلال و زنجیر و آنا جعلنا فی اعناقهم الاغلال <sup>ذلتنا</sup> فی الی الا  
فهم <sup>مفقون</sup> تحقق یافت ای پروردگار بقوت و اقتدار این زنجیر  
بردار و اعنا قرا از اغلال ربائی بخش گرد نه را آزاد کن و دلها  
قیر کو نزار روشن و شاد فرما خشکها نرا بیدار کن و بیهوشانرا هوشیار  
اطفال رضیع را بدمی عزیز دلالت فرما و کو دکان بخرد را بدستان  
غایت هدایت نما مست باده غرور را رسم خضوع و خشوع آموز  
و زنجیر شکن کبر و محن را آداب عبودیت تعلیم نما این پچارگان <sup>نمانند</sup>  
و این کو دکان نو هوسان و بی خردان ندانند و نشناسند و انجام  
نبینند نام جویند و راه جفا پویند تو انتباه بخش و اشتباه  
از میان بردار هدایت کن و غایت فرما و بطل سدره میثاق

دلالت نما تا کل در سایه شجره انبیا راحت جان یابد و کلام دل جویند و بخت  
 بی پایان رسد و مقامشان بلند گردد و قدرشان ارجمند عزت قدیمه یابد  
 و موهبت عظیمه از آغاز سر فراز تر گردند و از پیش غایت بیشتر یابد ای  
 پروردگار تا بید بخش و توفیق غایت کن این ابرتره را از اهل کن و این  
 غمگام حائل را امتلاشی و باطل نسیم جان بخش بوزان و دلهای مرده را زنده  
 کن باران رحمتی ببار و این گیاه افسرده را تر و تازه نما حدائق قلوب را  
 جنت ابری کن و حقائق نفوس را ریاض ملاء اعلی ای قدیر رجای  
 این عبد بنذیر توئی توانا توئی بیمنت و از غیب غرائب آنکه سه سال  
 قبل نوشته از مدینه الله عراق نزد جناب اقا محمد مصطفی علیه بهاء السد<sup>ل</sup>  
 میشود و از ایشان سؤال مینماید که این لوح مبارک است یادون آن جناب  
 مذکور آنورق مزبور را نزد جناب اقا میرزا اسد الله ارسال مینماید و استفسار  
 از حقیقت کیفیت میکنند آنورقه چون ملاحظه گردید بعضی از آثار مبارکه  
 را پراکنده نفسی جمع نموده یعنی چند فقره از اینجا چند فقره از آنجا جمع نموده  
 و در میان ایفقرات ع ع مرقوم نموده و آن ورقه بعضی فقراتش نیست

سرتانه من سدره النار من وراء قفزم النور علی بقعه الاندککان بالروح  
 مشهورا و بعد این مرقوم فسبحانک اللهم اسئلك بذاتک الغیب  
 فی کمین البقاء و بذکرک العلی الاعلی ع ع و بجمال القدس فی فردوس  
 الابهی باری در جواب باقا میرزا اسدالله تاکید شد و باقا محمد مصطفی علیه  
 بهاء الله مرقوم گردید که این لوح بعضی فقراتش از جمال قدم و بعضی نه  
 این را بعضی از مترنزلین مخصوص ترتیب داده اند و در افواه اجتاه  
 اجای الهی انداخته اند تا شیوع یابد و چون شایع گشت خواهند گفت  
 که اینها ثابتن ترتیب داده اند و اینرا سبب تخذیش اذمان ضعفا خواهند  
 نمود پس باید هر کس این نوشته در دستش آمد مخواند این قضیه در سه  
 سال پیش واقع و الان جواب در بغداد موجود و جمیع اجای بغداد  
 مطلع و چون جناب فروغی در این ارض بزیارت آستان مقدس مشرف  
 شد در نزد جمعی ذکر این نوشته شد بکرات و مرآت و تکرار گفته شد  
 و تاکید گشت که این نوشته اصل ندارد بلکه ترتیب مترنزلین است و با  
 بجای می شود حال این ایام سر مکتوم مکشوف شد حضرات آن نوشته را

دست آویز کرده و ضعف را توشیش میدهند که تریف شده و حال  
 آنکه تحریف تزلزلین چون آقاب مشهور و واضح و مطبوع و در جمیع  
 آفاق منتشر آیات سوره امیکل بعضی را بجای از سوره امیکل برداشته و بعضی را  
 تغییر داده اند حال ملاحظه فرمائید که این مظلوم ساکت و صامت  
 و اهل فتور چه قدر جور و اعظم شرور را با بتین نسبت داده اند و حال  
 آنکه در اکثر اوراق بخط کاتب تحریف واقع و آنچه خواستند کرده اند  
 و بنص جلیل این عهد مبین کتاب مبین است و آثار آنچه در تحت تصدیق  
 این عهد شایان اعتماد نیست مگر با اثر قلم اعلی آن نیز باید نهایت دقت  
 و فحص دقیق شود که نقطه تزیید و تنقیص و تصحیف نگردد قضیه فاقبلوه  
 بتصحیف فاقبلوه شد از خاطر نرود پادشاه شام نورالدین سلجوقی امر  
 نامه بجلب نگاشت عبارتش این بود اذنا وصلکم امری بدان افاضوا کل  
 الیهود فی حلب یعنی جمیع یهود حلب را بشمارید کاتب بعد از توفیق تمهیر  
 فرمان غفلت نمود گسی نقطه از فضلات بالای حای اخصوا گذاشت  
 اخصوا شد بورد فرمان جمیع یهود مظلوما جمع نموده بلای عظیمی بر آن  
 بیچارگان

۵۷۱  
بی رگان وارد آوردند چون کیفیت منتشر و مسموم پادشاه گشت بسیار  
بر آفت و دشنام گفت و از غضب بر افروخت و کاتب را مورد  
عتاب ساخت چون حقیقت مسئله معلوم گشت مشهود شد که این  
تصحیف و تحریف را یک ذبانه ضعیف نموده ملاحظه فرمائید تصحیف  
و تزیید نقطه چه ظلم عظیم و فساد شدید برپا نمود از این قیاس کنید  
علی الخصوص جمیع امانات و اوراق این عجد مترزلین غضب و ضبط  
نمودند حقیقت این قضیه آنکه جمال قدم و اسم اعظم روحی و ذاتی  
و کینوتی لقبته المقدسه الفدا در ایام اخیره و قتیکه در فرارش  
تشریف داشتند اینجد بقصر رفت و شب و روز در ساحت اقدس  
بودم دلهای پر خون و اشک مانند جیون و با این حالت با کثر خدمات  
مبارک مشغول بودم روزی فرمودند اوراق من را جمع کن از این  
فرمایش چنان طپش و اضطرابی در قلب حاصل گشت که شرح نتوانم  
مگر امر قطعی فرمودند محض اطاعت با کمال ارتعاش دل و دست مباشرت  
جمع اوراق نمودم و دو جانپه بسیار بزرگ بود که در وقت تشریف بردن

بقصر و مراجعت بکلیه اوراق و ما يتعلق محبوب آفاق در آن دو  
جانفله گذاشته میشد باری اینغده مشغول بجمع کردن بود که میرزا محمد آقا  
وارد شد اینغده چنان متاثر و مضطرب بود که خواست بزودی از  
تأثرات جمع اوراق خلاص شود بی اختیار با و گفتم تو نیز معانیت  
نما باری جمیع اوراق و امانات و خواتم و سبجهای هر مای مقدس را  
در آن دو جانفله گذاشته بستیم فرمودند تعلق نبودارد بعد رزیه کبری  
رخ نمود و ارکان عرش متزلزل و عظمت فراق آفاق را احاطه نمود  
صبح نورانی بشام ظلمانی تبدیل گشت شمس حقیقت بظاهرا بصفا  
افول نمود و بر آفاق بصائر سطوع فرمود سراج هدی از طأ ادنی  
صعود نمود و در رجا جله طأ اعلی بر افروخت دلها غرق خون شد  
و جلگه پارسوز و گداز گشت ناله و خین بلند شد و گریه و زاری باوج  
اثیر رسید جمیع ملل از وضع و شریف در قصر جمع شدند و کافه  
متاثر و متحتر مصیبت کبری و لا تسمع لهم همسا فضلا و علما و ادبای  
ملل شتا از سنه و شیعه و نصاری قصاد غرا در ماتم و رزیه کبری نشا

نموده در کمال تاثیر و تأسف و تحسّر علی‌الاشهاد قرائت و تلاوت  
 مینمودند و جمیع درتایش و نیایش و بزرگواری نیر آفاق بود و اعتراف  
 بر عظمت و جلال و جمال و کمال حضرت کبریا، و الفضل با شهدت به کل البرا  
 باری اینغید در این فزع عظیم و اضطراب شدید با چشمی گریان و قلبی  
 سوزان و کبدی بریان وارد غزفه مبارک با اغصان شد چون خواستیم  
 بد مطهر را غسل و آب پاک و ماء طهور را بنجات آن تن چون بتو مطهر  
 نمانیم کی از اهل قور با اینغید گفت این دو جانظه را بد مید بد هم میرز ابدیع  
 بغزفه خویش برد و محافظه نماید زیرا در اینجا آب موج خواهد زد اینغید  
 از شدت صدمه کبری و قوت رزیه عظمی مدهوش و محو و فانی گشته  
 و بیچوجه گمان چنین ظلم نمانیگشت لهذا آن دو جانظه را بتمامه تسلیم نمودم  
 باری دیگر پرس که در آن روز چه حسرت و ماتمی بود و آن بامداد چگونه  
 شام گشت گر گویم قلبها پر خون شود و رنویسم اشکها همچون شود  
 قسم بحال قدم که بجای از حواس و احساس بیزار و بیگانه گشتم و تالی  
 صباح گریستم و یوم ثانی و ثالث نیز بر این منوال گذشت یعنی



رابع نصف شب از بستر با خون جگر برخاستم که قدری مشی نمایم بلکه  
 قوری در حرقت و سوزش جگر حاصل شود ملاحظه کردم که او را قرا باز  
 نموده اند و جستجو مینمایند چنان حالی دست داد که وصف نتوانم دو  
 رجوع بفرایش نمودم که مبادا مفقت شوند که اینغبد این قضیه را مشاهده  
 نمود در پیش خود گفتم که چون حضرات کتاب عهد جمال قدمرا ندیده  
 گمان میکنند که بواسطه اوراق مبارک میتوانند در امر الله اخلاقی کنند  
 لذا بهتر اینست که اینغبد سکوت نماید و یوم تاسع کتاب عهد تلاوت  
 شود آنوقت اهل قنور نادم و پشیمان خواهند گشت و این اوراق  
 اعاده خواهند نمود چون یوم تاسع تلاوت کتاب عهد گشت و معاش  
 میثاق در مذاق اهل وفاق حلاوت شدند بخشید حزبی مسرور و مستبشر  
 گشتند و بعضی مغموم و متحمر آثار بشارت کبری در وجه اجازت  
 گشت و غبار که درت عظمی در بشیره اهل هوی نمودار کرد بد بقسمیکه  
 جمیع حاضرین لذت شدند و از همان یوم اساس نقض گذاشته شد  
 و دریا ی و هم بوج آمد آتش فساد بر افروخت و قلوب مخلصین  
 بوخت

بوخت روز بروز این آتش شعله ور گشت و این غبار بلندتر  
 شد تا یکی از حضرات افان توقیعی جدید داشت و استدعا نمود  
 که فوق توقیعیش بجای مبارک برین گردد ذکر شد که یک خاتم  
 از خاتمهای مبارک بدید تا این توقیع را برین بنامیم در جواب گفتند  
 خبری از خاتمهای مبارک ندارم گفته شد که جمیع خاتمهای مقدس در جافله  
 و در کنج مبارک بود و جافله را من تسلیم شام نمودم گفت من ندیدم  
 و ندیدم از این جواب قسم بروح صواب چنان ارتعاشی در بدن  
 حاصل شد که وصف نتوانم حیران و سرگردان ماندم و گریان و <sup>فغان</sup>  
 شدم که این چه فتنه عظمی بود و چه ظلمت دها که ظاهر گشت باری جمیع  
 آثار مقدسه و الواح متعلقه باین عبد و سائر دوستان جمیع از میان بر <sup>ند</sup>  
 حتی احکامیکه تقدیش در نزد این عبد موجود ملاحظه فرمائید که تعدی بچه  
 درجه رسید و این عبد ساکت و صامت بود که مبادا این راسخه کربیه  
 بجای نشرد آفاق گردد و این حوادث ضعیفه بتمامه معروف در نزد اهل  
 شفاق شود در آتش میو ختم و میا ختم میگردد و میرسیم بعد ملاحظه

۵۷۴

شد که بلا یانی که بر جمال قدم وارد یک یک پی در پی مستولی بر این  
 عبد میگردد تا آنچه در علو ربوبیت ظاهر گشته انعکاسش در دنو تجوید  
 نمایان و عیان شود صورتی در زبرد آرد آنچه در بالاسی چون این مصیبت  
 بعینها بر جمال قدم وارد پس باید صدمه از آن نصیب این عبد گردد  
 تا جدی اطنقی حتی اجسک مثلی تحقق یابد چنانچه در مناجات بیان مغیراً  
 و فی الحقیقه این فقره مناجات از لسان این عبد است قال و قوله  
 احق قد اخذتني الاضغان على شأن منع القلم الا على عن ابحرمان  
 و لسان الابي عن الذكر والبيان و قدر ايت يا الهى فى جبك ما لا رئت  
 عيون الاولين و سمعت ما لا سمعت اذن العالمين و قدر اى يا الهى  
 عبادك الذين نزلت عليهم البيان و خلقتهم لنفسى احب من مل  
 القبل كلها بحيث يفتخرون بخاتمك و يضر بونه على الالواح لا ثبات  
 رياساتهم بعد الذى اتى ارسلته اليهم لعل يستشرون لا فوغرتك  
 لم يكن خاتمك الا فى اصبعى و لا يفارق منى ابدأ و لن يقدر احد ان  
 يأخذ منى طوبى لمن يقرب ما نقش فيه من اسرارك المستوره و آياتك  
 الاحديه

۵۷۷  
الاحدیة وثناياک المستودع انتهى بینه البدیع ملاحظه بفرمائید  
که چگونه اینمبدر را از بلایا، وارده بر جمال قدم نصیب عظیم است  
آنچه بر آن مطلع انوار وارد بعینه بر این خاکسار وارد قد تخلبت  
دموع الملاء الاعلی لبلائی و ثببت زفرات اهل الملکوت  
الابهی لکربی و ابتلائی و اعین اهل سرادق القدس تذرف بالعبرات  
من حرراتی و اکید الملاء العالین تقفتت من احزانی و آلامی الهی  
الهی تری ایچ ناری و ضجیح سرئی و احتراق کبدی و شعله قلبی  
وکی احشائی و فیض دموعی و سیل عیونی و شدة کربی و بلائی  
و حرقة فؤادی و ابتلائی ایرت اکمنوالی فی المرصد و فوقوا  
الی سهام المفاسد و سلوا علی سیف العدوان من کل جانب  
و اطلقوا العنان و اشرعوا التنان و اغاروا علی هذا العبد  
الذلیل بکل طغیان ایرت لیس لی نصیر و لا ظمیر و لا مجیر الا انت  
و بقیت فریداً و حیداً اسیراً ذلیلاً بین اجانک و حیراناً فی امری  
کلماً انظر الی الیمین اری نبلاً طائرہ و انظر الی الیسار اری نصلاً

٥٧٨  
تتابعه والتفت الى الامام اجدسيوفا شاره واتوجه الى الخلف جس  
رامحافذه وارفع رأسي اري غيوماً متكاثفه واطرق الى الارض اري جبل  
واشراك متواصله وضعوا لي مصائد اولى العود وان تنى يرموني في اخدود  
النيران ويعذبوني باشدهوان اى رب وغاية رجائي اتضرع اليك  
وابتهل اليك وضجيجي يرتفع الى ملكوتك الابهي وصرخي يتصاعد الى  
ملك الاعلى ان تقرب ايام رجوعي اليك وورودي عليك ووجود  
مين يدك اى رب ضاقت على الارض برجها واشدت على  
الارزقة باسرها واحاططني جنود الشبهات من جميع الجهات وانما  
على جموع انحصاء منكل الانحاء انجذني بقبيل من الملائكة المقربين  
من ملكوتك الابهي وانضني بنزول جيوش متوتبين من ملك  
الاعلى كما وعدتني حين انذاك طور وجودي من تجلك على سيناء  
الظهور مشهد اللقاء واني مظهر القلب تقيين الفؤاد انك تنجز  
وعدك الحق وقولك الصدق يا محبوب من في الارض واسماء  
فاخلق انتم نفوساً زكية وقلوباً صافية ووجوهاً نوراً وجمالاً بيضاً

وسدوراً

و صدوراً منشرته بآیات قدسک یار بی الابهی و استناطه بذكر  
یا ذالاسماء الحسنی و کینونات لطیفه صافیة مستنبه عنک یارب  
السموات العلی لیقوموا علی نشر الآیات و اعداء الکلمه و اشار الیننا  
متمسکین بالمیثاق و متشبثین بعهدک یارب الرایات و لفتوح اقداح  
القلوب و معادل النفوس و یسخر الارواح فانهم جنود ملکوتک  
الاعلی یار بی الابهی اینعبد در ساحت اقدس جمال قدم از شدت  
عجبت و شرمساری سر بر ندارد و از کثرت قصور در حسرت فتور نیاید  
چه که بادستی توی و گناهی عظیم و ذنوب و عصیان و نسیان قائم  
در استانم و جز عفو و غفران لمجا و پناه ندارم ای یزدان بهر آن  
سراپا گنهییم و خاک رهیم و متضرع در هر صبح گنهییم ای بزرگوار  
خطایوش و عطا بخش و فابفر ما صفا غایت کن تا نور هدایت  
تابد و پرتو موهبت بیفزاید شمع خضران بر افروزد پرده عصیان  
بوزد صبح امیدد و ظلمت تو میدزائل گردد نسیم الطاف بوزد  
نسیم احسان مرور نماید مشام معتد گردد رویها منور شود توست

بخشده و مهربان و درخشنده و تابان انتهی ولی محمد نایم حضرت  
احدیتر که اهل فتور پس از پنج سال غور و شور و شور و شور قهصوری که  
بر این عهد وارد آوردند این بود که بکنایه و اشاره و عباره و تلویح  
و حال بتوضیح تفهیم کل بینمایند که ایغبد مدعی مقامی و شأنی  
و ظهور جدیدی و طلوع بدیعی هستم یعنی خود را مطلع وحی میدانم  
و مظهر الهام شرم و بنص کتاب الله وحی منتقن بحضرت علی  
و جمال مبارک است و تا هزار سال وحی منقطع و بعث مظاهر  
مخلع است پس بسبب این ادعای وحی کفر ثابت و حکم  
یبعث الله علیه من لایرحمه لایق چه که این متمم آیه من یدعی  
امراً قبل اتمام الف سنه کامله است باری چنین اقراء صحیحاً  
زدند و تمت شدیدی رواد آشتند و فتوای عظیمی دادند  
فنعیم ما قال طوعاً تقاضی اتی فی حکمه عجب افقی بشک دمی  
فی اخل و المحرم چون قلم در دست غداری قناده لاجرم  
آن یار برداری قناده باری در سنه صعود بعراق مکتوبی ارشاد  
گشت

گشت که مضمونش باین معانی مشحون علم ان العبودیة فی عقبته لیس  
 ای تاجی الوتاج و اکللی الجلیل و بها افتخر بین الملأ العالین  
 و همچنین صفحه مرقوم گشت که از عنوان تا ختام عبد البهآء بود  
 و مضمونش از این عبارات دآه بر فقر و فنا علم ان اسمی  
 عبد البهآء و لقبی عبد البهآء و لقبی عبد البهآء و کینونتی عبد البهآء  
 و ذاتی عبد البهآء و مسجدی الاقصی عبد البهآء و سدرتی المنقی  
 عبده البهآء و جنتی المآوی عبد البهآء و امثال ذالک  
 الی الانتهآء و این دو نوشته در عراق الآن بخط این عبد موجود  
 و همچنین مکتوبی که سه چهار سنه قبل بجناب آقا محمد علی المشهور  
 برجال الغیب مرقوم گردید صورتش اینست هو الابی  
 ای طالب صادق و جلیب موافق آنچه مرقوم نموده بودی  
 ملاحظه گشت و بنتهای دقت تلاوت گردید الیوم تکلیف  
 کل اینست که آنچه از قلم اعلی نازل آنرا اتباع نمایند و آنچه  
 بیان صریح و اوضح این عبد است احقاً دکنند ابدآ تاویل



۵۸۲  
و تفسیر نمایند و توحیح ندانند قسم بمرئی غیب و شهود نفسی  
تسوری نماید و یا تحطری کند سلب احتجاب او گردد و عدلت  
ارتباب شود اینست اعتقاد صمیمی حقیقی صریحی بدیهی اهل  
ملکوت ابی و سکنان جبروت اعلی که ظهورات کلیه که نقاط  
اولیه و شمس حقیقیه و مبادی فیوضات رحمانیه هستند  
منتهی بظهور اعظم و جمال قدم روحی لاقدام اجبانه الفدا شد  
تا قبل از موعده مذکور در کتاب الله یعنی الف سنه جمیع نفوس  
مقدس که موجود شوند ادلاء و عباد و ارقاء بل تراب آستان  
جمال مبارکند کل در نزد آن آفتاب حقیقی بمنزله سرج مستفیضه  
و نجوم مستیره استند که بشاعی از اشعه آن شمس حقیقت مستفیض  
گشتند کل عبادله و کل بامره یعلون سبحان الله چه نسبت  
بین تراب و رب الارباب و چه مشابهت است بین ذره و آفتاب  
جهاناب و اما اینجد مقامش عبد عبد البهاست و ذره ارحام  
آستان جمال ابی در ساحت اجبایش محو و نابودم و در آستان  
بندگانش

بندگانش ترا بلی وجود استغفر الله عن دون ذلک  
 یا اجبأ الله ولی این مطلب را بحال محبت و رأفت تفهیم کل بنیاد  
 نه بصف و زجر که سبب اختلاف شود عبد البهائم ملاحظه  
 بفرمائید که این عبد در چه مقام قائم و در چه فکر و اندیش مستغرق  
 بجز ملاحظه با قوت تأیید ملکوت ابی چون اضعف انس  
 فانی و محو و نابود و با ظهور قوت نصرت جمال ابی چون احقر  
 عباد در صقع وجود مشهود با وجود این اهل فتور چه قدر منفردی  
 و بجز که انشا می دهند این عبد نفوذ بالله مقامی فوق مقام  
 جمال ابی ادعا نموده و این قضیه بر اهل فتور گران آمده  
 الی انت تعلم و تشهد و تشهد بان طینة عبدک محرمة برآء الیه  
 لعنتک العالیه و جلة رقیقک مرسیة بروح الفناء و المحویة  
 فی حضرتک القدسیة و حقیقة عبدک کالطفل الرضیع قد وضع  
 من ثدی العبودیة و نما فی حضن التنبه لطلقک المنیره و نفا  
 فی حجر التفتح للبطنک التزمیه مع ذلک کیف سلوا یوسف

السنتم الموافقه على عبدك <sup>۵۸۴</sup> ورشقوا سهام اظعن المسمومه  
على ابن امك ايرت افتح بصيرتم وطيب سريرتم <sup>اظف</sup>  
ولطفوا ظنم وخواهرهم وادبهم الى المنج القويم وصرطك المستقيم  
انك انت الكريم الرحيم باري ملاحظه فرمائيد كه اين قضيه بعينها  
بر جمال قدم در عراق وارد كه صد هزار تير طعن بر سينه مبارك  
زدند و مفتر ياتي چندين اعلان نمودند كه ما سرا از ماء معين محروم  
نمايند و از نور بين محجوب كنند چنانكه در مناجات قلم بيان ميفرمايد  
بل قضيت على مالا قضى على احد من قبلى واجريت مالا يجرى على  
نفس من بعدى ولكن لن يعرفه احد دونك ولن تحصى نفس  
لواك لانك كمال تعرف بالابصار وكذا لك فضلك لا يدرك  
بالافكار وانك انت العزيز الجبار ونزل كل ذلك حين است  
اسمعتنى اختلاف عبادك فى شأنى بعد الذى ما قدرت لى من  
شان دون العبودية لفسك وانخسوع لى باب رحمتك  
وانخسوع عند ظورات انوار وجهك لانك لم تنزل كنت سبطاً  
عند

٥٨٥  
على ولا تزال كنت عبداً لوجهك وكنيت بالملك لنفسى وكنيت ملوكاً  
وذليلاً عند جنابك وحقيراً لسلطنتك ومعدوماً لدى ظهور قدرتك <sup>منقوداً</sup>  
عند تجلّى انوار عزّازتيتك رغماً للذين يريدون ان يفسدوا في ضحك  
ويعلون في بلادك ويحدثون في الملك ما لا قدرت لانفسهم ومراتهم  
فسجانك سبحانك عن كل ذلك وعن كل ما وصفتك به لانك لا تدرك  
حتى تذكر بالوصف ولا تعرف لكى تدرك بالنعته بل ان عبدك هذا يكون  
عبداً لمن يعبدك وساجداً لمن يسجدك وخادماً لمن يكون خادماً لنفسك  
وخاضعاً لسلطنتك ومعيناً لمن يطلبك وناصراً لمن ينصرك في ما لك  
ويريد نصرك في بلادك فوعزتك لم اجد لنفسى عزّاً اكبر من ذلك  
ولا رتبة اعظم من هذا ومن كان في قلبه وله من شوئك وشغف  
في حبك يعرف حبّ الذى شرفتنى به من جواهر حمتك ومجربك  
وليستش من هذه الورقة الوردية ارياح حديقه البقاء والطياب  
مدينة الوفاء ويشهد كيف يحرق ويذوب هذا الشمع في مصباح  
قلبه فيما ورد عليه ونزل في امر مولاه انتهى باري اينعبد باين

عبودیت عظمی در کمال خجوتیت و قادر آستان اقدس قائم و چون ذره  
 مفقود و معدوم و نابود در مقام بندگی ثابت و راسخ و دائم هیچ سہمی  
 نخواستم و خویش را بسیج لقبی نیاراستم و ادعای وحی نمودم حتی  
 خویش را لہم نخواذم نہ مستضیی دانستم و نہ مستنیر نہ مستشرق نہ مستبصر  
 در جمیع احیان خود را جاسس نامیدم و در بین ناس خود را باین اسم  
 شہیر نمودم بلکہ منتہای آرزوی این عبد انعدام صرف و فناء بحت است  
 کہ بینام و گنام شوم و بی اثر و بینشان گردم تا بحقیقت عبودیت  
 کہ عدم بحت و فانی صرف است متحقق شوم ولی باضاف  
 ملاحظہ نمایند کہ نفوسیکہ افتری باین جد رواد استند چه ادعای  
 نموده اند و چه عہدہ ناکرده اند و چگونه دعوائی نکلور جدید نموده اند  
 و چه قسم ادعای نزول آیات و وحی کرده اند بتسمی تعجیل  
 نمودند کہ فرصت صعود بجال مبارک روحی لمرقدہ المطرفہ اندادند  
 در وقتیکہ آن شمس حقیقت در افق مبین طالع و لاج و سلطان  
 ملکوت توحید بر سر بر تفرید درخیز شہود جالس پر تو آفتاب اوج  
 غرت

غرت شرق و غرب را منور نموده و نیز اعظم باشد اشراق البصار  
 را خیره فرموده در چنین وقتی و چنین روز فیروزی اظهار وجود نموده اند  
 و علم ادعا بر افراختند و دعوی وحی نمودند و چنان عربه معموده در  
 قزوین اذاعتند و توقیعات نوشتند و عبارات خود را آیت  
 الهیه خواندند و خویش را سلطان روح نامیدند و چون از این  
 تقویات و حرکات آشوب و قلند در قزوین برخاست  
 تو قیغ ساطع چون سیف قاطع صادر گشت قوله جل ذکره  
 اگر آبی از ظل امر منحرف شود معدوم صرف بوده و خواهد بود آنته  
 و این سواد کلماتیست که بخط و هر مدتی عیناً موجود هو العزیز  
 ان یا علی اسمع ذآلی و لا تکن من الغافلین قد انزلنا الیک  
 کتاباً بلسان عربی مبین و ما ارسلناه لکم من ینالنا الا الذین  
 انقطعوا عن کل من فی السموات و الارضین فوف نرسله  
 عندک اذا شاء الله و اراد و انما من الله الا هو حکم مایشاء و ان  
 السلام حکیم هر محمد علی هو البدیع فی افق غز فنیج ح ع ب

٥٨٨  
تبارك الذي ارتفع السموات بغير عمد واستوى على الماء  
عشره وانه بكتشي شهيدا وانه لاله الا هو وانه بكل علم علما  
قل يا هجد اتبع ما ينطق لك الروح بلان صدق عليهما ثم  
ابغ الناس بهذه الآيات ليذكروا في انفسهم ولن يتبعوا خطوا  
كل كافر اشيما قل يا قوم آمنوا بالله الذي خلقكم ورزقكم ولا تتصوا  
به على قدر نقيرا و قطيرا قل يا ملا لم تكفرون بالله باركتم <sup>تصرون</sup>  
بهذا الآيات لان هذا قد نزل من عند الله المقدر العليم الحكيم ثم  
قل يا قوم تالله قد طر عنفوانه في الارض وفر منه كل حمير ذي  
رجلين وملا قلوبهم من نيفة الله المقدر القديرا وما امن احد  
منهم اياكم ان لا تكونوا بمثلهم مشركا مرتدا كفورا الى ان قال ثم  
اشرب ما يتيك ساقى الروح من هذا الكوب الذي كان من ذ  
الايقان مصنوعا ثم ارزق من ثمرات هذه الشجرة التي غرست  
فينذ استينا، بيد ربك العليم المحليم الحكيم الرحيم ثم قل يا قوم  
اسمعوا نداء هذا الذي ظهر بين السموات والارض ويقول بان  
يا قوم

يا قوم امنوا بالله الذي خلقكم بامرہ اكونوا بتولہ سماعا سماعا سميعا وبجبالہ  
 بصارا باصراً بصيرا و بجلالہ نظارا نظاراً نظيراً الى ان قال وانه توأبا  
 كريماً علاماً رجياً من النبيل قبل علي مر محمد علي هو الله الارفع الابهى <sup>علي</sup>  
 ذكر الله عبده علياً يستقيم على امر مولاہ و يكون برتبه صديقاً الى ان قال  
 ان يا عبدا سمع ذأى ثم انقطع عن نفسك و هواك و وجهه بنظر مولا  
 وان هذا القول الصدق ان انت له سيعا و الروح عليك و علي  
 من استشرق من هذه النور الذي ظهر عن هذه الشمس التي كانت  
 في قطب الزوال مضيئاً عبد الله العلي محمد علي ما نزل على فؤاد محمد  
 قبل علي ان يا غلام الروح اسمع ذأ، ربك الكريم عن هذا المنظر  
 العظيم الى ان قال ثم ابلغ الكائنات الى مولاك فمن صدق بقولك  
 و آمن بآيات الله بشره بلقاء ربك الرحمن الرحيم و من كفر فانه ذرته بنا  
 و ان ربك سيجزيه عذاب عظيم و ما عقبى الظالمين الا العجيم و الله  
 مخبر عليم قل يا عبدا سمع ما ليك قلم الامر في آخر اللوح ان استقم  
 على امره ان يطر علي رأسك التيف لا تتبع خطوات الشيطان



واشجع من الرحمن وانه لاله الا هو وانه لسلطان حق بينا ثم  
 اشكر ربك بانه يضرک بنصره وانه ينصر من ايشا، وانه لعلی کل شیئ  
 شهيدا وانه لنا صر كل عبد فسير والروح والتكبير والبهاء عليك  
 وعلى كل مؤمن نيا ما نزل على فؤاد محمد قبل على هو البهي الابهي  
 في الافق الاعلى ع م ص سجان الذي خلق كل شئ بمقدارهم  
 وانه لعلی كل شیئ قدیرا وانه لاله الا هو وانه لعلی كل خلق عینما  
 ان يا قوم آمنوا بالله وصدقوا باياته بانه لاله الا الذي فطر السموات  
 بغیر عده واستوى عليه عرش العلی عظیما قل يا قوم اسمعوا انك  
 وكونوا على صراط الله قائماً مستقيماً يا ملا آمنوا بالله الذي خلقكم  
 وززلكم وصوركم وانه بكل شیئ شهيدا له انخلق والامر من قبل  
 ومن بعد وانه لسلطاناً مقتدراً عزيزاً عظيماً كبيراً ان يا ملا السبيان  
 اسمعوا اني ولا تكونوا كالمذابح الفرقان كافرأ مرتدأ اشيما ثم اشهدوا  
 بانه لاله الا هو وانه لسلطان حق بينا يا قوم اسمعوا اني ولا تكفروا  
 باياته وبيئاته بانه قد خلقكم من قبل من قطرة ماء وطینا آمنوا

بالله يا ملأ المشركين ولا تكذبوا بهذا الآيات لأن هذا قد نزل من عنده  
 المقدر العليم القديرا وأنه لا صرف الطوفان عن فلك النوح وأنه  
 لا صرف ريح العاصف عن الهود والذين معه وأورد المشركين في أيهم  
 وأنه جعل ناراً تخليل رضواناً وأنه لا غلب على التبرود بعوضه من السماء  
 قتله وأنه لجعل البحر لبني إسرائيل سبيلاً وغرق الفراعون وملك كلمهم  
 أجمعين وأنه لا رسل على المخلوق من عنده إلا نبيا حتى يدعو المخلوق إليه  
 وأنه لقادر عليهما يا قوم هذه آيات الله لا تكفروا به ولا تقرضوا بالله  
 نازله هنيئاً لمن صدق به ويشهد بأنه لا اله إلا هو وأنه لعل كشيئاً قديراً  
 إن يا معشر البشر تالله قد اشرق شمس الله الأكبر وانتم اعرضتم  
 عنه وكنتم من اصحاب الكفر وأنه لا اله إلا هو وأنه لسلطاناً مقدر  
 وكل خلقتم بقولي وأنه لعل قاهر مقدر لا اله إلا هو وأنه لسراً لله  
 المستر قد ورد في الجحيم كل من اعرض به ثم ادبر ان يا ملأ المشركين  
 لم تفتنون من هذا المشرق الا نور تالله لم يكن لاحد مفراً لا اله الا هو  
 سبحانه وتعالى عما يصفون هو لا الكفر فسجناك اللهم يا اله انت الله

خلقنی و رزقتنی و انک تقادر مقدر یا من لاله الا انت فاطر  
 لنا سر المستر و انک سلطان ملک الواب لن تنهر قل یا قوم ته  
 قد ظهر لطور الله الاکبر عن مشرق القدس کشمس لارج انور و کشف  
 النجاب عن وجه الاطر و انزل کل الشمس و الاقمار و النجوم النور  
 اکبر بل انه سلطان السموات و الارض و انه لنور الله الانور بل ان  
 عنده من کل صغیر صغر قل یا طاء البیان الیوم قد غفر الله ذنوبکم  
 الذی کان بکل شیء علیها ایاکم ان لا تقروا علی کافر و المشرکین من  
 قبل و لا تقولوا فی حقی بانک درست کما قالوا الکفار اذ جاء علی حق  
 بایات الله و بیانه خافوا عن الله و لا تقروا علی و انی کتبت هذا لکل  
 حین الذی کنت صغیرا یا قوم انتم کبراء فی الارض ایاکم ان تختلفوا  
 فی الدین و کونوا علی صراط الله قائماً مستقیماً  
 و مکتوب دیگر چون مفصل بود این مختصری از آن است که نوشته میشود  
 قل یا قوم انی سمندر ناری امشی فی النار و اکل من النار و اسیر فی النار  
 و ان مقصودی من النار هو حب الله المبین القیوم و من اکل النار  
 هو اکل

هو اكل معارف ربّي و المشي في النار هو المشي في سبيل حبه و اهير  
 في النار هو السير في درجات ثوابي و جذلي الي مجولي الباقي المحبوب  
 اذا لا تقتلوني باسياف شرلكم اتقوا الله و لا تنكروني و لا آياتي التي  
 اوحيت الي من عند ربّي و انزله على لساني و نطقت بها في ايام حجري  
 اذا فارحموا امّتي و لا تقطعوا راسي بسيوف النفس و الهوى و هذا ما  
 نصحّكم به بما امرت من لادي الله المقتدر القيوم ان انتم تسمعون  
 حال اي اهل انصاف قد رى انصاف دهميد نفسي كه نوشته است  
 و اضحاً مشهوداً قل يا قوم بالله قد ظهر ظهور الله الاكبر عن مشرق القدس  
 كشمس لا تح نور و كشف النقاب عن وجه الاطر و انه من كل السموس  
 و الاقمار و النجوم انور و اكبر و همچنين بل الشمس عنده من كل صغير  
 اصغر و همچنين كل خلقتم بقولي و همچنين و لا تنكروني و آياتي التي  
 اوحيت الي من عند ربّي و انزله على لساني اين نفس اعراض برنفسى  
 كه خويشرا عبد عبد بها، خواند مينمايد كه تو دعواى الوهيت نمودى و خود را  
 صاحب آيات و وحى دانستى و شريك جمال قدم روحى له افدا

شده دی ای منصفین انصاف دهید ای بی بصران قدری تبصره  
 امور نماید کسبک طینتش و فطرتش بیا، حیات عبودیت جمال قدم  
 مخمّر متهم باد عاست و نفسیکه واضحاً مشهوداً در آیام مبارک ادعا  
 نموده و در حقش نازل شد که اگر آنی از ظل امر منحرف شود معدوم  
 صرف خواهد بود این شخص حال مثبت توحید شده و قولش میزان گشته  
 و مرکز میثاق که کل مامورند حتی این شخص با طاعتش نهان و مضطهد  
 و مبعوض فاعلبر و ایا اولی الالبصار بر مان از این واضحه و دلیل  
 از این لا تحتر لا والله و لکن لا تقنی الآیات والنذر ولو تا تهیم بکل  
 آیه لن یؤمنوا بها ملاحظه نمایند که امر چگونه بر اشتباه است و قرا  
 بچه در جاست قسم بان روی و خوی مبارک جمال ابی روستی  
 لعباده الفدا که جمیع مترزلین عکاً بحتی الیقین میدانند که اینعبد در عالم  
 روح و قلب و قواد و کینونت هیچ آرزوی جز عبودیت جمال  
 ابی نداشته و ذارد یعرفون نعمته الله ثم ینکرونها ولی مترزلین  
 هر یک در هوای پرواز مینماید و هر یک راهوس اوج و سمانی  
 ای رب

ای رب تقسیم و تشدان هذا المتذلل کتب بوجه علی التراب  
ویناجیک فی خفیات سره و یقول الی الی حققتی بعبودیة عقبک لطلبه  
الطاهره و ثبت رقیبتی بحضرتک المقدسه العاطره و اجعلنی فانیاً فی سآه  
احببتک الرحیبه و قانماً فی رحبه ارقا ک الفیحه ای رب قد  
لی الفناء، لجت و الاضمحلال الصّرف فی امرک حتی ینذک طود و جود  
عند جودی بیاب احدیتک من سطوات آیات فردانیتک و یضجل  
حقیقه ذاتی عند مناجاتی بفناء حضرت ربوبیتک ای رب لیس  
لی نارا شد من بقائی عند ظهور آیات توحیدک و لیس لی  
بحجیم اعظم من وجودی عند تملک انوار تفریدک ای رب خلصنی من هذه  
الورطه الموحشه و نجی من هذه اللجه المدمشه انک انت الکریم  
انک انت الرحیم یاذا الفضل العظیم باری ملاحظه فرما یدک که این عبد  
در چه عالمی و مترزلین در چه وادی شتان بین مشرق و مغرب  
هرگز انوار چنین عبودیتی مستور نماند و شمع چنین محبتی خاموش نگردد  
امواج چنین بحری ساکن نشود و محبوب چنین نسیمی مقطوع نشود فابل

ما هم بعلوم ملاحظه فرمائید که مترزلین هر یک از دوستان ارض مقدسه  
 را میگویند که با انواع وسائل مترزلزل نمایند و با طرفین نویسند که بنجد  
 بر خرف دنیا نفوس را بیثاق الهی دلالت مینماید شما را بحق قسم میدهم  
 در آن سفر که باحت اقدس مشرف شدید در نزد اینعبداً آثار خرف  
 مشاهده نمودید و اینعبداً را با این هوسها مبتلا دیدید و یا مترزلین را  
 این دائم روش مترزلین بود و الا نیز واضح و مشهود جمیع  
 داخل و خارج میدانند خلاصه شخص کرمی نوشته یکی از اجاب  
 که مبلغ سیصد تومان بفلان یعنی شهادت داده شده است که ثابت برین  
 شوید و الا آن خط آن شخص حاضر و موجود و کله از این عهد نموده  
 این کیفیت اگر چنانچه بر کل مشته باشد بر شما که مشته نمیشود که کذب است  
 ملاحظه نمائید که بچه افترا میخوانند که بنیان میثاق براندازند هیئات  
 هیئات بنیان میثاق از زبر حدی است و اساس پیمان تائیس  
 خداوند مجید اگر جمیع من علی الارض جمع شوند و بقوای وجود قیام نمایند  
 در این اساس متین رخنه نتوانند قدری ملاحظه نمائید که ملوک بنی امیه

بچودائس و وسائس برخواستند و چه روایت کذب از بعضی  
 از اصحاب حضرت ترتیب دادند و چه ولوله در عالم انداختند  
 و چه فتنه بر پا نمودند بتسبیح نازره فساد و غناد بغان آسمان  
 رسید و بقوت حکومت نفاق را در آفاق منتشر نمودند و جمیع خلق را  
 بر بغض من گشت مولاه فندا علی مولاه دلالت نمودند تا آنکه  
 آن مظلوم را مقهور نمایند حضرت امیر طعمه شمشیر شد و حضرت  
 سید الشهداء ۴۰ ف صد هزار تیر بغض گشت آل و حریش تنگ  
 و اسیر شدند و هفتاد سال در کل منابر اسلام سب و لعن  
 آن جمال غیر نمودند با وجود این عاقبت چه شد حضرت امیر  
 چون بدر غیر تابان شد و تر شهادت حضرت سید الشهداء  
 آفاق را غنبر بار کرد چشمها در مصیبتش گریان شد و دلها سوزان  
 گشت خاندان اموی بر افتاد و دودمان سفیانی محو و نابود  
 شد حتی ابناء نفس اعداء بنگوش آباء و اجداد برخواستند  
 نور تقدیس بتابید و ظلمت تبلیس محو و نابود شد و جآء الحق



۵۹۸  
وز اهل الباطل تحقق یافت منکری باقی نماند و معرضی استقرار  
نیافت با وجود آنکه نه عهد و میثاقی بود و نه پیمان و ایمانی  
بلکه حضرت فرموده بودند که هر کس مرادوست دارد باید  
علی را دوست بدارد حال در این کور عظیم ایمان و پیمان الهیت  
و عهد و میثاق حضرت ربانی جام است که بید جمال است  
در بزم الهی بدو برآمد و نوشا نوش در گرفت هر کس مست  
آن صبا شد با آنک ملکوت الهی لکن امجد یار ربی الاهی گفت  
و هر کس محروم شد هر روز بهانه جست و هر دم بدام و دانه  
افتاد نه نصیحت تأثیر داشت و نه ملاحظت تغییر داد عاقبت  
در غمات نقض مستغرق شد و در بادیهٔ رفض سرگردان گشت  
ای اجبای الهی ملاحظه فرمایید که نص عهد الهی متروک و معمول  
و قول عمر و عمر بن عاص کیفینا کتاب الله مقبول فاعتبروا یا اولی الابصار  
و همچنین عند اختلاف مرجع منصوص مخصوص در کتاب عهد مرکز  
میثاقست و مبتین آیات نیز آفاق و حال مرجع و مبتین سایر

جہات و حال آنکہ بعض صریح کلمہ نامور بتوجہ علی الخصوص  
۵۹۹  
اخصان و افان و آل حال بعوض توجہ رد بر مرکز مشاق مرقوم  
می‌شود و نشر در آفاق میگردد فانتہوایا اصحاب القلوب  
آیا بجان میرفت که بعد از نص صریح کتاب اقدس که همین برکت  
کتاب است و سلطان مبین کتاب عهد که مبین کتاب اقدس است  
دیگر کسی اشتباه نماید و یا نفسی رخنه نماید لا والله حال آیت  
صریح کتاب اقدس نیستی باشد و نص قاطع کتاب عهد اضنا  
اصلام گشت و قول عمر شریعت الله شد و دسیه عمر و بن عباس  
روش و سلوک عام و خاص گردید میگویند آیات الله میزان است  
که میگوید نیت لکن از برای این آیات مبین منصوص مخصوص تعیین  
شده نه آنکه هر مغفل مبغضی و یا جاهل طالب عوض دخل تصرف  
در آیات الله نماید و بهوای خود معنی نماید لا یعلم تأویلہ الا الله  
والرآخون فی العلم حال را نسخ در علم بموجب نص صریح کتاب  
عهد و کتاب اقدس واضح و مشهود بدو وجود این چگونه جائز که

مبغوض و متروک گردد و ابو شعیون و ابو هریره و مالک مبین کتاب  
و مجتهد العصر و الزمان گردند ای احباب شمارا بخدا قسم تبسم نماید  
اذا غیض بحر الوصال و قضی کتاب المبدء فی المال تو جهوا الی من  
اراده الله الذی الثعب من هذا الاصل التدریم منوخ گشت  
و حسبنا کتاب الله عمر شبت شد و آیه مخصوصه با اهل الانشاء  
اذا طارت الوراق، عن ایک الثناء، و قصدت المقصد الاقصی  
الاضفی ارجوا ما لا عرفتموه من الکتاب الی الفرع المشعب من هذا  
الاصل التدریم همول و فراموش شد و دسیه عمر و بن حاص  
که قرآن سر نیزه کرد و مذعوکم الی کتاب الله گفت مقبول و معمول  
شد و وصیت الله انکه باید اعضان و افان و منتسبین طرأ  
بعضن اعظم تا نظر باشند النظر و اما انزلناه فی کتابی الاقدس  
اذا غیض بحر الوصال و قضی کتاب المبدء فی المال تو جهوا الی  
من اراده الله الذی الثعب من هذا الاصل التدریم مقصود از این  
آیه مبارکه که غضن اعظم بوده کذلک انظرنا الامر فضلاً من عندنا

و انا

٦٠١  
و انا الفضال الکریم از لوح قلوب محو شد و روایات کعب اخبار  
مشهور اقطار شد و البهائم علیک و علی من یحکمک و یطوف حولک  
و الویل و العذاب لمن یخالفک و یؤذیک هباءً منبثاً و اقول  
هر بی تکلیف منتشر در روی زمین گردید طوبی لمن والا ک و السقر لمن  
عداک فستی هر خس و خاشاک شد و عبثوا حق بمنزله خواجده لولا  
گشت و هو انما طق علی ما یت، یا غصنی الاعظم قد حضرتدی  
المظلوم کتابک و سمعنا ما ناجیت به الله رب العالمین انا جعلناک  
حرزاً للعالمین و حفظاً لمن فی السموات و الارضین و حصناً لمن آمن  
بالله الفرد انجیر نسئل الله بان یحفظکم بک و یغنیهم بک و ینکم ما  
کیون مطلع الغنی لایل الاثاء، و بحر الکریم لمن فی العالم و مشرق الفضل  
علی الامم انه لهو المقدر العلیم الحکیم و نسئل ان یتقی بک الارض  
و اعلیها لتثبت منها کلاء الحکمة و البیان و سبلات العلم  
و العرفان انه ولی من و الاله و معین من ناجاه لا اله الا هو  
الغزیز الحمید از افکار زائیل شد و حکایات و قصص مؤتلفه ورد

۶۰۲  
زبان حاضر و غایب گردید و امثال این بسیار حال نقص کتاب  
اقدس و صریح کتاب عهد که اس اساس شریعت الله و دین الله  
و حکم الله و امر الله است مجبور و ممول و غیر مذکور و اموری مشهور  
و منشور که حتی اهل قبور از آن منفور تا چه رسد باصحاب رب غفور  
ای خدا تو بیانی که در چه عذاب و بلائی گرفتارم و از چه درد و <sup>مصلحت</sup>  
مصنوب و بیقرار یار و اغیار هر دو تیر و کمان کشیده و آشنا <sup>بکار</sup>  
هر دو بهانه بسته بلکه یار همش مسمومتر از اغیار و آشنا زخمش  
شدتر از بیگانه ایپروردگار تو گو ای که درد هر یک را درمان بودم  
وزخم هر یک را مرهم دل و جان هر یاریرا طبیب و پرستار بودم  
و هر بیقراریرا جیب اشکبار هر دلشکسته را سبب تسلی بودم  
و هر ماتم دیده را وسیله تغزی هر مسمومیرا دریا ق بودم و هر مغمویرا  
علت سرور در آفاق خادم کل بودم و صادق کل غمخوار کل بودم  
و دوست غمگسار کل و چون مبتلا بهجران جمالت گشتم و در وادی  
حرمان اقدام و بنیران فراق بوختم و چون شعله آتش برافروختم  
مرهبی

مرهمی ندیدم جز صد هزار تیر بر تاب داروئی ندیدم جز صد هزار  
 خروار زهر سریع الاطلاق ایپروردگار تو بیامرز و عفو فرما چه که نادانند  
 و صبیان کودکان و بیخردان شب و روز این عبد بخدمت  
 امرت مشغول و آنان در صد اذیت عبادت که بتدبیر و تعمیق چفته  
 برپا نمایند مختصر اینکه از اول ابد ابع تا بحال چنین عهد صریحی و پیمان  
 واضحی و میثاق آشکاری واقع نشد و ظهور نیافت و همچنین نقضی  
 و چنین نکستی دیده و شنیده نشد بلی عهد و واقع ولی در ظل شجره انبیا  
 نه و در سایه سدره منتهی نه و مرکز میثاق مجبول بود و مرجع پیمان  
 غیر معروف ابداً تصریح و توضیح نشده بود بلکه با اشاره آتوم  
 کشته که در او اقرار ایام شخصی ظاهر گردد با علامات عظیمه آسمانی  
 و شروط شدیدة قهر و سطوت نامتناهی و او مرجع این عهد است لکن  
 در این کور عظیم و دور مبین چنین نه بلکه مرجع میثاق مشهور آفاق  
 و مرکز پیمان معروف اهل جهان ابداً لگان نیرفت که چنین فتنه  
 و ولوله در میان افتد و چنین اشتباه کاری پیش آید نیست

که میفرماید روحی و روح الوجود لا تجاء الفدا قوله تعالی اهل کین بعد  
 اشراق شمس و صیبتک من افق اکبر الواحک ترزل قدم احد عن صراطک  
 المستقیم قلنا یا قلمی الاعلیٰ یعنی لک ان تشتغل بامرت من لودی<sup>الله</sup>  
 العلیٰ العظیم و لا تسئل عما یدوب به قلبک و قلوب اهل الفردوس  
 الذین کانوا حول امری البدیع لا ینبغی لک ان تطلع علی ما سترناه ان  
 ربک لهو استار العظیم ملاحظه بفرمائید که چه میفرماید آیا ممکن است  
 که بعد از اشراق شمس و صیبت تو از افق بزرگترین الواح دیگر  
 قدم کسی بغزد یعنی دیگر نفسی نقض میثاق کند پس میفرماید ای قلم  
 اعلیٰ آنچه ما موری مشغول باش و سوال کن از چیزیکه دل مبارک  
 از آن میوزد و مبدگ ازد و قلب غیر اهل فردوس از استعاش  
 خون میگردد سزاوار نیست اختلاص شود آنچه بعد از شمس و صیبت  
 واقع خواهد شد و ما ستر نمودیم و پروردگار ستر عظیم است ملاحظه  
 فرمائید که جمال قدم روحی لا تجاء الفدا که چگونه اخبار از وقوعات نقض  
 و کث فرموده و قلب مبارک چگونه محزون بوده حال ملاحظه کنید  
 که تیر

که تیرجفا چگونه از جمیع جهات پیرانست و آتش فتنه چگونه سوزان  
هنوز از صعود چذروزی نگذشته بود و قمیص مبارک هنوز تر بود  
که در روزنامه ناقص و اختلاف را اعلان نمودند از جمله روزنامه  
اختر بجزرد و صول خبر صعود اختلاف فراینز اعلان نمود ملاحظه فرمائید  
چه قدر اهل نقص سریع التکث بودند فسوف تری اننا قسین فی خسرا

مبین و الحمد لله رب العالمین ع ع معابد

هو الله

بواسطه حضرت افان سدره مبارکه جناب میرزا بزرگ

شیراز جناب میرزا محمد ابراهیم علیه بهاء الله

هو الله

اینه الهی اثر کلک آن ثابت بر چاین سبب روح و ریجان گردید  
مضمون بیع بود و معانی مطبوع و شیرین چه که دلالت بر جوهر بیت  
میکرد و حکایت مراتب عشق و محبت مینمود سبحان الله صعبایین  
چون در خمیانه محبت الله پرورده شود چه نشسته خوشی دارد و پیوسته

خطاب سبب بعضی مبارک





گردند تا از شیراز شننازی بلند گردد که آذان اهل آقا قرامتذ  
 نماید و قلوب شرق و غرب را با اهتر از آرد نخل سعید را در  
 جفا در مدرسه ای نهادم و تحصیل سان و علوم مشغول هست

ع ع

هوائه

ای غدلیب حدیقه معانی اشعار فصیح معانی بدیع داشت  
 و در شای آستان اسم اعظم جامع جمیع صنایع شعریه بود  
 یاران و اماند رحمن در نهایت وجد و سرور ترتیل و ترنیم نمودند  
 این عبد با عدم فرصت بنحط خویش تحسین مینگارد عید رضوان  
 چون بدایت اعلان ظهور من یطره الله بود و جمال قدم با وجود  
 آنکه نفی و سرگون بودند در کمال سرور و عظمت و عزت الهیه  
 در باغ نجیب پاشا در خارج عکاء، تجلی و اشراق بکل آفاق  
 فرمودند و جمیع اعناق خاضع بود و کافه اصوات خاشع  
 لهذا این ایام بسیار مبارک است اجاباید نهایت وجد

من بیج

نظاریک

و سرور مجری دارند سبحان الله الی الان در هیچ تاریخی  
 دیده نشده است که با وجود آنکه حرکت اسم اعظم از بغداد  
 بعنوان نفی و سرگون بود ولی بدرجهائی عزت و اقتدار  
 و عظمت حضرت کبریا، ظاهر و آشکار بود که والی و مشیر  
 نامق پاشا با جمیع ارکان ولایت و امرآ، لشکر کافه خاضع  
 و خاشع بودند و نه الغزاة من قبل و من بعد مشهود جمع نظر  
 و انصار بود کافه دوستان را بجهت حلول این یوم مبارک  
 از قبل عبدالبهاء تحت ابداع ابی و تنبیت کبری ابلاغ

دارید و علیک البهاء الای ع ع

اقا میرزا عبدالحسین در حیف در مدرسه معتبری بتحصیل لسان عرب

و فرانسوی مشغول است ع ع

هو الله ش جناب مشدی سکر الله علیه بهاء الله الای

هو الله

یا من سبحن فی سبیل الله مع من استشهد فی سبیل الله ان

الذی

خط مبارک

٣٤٩  
الذي مثل من سلاف الشهادة الكبرى يخاطبك من الرفيق  
الابى ويقول يا صاحبي و خديني و قريني في التجن عليك التجة  
و الثنا، و عليك الرحمة و البهاء من هذا الملاء على قبيل  
الشهداء و جيش السعداء فوعزتك لما ضيقوا على الفضا، و عالمي  
بجها، و اخر جوني من سجن النقمة العظمى و ربطوني بفيم جيمي ناري  
ينفت بالثيران فانفجرت تلك المواد البخيمية انفجار الجهنم الحمراء  
و اعدت كهوت الرعود في الاصفا و طيرتني في الهوا،  
كالكرة المذفحة الى الغلى و تلاشت منى الاعداء، و تناثرت  
منى الجوارح و الاجزاء، لعمرك ما دركت حالي الا و اناني  
الافق الاعلى جاباً على سرير العزة الكبرى في الملكوت الاعلى  
مكلاً باكلين السلطة العظمى و مجتلاً بتاج الموهبة الكبرى مظلاً  
بنعام رحمة ربك الكريم متمتعاً بالمشاهدة و اللقاء، لعمرك يا خليلي  
المجوب ان المحوريات من بجوحة الفردوس اخرجن رأوسهن  
من الغزفات و همفن بابع النغمات و نطقن باحلى كلمات

و قن طوبى لك يا ايها الشهيد السعيد بشرى لك يا ايها  
 القليل المجيد في سبيل الله تالله ان اهل حظائر القدس  
 احتفلوا بقدمه و اهل حدائق الانس استبشروا ابو فوده  
 و هو الآن في بجموحه ابجان بين جاض و رياض يفسر آيات  
 الرحمه الكبرى و يشرح صحيفه الموهبه العظمى بين الملائك  
 و السلام عليه يوم دخل في النشأة الدنيا و يوم استشهد  
 في سبيل الله و نال النشأة الابدية الكبرى انه لبا الاق اعلى  
 في ظل السدره المنقى طوبى له ثم طوبى ع ع

از جهت شدت عسرت مرقوم نموده بوديد بكارى چون <sup>موت</sup>  
 گرديد انشاء الله باب رزق مفتوح ميگردد و بدون تثبت <sup>آب</sup>  
 شته الله جارى شده است مادر روضه مبارک دعا خوانايم نمود و <sup>آب</sup>

ع ع عليك ع ع

هو الله

لا هيجان جناب اقا محمد تقى صهر حضرت غدليب  
 عليه

۶۱۱  
علیه بهاء الله الاهی

هو الله

۵۷۸

ظہارک

ای ریب حضرت عنذیب از حضرت دوست استقامت  
شب و روز اینست که دوستان راستان را ثابت بر عمد  
و پیمان فرماید و رانج بر میثاق حضرت رحمن چه طوفان  
امتحان شدید است و لوح سنده شاد عبره لناظرین پس  
ای سرمت صہباء، الست بنطق و بیانی موافق باش که چون شعبه  
ساطعہ بحجاب و ہم ہر مترنزی را خارق و چون نور بارق باشی  
مظہر تائید گردی و مطلع توفیق و مشرق انوار توحید و بہا

علیک ع ع  
ہن بہ

بواسطہ حضرت عنذیب هو الله

ش جناب خواجہ محمد رضای کازرونی علیہ بہاء الله الاهی

الله الاهی

۵۷۹

ظہارک

الحمد لله الذی اصطفی و اجتبتی نقوساً قدسیۃ رحمانیۃ و حقانی

النسبة نورانية وجعلها آية التوحيد وسمة التفريد وارثية الإلهية  
 وجرثومة العرفان والحيثية والشأن على النور الساطع في دائرة  
 معدّل النار والكوكب اللامع في خط الاستواء، جماله الاعلى ونفسه  
 الاولى وعلى كل فرع انجذب الى الاصل بقوة مغناطيس  
 الهدى وعلى الاجباء الذين حصر والافكار الى الملكوت الاعلى  
 يا ايها النفس الزكية توصل باوثق العرى وتعلق باهداب  
 رداء الكبريا وانطق بالشأن على ربك الاعلى وادع الى  
 الافق الاسمي واحمى الناس بروح انبثق من ملكوت  
 الابى تائه اتحق ان اتحق ظهيرك وربك مجيرك ومولاك نصيرك  
 ويؤيدك بجود من ملكوتك وانك لشمسوا بالظاف ربك الكريم

ع ع

والتكبير على الورقة الموقفة الفاظة المطننة وسليها احمد المتوجه  
 الى الوجته الرحمانية وعلى سائر الاقرباء الهى هو لآ قد سجدا  
 لكلمة وحدانيتك وخرؤا على الارض تعظيما للحضرة فردا نيتك  
 واكبوا

واکتوا علی التراب تذللوا و تحشوا الی عتبة ربانیک ای رب  
قبل منهم کل عمل صالح فی امرک انک انت الکریم ع ع

سایه

هو

شوقی افسدی علیه بهاء الله الایه

هوتت

۵۸۰

بهارک

یا صغیر السن و نیر الوجه از قرار معلوم نقایهتی از برآ  
شما حاصل لهذا مجبور بر راحت شده ای ضرر ندارد گاه گاهی  
راحت لازمست و آمانند عبد البهاء از شدت تحمل مشقات  
بنیه بجلی ضعیف و ناتوان شود و از کار بازمانی حال چند  
روز راحت کنی ضرر ندارد امیدوارم که در حفظ و حمایت

سایه

جمال مبارک باشی ع ع

هو الله

شس مناجات طلب مغفرت بجهت متصاعد الی الله جناب

اقا میرزا نصرالله نجل شهید سعید علیه بهاء الله الایه



نظماً كاتيب مبروراً مباركاً

الهي الهى قد خلقت نفوساً من جواهر الوجود فآمنوا بك وبآياتك  
وظفحت قلوبهم بسبب عفافك وانشرحت صدورهم بآيات  
توحيدك فاطمنوا بموئنتك ورجعوا اليك نفوس راضية  
راضية بنتيجة مستبشرة بالذخول في ملكوتك والصعود الى مقعد  
الصدق بفضلك واستجارت جوار رحمتك واحسانك  
ومنهم هذا العبد الذي تهتل وجهه بانوار هدايتك وقرت  
عينيه بمشاهدة آياتك ورخحة صدياق محبتك وانتمت انفاسه  
في خدمتك اى رب انزجينه بنور مغفرتك المبين وتبين  
وجهه في ملكوتك الكريم والبه رداً العفو بفضلك العظيم  
واشهره مع عبادك المقربين واسقه من الماء البعير  
واروه من عين التسنيم وارزقه لقاك في جنة نعيم  
انك انت العفو الغفور الرحيم وانك انت الرؤوف الرحمن

الكريم ع ع

رثت

رشت جناب غزلیب علیه بہاء اللہ الالب

۶۱۶  
ہو اللہ

۵۸۲

خطاتیب ہفتا مبارک

ای غزلیب گلشن رحمانی حمد خدا را کہ در این سفر موفقتی  
ستائیکہ از ترقی اجبای رشت نموده بودی بسیار سبب سرور شد  
چون این سفر بارادہ عبد البہاء نموده کی امیدوارم کہ تأییدات  
غیبیہ متابعا برسد و سبب سرور و حضور جمیع یاران گردد و خاطر  
از ہر جهت راحت و فارغ باشد آنچه بجناب بشیر الہی مرقوم  
شد جواب نوشتہ اند کہ انشاء اللہ طبق مطلوب معمول میگردد باری  
شما باید در نہایت ہشت و سرور و گشایش قلب و مناسبات  
تام تبلیغ امر اللہ مشغول شوید در نزد عبد البہاء محبوب و مقبول  
و ہر ستائشی نقوسی ممنوع است کہ با علاء کلمتہ اللہ مشغولند  
اینست مویبت عظمی اینست منقبت کبری اینست قوۃ  
جاذبہ تأییدات ملکوت ابہی و علیک

البہاء الالبہی عبد البہاء عباس

۵  
مت بلکہ

۶۱۴  
بواسطه جناب بشیر الہی

جناب خذلیب علیہ بہاء اللہ الالہی

ہوا اللہ

ای خذلیب معنوی ہموارہ در نغمہ و ترانہائی و در گلشن معانی  
کلبانگ میرنی فصاحت و بلاغت اشعار واضح و آشکار است  
اما آرزوی عبدالبہاء خاکساری در عقبہ بہاء اللہ است ہذہ نہایت  
آمالی و غایۃ منائی و نور جبینی و صبح مبینی. و ماہ معینی پس تا توانی  
در این گلستان نغمہ سرائی کن و از عبودیت حقیقی عبدالبہاء بدون  
تاویل و تفسیر ترانہائی بنواز و علیک البہاء الالہی عبدالبہاء

عباس

شیراز جناب خذلیب علیہ بہاء اللہ الالہی

ہوا اللہ

ای خذلیب گلشن معانی تا بہ نیکہ بعد از رجوع از سر وستان بر قوم  
نمودہ بودید بلا خطہ گردید از عدم فرصت مختصر جو سبب بر قوم میشود انکہ

اللہ

خط کاتب امضاء مبارک

۵۱۳

خط کاتب امضاء مبارک

۵۱۴

قد یاران سر و ستان الفتی یافتند امیدوارم که دیگر کلفتی حصول  
 نیابد یاران باید سبب اتحاد ملل و قبائل من علی الارض شوند البته  
 خود باید متحد باشند تا دیگران را متحد کنند شمع خاموش شمعهای دیگر  
 روشن نکند شخص بیوش دیگرانرا علم و دانشش نیاموزد پس  
 باید یاران اول مابین خویش بکلی یگانگی براندازند و یگانگی عالم انسان  
 را ثابت نمایند از قبل من جمیعاً تحت ابدع ابی برسان امیدم  
 چنان است که جناب اقا حیدر علی صفدر گردد و غضنفری بنماید تا دلما  
 بر باید قصیده نیکه در تهنیت حیدر ضوان انشا فرموده بودید انشا باشد  
 و در محفل یاران ترتیل گشت حضرت بشیر الهی فی الحقیقه خادم  
 صادق و یار موافق است در حق کل قصور نمینماید الان در دلبین  
 هستم و شب و روز مشغول مذاآء بنور مبین انجمنهای خوش تشکیل  
 میشود و نفوس تم قابل لافقی حاضر میشوند در هر محفل در بدایت صحبتی  
 از امر الله میشود بعد هر کس سؤالی دارد جواب داده میشود  
 از جمله دیروز سؤالی از حقیقت حضرت رسول علیه السلام بود زیرا آن

حضرت در اینصفت بنهایت توہین ذکر میشوند و مغتریات بسیار بود  
 در ہزنیات شرب المثل بودند آن نور پاک را قستیہای این خاک  
 چنان کمویش نموده اند کہ جز قوہ روح القدس این او مامترا از اہل نماند  
 باری دیروز صحبت مفصلی در اثبات آنحضرت و قوہ کلمہ و نفوذ کلمہ او  
 کردید و براہین واضحہ و دلائل ساطعہ بیان گشت و علیک البہاء  
 الہی ع ع ع  
 بیت

ہو اللہ

شیراز جناب عند لیب گلشن معانی ملاحظہ نما بیند  
 مناجات طلب مغفرت بجمہ امہ اللہ المتصاعداۃ الی مقعد الصدق  
 والادۃ حضرت عند لیب گلبن معانی رحمانی علیہا بہاء اللہ

ہو

نظر مبارک

انہی الہی ان امک الرحمانیہ و الورقۃ النورانیہ المنتصبۃ الی  
 طیر خدیقۃ العرفان و عند لیب ایکۃ الایقان قدرجت الیک  
 اوایۃ توایۃ مبتلۃ مشتاقۃ لشاہدہ جمالک محترقۃ بنار فراقک مضطربۃ  
 القلب

۶۱۹  
 القلب بنا رحمتك منضمة الصبر من فرقك ايرتب اوردنا على  
 الورد المورد وانما الرغد المرفود وانوما في بحار رحمتك يارتبي  
 الودود وادخلنا في بجموعه جنك بفضلك الموعود وارزقنا لقاك  
 في ملكوتك الممجد وكتب لها ما كتبت لورقات القدس في الملائكة  
 الاعلى و قدر لها ما قدرته لطلعات الانس في المحفل الالهى بك  
 انت العفو الغفور الرحمن الرحيم ع ع

مائة و نهمه

هو

جناب عند لیب گلشن معانی علیہ بہاء اللہ الالبی

ہو الالبی

۵۱۴

خط مبارک

ای بلبیل معانی قصیدہ غراء و فریدہ نورا، ملاحظہ کردید در نہایت  
 فصاحت و بلاغت بود و ورفات مبارکہ با سخن بدیع در نہایت جلا  
 قرائت نمودند و ورقہ علیا جائزہ خواست یعنی بقلم میثاق تحسین  
 مرقوم شود من نیز کلاک ضعیف برداشتم و بچند سطر و جیز تصدیح  
 تصدیح مینمایم کہ قدح بادہ معانی را باید خالص بذکر محبوب آفاق

نمود عینک بها صرفاً وان شئت مزجها فدک عن ظلم لخبیب

هو اعظم و عینک البهاء ع ع

بواسطه جناب عندلیب

نتیجہ محترمہ امۃ اللہ المنجذبہ والدہ میرزا عبدالحسین علیہا بقاء اللہ

هو الله

یا امۃ اللہ المقربۃ الورقۃ النورانیۃ حضرت عندلیب در احوال

قصائدی تنظیم نموده ارسال میفرمایند . از جمله قصیدہ نوروزی در این

سنہ مبارکہ ارسال نموده اند فی الحقیقہ عاشقانه و مشتاقانه و بلیغانه

بود در محفل یاران با بدع احسان ترتیل و ترنیم گردید قلوب شادمانی

یافت و نفوس متلذذ از نقایق و معانی گشت امید چنان است

که آن عندلیب گلشن الهی دائماً بگلبنام معنوی و نغمه روحانی و آهنگ

ملکوتی و ساز و آواز جہان ابدی بجماد و نفوت اسم اعظم و ستایش و نیایش

جمال قدم موفقی و مؤید باشد . و ستایش خداوند آفرینش باید محصور

در محامد و نفوت جمال قدم و اسم اعظم باشد و مادون آن ضعیف در

ظلم

خط کاتب مر و حضرت مبارک

ن مذکور ستایش مخصوص بناید <sup>۶۲۱</sup> باده رحمانی را صرف باید نوشید و تو  
بر از این بحر بیکران نصیبی گیری و از این قلزم بی پایان بهره آئی بری

و علیک البهاء الابهی ع ع تسبیح

شیراز بواسطه جناب محمدرضا میرزا علیه بهاء الله الابهی  
حضرت غدلیب گلشن الهی علیه بهاء الله الابهی

هوا الله

۵۸۸

خطاب حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام

رقدیا و مونس و ذیما مدتت که موسم خزان بود و حرب خون  
مذاطیور شکور در آشیان صحت و سکوت غنوده با یکدیگر مخامبه نمودیم ولی  
سال بهار جانپرو آمد نسیم سحری میوزد صبح امید میدد باد صبا پیام برآید  
سیدم ابرنیا میگرد و چمنستان میخدد تمام وقت ساز و آواز است  
و آهنگ و شنناز تا گلبنگ غدلیب بملکوت راز و اصل گردد اگر چه  
مصیبت وارده و رزیه حاصله مورث احزانست و مگردد دل و جان  
ولی الطاف حضرت رحمن شامل و فیض ابدی حاصل و کامل هر چند  
شب تار است ولی شمع پر انوار و ملکوت اندر بقیض عظیم آشکار



۶۲۲

تائیدات جمال ابی رومی لاجبانه الفدا، هر محزون دلخونی را سرور و جهور  
بخشد و هر ساکت و صامتی را بنطق آورد و علیک البهائه الابهی عبد البهائه

عباس ۱۱ اذار ۱۹۱۹

جمال مبارک رومی لرتاب اقدام اجبانه الفدا وقتی مزاحاً حکایتی میفرمودند  
اگر ممکن بشود پیاماً آن حکایت گفته خواهد شد لهذا محزون باشید

مسئله

مناجات

طلب منخضرت بجهت حضرت ادیب لبیب جناب عنذلیب ایدہ اللہ  
بالرفیق الاعلی و انا له مقعد صدق عدیت

هو ۱ سنه

ربّی ربّی ترانی ان اقصى اربى و اعظم امانى التبتل ا لیک  
و ترتیل آیات رحمتک بین بریتک حتی تجلی صفة رحمانیتک بابع منہا  
بین خلقک و انا لیک یاربى القریب و اقول ان عبدک عنذلیب  
الجنیب قد اقر بوجدانیتک و اعترف بفردانیتک و لبتى لند انک  
بولیه و انجذاب الی عتبة رحمانیتک و قال لبتک اللهم یاقریب و یابیس  
و نطق

ظلالک ابصار مبارک

ونطق بالشأن، عليك وخصني نجمة بالحمد والنعمت بين يديك  
 وما فر في اعداء كلمتك واقامة الحجّة والبرهان للطالبين ونهر  
 بيته وسلطان للراغبين وتحمّل كل مشقة في وطنه المألوف  
 واجبران يهاجر الى مركز الظهور معمد الطور مطلع النور الكينونة  
 الرحمانية والحقيقة الصمدانية النير اللامع الساطع الفجر على الافاق  
 الشاسعة رب انه تحمّل في زاوية انخمول كل مشقة وذبول وقلبه  
 مشتعل بارجعتك ولسانه باطرق بذكرك وقرينته سيالة بجمالك  
 ونفوسك بين اجبتك رب اجعل له مقاماً عادياً ورياض قرب  
 عبرته حتى يستجير بذيل غفرانك في جوارك ويدخل في فردوس  
 لقاءك ويستغرق في بحر عفوكم واحسانكم وانزل تسوية  
 والتغزية على الهمة واحفظهم بجودك ورحمتك انك  
 انت القوي المقتدر العزيز الوهاب

عبد البهاء عباس

٢٠ جمادى الاولى ١٣٣٨ هـ

مسجد

عظا کاتب ایضا مبارک

شیراز حضرت عذیب گلشن الہی <sup>۶۲۱۶</sup> عید بہار اللہ الہی  
ہو اللہ

ای ہزار گلزار الہی ہمیشہ منظور نظر عنایت رحمانیہ بودہ فی و مشمول الطاف  
سبحانیہ خواہی بود در ایام اللہ بابتع الحان در گلشن توحید تقنی فرمودی  
و ببح و ستایش یزدان لب گودی یاران رحمانیہ سبب سرور  
و شادمانی بودی و محض انس و روحانرا مطرب خوش آہنگ ملکوتی گشتی  
الحمدہ منظر الطافی و منظور محظرات عین رحمانیت پروردگار در عمد  
و پیمان ثابتی و مانند جبال را سیہ مستقیم و راسخ ہموارہ در مجمع علیا  
و محافل روحانی بستایش و شای جمال اہبی لب گشا و بابتع تقا  
نغمہ و آوازی بلند کن کہ روحانیان بشور و ولہ و انجذاب آیند و گل  
بشر نجات قدس مشغول کردند تا اوازہ شیراز بملکوت بینا ز رسد  
وصیت محبت اللہ از آن اقلیم در روی زمین منتشر گردد و علیک

التحیۃ و الشنا ع ع

ای حضرت عذیب نالہ و خین عبد البہار سببی عظیم بود و موجی

شدید

شده هر چند بعضی اوقات یاران از یکدیگر بسان ادب مختصر شکوه  
 مینمودند ولی بعد اظهار رضایت نیز میفرمودند اما در یک پوسته  
 شکایتناهای متعدده و در نهایت قدح وارد ولی از اشخاص دیگر  
 بعضی قرانت چنان حزن و حسرتی دست داد که قلمی بفریاد آید  
 مقصود این بود که بعضی نفوس مملکه دست از این شکایت مابردارند  
 و احمده قطع شد اجای الی باید از کل ستایش نمایند آنحضرت  
 باید کل را بیدار نماید که ستایش اجبار در حق یکدیگر سبب روح  
 و ریحان عبدالبهاست آنچه این عبد مرقوم مینماید مقصد نبوت  
 محبت است و نتیجه اش مستحسن و علیک التجه و القناع  
 جناب ابن عدلیب میرزا عبدالحسینخان علیه بهاء الله الاهی

این خط مقدمی است  
 در خطبای حضرت

مسئله

یا بن عدلیب نامه شمارسید مضمون معلوم گردید که جناب عدلیب  
 از این جهان تنگ و تاریک بعالم وسیع شافتند هر چند از این وقعه  
 حزن شدید رخ داد ولی از اینجنت که آرزو غریز از باده محبت آید

خطبات حضرت

۶۲۹

جام لبریز بود از شقت عظمی درین حیرانی نجات یافت و باوج  
 عزت ابدیه شتافت این ملاحظه سبب آلتی خاطر گشت ثنائیز  
 محزون باشید معنوم ننماید مناجاتی طلاب مغفرت در حق آن  
 حضرت بدرگاه احدیات کردید و از پیش فرستاده شد البته حال  
 رسیده و بر حجر قبر آذات محترم این عبارت مرقوم دارید  
 ان عذیب الحبیب قد ضاق علیه الفضا فی وکرهه الدنیا  
 فطار الی مطار الملاء الاعلی اوج لایتناهی حتی یقرء علی افان  
 شجرة طوبی یقفون الاحسان علیه التحیه و الرضوان بابوی  
 اقا میرزا جید العلی و امه الله نور آء خانم و همشیره های صغیره  
 و اخوی کوچک از قبل برین نهایت نوازش و مهربانی مجری دارید  
 و عمیک البهء الابی جد البهء عباس ع ج ۲ ۱۳۲۸ حفا  
 شیراز سید بناب عذیب جناب آقا میرزا عبدالحسین علیه بهاء الله الاسبی  
 هو الله

ای سید عذیب جلیل ناله و فغان از فراق بگوش این مشتاق رسید و تاثیر  
 شدید

عظمت کاتبه میرزا...  
 عظیم

<sup>۶۲۷</sup>  
 شدید نمود حمد خدا را که زادهٔ جان و دل آن پری نه همین از غصهٔ آب  
 بکل مظهر الولد است ایستای و نسبت حقیقی داری. و اخلاق مطابق  
 عراق من نیز مشتاق دیدن روی تو ام ولی پدر مهربان باید این آیام  
 ننگاک از آسمان نماید زیرا امروز روز خدمت است یوم زیارت  
 ید و آن غدلیب الهی در این گلشن بفراید حال بجان و دل باید  
 بمبودیت پردازد و در آن باغ و راغ تا تواند گلبنگ زند و ارتحاق  
 و معانی دم زند حال صبر کن انشاء الله روزگاری در نهایت صلوات  
 روی دهد و آنچه منتهای آرزوی تو و پدر مهربان است حاصل گردد

و علیک البهاء الابهی ع ع

هو الابهی

امته الله ورقه موقنه همیشه حضرت غدلیب علیها بقاء الله الابهی

هو الله

ای ورقه مبهله موقنه قومی برانند که رجال افضل از نساء و بایه  
 مبارکه الرجال قوا مومن علی النساء استدلال نمایند ولی این عبدا

۹  
 شماره

۵۹۳  
 شماره

یقین چون نور بمین است که این حکم قاطبه نه بسا، که الیوم  
بریشاق ثابت گوهر انور صدف فضا است و بار حال تزلزل  
که خرف قعر سحار زائل پس فضیلت بد کور و انانی نه بواهب اسم  
اعظمت روحی لاجبانه الفدا تا توانی قدم بر عهد ثابت نما و آء

سائره رار اینچ گردان ع ع

هو الله

لا اله الا الله . جناب مشدی غلامعلی . صهر حضرت غدلیب علیه

بها، الله الاهی

هو الاهی

ای متوجه الی الله حضرت غدلیب خواهش نگارش این سطور  
نمودند ولی فرصت صدور کجا با وجود این از جذب محبت ایشان  
تخیر پر د انتم ولی تقریر عاجز از آنچه در ضمیر اینقدر بدان که نفیست  
حضرت غدلیب و من انتسب الیه را از آستان مقدس جمال مبارک  
روحی لاجبانه الفدا را خواسته و میخواهم رب آید من انتسب الی

حمایه

خط مبارک

۵۹۲

حماتہ ایکہ شاک و غذیب حدیقہ و فاک علی ماتحت و ترضی فی

جميع الشون والاطوار یاری المتعال ع ع ع

من  
شکر

۷۱

جنا ب غذیب علیه بہاء اللہ الالبی

۵۹۵

خطاب  
مرد  
بہار  
بیک

۷۱

عند لبا جیبار یا لبیب از کثرت مشاغل موثق الی الآن

بقرائت جمیع اشعار فندم انشاء اللہ جمیعاً خواہم خواند چون

انذکی الآن وقت دارم بقریر جواب پردازم از قریحہ آن

حضرت معانی صریحہ و ابیات ملیحہ مانند آب زلال جاری و سائت

وزجاج قصائد و غزل را این بلاغت سراج بمثال منظوم باید

چنین لؤلؤ منثور باشد و الا فلا الحمد کہ ابیات اشعار شما آیات

حقایق و معانی است و کلمات مانند درر خوالی و علیک بہاء اللہ ع ع

( ای غزلخوان محامد و نفوت رار و نق بصر معانی درتسایش )

این  
دو  
خط  
ملاحظہ  
کنید  
۱۳  
شکر

اجمال بہائی بقول ملا چون کرور آید یک نیز پیش ہاست ع ع

۱۳  
شکر



شیراز حضرت غدلیب گلشن محبت الله علیه بآء الله

هو الله

نظا کاتب مرومضا مبارک

ای ثابت بر چنان مکاتب ملاحظه گردید و بر معانی اطلاع حاصل  
گشت فی الحقیقه مدتیست در آنصفحات مشغول بخدمات هستید و  
نالوف بترتیل آیات بیانات کث و سکون در محلی معلوم چون امتداد  
یابد لابد قدری ملال حاصل گردد حتی با شماست جمیع کائنات  
متحرکند و بسبب حرکت عمومیته انتظام عالم وجود برقرار هر  
کائی از کائنات اگر در مقررستی استقرار یابد و از حرکت بازماند  
لابد فتوری حاصل شود نسیم باید دائماً بوزد دریا باید موج و  
نماید نجوم باید انتقال در بروج کند پس از برای انسان نیز  
گاهی حرکت لازم لهذا همچنانکه مرقوم نموده بودید اگر ممکن گردد  
که براحت و آسایش مدتی بیجات دیگر سفر ننمائید بسیار مقبول  
و همچنین جناب میرزا شکوای اگر بصفحات لرستان و کردستان  
و بختیاری مرور و عبور فرمایند شکوای تازه یابند و امیدوارم که فتوحی

جدید

۶۲۱  
 جدید فرمایند زیرا در طرف لرستان و ایلات آنصفت و بختیار  
 تقوس مستعدی موجود ولی مبلغی عبور و مرور ننمود اگر جناب شکوهی  
 بشکوهی یعنی در نهایت تئزیه و تقدیس لباس عرفان بان فواهی  
 سفر نمایند امید است که ثمر حاصل گردد و لیس آنکه علی الله بغزیر

ع ع

شیراز جناب عنذلیب گلشن رحمانی علیه بها، الله الی

هو الله

ای بلبیل معانی در خصوص مطلوب شما از جناب صحیح  
 فروشش بحضرت بشیر الهی سفارشی مرقوم گردید حال  
 مکتوب ایشان رسید که صد تومان تحصیل نموده ارسال داشتند  
 و با سایر اجتهاد همت نموده مابقی مطلوب را نیز انشاء الله کار  
 خواهند نمود مقصود اینست که بیعت امور آنجناب  
 نهایت سعی و کوشش خواهد گردید و علیک البها،

الا به ع ع

تسابه

۵۹۷

خطاب تیب مراد از جناب

تسابه

شیراز جناب غزلیب الہی علیہ بہاء، اللہ الہی

۶۳۲

ہو اللہ

۵۹۸

ظفر کا تب  
میرزا ہمایوں مبارک

ای یار مرغان از کثرت مشاغل مجبور بر اختصارم یقین بدان  
کہ اشتیاق عبد البہاء، بیش از ثنات ہموارہ از درگاہ حق قدیم جا  
عظیم ینمایم کہ در وقتی قریب مشاہدہ آن وجہ لیجر امقدر فرسہ ماید  
و حکمت موافق اذن حضور گردد اما الان قدری تأمل فرما زیرا  
کل را از حضور منع نمودیم و اہل فتور بفساد مانع از فیض حضورند تباً  
لقوم خاسرین و سحاً للناقضین و تعساً للناکثین و علیک التوجتہ  
و التشناء ع ع

ہو اللہ

شیراز جناب غزلیب جنت الہی علیہ بہاء، اللہ الہی

ہو اللہ

۵۹۹

ظفر کا تب  
میرزا ہمایوں مبارک

ای غزلیب حدیثہ حقایق و معانی فی الحقیقتہ بانواع بلایا  
و مصائب معذب و مبتدائی و معرض باسآ، و ضرائی ولی امید  
چنین است

۶۳۳

چنین است که قدری این شکت من بعد خفت یابد و نوعاً ما را  
 حاصل گردد این بلا یا بجهت این است که قدری شریک و سهم  
 عبدالبهائم گزیدی ضرری ندارد ملاحظه فرما که جمال مقصود دمی نیاید  
 و نفسی راحت نفرمود چون خورشید رخسده و ماه درخشده  
 را چنین کسوف و خسوفی دیگر امثال مابینو ایان را از بلاچه پرور  
 باری مطمئن باش که عبدالبهائم ننگ رتو و شب و روز  
 بیاد دیدار تو و عیالک البهائم ع ع

من به

هو الله

حضرت عدلیب ورق مسطور رقی منشور شد بر مضمون مطلع  
 گردیدم مقصود اینست که بهر قسم و اسباب ممکنه که باشد ملاحظه  
 نفوس را بیداشت خبر از حال عبدالبهائم نداری و لو کنت  
 فظاً غلیظ القلب لافضوا من حولک باری قوم مولود مبارک  
 و محمود باد در شهود و عالم غیب وجود البته سبب میمنت است  
 و نامش در ملکوت بنده حضرت مقصود یعنی عبدالبهائم و در بین

خط مبارک

۶۰۰

خلق عبد العلي وعليك النجاة والشأ ع ع

هو الله

ش امته البها، ورقه طيبه بلقيس اخت حضرت عيسى  
عليها بيا، الله الابي

هو الله

يا امته البها فاستبشري بما فاض عليك سحاب الرحمة وسعت  
عليك النعمه واشرقت عليك انوار الهدى وتموجت عليك  
بحور الموهبة الكبرى فآمنت بالله وصدقت بكلمة الله واطمنت  
ببائت الله وتوجهت الى الملكوت ودخلت في خيام الغر  
حمى ربك العزيز الودود توكلني على مولاك وتشبثي بذيل  
العتاء، تالله الحق ان فضله احاط بعباده المخلصين  
وامحمد لله رب العالمين والبهاء، عليك وعلى  
وعلى كل ورقه ثابتة على العنود

القديم ع ع

هو الله

ظن ببارك

401

ظہار  
ای رب بان الورقان ابتنا من سدرۃ رحمتک و تحرکتا من نسیم  
عبق من وادی معرفتک و انجذبتا الی ملکوتک بنفحاتک

ای رب اشرح صدرہما بمشاہدۃ ظهور آیات عظمتک و خفوق  
ریایات قدرتک و قرر عینہما بوصولہما الی کف حفاک و انک  
انک انت الملیک المحی القدر و انک انت الرحمن الرحیم

ع ع

هو الاب

ش . جیب دوستان الہی جناب غدلیب بوستان  
رحمانی علیہ بآء اللہ الہی ملاحظہ نمایند

هو الاب

اللہ اشرح صدور عبادک المخلصین بنفحات التائید و احمی قلوبہم  
بروح التقدیس و نور وجوہہم بنور التوحید و انفس نفوسہم  
بنائم التقرید و جددار و اہم بفوایح التجرید لیتعدوا فیل

ظہار

الشون المنور مواهبك واستحمتها في كل الاطوار والحوال ليصل  
 عواطفك يا حي يا قيوم واعطف على عبدك هذا ببطات عين  
 رحمتك و ايدة بقوتك القاهرة و قدرتك القاهرة على نصره ارك  
 ونشر او ارك بين خلقك و النطقه بنا بك بين عبادك و اجذب  
 بنفحات بين ارتقاك و اجعل باطنه ظاهره قلبه و روحه و جسمه  
 و عظمه و لحمه و دمه ملتبه بنا و محبتك التها بآسب منه السكون  
 و القرار حتى يرتفع منه ضجيج النداء، باسك في قطب الامكان  
 و صرخ الشناء، بذكرك بين ملأ الكوان و حتى يتلذذ وجهه في  
 ملكوت الانشاء، انك انت المؤيد الكريم اى عند لبيب  
 حديقه رحمانى اگر چه بظ هر دور و هجر و آواره دريا و صحرا و مانون  
 شدى لكن در جميع اوقات در انجمن دوستان مذکوريد از ياد  
 دوستان حقيقى فراغتى نه از خدا بطلبيد که موفق بر آن فرمايد  
 که با نچه اليوم لائق و سزاوار است قيام نمايم و در سبيل الهى  
 بنشردل و جان موفق گرديم تا چون سراج پر نور تسليم و رضا  
 اقا رضى

۶۳۷  
اقا مرتضی جان رایگان در مشتمد فدا نثار کنیم تا در زجا به تیس  
برافروزم و در مشکاه ملکوت روشن شویم و در اقی ابی  
و ملکوت اعلی چون زهره زهر آ، بدرخشیم ایناله و مریناله هذه الکائن  
اللی لطف و فاضلت برحق محبت الله و البهآ، علیک ع

مستبد

هو الابهی

ش جناب خدیب گلستان رحمن علیه بها، الله

الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

۶۰۴

خطبناکر

ایشم انجن عرفان در این ساعت که طیر حدیقه و فبال و پرگشوده که  
در فصل جانفرای یاد یاران پروازی نماید و بر شاخار ذکر و ثنا  
لحی آغاز کند که بحر اعظم محبت الله چنان نوبی زد که طوفان از سد  
گذشت و نار موقده در سدره رحمن چنان شعله ای برافروخت که  
خامه و نامه و فواد و مدادر اجمیعاً بوخت لکن چون امطار رحمت  
نازل بود و معین غایت نایع آن حرارت باین فیض رحمت



اعتدال یافت و مجال تحریر حاصل گشت از عدم ارسال  
 جواب شکوه فرموده بودید و این را دلیل فتور در آنچه محکمه از  
 بنیان مرصوص است نموده بودید و حال آنکه آنی نمیگذرد مگر آنکه  
 بخاطر میآید فراغت از ذکر اجای الهی ممکن نیست و یقین مبین خود  
 مطلعید که از کثرت اشغال مجال آه و ناله ندارم و زاری و فغان  
 نملت نیست و فرصت و آرامی آنی بیشترند با وجود این مکتوبی  
 بشیر از ارسال شد که وصول یافت و حال نیز تحریر این ورقه  
 پرداختم یقین مبین بدان که بلحاظ فضل ملووظی و بختهای حبت  
 این قلوب مشمول از فضل جلال قدم سائلیم و از صمیم قلب آمل  
 که موافق بر رضای الهی شوی و مؤید بر اثبات و بیان قوت و سلطنت  
 عهد و پیمان حضرت یزدان گردی ایوم این امر اعظم امور و اتم  
 شئون است چه که اساس امر الهی و بنیان دین رحمانیت  
 ایوم ثبوت و رسوخ بر عهد و میثاق الله چنانکه باید و شاید لازم  
 و قوت و قدرتش را ادراک و تفهیم واجب آ محسن حصین امر آ

عقوبات و مصون از رخصت شبهات ماند در خصوص مکاتیب که بهاره  
 داشتید مرقوم نموده بودید همینقدر از جناب آقا عزیز الله سوال  
 شد که مکاتیب را ارسال شیراز نموده اند یا آنکه پیش خود نماند  
 و بس و این سوال نیز بجهت این شد که بعضی مکتوب فرستاده  
 بودند مقصود این بود اگر مکاتیب رسیده است دیگر لزوم مکتوب

سأ بیده

جدید نه ع ع

هو الای

ش جناب غدلیب حدیقہ عرفان علیہ بہاء اللہ الای  
 ملاحظہ نمایند

هو الای

۲۰۵

ای غدلیب حدیقہ الی چند لیت کہ نغمت آن طیر معانی بمع  
 مشتاقان نرسیده و احسان بدیعی اتماع نگشته سبب حیرت  
 گردیده باری یوم عظیمست و قرن و عصر حضرت رب کریم جوش  
 و خروش از جمیع جهات بند است و نغمت از جمیع صفحات در نشر

خط مبارک

و عبوق نام محبت الله از کل آفاق در مرور و آثار باهره

از کل اطراف در ظهور آن ارض با وجود آنکه مبداء ظهور فیض الهی

و مشرق آفتاب رحمانی بود و باید اثر اقیانوس شدید و انوارش یوما

فیوما در سطوع و مزید باشد چگونه افسرده و پیرمرده مانده فوران

این تنور و طلوع این ظهور و جوش این غمر ظهور و دور این کانس

نراهما کافور در آن صقع جلیل آغاز شده و این راز پرده برانداخته

پس باید امواج بحرش با آسمان رسد و افواج امزش فحیط

بر عالم امکان سطوع کو کبش جهان تاب گردد و طلوع

موکبش جهان آراء جام محبتش لبریز باشد و حرارت

معفتش شررا بگینز نر تقدیسش بحر توحید گردد و عین تحدیدش

چشمه سلسبیل آیاتش باهره شود و آیاتش شاهره حدیثش

مؤلفه گردد و حیاضش متدفقه ما فمظرا اینظهور و بروزیم

و سطوع این انوار و حظوظ پس آن یار موافق باید بقوتی ملکوتی

و قدرتی حیرواتی و اسانی فصیح و بیانی بیغ و روحی الهی

۶۴۱  
 و نوری آسمانی و جذبی رحمانی و موهبتی ربّانی و حرارتی  
 وجدانی و بشاراتی سبحانی جمیع اجزای الهی را ب حرکت آرید و جو  
 و شور و جذب دلاکت فرمائی که این شمع روشن امراته روز بروز  
 روشنتر گردد و آنافاناً سا طعتر تا عالم امکان منور شود دیگر  
 شاید در آنصفحات باشد رات در کمال ستر و خفی نفعه شهباتی بوزد  
 و بعضی اوقات سرتی نمایند بسیار دقت و احتیاط لازم که در حسن  
 حصین امراته رخصه حاصل نگردد و جمیعاً بر عهد و یشاق محکم

نمائید ع ع

هو الابی

جناب خدایب حدیقه معانی علیه بهاء الله الابی ملاحظه

نمائند

رب و رجائی و غایه مطلبی و منائی و ملاذی و ملجئی و سربلی  
 و مجیری و معینی و منجیدی و ظهیری اسنگ بضیج قلوب صنفیاک  
 و اوجج النار المضطرته بین احتیاء و ضلوع اجناک و عبرات منهنرا

سینه

نظاره

من اعين شتا قيك وجمرات منظر مات في افدة عاشقك  
 بان ترفع زير ليوش العرفان في غياض مقر نورك وسبح جيتك  
 الايقان في حياض انذقت منها مياه فيضك يوم طلوعك واضرم  
 نيران محبتك في تلك البقاع ونور تلك الارجاء بانوار تملأ بين الارض  
 وسماء و عطر تلك الاشجار بنفحات قدسك يا ذا الاسماء احسن واذ  
 على تلك الصحارى والربى والمعاهد من نفطتك الاولى سحاب موبتك  
 العظمى وغمام غيايتك الكبرى واجعلها من حدائق رحمتك الغناء  
 ورياض رحمتك الغلباء ايرب اجعل اجبتك فيها آيات توحيدك  
 الناطقة ورايات تفريدك الشاهرة الباهرة الباذخة ومعالم نيك  
 المبين الشمخه وشعائر آثارك الظاهرة الزاهرة ايرب اشد ازدم  
 بقوتك القاهرة لكل الاشياء وقو ظههم بقدرتك المحيطة على من  
 في الارض وسماء واجعلهم انواراً ساطعة في افقك الابدي  
 وسرجاً لامعة في زجاجات ذكرك الاعلى انك

انت المقدر العزيز المنان ع ع

۶۴۲  
هو الا

ش جناب غدلیب گلستان عرفان علیه بها، الله الای  
ملاحظه نمایند

هو القیوم

۶۰۷

کتابخانه

ای غدلیب حدیقه عرفان آن مرتبی امکان وهربان سرور لامکان  
آن مرغ چمنستان ایقازرا طیر دست آموز فرمود و انواع نعمات  
و ترنمات و اسجان آموخت و درس مقامات معنوی داد که بجز بانگ  
الهی و آهنگ عراقی و مقام حجازی و لحن بیاتی و هوای عشاقی و یقاع  
رحمانی در گلشن ربانی و گلبن صدانی آغاز آواز نمائی و دساز  
شهنواز گردی و در این ایام شور و ولوله فسنکی و مرغان چمن را  
شوق و ولله دهبی و بغمه و آهنگ آری تا نفوت و محمد حضرت احدیت  
وستایش و مداح جمال مبارک از خیر حنیض ادنی بهتیل و تکبیر  
تا اوج ملکوت ابهی بلند گردد و انوار تنزیل آفاق وجود را احاطه کند  
وصیت جهانگیر الهی با طباق ملا اعلی تبشیر انتشارش رسد و ولوله

در ارکان عالم افتد و زلزله در اعضای آدم افکند و شرق  
 و غرب امکان گلشن رحمن و گلبن یزدان گردد با وجود این چه شد  
 که خاموشی و بی جوش و خروش باری از زاویهٔ تحول پیرار  
 شو و اوج قبول بطلب و از گوشهٔ سکوت بدرا و جان  
 بدیع در گلستان لطیف آغاز کن بلکه در جوق طیور شوق و شور انداز  
 و کل را با آهنگ ملا اعلیٰ دمساز کنی و صیحه یا بهایا بهادر اطراف  
 گلشن افکنی و نغمات آل داود آموزی و علم بر اعدام ستایش  
 و شای جمال قدم افرازی جمیع اجارا از این ذکر بدیع و بیان فصیح

با هزار آرزو ع ع

جناب غدلیب این وجه بیت و بیخ تو ما نشرا خدمت جناب  
 رفیع یعنی فاضل تقدیم نمائید و بیت و بیخ تو ما نشرا خود آنحضرت

صرف فرمائید ع ع

هو الله

ورقه موقفه والده حضرت غدلیب علیها بهاء الله الای

ظننا

یا الله شکر کن حضرت مقصود را که چنین ابن محمود داری  
که هزار هزار دستمان حدیقه وجود و شایانان ملک معبود است  
شب و روز بستایش جالقدم و اسم اعظم پرداز که بنور توحید  
ضلع تخته دل را منور نمودی و بنفقه محبت الله مشامرا معطر

ع ع

بمقامه

هولته

ش جناب عبد الجبار علیه بهاء الله الاهی ملاط  
نماین

هو الله

ظننا

الهی و لمجفی و ملاذ المقبلین الی ملکوت تقدیک العظیم ترانی  
ستیناً بعقبک التامیه و مترجاً بحضرتک القدسیه ان تحفظ  
واقصون هذا العبد الضعیر قرۃ عین عبدک عند لیب و فلز کبه  
فی صون حایتک و تربیه فی حسن غایتک و حجر موبدیک ایرت



رضعه من ثدی الطافک و ابنه نیا حسناً بفضلک وجودک بفضلک  
وجودک و احسانک و اجمل له مخرجاً و نور وجهه بنور تو حیدک و اشرف  
صدره بآیات تقدیرک و اجمده محثوراً تحت لوآء میثاقک و مستظلاً  
فی ظلل لو انک الکریم ع ع

ایرت ستمه فی ملکوتک باسم عبد البهآء فی ملک باسم عبد حمین  
حتی یقوم بفرائض عبودیتک و شرائط رقیبتک فی ملکوت الانشأ  
انک انت المؤید لمن تشأ و موفق من تشأ علی ما تشأ و انک  
انت الکریم المتعال ع ع

هو الابی

ش جانب عذیب حدائق عرفان علیه بهآء الرحمن  
ملاحظه نمایند

هو الابی

ای عذیب بوستان الهی دیروز کتوبی مرقوم و فردا ارسال  
میشود و الآن حضرت افغان خواهش تکرار فرمودند باوجود

۴۱۰  
ظلمت مبارک

تخاریر

۶۴۷

تجاریر لازمه بجمه و شمار و مشاغل چون بحر زخار همه را گذشته  
 بیاد و تحریر و ذکر تقریر روی و خوی تو مشغول شدم و اگر بدانی  
 که سورت گراما و شدت تاب آفتاب در این گوشه انزوا بچه درجه است  
 یقین فرمائی که ذکر یاران روحانی هوار اینز طراوت و لطافت  
 و اعدال بینتها بخشد چه که این صفت نبعث از ارتباط جمال قدم است  
 و فی الحقیقه موجی از امواج بحر اعظم در این حشر اکبر چون گل  
 در خلق سدره مبارکه محسوس و بلطافات عین رحمانیت منظور و در جنت  
 ابی از صهبای ظهور محمودیم انبعاثات وجدانیه و انجذابات  
 قلبیه و روحانیه باین درجه رسیده سجان من موج  
 بذه البحور سجان من اجری بذه النور سجان من تزل

بذه النور سجان من اجری بذه النور

بذه النور سجان من اجری بذه النور

من منب الغایة سبوح قدوس

عبد البهاء ع

ش جناب غدلیب بوستان عرفان علیه

بهاء الله الاهی ملاحظه نمایند

هو الای

خط مبارک

ای غدلیب گلستان عرفان جمال الاهی مدتی مدید خبری  
از شما نرسید بعد مر اسله الی و اصل و از حقیقت حال اطلاق  
حاصل گشت حال نیز از جناب میرزا عبد الله رقی یکی دوستی  
رسید آن نیز ارسال نزد اینعبده نمود ذکر آنجناب در آن بود باد  
روح و ریجان گشت الیوم امثال آنجناب باید بقوه روح نماید  
در شب و روز اجای رحمن را چون روح حیات با تراز و حرکت  
آرند و نار مخموده قلوبرا شعل و روشن نمایند چه که الیوم  
ساعی نمودت و جمودت تأثیرات شدید نماید چه که پیش حرارت  
شمس بی حجاب در قلب امکان آتش پر شعله میزند احتیاج  
باشغال و شعله و لمعه الی نبود لکن حال زمانیت که سراجا باید  
پر شعله

پر شعله و افروخته و ساطع باشند تا ظلمات مبرا که را امقوت  
 تواند و زائل نمایند و الیوم اہم امور تنبیہ بر ثبوت  
 و ریح و تشبث بعد و یشاق المیت و بیان قوت  
 و عظمت این عهد و پیمان و ایمان و البہاء حیدک ع ع  
 ہو اللہ

معاذہ

س جناب غدلیب حدیقہ توحید علیہ بہاء اللہ  
 ما حفظہ نمایند

ہو اللہ

ظہار

ای غدلیب حدیقہ معانی مدتی بود کہ نعمت از آن مرغ  
 سحری بسج مشاقان نرسیده بود کہ ناگاہ برید جدید وارد  
 و بواسطہ نمیقہ مرسلہ بجناب اقا سید نادری خبر فخری مسموع  
 و قلب مجروح و کبد مقروح را مرہمی حاصل گردید جو حضرت  
 حتی قدیر را کہ بشارت صحت و سلامت ثبت و برصفحات قلوب  
 نقوش و خطوط محبت قدیمہ بینگاشت سبب روح و ریحان

کردید و بادی سرت وجدان چه که ناطق بنای محبوب  
 لامکان و دآل بر ثبوت بر عهد و پیمان بود اگر از حال  
 این مظلوم آواره پرستی نمائی و یا خواهش شرمی فرمائی  
 بلایه و رزایه، چون محیط اکبر و امواج انکار و استکبار  
 در اوج اعلی و طوفان هجوم و جفا در نهایت اشتداد  
 و این مظلوم چون سفینه شکسته در گرداب صد هزار قمر آ  
 و اسناد افتاده و وحید فرید و بی ناصر و معین در دست تزلزل  
 مبتلا و مستغرق در بحر بلاء و متضرع بملکوت ابی که بزودی  
 کاس فاعنایت گردد و بعالم دیگر رحلت شود و امید از  
 رحمت سابقه و نعمت سابقه که این آمال و آرزو بزودی  
 میسر گردد و این کاس عذاب گوارا فوراً عنایت شود  
 چه که جام بلا سرشار شد بلکه جان در ره جانان ایثار شود

ع ع

اللهم یا راوی غلیل کل ظآن من عین عاتک و یا شافی

کل

كل عليل من درياق رحمتك ويا كافي كل مستجير بوجار غفوك  
 ومنفرتك قد آويت الي كنفك المنيع وحصنك  
 الرفع منذ للآيات ربوبيتك خاضعاً خاشعاً بقبته الواسع  
 مستغنياً لديك ان ترهني اليك وتوفيني وتجل وتودعي عليك  
 وحصوري بين يديك لاشكوبني وحزني اليك عما ورد  
 علي عبدك البائس الفقير ورقيقك الضعيف المحقر من قبح  
 ميثاقك من بعدك المارقين من دينك المبين بعد صعودك  
 المترززين في عهدك القديم بعد ما توارى شمس جمالك بعنام  
 بلاك العظيم اي رب فوق السهام وصوب السنان  
 والظلي نيران الطفيلان فابعدت من اجبتك نفوساً مؤيدة بغيرك  
 لقاهرة وقد تركت الباهرة حتى يصجوا اشد ايتنا رصينا من بر  
 محديد اجزانا فادافنا ليا جوج الشبهات وما جوج الاثبات  
 لتكفين بالمشابهات ايرب احفظ دينك المبين من شدة  
 المهاجرين المارقين انك انت المقدر العظيم ع

جناب خدایب بوستان عرفان <sup>۶۵۲</sup> علیه بنی، الله الاهی صلوات

نمیند

هو الایح

۶۱۳

عظیم مبارک

ای خدایب حدیقه و فاء، آنچه بر قوم فرموده بودید قرانت و تلاوت  
گردید بستایش حضرت قدیم و ملوک عظیم مشغول گشتم که ایخدا  
مهربان شکر ترا و نیایش ترا که بندگان درگاه احدیتت را از هر  
آلایش پاک و مقدس فرمودی و بتأیید ملکوت غیب جمال ابرئیم  
مؤید کردی از باده آماده در سخنان و له و انجذاب بر مست نمود  
و در بزم ذکر و ثنایت مخمور صهبای است کردی در قلوب شمع  
افروختی و کل را رسم و رفتار و گفتار ابرار آموختی و جگر ما را  
بآتش محبت سوختی ای پروردگار و وقت هجوم جنود ملکوت بنایت  
و زمان تأیید و نصرت بملائکه ملا اعلی آنچه وعد فرمودی وفا  
فرما و این جامهای درد آلود را صهبای غنایت افاضه کن این  
جمع پریشان تواند و این حزب میسر و سامان تو ملجأ و پناهی جز  
رکن

۶۵۳  
رکن شدید دارند و مرجع و ملازی جز کف منبع نجویند اگر یاری  
و یاوری فرمائی این مرغان ضعیف عقاب کاسر گردند و اگر مدد  
غیبی رسانی این موران نحیف شکوه سلیمان بنامند ذره نابود در ظل حقانیت  
اقاب انور است و قطره ناچیز بفيض اعظمت بجز اخضر اگر  
حقیریم اگر حقیریم اگر ذلیلیم اگر اسیریم در سایه الطاف با سم  
مبارکت معروف و شهر و توتی دستگیر و مجیر هر مستحیر خدا یا تو و قهی  
و داناکه جز خیر نیستی نداریم و بغیر صلح و صلاح با عموم مقصدی نجوییم  
طیوریم بال و پر شکسته بال و پری عطا فرما تا سبب راحت و آسایش  
عالم وجود شویم و عدلت خیر خواهی کل نفوس گردیم خدمت  
بعالم انسانی کنیم و همت در منفعت عمومی نمایم اطاعت سروران  
عادل نمایم و بصدقت در خیر خواهی دولت کوشیم چه که احاطت  
و صداقت و امانت و انقیاد بحکومت را فرض و واجب فرمود  
خدا یا ما را موفق بعل گبردان تا آنچه امر فرمودی قیام نمایم جز تو  
نجوییم و نگوییم و جز در بیان محبت نپوییم در خصوص فساد بعضی از



۶۵۴  
 مفیدین فرموده بودید البته ظاهر و آشکار گردد و وجه اهل فساد  
 سیاه شود خدا حقیقت هر علمی را مشهود نماید خود هر کار رکن الدوله  
 میداند که دشمنش کیست و مقصودش از این فسادناچیه فسوف تری  
 المفیدین فی خیران مبین فساد عاقبت ندارد و ثمری بنجد تا بحال نفس  
 از فساد خیر نذیده و فساد هیچ نفسی مکتوم نمانده آفتاب حشر است  
 اسه ارگنونه را آشکار میفرماید این نفوس همیشه ادعای خیر و نیکو  
 دولت و ملت مینمودند حال خدا واضح فرمود که مصلح کیست و مفید  
 که الله رب العالمین و البتة علیک ع

هو الابی

جناب عدلیب حدیقه رحمانی علیه بها، الله الابی ملاحظه نمایند  
 هو الابی

ای شمع روشن محفل اجبآ، الله آثار قلمیه آن ورقا، حدیقه  
 عفان مورث روح و ریجان گردید حمد جمال قدم روحی لا تجانه  
 فذرا که بویبت کبری اجبای مخلصین را بر خدمت امرش موفق  
 فرمود

عظما مبارک

فرمود ای حمزه ریاض غایت و قوت تغنی و ترانی و نغماتست  
و هنگام اشغال نار محبت الله اگر در این قرن اعظم که چون  
آفتاب بین قرون سائره ساطع و روشن است انسان خواش  
و مدهوش ماند در چه قرنی ناطق و متکلم و مبین گردد و اگر نفسی در  
این بهار الهی از نسائم قدس همتزنگردد و از فیض سحاب رحمت سخا  
چون گل صدبرگ خندان نشکند و از اشعه ساطعه شمس حقیقت  
روشن و منور نگردد در چه عهد و موسمی بحرکت آید و در چه ایامی  
از اقی عالم چون ستاره صبحگاه ای بدرخشد حکمت مذکوره در احوال  
مقصود آنست که و انتوا البیوت من ابوابها و لاتاتوا البیوت  
من ظهورها باید چون شیخ در زجابه سکمت بر افروخت نه آنکه خاموش  
و محمود ماند آن دو نفر از اجابا الله که اذن زیارت روضه مطهره  
خواستند اما ذوند با ولدشان دیگر جمیع اجبای آن ارض  
از قبل این عبد تکبیر ابداع الهی ابلاغ فرمائید جواب مکاتیب  
تعلوقی افتاد این از جهت ضعف شدید و علل جهانی بود حال رفیع

صفحہ شدہ است ع ع ۶۵۶

هو الابی

ش جناب غدیب حدیقہ المیہ علیہ بہاء اللہ الابی <sup>خط</sup>  
نمیند

هو الابی

۶۱۵

ظہارک

یا من اجتد بر وصہ و ذاتہ و کیوننتہ فی نشر نجات اللہ احنت  
احنت با استقامت علی عمد اللہ و وثاقہ و ثبت بقوۃ من اللہ علی ہذا  
الصراط الممدود لعمر اللہ یؤیدک علی ذلک جنود الملکوت الابی و الملکوت  
المقربون فاشد از رک بقوۃ من اللہ و قوۃ ظہرک بسلطتہ من اللہ  
و مر علی القلوب مرور نسیم الصبا و بشرہم بنفحات اللہ و <sup>شغل</sup> <sup>القلوب</sup>  
نار محبتہ اللہ و نور الالباب بنور معرفۃ اللہ و اشرح الصدور بفيض  
موہبتہ اللہ و احمی الارواح بالمیاء الطافۃ من حیاض رحمۃ اللہ  
فی ریاض امر اللہ و البہاء علیک و علی کل من افتقر فی سبیل اللہ  
و اصابتہ الفراء و الباساء فی محبتہ اللہ حقیقۃ مشقات و زحمت آن

جناب

۶۵۷  
جناب سید و پایان گشته صبر جمیل لازم از استقامت و ثبوت  
و اشتغال جناب افغان فرموده بودید سبب نهایت روح  
و ریجان گردید

هو الاهی

ش جناب غدلیب خدیقه توحید علیه بقاء الله الاهی

هو الاهی الاهی

۶۱۶

خطبناک

ای گامه خدیقه توحید و غدلیب ریاض تجرید جمال قدیم اوراق  
بدیعه که با حسن معانی و ابداع حقایق اسرار رحمانی مزین و مطرز بود  
تفاوت و قرانت گردید. نشر نفعات روح و ریجان شد و سبب  
گشایش وسعت وجدان گردید چه که مشعر بر شوق و شغف و جذب  
و و له قلوب یاران الهی و اجبای رحمانی بود و ناطق بثبوت و روح  
کل بر امر ربانی در زمان سکون و سزور ثبوت و رکون هر کس تواند  
و در وقت آسایش و سلم بسالت و شجاعت هر کس تواند لکن بنویس  
بجود ملکوت ابی نفوس مستند که در طوفان اعظم امتحان و اقلان

چون علم بین مرکوز و متین و قائم <sup>۶۵۸</sup> و در میدان مجاهده بانفس <sup>چون</sup>

حسن حسین ثابت و راسخ و مقاوم فتم ماقال سوی آن دلبر  
نپوید هیچ دل با آرزو با چنان کمرخ تحسب هیچکس در پیرهن  
یا برو همچون زنگی و بونی پیش گیر یا چو مردان اندرا و گوی در میدان <sup>نگین</sup>  
حال احمد لله که اجای الهی در اطراف و اکناف مستقیماً علی  
امر الله و ثاباً علی حجة الله مرد میدانند و مشتعلین بنا حجة الله  
آنجناب باید در کل حین محرک قلوب باشید و بشر نفوس  
جسم افسرده امکاناً جان باش و جان پشمرده انسانرا  
روح و ریحان اگر از بعضی نفوس فتوری مشاهده فرمائید حزن  
مشوید و مایوس مگردید چه که حرارات در آن نفوس چون شعله در شمع  
پنهانست و قتی آید که روشن گردد و شعله برافرازد و چهره برافرازد

و البهاء علیک ع

هو الله

ش حضرت عدلیب ریاض احدیه علیه بهاء الله

هو الله

من انجذب ببطوع نور اشرق من مطلع الاسرار حتى على الفوز العظيم  
 على النور المبين حتى على الخط الجليل حتى على الفضل البديع حتى  
 على البدر المنير حتى على السراج المضيئ حتى على الصدا القديم حتى على  
 لميثاق الغليظ قد اخذت الزلازل وتابعت النوايب وتفاقم  
 الامتحان وتفاقم الاقتان واطلمت آفاق قلوب اهل النسيان  
 نيوماً كشيقة من الطفيان ونضب ماء الايقان ونبع حميم الطون  
 الاوامر شامت الشبهات وذاعت المثبات قد تركوا الركن  
 المنصوص والبنيان المرصوص واتبعوا كل خاطئة عشواً وطلقة  
 ماءً وحاوية عمياء حسبوا انهم تركوا صدي كلاً اذا صدح  
 لورقاء في رياض البقاء وغنت حامة القدس في غياض الكبرياء  
 سطعت انوار التأييد في قطب السماء واشرفت مصابيح التوحيد  
 رجا جات الاصطفاً وهدت الطرق واستقامت السبل  
 ففتح في صور الانجذاب ونقر في ناقور احيات وصال جنود

عبد المولى

٦٦٠  
الملكوٰت الابهى وحال خيل ملائكة الملاء الاعلى ونفق علم الميثاق  
وانتشر شراع العمد والوفاق يو منذ ترى الثابتين فى جنة النعيم  
فى ظل ممدود ومقام محمود وعطاء مشهود وترى المترلزلين فى ظل  
يحموم ومقام مشؤوم وضنك وعموم وخسران الى يوم يعقون

ع ع

هو الابهى

ش حضرت عندليب حديقه معانى عليه بهاء الله الاسب

هو الابهى

اللهم يا الهى ترانى كليل اللسان عن بيان المواهب التى خصت  
بها اصفياك و اخصت بها من تشاء من اجابك ونفكر  
على الطافك فى هذه الايام التى زلت فيها اقدام المستكبرين  
على عمدك وميثاقك بحيث يا الهى اشرفت النوارك واشهرت  
آثارك ونظرت اسرارك وانتشرت نفايحك وعلت  
كلمتك وعبق طيب انفاس قدسك وتطهر الشرق والغرب

من رايحة

خط مبارک

من راحة قبيص تقد ليك ٦٦٦ واهتمت الاقاييم لتعليمك ايز  
 كاستجد على ذكرك ولك الشكر على كل ذكرك اي رب ايد المقربين  
 على الاجتماع في محافل الانس لذكرك وثنائك ووفق اثبتين على  
 الاحتفال في مجامع القدس لثباتك وولائك اي رب اجمع شلمهم ولم شمسهم  
 وارفع كلمتهم وانظرهم على اهم الآفاق بعونك ومعرفتك ونفوذ  
 كلمتك واجعل مجامعهم انكاسات جوامع الملكوت ومحافلهم آيات صوامع  
 انما هوت ليسجوك ويعقدوك ويمجدوك ويشكروك انك انت

الكريم الودود ع

هو الابهى

شيراز حضرت غديب رياض التي عليه بهاء الله الابهى

هو الابهى

اي رب هذا غديب رياض ثنائك وليث غياض ذكرك وورقا  
 فردوس محامدك ونفوسك قد تغرد على افان دوحه البيان <sup>التي</sup> وترنم في  
 حديقة العرفان بابداع الامحان ونادي بيشائك في قطب الافاق

سنة

١٩٠٤

خطبناك



٦٦٢  
 وثبت على عمدك وقاوم اهل الشقاق ايرب ايدہ في جميع اشئون  
 ياربي انخون و النطقه في محافل التقديس و مجامع التوحيد بذكرک  
 و ثناک و اشد ازره على خذتک و البه خلع التشریف بحکم  
 و توجه بتاج البودية في عقبته قدسک العلية و قدر له خيراً يتباهى به  
 الملا المقربين و يشرق وجهه بالنور المبين يارحمين و يارحم ايرب  
 هب له هذه الورقة البديعة امسک استجدیده و ستمها في ملکوتک نوراً  
 انک انت الواهب المقدر الکريم و انک انت الرحمن الرحيم

ع ع

هو الله

شيراز حضرت عنديب گلشن الہی عليه بقاء الله الاهی

الله الاهی

ای عنديب گلستان الہی موسم بهار الہی هنوز در نهایت طراوت  
 و لطافت و گلشن رحمانی در غایت نفاست و جلالت و دوستی  
 روحانی چون شاهدان انجمن یزدانی در نهایت ملامت و صباحت

و لیل

خط مبارک

۶۶۳  
و ببل معنوی در ابداع اتحان فصاحت و بلاغت با وجود این رهنما  
چند میدان گرفته اند و بنیعق و نصیب عربده در این چمن انداخته اند  
که این گلشن رحمان را گلشن ظلمانی نمایند و این فردوس الهی را نخل  
شیطانی نمایند طيور شکور را لاشخور منفور کنند و بازان غيور را  
زاغان کفور نمایند طوطیان شکرستان الهی را کلاخان قبرستان  
تراپی کنند و گلزار حقائق و معانی را خارستان رزائل غیر  
قنایه نمایند دانه که در این دام انداخته اند توحید عوامست  
و تفرید تبار در با زمان انعام که از احم قدیمه کمنه میراث مانده با وجود  
آنکه در جمیع الواح و زبر الهی بیان توحید بابع معانی موجود  
و مشهود حال این قوم عمود بذیل تمود یهود تثبت نموده اند  
جواب شیخ سلمان علیه بهاء الله الاهی را ملاحظه نمایند و اگر  
مقصود عظمت و بزرگواری و بی مثل و نظیری جمال مبارک  
روحی لقبته المقدسه الفداست این مسلم کل و متفق علیه عموم اهل  
دین است لا یتخلف فیہ اشان در تصور ذات او را گنج گو تدریاً

در تصور مثل او او مقدس از توحید و تکثیر و اخلاق و تقیید و ترکیب

و بسیط است کلّ هذا و صاف ادنی خلقه این چاره مانده از بیان

اولیای سلف خبر دارند نه از معانی و حقائق حضرت اعلیٰ روحی له

الفدا و نه از جوهر تبیان جمال ابی فدیت اجانه بکل الوجود القوی

توحیدشان منجبتبادر با و نام ع ع

الیوم اعظم فرائض اتحاد اجای الی البتّه سعی بلینغ مبذول بفرمایند

بر وسیله باشد الفت تا تمه بین دوستان حاصل گردد این امر را

آنجناب باید نهایت اہمت بفرمائید ع ع

و الیوم لم یکن خدمتہ اعظم من هذا ع ع

هو الله

ش حضرت غدلیب حدیقه ملکوت علیہ بہاء الله الاسب

الله ابی

جناب غدلیب چون آنجناب اہل راز این عبد استبد لهذا از اسرا

بیانی نمایم و آن اینست کہ این عبد را نهایت آمال و آرزو اینست کہ

عبدیت

عبودیت خویش را در آستان مبارک در جمیع عوالم ثابت نمایم و این  
عبودیت محضه را هیچ رتبه و مقامی تبدیل نمایم آنچه از عبودیت این  
عبودیت ذکر شود سبب مسرت دل و جانست و علت روح و ریحان  
و ضمیمه امر الله بستون عبودیت بلند گردد و سوره امر الله بعبودیت  
صرفه و فاء بحت خدمت شود آزادی اینعبود در این بندگیست و عزت  
مقدسه اش در عبودیت آستان مقدس پس کل باید بجهت قوت بر بندگی  
عبودیت جمال قدم روحی لاجزاء الفدا قیام نمایم تا بانوار عبودیت آثار  
و شهنمایم و بر روح فقر و فاقه و عجز و ابتهال جهان وجود را روح  
غشیم و با آنک الحان بدیع عبودیت زلزله بر ارکان عالم اندازیم  
قلم آنجناب باید تر جان قلم اینعبود باشد و آنچه از این قلم تر شیخ  
ناید از آن قلم تراود یعنی در ذکر عبودیت اینعبود قلم آنجناب انشاء  
یت عظمی گردد اینست که میفرماید تا نگردی فانی از وصف وجود  
ی مرد راه کی چشی خمر بقاء از لعل نوشین نگار لذا قصیده که تازه  
ست عشق آباد انشاء فرموده ای این را تبدیل بقصیده ذکر بندگی

و عبودیت اینعبد نمایند یعنی از بدایت تا نهایت ذکر عبودیت این  
عبد باستان مقدس باشد بنذا یفرح روحی و بیشتر صدری و <sup>نقش</sup>

نفسی و هراس در تالی الهنتی و مسجدی الاقصی و جنتی الماوی و هذا  
مذهبی و دینی و طریقتی و حقیقتی و حیاتی و نجاتی منذ نفوتمه اظفار

ع ع

هو الاهی

شیراز جناب عند لیب گلستان الهی علیه بها، الله الاهی

هو الاهی

۶۲۲

نظر مبارک

ای عند لیب گلشن ابی چون روحانیان محفل طرب آر آیند  
و بهائیان در سایه طوبی آسایند بزم میثاق بر ترتیب ظل شجره انسا  
مزین گردد چنگ الهی بدست گیر و آهنگ ملکوت ابی ساز کن که ای  
بهائیان وجد و طرب نمایند ای الکیان جذب و وله خواهید که نغمه  
ناقور حق شرق و غرب را ب حرکت آورده و صوت سوز و صافور حق  
جنوب و شمال را زنده نموده صوت تمهیل و تکبیر و رتبه تقدیس و تسبیح

از جمیع

از جمیع ارجاء و انحاء بملکوت ابی متواصل و صیت جمال ابی  
بهفت اقلیم متتابع و الهباء علی کل من ینتشر بهذا الحدیث

ع ع

هو الله

شیراز جناب غزلیب ریاض عرفان علیه بقاء الله الابی

هو الابی الله ابی

ای غزلیب حدیقه ابی در این مدت مدیده هر چند با کمال فصاحت  
و بلاغت قصائد غزالی انشاء نمودید ولی این منظوم اخیر لؤلؤ منشور  
مینر است و جوهر بنظیر مقبول واقع شد ولی بعد از تصحیح بار  
همیش در چستان عرفان با انواع نضات و ابداع اسما بذكر عبودیت  
این مجد تقنی فرماتار روح قهر گردد و قلب مستبشر شود و جان  
روح و ریجان یابد و انوار سرور بتابد و فیض جهور بیفزاید ای  
غزلیب وقت ساز و ترانه است و هنگام چنگ و چغانه  
دم بشارتست و روز فیروز فیض و غایت در شوق و شغاف

۴  
۳  
۲  
۱

۲۲۳

خط مبارک

و در طرب و شغف وقت آنست که از فیض الطاف جمال  
 ابی دم زنی و از اسرار میثاق قلوب اهل وفاق رازنده نمائی و بهائی

علیک ع ع

هو الای

ش حضرت غدلیب ریاض الہی علیہ بہاء اللہ الای

او الای

جناب غدلیب حدیقہ معانی پیک امین رحمن حضرت شیخ سلیمان  
 علیہ نجات ربہ المنان خدمات فائقہ با مرآتہ نمود در مجامع روحانہ  
 ہمیشہ باید ذکرش باقی باشد زیرا در ملکوت ابی چون سراج و تاج  
 روشن است حال باز ماندگانی دارد کل اجاء باید رعایت  
 آنها را ملحوظ دارند علی العجالہ حضرت افان اقا سید حسین علیہ  
 بہاء اللہ و شما باید مطاببات آن متصاعد الی اللہ کہ در آن حوالی ادر  
 بزودی تحصیل نمائید و مبارز ماندگان او برسانید البتہ نہایت ہمت  
 نمائید و تا پارہ آخر بزودی برسد و قبض و حصول گرفتہ شود و ارسال  
 ارض

ارض الله س گردد و البهائیک ع ع

هو الله

ش جناب عذیب حدیقه معانی علیه بهاء الله الابه

هو الابهی

ای عذیب حدیقه معانی ای جای تو خالی در بقعه بیضا، ای جای  
تو خالی در قبه نزار، ای جای تو خالی در موقع منعت لبان انبیاء،  
ای جای تو خالی الرّب مجد لبان و بهاء کرمل ای جای تو خالی  
در ارض مقدّس ای جای تو خالی در وادی امین ای جای تو خالی  
در ذروه علیا ای جای تو خالی در جبل کوم الله ای جای تو خالی  
در بهترین نقطه بیضا ای جای تو خالی در بنیان حضرت کبریا، ای جای  
تو خالی در خاک کشتی بدوش مبارک ای جای تو خالی غصه مخور چذکش  
بالتیابه از جناب شیخ الرئیس و جناب افان و جناب فاضل و جناب  
غلامرضا خان و جناب شما و جناب معمار باشی و سایر اصحاب یکشم  
و این نیابت عین غایت و صرف موهبت از حضرت احدیت است

ت بید

۶۲۵

خط مبارک



که عبد البهاء را موافق بان نموده که بالنسبه از نفوس زکيه در اين مقام  
 قيام نمايد رب اقبل من عبدک انخاضع انخاضع البائس الفقير هذه  
 النسبیه لاحباء الله انک انت المقدر العزيز القابل للفقير ع

هو الای

ش حضرت غدلیب ریاض توحید علیه بھاء اللہ الای

هو الای

۰۲۶

عبد البهاء

ایما الطیر المغرد فی حدائق العرفان لعمرك انی بکل وجد و اشواق  
 و حنین لا یطاق احن الی ایک اللقا، لا سمع صیاح دیک الوفا، عند  
 تبیح لواج الصباح لتتذکر الارواح تک الالفة الروحانیة و المواتة  
 الوجدانیة الیی كانت لہا، فی ظل انحام الرحمانیة فی الروضة الغناء  
 و احدیقة القلب و الدسكرة الخضراء و نحن نجتمع کالنجوم فی تک البروج  
 و نألف کالظیور فی تک المروج و نترنم بابداع الاسمان فی المحمد و انشئت  
 لربنا الرحمن و نتلو قصائد کالفرائد النوراء و انخراند الغراء بکل سرور

فی ظل ربنا الای روجی لاحباءه فدا ع ع

ای ثابت برپیمان حضرت افغان سدره مبارکه جناب آقا میرزا آقا در  
کمال روح و ریحان و ثبوت برپیمان و خدمت باستان یزدان حازم  
انسان می‌شوند حین ورود بایده حضرات افغان شجره مقدسه و جمیع یاران  
در کمال احترام بملاقات شتابند و بجمیع و سالیط حثیه تثبیت  
فرمایند و ابداً اغبرار ماضی را بنحاطر خطورند همد و آن حضرت  
باید در نهایت همت و اسطه عقد این الفت گردند که انشاء الله کل  
چون جنود ملا اعلی بر نصرت کلمه الله در جمیع مراتب وجود و شئون  
غیب و شهود از اخلاق و اطوار و احوال و کردار و گفتار قیام  
نمایند و شریک و رفیق و و فیق عبدالبهاء در عبودیت و فناء و رقیقت  
و وفا گردند تا عماد خبایه تقدیس مرتفع شود و جنت ابی در نهایت  
طراوت و لطافت و نظافت چهره گشاید ع ع

هو الله

شیراز حضرت عذیب ریاض میثاق علیه بهاء الله الابهی

۹۲۷  
برپیمان

۹  
س  
س

٦٢٢  
هو الابهي الابي

ايها العذيب في حديقه التوحيد طوبى لك بما تغنيت في رياض العرفان  
بالدع الاحسان وتغردت في غياض الميثاق باحسن الانعام والايام  
تانه اني يستمع لاصحاحك آذان الملا، الاعلى في التسمين والتسبيح  
في ثنائك على ربك الابهي اذاً فادع كديك المنكوت وتغرد كما تمة  
القدس في رياض المجر وت مثنيا على رب العظمة واللدهوت  
النير الابهي ومبيناً لعبوديتي لتلك العتبة الباسية التي اكتب عليها للآ  
العالين بالوجه النوراء ع ع

هو الله

ايها العذيب الصادق في رياض الميثاق هرچداين عبد در تحير  
تاخير نيمايه ولي در عالم قلب وروح دائماً مسترأ بذكر اصفياء الله  
مشغول ومسرور زيرا غوائل و مشاغل وشواغل بدرجه كه وصف  
مستحيل ومتنفع بلايا، ورزايا، ليل ونهار چون سيول ونهور  
وجار با وجود اين چگونه فرصت مخايره با شرق وغرب ومجاوبه  
با جميع

٦٢٨  
عظما  
بارك

٦٢٩  
عظما  
بارك

٦٧٤  
 با جمع ملل عالم باری مقصود اینست که عبدالبهائم در آستان مقدس  
 دائماً بیاد شامشغول و طلب ناید مینایم که در جمیع شئون مؤید برنشر  
 میثاق نیر آفاق باشید و سبب تنبیه و تذکر و خضوع و خضوع فلین

شود ع ع

هو الاهی

جناب عذیب ریاض توحید علیه بهائم الله الاهی ملاحظه نمایند

هو الاهی الاهی

لا بهتلن ایلک یا الھی و اتضرعن مین یدیک منذللاً منکسرّاً الی ملکوی  
 الاعلی و جیروت غیبک الاهی و ذروتک العلیاء و عدوتک نقضوی  
 ان تترک کل برنگک و تحیتک و موہبتک علی الذین ثبتوا علی میثاقک  
 من ارتقاؤک و نصر و اکلتمک و نشر و آیاتک رب رب انتم فترآء  
 بیاب احدیتک و اذلاء فی رجة الوہبتک و ساحة ربوبیتک  
 البسم رداء العزة القدیمة بقیومیتک و زین نامتم باکلیل حلیل  
 من الفرائد النوراء و انخرائد الفراء و الیتیمه العصماء علی سریر ربوبیتک

تذکره

۳۰۰

خط کاتب در پهنای سبک

٦٧٤

العظمى في عوامك الاضرى في الملكوت الاعلى اى رب توريهم  
 بالنور المبين واستقم كأوساً من ماء معين وادخلهم في جنة تقويم  
 واجعلهم هداة الى صراطك المستقيم وحماة لصنك المحصين ورأى  
 للمردة المذبذبين وحراساً لبنياتك العظيم حتى تلوح وجوههم  
 كاتجوم في مشارق ارضك ومغارها وتنتشر بهم نفحات قدسك في  
 مطالعها ومنازلها انك انت المؤيد المقدر العزيز الكريم البر  
 اجعل كل حبيب سهياً لعبدك هذا في عبودية عبته قدسك السامية  
 البناء والتدلل من جميع الجهات باب احديتك التي تنزهت  
 عن الهمم والقوت والشقاء اى رب اجعلنى فانياً قائماً ساجداً  
 منذ لاخادم خاضعاً خاشعاً كئيباً بوجهه على التراب ثاباً على عبودية حقيقته  
 كسنة ذاتية باطنية ظاهرة اولية آخريه سرمدية ابدية لان هذه  
 هى ذروتى العليا ومنتهى عروجى الى اوج بروج منقبتى العظمى وهذه  
 حياتى الابدية ونشئى السرمدية وسرورى وجورى وقره عينى  
 وشفاء صدرى وبره علتى وبرد لوعتى وراحة روحى واعظم دوى

رب

رب ابعث قلوب اجناسك تتفقد على يد نقر امة الكبرى والعقيدة المقبولة  
 في باب موهبتك العظمى حتى ينطقوا بهذا النص العجيب من غير تاويل  
 او تفسير او تشرح او تلويح وايدني عليها ووقفني على الثبوت فيها  
 انك انت مؤيد من تشا عني وانك انت المقتدر القدير

اي ثابت بريثاق آنچه مر قوم نموده بوديد تلاوت شد و مذاق حلاوت  
 يافت گلشن قلوب را چون رشحات غيوم سقايت نمود و طراوت بخشيد  
 زير ابيارت تو قد شعله سينا در موطن نقطه اولي روي له الفدا بود  
 ودلالت بر انشا رفعت الله در آن اطراف بيار حقيقي ميرزا  
 علي اكبر خان تحت و ثنا برسان و بگو ابي دوست تو فيقات اليه تورا  
 در دشت و صحرا بگرداند تا بر چشمه حى قيوم وارد گردد و از ما حيات  
 روزي بخشيد سبيل نجات بنمود و آيات بينات مشهود كرد  
 و از سهم شبها محفوظ داشت فاشكر الله على ذلك انه وليك  
 في دنياك و اخرتك و نصيرك و مجيرك و سميرك في الاسفار  
 گل گلشن جمال محمدى حفيد مرحوم اقا ميرزا على جناب اقا ميرزا ابو القاسم

را تحت کبری برسان و همچنین عم محترمان را و بگو قد تلونا قصید  
 الغراء و خریدتک الفريدة الزهراء لله درک ما افضها و ابلغنا کانا  
 ماء زلال سکوب من السماء و شهد فائق مصفاً و اجزت و عجزت  
 اسهبت و اطربت و ان عبد البهاء يتمنى العبودية الصرفة لخصته  
 العظلى من جميع الجهات فى الساحة السامية الشاعرة الارجاء فان  
 كنت اجبت ان يطير قلبى فرحاً و يستقيم ظهري سروراً و ينجلي  
 بصري ابتهاجاً و يهتر نفسى انشراحاً اطلق اللسان دائماً في ميدان  
 عبوديتى و قائل و اضمدلى فى كل الشئون و الاحوال غداً  
 تطرب من طربي و تجذب من فرجى و تطير بجناحى و تتعارج بابابه  
 و قوادمى و ترفرف فى الارجاء العلى بعبوديتك للخصرة الربانية  
 في هذه الهشة الانسانية انما نشاة لامتعة الصبح ساطعة الفجر  
 فى عالم الكيان والعيان و به دو انباء اقا ميرزا حسين جراح  
 نيكه برسان و بگو اى دو پسر چون دو پيكر منطقة البروج اسجد  
 لله چون مرغ سحر اهم پر پر شديد و بفضاء بيباين عرفان

طیران نمودید پس بشکرانه این فضل و کرم زبان بگشایید  
 و ممنون پر گردید و البتہ علیکم و بجیب ادیب آقا میرزا آقا  
 طبیب کمال اشتیاق را بلاغ دارید و بگویند ای طبیب علل و امراض  
 روحانی نفوس انسان را مریض و علیل نموده همچون بره است  
 بکار بر و مفرح لاهوتی مبذول دارد در یاق فاروق بده و کاس  
 را فوق بنوشان بلکه هر مسموم از این طبیب مسموم صحت  
 ابدی یابد و هر محروم از این فضل نصیب موفور یابد و همچنین  
 حکیم حاذق و جیب صادق یار موافق میرزا محمد رضای طبیب را  
 تکبیر برسان و بگو طنز و درخت است و جدوار در چین و مشک  
 درختن ولی جمیع عقایر سریع تاثیر شافی امراض و علل  
 در بقعه مبارکه وادی امین طور سینا، بقعه بیضا، ارض میعاد  
 صحرای طور موجود که هر یک طنز و را مقهور کند و جدوار را بیدار نماید  
 و رشک مشک شود ای پزشک دانا این درمان را داروی هر درد  
 نما و این سرهم را ضماد هر زخم کن تا نفس و آفاق صحت تافته



و عاقبت کلام یابد و بجناب شمس ابلاغ فرما که آفتاب حقیقی بنام  
 ابی بر آفاق بتافت کوکب فلک اثر حقیر شد و فقیر گشت زیر پر تو  
 این دانه محدود و اشراق آن در این فضای غیر تنهایی محصور دانه  
 کوکب انبر صغیر است و دانه نیز اعظم محیط برد و انبر صغیر و کبیر  
 حال چون موسوم شمسی از حرارت دمی بنا و رسم غبرآء را فضا  
 خضراء کن و دیگر بار معنوی جناب محمد کریمخان را کبیر مشتاقانه برت  
 و بگو ای دوست مرغان پر تو یزدان دلنار روشن نموده را نخل زمین  
 جهاندار گلبن و گلشن کرده نسیم عنایت میوزد و نسیم ریاض بنام  
 جان می بخشد آیات توحید در ترتیل است و آیات تقدیس و تشبیر  
 صبح حقیقت افق امکانرا منور نمود صبای جان بخش از سبای  
 ملکوت ابی بر بسیط غبرآء مرور نمود کون خلق جدید گشت و کائنات  
 بقیص بدیع محمور شد حمد خدا را که از این فیض مفرغ نصیب مفرغ  
 داشتی و رزق مقوم بردی و حضرت پر نیاز جناب پیشماز  
 را با حرارت ابدی در مسجد بردی ابلاغ اشتیاق عبد البهائم بنام  
 و گوئید

و بگویند وقت عجز و نیاز است و طرب و ساز و آهنگ و آواز  
و بندی شمناز باز اوج غزنی صیفی بزین و طاوس ریاض بودتی  
شهر تقدسی گشا و البهائم علیک حضرت جلیل جناب رئیس الدما  
انیس عبد البهائم و دمبدم بیادشان همدست و شب و روز  
طلب توفیق مینماید تا بنصرتی از ملا، اعلی و بموہبتی از ملکوت غیب  
ابہی جمیع جو اسس و قوای اسرای نفس و هوئی رایجنت ابہی  
متوجہ فرمایند آن رتبہ یوئیدہ و یوقفہ بجنودلم تر و نا و جیوش عمرتہ  
متابعہ من الملأ الاعلی اگر حکمت در حرکت از آن ولایت دانند  
بہتر چنان است کہ با قالیم ایران بشتابند چه کہ در انگشور استعد  
عظیم حاصل شدہ و بالاخص در طهران چنان جوش و خروش است  
کہ تصور نتوان اگر مدتی قلیدہ در آمدنہ بخدمت امر اللہ قیام نمایند  
آذان مستعد است و نفوس منتظر وقت خرم است و هنگام  
ظہور فیض و برکت و البهائم علیک و بجزرت شیخ محمد فاضل  
ابلاغ فرما کہ وقت خدمت است و هنگام نشر نجات در آن مملکت

حال در آنجا که موطن حضرت اعلیٰ روحی را جانه الفداست امر الله  
 قوامی یافته و سبب سرور قلب عبدالبهاگشته زیرا نهایت آمل  
 این بود که در آنجا که مطلع هر انوار است انوار حقیقت منتشر گردد اگر شما  
 و حضرت رئیس و جناب غنلیب از آن اقلیم سفر کنید شاید  
 روحانی در قوت پیدا گردد انشاء الله در وقتش میتر خواهد شد ای  
 حضرت غنلیب جواب شما در این ضمن داده شد با و از هزار الحاح  
 قسم که عبدالبها، از شدت غوائل و کثرت مشاغل و هجوم اهل قهقور  
 وقتن و فساد اهل غرور و نصت بخارش سطری از سطور ندارد تا بهتر  
 از یاران روحانی و دوستان رحمانی نامه مخصوص نگارد لهذا البته  
 معذور دارند ولی در استان پاک طلب تأیید بهر هر یک می نمایم  
 مطمئن باشید که تأییدات متابعاً می رسد و البها، علیکم اجمعین ع ع  
 شیراز جناب غنلیب گلشن معانی علیه بها، الله الابه

هو الله

ای هزاره در استان در این عید رضوان سنده قمری شصت ظهور

قصیده

خط کتابت میرزا محمد...

نصیده که انشا فرموده بودید فی الحقیقه بدیعت و بلیغ و صیحت  
 و لطیف در نهایت سلاست و جلالت و بلاغت و مضمون در  
 نهایت اعتدال ایذک الله علی ابدع النعمات فی فسح الجنان بقو  
 لاجان انشاء الله همواره محافل یاران را باین ترانه مستفی از  
 شراب شبانه و اسحان چنگ و چانه نمائی و عیدک التیه و اثنا  
 ع ع

ب  
 ۱  
 ۱  
 ۱

ش حضرت غزلب گلستان عرفان علیه بهاء الله الیه  
 ملاحظه نمایند

هو الله

۶۳۲

خط کتابت در عهد بهار

ای غزلب گلستان عرفان مشاغل بی پایان و وقایع ناگمان و معضیات  
 زمان و انتشار عظیم امر رحمن عبد البهارا مجبور بر قصور نمود لهذا چنانچه با  
 و شاید از عهد مکاتبه مستمره با یاران بر نیاید چکنم جمال ابی امیرش را  
 در آفاق منتشر نموده وصیت عبودیت عبد البهارا باستان مقدسش  
 بهمانگه فرموده و باین سبب مشاغل را بجد و پایان کرده لهذا لاجور

مغذور و قبول العذر امر مبرور بنور ملکوتش قسم که آرزویم چنان است

هر دم بذکر و یاد و مکاتبه یاران رحمانش پردازم دمی نیاسایم و نفسی  
بر نیارم مگر آنکه هدم رازشان شوم و هم آهنگ و هم آوازشان از فضل بی  
منتهایش اسید وارم که رو بطاروحانیه را چنان محکم و متین فرماید که احتیاج  
بجامه و نامه نماند مقصود اینست که همواره همدمی و ندیم و دائماً جلیس و قرین  
و عیدک التحیه و الثناء

رب ستم قره عین احسنت به علیه با بحیب فی ملکوتک و ربه فی حمد  
الروحانیه فی حیر اشراق انوار لاهوتک انک انت الرؤف الکریم

الو ت ا ب ع ع

هو الابهی

ش ورقه نورانیه سدره ربانیه و الده حاجی میرزا علی

افان علیها بنام الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

ایشما الورقه الروحانیه من السدره الربانیه از فیض تجلی شمس افق

توحید

۶۳۳  
کتابخانه

توحید بانوار سالحه مطلع تفرید حقائق نورانیه در ظل کلمه جامعه تربیت  
 شده اند که کواکب مشرق عالم وجودند و نجوم بازغ فجر شود آیات  
 باهره جمال قدمند و آیات شاهه اسم اعظم سرج نورانیه  
 ز جاجه امکانند و شهب ثاقبه سماء رحمن آن حقائق مقدسه  
 بقوتی رحمانیه و قدرتی ربانیه و عزتی صدانیه و شوکتی ملکوتیه  
 و نفسی روحانی و انبغاشی وجدانی و روحی ربانی در اعلا کلمه آ  
 و نشر نفعات الله کوشند و الیوم این خدمت عظمی را بجمع شئون  
 باید نمود یعنی بافعال و اعمال و اخلاق و اطوار و اقوال تا انوار  
 فیوضات قدم از اسم اعظم در هیماکل توحید از جمیع جهات ساطع  
 گردد پس ای ورقه روحیه سدره مبارکه از خدا بخواه که از  
 نفعات این مقام مشام معطر نماید تا آن ورقه نورانیه بطراز

مزین گردد که نورانیت

آن اقلیم شود

عبد البهاء ع

٦٨٣  
هو الله

شیراز و امته الله المبین القیوم الورقة المقدسه والده حاجی میرزا  
افغان و امته الله المبین القیوم الورقة المقدسه زبور سلطان  
و امته الله العزیز الرحمن بنت شیخ علی میرزا علیین بما آله

اللا بی  
هو الله

نظارت  
بازار  
میرزا

٤٢٢

ای ورقات نورآ، آنچه مرقوم داشتید ملحوظ گردید و فریاد  
و فغان از شدت اشتیاق نموده بودید و آرزوی طواف  
دو مرقد منور آفاق هر چند در این ایام موانع بسیار و جمیع  
از حضور در این دیار ولی نظر با مر محکم متین در کتاب مبین آت  
ذوی القربی حقّه مآذون حضورید ولی بشرط ایام معدود تا آن طویر  
پرواز باین بیت معمور نمایند و توجه ببلده طیّبه و ربّ غفور لکل  
عبد شکور کنند جمیع افغان سدره مبارکه را علی الخصوص فرع دو حقه بقاجا  
حاجی میرزا علی را تحت ابدع ابی البلاغ نماید و علیکن التّحیّه و الثّناء ع  
هو الله

۶۸۵  
هو الله

شس جاب آقا میرزا جعفر خان علیه بقاء الله الابه

هو الله

ای بنده ثابت ثابت جمال ابی خدماتت در یوم عروج حضرت  
اقان در آستان حضرت رحمن رحیم مذکور و مدوح و در ملا علی  
معروف و مشهور یاران الهی باید در چنین موقعی جانبازی نمایند  
تا سبب ابتاه اغیار گردد و علت حیرت بیگانگان شود و علیک

التحیة و الشناو ع ع

مستند

هو الله

جاب میرزا محمد جعفر منشی علیه بقاء الله الابه

هو الابهی

ای منشی بلیغ شعروا نشاء از تعلقات فن بریع و بیانت و این  
چنانست که آوارگان را نصیب از بریع این بریع نه و تاب و توان  
تصور نکات فن بیان نیست ولی الحمد لله حائقی اسرار بیان یزدان

۶۲۵

خط کتابت حضرت آقا میرزا جعفر

۶۳۴

خط کتابت



و صحیفه رحمن مشهور و عیان و آن خرق حجاب و ہتک نقاب کشف  
سحاب در یوم طلوع آفتاب جہا تا تاب رب الارباب انشاء اللہ  
از این بیان نصیب و فیر داریم و بہرہ کثیر فیوض تاریخ این بیان  
مستغنی از آن بدیع و بیان مینماید پس قلم بلوغ را بگیر و بر لوح بیط  
جوہر بیان دبدیع بنکار تا حق فصاحت و بلاغت و حلاوت عبارت  
بدی و معجزہ بدیع و بیان الی بنائی و البہاء علیک ع

تاریخ نیرۃ ہم شہرا بحلال سنہ ہشتاد و پنج مطابق اول ماہ اردی بہشت  
سال ہزار و سیصد و ہفت و سلخ شہر شوال ہزار و سیصد و چہل و شش  
جلد اول الواح مبارک حضرت عبدالبہاء ارواحا لرمسہ

ال لہر فدا عبدفانی سید احمد عطفونہ

جہرمی ہتدناخ

نمود

